صحیفۂ مہدیہ



صحیفهٔ مهدیّه

تألیف
سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

صحیفهٔ مهدیه

ترجمهٔ کتاب «الصحیفة المهدیّة»

مؤلّف: سیّد مرتضی مجتهدی سیستانی

مترجم: محمّدحسین رحیمیان

ناشر: نشر الماس

چاپ: انصار المهدی علیه السلام

نوبت چاپ: هشتم

تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۸۴

قطع و صفحه: ۵۶۰ وزیری

تیراژ: ۴۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰

نشر الماس: ۲۱ـ۲۶۱۳۸۲۰ـ۰۲۵۱ ۰۹۱۲۲۵۱۰۳۵۸

سایت مؤلّف

www.almonji.com

Email:info@almonji.com


بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدّمه

نکتهٔ مهمّ ۲۴
ضرورت دعا از نظر عقل و نقل ۲۷
آداب دعا ۳۱
اهمیّت مداومت بر دعا ۴۷
نقش یقین در مستجاب‌شدن دعا ۴۸
یقین و آثار شگفت‌انگیز آن ۵۱
دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه لازم و ضروری است ۵۳
مظلوم‌ترین فرد عالم ۵۶
نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیّاط ۵۸
تجربهٔ مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی ۶۰
کسی که برای تعجیل ظهور دعا کند دعای امام زمان ارواحنا فداه شامل او می‌شود ۶۲
تشکیل مجالسِ دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۶۵
مکان‌های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۶۷

۱ ـ فضیلت مسجد کوفه و مصلّای حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور ۶۹
۲ ـ فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه در آنجا است ۷۰
۳ ـ مسجد مقدّس جمکران ۷۲
توجّه به وظایف دوران غیبت ۷۸
اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! ۸۰
روش فکری خود را تغییر دهید! ۸۲
به سوی امیر عالم هستی ۸۴
توجّه به حضرت بقیّةالله ارواحنا فداه لازم است ۸۸
انتظار ۹۴
انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۹۹
معرفت یا راه انتظار ۱۰۰
احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۱۰۲
معنای حضور چیست؟ ۱۰۷
عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم‌السلام ۱۰۸

بخش اوّل

نماز ها

۱ ـ نماز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۲۵
۲ ـ نماز دیگر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۲۵
۳ ـ نماز مسجد مقدّس جمکران ۱۲۶
٤ ـ نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حلّه و نعمانیّه ۱۲۷
۵ ـ نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت‌ها ۱۲۹
٦ ـ نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۳۰
۷ ـ نماز و دعای فَرَج برای رفع مشکلات مهمّ ۱۳۱

۸ ـ نماز استغاثه به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۳۸
۹ ـ نمازِ هدیه خدمت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۴۰
۱۰ ـ اهداء نماز به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه ۱۴۱
۱۱ ـ نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب‌های پنجشنبه و جمعه ۱۴۲
۱۲ ـ نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۴۳
۱۳ ـ نماز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در شب جمعه ۱۴۳
۱٤ ـ نماز دیگر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۱۴۵
۱۵ ـ نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۴۶
۱٦ ـ نماز شب نیمهٔ ماه شعبان ۱۴۷
۱۷ ـ نماز دیگر در شب نیمهٔ شعبان ۱۴۸

بخش دوّم

دعاهای قنوت

۱ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها ۱۵۱
۲ ـ قنوت حضرت امام سجّاد علیه‌السلام برای رفع شرّ اشرار و چیرگی و پیروزی حق در جهان ۱۵۲
۳ ـ قنوت حضرت امام باقر علیه‌السلام ۱۵۳
٤ ـ قنوت حضرت امام رضا علیه‌السلام ۱۵۴
۵ ـ قنوت حضرت امام جواد علیه‌السلام ۱۵۵
٦ ـ دعای دیگر امام جواد علیه‌السلام در قنوت ۱۵۶
۷ ـ قنوت حضرت امام هادی علیه‌السلام ۱۵۸
۸ ـ دعای امام حسن عسکری علیه‌السلام در قنوت ۱۵۹
۹ ـ دعای قنوت حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه ۱۶۶
۱۰ ـ دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در قنوت ۱۶۷
۱۱ ـ دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۱۶۹
۱۲ ـ دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عجّل الله تعالی فرجه ۱۷۰

بخش سوّم

ادعیهٔ بعد از نمازها

۱ ـ دعای برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۱۷۱
۲ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از نمازهای واجب ۱۷۱
۳ ـ دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می‌شود .. ۱۷۲
٤ ـ دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۱۷۳
۵ ـ دعای بعد از نماز صبح ۱۷۴
٦ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح ۱۷۵
۷ ـ دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۱۷۶
۸ ـ دعای دیگری برای حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح ۱۷۶
۱۱ ـ ۹ ـ دعاهایی که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه بر ای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند . ۱۷۷
۱۲ ـ دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۱۸۰
۱۳ ـ دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۱۸۰
۱٤ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر ۱۸۴
۱۵ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اوّل نماز شب ۱۸۶
۱٦ ـ دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۱۸۷

بخش چهارم

دعاهای ایّام هفته

۱ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ۱۸۹
۲ ـ صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنافداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۱۸۹
۳ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۱۹۰
حکایت دعای علوی مصری ۱۹۱

٤ـدعای علوی مصری از امام‌زمان ارواحنافداه‌که در گرفتاری‌های‌شدید خوانده‌می‌شود ۱۹۳
روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است ۲۱۰
فضیلت دعای ندبه ۲۱۲
۵ ـ دعای ندبه ۲۱۴
٦ ـ دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج ۲۲۳
۷ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز جمعه ۲۲۴
۸ ـ دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه ۲۲۴
۹ ـ صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنافداه خواهدبود ۲۲۵
۱۰ ـ دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان ۲۲۵
حکایت صلوات ضرّاب اصفهانی ۲۲۶
۱۱ ـ صلوات ضرّاب اصفهانی ۲۳۱
۱۲ ـ صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ۲۳۵
۱۳ ـ فضیلت خواندن سورهٔ بنی إسرائیل در هر شب جمعه ۲۳۶

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

۱ ـ دعا برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا ۲۳۷
۲ ـ دعای دیگری در روز عاشورا ۲۴۳
۳ ـ دعای ایّام ماه رجب که از ناحیهٔ مقدّسهٔ امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است ۲۴۴
٤ ـ دعای دیگر در ایّام ماه رجب که از ناحیهٔ مقدّسه رسیده است ۲۴۶
۵ ـ دعای سوّم در ایّام ماه رجب ۲۴۷
٦ ـ دعای روز سوم شعبان ۲۴۹
فضیلت شب نیمهٔ شعبان ۲۵۱

۷ ـ دعای شب نیمهٔ شعبان ۲۵۳
فضیلت دعای (خضر، معروف به دعای) کمیل در آن شب ۲۵۴
۸ ـ دعای افتتاح ۲۵۵
۹ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب در ماه مبارک رمضان ۲۶۰
۱۰ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۲۶۱
۱۱ ـ دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان ۲۶۲
۱۲ ـ دعا هنگام وقوع صیحه ۲۶۵
۱۳ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان ۲۶۷
۱٤ ـ دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان .. ۲۶۸
۱۵ ـ دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنافداه در شب بیست‌وسوّم ماه مبارک رمضان .. ۲۶۹
۱٦ ـ دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنافداه در شب بیست‌وسوّم ماه مبارک رمضان .. ۲۷۰
ادب و احترام شیعه نسبت به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز عید فطر..... ۲۷۱
۱۷ ـ دعای روز عید غدیر؛ کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم
حضرت قائم عجّل الله تعالی فرجه و در خیمهٔ آن حضرت باشد ۲۷۳
۱۸ ـ تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه ۲۷۶

بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معیّنی از ایّام هفته نیست

۱ ـ دعای عهد ۲۷۷
معنای بیعت با حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه ۲۷۹
۲ ـ دعای عهد دیگر ۲۸۲
۳ ـ دعای زمان غیبت ۲۸۴
٤ ـ دعای زمان غیبت به روایتی دیگر ۲۸۷
۵ ـ دعای معرفت در زمان غیبت ۲۹۲

٦ ـ دعای دیگر در زمان غیبت ۲۹۷
۷ ـ دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۲۹۸
۸ ـ دعای غریق در زمان غیبت ۲۹۹
۹ ـ دعایی مناسب با زمان غیبت ۳۰۰
۱۰ ـ دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان ۳۰۰
۱۱ ـ دعای امام جواد علیه‌السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۳۰۱
۱۲ ـ دعا برای حفظ شدن از شرّ دجّال ۳۰۲
۱۳ ـ دعای فرج (إلهي عظُم البلاء) ۳۰۵
۱٤ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام ۳۰۶
۱۵ ـ دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در سجدهٔ شکر ۳۰۷
۱٦ ـ دعای هنگام عطسه ۳۰۸
۱۷ ـ دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ۳۰۸
۱۸ ـ دعای برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز ۳۱۰
۱۹ ـ دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۳۱۲
۲۰ ـ صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۳۱۵
۲۱ ـ دعایی از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها ۳۱۶
۲۲ ـ دعای حضرت صاحب الأمر عجّل الله تعالی فرجه ۳۱۷
۲۳ ـ دعای سهم اللیل از امام زمان ارواحنا فداه ۳۱۸
۲٤ ـ دعای دیگر از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۳۱۹
۲۵ ـ دعای «یا نور النّور» از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۳۲۰
۲٦ ـ دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ۳۲۱
۲۷ ـ دعای مهمّ دیگر از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت‌ها ۳۲۲
۲۸ ـ دعای امام عصر عجّل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری‌ها ۳۲۳
۲۹ـدعای دیگر از امام زمان ارواحنافداه برای رهایی از سختی‌ها و حفظشدن از دزدها . ۳۲۴

۳۰ ـ دعای دیگری از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات ... ۳۲۵
۳۱ ـ حرز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۳۲۷
۳۲ ـ دعای حجاب (پنهان بودن) از امام عصر عجّل الله تعالی فرجه ۳۲۷
۳۳ ـ دعا برای فرَج در روز ظهور ۳۲۸
۳٤ ـ دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در اوّل ظهور ۳۲۹
۳۵ ـ دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه ۳۳۰
۳٦ ـ دعای آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام ۳۳۱
۳۷ ـ صلوات بر حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام (أللّهمّ صلّ علیٰ فاطمة وأبیها ...) ۳۳۲
۳۸ ـ ثواب خواندن سورهٔ مبارکهٔ «کهف» ۳۳۳
۳۹ ـ از خواصّ سورهٔ «یس» ۳۳۴
٤۰ ـ فضیلت سوره‌های «مسبّحات» ۳۳۴
٤۱ ـ خواندن سورهٔ «القارعة» سبب ایمنی از فتنهٔ دجّال است ۳۳۶

بخش هفتم

توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

جریان دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۳۳۷
۱ ـ دعای توسّل معروف به دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله ۳۴۲
۲ ـ دعای توسّل به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه ۳۴۹
۳ ـ توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در مشکلات ۳۵۰
٤ ـ توسّل به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۳۵۳
۵ ـ توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا محمّد یا علیّ...) ۳۵۴
٦ ـ توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزّمان) ۳۵۸
۷ ـ توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۳۵۸
۸ ـ توسّل دیگر به آن حضرت ارواحنا فداه (یا حجّة القائم) ۳۵۹

۹ ـ توسّل برای رفع بیماری ۳۵۹

بخش هشتم

عریضه ها

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه ۳۶۲
جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه ۳۶۴
۱ ـ کیفیّت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجّل الله تعالی فرجه ۳۶۷
۲ ـ عریضه‌ای به خداوند که در عریضهٔ حضرت بقیّةالله ارواحنا فداه قرار داده می‌شود .. ۳۷۱
۳ ـ عریضهٔ استغاثهٔ دیگری به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه ۳۷۴

بخش نهم

استخاره ها

آخرین توقیعی که از ناحیهٔ مقدّسه صادر شد، دعای استخاره بود ۳۸۰
۱ ـ دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است ۳۸۰
نکتهٔ مهمّ ۳۸۲
۲ ـ دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن ۳۸۲
۳ ـ استخاره با رقعه که از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است ۳۸۴
انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است ۳۸۵
٤ ـ استخارهٔ اوّل ۳۸۵
٥ ـ استخارهٔ دوّم ۳۸۶
٦ ـ استخارهٔ سوّم ۳۸۶
۷ ـ استخارهٔ چهارم ۳۸۷
۸ ـ استخارهٔ پنجم ۳۸۸

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده‌اند

۱ ـ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی‌ها به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه .. ۳۸۹
حکایت حرز یمانی ۳۹۷
۲ ـ حرز یمانی ۴۰۱
۳ ـ دعای حریق که بامدادان خوانده می‌شود ۴۰۷
٤ ـ دعای الحاح از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ۴۱۵
۵ ـ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس‌ازنماز واجب به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنافداه . ۴۱۶
٦ ـ دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجدهٔ شکر به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنافداه. ۴۱۷
۷ ـ دعای سجدهٔ امام سجّاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ۴۱۸
حکایت دعای عبرات ۴۲۰
۸ ـ دعای عبرات ۴۲۲

بخش یازدهم

زیارت‌ها

استحباب زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان ۴۲۹
زیارت حضرات معصومین علیهم السلام وهدیهٔ ثواب آن‌به‌پیشگاه‌حضرت‌بقیّة‌الله ارواحنافداه ... ۴۳۰
آداب زیارت ۴۳۱
۱ ـ زیارت آل یٰس ۴۳۹
۲ ـ زیارت ندبه ۴۴۲
۳ ـ زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه ۴۴۷
٤ ـ زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنافداه که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده‌می‌شود. ۴۴۹

۵ ـ زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درروز یکشنبه که از حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه روایت شده است ۴۵۰
٦ ـ زیارت ناحیهٔ مقدّسه ۴۵۱
۷ ـ زیارت رجبیّه که در حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام در ماه رجب خوانده می‌شود ۴۶۴
۸ ـ زیارت حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه در حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه‌السلام ۴۶۶
۹ ـ اذن ورود به حرم‌های ائمّه علیهم‌السلام و سرداب مقدّس ۴۶۶
۱۰ ـ زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در سرداب مقدّس ۴۶۸
۱۱ ـ زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۴۷۶
۱۲ ـ زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ۴۷۶
۱۳ ـ زیارت چهارم در سرداب مقدّس ۴۷۷
۱٤ ـ زیارت پنجم حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه ۴۸۰
ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۴۸۲
۱۵ ـ زیارت ششم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ۴۸۳
۱٦ ـ نحوهٔ سلام کردن به امام زمان ارواحنا فداه ۴۸۵
۱۷ ـ سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه‌ای دیگر ۴۸۶
۱۸ ـ زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما‌السلام ۴۸۶
۱۹ ـ زیارت حضرت نرجس خاتون علیهاالسلام ۴۸۸
۲۰ ـ زیارت حضرت حکیمه خاتون علیهاالسلام ۴۹۰

بخش دوازدهم

زیاراتِ نوّاب حضرت قائم ارواحنا فداه
و بعضی از دعاهای که اصحاب آن بزرگوار نقل نموده‌اند

۱ ـ زیارت نوّاب امام زمان ارواحنا فداه ۴۹۲
۲ ـ زیارت نایب اوّل جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه ۴۹۳
۳ ـ نماز برای وسعت رزق که از جناب محمّد بن عثمان رضی‌الله‌عنه نقل شده است ۴۹۵

٤ ـ دعای عظیم الشأن که جناب محمّد بن عثمان‌ﷺ آن را بسیار باارزش دانسته است. ۴۹۶
۵ ـ دعای سمات که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان‌ﷺ روایت شده است ۵۰۰
٦ ـ دعای روز عید فطر که از جناب محمّد بن عثمان‌ﷺ روایت شده است ۵۰۷
۷ ـ زیارت حضرت امام صادق‌علیه‌السلام به نقل از عثمان بن سعیدوحسین‌بن‌روح قدّس‌سرّهما. ۵۱۱
۸ ـ دعای حضرت خضر علیه‌السلام معروف به دعای کمیل ۵۱۲

خاتمهٔ کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجّه

حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه **می‌باشند**

نماز شب ۵۲۷
زیارت عاشورا ۵۲۹
دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۵۳۳
تجلیل حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه ۵۳۶
زیارت جامعهٔ کبیره ۵۳۹
زیارت امین الله و فضیلت آن ۵۴۶
زیارت وارث ۵۴۹

منابع و مصادر کتاب ۵۵۳

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه [1]

حمد و سپاس بیکران خدائی را سزاست که ما را آفرید، و رسول گـرامش ﷺ را که خاتم پیامبران است به سوی ما فرستاد، و برای **تکمیل دین**[2] و **روی آوردن به سوی اعمال**[3] شایسته، ولایتِ امامان هدایتگر را برای ما آشکار ساخت.

خدائی که ما را به سوی **اخلاق نیکو**[4] و کسب **اجر و پاداش اعمال**[5] خوب رهنمون فرمود تا در **بوستان‌های جاودانهٔ بهشتی**[6] وارد شده، و در **مقام برتر**[7] در **جـایگاه امـن**

---

۱. لازم به ذکر است که مؤلّف محترم در این مقدّمه از فنون بلاغت استفاده کرده، به ایـن گـونه کـه ضـمن مـقدّمه نـام تعدادی از کتابهائی که در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته، ذکر نموده که حُسن آن در متن عربی کتاب به خوبی جلوه‌گر است؛ به این فنّ در اصطلاح علم بدیع و بلاغت «براعت استهلال» می‌گویند. (مترجم)

۲. اشاره به کتاب «کمال الدین» تألیف: محدّث بزرگوار شیخ صدوق رحمه‌الله.

۳. اشاره به کتاب «إقبال الأعمال» تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس رحمه‌الله.

۴. اشاره به کتاب «مکارم الأخلاق» تألیف: عالم بزرگوار ابو نصر حسن طبرسی رحمه‌الله.

۵. اشاره به کتاب «ثواب الأعمال» تألیف: محدّث بزرگوار شیخ صدوق رحمه‌الله.

۶. اشاره به کتاب «جنّات الخلود» تألیف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی رحمه‌الله.

۷. اشاره به کتاب «المقام الأسنی» تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمه‌الله.

جنّت[۱] و **بهشت برین**[۲] منزل گرفته، و ملائکهٔ رحمت پروردگار را مشاهده کنیم که مترنّم به کلام زیبای خدایند: ﴿**سَلٰامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ**﴾[۳]، «سلام (بر شما) که گفتاری دلنشین از سوی پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بی‌پایان بر پیامبر خدا حضرت محمّد مصطفی ﷺ و بر خاندان مقدّس و مطهّر او، بزرگوارانی که آمده‌اند تا با سخنان و **کلمات پاکیزه**[۴] و عطر آگین خود **وظیفه‌های مردم**[۵] را بیان کنند، و آنان را با نور **مصباح**[۶] الهی که مانند ﴿**كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبٰارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ**﴾[۷]، «ستارهٔ درخشانی که از درخت مبارک زیتون می‌درخشد»، به سوی **دریاهای انوار**[۸] راهنمایی کرده و در پرتو روشنایی آن **راه‌های عارفانی**[۹] که عزم سفر به سوی شهر علم و حکمت را نموده‌اند، آشکار ساخته؛ تا از **باب سعادت**[۱۰] وارد آن شهر شوند.

و سلام و درود مخصوص، بر آخرین شخص آنان که برای عدل و داد قیام می‌کند و **دارای دعوت نبوی، قهر و غلبهٔ حیدری، پاکی و عصمت فاطمی، شکیبائی و صبر حسنی، دلیری و شجاعت حسینی، پرستش و عبادت سجّادی، فخر و بزرگواری باقری، آثار و نشانه‌های جعفری، دانش‌های بیکران کاظمی، ادلّه و برهان‌های رضوی، بخشش**

---

۱. اشاره به کتاب «جنّة المأوی» تألیف: محدّث نوری ﷺ.

۲. اشاره به دو کتاب «دارالسلام» که یکی تألیف: محدّث نوری ﷺ، و دیگری تألیف: عالم بزرگوار شیخ محمود عراقی ﷺ است.

۳. سورهٔ یس، آیهٔ ۵۸.

۴. اشاره به کتاب «الکلم الطیّب» تألیف: عالم بزرگوار سیّد علی خان مدنی ﷺ.

۵. اشاره به کتاب «تکالیف الأنام» تألیف: عالم محترم علی اکبر همدانی ﷺ.

۶. اشاره به کتاب «المصباح» تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی ﷺ.

۷. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۵.

۸. اشاره به کتاب «بحار الأنوار» تألیف: علّامهٔ مجلسی ﷺ.

۹. اشاره به کتاب «منهاج العارفین» تألیف: عالم بزرگوار محمّد حسن سمنانی ﷺ.

۱۰. اشاره به کتاب «باب السعادة» تألیف: عالم شهیر فیض کاشانی ﷺ.

وجود تقوی، پاکیزگی و برگزیدگی نقوی، هیبت و بزرگی عسکری، و غیبت الهی است.

شخصیّتی که برای برپایی حقّ قیام می‌کند، و انسانها را به سوی صدق و راستی دعوت می‌نماید، او کلمهٔ خدا، امان خدا و حجّت خداست، او برای احیاء امر الهی غالب، و مدافع از حرم الهی است.

او پیشوای آشکار و نهان، بردارندهٔ اندوه‌ها و بلاها، صاحب جود و بخشش، نیکوئی و احسان بیکران، یعنی امام به حقّ ابوالقاسم محمّد بن الحسن صاحب عصر و زمان، خلیفه و جانشین خدا و پیشوای انسانها و پریان است.

او در شبهای تاریک **ستارهٔ روشن و تابان**[۱]، و هنگام **خطرات سفرها و زمانها مایهٔ ایمنی و امان**[۲]، و به هنگام بلاها و سختیها **سپر نگه دارنده**[۳] است.

* * *

و این کتاب، هدیه‌ای است از بنده‌ای ضعیف و فانی به محضر شما ای مولای مهربان و والا، که اگر مورد قبولتان قرار گیرد، مشمول احسان خداوند می‌شوم، خدائی که هستی و احسان شما را بر من منّت نهاد ای صاحب عصر و زمان.

این کتاب با پذیرش شما، برای من **باقیات صالحات**[۴] و **زاد و توشه برای روز رستاخیز**[۵] ـ روزی که در آن ﴿**لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونٌ**﴾[۶] «فرزندان و اموال نفعی نمی‌رسانند» ـ می‌شود، و برای **سائلان مایهٔ رستگاری**[۷] و برای **شب زنده‌داران چراغ و**

---

۱. اشاره به کتاب «نجم الثاقب» تألیف: محدّث نوری رحمه‌الله.

۲. اشاره به کتاب «الأمان من أخطار الأسفار والأزمان» تألیف: عالم بزرگوار سیّد بن طاووس رحمه‌الله.

۳. اشاره به کتاب «الجنّة الواقیة» منسوب به عالم عالیقدر میرداماد رحمه‌الله.

۴. اشاره به کتاب «الباقیات الصالحات» تألیف: محدّث قمی رحمه‌الله.

۵. اشاره به کتاب «زاد المعاد» تألیف: علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله.

۶. سورهٔ شعراء، آیهٔ ۸۸.

۷. اشاره به کتاب «فلاح السائل» تألیف: عالم بزرگوار سیّد بن طاووس رحمه‌الله.

روشنائی[۱] می‌گردد، اگر آن را بخوانند و جویای **کلید رستگاری**[۲] برای **گشودن درهای**[۳] بهشت باشند.

با پذیرش نیکوی شما ای صاحب بخشش و احسان، این کتاب مایهٔ **بصیرت دوست**[۴] در کشف **کلیدهای نهانی و غیب**[۵] برای کسی که در آن اندیشه کند و آن را با تأمّل قرائت کند، خواهد بود. تا إن شاء الله در گروه دوستان نزدیک شما ـ آن کسانی که **آمادگان قدرتمند**[۶] هستند، و خداوند متعال آنان را برای یاری شما آماده ساخته ـ قرار گیرد.

پس ای محبوب و ای عزیز! ﴿**مَسَّنٰا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنٰا بِبِضٰاعَةٍ مُزْجٰاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنٰا إِنَّ اللهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ**﴾[۷].

«ای عزیز، ما و خاندانمان را احتیاج و درماندگی فرا گرفته، و با سرمایه‌ای اندک به سوی تو رو آوردیم، پس پیمانهٔ ما را پر فرما، و ما را صدقه ده، زیرا خداوند صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد».

* * *

کتابی که پیش رو دارید مجموعه‌ای از نمازها، دعاها و زیاراتی است که یا از ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه صادر شده و یا دربارهٔ صاحب ولایت کبری در جهانیان، و آخرین جانشین و خلیفهٔ خدا در زمین حضرت حجّت بن الحسن العسکری ـ که بهترین تحیّات و درودها بر او و پدران پاک و فرزندان گرامی او باد ـ وارد شده است.

سعی و کوشش مؤلّف بر این است که آنچه از ادعیه و زیارات و ... در کتب معتبره

---

۱. اشاره به کتاب «مصباح المتهجّد» تألیف: عالم بزرگوار شیخ طوسی رحمه‌الله.
۲. اشاره به کتاب «مفتاح الفلاح» تألیف: عالم نامی شیخ بهائی رحمه‌الله.
۳. اشاره به کتاب «فتح الأبواب» تألیف: عالم بزرگوار سیّد بن طاووس رحمه‌الله.
۴. اشاره به کتاب «تبصرة الولی» تألیف: علّامه سیّد هاشم بحرانی رحمه‌الله.
۵. اشاره به کتاب «مفاتح الغیب» تألیف: علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله.
۶. اشاره به کتاب «العدد القویّة» تألیف: عالم جلیل القدر رضی الدین حلّی رحمه‌الله.
۷. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۸۸.

تدوین شده و به دست ما رسیده گرد آورد[1]؛ اگر چه مدّعی نیست که این کتاب مجموعه‌ای جامع و کامل است؛ زیرا از طرفی دوران طولانی غیبت و دوری و هجران ما از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ادعیهٔ بسیار ـ و همچنین زیارات و صلوات و اذکار زیادی ـ را که از ناحیهٔ مقدّسه صادر شده، از دسترس ما دور ساخته است، و از طرف دیگر متأسّفانه ما در عصر غیبت در غفلت و بی‌خبری از وجود شریف آن حضرت بسر می‌بریم، و از آنچه از ناحیهٔ مقدّسهٔ آن حضرت صادر می‌شود، بی‌خبر هستیم.

چه بسا از ناحیهٔ آن بزرگوار مطالبی به دوستانشان رسیده که آن را کتمان کرده‌اند و به رشتهٔ تحریر درنیاورده‌اند، و ما از آن قضایا آگاه نیستیم.

گواه و شاهد بر این، مطلبی است که از عالم ربّانی و فقیه صمدانی مرحوم آیة الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری ﷺ نقل می‌کنیم:

ایشان فرمودند: دوستی داشتم که با حضرت حجّت ارواحنا فداه ارتباط داشت، او برخی از روزها پیش من می‌آمد، ارتباط من با او تا اوّل انقلاب ادامه داشت، ولکن بعد از انقلاب این ارتباط قطع شد، و سالها است که او را ندیده‌ام!

در ایّامی که با او ارتباط داشتم مشکلی داشتم، روزی مشکلم را به او گفته و تقاضا

---

۱. بنا بر قاعدهٔ «تسامح در ادلّهٔ سنن» و همچنین «اخبار من بلغ» دقّت بسیار در اسناد ادعیه و زیارات وارده لازم نیست. ولی نباید قاعدهٔ «تسامح در ادلّهٔ سنن» و «اخبار من بلغ» را دستاویز قرار داده و هر گونه دعا و زیارت را اگر چه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت‌ها دوری بجوئیم؛ زیرا علاوه بر مضمون‌های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد، آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم‌السلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت‌هائی که مدرکی ندارند، نداریم.

با توجّه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت‌هائی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی‌کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات‌هایی را در این کتاب می‌آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب‌های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعرّض اختلاف نسخه‌ها نمی‌شویم تا خواننده سردرگم نشده و متحیّر نگردد. کسانی که می‌خواهند از اختلاف نسخه‌ها آگاه شوند به کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیّة» مراجعه نمایند.

کردم که آن را حل کند. مشکل من این بود که: بعضی از طلّاب و افراد نیازمند بـرای رفع نیازهای خود و کمک به آنها به من مراجعه می‌کردند، امّا از آنجایی که برخی از آن‌ها را نمی‌شناختم، تردید می‌کردم که آیا مجازم به چنین افرادی کمک نمایم یا نه؟ چون ممکن بود که آن‌ها مستحقّ واقعی نباشند و من به آن‌ها کمک نمایم، و یا آنـان واقعاً محتاج و نیازمند باشند و من به آن‌ها کمک نکنم.

به هر حال، مشکلم را با او در میان گذاشتم، ایشان گفت: مشکل تو را به محضر امام زمان ارواحنا فداه عرض می‌نمایم و إن شاء الله جوابش را می‌آورم.

بعد از مدّتی آمد **و دعایی از طرف حضرت حجّت** ارواحنا فداه به من داد و گفت: اگر کسی که او را نمی‌شناسی از تو تقاضای کمک کرد اوّل این دعا را بـخوان بـعد بـه او کمک کن، زیرا حضرت فرمودند:

اگر این دعا رابخواند و به شخصی کمک نماید او نمی‌تواند مالی راکه گرفته است در جائی که مورد رضایت ما نیست، مصرف کند.

آن دعا، دعای مختصری بود، و من بارها دیدم وقتی که افراد ناشناس می‌آمدند و از محضر ایشان تقاضای کمک می‌کردند اوّل آن دعا را قرائت می‌نمودند بعد مبلغی را به او می‌دادند.

هدف ما، از بیان این قضیّهٔ مهمّ ـ که چه بسا برخی از افراد تحمّل درک آن را نداشته باشند ـ این است که معلوم شود که تمام آنچه از ناحیهٔ مقدّسه صادر شده به دست ما نرسیده است، و چه بسیاری از ادعیه و زیارات و صلواتی که در قلب‌های پاک و سلیمِ دوستان آن حضرت بوده و برای مردم اظهار نکرده‌اند، و دار فانی را وداع گفته‌اند.

مرحوم محدّث نوری می‌گوید: گروهی از معتمدین اصحاب به من گفتند که آنها حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه را در بـیداری زیـارت نـموده و از او مـعجزه‌های متعدّدی مشاهده کرده‌اند، حضرت آنها را از امور پنهانی و غیبی متعدّدی آگاه نموده

است، **و برای آنها با دعاهای مستجاب، دعا فرموده و آنها را از خطرات مهلک نجات داده است**؛ که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آن موارد نیست.[۱]

بنابراین، آنچه در این کتاب گـرد آورده‌ام هـمان دعـاها و زیـاراتـی است کـه در کتاب‌های معتبر موجود است، نه تمامی آنچه از آن بزرگوار صادر شده است.

گفتنی است آنچه که در این مورد بدست آورده‌ام همه از الطاف کریمانهٔ مـولای کریم است، پس آنچه در این مجموعه از حسن و زیبائی و بهاء و ارزش دیـدید، از تأییدات حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است، و هـر نـقص و اشـتباهی کـه بـا آن برخورد نمودید از نگارندهٔ این سطور است. امـیدوارم خـدای مـتعال در ایـن کـار، صدق و اخلاصم بخشد، و این کتاب را مایهٔ یـادآوری مـن و راهـی بـرای تـقرّب و نزدیکی به سوی خویش و ولیّش حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه قرار دهد.

این کتاب[۲] غیر از مقدّمه و خاتمهٔ آن مشتمل بر دوازده باب است همانگونه که

إنّ الشهور عندالله اثنی عشر شهراً، وأنّ الأئمّة اثنی عشـر إمـاماً، وأنّ النقباء اثنی عشر نقیباً.[۳]

---

۱. دار السلام: ۱۳۷/۲.

۲. کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیّة» با اضافاتی که پس از چاپ اوّل به آن افزودیم، دارای بیش از چهار صد و پـنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره ... است. از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن ـ یعنی دعاهایی که امام عصر **ارواحنا فداه** برای افراد یا علیه دیگران نموده‌اند و همچنین دعاهایی کـه هـنگام ولادت قـرائت نـموده‌انـد و دعاهایی که در ضمن دعاهای دیگر و همچنین زیارات دربارهٔ آن بزرگوار وارد شده است ـ دارای جنبهٔ تـخصّصی می‌باشد و برای اهل تحقیق مفید است و از نظر قرائت برای عموم لزوم نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تبویب آن، کتاب «الصحیفة المهدیّة یا المختار من الصحیفة المبارکة المهدیّة» تدوین گردید تا إن شاء الله مـورد استفادهٔ عموم قرار گیرد.

و این کتاب ـ صحیفهٔ مهدیّه ـ ترجمهٔ آن است که مطالب فارسی کتاب و قسمتی از مقدّمهٔ آن به قلم مترجـم کـتاب می‌باشد که اکنون در اختیار شما قرار دارد.

۳. بحار الأنوار: ۳۹۹/۳۶.

همانا تعداد ماهها نزد خداوند دوازده ماه است، و پیشوایان و امامان دوازده امام هستند، و تعداد نقیبان قوم دوازده نقیب است.

و بدانید که:

﴿إِنَّ هٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً﴾[1]، ﴿فَاقْرَؤُوا مٰا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلاٰةَ وَآتُوا الزَّكٰاةَ وَأَقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً وَمٰا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ هُوَ خَيْراً وَأَعْظَمَ أَجْراً وَاسْتَغْفِرُوا اللهَ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾[2].

این مایهٔ یادآوری است، پس هر کس بخواهد می‌تواند به وسیلهٔ آن راهی به سوی پروردگارش قرار دهد.

پس آنچه در امکانتان هست از آن قرائت کنید، و نماز را بپای دارید و زکات را بپردازید، وبرای خدای منّان قرضی نیکو بدهید، و (بدانید) آنچه برای خود از خیرات می‌دهید و پیش از خود می‌فرستید آن را در پیشگاه خداوند احدیّت می‌یابید که این به خیر شماست، و ارزش و پاداشی برتر دارد، و از خداوند طلب بخشش کنید، همانا خداوند بسیار بخشنده و مهربان است.

نکتهٔ مهمّ

در اینجا لازم است نکته‌ای بیان شود و آن این که:

ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام در یک جوّ سیاسی و خفقانی که حکومت نفرین شدهٔ حبتری[3] آن را تأسیس کرده بود و مانع از به وجود آمدن حکومت عدل علوی بود، می‌زیستند.

به همین جهت ائمّهٔ معصومین ما علیهم‌السلام فرصتِ بیان اسرار الهی را برای عموم نداشتند؛ زیرا که طغیانگران و ستمگران اُموی و عبّاسی از این کار جلوگیری

۱ و ۲. سورهٔ مزّمّل، آیهٔ ۱۹ و ۲۰.

۳. حبتر، کنایه از اسم اوّلین غاصب حقّ خلفای الهی است، رجوع کنید به بحار الأنوار: ۳۳۶/۳۵.

می‌کردند؛ به این جهت، امیر همهٔ امیران حق، و اوّلین مظلوم و دور نگه داشته شده از حقوق خود حضرت علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام می‌فرمایند:

کان لرسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله سرّ لایعلمه إلّا قلیل ... ولولا طغاة هذه الأُمّة لبثثت هذا السرّ.[1]

رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را رازی بود که جز افراد اندکی از آن آگاهی نداشتند... که اگر طغیانگران این امّت نبودند هر آینه آن راز را فاش کرده و منتشر می‌نمودم.

بنابراین، امامان ما اسرار و رازها را برای مردم بیان نکردند، و آنها را جز برای افراد اندکی از نقباء و مهتران و برترین دوستان خود، افشاء ننمودند.

پس افشاء اسرار و بیان حقایق مهمّ معنوی برای آنان ممکن نشد، زیرا که مردم توانائی تحمّل آن را نداشتند، به جهت اینکه مردم در حکومت حبتری که تا حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداه ادامه می‌یابد، زندگی می‌کردند.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ**﴾[2] می‌فرمایند:

هي دولة حبتر، فهي تسري إلى قيام القائم علیه‌السلام.[3]

مقصود از آن (شب)، دولت حبتر است که سرانجامش تا قیام حضرت قائم (صلوات الله علیه) خواهد بود.

به این جهت، حضرات معصومین علیهم‌السلام بسیاری از اسرار و حقایق معنوی را تحت عنوان دعا و مناجات بیان کرده‌اند، اگر خواهان آن حقائق هستید آنها را در لابلای ادعیه و مناجات جستجو کنید.

اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها اسراری را که به خاطر جوّ سیاسی و فکری مردم نمی‌توانستند

---

۱. بحار الأنوار: ۳۰۶/۹۵.
۲. سورهٔ فجر، آیهٔ ۴.
۳. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴.

صریحاً بیان کنند، در دعاها و زیارات و... ذکر نموده‌اند؛ بلکه مسائل مهمّ اعتقادی و معارف بلند را نیز به صورت دعا، مناجات و زیارت بیان کرده‌اند، که با رجوع و تحقیق در میان دعاها و... این حقیقت به خوبی روشن و آشکار است. بلکه در آن‌ها گذشته از اسرار و عقاید و معارف بلندپایه، مطالب بی‌شماری را ـ از مسائلی که در زندگی انسان‌ها دارای نقش اساسی و حیاتی است ـ بیان نموده‌اند و به جامعهٔ بشریّت بهترین درس زندگی را آموخته‌اند.

به عنوان نمونه در **صحیفهٔ کاملهٔ سجّادیّه که صحّت آن مورد تأیید امام عصر** ارواحنا فداه **می‌باشد**، دقّت کنید و ببینید حضرت امام سجّاد علیه‌السلام چه حقایق بزرگی را در ضمن الفاظی کوتاه به عنوان دعا و مناجات بیان نموده‌اند. دقّت در دعاهای دیگر نیز که از آن حضرت و یا سایر اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است این حقیقت را به خوبی روشن می‌سازد.

اکنون نمونهٔ کوتاهی را از درس‌های بزرگی که در دعاها به ما آموخته‌اند نقل می‌کنیم:

در مناجاة انجیلیّهٔ حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام به خداوند عرض می‌کنیم:

أسألك من الهمم أعلاها.[1]

خداوندا! عالی‌ترین همّت‌ها را از تو می‌خواهم.

این کلام امام سجّاد علیه‌السلام بیدارباشی است برای همهٔ کسانی که کتاب دعا را در دست می‌گیرند و با خواندن دعا با خداوند صحبت می‌کنند.

یعنی دعاکننده، هر کسی هست اگرچه خود را بی‌اراده و ناچیز می‌بیند، باید از خداوند بخواهد که بهترین و عالی‌ترین همّت را به او عطا نماید، تا بتواند در زندگی خود تحوّلی عظیم ایجاد نموده و وجودش درجامعه دارای نقش اساسی و حیاتی باشد.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۴.

این حقیقتی است که با تابش نور مقام امامت در قلب انسان، واقعیّت پیدا می‌کند.

آنچه از دعاها و ... از حضرات معصومین علیهم‌السلام رسیده همان طور سینای ولایت است، کسی که می‌خواهد به وادی ایمن راه یافته و به قلّهٔ کوه طور سینای هدایت صعود نماید، آداب دعا و شرایط استجابت آن را فرا گیرد تا این که اجابت آن را مشاهده کند.

آنچه گفتیم همان است که از قرآن و روایات به دست ما رسیده است، پس فرصت را غنیمت شمرده، و آن را به گوش جان بسپارید، و از رحمت و مهر الهی ناامید نشوید که: ﴿**إِنَّهُ لَايَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ**﴾[1]، «همانا از رحمت خدا جز قوم کافر ناامید نمی‌شود»؛ بنابراین با استفاده از نور امامت خاندان وحی علیهم‌السلام نور امید و یقین را در روح و روان خویش ایجاد کنید.

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث دربارهٔ آداب دعا، لازم است ادلّه‌ای را که از نظر عقلی و نقلی بیانگر ترغیب به دعا هستند، یادآور شویم:

«**دلیل عقلی**: عقل به ما می‌گوید: اگر ضرری انسانی را تهدید نماید و انسان قدرت برطرف نمودن آن را داشته باشد، لازم است آن را از خود دفع نماید.

بدیهی است که در زندگی دنیوی، هر انسانی را ضررهائی تهدید می‌نماید، و انسان همواره گرفتار ضررهائی است؛ چرا که هر انسانی از چیزهایی که نفسِ او را مشوّش نموده و فکر او را مشغول نموده و ضربه می‌زند، جدا نیست. و این گرفتاری‌ها یا داخلی است مانند این که عارضه‌ای مزاج انسان را فرا گیرد، یا خارجی است مانند این که آزاری از ستمگری به او برسد یا مسألهٔ ناگوار و بدی که از اطرافیان

---

۱. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۸۷.

یا همسایگان به انسان می‌رسد.

و اگر اکنون گرفتار هیچ یک از این گونه گرفتاری نباشد، عقل دامنگیر شدن این حوادث را بر انسان در آینده ممکن می‌داند. زیرا چگونه انسان مبتلا و گرفتار به این حوادث نمی‌شود، در صورتی که در دنیایی زندگی می‌کند که در هیچ حالی استقرار و آرامش ندارد، فجایعی که در آن است از انسان دور نمی‌شود و هر انسانی یا گرفتاری او را احاطه کرده و یا او را تهدید می‌کند.

پس ضررهای این دنیا از دو حال خارج نیست: یا حاصل شده و انسان مبتلا به آن است، یا حاصل می‌شود؛ و در صورت توان، هر دو را باید برطرف نمود.

دعا وسیله‌ای است برای دفع این ضررها، و این در توان و قدرت انسان است؛ پس از نظر عقلی لازم است انسان با دعا چنین ضررهائی را از خود دفع کند.

چنان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام ما را از این معنی آگاه فرموده، آنجا که می‌فرماید:

ما من أحد ابتلي وإن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافي الّذي لايأمن من البلاء.[1]

هیچ فرد مبتلا و گرفتاری نیست اگرچه گرفتاریش بزرگ باشد که به دعا نمودن از فرد سالمی که او نیز ایمن از گرفتار شدن به بلا نیست، سزاوارتر باشد.

دلیل نقلی: آنچه از احادیث شریفه بدست می‌آید این است که هر فردی ـ چه سالم و چه مبتلا ـ نیازمند دعا است، و فایدهٔ دعا این است که دعا بلائی را که انسان به آن گرفتار شده است برطرف می‌کند، و بدی و ناگواری را که در راه است از او برمی‌گرداند. یا سودی را که انسان در جستجوی آنست به سوی او جلب می‌نماید، و خیری که موجود است ثابت و استوار نموده و همیشگی می‌کند، و از زوال و نابودی نگه می‌دارد.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۸۰/۹۳.

به این جهت است که حضرات معصومین علیهم‌السلام دعا را بـه عـنوان سـلاح تـوصیف فرموده‌اند، و سلاح وسیله‌ای است که به وسیلهٔ آن نفعی عاید انسان می‌شود، و ضرر به وسیلهٔ آن دفع می‌شود.

و در روایات دیگری حضرات معصومین علیهم‌السلام از دعا به عنوان سپر نام برده‌اند، و معلوم است که انسان با سپر خود را از ناگواری‌ها حفظ می‌کند.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

ألا أدلّكم على سلاح ينجيكم من أعدائكم ويدرّ أرزاقكم؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: تدعون ربّكم بالليل والنّهار، فإنّ سلاح المؤمن الدعاء.[1]

آیا شما را به سلاحی که از دشمنانتان رها کرده و رزق و روزی شما را زیـاد کـند، راهنمایی نمایم؟

عرض کردند: آری، ای رسول خدا.

فرمود: شب و روز پروردگارتان را بخوانید، زیرا که دعا اسلحهٔ مؤمن است.

امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

الدعاء ترس المؤمن، ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك.[2]

دعا سپر مؤمن است، و زمانی که دری را زیاد بکوبی در به روی تو باز می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

الدعاء أنفذ من السنان الحديد.[3]

دعا مؤثّرتر از نفوذ نیزهٔ آهنین است.

---

۱ و ۲. الكافي: ۴۶۸/۲.

۳. الكافي: ۴۶۹/۲.

و امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

إنّ الدعاء یردّ ما قدّر وما لم یقدّر.

قال: قلت: وما قد قدّر فقد عرفته، فما لم یقدّر؟ قال: حتّی لایکون.[1]

همانا دعا آنچه را که در لوح محفوظ مقدّر شده و آنچه را که مقدّر نشده برمی‌گرداند.

راوی گفت: عرض کردم: معنای آنچه را که مقدّر شده فهمیدم، امّا مقصود از آنچه مقدّر نشده چیست؟

حضرت فرمود: دعا می‌کند که آنچه تاکنون مقّدر نشده، در آینده نیز مقدّر نشود.

باز در روایتی دیگر می‌خوانیم که حضرت امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

علیکم بالدعاء، فإنّ الدعاء والطلب إلی الله تعالی یردّ البلاء، وقد قدّر وقضی فلم یبق إلّا إمضائه فإذا دعی الله وسئل صرْفه صرَفه.[2]

بر شما باد به دعا، زیرا دعا و درخواست از خدای متعال، بلا را ردّ می‌کند؛ بلائی که مقدّر شده و حکم الهی بر آن جاری شده و فقط مهر و امضاء بر آن زده نشده، پس اگر خدا به برطرف کردن چنین بلائی خوانده شود و از باری تعالی برگرداندن آن خواسته شود، خدا آن را برمی‌گرداند.

در روایتی دیگر زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

ألا أدلّکم علی شيء لم یستثن فیه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟ قلت: بلی.

قال: الدعاء یردّ القضاء وقد أبرم إبراماً، وضمّ أصابعه.[3]

آیا شما را به مسئله‌ای که پیامبر خدا ۶ در آن استثناء نفرمود راهنمائی کنم؟

عرض کردم: آری.

---

۱. الکافي: ۴۶۹/۲.

۲ و ۳. الکافي: ۴۷۰/۲.

فرمود: دعا قضای حتمی و امضاء و محکم شده را برمی‌گرداند، و حضرت انگشتان مبارک خود را (به علامت نشان دادن کار محکم شده) بهم چسباند.

امام سجّاد علیه‌السلام فرمود:

إنّ الدعاء والبلاء ليتوافقان إلى يوم القيامة، إنّ الدعاء ليردّ البلاء وقد أُبرم إبراماً.[1]

همانا دعا و بلا تا روز قیامت کنار هم هستند (یعنی یکی از آن دو حتماً باید واقع شود)، همانا دعا بلائی را که حتمی و محکم شده است برمی‌گرداند.

باز حضرتش در کلامی دیگر فرمود:

الدعاء يردّ البلاء النازل وما لم ينزل.

دعا بلای نازل شده و نازل نشده را برمی‌گرداند.»[2]

آداب دعا

روشن شد که دعاکننده اگر با رعایت آداب آن، دعا کند آثار عجیبی در رسیدن به حاجات خود خواهد دید، اینک آداب آن را بیان می‌نماییم:

در کتاب «المختار من كلمات الإمام المهدي» می‌گوید: آداب دعا را فراگیر و بنگر که چه کسی را می‌خوانی؟ و چگونه می‌خوانی؟ و برای چه می‌خوانی؟ و بیندیش که از چه می‌پرسی؟ و چقدر می‌پرسی؟ و برای چه می‌پرسی؟

دعا یعنی طلب اجابت همهٔ این موارد از جانب شما به سوی حضرت حق، و ترک همهٔ اختیارات و تسلیم همهٔ امور چه ظاهری و چه باطنی به خدای متعال است.

اگر دعا را با شرایط انجام ندادید منتظر اجابت نباشید، زیرا که او آشکار و نهان را

---

۱. الكافي: ۴۶۹/۲.

۲. عدّة الداعي: ۱۱.

می‌داند، شاید خدا را به چیزی می‌خوانی که او از نهان، خلاف آن را می‌داند.

باید دانست که اگر خدا ما را به دعا امر نمی‌کرد ولی ما با اخلاص دعا می‌کردیم، از فضلش دعای ما را اجابت می‌فرمود، پس در صورتی که خداوند ضامن استجابت دعایی شده که با شرایط انجام شود، چگونه اجابت نکند؟[۱]

آداب دعا عبارتند از:

اوّل: دعا با «**بسم الله الرحمن الرحیم**» آغاز شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

لا یردّ دعاء أوّله «بسم الله الرّحمن الرّحیم».[۲]

دعایی که اولش «بسم الله الرحمن الرحیم» باشد رد نمی‌شود.

دوّم: پیش از دعا، حمد و سپاس پروردگار را بجای آورد.

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

کلّ دعاء لا یکون قبله تحمید فهو أبتر.[۳]

هر دعایی که قبل از آن حمد و سپاس خدای متعال گفته نشود، دعایی ناقص و ابتر است.

در روایتی دیگر آمده است:

همانا در کتاب امیر مؤمنان علی علیه السلام چنین آمده است: مدح و ثناء پیش از دعا و خواستن است، چون خواستی خدای متعال را بخوانی، اوّل او را ستایش کن.

(راوی می‌گوید:) گفتم: چگونه او را ستایش کنم؟

---

۱. بحار الأنوار: ۳۲۲/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۱۳/۹۳.

۳. الکافي: ۵۰۳/۲.

فرمود: می‌گویی:

يا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.

ای خدایی که به من از رگ گردن نزدیکتری، ای کسی که میان انسان و دل او حائل و مانع می‌شوی، ای کسی که در چشم انداز بلند مرتبه‌ای هستی، ای کسی که مثل و مانند تو نیست.[۱]

سوّم: بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام صلوات فرستد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

صلاتكم عليّ إجابة لدعائكم، وزكاة لأعمالكم.[۲]

درود و صلوات فرستادن شما بر من، سبب اجابت دعای شما و پاکیزه‌شدن اعمال شما است.

مولای ما حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود:

لايزال الدعاء محجوباً حتّى يصلّي على محمّد وآل محمّد.[۳]

دعا همواره در حجاب است تا اینکه بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام صلوات و درود بفرستد.

در حدیث دیگر می‌فرماید:

من كانت له إلى الله عزّوجلّ حاجة فليبدأ بالصلاة على محمّد وآله، ثمّ يسأله حاجته، ثمّ يختم بالصلاة على محمّد وآل محمّد، فإنّ الله أكرم من

---

۱. بحار الأنوار: ۳۱۵/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۵۴/۹۴.

۳. بحار الأنوار: ۳۱۲/۹۳ و ۳۱۶.

أن يقبل الطرفين ويدع الوسط، إذا كانت الصلاة على محمّد وآل محمّد لاتحجب عنه.[۱]

کسی که به سوی خدای متعال نیازی داشته باشد باید آن را با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام آغاز نماید، سپس حاجتش را از خدا بخواهد، و بعد دعا را با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام تمام کند؛ زیرا که خدای متعال کریم‌تر از آن است که دو طرف کلامی را بپذیرد و وسط آن را رها کند؛ چون دعا با صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام باشد محجوب نمی‌شود.

چهارم: حضرات معصومین علیهم‌السلام را شفیع قرار دهد.

مولای ما حضرت امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

اگر به سوی خدای متعال نیازی داری، بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمٰا عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ، وَقَدْراً مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي كَذٰا وَكَذٰا....

خداوندا! همانا درخواست می‌کنم از تو به حقّ محمّد و علی؛ زیرا که برای آن دو بزرگوار مقام و منزلتی (عظیم) در نزد توست، و در پیشگاه تو دارای قدر و ارزش (مهمّ) هستند، پس به حقّ این شأن و به حقّ این قدر و منزلت، بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام درود فرست و حاجت من که فلان و فلان است برآورده فرما.

زیرا آن گاه که روز قیامت برسد هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسل و مؤمن ممتحن باقی نمی‌ماند مگر اینکه در آن روز به آن دو نیازمند است.[۲]

در زیارت جامعهٔ کبیره می‌خوانیم:

---

۱. بحار الأنوار: ۳۱۶/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۲۲/۹۴.

أَللّٰهُمَّ إِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعٰاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيٰارِ، اَلْأَئِمَّةِ الْأَبْرٰارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعٰائي...

خداوندا! من اگر شفیعانی نزدیک‌تر از محمّد و آل محمّد که همهٔ آنان از اخیار عالم و پیشوایان نیکوکار هستند؛ به سوی تو می‌یافتم آنها را به درگاه تو شفیع قرار می‌دادم ...

بدیهی است که برای برآورده شدن حاجات باید وسیله‌ای به پیشگاه الهی ببریم؛ زیرا که خدای متعال در قرآن مجید به این مطلب دستور داده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿**وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**﴾[1]، «برای تقرّب به سوی او وسیله طلب کنید»، و هیچ وسیله‌ای به درگاه الهی نزدیک‌تر از محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام نیست، و آن هم شفاعت آنها است.

در روایات متعدّدی بیان شده که مراد از وسیله در کلام الهی، همان ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام هستند، و این منافات ندارد که ما وسیله را به معنی نردبان یا غیر آن تفسیر نماییم (زیرا مقصود از نردبان در اینجا وسیلهٔ ترقّی است).

در روایتی که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده، حضرتش می‌فرماید:

هم العروة الوثقى والوسيلة إلى الله.[2]

آنان ـ یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ـ ریسمان محکم و مورد اطمینان و وسیله به سوی خدا هستند.

سپس این آیهٔ شریفه را تلاوت فرمود:

﴿**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسيلَةَ**﴾[3].

ای کسانی که ایمان آوردید! از خدای بترسید و به سوی او وسیله طلب کنید.

---

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۳۵.

۲. تفسیر صافی: ۴۴۱/۱.

۳. سورهٔ مائده، آیهٔ ۳۵.

احتمال دارد که صفت ایمان و تقوا شرط برای طلب وسیله به سوی حضرت باری تعالی باشد، چنانچه طلب وسیله بدون ایمان و تقوا فایده‌ای ندارد؛ پس اگر هر دو در کنار هم باشند مفید فایده خواهد بود؛ زیرا که پذیرش ولایت ممکن نیست مگر با ایمان و تقوا.

پنجم: پیش از دعا به گناهان خود اعتراف کند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرتش فرمود:

إنّما هي المدحة، ثمّ الإقرار بالذنب ثمّ المسألة، والله ما خرج عبد من ذنب إلّا بالإقرار.[1]

همانا دعا اوّلش مدح و ثنا، آنگاه اعتراف به گناه، سپس خواستن حاجت است.

ششم: با قلب غافل و مشغول دعا نکند، بلکه به درگاه خداوند روی آورده **و با توجّه دعا نماید**. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

إنّ الله لايستجيب دعاء بظهر قلب ساه، فإذا دعوت فأقبل بقلبك، ثمّ استيقن الإجابة.[2]

همانا خداوند متعال دعایی را که با قلب غافل انجام گیرد، مستجاب نمی‌کند، چون خواستی دعا کنی با قلب خود به او توجّه کن آنگاه یقین به استجابت دعایت داشته باش.

زیرا کسی که با فکر پراکنده خدا را می‌خواند در واقع دعا نمی‌کند، و دعایی پذیرفته نیست جز اینکه با توجّه قلبی به سوی خداوند انجام گیرد.

هفتم: پاکیزه و حلال بودن خوراک و پوشاک دعاکننده است؛ زیرا که دعای شایسته از عمل شایسته است، آیا عمل خوب و شایسته با حرام و پلیدی جمع می‌شود؟

---

۱. بحار الأنوار: ۳۱۸/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

در قرآن می‌فرماید: ﴿ **يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً** ﴾[۱]، «ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه و حلال میل کنید و عمل شایسته انجام دهید».

در این آیهٔ شریفه میان عمل شایسته و خوردن غذای حلال و پاکیزه ملازمه برقرار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من أحبّ أن يستجاب دعاؤه فليطيّب مطعمه ومكسبه.[۲]

کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود غذا و کسب خود را پاک و حلال نماید.

در حدیث دیگر آمده است:

طهّر مأكلك، ولا تدخل في بطنك الحرام.[۳]

خوراکت را پاکیزه کن، و مال حرام را وارد شکم خود نکن.

در روایت دیگر آمده است:

أطب كسبك تستجاب دعوتك، فإنّ الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراماً فما تستجاب له أربعين يوماً.[۴]

کسب و کار خویش را پاکیزه و حلال کن تا دعای تو مستجاب گردد، زیرا هنگامی که انسان لقمهٔ حرامی را به دهانش می‌گذارد دعای او تا چهل روز مستجاب نمی‌شود.

در حدیث قدسی آمده است:

---

۱. سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۵۱.
۲. بحار الأنوار: ۳۷۲/۹۳.
۳. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.
۴. بحار الأنوار: ۳۵۸/۹۳.

فمنك الدعاء وعليّ الإجابة، فلاتحجب عنّي دعوة إلّا دعوة آكل الحرام.[۱]

(ای بندهٔ من!) از تو دعا کردن و بر من اجابت است، و دعایی از من پوشیده نمی‌شود جز دعای کسی که از حرام می‌خورد.

مولای ما امام صادق علیه‌السلام فرمود:

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيّب كسبه.[۲]

کسی که دوست دارد دعای او مستجاب شود، باید کسب و کارش را پاکیزه و حلال کند.

در روایت دیگر فرمود:

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيّب كسبه، وليخرج من مظالم الناس، وإنّ الله لا يرفع دعاء عبد وفي بطنه حرام، أو عنده مظلمة لأحد من خلقه.[۳]

کسی از شما که می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید کسب و کارش را پاکیزه و حلال کند، و خود را از حقّ مردم برهاند؛ زیرا خداوند متعال دعای کسی را که در شکمش حرام باشد یا حقّ مردم بر ذمّهٔ اوست، بالا نمی‌برد و مستجاب نمی‌کند.

هشتم: حقوقی که از مردم در عهده دارد ادا کند.

مولای ما حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

إنّ الله عزّوجلّ يقول: وعزّتي وجلالي لا أُجيب دعوة مظلوم دعاني في مظلمة ظلمها، ولأحد عنده مثل تلك المظلمة.[۴]

---

۱ و ۲. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۱/۹۳.

۴. بحار الأنوار: ۳۲۰/۹۳.

همانا خداوند متعال می‌فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، دعای مظلومی که مورد ستم واقع شده در حالی که خود او چنین ستمی را به دیگری انجام داده، مستجاب نمی‌کنم.

مولای ما امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

إنّ الله أوحى إلى عيسى بن مريم: قل للملإ من بني اسرائيل: ... إنّي غير مستجيب لأحد منكم دعوة ولأحد من خلقي قبله مظلمة.[1]

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرمود: به گروه بنی اسرائیل بگو: ... من دعای کسی را که در نزد او حقّ مردم است، نمی‌پذیرم.

نهم: گناه، مانع برآورده شدن حاجت است.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

إنّ العبد يسأل الحاجة فيكون من شأنه قضاؤها إلى أجل قريب، أو إلى وقت بطيء فيذنب العبد ذنباً، فيقول الله تبارك وتعالى للملك: لاتقض حاجته وأحرمه إيّاها، فإنّه تعرّض لسخطي واستوجب الحرمان منّي.[2]

بنده‌ای از خدا حاجتی مسألت می‌نماید، از شأن بنده این است که حاجت او به زودی یا بعد از مدّت زمانی برآورده شود، امّا بنده مرتکب گناه می‌شود، خداوند متعال به ملکی می‌فرماید: حاجت او را برآورده نکن و او را از آن محروم نما؛ زیرا که او تعرّض به غضب من کرد، و سزاوار محرومیّت از جانب من شد.

دهم: حُسن ظنّ به اجابت دعا داشته باشد.

مقصود از حُسن ظنّ طلب یقین است، زیراکه خلف وعده از حضرت باری تعالی

---

۱. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۸/۷۳.

محال است، و هرگز تحقّق نمی‌پذیرد، و طبق آیهٔ: ﴿**اُدْعُوني أَسْتَجِبْ لَكُمْ**﴾[1]، «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» خداوند امر به دعا نموده و استجابت آن را ضمانت کرده است، پس خلاف وعده نمی‌کند.

همچنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿**وَعْدَ اللهِ لٰايُخْلِفُ اللهُ وَعْدَهُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النّٰاسِ لٰايَعْلَمُونَ**﴾[2]، «این وعدهٔ الهی است و خدا در وعدهٔ خود خلاف نمی‌کند، ولی اکثر مردم نمی‌دانند».

چگونه خلف وعده می‌کند در حالی که او بی‌نیاز و توانا و مهربان و رحیم و بزرگوار است؟

در حدیث است:

فإذا دعوت فأقبل بقلبك ثمّ استيقن الإجابة[3].[4]

هنگامی که خواستی دعا کنی با قلب خود به درگاه حضرتش روی آور، آنگاه باور به اجابت داشته باش.

یازدهم: اصرار و پافشاری در دعا کند.

علّامهٔ مجلسی ﷺ آن را از آداب و شرایط دعا ذکر نموده و فرموده است:

در کتاب آسمانیِ قبل از قرآن آمده است:

لاتملّ من الدّعاء، فإنّي لا أملّ من الإجابة.[5]

«از دعا خسته و ملول مشو، زیرا که من از اجابت خسته و ملول نمی‌شوم».

---

۱. سورهٔ غافر، آیهٔ ۶۰.

۲. سورهٔ روم، آیهٔ ۶.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

۴. المختار من كلمات الإمام المهدي: ۲۳۸/۱.

۵. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

عبدالعزیز از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرتش فرمود:

إنّ العبد إذا دعا لم يزل الله في حاجته ما لم يستعجل.[۱]

هنگامی که بنده دعا می‌کند، خداوند در حال اجابت حاجت او می‌باشد مادامی که عجله و شتاب نکرده (و دست از دعا برندارد).

همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمود:

إنّ العبد إذا عجّل فقام لحاجته، يقول الله تعالى: استعجل عبدي أتراه يظنّ أنّ حوائجه بيد غيري.[۲]

هنگامی که بنده با عجله و شتاب حاجتش را بخواهد، خداوند متعال می‌فرماید: بنده‌ام عجله می‌کند، آیا گمان می‌کند که نیازهایش در دست غیر من است؟

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

إنّ الله يحبّ السائل اللحوح.[۳]

خداوند سائل مصرّ و پافشاری‌کننده را دوست دارد.

ولید بن عقبهٔ هجری روایت کرده و می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

والله لا يلحّ عبد مؤمن على الله في حاجة إلّا قضاها له.[۴]

به خدا سوگند، هیچ بندهٔ مؤمنی در حاجت خود به خداوند متعال اصرار و پافشاری نمی‌کند مگر آن که خداوند حاجت او را برآورده می‌کند.

ابو صباح از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود:

---

۱. الكافي: ۴۷۴/۲.
۲. بحار الأنوار: ۳۷۴/۹۳.
۳. بحار الأنوار: ۳۷۴/۹۳.
۴ و ۵. الكافي: ۴۷۵/۲.

إنّ الله كره إلحاح الناس بعضهم على بعض في المسألة، وأحبّ ذلك لنفسه، إنّ الله يحبّ أن يسأل ويطلب ما عنده.[۵]

خداوند اصرار برخی از مردم را بر بعض دیگر در حاجت‌های خودشان دوست ندارد، و این اصرار و پافشاری را برای خودش دوست دارد، همانا خداوند متعال دوست دارد از او مسألت شده و از آنچه در پیشگاه اوست خواسته شود.

احمد بن محمّد بن ابونصر می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم، من مدّت چندین سال است که حاجتی را از خداوند متعال مسألت نمودم، (و هنوز حاجت روا نشده‌ام)، و به جهت تأخیر حاجتم در قلبم چیزی (وسوسه‌ای) احساس می‌کنم. حضرت فرمود:

يا أحمد؛ إيّاك والشيطان أن يكون له عليك سبيل، حتّى يقنّطك، إنّ أبا جعفر علیه السلام كان يقول: إنّ المؤمن ليسأل الله حاجة فيؤخّر عنه تعجيل إجابته حبّاً لصوته واستماع نحيبه.

ثمّ قال: والله ما أخّر الله عن المؤمنين ما يطلبون في هذه الدّنيا خير لهم ممّا عجّل لهم فيها، وأيّ شيء الدنيا.[۱]

ای احمد؛ بپرهیز از شیطان، که بر تو نفوذ کند تا اینکه تو را (از در رحمت الهی) ناامید گرداند، همانا امام باقر علیه السلام می‌فرمود:

همانا فرد مؤمن حاجتی را از خداوند می‌خواهد پس حاجت او به تأخیر می‌افتد به خاطر اینکه خداوند صدای او را دوست دارد و می‌خواهد نالهٔ او را بشنود.

سپس فرمود: به خدا سوگند؛ آنچه خداوند از حاجات مؤمنان در این دنیا به تأخیر می‌اندازد بهتر از آن است که نیازهایشان را برطرف می‌سازد، و دنیا چه ارزشی دارد؟

---

۱. بحار الأنوار: ۳۷۴/۹۳.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إنّ العبد الوليّ لله يدعو الله في الأمر ينوبه، فيقال للملك الموكّل به: إقض لعبدي حاجته ولاتعجّلها، فإنّي أشتهي أن أسمع نداءه وصوته.

وإنّ العبد العدوّ لله ليدعو الله في الأمر ينوبه، فيقال للملك الموكّل به: إقض لعبدي حاجته وعجّلها، فإنّي أكره أن أسمع نداءه وصوته.

قال: فيقول الناس: ما أُعطي هذا إلّا لكرامته، وما منع هذا إلّا لهوانه.[1]

بنده‌ای که خدا دوستش دارد و پیوسته در امری خدا را می‌خواند، به ملکی که موکّل حاجت اوست خطاب می‌رسد:

حاجت بنده‌ام را برآور ولی عجله نکن، زیرا من دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم.

و بنده‌ای که خدای را دشمن است وقتی پیوسته در امری دعا می‌کند، به ملکی که موکّل اوست خطاب می‌شود: بشتاب و حاجت بنده‌ام را بده؛ زیرا من دوست ندارم ندا و صدای او را بشنوم.

حضرت فرمود: (در این موقع) مردم می‌گویند: او به خاطر کرامتی که داشت حاجت روا شد، و این به جهت خواری از حاجتش منع شد!

باز حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید:

لايزال المؤمن بخير ورخاء ورحمة من الله ما لم يستعجل فيقنط فيترك الدعاء، قلت له: كيف يستعجل؟

قال: يقول: قد دعوت منذ كذا وكذا، ولا أرى الإجابة.[2]

پیوسته مؤمن در خیر و رفاه و رحمت الهی است، **تا وقتی که عجله نکرده و پشیمان نگردد، و دست از دعا برندارد.**

---

۱ و ۲. بحارالأنوار: ۳۷۴/۹۳.

عرض کردم: چگونه عجله می‌کند؟

فرمود: می‌گوید: **مدّتی است خدای را می‌خوانم ولی اثری از اجابت نمی‌بینم.**

همچنین در کلامی دیگر می‌فرماید:

إنّ المؤمن ليدعو الله في حاجته فيقول عزّوجلّ: أخّروا إجابته، شوقاً إلى صوته ودعائه. فإذا كان يوم القيامة قال الله:

عبدي دعوتني وأخّرت إجابتك وثوابك كذا وكذا، ودعوتني في كذا وكذا فأخّرت إجابتك وثوابك كذا.

قال: فيتمنّى المؤمن أنّه لم يستجب له دعوة في الدّنيا ممّا يرى من حسن الثواب.[1]

بندهٔ مؤمن خدای را در حاجت خود می‌خواند، خداوند متعال می‌فرماید: اجابت دعایش را به تأخیر اندازید، چون شوق و میل به صدا و دعای او دارم.

روز قیامت خداوند متعال می‌فرماید:

بندهٔ من؛ مرا خواندی و من اجابت تو را به تأخیر انداختم اینک این اجر و پاداش تو، و مرا در فلان حاجت و فلان حاجت خواندی، من اجابت تو را به تأخیر انداختم، اینک این اجر و پاداش آن.

حضرت فرمود: در آن روز مؤمن آرزو می‌کند که ای کاش؛ در دنیا هیچ دعای او مستجاب نمی‌شد، و این هنگامی است که اجر و پاداش نیک را در آخرت می‌بیند.

باز حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

قال رسول الله ﷺ: رحم الله عبداً طلب من الله حاجة فألحّ في الدّعاء، أُستجيب له أو لم يستجب له، وتلا هذه الآية:

---

۱. بحار الأنوار: ۳۷۴/۹۳.

﴿وَأَدْعُو رَبّي عَسىٰ أَنْ لا أَكُونَ بِدُعاءِ رَبّي شَقِيّاً﴾[۱].[۲]

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا بنده‌ای را که از او حاجتی خواسته و پافشاری کند می‌آمرزد، چه دعایش مستجاب شود و چه مستجاب نشود، بعد حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

«پروردگارم را می‌خوانم به این امید که به خواندن پروردگارم ستمگر نباشم».

در تورات آمده است:

يا موسى؛ من أحبّني لم ينسني، ومن رجا معروفي ألحّ في مسألتي.

يا موسى؛ إنّي لست بغافل عن خلقي ولكن أُحبّ أن تسمع ملائكتي ضجيج الدّعاء من عبادي، وترى حفظتي تقرّب بني آدم إليَّ بما أنا مقوّيهم عليه ومسبّبه لهم.

يا موسى؛ قل لبني إسرائيل: لاتبطرنّكم النعمة فيعاجلكم السلب، ولاتغفلوا عن الشكر فيقارعكم الذلّ، وألحّوا في الدّعاء تشملكم الرحمة بالإجابة، وتهنئكم العافية.[۳]

ای موسی؛ کسی که مرا دوست دارد فراموشم نمی‌کند. و **کسی که به رزق و احسان من امیدوار باشد در مسألت خود اصرار و پافشاری می‌کند.**

ای موسی؛ من از مخلوقاتم غافل نیستم، لکن دوست دارم ملائکهٔ من ناله‌های دعای بندگانم را بشنوند، و حافظان عرش من تقرّب و نزدیکی فرزندان آدم را نسبت به من به سبب نیرویی که در اختیار آنها گذارده‌ام، و اسباب دعا را برای آنان فراهم کرده‌ام، مشاهده کنند.

ای موسی؛ به بنی‌اسرائیل بگو: نعمت و رفاه باعث طغیان و ناشکری شما نگردد تا نعمت را از شما سلب نمایم، و از شکر و سپاس غفلت نورزید تا ذلّت و خواری

---

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۴۸.

۲ و ۳. بحار الأنوار: ۳۷۵/۹۳.

دامنگیرتان نشود، **و در دعا اصرار و پافشاری کنید تا رحمت اجابت شامل حالتان گردد**، و عافیت و سلامتی برای شما گوارا باشد.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

لایلحّ عبد مؤمن علی الله في حاجته إلّا قضاها له.[1]

هیچ بنده‌ای در حاجت خود به خدای متعال اصرار نمی‌کند جز اینکه حضرت حق حاجت او را روا می‌کند.

منصور صیقل می‌گوید:

قلت لأبي عبدالله علیه‌السلام: ربّما دعا الرجل فاستجیب له ثمّ أُخّر ذلك إلی حین؟ قال: فقال: نعم.

قلت: ولِمَ ذلك لیزداد من الدعاء؟

قال: نعم.[2]

به امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتم: گاهی اوقات شخصی دعا می‌کند و مستجاب می‌شود، امّا تا مدّتی به تأخیر می‌افتد (آیا چنین است؟)

حضرت فرمود: آری.

گفتم: چرا به تأخیر می‌افتد؟ آیا برای اینکه زیاد دعا کند؟

حضرت فرمود: آری.

آنچه بیان کردیم قسمت مهمّی از آداب دعا بود، اینک به جهت اینکه بعضی از آداب دعا دارای اهمیّت خاصّی هستند، مطالبی را دربارهٔ آن‌ها بیان می‌نماییم:

---

۱ و ۲. بحار الأنوار: ۳۷۵/۹۳.

اهمیّت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار و رزیدن در ادامهٔ آن دارای نقش بسیار مهمّی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می‌باشد. و این نکتهٔ بسیار مهمّی است که همهٔ کسانی که با دعا سر و کار دارند، باید به آن توجّه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند.

به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می‌توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدّت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامهٔ مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری‌ها را با خواندن یک بار دعا نمی‌توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می‌دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می‌باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

البتّه ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب‌اند و عموم افراد نباید توقّع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه‌ای که آن‌ها می‌گیرند، بگیرند.

این یکی از جهاتی است که در روایات دربارهٔ الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در اجابت دعا، دارای تأثیر فراوان و اساسی است:

۱ـ رفع موانع قلبی و حجاب‌های ظلمانی و زدودن تیرگی‌های درونی از قلب.

۲ـ ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیّت باطنی.

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد، به این دو چیز احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد.

بنابراین: ۱ـ هم باید پرده‌های تیرگی را از قلب کنار بزند. ۲ـ و هم انوار الهی را جایگزین آن نماید. و یقین، این کار را انجام می‌دهد. هم ظلمت‌ها، تاریکی‌ها و شک را از قلب می‌زداید و هم صفا و نورانیّت را در قلب انسان ایجاد می‌نماید.

همهٔ کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین رسیده‌اند، دارای قلبی با صفا و نورانی بوده و هستند؛ زیرا لازمهٔ وجودی یقین، روشنایی و نور در قلب است، و نوری مانند نور یقین وجود ندارد.

حضرت امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

لا نور کنور الیقین.[1]

هیچ نوری مانند نور یقین نیست.

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب نورانی گردید، تیرگی‌ها و تاریکی‌ها از میان می‌روند؛ زیرا نور و ظلمت در یک جا جمع نمی‌شوند.

پس با به دست آوردن یقین می‌توان هم تیرگی‌ها را که مانع اجابت دعا می‌باشند، برطرف نمود و هم صفا و نورانیّت را که مقتضی اجابت دعا است، فراهم نمود.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۶۵/۷۸.

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه شوید، به جریان مهمّی که در جلد اوّل کتاب «اسرار موفّقیّت» نقل کرده‌ایم، توجّه کنید:

مرحوم آیة الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «**بسم الله الرحمن الرحیم**» ـ در صورتی که با یقین گفته شود ـ جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده‌اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمّد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همنشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمّد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجّب کرد و علّت آن را از او پرسید.

شیخ محمّد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوهِ جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه‌نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت‌های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاّب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزدم ماند. از بیانات او به قدری لذّت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزدم آمد تا من به او مأنوس شدم.

در یکی از روزها که با من صحبت می‌کرد، به خاطرم آمد که امشب چراغم نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه‌ها را هنگام غروب می‌بستند و شب همهٔ مغازه‌ها بسته بود.

از این جهت در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می‌شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم.

چون مرا متحیّر یافت، متوجّه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی‌دهی؟

گفتم: متوجّه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می‌گویم دل نمی‌دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغم نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجّب است که این همه ما برایت حدیث خواندیم و از فضیلت «**بسم الله الرحمن الرحیم**» سخن گفتیم و تو این قدر بهره‌مند نشدی که از خرید نفت بی‌نیاز شوی؟!

گفتم: یادم نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده‌ای که گفتم از خواصّ و فواید «**بسم الله الرحمن الرحیم**» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می‌شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیّت نفت باشد، بگو: «**بسم الله الرحمن الرحیم**».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیّت گفتم: «**بسم الله الرحمن الرحیم**»، چون آن را روشن کردم، افروخته شد و شعله کشید. از آن زمان هرگاه چراغ خالی می‌شود، آن را از آب پر می‌کنم و «**بسم الله الرحمن الرحیم**» می‌گویم و روشن می‌کنم.

مرحوم آیة‌الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجّب این است که پس از نشر این قضیّه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمّد عمل می‌کرد از اثر نیفتاد.

همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «**بسم الله الرحمن الرحیم**» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارق‌العاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم‌اند ـ و خیلی تعداد آن‌ها کم است ـ نیز، از همان اسم‌هایی که میانِ همهٔ مردم متداول است استفاده می‌کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می‌سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفّظ می‌کنند، نقش اساسی دارد.

یقین و آثار شگفت‌انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمّی می‌باشد، بحث دربارهٔ آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدّمهٔ کوتاهی را بیان می‌کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویّت تلاش می‌کنند، **در جستجوی آنند که موانع راهِ خود را بشناسند** و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقّف ساخته و مانع از ترقّی و پیشرفت معنوی ایشان می‌شود، بلکه گاهی حالت تنزّل و عقب‌گرد روحی پیش می‌آورد.

آن عوامل که سبب توقّف و تنزّل می‌شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهمّ‌تر چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!

اینها سئوالات مهمّی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می‌باشند پیش می‌آید و نمی‌دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سئوالات خود دست یابند؟

به دنبال این سئوالات، سئوال اساسی‌تر دیگری به وجود می‌آید ـ که با به دست آوردن پاسخ آن، مشکلات قبلی آسان می‌شود ـ و آن این است که آیا برای سیر و سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویّت، شناخت موانع لازم است؟

آیا حتماً باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقّف و گاه تنزّل انسان می‌باشند، شناسایی نموده، سپس برای برطرف ساختن آن‌ها تلاش نمود؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن، همهٔ موانع خود بخود ریشه‌کن می‌شود گرچه آن‌ها را شناسایی نکرده باشد؟ آیا پادزهری وجود دارد که اثر همهٔ زهرها را ـ از هر نوعی که باشند ـ نابود سازد؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چارهٔ همهٔ دردها بوده و اثر هر گونه زهر را از بین ببرد حتماً باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی

به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته، نمی‌باشد.

بعضی از بزرگان معتقدند راه‌هایی وجود دارد که با شناختن آن‌ها می‌توان راه صد ساله را یک شبه پیمود؛ و عواملی وجود دارد که با آن می‌توان موانع را از سر راه برداشت ـ گرچه آن‌ها را شناسایی نکرده باشد ـ و به سرمنزل مقصود رسید.

مرحوم محدّث نوری، «یقین» را یکی از آن عوامل می‌داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می‌تواند بدون شناخته‌شدن جزئیّات موانع، آثار آن‌ها را ریشه‌کن نموده و وسیلهٔ پیشرفت را در انسان ایجاد کند.

ایشان می‌فرماید: کسی که می‌خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت‌های پسندیده زینت بخشد، **بدون آن که خود را در شناخت جزئیّات بیماری‌های قلبی و علاج آن و شناخت اضداد و نتایج آن به زحمت افکند، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید.**

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همهٔ آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک نماید و نور همهٔ صفات پسندیده را به آن بتاباند. بدون یقین، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست. به همین جهت است که می‌بینیم در اخبار فراوان همهٔ خصلت‌های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده‌اند.[1]

مرحوم محدّث نوری بعد از این کلامش فرموده است: دست کشیدن به خار مغیلان آسان‌تر از رسیدن به یقین است؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می‌شود که موانع را از بین می‌برد و یا حداقلّ آن را بی‌اثر می‌سازد.

ما در اینجا به این مقدار اکتفا می‌کنیم؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری دربارهٔ یقین و راه‌های به دست آوردن آن می‌باشند به کتاب «اسرار موفقیّت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند.

---

۱. دارالسلام: ۱۵۰/۳.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می‌گوییم: مهمّ‌ترین، ضروری‌ترین و لازم‌ترین دعائی که باید مردم در زمان غیبت انجام دهند، دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه است.

زیرا که آن حضرت صاحب ما و صاحب عصر و زمان است، بلکه صاحب امر و ولیّ و سرپرست همهٔ جهانیان است، مگر می‌شود از او غافل شد در حالی که آن حضرت امام ما است، و غفلت از امام یعنی غفلت و فراموشی از اصلی از اصول دین.

پس لازم است که برای آن حضرت دعا نموده و پیش از آن که برای خود و نزدیکان و آشنایان خود دعا کنیم، برای آن بزرگوار دعا کنیم.

مرحوم سیّد بن طاووس در کتاب «جمال الأُسبوع» می‌نویسد:

پیشوایان ما علیهم السلام برای دعا جهت امام عصر صلوات الله علیه اهمّیت مخصوصی قائل بودند، و این بیانگر آنست که دعا برای آن حضرت از مهمّترین وظایف اهل اسلام و ایمان می‌باشد، و ما روایتی را نقل کردیم که **امام صادق** علیه السلام **در تعقیب نماز ظهر کامل‌ترین دعا را در حقّ امام زمان** ارواحنا فداه **انجام می‌دادند تا در حقّ خویشتن.**

و ما در لابلای عناوین گذشته فصل زیبایی را به **دعای امام کاظم** علیه السلام **برای حضرت بقیّة الله** ارواحنا فداه اختصاص دادیم؛ بدیهی است کسی که موقعیّت این دو بزرگوار را در اسلام بشناسد در پیروی از آن‌ها عذری برای او باقی نمی‌ماند.[1]

و در کتاب «فلاح السائل» بعد از آنکه فضائل دعا برای برادران را متذکّر می‌شود، می‌نویسد: اگر دعا برای برادران دینی این اندازه فضیلت دارد پس فضیلت دعا برای سلطان تو که علّت هستی توست، چقدر خواهد بود؟

تو خوب می‌دانی و معتقد هستی که اگر حضرتش نبود خدای متعال تو را

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷.

نمی‌آفرید. نه تو را؛ بلکه هیچ فردی از افراد زمان او و زمان تو را نمی‌آفرید، و لطف الهی به سبب وجود شریف او علّتِ هستی تو و دیگران شده است، و او سبب رسیدن بشریّت به همهٔ خوبی‌ها است.

بپرهیز؛ بپرهیز از آنکه خویشتن یا فرد دیگری را در دوستی و دعا بر آن حضرت مقدّم بداری! دل و زبان خویش را به دعا برای مولای عظیم‌الشأن یکی نموده و حواسّت را جمع نما.

مبادا به خاطر آنچه که گفتم گمان کنی که او به دعای تو نیازمند است، هیهات! که اگر عقیدهٔ تو چنین باشد در اعتقاد و دوستی خود بیمار هستی؛ بلکه آنچه را که گفتم به خاطر این بود که حقّ عظیم و احسان بزرگ او را برای تو بیان کرده و بشناسانم.

بدیهی است که اگر پیش از آنکه برای خود و عزیزانت دعا کنی، برای او دعا نمایی خدای متعال درهای اجابت را هر چه زودتر در مقابل تو باز می‌نماید.

زیرا که تو ـ ای بندهٔ خدا! ـ درهای پذیرش دعا را با قفل‌های جنایات خود بسته‌ای.

بنابراین؛ اگر با دعا برای مولا به پیشگاه مالک و صاحب اختیار زندگان و مردگان ـ یعنی خدای متعال ـ بروی و دعا کنی، امید است که به خاطر آن بزرگوار درهای اجابت برای تو باز شود، تا خود و دیگران ـ که برای آنها دعا می‌کنی ـ مشمول فضل الهی گردیده، و رحمت و کرم و عنایت خدا شامل حالتان گردد، زیرا که تو در دعای خود به ریسمان او چنگ زده‌ای.

شاید بگویی: فلانی و فلانی ـ که از اساتید تو هستند و تو از آنان پیروی می‌کنی ـ به این گفتار عمل نمی‌کنند!

پاسخ آن معلوم است، زیرا که **آن‌ها از مولای ما غافل هستند، و در مورد او کوتاهی و سستی می‌ورزند.**

آن گاه سیّد بن طاووس ﷺ می‌فرماید: **آنچه را برای تو گفتم عمل کن که آن حقیقتی**

است روشن، و کسی که در مورد مولای ما سهل انگاری کند و سستی ورزد و از آنچه بیان کردم غافل شود، به خدا سوگند او به اشتباهی که مایهٔ ننگ و عار است، مبتلا است.

سپس ایشان می‌فرماید: آیا اهمیّت این امر را از دیدگاه ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام چگونه می‌بینی؟ آیا آن گونه که تاکنون نسبت به این موضوع رفتار نموده‌ای، بی‌اعتنائی به آن نبوده است؟

بنابراین در نمازهای واجب از زیاد دعا نمودن برای آن حضرت ـ و کسی که دعا برای او جایز است ـ خودداری مکن.

در روایت صحیحی از محمّد بن علیّ بن محبوب که شیخ قمی‌ها در زمان خودش بود ـ در کتاب «مصنّف» ـ نقل شده که حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود:

كلّما كلّمت الله تعالى في صلاة الفريضة فليس بكلام.

در نماز واجب با هر سخنی که با خدا تکلّم کنی، کلام نیست (یعنی دعا نماز را باطل نمی‌کند).

باز تکرار می‌کنم و می‌گویم: به دلیل آنچه بیان کردم عذری برای تو در اهمیّت ندادن به دعا برای تعجیل ظهور باقی نماند.[1]

صاحب «مکیال المکارم» می‌فرماید: همان گونه که آیات و روایات دلالت می‌کند، دعا از بزرگترین اقسام عبادت است و تردیدی نیست که **مهم‌ترین نوع دعا و باعظمت‌ترین آنها دعا برای کسی است که خداوند حقّ او را و دعا برای او را بر همه واجب نموده است.**

و به برکت وجود او نعمت خداوند بر همهٔ مخلوقات او می‌رسد؛ همانگونه که شکّی نیست که مقصود از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت خداوند است. و مداومت به دعا سبب می‌شود که خداوند او را در عبادت کمک نماید، و او را از اولیاء خود قرار دهد.

---

۱. فلاح السائل: ۴۴.

پس نتیجهٔ آن این است که: مواظبت در دعا برای مولای ما حضرت حجّت ارواحنا فداه، و سئوال کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور او را، و برطرف نمودن غم و اندوه آن بزرگوار و ایجاد سرور آن حضرت؛ موجب فراهم شدن این مسئلهٔ مهمّ می‌گردد.

بنابراین بر اهل ایمان لازم است که اهتمام ورزیده و در هر مکان و زمانی برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا نمایند.

آنچه مناسب با این مطلب است و گفتار ما را تأیید می‌کند مطلبی است که حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام آن را در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم آیة الله میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی فرمودند:

> **«در منبرها به مردم بگوئید و به آنان دستور دهید توبه نموده و دربارهٔ تعجیل ظهور (حضرت) حجّت** (ارواحنا فداه) **دعا نمایند.**
> **دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میّت نیست که واجب کفائی باشد و با انجام دادن عدّه‌ای، از دیگران ساقط شود؛ بلکه مانند نمازهای پنجگانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام زمان** (ارواحنا فداه) **دعا کند».**[1]

با توجّه به آنچه نقل کردیم، لزوم و ضرورت دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه معلوم شد.

مظلوم‌ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولای‌مان امام زمان ارواحنا فداه را ذکر کردیم می‌گوییم: متأسّفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداه و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می‌شود. و اگر بدانیم که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده‌ایم، متوجّه می‌شویم که آن حضرت **مظلوم‌ترین فرد عالم** هستند.

---

۱. مکیال المکارم: ۴۳۸/۱.

اکنون جریاناتی را دربارهٔ مظلومیّت آن بزرگوار ذکر می‌کنیم:

۱ ـ حجّة الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سیّد اسماعیل شرفی نقل نمودند:

به عتبات مقدّسه مشرّف شده بودم و در حرم مطهّر حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای‌سر امام حسین علیه‌السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداه مشرّف گرداند و دیدگانم را به جمال بی‌مثال آن بزرگوار روشن نماید.

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سئوال کردم: آقا؛ شما کیستید؟

فرمودند: **من مظلوم‌ترین فرد عالَم هستم**.

من مقصود آن حضرت را متوجّه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالَم می‌داند، در این هنگام ناگهان متوجّه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او **مظلوم‌ترین فرد عالم و امام زمان من بود**، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.

۲ ـ حجّة الإسلام والمسلمین آقای حاج سیّد احمد موسوی ـ که از شیفتگان حضرت امام عصر عجّل الله تعالی له الفرج می‌باشند ـ از حجّة الإسلام والمسلمین عالم ربّانی مرحوم آقای حاج شیخ محمّد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه مشرّف شده و ایشان را بسیار غمگین می‌بیند از حالِ آن بزرگوار سئوال می‌کند، حضرت می‌فرمایند:

دلم خون است، دلم خون است.

۳ـ حضرت امام حسین علیه‌السلام در عالَم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می‌توانید دربارهٔ آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه دربارهٔ شخصیّت این معصوم بگویید دربارهٔ همهٔ معصومین (علیهم‌السلام) گفته‌اید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است دربارهٔ او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند:

باز تأکید می‌کنم دربارهٔ مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره‌اش نوشت و گفت».[1]

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیّاط

اکنون که از مظلومیّت آن حضرت آگاه شدیم باید توجّه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرّب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم.

اینک به این جریان مهمّ توجّه کنید: مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند، نقل می‌کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدّس به شهرستان‌ها می‌رفتم در یکی از مسافرت‌ها چند روزی قبل از ایّام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیّاط ـ که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می‌نمودند ـ مشرّف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد.

---

۱. بوستان ولایت: ۱۸/۲.

آن بزرگوار طریقهٔ ختم آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَمَنْ یَتَّقِ اللهَ**﴾ را به ما آموختند[۱] و فرمودند: اوّل صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید.

نکتهٔ مهمّی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیّاط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرّب به حضرت رضا علیه‌السلام باشد و حاجت‌های مادّی را در نظر نگیرید.

مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفّق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به مشهد مقدّس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه‌السلام مشرّف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید.

هدف ما از نقل این جریان، نکتهٔ مهمّی است که در دعاها و توسّلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسّلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن‌ها، تقرّب به خداوند باشد تا به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را **به نیّت عبودیّت و بندگی خدا** انجام دهد، **نه برای رسیدن به حالات و مقامات**.

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می‌گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می‌دانست، سئوال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیّت و منزلتی نزد خدا دارم؟

ایشان پس از تأمّل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده‌ای.

پس دعا کننده نباید هیچ گونه سوء استفاده‌ای از دعاهایش بنماید، **بلکه آن‌ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد**، نه این که به وسیلهٔ آن‌ها دخالت در کارهای

---

۱. دستور این ختم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده و مرحوم آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.

خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید.

تجربهٔ مهمّ مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمّی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیّت مسألهٔ انتظار است نقل می‌کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت‌های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمّل شده بودند.

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدّت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمّن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهمّ، صلاح نمی‌دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند. و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می‌نمودند.

مرحوم والد معظّم در ارتباط با آن نوشته‌ها می‌فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته‌ها را به مرحوم آیة الله حاج سیّد علی رضوی دادند.[1]

مقصود از نقل این جریان، نکتهٔ مهمّی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و **باید درس مهمّی برای همهٔ کسانی که در راه معنویّات و سیر و سلوک شرعی گام برمی‌دارند، باشد.**

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که:

ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرّب به مولایم امام زمان عجّل الله تعالی له الفرج انجام می‌دادم.

---

۱. مرحوم آیة الله حاج سیّد علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظّم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه‌ای داشتند.

ببینید یک شخصیّت مهمّ که نام ایشان زبان‌زد خاصّ و عامّ بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می‌نماید و آرزو می‌کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقرّب به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره‌های شناخته شده، بهره‌مند بوده است؛ با این همه، آرزو می‌کند که **کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرّب به امیر عالم هستی به کار می‌برد**، و بدست آوردن قدرت تصرّف در افراد و بازگرداندن صحّت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی‌داد.

بزرگ‌ترین درس برای انسان‌ها این است که در هر مسیری که می‌پیمایند از تجربه‌های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن‌ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال‌های سال به دست آورده‌اند بهره‌مند شوند و به آخرین تجربه‌ها و نتیجه‌هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده‌اند، کاملاً توجّه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجّه کنید:

استفاده از تجربه‌های مهمّ مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجهٔ زندگی را صدها برابر افزایش می‌دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشتهٔ خود متذکّر شده‌اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می‌دهید برای تقرّب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدّس امام عصر ارواحنا فداه تقرّب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم‌ارزش را ترک کنید. این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می‌گیرید.

کسی که برای تعجیل ظهور دعا کند دعای امام زمان ارواحنا فداه شامل او می‌شود

نویسندهٔ «مکیال المکارم» می‌گوید: از آثار دعا برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه اینستکه دعای آن حضرت شامل حال او می‌شود.

دلیل بر این مطلب، علاوه بر اینکه مقتضی سپاس احسان و نیکی است ـ که حضرتش از هر انسانی به آن سزاوارتر است ـ کلام دلنشین خود حضرت است در دعایی که در «مهج الدعوات» نقل شده است. بعد از دعا برای تعجیل فرج از خداوند می‌خواهد:

وَاجْعَلْ مَنْ يَتْبَعُني لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ، وَفي سَبيلِكَ مُجٰاهِدِينَ، وَعَلىٰ مَنْ أَرٰادَني وَأَرٰادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ ... .

(در آن هنگام که اذن ظهورم دهی) کسی را که از من پیروی می‌کند برای یاری دینت مؤیّد بدار، و او را از مجاهدین در راه خود قرار ده، و بر کسی که نسبت به من و آنان سوء قصد دارد پیروز فرما...

چون بدون تردید دعا برای حضرت و تعجیل ظهور آن بزرگوار، پیروی و یاری آن حضرت است؛ زیرا یکی از اقسام یاری دین و مولای ما حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه یاری با زبان است، و دعا برای آن حضرت از انواع یاری زبانی است.

دلیل دیگر بر این مطلب آن است که علیّ بن ابراهیم قمی در تفسیر آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَإِذٰا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهٰا أَوْ رُدُّوهٰا**﴾[1]، «هنگامی که مورد تحیّت قرار می‌گیرید در برابر آن با تحیّتِ نیکوتری جواب دهید یا به همانگونه جواب دهید» می‌گوید: مراد از تحیّت، سلام و غیر آن از انواع کارهای نیک است.

روشن است که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است، چون اگر مؤمن برای

---

۱. سورهٔ نساء، آیهٔ ۸۶.

مولای خودش با خالص‌ترین دعاها، دعا کند، مولای او نیز با دعای خالص کار او را جبران خواهد کرد؛ بدیهی است که دعای حضرتش کلید هر خیر، و وسیلهٔ نابودی هر زیان و ضرر است.

گواه بر گفتار ما و تأیید آن، روایتی است که مرحوم راوندی در کتاب «الخرائج» نقل می‌کند. می‌گوید: گروهی از اهل اصفهان ـ از جمله ابوعبّاس احمد بن نصر و ابوجعفر محمّد بن علویه ـ نقل کرده و گفتند:

در اصفهان مردی شیعه به نام عبدالرحمان بود، از او پرسیدند: علّت اینکه امامت حضرت امام علیّ النقی علیه‌السلام را پذیرفتی و دنبال فرد دیگری از اهل زمان خود نرفتی چیست؟

گفت: جریانی از آن حضرت دیدم که قبول امامت او را بر من لازم کرد، من مردی فقیر بودم ولی زبان‌دار و پر جرأت بودم؛ به همین جهت در سالی از سال‌ها اهل اصفهان مرا برگزیدند تا با گروهی دیگر برای دادخواهی به دربار متوکّل برویم.

ما رفتیم تا به بغداد رسیدیم، هنگامی که در بیرون دربار بودیم خبر رسید که دستور داده شده امام علیّ بن محمّد بن الرضا علیهم‌السلام را احضار کنند، بعد حضرتش را آوردند.

من به یکی از حاضرین گفتم: این شخص که او را احضار کردند کیست؟ گفت: او مردی علوی و امام رافضی‌ها است؛ سپس گفت: به نظرم می‌رسد که متوکّل می‌خواهد او را بکشد. گفتم: از جای خود تکان نمی‌خورم تا این مرد را بنگرم که چگونه شخصی است؟

او گفت: حضرت در حالی که سوار بر اسب بودند تشریف آوردند، و مردم در دو طرف او صف کشیده و او را می‌نگریستند، چون چشمانم به جمالش افتاد محبّت او در دلم جای گرفت، در دل شروع کردم به دعا کردن برای او که خداوند شرّ متوکّل را از حضرتش دور گرداند.

حضرت در میان مردم حرکت می‌کرد و به یال اسب خود می‌نگریست، نه به راست نگاه می‌کرد و نه به چپ، من نیز **دعا برای حضرتش را در دلم تکرار می‌کردم**.

چون در برابرم رسید رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعاك، وطوّل عمرك وكثّر مالك وولدك.

خدای دعای تو را مستجاب کند، و عمر تو را طولانی، و مال و فرزند تو را زیاد گرداند.

از هیبت و وقار او بدنم لرزید و در میان دوستانم به زمین افتادم، پرسیدند: چه شد؟ گفتم: خیر است و جریان را به کسی نگفتم.

پس از آن به اصفهان برگشتیم، خداوند به سبب دعای آن حضرت درهایی از مال و ثروت برای من باز کرد، تا جائی که اگر همین امروز درب خانه‌ام را ببندم قیمت اموالی که در آن دارم معادل هزاران هزار درهم است، و این غیر از اموالی است که در خارج خانه دارم، و خداوند به سبب دعای آن حضرت ده فرزند به من عنایت فرمود.

اینک که حدود هفتاد و اندی سال از عمر من می‌گذرد، من به امامت آن شخص والا مقام که از ضمیر من خبر داد و خداوند دعای او را در حقّ من مستجاب کرد، اعتقاد دارم.

ببینید که چگونه مولای ما حضرت امام هادی علیه‌السلام دعای آن شخص را به خاطر نیکی او جبران و تلافی نمود؟ برای او دعا فرمود با اینکه او از مؤمنان نبود.

آیا گمان می‌کنید که اگر در حقّ مولای ما صاحب الزمان ارواحنا فداه دعا کنید شما را با دعای خیر یاد نمی‌کند با اینکه شما از مؤمنان هستید؟

نه، هرگز چنین نیست؛ سوگند به خدایی که انس و جنّ را آفرید، حضرتش برای مؤمنینی که از این امر غافل هستند نیز دعا می‌کند، زیرا که او صاحب احسان است.

اکنون به عنوان تأیید مطلبی را بیان می‌کنیم و آن خوابی است که یکی از برادران

شایسته و گرامی برای من تعریف کرده، که در عالم خواب موفّق به دیدار حضرتش می‌شود، حضرت می‌فرماید:

إنّی أدعو لکلّ مؤمن یدعو لي بعد ذکر مصائب سیّدالشهداء علیه‌السلام في مجالس العزاء.

من برای هر مؤمنی که بعد از ذکر مصائب حضرت سیّد الشهداء علیه‌السلام برایم دعا کند، دعا می‌نمایم.

از خداوند برای این امر درخواست توفیق می‌نماییم؛ زیراکه او شنوندهٔ دعا است.[1]

تشکیل مجالسِ دعا
برای تعجیل ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

همانگونه که ممکن است انسان به تنهایی برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه دعا کند، ممکن است دسته جمعی دعا نموده و با تشکیل مجالس دعا، یاد آن حضرت را تجدید کند.

بر چنین اجتماعی علاوه بر دعا، امور نیک دیگری نیز مترتّب است مثل: احیاء و زنده نگه داشتن امر ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام و یاد احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و ...

صاحب کتاب گرانقدر «مکیال المکارم» رحمه‌الله **تشکیل این مجالس را از وظایف مردم در زمان غیبت امام زمان** ارواحنا فداه **شمرده است**، مجالسی که در آن‌ها مولای ما صاحب الزمان صلوات الله علیه یاد می‌شود، و مناقب و فضایل بیکرانش نشر می‌گردد، و در آن مجالس برای حضرتش دعا می‌شود، و جان و مال در طبق اخلاص گذاشته شده و پیشکش حضرت می‌شود.

ایشان می‌فرماید: تشکیل چنین مجالسی ترویج دین خدا و بلندی و اعلاء کلمهٔ

---

۱. مکیال المکارم: ۳۳۳/۱.

الله، و یاری بر نیکوکاری و تقوا و تعظیم شعائر الهی، و یاری ولیّ خدا است.

علاوه بر همهٔ اینها بهترین دلیل، گفتاری است دلنشین از امام به حقّ ناطق جعفر بن محمّد الصادق علیه‌السلام که در کتاب شریف «وسائل الشیعة» و غیر آن روایت شده است، آنجا که می‌فرماید:

تزاوروا، فإنّ في زيارتكم إحياءاً لقلوبكم وذكراً لأحاديثنا، وأحاديثنا تعطّف بعضكم على بعض، فإن أخذتم بها رشدتم ونجوتم، وإن تركتموها ضللتم وهلكتم، فخذوا بها وأنا بنجاتكم زعيم.[1]

به دیدار همدیگر بشتابید، زیرا چنین دیدارهائی باعث زنده شدن دل‌های شما و یادآوری احادیث ماست، و ذکر احادیث ما شما را نسبت به یکدیگر دلسوز و مهربان می‌کند، **اگر احادیث ما را به گوش جان بسپارید و عمل کنید هدایت شده و از مهالک رهائی خواهید یافت**، و اگر آنان را به بوتهٔ فراموشی بسپارید گمراه شده و هلاک خواهید شد، پس به آنها عمل کنید که من رهایی شما را ضامن هستم.

چگونگی دلالت این روایت بر مطلب ما: حضرت در این سخن درربار برای امر به «دیدار همدیگر رفتن» علل و اسبابی قرار داده است، یعنی چرا باید به زیارت و دیدار همدیگر شتافت؟ چون سبب زنده نگه داشتن امر آنان و یاد آوری احادیث آن بزرگواران است.

بنابراین، در نزد ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام شکّی در رجحان واستحباب تشکیلِ مجالس دیدار که در آنها یادی از امام ارواحنا فداه می‌شود و مناقب و آنچه مربوط به امر حضرت است بیان می‌گردد، نیست.

دلیل دیگر بر مطلب ما؛ سخن گهربار حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام است که در ضمن کلامی مفصّل می‌فرماید:

---

۱. وسائل الشیعة: ۵۶۷/۱۱.

إنّ الله تبارك وتعالى إطّلع إلى الأرض فاختارنا، واختار لنا شيعة ينصروننا، ويفرحون لفرحنا، ويحزنون لحزننا، ويبذلون أموالهم وأنفسهم فينا، أُولئك منّا و إلينا، الخبر.[1]

همانا خدای متعال بر کرهٔ زمین واقف گردید و ما را برگزید، و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می‌کنند، و در سرور و شادی ما شاد می‌گردند، و در حزن و اندوه ما غمگین می‌شوند، و جان و مال خویش را در راه ما می‌بخشند، آنان از ما هستند و به سوی ما باز خواهند گشت....

توجّه و هشدار: می‌توان گفت که در بعضی از اوقات تشکیل چنین مجالس واجب و ضروری است؛ مثلاً هنگامی که مردم در پرتگاه انحراف و گمراهی قرار گیرند، و تشکیل چنین مجالسی باعث جلوگیری آنان از تباهی و فساد، و سبب هدایت و راهنمائی آنان به راه هدایت گردد.

وجوب این امر با توجّه به ادلّهٔ امر به معروف و نهی از منکر و راهنمائی گمراهان و بازداری اهل بدعت و گمراهان بدست می‌آید، و در واقع در همهٔ حالات خدای تعالی حافظ و نگهدارنده است.[2]

مکان‌های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

جهت اطّلاع بیشتر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان‌هایی می‌پردازیم که ویژهٔ آن حضرت هستند.

مرحوم محدّث نوری می‌نویسد: بر کسی پوشیده نیست که اماکنی وجود دارد که اختصاص به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه دارد و به مقام آن حضرت معروف شده است مانند: «وادی السلام» در نجف اشرف، و مسجد سهله در شهر کوفه، و مقامی معروف

۱. الخصال: ۶۳۵/۲.

۲. مکیال المکارم: ۱۶۹/۲.

در شهر حلّه، و مسجد جمکران در شهر قم و غیر این اماکن.

به نظر می‌رسد که در این مکان‌ها عدّه‌ای از عاشقان و دلباختگان، حضرتش را دیده و به فیض تشرّف محبوب رسیده‌اند، یا اینکه در این مکان‌ها معجزه‌ای از حضرتش رخ داده است، و به همین جهت جزء اماکن شریف و مبارک به شمار آمده‌اند.

این اماکن، محلّ انس و آرامش و فرود آمدن ملائک هستند، و تردّد شیاطین در این مکان‌ها اندک است، و همین امر یکی از اسباب اجابت دعا و پذیرش عبادت در پیشگاه حق تعالی است.

در برخی از روایات می‌خوانیم: خدای متعال دوست دارد در اماکن مقدّسه ـ مانند مساجد و حرم‌های امامان علیهم‌السلام و زیارتگاههای فرزندان ائمّه علیهم‌السلام و قبور صلحا و نیکوکارانی که در شهرهای دور و نزدیک واقع‌اند ـ پرستش شود.

آری؛ این خود از الطاف غیبی الهی است که بندگانش را مورد لطف خود قرار داده است؛ بندگانی که نیازمند درگاه الهی هستند، آنان که راه را گم کرده و در پی معرفتند، آنان که راه و چاره‌ای برای خود نمی‌بینند و مضطرّند، آنان که از بیماری رنج می‌برند، قرض‌داران و ستمدیدگان، آنان که از دشمنان خود خائف و ترسانند، آنان که نیازمند و محتاجند و همهٔ آنهائی که غم و اندوه وجودشان را فرا گرفته و افکارشان مشوّش و ظاهرشان ژولیده و حواسّشان پراکنده شده، همه و همه به این مکان‌های مقدّس پناه می‌آوردند و با تضرّع به وسیلهٔ صاحب این اماکن دست نیاز به سوی خدای متعال دراز می‌کنند و علاج دردها و درمان بیماری‌ها و دفع گزند افراد شرور را درخواست می‌نمایند.

ای بسا که با دست پر از این مکان‌ها برمی‌گردند، بیماری که برای شفا آمده با بهبودی برمی‌گردد، و ستمدیده‌ای که برای دادخواهی آمده، با گرفتن حقّ خود برمی‌گردد، و مضطربی که نگران بوده با آرامش خاطر برمی‌گردد.

طبیعی است که هر اندازه در ادب و احترام این مکان‌ها بکوشند در برابر آن خیر زیادی را خواهند دید.

احتمال دارد که همهٔ این مکان‌ها داخل در عنوان خانه‌هایی باشد که خداوند بزرگ دربارهٔ آن‌ها امر فرموده است که: باید مقام آنها والا و نام خدای تعالی در آنها یاد شود و مدح فرموده کسانی را که در بامدادان و شامگاهان در آنجا به تسبیح حق تعالی مشغول می‌شوند. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب بپردازیم.[۱]

۱ ـ فضیلت مسجد کوفه و مصلّای حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور

مسجد کوفه یکی از چهار مسجدی است که دستور داده شده به سوی آن بار سفر بسته شود. آن مساجد عبارتند از:

۱ ـ مسجدالحرام در مکّهٔ مکرّمه، **۲** ـ مسجد النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم در مدینهٔ منوّره، **۳** ـ مسجد الأقصی در بیت المقدّس، **۴** ـ مسجد کوفه.

همچنین مسجد کوفه از جمله اماکن چهارگانه‌ای است که مسافر مخیّر است نمازهای خود را در آنجاها شکسته یا تمام بخواند، و آن مکان‌ها عبارتند از: **۱** ـ مسجد الحرام، **۲** ـ مسجد النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم، **۳** ـ حائر حسینی علیه السلام، **۴** ـ مسجد کوفه.

مسجد کوفه محلّ نماز پیغمبران و اوصیاء علیهم السلام بوده، و به زودی محلّ نماز حضرت مهدی صلوات الله علیه خواهد شد إن شاء الله.

در روایتی آمده است: در آن مسجد هزار پیغمبر و هزار وصیّ نماز گزارده‌اند.[۲]

---

۱. نجم الثاقب: ۴۷۳.

۲. مفتاح الجنّات: ۴۱۰/۱.

اعمال مسجد کوفه زیاد است، ما به جهت طولانی نشدن مطلب از ذکر آن صرف نظر کردیم، و سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «مصباح الزائر» مفصّلاً اعمال آن را ذکر کرده است، طالبین به آن کتاب مراجعه نمایند.

۲ ـ فضیلت مسجد سهله
که مقام حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه در آنجا است

بهترین مسجد در شهر کوفه پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است. آنجا خانهٔ حضرت ادریس و ابراهیم علیهما السلام است، آنجا محلّ ورود حضرت خضر علیه السلام و مسکن او است.

در روایتی آمده است که آنجا مقام صلحاء و پیغمبران مرسل است، و در فضیلت آن مسجد روایات زیادی نقل شده است.

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلاً إلى مسجد السهلة بأهله وعياله ومتّخذه منزلاً له، وإنّ الله تعالى لم يرسل نبيّاً قطّ إلّا وصلّى فيه، وكلّ من أقام فيه فكأنّما أقام في خيمة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

وما من مؤمن ولا مؤمنة إلّا وقلبه يحنّ إليه، وفيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم.

وما من أحد يصلّي فيه ويدعو بنيّة خالصة إلّا أعطاه الله حاجته، وما من أحد يطلب فيه الأمان إلّا آمنه الله من كلّ ما يخاف.

وما من يوم أو ليلة إلّا وتنزّل الملائكة لزيارته وعبادة الله فيه، وما لم أذكره لك من فضيلة هذا المسجد أكثر ممّا ذكرته.

گویا می‌بینم که حضرت صاحب الأمر (صلوات الله علیه) را که با اهل و عیالش وارد

مسجد سهله شده و در آنجا ساکن شده‌اند، خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد مگر آنکه در آنجا نماز خواند، و هر کس در آن مکان نماز بخواند چنان است که در خیمهٔ رسول خدا نماز خوانده است.

هیچ مرد و زن مؤمنی نیست جز آنکه دلش آرزوی رفتن به آن مسجد را دارد، در آن مسجد سنگی است که صورت همهٔ پیامبران ـ صلوات الله علیهم ـ در آن است.

هر کس با نیّت خالص در آن مسجد نماز بخواند و دعا نماید خداوند حاجت او را برآورده می‌کند، و هر کس در آنجا امان بخواهد خداوند او را از هر چیزی که می‌ترسد ایمن می‌دارد. و هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه ملائکه برای زیارت آن مکان و عبادت خدا در آنجا فرود می‌آیند، و آنچه از فضایل این مسجد ذکر نکردم بیشتر از آن است که بیان کردم.

از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

من صلّى ركعتين في مسجد السهلة، زاد الله في عمره عامين.

کسی که دو رکعت نماز در مسجد سهله بخواند خداوند دو سال به عمر او می‌افزاید.

در روایت دیگر آمده است:

أنّ منه يكون النفخ في الصور، ويحشر من حوله سبعون ألفاً يدخلون الجنّة بغير حساب.

صور از آن مکان دمیده می‌شود، و از اطراف آن هفتاد هزار نفر محشور می‌شوند و بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.

ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضرمی از امام باقر ـ یا امام صادق علیهماالسلام ـ روایت می‌کند که گفت: به حضرت عرض کردم: برترین بقعه پس از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کدام است؟

حضرت فرمود:

الكوفة يا أبابكر، هي الزكيّة الطاهرة، فيها قبور النبيّين المرسلين وغير المرسلين والأوصياء الصادقين، وفيها مسجد سهيل الّذي لم يبعث الله نبيّاً إلّا وقد صلّى فيه.

ومنها يظهر عدل الله، وفيها يكون قائمه والقوّام من بعده، وهي منازل النبيّين والأوصياء والصالحين.

کوفه است ای ابابکر؛ آن مکان نظیف و پاکی است؛ در آنجا قبرهای پیامبران مرسل و غیر مرسل و اوصیاء راستگویان هست، مسجد سهله در آن شهر واقع شده است، مسجدی که هیچ پیغمبری برانگیخته نشده جز آنکه در آن مسجد نماز گزارده است.

و از آن شهر عدل خدا ظاهر می‌گردد، و قائم خدا و بپا دارندگان دین بعد از او در آن شهر خواهند بود، و آن شهر، خانهٔ پیغمبران و اوصیاء و شایستگان است.[1]

۳ـ مسجد مقدّس جمکران

بناء مسجد شریف جمکران به دستور امام زمان صلوات الله علیه **در بیداری** صادر شده است. شیخ پارسا و پرهیزکار حسن بن مثلهٔ جمکرانی رحمه‌الله دربارهٔ چگونگی بنای مسجد مقدّس جمکران به امر امام زمان ارواحنا فداه می‌گوید:

شب سه‌شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری بود، من در خانهٔ خودم خوابیده بودم، پاسی از شب گذشته بود که ناگاه گروهی از مردم به درب خانه‌ام آمده و **مرا بیدار کردند**، و گفتند: برخیز؛ و دعوت امام زمانت حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه را اجابت کن، که اینک تو را می‌خواند.

حسن بن مثله می‌گوید: با شتاب برخاستم، و به سراغ لباسهایم رفتم تا آماده شوم، گفتم: اجازه بدهید تا پیراهنم را بپوشم.

---

۱. مفتاح الجنّات: ۴۲۶/۱.

صدا آمد: این پیراهن از آنِ تو نیست! آن را مپوش، آن را انداختم و پیراهن خودم را یافتم و پوشیدم، خواستم شلوارم را بپوشم صدا آمد: آن شلوار نیز از آنِ تو نیست، شلوار خود را بپوش!

آن را انداختم و شلوار خودم را برداشتم و پوشیدم، به دنبال کلید درب خانه رفتم که درب را باز کنم، صدا آمد: نیازی به کلید نیست درب باز است.

به درب خانه آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم که منتظر من بودند، سلام نموده و عرض ادب کردم. جواب دادند و به من مرحبا گفتند، و مرا تا آنجایی که اکنون مسجد جمکران در آن بنا شده است، بردند.

خوب نگاه کردم، دیدم محیطی نورانی است، تختی گذاشته‌اند و فرشی نیکو و جالب بر روی آن انداخته و پشتیهای زیبایی نهاده‌اند، جوانی نیکو صورت که به سی ساله می‌نمود روی آن تخت نشسته و بر پشتی زیبایی تکیه داده بود، پیرمردی روشن ضمیر در برابر او نشسته و کتابی در دست گرفته و برای او می‌خواند.

در پیرامون آن زمین باصفا بیش از شصت نفر با لباسهای **سفید و سبز گرداگرد وجود نازنین او نمازمی‌خواندند**، آن پیرمرد حضرت خضر علیه‌السلام بود.

پیرمرد مرا امر به نشستن نمود، من نشستم، حضرت امام زمان صلوات الله علیه رو به من کرد و مرا با اسم و نشان صدا زد و فرمود:

> برو و به **حسن مسلم** بگو: تو چندین سال است که این زمین را غاصبانه آباد می‌نمایی و زراعت می‌کنی، ما آن را خراب می‌کنیم، پنج سال است که در این زمین غاصبانه کشت می‌کنی.
>
> امسال می‌خواهی دوباره آباد کنی، دیگر حقّ نداری در این زمین کشت کنی. باید هر نفعی که از این زمین برده‌ای برگردانی، تا در این مکان مسجدی بنا کنند.

به حسن مسلم بگو: **این سرزمین شریفی است، و خداوند این سرزمین را از زمین‌های دیگر برگزیده و شرافت داده است**، تو این زمین را **تصاحب کردی و به زمین‌های خودت افزودی**، خداوند برای تنبیه تو و کیفر کارت، دو پسر جوانت را گرفت ولی تو متنبّه نشدی، و اگر باز به کارت ادامه دهی کیفری که خودت نفهمی به تو خواهد رسید.

گفتم: ای آقا و مولای من؛ برای رساندن این پیغام نشان و علامتی می‌خواهم، چون مردم پیغامِ بدون نشان و دلیل را گوش نمی‌دهند و سخن مرا نمی‌پذیرند.

فرمود:

ما علامتی در اینجا می‌گذاریم تا سخن تو را بپذیرند، تو برو و پیغام ما را برسان، و نزد سیّد ابوالحسن[1] می‌روی و به او می‌گوئی: برخیز و آن مرد کشاورز را حاضر کن و سودی که چند سال است می‌برد، از او بگیر و به مردم بده تا مسجد را بنا کنند و اگر هزینه کم آمد باقی آن را از «رهق» که در ناحیهٔ اردهال است و ملک ماست بیاورد و مسجد را تمام کند، ما نصف ملک «رهق» را وقف این مسجد نمودیم، که همه ساله درآمد آن را بیاورند و صرف عمارتِ این مسجد کنند.

و به مردم بگو: **به این مکان با شوق و اشتیاق رو آورند و آن را گرامی**

---

۱. گفتنی است که جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده، نشانگر شأن و بزرگواری و مقام والای جناب سیّد ابوالحسن الرضا است؛ زیرا در عصر او سادات زیادی از فرزندان ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام در قم ساکن بودند، لذا برگزیده شدن ایشان از طرف امام زمان **صلوات الله علیه** بیانگر مقام والا و اهمیّت موقعیّت آن بزرگوار است.

بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدّس قم خیابان آذر می‌باشد، مکانی که مورد توجّه مردم بوده و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام به زیارت آن مشرّف می‌شوند، سزاوار است کسانی که به مسجد جمکران مشرّف می‌شوند در صورت امکان آن بزرگوار را در مزار شریف ایشان زیارت کنند، و بر مجاورین و همسایگان آن بارگاه شریف لازم است که به آن مکان مقدّس احترام گذاشته و در زیارت آن اهتمام ورزند.

بدارند و در آن جا چهار رکعت نماز بخوانند.[۱]

جناب حسن بن مثله می‌گوید: چون این سخن را شنیدم، با خودم گفتم: گویا این همان محلّی است که شما می‌فرمایید، و اشاره کردم به جوانی که به پشتی تکیه داده بود... .[۲]

مسجد شریف جمکران از مکان‌های بسیار مهمّ معنوی در صحنهٔ گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدّس شرفیاب می‌شوند، باید کاملاً آداب آن را رعایت نموده و از اهمّیت و موقعیّت معنوی آن، آگاه باشند؛ تا با تشرّف به آن مکان پرفیض، روح و جان خود را سرشار از معنویّت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند.

اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می‌شوند مفید است، بیان می‌کنیم:

۱ ـ حضرت امام عصر ارواحنا فداه **در بیداری** توسّط جناب حسن بن مثلهٔ جمکرانی به امامزادهٔ عظیم الشأن سیّد ابوالحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدّس را بنیان گذارد. و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان **بیداری نقل شده است نه خواب**.

۲ ـ صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به بنا کردن آن مکان مقدّس، حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از وقوع آن خبر داده‌اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین»[۳] ذکر نموده است **امیر دائرهٔ هستی و ولیّ عوالم امکان حضرت علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام به تفصیل آن را در پیشگوئی خود بیان نموده‌اند**.

در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدّس جمکران سرّی را بیان کرده‌اند که همه تاب تحمّل و پذیرش آن را ندارند.

---

۱. دستور نماز مسجد مقدّس جمکران را در ص ۱۲۶ این کتاب نقل می‌کنیم.

۲. بحار الأنوار: ۲۳۰/۵۳، نجم الثاقب: ۳۸۳. تاریخی که در این جریان ذکر شده صحیح نیست؛ زیرا آن را مرحوم شیخ صدوق نقل کرده و وفات ایشان قبل از تاریخ مذکور است.

۳. انوار المشعشعین: ۴۵۴/۱.

۳ ـ مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده‌اند: در عصر ظهور، پرچم لشکریان امام عصر (ارواحنا فداه) بر فراز کوه سفید ـ که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است ـ به اهتزاز درمی‌آید.

۴ ـ نکتهٔ بسیار مهمّی که باید به آن توجّه داشت این است که نه تنها مسجد مقدّس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداه عظمت و موقعیّت خاصّی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحوّلات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است.

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداه استفاده می‌کنیم که فرموده‌اند: «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در **داخل خانهٔ خدا** آن را انجام داده». و خانهٔ خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می‌گذارد، که در برابر بیت المعمور و مکان‌های معنوی آسمانی و فضائی است.

بنابراین انسان با بودن درخانهٔ خدا و اقامهٔ نماز در آن، راه ارتباط برایش باز می‌شود و خود را دراختیارجاذبه‌های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می‌دهد و در معرض تشعشعات امواج نامرئی قرار می‌گیرد که در جسم و جان انسان تحوّلی سازنده به وجود می‌آورد و مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است.

و دلالت می‌کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداه که فرموده است: «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در **داخل خانهٔ خدا** می‌باشد».

همانا برای **مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است** که مردم آن را نمی‌دانند. و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

ما من عِلمٍ إلّا وأنا أفتحه، وما من سرٍّ إلّا والقائم يختمه.[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۶۹/۷۷.

هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می‌گشایم و هیچ سرّی نیست مگر آن که قائم آن را بیان می‌کند و به پنهان بودنش خاتمه می‌دهد.

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اوّل حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خبر داده‌اند و بیان همهٔ اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه صورت خواهد گرفت إن شاء الله.

ما یاد آن زمان پرشکوه را در خاطره‌ها تجدید می‌کنیم و از خدای مهربان می‌خواهیم هر چه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند.

۵ـ افرادی که به آن مکان مقدّس مشرّف می‌شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی‌دارند که مورد توجّه امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و آنان در منظر و محضر نورانی آن بزرگوار هستند به گونه‌ای که **گویی در منزل آن حضرت وارد شده‌اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته‌اند.**

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان، بلکه از افکار و اندیشه‌ها و نیّت‌های ایشان، و بلکه از افکار و خطوراتِ نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند.

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند؛ زیرا آنان **در مسجد مقدّس جمکران میهمان آن حضرت هستند**، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند.

۶ـ یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدّس تشرّف پیدا می‌کند، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدّس مشخّص نموده **و بهترین، مهم‌ترین و عالی‌ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای‌بند مقاصد کوچک و مسائل مادّی و نفسانی خود نسازد**، و بداند **بزرگ‌ترین مسأله در این عصر و زمان،**

تعجیل ظهور امام زمان ارواحنافداه **می‌باشد**.

زیرا در عصر ظهور آن حضرت، مشکلات مادّی و معنوی همهٔ انسان‌ها برطرف می‌شود و دیگر **غم به خانه‌ای راه نخواهد یافت**. پس چه بهتر که در آن مکان مقدّس **برای نجات همهٔ انسان‌ها از گرفتاری‌ها و مشکلات دعا کند**. و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدّس جمکران، **استغاثه و دعا برای امام عصر** ارواحنافداه **و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد**.

توجّه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را ـ با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ـ دربارهٔ آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده‌ایم؛ ولی سزاوار است در مقدّمهٔ آن، بعضی از وظیفه‌ها و برنامه‌های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم؛ زیرا بنا بر روایاتی که از ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقّع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسّفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی‌اطّلاعند، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظیفه‌های زمان تاریک غیبت می‌باشد. **وچنانچه مردم از اوّلین روزهای سیاهِ غیبت با حال تباه خود آشنا می‌شدند، عصر غیبت این گونه طولانی نمی‌شد**.

به هر حال همهٔ مردم بالأخصّ کسانی که دارای وظیفهٔ بیان این گونه مسائل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالَم هستی که عالِم به همهٔ نیازمندی‌ها در این منظومه و همهٔ

منظومه‌ها و کهکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن **نور خدا** همچنان در پردهٔ ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمائی **به نام قلب** با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی‌خبر باشند؟

آیا در چه زمانی قلب‌ها به حیات اصلی خویش بازمی‌گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی انسان‌ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه‌ای که با آن می‌توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشهٔ انسان‌ها پدید می‌آید و جامعهٔ بشریّت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می‌کند؟

آیا در کدامین روزگار انسان‌ها بر اثر آشنا شدن **با نور خدا**، تیرگی‌ها و تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و **به حکومت عادلانهٔ الهی که جهانی خواهد بود می‌رسند**؟ آیا چه زمانی ... و آیا چه زمانی ...

آیا این‌ها همه، جز در حکومت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه میسّر است؟ پس چرا شُکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شِکوه نمی‌نمائیم؟ چرا از وضع جهان در آینده[1] آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نمائیم؟!

---

۱. رجوع کنید به اثر دیگر مؤلّف: «دولت کریمهٔ امام زمان ارواحنا فداه».

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه!

پاسخ همهٔ این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن، خو گرفته‌ایم! به حدّی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده‌ایم! و اعتیاد یک قدرتِ بسیار قوی برای کشاندن انسان‌ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی‌ها و یا بدی‌هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می‌کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها و زشتی‌ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوّم انسان برشمرده و فرموده‌اند:

العادة طبع ثانٍ.[1]

عادت، طبیعت دوّم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمّی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می‌افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می‌کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف‌های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت‌های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسّفانه جامعهٔ بشری بر اثر نداشتنِ رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجستهٔ انسانی سوق داده و هدایت

---

۱. شرح غرر الحکم: ۱۸۵/۱.

نماید، به عادت‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان‌تر می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.

یکی از عادت‌های شوم اجتماعی که جامعهٔ ما را به خود گرفتار نموده و در بند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه‌ای که هرگز دربارهٔ آینده‌ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه‌ای نکنند.

با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسألهٔ «انتظار» و تشویق انسان‌ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئلهٔ انتظار آنان را به امید و **حرکت به سوی آیندهٔ روشن** فرا خوانده‌اند.

متأسّفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این مسألهٔ مهمّ حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند و دربارهٔ رسیدن به آیندهٔ درخشان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسّف مسألهٔ غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است!

هنوز اکثریّت جامعهٔ ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسألهٔ ظهور امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل‌های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعهٔ ما در حال رکود به سر می‌برد و حرکتی در جهت ترقّی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزندهٔ انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات.[1]

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می‌آید.

---

۱. شرح غرر الحکم: ۲۲۹/۳.

جامعهٔ ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه عادت دیرینهٔ غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیلهٔ دعا از اعماق دل و جان خواهان فرا رسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمّی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای‌شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی‌تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی‌تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ‌تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی‌تفاوت بوده‌اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده‌اید و در اندیشهٔ ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده‌اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده‌اید، و نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه‌ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌ای سنگین بر عهدهٔ مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک ارادهٔ قوی و با یک تصمیم جدّی، گذشتهٔ خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشتهٔ آن‌ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبیّنا وآله وعلیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

﴿لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾.[۱]

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او رحم کننده‌ترین رحم‌کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادّیات و مسائل بی‌ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی **و شناخت خداوند و جانشینان او** به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند همچون سیّد بحرالعلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه‌های مادّی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت‌زا نماید؟!

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیّت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همهٔ انسان‌ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجّه داشته باشند؟

اگر همهٔ انسان‌ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آنِ گروهی خاصّ است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی؟ ره زکه پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

---

۱. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۹۲.

به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و دربارهٔ تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می‌برد و روزنه‌ای به سویش گشوده می‌شود؛ بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت ـ همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اوّل مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند ـ دستان آن حضرت را بسته است؛ دست برندارید. **و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنافداه و فراهم کردن مقدّمان آن، تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.**

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره‌مند شود و شکّی به خود راه ندهد، منظور نظرِ حضرتش قرار می‌گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می‌نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه سرانجام به همهٔ مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند:

من طلب شیئاً ناله أو بعضه.[1]

کسی که در جستجوی چیزی باشد، به تمام آن یا مقداری از آن می‌رسد.

شما با قاطعیّت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دائرهٔ امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقهٔ آن بزرگوار سراسر جهان را فراگرفته است.

---

۱. شرح غرر الحکم: ۳۰۵/۵.

در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

السّلام علیك یا قطب العالم.[۱]

سلام بر شما ای قطب عالمِ هستی.

همهٔ موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدّس به زندگی ادامه می‌دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می‌باشند.

نه تنها ذرّات مادّی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه‌السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است. در زیارت امام زمان ارواحنا فداه می‌خوانیم:

السّلام علیك یا إمام المسیح.[۲]

سلام بر شما ای پیشوای مسیح.

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می‌باشد.

همهٔ نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیّت خویش را خالص نموده‌اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، **راه و یا روزنه‌ای به سوی مقام نورانیّت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده‌اند**، و امام عصر ارواحنا فداه تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته‌اند برطرف می‌نماید.

---

۱ و ۲. همین کتاب: ۴۴۹.

در روایت می‌خوانیم:

وما بثلاثین من وحشة.[۱]

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهائی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی‌کنند و کسی در عصر تیرهٔ غیبت راهی به نور و روزنه‌ای به روشنائی نمی‌یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می‌شتابند و در پرتو بهره‌مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداه روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه‌شماری می‌کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب‌های استوار خود را استوارتر می‌کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد بااخلاص را بشنویم، پیام‌شان به ما این گونه است: ﴿**فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوىً**﴾[۲].

کفش خود را درآورید و ببینید چگونه پای خود را آزرده‌اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان باز مانده‌اید!

متأسّفانه عدّه‌ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی‌گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی‌کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می‌اندازند و آنان را می‌آزارند. این گونه افراد با نیشِ زبان، نیشتر به قلب دوستان واقعی می‌زنند؛ زیرا بر اثر القائات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداه باز مانند. گویی که نمی‌دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداه و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۵۳/۵۲.

۲. سورهٔ طٰه، آیهٔ ۱۲.

مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» نفرموده‌اند:

أصدقاؤك ثلاثة وأعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، وصديق صديقك، وعدوّ عدوّك، وأعداؤك: عدوّك، وعدوّ صديقك، وصديق عدوّك.[1]

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می‌باشند.

امّا دوستانت عبارتند از: ۱ـ دوست خودت، ۲ـ دوستِ دوستت، ۳ـ دشمنِ دشمنت.

و دشمنانت عبارتند از: ۱ـ دشمن خودت، ۲ـ دشمنِ دوستت، ۳ـ دوست دشمنت.

بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداه، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان‌های تفتیده ریگ‌های داغ فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهرهٔ کریه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عدّه‌ای در پی انجام نماز استسقاء رفته‌اند.

امّا صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می‌گذرد و مردم دست‌شان از آن چشمهٔ زلال حیات مادّی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی‌کنند و به فکر باران می‌باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می‌بارد.

آیا در زیارت جامعه نمی‌خوانیم:

وبكم ينزّل الغيث.

به وسیلهٔ شما بارانِ سودمند می‌بارد.

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می‌پردازیم. همان گونه که مسبّب الأسباب را از یاد می‌بریم و به دنبال اسباب می‌رویم.

---

۱. نهج البلاغه: کلمات قصار: ۲۹۵.

توجّه به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه لازم است

باید بدانیم که توجّه به حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه، توجّه به خداوند کریم است؛ همانگونه که توجّه به بقیّهٔ ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام توجّه به خداوند می‌باشد.

پس زیارت و توسّل به ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام، مایهٔ توجّه به خداوند تبارک و تعالی است. به این جهت کسی که قصدِ تقرّب به خداوند بزرگ بنماید بـه ائـمّهٔ اطـهار علیهم‌السلام روی می‌آورد. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می‌آورد.

انسان با توجّه به ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام نه تنها عوامل موفّقیّت و پیشرفت را به سوی خود جلب می‌کند بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مـقامات عـالی هسـتند نـیز بـرطرف می‌نماید؛ زیرا به وسیلهٔ توجّه به امام زمان ارواحنا فداه و همچنین بقیّهٔ ائـمّهٔ اطـهار علیهم‌السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می‌شود و تاریکی‌ها از باطن او برطرف می‌گردد.

حضرت باقر العلوم علیه‌السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمودند: «**أنا باب الله**»، می‌فرمایند:

يعني مَن تَوَجَّهَ بي إِلَى اللهَ غفر له.[1]

یعنی کسی که به وسیلهٔ من توجّه به خداوند نماید، آمرزیده می‌شود.

بنابراین با توجّه به باب الله، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف می‌کند.

گرچه همهٔ چهارده معصوم علیهم‌السلام به دلیل دارا بودن «**مقام نورانیّت**» محیط بر هر عصر

---

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۳۹.

و زمانی هستند و انسان‌ها در هر عصر و زمان باید توجّه به همهٔ آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس **مقامات تنزّلیّهٔ** زمانیّه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیّهٔ ائمّه علیهم‌السلام توجّه داشته باشد.

اینک به روایت عبدالله بن قدامهٔ ترمدی از حضرت ابا الحسن علیه‌السلام توجّه نمایید که فرمودند:

من شكّ في أربعة فقد كفر بجميع ما أنزل الله عزّوجلّ؛ أحدها معرفة الإمام في كلّ زمان وأوان بشخصه ونعته.[1]

کسی که دربارهٔ چهار چیز شکّ کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمانِ خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد، ولی به او توجّه نداشته باشد؟!

بنابراین، توجّه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداه و نشناختن اوصاف و خصوصیّات مقام رفیع آن بزرگوار، اگر چه انسان به امامان دیگر توجّه داشته باشد صحیح نیست.

پس وظیفهٔ ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجّه خاصّ داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملّا قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرّب است، و دعا چنین است:

يا محمّد يا عليّ يا فاطمة يا صاحب الزّمان أدركني ولاتهلكني.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می‌گوید: اندکی تأمّل کردم و به فکر

---

۱. بحار الأنوار: ۱۳۵/۷۲.

فرو رفتم. فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن‌ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می‌کنی، زیرا **در این زمان نظم دهندهٔ جهان حضرت بقیّة الله** علیه السلام **است**، ما در این دعا حضرات محمّد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می‌کنیم.[1]

لازم است به این نکته توجّه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجّه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می‌گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سیدّ الشهداء علیهما السلام و... متوجّه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی‌ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته‌اند، یاد و توجّه به مولای خود حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را فراموش نمی‌نمایند.

در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

أین وجه الله الّذي إليه يتوجّه الأولياء.

کجاست آن آیینهٔ تمام‌نمای الهی که اولیاء خدا به سوی او توجّه می‌نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجّه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته‌اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره‌مند می‌شوند، در زیارت آل یَس می‌خوانیم:

السّلام عليك حين تقرء وتبيّن.

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می‌کنید و (اسرار آن را) بیان می‌فرمائید.

---

۱. دارالسلام مرحوم عراقی: ۳۱۷. تمام این جریان را در ص ۳۵۴ این کتاب نقل می‌کنیم.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کند به امام زمان خویش توجّه خاصّی داشته باشد.

اکنون به این روایت که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است توجّه کنید:

عن مولانا الرضا عن آبائه علیهم‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله في قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾[1] قال: يدعى كلّ قوم بإمام زمانهم، وكتاب الله وسنّة نبيّهم.[2]

حضرت امام رضا علیه‌السلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ فرمایش خداوند: «روزی که همهٔ انسانها را با امامشان فرا می‌خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنّت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خوانده می‌شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت دربارهٔ این سه مسألهٔ حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می‌گیرد که آیا وظیفه‌اش را نسبت به امام زمانِ خود و همچنین کتاب خدا و سنّت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام داده است یا نه؟

پس در روز قیامت از مسألهٔ امامت سؤال می‌شود و بررسی می‌کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

یکی از راه‌های مهمّ توجّه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام دربارهٔ آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیهٔ مقدّسهٔ آن بزرگوار صادر گردیده است.

سفارش جناب محمّد بن عثمان، دوّمین نایب خاصّ امام عصر ارواحنا فداه به احمد ابن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

---

۱. سورهٔ إسراء، آیهٔ ۷۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۰/۸.

توجّه إليه بالزيارة.[۱]

به سوی آن حضرت به وسیلهٔ این زیارت توجّه نما.[۲]

از این کلام می‌توان استفاده نمود که به وسیلهٔ زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می‌تواند به سوی آن بزرگوار توجّه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدّس نماید.

مسألهٔ توجّه داشتن به مقام و شخصیّت امام عصر ارواحنا فداه و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم‌السلام عظمت مقام و شخصیّت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را بیان کرده‌اند و از غیبت و فراق آن سرور عالمِ امکان اظهار تأسّف نموده‌اند.

در واقع اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها با بیانات خود **مردم را موظّف نموده‌اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند**؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته‌اند؛ **ولی متأسّفانه شیعیان این مسألهٔ حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم‌ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده‌اند.**

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهمّ که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی‌توجّهی جامعهٔ شیعه در گذشته و حال از این مسئلهٔ مهمّ و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه بی‌بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور

---

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳.

۲. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت‌ها» می‌آوریم.

و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می‌کند و ادامهٔ حکومت لعنت شدهٔ حبتری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

جامعهٔ ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و **آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبّب الأسباب را فراموش کرده است**، درست است که دنیا سرای اسباب می‌باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حدّ باشد که سبب‌آفرین را فراموش کنیم. جامعهٔ ما، هم به خداوند که مسبّب الأسباب است کم‌توجّه می‌باشد و هم از ولیّ و جانشین او غفلت می‌ورزد.

یکی از علل مهمّی که باعث غفلت و یا کم توجّهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداه شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیّت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است، متأسّفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجّه سازند، موفّق به انجام این وظیفهٔ مهمِّ شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می‌کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رئوف طلب عفو و بخشش می‌نمائیم:

﴿ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴾.[1]

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطاکار بودیم.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشتهٔ ما، آینده را جبران نموده و **به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدّس آن حضرت متوجّه سازیم**.

---

۱. سورهٔ یوسف، آیهٔ ۹۷.

انتظار

ترک عادت‌های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به همراه دارد، انسان را به برترین و بافضیلت‌ترین مقامات می‌رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می‌شود بلکه غیبت برای او به منزلهٔ مشاهده می‌شود.

اکنون به این روایت بسیار جالب توجّه کنید: حضرت امام سجّاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند:

تمتدّ الغيبة بوليّ الله الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلی الله علیه و آله والأئمّة بعده.

يا أبا خالد؛ إنّ أهل زمان غيبته، القائلين بإمامته، المنتظرين لظهوره أفضل أهل كلّ زمان.

لأنّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلی الله علیه و آله بالسيف.

اولئك المخلصون حقّاً وشيعتنا صدقاً والدعاة إلى دين الله سرّاً وجهراً.

وقال علیه السلام: انتظار الفرج من أعظم الفرج.[1]

غیبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان بعد از او امتداد پیدا می‌کند و طولانی می‌شود.

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر ظهور او می‌باشند برترینِ اهل هر زمان هستند. زیرا که خداوند ـ که یادش بزرگ باد ـ آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئلهٔ غیبت برای آنان به منزلهٔ مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزلهٔ

۱. بحار الأنوار: ۱۲۲/۵۲.

کسانی قرار داده است که پیشاپیش رسول خدا ﷺ با شمشیر جنگیده‌اند، آنان حقیقتاً صاحبان اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار می‌باشند.

و حضرت سجّاد علیه‌السلام فرمودند: انتظار فرج از بزرگ‌ترین نوع فرج است.

امام سجّاد علیه‌السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی می‌کنند ولی مسئلهٔ غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار ظهور آن بزرگوار به سر می‌برند، **برترین مردمان هر زمان معرّفی فرموده‌اند.**

زیرا آنان توانسته‌اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت اجتماعیِ غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه توانسته‌اند آن چنان در حالات روحی خود تحوّل ایجاد کنند که مسألهٔ غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجّاد علیه‌السلام این گونه افراد شیعیانِ راستین اهل بیت و پیروان واقعی خاندان وحی علیهم‌السلام می‌باشند.

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده‌اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته‌اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجّه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار **پدیدآورندهٔ فکر و اندیشه، نیروبخش و عمل آفرین** است، و بر این اساس پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

أفضل جهاد أُمّتي انتظار الفرج.[1]

بافضیلت‌ترین جهاد امّت من، انتظار فرج است.

انتظار زمینه‌ای مهمّ برای برقراری و تسلّط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و علّت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیّت آن است.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۴۳/۷۷.

و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه برشمرده‌اند، و پس از بیان این موضوع فرموده‌اند:

إنّ لنا دولة يجيئ الله بها إذا شاء.
ثمّ قال: من سرّ أن يكون من أصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع ومحاسن الأخلاق وهو منتظر، فإن مات وقام القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدركه، فجدّوا وانتظروا هنيئاً لكم أيّتها العصابة المرحومة.[1]

برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می‌آورد.
سپس فرمودند: کسی که دوست دارد از اصحاب (حضرت) قائم (ارواحنا فداه) باشد، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند در حالی که در صراط انتظار گام برمی‌دارد؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرا رسد و (حضرت) قائم بعد از او قیام کنند، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می‌نماید.
پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفهٔ مردم در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه می‌فرمایند:

وانتظر الفرج صباحاً ومساءاً.[2]

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می‌دانند و محبّین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می‌نمایند.

---

۱. بحار الأنوار: ۱۴۰/۵۲.
۲. بحار الأنوار: ۱۳۳/۵۲.

آن حضرت می‌فرمایند:

إنّ محبّينا ينتظر الرَّوْح والفرج كلّ يوم وليلة.[۱]

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرا رسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می‌باشند.

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه‌السلام از آن بزرگوار دربارهٔ برنامهٔ عملی و وظیفهٔ عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سئوال کرد:

كيف تصنع شيعتك؟

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟

قال علیه‌السلام: عليكم بالدّعاء وانتظار الفرج.[۲]

امام هادی علیه‌السلام فرمودند: **بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج.**

بنابراین، همان گونه که در روایت وارد شده است، انتظار ظهور مصلح جهان، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است.

پس **شخصی که خود را صالح می‌پندارد، باید منتظر ظهور مصلح باشد**، همان گونه که «خلقی که در انتظار ظهور مصلح بسر می‌برد، باید خود صالح باشد».

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمّه علیه‌السلام **در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه بر ارزش کلام می‌افزائیم.**

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام می‌فرماید:

دخلت على سيّدي محمّد بن عليّ علیه‌السلام وأنا اريد أن أسأله عن القائم، أهو المهديّ أو غيره؟ فبداني، فقال علیه‌السلام:

---

۱. بحار الأنوار: ۱۲۱/۲۷ و ج ۳۸/۶۸.

۲. مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵.

يا أباالقاسم، إنّ القائم منّا هو المهديّ الّذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولْدي.

والّذي بَعَث محمّداً بالنّبوّة وخصّنا بالإمامة أنّه لو لم يبق من الدّنيا إلّا يوم واحد لطوّل الله ذلك اليوم حتّى يخرج فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.

وإنّ الله تبارك وتعالى يصلح أمره في ليلة كما أصلح أمر كليمه موسى عليه السلام ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ.

ثمّ قال عليه السلام: أفضل أعمال شيعتنا إنتظار الفرج.[1]

من به محضر مولایم حضرت جواد علیه السلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار دربارهٔ قائم آل محمّد علیهم السلام سئوال کنم که آیا او همان مهدی است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود: ای اباالقاسم، قائم ما آل محمّد، همان مهدی است که **واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید** و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سوّمین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمّد صلی الله علیه و آله را به نبوّت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

خداوند امر او را در یک شب اصلاح می‌کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده‌اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوّت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: **بافضیلت‌ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.**

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل‌های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیفشان فرموده است: ﴿**أَيْنَمَا**

۱. بحار الأنوار: ۱۵۶/۵۱.

﴿تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللهُ جَمِيعاً﴾[1] به سوی آن بزرگوار بشتابند و...

انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشهٔ آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می‌طلبد.

ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی‌توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می‌شوند.

با این بیان روشن می‌شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجّه به مسألهٔ انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می‌شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و **پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می‌رسد که انسان در آرزو و اندیشهٔ پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویشتن نیندیشد**. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می‌کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته‌ای که باید مورد توجّه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همهٔ شیعیان بلکه بسیاری از ملّت‌های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همهٔ آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقّق آن نیستند!

---

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۴۸.

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسألهٔ انتظار در آن‌ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداه دلالت می‌کنند؛ زیرا **اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان‌ها می‌آموزند، عمل کرده است؟!**

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسألهٔ ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار ـ به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می‌آموزند ـ هر انسانی وظیفه دارد در اندیشهٔ ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد.

معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می‌آموزد و لازم است به آن توجّه داشته باشیم، مسألهٔ معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می‌باشد.

کسی که واقعاً در راه معرفت پروردگار و شناختِ صحیح ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران، قلبش با انوار تابناک معارف الهیّهٔ خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق، با وظیفه‌های دیگر خود آشنا می‌گردد و متوجّه می‌شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فداه زشت و ناپسند است.

این نورانیّت بر اثر درخشیدن نور امام علیه‌السلام است؛ زیرا امام علیه‌السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می‌سازد.

اکنون به این روایت جالب توجّه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أباجعفر علیه‌السلام **عن قول الله** عزّوجلّ

﴿فَآمِنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذي أَنْزَلْنا﴾[۱].

فقال: يا أبا خالد، النور والله الأئمّة من آل محمّد صلی الله علیه و آله إلى يوم القيامة، وهم والله نور الله الّذي أنزل، وهم والله نور الله في السماوات وفي الأرض.

والله يا أبا خالد، لَنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم والله ينوّرون قلوب المؤمنين، ويحجب الله عزّوجلّ نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم.

والله يا أبا خالد، لايحبّنا عبد ويتولّانا حتّى يُطهّر الله قلبه، ولا يُطهّر الله قلب عبد حتّى يُسلّم لنا، ويكون سلماً لنا، فإذا كان سلماً لنا سلّمه الله من شديد الحساب، وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر.[۲]

ابو خالد کابلی می‌گوید: از امام محمّد باقر علیه السلام در مورد آیهٔ شریفه که می‌فرماید: «پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمّد علیهم السلام تا روز قیامت می‌باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمان‌ها و زمین می‌باشند.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلب‌های مؤمنین تابناک‌تر از خورشید فروزان در روز است.

به خدا سوگند؛ آنان قلب‌های مؤمنین را روشن می‌سازند، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می‌نماید، پس قلب‌های‌شان تاریک می‌شود.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ هیچ بنده‌ای به ما محبّت نمی‌ورزد و ولایت ما را نمی‌پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید، و دل هیچ بنده‌ای را خداوند پاک نمی‌گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سرِ سازش با ما داشته باشد. پس

---

۱. سورهٔ تغابن، آیهٔ ۸.

۲. الكافي: ۱۹۴/۱.

هنگامی که با ما سازش داشت، خداوند او را از سختی‌های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می‌دارد، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می‌گرداند.

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحنا فداه نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد؟

احساس حضور، یا نشانی از معرفت

وظیفهٔ مردم در عصر غیبت به طور کلّی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱ـ آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد.

۲ـ آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه‌السلام لازم است.

یکی از وظایف و برنامه‌هایی که مربوط به قسم دوّم است و تأثیر مهمّی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود تحوّلی عظیم در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می‌آورد اعتقاد به مسألهٔ حضور و عمل کردن بر طبق آن است.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می‌باشند و او در زمان حضور یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می‌باشد ـ و زمان و مکان برای ما محدودیّت می‌آورد نه برای مقامات نورانیّهٔ آنان ـ؛ نمی‌تواند حضور آنان را مقیّد و محدود به زمان و یا مکان خاصّی بنماید.

زیرا زمان و مکان از قیود مادّه است و مقام نورانیّت اهل بیت علیهم‌السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را در حدیث نورانیّت تشریح فرموده‌اند، فوق مادّه است و بلکه محیط بر آنست، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیّت آنان، محدودیّت و تقیّد ایجاد نمی‌نماید.

برای توضیح مطلب می‌توانید به حدیث «نورانیّت» که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

آن را برای جناب سلمان و ابوذرّ بیان فرموده‌اند رجوع کنید. و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می‌کنیم و روایت مهمّ دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده‌اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است، نقل می‌کنیم:

ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می‌گوید:

دخلت المسجد مع أبي جعفر علیه السلام والناس يدخلون ويخرجون.

فقال لي: سل الناس هل يرونني؟

فكلّ من لقيته قلت له: أرأيت أباجعفر علیه السلام فيقول: لا وهو واقف حتّى دخل أبوهارون المكفوف، قال: سَلْ هذا؟

فقلت: هل رأيت أباجعفر؟ فقال: أليس هو بقائم؟

قال: وما علمك؟ قال: وكيف لا أعلم وهو نور ساطع؟

قال: وسمعته يقول لرجل من أهل الإفريقيّة: ما حال راشدٍ؟

قال: خلّفته حيّاً صالحاً يقرؤك السلام.

قال: رحمه الله، قال: مات؟ قال: نعم، قال: متى؟

قال: بعد خروجك بيومين.

قال: والله ما مرض ولا كان به علّة.

قال: وإنّما يموت مَن يموت من مرض أو علّة. قلت: من الرجل؟

قال: رجل لنا موالٍ ولنا محبّ.

ثمّ قال: أترون أنّه ليس لنا معكم أعينٌ ناظرة، أو اسماع سامعة، لبئس ما رأيتم، والله لايخفى علينا شيء من أعمالكم فاحضرونا جميعاً وعوّدوا أنفسكم الخير، وكونوا من أهله تعرفوا فإنّي بهذا آمر ولدي وشيعتي.[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۴۳/۴۶.

با امام باقر علیه‌السلام وارد مسجد شدم، و مردم در حال رفت و آمد بودند. امام علیه‌السلام به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می‌بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر علیه‌السلام را دیدی؟ می‌گفت: نه؛ در حالی که امام علیه‌السلام ایستاده بود، تا فردی نابینا به نام ابوهارون وارد شد.

امام علیه‌السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام باقر علیه‌السلام را دیدی؟

ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده‌اند؟

ابوبصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام علیه‌السلام ایستاده است؟

ابوهارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن که امام علیه‌السلام نوری است آشکار و نمایان.

ابوبصیر می‌گوید: و شنیدم که امام باقر علیه‌السلام به مردی از اهل آفریقا می‌فرمود: حال راشد چگونه است؟

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می‌رساند.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد آفریقایی گفت: او مُرد؟!

امام علیه‌السلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه‌السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه‌السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می‌میرد به خاطر مرض یا درد می‌میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه‌السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه‌السلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است.

آن گاه امام علیه‌السلام فرمودند: آیا می‌پندارید برای ما با شما، چشمانی نظاره‌گر و گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار نادرستی؛ **به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از اعمال شما پنهان نیست**. پس همهٔ ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس‌های خود را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا به آن شناخته شوید. **من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می‌کنم**.

این روایت مطالب مهمّی را دربردارد که برای درک معانی آن، لازم است دقّت کامل نمود.

نکتهٔ مهمّی که از این روایت استفاده می‌کنیم، اعتقاد به حضور خاندان وحی علیهم‌السلام می‌باشد، و درک این واقعیّت امکان پذیر است به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه‌السلام برای درک آن بیان فرموده‌اند رعایت شود.

نکتهٔ بسیار مهمّی که آن حضرت در پایان فرمایش خود فرموده‌اند این است که آن بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن سفارش و امر فرموده‌اند. و این دلیل بر آن است که باید همه برای شناخت و دریافت واقعیّتی را که بیان فرموده‌اند، سعی و کوشش کنند.

بنابراین روایت، هر یک از آن بزرگواران عین الله هستند که اعمال و رفتار ما را می‌بینند و اُذُن الله هستند که تمام گفتار ما را می‌شنوند. آن گاه امام علیه‌السلام کسانی را که این حقایق را نپذیرفته‌اند مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می‌فرمایند واقعاً بد اعتقادی دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده نیست.

حضرت امام باقر علیه‌السلام پس از بیان این نکات به نتیجه گیری از فرمایشات خود می‌پردازند و به چند نکته تصریح می‌فرمایند:

۱ ـ همهٔ ما را نزد خود حاضر بدانید.

این کلام اشاره به مقام نورانیّت اهل بیت علیهم‌السلام است که آن بزرگواران به مقام نورانیّت، محیط بر زمان می‌باشند، و فرقی میان هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد، باید خود را نزد همهٔ آن بزرگواران بداند، و همانگونه که انسان باید خود را در حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم‌السلام نیز می‌باشد.

بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد **تحوّل بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می‌شود.**

۲ ـ نفس‌های خود را به کارهای نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید.

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب، نفس خود را عادت دهد. یعنی آنچنان باید در

تهذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده متنفّر و منزجر نباشد، بلکه به آن‌ها خو گرفته و عادت داشته باشد.

نکتهٔ قابل توجّه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آن‌ها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیّت چندانی نخواهد داشت؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جوّ جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند، در نتیجه سنخیّتی با آنچه انجام می‌دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید. و این نکتهٔ دقیقی است که کاملاً باید به آن توجّه شود.

برای توضیح مطلب می‌گوئیم: عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود:

۱ ـ صورت اوّل: از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب. اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می‌نماید. **این گونه عادت کردن، دارای نقش اساسی و اثرحیاتی در پیشرفت و تکامل انسان است.**

۲ ـ صورت دوّم: این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد.

مثلاً چون در خانواده‌ای بوده است که مقیّد به نماز اوّل وقت یا نماز جماعت بوده‌اند، او هم به آن عادت کرده است. در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است، با مرور زمان رفتار او عوض می‌شود و از برنامهٔ قبلی خود دست برمی‌دارد.

این گونه عادت کردن‌ها که تأثیری در ذات او نگذاشته‌اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می‌باشد، اهمیّتی ندارد و با تغییر محیط از دست می‌رود.

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه‌السلام می‌فرمایند: علاوه بر آن که نفس‌های خود را به کارهای خیر عادت می‌دهید، **اهل آن** نیز باشید؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیرید؛ **زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده‌باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّلی در او به وجود نمی‌آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت، این حقایق عظیم و باارزش را درک می‌کند.**

معنای حضور چیست؟

نکتهٔ دیگری که ممکن است مورد بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است، آیا مقصود از حضور، حضور علمی است یا حضور عینی؟

مرحوم علّامهٔ مجلسی در بیان روایت فرموده است: اگر «فاحضرونا» از باب إفعال باشد معنای روایت چنین است: یعنی بدانید که همهٔ ما نزد شما حاضر هستیم به وسیلهٔ علمی که داریم. مقصود مرحوم علّامهٔ مجلسی حضور علمی است.[۱]

در روایتی حضرت امام رضا علیه‌السلام دربارهٔ حضرت خضر می‌فرمایند:

إنّه لیحضر حیث ما ذکر، فمن ذکره منکم فلیسلّم علیه.[۲]

او هر زمان که یاد شود حاضر می‌شود، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند.

مرحوم آیة‌الله مستنبط در این باره می‌نویسد: مقام حضرت خضر علیه‌السلام که تابع و رعیّت امام زمان ارواحنا فداه می‌باشد در این حدّ است، پس مقام و عظمت حضرت بقیّة

۱. بحار الأنوار: ۲۴۴/۴۶.

۲. کمال الدین: ۳۹۰/۲.

الله صلوات الله علیه که امام و پیشوای او است تا چه حدّ و پایه است ؟![1]

از این روایت، حضور شخصی ـ در بعضی از زمان‌ها ـ استفاده می‌شود نه حضور علمی.

مسألهٔ حضور از مسائل مهمّ در معارف اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد. به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام پایان می‌دهیم:

أحضروا آذان قلوبکم تفهموا![2]

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید، تا آن را دریابید.

عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم‌السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداه وسیله‌ای بسیار مؤثّر برای وارد شدن در صراط انتظار می‌باشد. در توضیح کلام می‌گوییم:

روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام دربارهٔ شخصیّت و عظمت امام عصر ارواحنا فداه به ما رسیده است، آنچنان مهیّج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت‌زده می‌سازد! چگونه می‌شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می‌گذارد، جامعهٔ ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است **و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت»[3] برگزیده است؟** این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟

آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می‌دهند خدمتی

---

۱. القطرة: ۵۳۶/۲.

۲. بحار الأنوار: ۲۱۲/۳۴.

۳. بحار الأنوار: ۹۱/۵۱.

نموده‌اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی‌ترین مسألهٔ حیاتی دین است، کوشش کرده‌اند؟ آیا تودهٔ مردم با توجّه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟

حقیقت این است که همهٔ اقشار مردم در این غفلت‌زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می‌گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می‌پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه یاد نموده‌اند و چگونه کوشش کرده‌اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجّه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند:

۱ ـ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد، او هم‌نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام پس از شرح دوران غم‌انگیز و تأسّف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده‌اند.

اینک به فرمایش آن حضرت توجّه کنید:

... سيكون بعدي فتنة صمّاء صيلم يسقط فيها كلّ وليجة وبطانة، وذلك عند فقدان شيعتك الخامس من السابع من ولدك، يحزن لفقده أهل الأرض والسماء، فكم مؤمن ومؤمنة متأسّف متلهّف حيران عند فقده.
ثمّ أطرق مليّاً ثمّ رفع رأسه وقال:
بأبي وأُمّي سميّي وشبيهي وشبيه موسى بن عمران عليه جلابيب النور

یتوقّد من شعاع القدس.[۱]

بعد از من فتنه‌ای ایجاد می‌شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می‌کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می‌شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت او، متأسّف و حسرت‌زده و حیرانند.

سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند: **پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبیه من** و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است.

۲ـ حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دربارهٔ آن حضرت فرمودند:

جانم فدای او باد ...

این کلام را مرحوم علاّمهٔ مجلسی به حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام نسبت داده و فرموده است در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می‌باشد، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

فثمّ یقوم القائم الحقّ منکم وبالحقّ یأتیکم وبالحقّ یعمل
سمیّ نبیّ الله نفسي فداؤه فلاتخذلوه یا بنيّ وعجّلوا[۲]

پس در آن هنگام (بعد از حکومت‌های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می‌دارد قیام می‌کند، و حقّ را برای شما می‌آورد و به آن عمل می‌کند.

هم‌نام رسول خداوند است **جانم فدای او باد**، پس ای فرزندانِ من مدد رسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید.

---

۱. کفایة الأثر: ۱۵۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۳۶ و ۱۰۹/۵۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۱/۵۱.

۳ـ حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.[۱]

اوّل مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداه با بیان جمله‌ای که آوردیم اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده‌اند.

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام بوده نقل نموده است.

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداه اکتفا کرده‌اند و از تشریح خصلت‌های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده‌اند، زیرا با کسی سخن می‌گفته‌اند که او علّت اصلی همهٔ تباهی‌ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجّه کنید:

جناب جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

> سایر عمر بن الخطّاب **امیرالمؤمنین** علیه‌السلام فقال: أخبرني عن المهديّ ما اسمه؟
> **فقال: أمّا اسمه فإنّ حبيبي عهد إليّ أن لا احدّث باسمه حتّى يبعثه الله.**
> قال: فأخبرني عن صفته.
> **قال: هو شابٌّ مربوع حسن الوجه حسن الشعر، يسيل شعره على منكبيه، و نور وجهه يعلو سواد لحيته ورأسه، بأبي ابن خيرة الإماآء.**[۲]
> عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام راه می‌رفت به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

---

۱. حضرت نرجس خاتون علیهاالسلام شاهزادهٔ بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی علیهم‌السلام، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانهٔ مادر شدن برای حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است.

۲. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱.

حضرت فرمودند: امّا دربارهٔ اسم او، حبیب من از من پیمان گرفته است که از نام او سخن نگویم، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد.
عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.
حضرت فرمودند: او جوانی است چهار شانه، نیکو روی و زیبا موی که مویش بر شانه‌اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد.
پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴ـ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده‌اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده‌اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشد، و فرموده‌اند: **جام تلخ زهر را به کام همهٔ ستمگران جهان فرو خواهد ریخت.**

اکنون در دنبالهٔ مطلب به کلام آن بزرگوار **که دل غمزدگان را شاد می‌کند** توجّه کنید:

بأبي ابن خيرة الإماء ـ يعني القائم من ولده علیه السلام ـ يسومهم خسفاً، ويسقيهم بكأس مصبرة، ولا يعطيهم إلّا السيف هرجاً.[1]

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد ـ یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است ـ خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می‌سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می‌خوراند و به آنان چیزی حواله نمی‌کند مگر شمشیرِ خون‌ریز را.

آری؛ در آن روز است که **حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان** به پایان می‌رسد **و جام تلخ زهر را همهٔ آن‌ها سر خواهند کشید!**

---

۱. الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۲۹.

۵ـ حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه‌های خود ایراد فرموده‌اند:

فانظروا أهل بیت نبیّکم فإن لبدوا فالبدوا و إن استنصروکم فانصروهم، لیخرجنّ الله برجل منّا أهل البیت، بأبي ابن خیرة الإماء لایعطیهم إلّا السیف هرجاً هرجاً موضوعاً علی عاتقه ثمانیة.[1]

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) خارج می‌سازد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی‌دهد مگر شمشیر را چه آشوبی! چه آشوبی! هشت ماه شمشیر را بر شانهٔ خود می‌نهد.

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت‌شده نوید می‌دهند، که مدّت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنهٔ گیتی ادامه می‌یابد و آن گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می‌شود.

۶ـ حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر مؤمنان علیه‌السلام پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌های آینده و یاد از خصلت‌های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند:

هاه ـ وأومأ بیده إلی صدره ـ شوقاً إلی رؤیته.[2]

آه ـ و اشاره به سینهٔ مبارک خود نمودند ـ چقدر مشتاقم او را ببینم!

---

۱. بحار الأنوار: ۱۲۱/۵۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۱۵/۵۱.

زیرا آن بزرگوار با احاطهٔ علمی که بر همه چیز داشتند، می‌دانستند **فتنه‌هایی که سقیفه‌نشینان در سقیفه بذر آن راافشاندند، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر گیتی را تا زمان‌های دور، سیاه خواهد نمود** و سیه‌روزی و بدبختی را نصیب همهٔ مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می‌یابد تا آن روز که منتقم آل محمّد حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از شخصیّت‌های خودساخته، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانهٔ خدا قیام نمایند، و انتقام همهٔ مظلومین جهان را از همهٔ ستمگران بگیرند.

اگر در روزِ تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدّس اوّل مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بودند، دشمنان نمی‌توانستند خانهٔ وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهرهٔ ماه را کبود کنند. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند:

فنظرت فإذا ليس لي معين إلّا أهل بيتي فضننت بهم عن الموت، وأغضيت على القذى، وشربت على الشّجى، وصبرت على أخذ الكظم، وعلى أمرّ من طعم العلقم.[1]

چون مخالفین، خلافت را که حقّ من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یاوری ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود برهم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ‌تر از طعم علقم (که گیاهی است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم.

آری؛ مظلوم‌ترین فرد جهان هستی پس از بیان همهٔ ستم‌هائی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه‌های آینده یاد می‌کند و نام پایان دهندهٔ همهٔ ظلم‌ها و ستم‌هارا به زبان

---

۱. نهج البلاغة فیض الإسلام: خطبهٔ ۲۶ ص ۹۲.

جاری می‌سازد می‌فرماید:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷ـ امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

اگر در آن زمان باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافندهٔ همهٔ علوم و دانش‌ها در سراسر هستی و آگاه از همهٔ اسرار خلقت می‌باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می‌باشند.

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می‌آورد، و یکی از قیام‌هائی را که **قبل از ظهور امام عصر** ارواحنا فداه **واقع می‌شود** بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

... أما إنّي لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر.[1]

آگاه باشید اگر من آن زمان را درک نمایم جان خود را برای صاحب این امر حفظ می‌کنم.

مرحوم آیة‌الله شیخ محمّد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می‌کنند.

۸ـ امام باقر علیه‌السلام:

پدر و مادرم فدای او باد، او همنام من و دارای کُنیهٔ من است.
پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می‌کند همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

این روایت را ابو حمزهٔ ثمالی که از بزرگان اصحاب آن حضرت است نقل نموده؛ او می‌گوید:

روزی در محضر امام باقر علیه‌السلام بودم، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخّص

---

۱. الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳.

شدند به من فرمودند:

یا أبا حمزة؛ من المحتوم الّذي حتمه الله قیام قائمنا، فمن شكّ فیما أقول لقی الله وهو به کافر، ثمّ قال:

بأبي وأُمّي المسمّی باسمی والمکنّی بکنیتی، السابع من ولدي، بأبـي من یملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت ظلماً وجوراً.

یا أبا حمزة؛ من أدرکه فیسلّم له ما سلّم لمحمّد وعلیّ فـقد وجـبت له الجنّة، ومن لم یسلّم فقد حرّم الله علیه الجنّة ومأواه النار وبئس مثوی الظالمین.[1]

ای ابا حمزه؛ از چیزهایی که خداوند آن‌ها را حتمی قرار داده است قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می‌گویم شکّ کند، خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که به او کافر است.

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کنیه‌اش کنیهٔ من است و هفتمین فرد از نسل من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای ابا حمزه؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمّد و علی بوده، بهشت بر او واجب است، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او آتش می‌باشد و بد منزلی است جایگاه ستم‌کاران.

۹ـ امام صادق علیه‌السلام:

اگر او را درک کنم تا زنده باشم به او خدمت می‌کنم.

این کلام را امام صادق علیه‌السلام هنگامی فرمودند که دربارهٔ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد:

---

۱. بحار الأنوار: ۵۱/۱۳۹/۲۴/۲۴۱/۳۶/۳۹۴.

هل ولد القائم؟

قال: لا، ولو أدركته لخدمته أيّام حياتي.[1]

آیا (حضرت) قائم متولّد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، **و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.**

۱۰ـ امام صادق علیه‌السلام:

برای نور آل محمّد (علیهم‌السلام) دعا نمودم.

عباد بن محمّد مداینی می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام پس از نماز ظهر دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند.

گفتم: جانم به فدایتان برای خودتان دعا نمودید؟

فرمودند:

دعوت لنور آل محمّد علیهم‌السلام وسائقهم والمنتقم بأمر الله من أعدائهم.[2]

برای نور آل محمّد علیهم‌السلام و پیش‌رو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا نمودم.

البتّه خاندان وحی همهٔ آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیّت معرفة الله است، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه‌السلام در این روایت **آن حضرت نور الأنوار می‌باشند.**

۱۱ـ امام موسی کاظم علیه‌السلام:

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد.

---

۱. الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳، بحار الأنوار: ۱۴۸/۵۱. صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه‌السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علّت اشتباهش این است که کنیهٔ «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهماالسلام، به امام حسین علیه‌السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیّة».

۲. فلاح السائل: ۱۷۰.

پدرم فدایش باد که به امرخداوند قیام می‌کند.

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام بعد از نماز عصر دست‌ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند. به آن حضرت عرض کردم برای چه کسی دعا نمودید:

قال: ذلك المهديّ من آل محمّد علیه‌السلام، قال: بأبي المنبدح البطن، المقرون الحاجبين، أحمش الساقين، بعيد مابين المنكبين، أسمر اللون، يعتاده مع سمرته صفرة من سهر الليل، بأبي من ليله يرعى النجوم ساجداً و راكعاً، بأبي من لايأخذه في الله لومة لائم، مصباح الدجى، بأبي القائم بأمر الله.[1]

حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمّد علیه‌السلام.

آن گاه فرمودند: **پدرم فدای آن وجودی باد** که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، و چهار شانه و قوی هیکل و گندم‌گون است، و بر اثر تهجّد و شب زنده‌داری رنگش زرد است.

پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر می‌برد و به ستارگان می‌نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های شدید است.

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می‌کند.

۱۲ـ حضرت امام رضا علیه‌السلام:

پدرم و مادرم فدایش باد، او همنام جدّم صلی‌الله‌علیه‌وآله و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

این کلام را حضرت امام رضا علیه‌السلام پس از ذکر فتنه‌های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد، بیان نموده‌اند.

---

۱. بحار الأنوار: ۸۱/۸۶.

این فتنه‌ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می‌نماید؛ گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند. و بر اثر گمراهی آنان، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرا می‌گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می‌گریند و هر انسان آزاده و دل آگاه برای آن حضرت به گریه می‌نشیند.

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه‌السلام توجّه کنید:

لابدّ من فتنة صمّاء صيلم يسقط فيها كلّ بطانة ووليجة وذلك عند فقدان الشيعة الثالث من ولدي، يبكي عليه أهل السماء وأهل الأرض وكلّ حريّ وحرّان وكلّ حزين ولهفان.

ثمّ قال علیه‌السلام: **بأبي وأُمّي سميّ جدّي** صلی‌الله‌علیه‌وآله **وشبيهي وشبيه موسى بن عمران** علیه‌السلام**، عليه جيوب النور، يتوقّد من شعاع ضياء القدس.**[1]

ناگزیر فتنه‌ای بسیار سخت و از پا درآورنده واقع می‌شود که در آن هر فرد رازدار و مورد اعتمادی سقوط می‌کند و این در زمانی است که شیعیان سوّمین نفر از فرزندان مرا از دست می‌دهند، بر او اهل آسمان و زمین می‌گریند و هر مرد و زنی که تشنهٔ دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده‌ای بر او می‌گرید.

سپس فرمودند: **پدر و مادرم فدای او باد، او همنام جدّم** صلی‌الله‌علیه‌وآله **و شبیه من** و شبیه موسی بن عمران علیه‌السلام است، بر او پیراهن‌های نور می‌باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می‌گیرد.

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل نمودیم.

«از حضرت امام رضا علیه‌السلام روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «**قائم**» ایستادند **و دو دست** خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند:

أللّهمّ عجّل فرجه وسهّل مخرجه.

---

۱. الغیبة نعمانی: ۱۸۰، کمال الدین: ۳۷۰، بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱، إلزام الناصب: ۲۲۱/۱.

آن گاه از خصوصیّات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند.

مرحوم محدّث نوری در کتاب «نجم الثاقب» فرموده است: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همهٔ شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همهٔ بلاد است بلکه اهل سنّت نیز به آن عمل می‌کنند.»[1]

مرحوم علّامهٔ امینی در «الغدیر» می‌نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیدهٔ خود را برای امام رضا علیه السلام خواند و از حضرت حجّت عجّل الله تعالی فرجه یاد نمود:

فلولا الّذي أرجوه في اليوم أو غدٍ تــقطّع نـفسي إثـرهم حسـراتـي
خــروج إمــام لا مــحالة خـارج يــقوم عـلى اسـم الله والبـركاتِ

اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می‌گشت.

و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می‌نماید.

حضرت امام رضا علیه السلام دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند در حالی که برای فرج آن حضرت دعا می‌نمودند.[2]

* * *

مقدّمهٔ کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تنزیه الخاطر» آورده است پایان می‌دهیم:

از امام صادق علیه السلام از علّت ایستادن در وقتی که لفظ «**قائم**» ـ که از القاب حضرت حجّت صلوات الله علیه است ـ برده می‌شود، سؤال شد.

---

۱. إلزام الناصب: ۲۷۱/۱.

۲. الغدیر: ۳۶۱/۲. شبیه این روایت را علّامهٔ مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و **از شدّت رأفت آن حضرت به دوستانش**، نظر می‌کند به هر کسی که او را به این لقب ـ که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد ـ یاد نماید، و از تعظیم نمودن بنده‌ای که برای صاحب خود خضوع می‌نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می‌نگرد، در برابر او بایستد. پس هر کس این نام را به زبان می‌آورد **باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید**.[1]

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از منتظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

وما توفيقي إلّا بالله

مرتضی مجتهدی سیستانی

۱. إلزام الناصب: ۲۷۱/۱.

صحيفهٔ مهديّه

بخش اوّل

نماز ها

در این بخش بعضی از نمازهایی که از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل شده یا برای آن حضرت ذکر شده است، نقل می‌نماییم:

۱

نماز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

مرحوم راوندی می‌نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است، در هر رکعت سورهٔ حمد را یک مرتبه می‌خواند و چون به ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ رسید آن را صد بار می‌گوید، و پس از نماز صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می‌فرستد، سپس حاجت خود را از خدا مسألت می‌نماید.[1]

این نماز مخصوص زمان و مکان خاصّی نیست و در آن، سوره و پس از آن دعای خاصّی وارد نشده است.

۲

نماز دیگر امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

مرحوم سیّد بن طاووس می‌فرماید: این نماز نیز دو رکعت است: سورهٔ حمد را

---

۱. دعوات راوندی: ۸۹.

می‌خواند تا به ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ برسد، آن گاه صد مرتبه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را تکرار کند، پس از آن؛ سوره را تمام می‌کند، و بعد یک بار سورهٔ اخلاص را قرائت کند، و پس از نماز این دعا را بخواند:

أَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ، وَبَرِحَ الْخِفاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ، وَضاقَتِ الْأَرْضُ بِما وَسِعَتِ السَّماءُ، وَإِلَيْكَ يا رَبِّ الْمُشْتَكىٰ، وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَلَّذِينَ أَمَرْتَنا بِطاعَتِهِمْ.

وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْزازَهُ، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ إِكْفِيانِي فَإِنَّكُما كافِيايَ، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ اُنْصُرانِي فَإِنَّكُما ناصِرايَ، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ إِحْفَظانِي فَإِنَّكُما حافِظايَ، يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ سه مرتبه، **اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، اَلْأَمانَ الْأَمانَ الْأَمانَ.**[1]

این نماز نیز مخصوص زمان و مکان معیّنی نیست، ولی خواندن سورهٔ اخلاص در آن و همچنین بعد از نماز خواندن دعایی که نقل نمودیم، شرط شده است.

۳
نماز مسجد مقدّس جمکران

جناب حسن بن مثلهٔ جمکرانی ﷺ می‌گوید: مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه فرمود:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند، و اینجا را گرامی بدارند، و در این

۱. جمال الأسبوع: ۱۸۱، بحار الأنوار: ۱۹۱/۹۱.

مکان چهار رکعت نماز بخوانند: دو رکعت نماز تحیّت مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه سورهٔ «اخلاص» را بخواند، و در هر رکوع و هر سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

و دو رکعت نماز حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه بخواند بدین ترتیب: چون سورهٔ «فاتحه» را خواند و به ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ رسید صد مرتبه آن را تکرار کند، و پس از آن سورهٔ فاتحه را تا آخر بخواند، و رکعت دوّم را نیز به همین طریق بخواند، و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه تکرار کند، چون نماز را تمام کرد تهلیل بگوید، و تسبیح حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام را بفرستد، چون تسبیح تمام شد سر به سجده گذارد و صد مرتبه بر پیغمبر و آلش صلوات بفرستد.

آنگاه حضرت چنین فرمودند:

فمن صلّاها فكأنّما صلّى في البيت العتيق.

هر کس این نماز را بخواند مانند آنست که در کعبه نماز خوانده است.[۱]

٤

نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حلّه و نعمانیّه[۲]

عالم جلیل میرزا عبدالله اصفهانی معروف به افندی در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابو جواد نعمانی می‌نویسد:

ایشان از جملهٔ افرادی است که در دوران غیبت کبری موفّق به دیدار حضرت قائم

۱. جنّة المأوی: ۲۳۱.

۲. نعمانیّه: شهری از شهرهای عراق میان واسط و بغداد است.

صلوات الله علیه شده، و از حضرتش روایتی نقل کرده است.

در یکی از کتاب‌ها دیدم که به خطّ شاگرد شهید نوشته شده بود که: ابن ابو جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی صلوات الله علیه را دیده و به حضرتش عرض کرده: مولای من! شما مقامی در نعمانیّه و مقامی در حلّه دارید، چه موقع در آن‌ها تشریف دارید؟

حضرت فرمود:

شب و روز سه شنبه در نعمانیّه، و شب و روز جمعه در حلّه هستم، ولی مردم حلّه آداب و احترام مقام مرا مراعات نمی‌کنند. هر کس با احترام و ادب وارد مقام من شود، و آنجا را محترم بشمارد، و بر من و امامان معصوم علیهم‌السلام سلام نماید، و نیز بر من و امامان معصوم علیهم‌السلام دوازده مرتبه صلوات بفرستد، سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند، و در نماز با خدا مناجات نماید، هر حاجتی که دارد خداوند به او عطا می‌فرماید، که از جملهٔ آنها آمرزش گناهان است.

عرض کردم: ای مولای من؛ این مناجات را به من بیاموز.

فرمود: بگو:

أَللّٰهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبُ مِنّي، حَتّٰى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ، وَ إِنْ كٰانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ أَسْتَحِقُّ بِهِ أَضْعٰافَ أَضْعٰافَ مٰا أَدَّبْتَنِي بِهِ وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنٰاةٍ، تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتّٰى يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ عَذٰابَكَ.

حضرت سه مرتبه این دعا را برای من تکرار فرمود تا فهمیده و حفظ نمودم.[1]

۱. جنّة المأوی: ۲۷۰.

۵

نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت‌ها

در کتاب «جنّات الخلود» نقل کرده است:

شب در هنگام خواب در ظرف تمیزی آب پاک ریخته و با پارچهٔ نظیفی آن را پوشانده نزد سر خود بگذارید، چون در آخر شب برای نماز شب بیدار شدید، از آن آب سه جرعه بیاشامید، بعد با باقی آن آب وضو بگیرید و رو به قبله نموده و بعد از اذان و اقامه دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که می‌خواهید بخوانید و در رکوع بیست و پنج مرتبه بگوئید: «**یٰا غِیٰاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ**».

و بعد از رکوع بیست و پنج مرتبه و همچنین در سجدهٔ اوّل و بعد از سر برداشتن از آن، و در سجدهٔ دوّم و بعد از سر برداشتن در هر کدام آن را بیست و پنج مرتبه بگوئید و رکعت دوّم را نیز به همین کیفیّت انجام داده تا مجموعاً سیصد مرتبه گفته شود.

بعد از نماز سر به سوی آسمان بلند نموده و سی مرتبه بگوئید: «**مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِیلِ إِلَی الْمَوْلَی الْجَلِیلِ**» و حاجت خود را طلب کنید که به زودی روا خواهد شد إن شاء الله تعالی.[1]

این نماز را در کتاب «جنّات الخلود» به امام عصر صلوات الله علیه نسبت داده است؛ ولی مرحوم محدّث قمی در کتاب «الباقیات الصالحات» آن را به عنوان نماز استغاثه نقل نموده، و به آن حضرت نسبت نداده است.

---

۱. جنّات الخلود: ۴۱.

٦

نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عجّل الله تعالی فرجه

احمد بن ابراهیم می‌گوید: شوق و آرزوی دیدار مولای ما حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه در دلم جای گرفت، به این جهت به جناب ابو جعفر محمّد بن عثمان ـ از نوّاب چهارگانه ـ شکوه نمودم.

جناب محمّد بن عثمان فرمود: آیا با آرزوی قلبی میل داری که حضرتش را زیارت کنی؟ گفتم: آری.

گفت: خداوند به این آرزوی قلبی تو پاداش عطا کند، عاقبت امر تو را در آسانی می‌بینم، ای ابا عبدالله! دیدار او را التماس نکن، زیرا در دوران غیبت کبری اشتیاق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی از اجتماع با آن سئوال نمی‌شود[1]، که این از آیات و

---

۱. بدیهی است که نصیب و قسمت احمد بن ابراهیم چنین بوده است! و این حکم شامل همه نمی‌شود، زیرا فرد دیگری این حاجت را درخواست کرده و به دیدار حضرتش نائل آمده است.

زهری می‌گوید: مدّتی بود در جستجوی حضرت بودم، و در این راه سعی و کوشش فراوان نموده و بهترین سرمایه‌ام را از دست دادم، به حضور عَمْری ـ نایب حضرت ـ شرفیاب شدم، و کمر در خدمت او بستم و از هیچ خدمتی فرو گذاری نکرده و ملازم او شدم، پس از مدّتی از دیدار حضرت صاحب الزمان **ارواحنا فداه** پرسیدم.

او گفت: برای این مسأله راهی نیست. من التماس کردم و با تواضع اصرار نمودم.

فرمود: فردا صبح بیا. فردا صبح خدمت او شرفیاب شدم، از من استقبال نمود، همراه او جوانی بود، چهرهٔ او از همهٔ مردم زیباتر و رائحهٔ پاکیزه‌ترین عطرها از او استشمام می‌شد، در آستین لباس او چیزی مانند لباس تجّار و بازرگانان بود، چون چشمم به جمال دل ربای او افتاد به عَمْری نزدیک شدم، او با اشاره مرا به سوی حضرت هدایت کرد، روی به آن بزرگوار نمودم و پرسش‌هایی از ایشان نمودم، از هر چه می‌پرسیدم پاسخم می‌داد.

آنگاه برخاست تا به اطاقی وارد شود، و آن اطاق، از اطاق‌هایی بود که رفت و آمدی به آن نمی‌شد، در این حال جناب عَمْری به من فرمود: اگر می‌خواهی از ایشان سئوال کن که بعد از این او را نخواهی دید. (الإحتجاج: ۲۹۷/۲).

عزائم الهی است و تسلیم و گردن نهادن بر آن سزاوار است، ولی هر گاه خواستی به او توجّه کنی با این زیارت به حضرتش متوجّه شو.

در مورد چگونگی زیارت؛ باید از نسخه‌ای که محمّد بن علی املاء نموده، نسخه برداری شود، در آن نسخه توجّه به حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه با این زیارت چنین آمده است:

دوازده رکعت نماز دو رکعت دو رکعت می‌خوانی، و در همهٔ رکعت‌ها سورهٔ «قل هو الله أحد» را می‌خوانی، آنگاه بر محمّد وآل او علیهم السلام صلوات می‌فرستی، و سخن خدای متعال را می‌گوئی:

﴿سَلامٌ عَلى آلِ يٰاسِين﴾، ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِين مِنْ عِنْدِ اللهِ، وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيم، إِمٰامُهُ مَنْ يَهدِيهِ صِرٰاطَهُ الْمُسْتَقِيم، قَدْ آتٰاكُمُ اللهُ خِلافَتَهُ يٰا آلَ يٰاسِين ....[1]

۷

نماز و دعای فَرَج
برای رفع مشکلات مهمّ

ابو جعفر محمّد بن جریر طبری در «مسند فاطمه علیها السلام» می‌گوید:

ابو حسین کاتب گفت: از جانب وزیر ابو منصور کاری را عهده دار شدم، در این ضمن میان من و او اختلافی واقع شد، کار به جایی رسید که من از ترس او پنهان شدم، او به جستجوی من پرداخته و مرا تهدید کرد.

مدّتی در خفا با ترس و وحشت بسر بردم، تصمیم گرفتم شب جمعه‌ای را به مرقد منوّر حضرت امام کاظم علیه السلام مشرّف شوم تا آنکه شب را به دعا و راز و نیاز بپردازم،

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳. این زیارت را ـ إن شاء الله ـ در باب زیارات نقل خواهیم کرد.

وارد حرم مطهّر شدم، شب طوفانی بود، باران می‌بارید، از ابن جعفر ـ خادم حرم ـ خواهش کردم که درب‌های روضهٔ منوّره را ببندد، تا حرم کاملاً خلوت باشد تا من هم در خلوت شب برای آنچه می‌خواهم دعا نمایم، و هم از آمدن مأمورانی که می‌ترسیدم در امان باشم، او خواهش مرا پذیرفت و درب‌ها را بست.

نیمهٔ شب شد، بارش شدید باران همراه با طوفان؛ رفت و آمد مردم را از آن مکان قطع کرد، حرم کاملاً خلوت شد، مشغول راز و نیاز شدم، دعا می‌کردم، زیارت می‌نمودم و نماز می‌خواندم.

در همین حال ناگاه صدای پایی از کنار روضهٔ مطهّره به گوشم رسید، شخصی مشغول زیارت بود، او در زیارت خویش؛ بر حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام سلام نمود، سپس به یکایک امامان معصوم علیهم‌السلام سلام کرد تا اینکه به نام نامی صاحب الزمان صلوات الله علیه رسید، ولی او را ذکر نکرد.

من از این عمل او تعجّب کردم، با خودم گفتم: شاید فراموش کرده، یا او را نمی‌شناسد، یا مذهب این شخص چنین است.

چون از زیارت فارغ شد دو رکعت نماز خواند، و به طرف مرقد مولای ما امام جواد علیه‌السلام رفت، و همان گونه زیارت کرد و سلام داد، و دو رکعت نماز خواند.

من او را نمی‌شناختم و به همین جهت از او می‌ترسیدم، او جوانی کامل بود، لباس سفیدی پوشیده و عمّامه‌ای ـ که تحت الحنک داشت ـ بر سر بسته، و عبایی بر دوش انداخته بود، رو به من کرد و فرمود:

ای ابوحسین! چرا تو دعای فرج را نمی‌خوانی؟

عرض کردم: دعای فرج کدام است؟ ای آقای من!

فرمود:

دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ، يَا

عَظِيمَ الْمَنِّ ، يا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، يا مُبْتَدِئَ النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، يا مُنْتَهىٰ كُلِّ نَجْوىٰ ، وَيا غايَةَ كُلِّ شَكْوىٰ ، وَيا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ ، يا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها ، «يا رَبّاهُ» ده مرتبه ، «يا سَيِّداهُ» ده مرتبه ، «يا مَوْلاهُ» ده مرتبه ، «يا غايَتاهُ» ده مرتبه ، «يا مُنْتَهىٰ رَغْبَتاهُ» ده مرتبه .

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْماءِ ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ إِلّا ما كَشَفْتَ كَرْبي ، وَنَفَّسْتَ هَمّي ، وَفَرَّجْتَ عَنّي ، وَأَصْلَحْتَ حالي .

پس از آن هر چه می‌خواهی دعا می‌کنی ، آنگاه گونهٔ راست خود را بر زمین می‌گذاری و در سجده صد مرتبه می‌گویی :

يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ ، إِكْفِياني فَإِنَّكُما كافِياني ، وَانْصُراني فَإِنَّكُما ناصِراني .

بعدگونهٔ چپ را بر زمین می‌گذاری و صد مرتبه می‌گویی : «**أَدْرِكْني**» و (یا) زیاد تکرار می‌کنی ، و می‌گویی : «**اَلْغَوْثَ [الْغَوْثَ] الْغَوْثَ**» و به قدر یک نفس تکرار می‌کنی ، و سر از سجده برمی‌داری ، که خداوند از کرم خود حاجت تو را برمی‌آورد ، إن شاء الله .

موقعی که من مشغول نماز و دعا شدم او بیرون رفت ، نماز و دعا را تمام کردم و آمدم تا از ابن جعفر راجع به این شخص بپرسم که چگونه وارد حرم شده است ؟ دیدم همهٔ درب‌ها بسته و قفل زده شده‌اند ، تعجّب کردم ، با خودم گفتم : شاید او در اینجا خوابیده بود ، و من نمی‌دانستم ، به طرف ابن جعفر رفتم ، او از اطاقی ـ که روغنِ چراغ‌های روضه در آنجا بود ـ بیرون آمد ، جریان را از او پرسیدم ، او گفت : همان طوری که می‌بینی درب‌ها بسته است ، قضیّه را برای او تعریف کردم گفت :

این **مولای ما حضرت صاحب الزمان** صلوات الله علیه بود، و من بارها در همچو شبی موقعی که حرم از مردم خلوت می‌شود؛ او را مشاهده کرده‌ام.

من بر آنچه از دستم رفته بود، متأسّف شدم؛ نزدیک طلوع فجر از حرم مطهّر بیرون آمده و به «کرخ» ـ که در آن پنهان شده بودم ـ رفتم؛ هنوز ظهر نشده بود که مأموران ابو منصور جویای ملاقات من بودند، و از دوستان من پرس و جو می‌کردند، آنها همراه خود امان نامه‌ای از وزیر با خطّ خودش داشتند، که در آن همه‌اش نیکی نوشته بود.

با یکی از دوستان خودم ـ که فرد مطمئنّی بود ـ پیش وزیر رفتم، او برخاست و مرا در آغوش گرفت، رفتاری کرد که تا حال از او ندیده بودم و گفت: کارت بجایی رسیده که شکایت مرا به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه می‌کنی؟

گفتم: از من دعا و درخواستی بود.

گفت: وای بر تو! دیشب ـ یعنی شب جمعه ـ در خواب مولایم صاحب الزمان صلوات الله علیه را دیدم، او مرا به کارهای خوب امر می‌فرمود، و در این رابطه چنان به من تندی کرد که من ترسیدم.

من گفتم: لا اله إلّا الله؛ گواهی می‌دهم که آنها حقّ و منتهای حقّ هستند، شب گذشته من مولای خود را در بیداری زیارت کردم، و به من چنین و چنان فرمود، و آنچه در حرم حضرت امام کاظم علیه السلام دیده بودم، تعریف کردم.

او از این قضیّه تعجّب کرد، و نیکی‌های بزرگی در حقّ من انجام داد، و از ناحیهٔ او به مقامی رسیدم که گمان نمی‌کردم، و این به برکت مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه بود.[1]

علّامهٔ بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله در «العبقریّ الحسان» می‌گوید:

---

۱. تبصرة الولی: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

من این عمل را مکرراً تجربه نموده و تأثیر آن را در برآوردن حاجات دیده‌ام، به همین جهت دوست دارم که مؤثّر بودن آن را از معاصر خود مرحوم ملّا محمود عراقی که در «دارالسلام» نقل کرده؛ ذکر نمایم، در آن کتاب بعد از نقل این قضیّه می‌فرماید:

من در این دعا اثر معجزه آسائی دیدم، زیرا که از این عمل آثار شگفت انگیزی مشاهده کرده‌ام، اوّلین باری که به این نعمت رسیدم سال هزار و دویست شصت و شش بود، من در شهر تهران به همراه امام جمعهٔ تبریز ـ حاج میرزا باقر تبریزی ﷺ ـ در خانهٔ آقا مهدی ملک التجّار تبریزی مهمان بودم، او به عللی در تهران بازداشت و از مراجعت به تبریز ممنوع بود، من هم از طرفی به جهت انسی که با او داشتم و از طرف دیگر چون بدون هزینه سفر کرده بودم، نمی‌توانستم به وطنم برگردم، چون مهمان امام جمعه و هزینهٔ خوراک و... با ایشان بود، ولی خرج‌های دیگری داشتم که چون با اهل آن شهر آشنا نبودم و نمی‌توانستم از کسی قرض بگیرم به این جهت در برخی موارد جدّاً در شدّت و سختی بودم.

روزی با امام جمعه در تالار حیاط نشسته بودم، و استراحت می‌کردم، هنگام ظهر برای نماز به اطاقی که بالای تالار بود، رفتم؛ مشغول نماز شدم، پس از نماز در طاقچهٔ اطاق کتابی دیدم، کتاب؛ ترجمهٔ جلد سیزدهم «بحار الأنوار» در احوالات حضرت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف بود، باز کردم و این روایت؛ در باب معجزات آن حضرت جلوه‌گر شد، با خودم گفتم: با این حال و سختی که دارم این عمل را تجربه می‌نمایم.

برخاستم نماز و دعا و سجده را بجا آورده، و برای مشکلم دعا کردم، از اطاق به تالار آمده و کنار امام جمعه نشستم.

ناگاه مردی از درب خانه وارد شد و نامه‌ای به امام جمعه داده و دستمال سفیدی در کنار او گذاشت، امام جمعه نامه را خواند و آن را با دستمال به من داد، و گفت: این مال

توست.

من نامه را خواندم، نامه را آقا علی اصغر تاجر تبریزی ـ که در سرای امیر حجره داشت ـ نوشته و بیست تومان پول در دستمال گذاشته و به امام جمعه نوشته که این پول را به فلانی بدهید.

من این جریان را با دقّت بررسی کردم، دیدم زمان آوردن نامه و دستمال درست مطابق تمام شدن عمل من بوده است، از این جریان تعجّب کرده و سبحان الله گویان خندیدم.

امام جمعه از علّت تعجّب من پرسید، جریان را به او گفتم.

گفت: سبحان الله! پس من هم برای گشایش کار خود این عمل را انجام می‌دهم.

گفتم: پس زود برخیز و انجام بده.

او برخاست و به همان اطاق رفته و نماز ظهر و عصر را خواند، بعد از آن عمل مذکور را بجای آورد، هنوز زمانی نگذشته بود خبر رسید که امیری که او را به تهران احضار کرده بود عزل شده، و او را به کاشان فرستاده‌اند، و شاه از امام جمعه عذر خواست و او را با احترام به تبریز برگردانید.

پس از آن؛ حقیر این عمل را ذخیره کرده، در سختی‌ها و حاجات مهمّ بکار برده، و آثار سریع و عجیبی مشاهده نمودم.

یک سال بیماری وبا در نجف اشرف شیوع پیدا کرد، افراد زیادی تلف شدند، و مردم از ترس آن مضطرب شدند.

به همین جهت از دروازهٔ کوچک شهر بیرون رفتم و در خارج دروازه در مکانی خلوت این عمل را به جای آوردم، و از خدا خواستم که این بیماری را برطرف نماید، و بدون اطّلاع دیگران از این کار به شهر برگشتم.

فردای آن روز برطرف شدن بیماری وبا را به مردم خبر دادم، آشنایان گفتند: تو از

کجا می‌گوئی ؟ گفتم : علّتش را نمی‌گویم ، ولی شما تحقیق کنید اگر از دیشب به بعد کسی مبتلا شده باشد ، راست است .

گفتند : فلانی و فلانی امشب مبتلا شده است .

گفتم : این چنین نیست ، حتماً پیش از ظهر دیروز یا قبل از آن بوده است ، تحقیق کردند ، دیدند جریان همان طور است که من گفته بودم ، و بعد از آن اثری از بیماری وبا دیده نشد ، و مردم آن سال از آن بیماری نجات پیدا کرده ولی علّتش را نفهمیدند .

بارها شده که برخی از برادران را در سختی دیده ، و این عمل را به آن‌ها یاد داده‌ام ، و به زودی مشکل آن‌ها حلّ شده است ؛ تا آنجا که روزی در منزل یکی از برادران بودم ، مشکلی داشت از مشکل او باخبر شدم ، این عمل را به او یاد دادم و به خانه‌ام آمدم . بعد از اندک زمانی صدای درب را شنیدم ، دیدم همان شخص است ، می‌گوید : از برکت این دعا مشکلم حلّ شد و مقداری پول برایم رسید ، شما هم هر چه قدر لازم داری بدهم .

گفتم : من از برکت این عمل نیازی ندارم ؛ ولی بگو چگونه مشکلت حلّ شد ؟

گفت : بعد از آنکه تو رفتی ، به حرم امیر مؤمنان علیه‌السلام رفتم ، و این عمل را بجا آوردم ، از روضهٔ مطهّره بیرون آمدم در میان ایوان مطهّر شخصی را ملاقات کردم او به اندازهٔ نیازم به من پول داد و رفت .

خلاصه ؛ من از این عمل اثرهای زیادی دیده و به زودی حاجت روا شده‌ام ، ولی در جایی که نیازی نیست و اضطراری وجود ندارد به کسی نداده ، و خودم نیز بکار نبرده‌ام ؛ به جهت اینکه وقتی خود آن بزرگواران اسم این دعا را دعای فرج نامیده‌اند این می رساند که این دعا در هنگام مضیقه و سختی تأثیر دارد .[1]

---

۱. العبقریّ الحسان : ۱۲۹/۱ المسك الأذفر ، دار السلام للعراقي : ۱۹۲ .



نماز استغاثه به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

نماز استغاثه به مولای ما حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه چنین است:

سیّد علیخان در کلم الطیّب فرموده: این استغاثه‌ایست به حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه، هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره که خواهی بگذار، پس رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلامُ اللهِ الْكامِلُ التّامُّ الشّامِلُ الْعامُّ، وَصَلَواتُهُ الدّائِمَةُ وَبَرَكاتُهُ الْقائِمَةُ التّامَّةُ، عَلىٰ حُجَّةِ اللهِ وَوَلِيِّهِ في أَرْضِهِ وَبِلادِهِ، وَخَليفَتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ وَعِبادِهِ، وَسُلالَةِ النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظْهِرِ الْإيمانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَناشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقائِمِ الْمَهْدِيِّ، اَلْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطّاهِرينَ، اَلْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ، اَلْهادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَعْصُومينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ الْمُسْتَضْعَفينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ الْكافِرينَ الْمُتَكَبِّرينَ الظّالِمينَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومينَ وَالْإِمامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلايَةِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذي تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً،

بَعْدَ مٰا مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً، فَعَجَّلَ اللهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمٰانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصٰارَكَ وَأَعْوٰانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مٰا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقٰائِلِينَ ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوٰارِثِينَ﴾[1].

يٰا مَوْلاٰيَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، حٰاجَتِي كَذٰا وَكَذٰا، و به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر نماید، **فَاشْفَعْ لي في نَجٰاحِهٰا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحٰاجَتِي، لِعِلْمي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَفٰاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقٰاماً مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارْتَضٰاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَكُمْ عِنْدَ اللهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللهَ تَعٰالىٰ في نُجْحِ طَلِبَتي، وَإِجٰابَةِ دَعْوَتي، وَكَشْفِ كُرْبَتي**، و دعا کن برای هر چه می‌خواهی که ان شاء الله برآورده می‌شود.[2]

علّامهٔ بزرگوار شیخ محمود عراقی در کتاب «دار السلام» می‌گوید: من این عمل را تجربه کرده‌ام، و از آن آثار شگفت انگیزی مشاهده کرده‌ام.

سفر دوّم حقیر که مقارن سال هزار و دویست و هفتاد وپنج بود یکی از علماء ﷺ این عمل را تجربه کرده و در امور مهمّ خود به آن عمل می‌کرد، او این عمل را به کسی که اهلیّت نداشت؛ یاد نمی‌داد، من این عمل را از او دریافت نمودم.[3]

در «دار السلام» گفته است: ظاهر این است که باید در این نماز سورهٔ «فتح» و سورهٔ «نصر» خوانده شود، نظر فاضل معاصر هم همین بود.

بعید نیست که وقت آن نیز نیمهٔ آخر شب باشد، زیرا راوی در همان وقت مأمور به عمل شده است، و اطلاقی هم در کلام که مستند به غیر آن وقت شود؛ نیست، و قدر متیقّن همان وقت نیمهٔ آخر شب است، آن عالم هم آخر شب را تعیین می‌نمود.

---

۱. سورهٔ قصص، آیهٔ ۵.

۲. مفاتیح الجنان: ۲۴۳، از الکلم الطیّب: ۸۳.

۳. التحفة الرضویّة: ۱۳۴.

فاضل معاصر از کتاب «البلد الأمین» کفعمی نقل می‌کند که: علاوه بر اینکه تعیین هر دو سوره معیّن است، باید پیش از نماز و زیارت غسل نماید، وی از کتاب «مصباح الزائر» نقل کرده که سوره معیّن نیست...

بنابراین؛ تعیین سوره اظهر است، و تعیین وقت نیز اگر اقوی نباشد احوط است، **ولی اظهر این است که پیش از نماز و زیارت غسل اعتبار ندارد اگر چه مستحبّ است با غسل باشد.**[1]

۹

نمازِ هدیه خدمت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

سیّد بن طاووس می‌فرماید: ابو محمّد صیمری با سلسله سند خود به حضرات معصومین علیهم‌السلام نقل می‌کند که فرمودند:

... اگر امکان داشته باشد بر نمازهای واجب و نافلهٔ خود بیفزاید اگر چه به قدر دو رکعت در هر روز، و آن را هر روز به پیشگاه یکی از معصومین علیهم‌السلام هدیه کند؛ به این گونه که نماز خود را در رکعت اوّل شروع کند مانند نماز واجب با هفت مرتبه تکبیر یا سه مرتبه یا یک بار، و بعد از ذکر رکوع و سجود سه مرتبه بگوید: **صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ**، و پس از تشهّد و سلام (پس از نمازی که روز چهاردهم خدمت امام عصر ارواحنا فداه هدیه می‌کند) بگوید:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلٰامُ وَمِنْكَ السَّلٰامُ، يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ الْأَخْيٰارِ، وَأَبْلِغْهُمْ مِنّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلٰامِ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ في

۱. دار السلام عراقی: ۱۹۷.

أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.[1]

۱۰

اهداء نماز به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه

شیخ بزرگوار ابو جعفر طوسی رحمه‌الله در کتاب «مصباح کبیر» می‌گوید:

نماز هدیه هشت رکعت است و از امامان معصوم علیهم‌السلام روایت شده که لازم است انسان در روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند: چهار رکعت را به پیشگاه مقدّس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، و چهار رکعت دیگر را به حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام هدیه کند، و روز شنبه چهار رکعت بخواند و به حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام هدیه کند، سپس همین طور هر روز چهار رکعت بخواند و به یکی از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام هدیه کند، روز پنجشنبه چهار رکعت بخواند و به حضرت امام صادق علیه‌السلام هدیه کند.

روز جمعه؛ دوباره هشت رکعت بخواند و چهار رکعت به حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و چهار رکعت به حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام هدیه کند، سپس روز شنبه چهار رکعت بخواند و به حضرت امام کاظم علیه‌السلام هدیه کند، و همین طور تا روز پنجشنبه چهار رکعت بخواند و به حضرت امام زمان ارواحنا فداه هدیه نماید، و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلٰامُ، وَمِنْكَ السَّلٰامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلٰامُ، حَيِّنٰا رَبَّنٰا مِنْكَ بِالسَّلٰامِ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعٰاتِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ[2]، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

۱. جمال الأسبوع: ۲۹.

۲. نماز را به هر امامی که هدیه می‌نماید در دعا نام آن امام را ذکر نماید.

مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِيّاهٰا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجٰائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَفِيهِ]، و برای آنچه دوست دارد دعا کند.[۱]

۱۱

نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه در شب‌های پنجشنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضویّة» می‌نویسد: عالم بزرگوار سیّد حسین همدانی نجفی ﷺ برای من گفت: کسی که حاجتی دارد شب پنجشنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند، و پس از نماز دست‌ها را به طرف آسمان بلند نماید و پانصد و نود و پنج مرتبه بگوید: «**يٰا حُجَّةُ الْقٰائِمُ**».

پس از آن سر به سجده بگذارد و هفتاد مرتبه بگوید: «**يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ أَغِثْنِي**» و حاجت خود را درخواست نماید.

این عمل برای هر حاجت مهمّ، مجرّب است؛ و اگر در این دو شب حاجتش برآورده نشد، دوباره در هفتهٔ دوّم انجام دهد، و اگر باز هم حاجتش برآورده نشد در هفتهٔ سوم انجام دهد، که حتماً و قطعاً برآورده می‌شود.

صاحب کتاب «التحفة الرضویّة» گوید: سیّد محمّد علی جواهری حائری برایم نقل کرد که این نماز را برای حاجتی انجام می‌دهد در همان شب حضرت امام مهدی ارواحنا فداه را در خواب می‌بیند و حاجت خود را به محضر حضرتش عرضه می‌کند، خداوند به برکت حضرتش مشکل او را حلّ، و حاجت او را برآورده می‌کند.

بعد می‌گوید: من این عمل را تجربه کرده‌ام.[۲]

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهجّد: ۳۲۲.

۲. التحفة الرضویّة: ۱۳۵.

۱۲

نماز استغاثه به نحو دیگر

علّامهٔ بزرگوار صدرالإسلام همدانی ﷺ درکتاب ارزشمند «تکالیف الأنام في غیبة الإمام» این عمل را به کیفیّت دیگری نقل می‌کند، او از سیّد سند استاد و عالم ربّانی، حکیم و فقیه پرهیزکار سیّد محمّد هندی نجفی ﷺ از عالم بزرگوار سیّد حسن قزوینی، از سیّد حسین شوشتری ـ امام جماعت ـ با سند خود از سیّد علیخان ـ شارح صحیفه سجّادیّه ـ نقل می‌کند، و می‌گوید:

شب پنجشنبه و جمعه در زیر آسمان و پشت بام با سر برهنه دو رکعت نماز می‌خواند، و پس از آن ۵۹۵ مرتبه می‌گوید: «**یا حُجَّةُ الْقائِمُ**»، و این مجموع عدد همان عبارت می‌باشد، و تأثیر این توسّل به تجربه رسیده است.

او اضافه می‌کند که عدد «یا حجّة القائم» عبارت از: (۱۰ + ۱ + ۸ + ۳ + ۴۰۰ + ۱ + ۳۰ + ۱۰۰ + ۱ + ۱ + ۴۰) است که مجموع آن ۵۹۵ است.

این عمل از اسرار است و در حفظ آن کوشا باش، که من بارها آن را تجربه کرده‌ام.[۱]

۱۳

نماز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در شب جمعه

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌فرماید: درکتاب «کنوز النجاح» تألیف فقیه ابو علی فضل بن حسن طبرسی ﷺ دیدم که از مولای ما حضرت حجّت صلوات الله علیه

۱. تکالیف الأنام في غیبة الإمام: ۲۵۱.

چنین نقل کرده بود: حسین بن محمّد بزوفری می‌گوید:

از ناحیهٔ مقدّسهٔ حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه چنین صادر شد:

کسی که حاجتی به سوی خدا دارد، شب جمعه بعد از نیمهٔ آن غسل کند و به محلّ نماز خود برود، و دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اوّل سورهٔ «حمد» را بخواند، چون به ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ رسید صد بار آن را تکرار کند، و بعد سوره را تا آخر بخواند، و یک مرتبه سورهٔ «توحید» را بخواند، سپس رکوع و سجود کند، و ذکر آن را هفت مرتبه بگوید، و رکعت دوّم را نیز به همین کیفیّت بخواند، و این دعا را بخواند، بعد هر حاجتی دارد ـ جز قطع رحم ـ از خدای بخواهد که خداوند متعال حاجت او را حتماً برآورده می‌کند.

و دعا این است:

أَللّٰهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ، وَ إِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرَّوْحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحٰانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحٰانَ مَنْ قَدَرَ وغَفَرَ.

أَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنّي قَدْ أَطَعْتُكَ في أَحَبِّ الْأَشْيٰاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمٰانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً، وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكاً، مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لٰا مَنّاً مِنّي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ يٰا إِلٰهي عَلىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكٰابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلٰكِنْ أَطَعْتُ هَوٰايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطٰانُ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيٰانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي غَيْرَ ظٰالِمٍ، وَ إِنْ تَغْفِرْ لي وَتَرْحَمْني، فَإِنَّكَ جَوٰادٌ كَرِيمٌ، يٰا كَرِيمُ يٰا كَرِيمُ به قدر یک نفس تکرار کند، سپس بگوید:

يٰا آمِناً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خٰائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمٰاناً لِنَفْسي وَأَهْلي وَوَلَدي، وَسٰائِرِ مٰا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتّٰى لٰا أَخٰافَ أَحَداً، وَلٰا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ

أَبَداً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِيَ إِبْرٰاهِيمَ نُمْرُودَ، يَا كَافِيَ مُوسىٰ فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

به جای **فلان بن فلان** شخصی راکه از شرّ او می‌ترسد نام ببرد، خداوند إن شاء الله وی را از شرّ او حفظ می‌کند.

آنگاه به سجده رود و حاجت خود را بخواهد و به سوی خدا تضرّع و زاری کند، زیرا هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با این دعا؛ با خلوص نیّت دعاکند مگر آنکه درهای آسمان برای اجابت به سوی او گشوده می‌شود، و در همان وقت و در همان شب هر حاجتی داشته باشد برآورده می‌شود، و این از فضل خداوند برای ما و مردم است.[1]



نماز دیگرامام زمان عجّل الله تعالی فرجه

در کتاب «نجم الثاقب» این نماز را از کتاب سیّد فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نقل کرده و گفته است: پس از تمام شدن نماز صد مرتبه صلوات بفرستد، ولی دعایی راکه ذکر کردیم نیاورده و فرموده این نماز **مخصوص زمان خاصّی نیست.**[2]

۱. مهج الدعوات: ۳۵۱، و در المصباح: ۵۲۲ با اندکی تفاوت.
۲. مکیال المکارم: ۴۱۱/۲.

۱۵

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

احمد بن علی بن روح ﷺ می‌گوید: این نماز را محسن بن عبدالحکم سجری برای من نقل کرد، و من آن را از کتاب او نوشتم، او می‌گفت: من این نماز را از کتاب ابو نصر جعفر بن محمّد نوشته‌ام و او می‌گفت: این نماز از جانب ابوالقاسم حسین بن روح ﷺ صادر شده است:

برای روز بیست و هفتم ماه رجب دوازده رکعت نماز وارد شده است، که در هر رکعت سورهٔ «حمد» را با هر سوره‌ای که می‌توانید بخوانید، و نماز را تمام کنید و پس از هر دو رکعت این دعا را بخوانید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً، يا عُدَّتي في مُدَّتي، وَيا صاحِبي في شِدَّتي، وَيا وَلِيّي في نِعْمَتي، يا غِياثي في رَغْبَتي، يا مُجيبي في حاجَتي، يا حافِظي في غَيْبَتي، يا كالِئي في وَحْدَتي، يا اُنْسي في وَحْشَتي.

أَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقيلُ عَثْرَتي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْمُنَفِّسُ صَرْعَتي، فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ عَوْرَتي، وَآمِنْ رَوْعَتي، وَأَقِلْني عَثْرَتي، وَاصْفَحْ عَنْ جُرْمي، وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتي في أَصْحابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذي كانُوا يُوعَدُونَ.

چون نماز و دعا را تمام کردی، سورهٔ «**حمد**» و ﴿**قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ**﴾ و ﴿**قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ**﴾ و «**معوّذتین**»، و ﴿**إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ**﴾، و «**آیة الکرسی**» هر کدام را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت مرتبه می‌گویی:

«لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحٰانَ اللهِ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ» و پس از آن هفت مرتبه می‌گویی: «اَللهُ اَللهُ رَبّي، لٰا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً»، آنگاه آنچه دوست داری دعا کن.[۱]

۱۶

نماز شب نیمهٔ ماه شعبان

ابو یحیی صنعانی روایت نموده و آن را سی نفر از افراد مورد اطمینان از او نقل کرده‌اند که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

هر گاه شب نیمهٔ شعبان شد چهار رکعت نماز بخوان که در هر رکعت آن یک مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَد﴾ قرائت شود، و پس از نماز بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي فَقيرٌ وَمِنْ عَذٰابِكَ خٰائِفٌ مُسْتَجيرٌ. أَللّٰهُمَّ لٰا تُبَدِّلِ اسْمي، وَلٰا تُغَيِّرْ جِسْمي، وَلٰا تُجْهِدْ بَلٰائي، وَلٰا تُشْمِتْ بي أَعْدٰائي، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقٰابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذٰابِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضٰاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنٰاؤُكَ، أَنْتَ كَمٰا أَثْنَيْتَ عَلىٰ نَفْسِكَ وَفَوْقَ مٰا يَقُولُ الْقٰائِلُونَ.[۲]

۱. إقبال الأعمال: ۱۸۱.

۲. مصباح المتهجّد: ۸۳۰.

۱۷

نماز دیگر در شب نیمهٔ شعبان

ابو یحیی از امام صادق علیه‌السلام روایت نموده که از امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ فضیلت شب نیمهٔ شعبان سئوال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمهٔ شعبان پس از شب قدر بافضیلت‌ترین شب است. در آن شب خداوند فضلِ خود را بر بندگان عطا می‌کند و بر آنان منّت نهاده و می‌بخشد. بنابراین در تقرّب به خداوند در آن شب کوشش کنید، زیرا خداوند به ذات خود قسم یاد کرده که سائلی را در آن شب ردّ نکند مادامی که دربارهٔ معصیت از خداوند چیزی نخواهد. و آن شبی است که خداوند آن را برای ما اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است در برابر شب قدر که آن را برای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داده است.

پس سعی کنید در دعا و ثنا برای خداوند در آن شب، زیرا کسی که در آن شب صد بار تسبیح بگوید و صد بار حمد نماید و صد بار تکبیر بگوید، خداوند گناهان گذشتهٔ او را می‌بخشد و حوائج دنیا و آخرت او را که از خداوند التماس نماید می‌دهد و همچنین حوائجی که به آنها نیاز دارد ولی از خداوند نخواسته از باب منّت و تفضّل بر بندگانش می‌دهد.

ابو یحیی می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: کدام یک از دعاها بافضیلت‌ترین دعاها است؟ حضرت فرمودند:

هر گاه نماز عشاء را خواندی دو رکعت نماز بخوان و در رکعت اوّل سورهٔ حمد و سورهٔ ﴿ **قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ** ﴾، و در رکعت دوّم سورهٔ حمد و سورهٔ ﴿ **قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ** ﴾ را بخوان، و پس از نماز سی و سه بار بگو: **سُبْحٰانَ اللهِ**، و سی و سه بار بگو: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**، و سی و چهار مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ**، آن گاه بگو:

يا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِي الْمُهِمّاتِ ، وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمّاتِ ، يا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيّاتِ ، وَيا مَنْ لا تَخْفىٰ عَلَيْهِ خَواطِرُ الْأَوْهامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ ، يا رَبَّ الْخَلائِقِ وَالْبَرِيّاتِ ، يا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرَضِينَ وَالسَّماواتِ ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، أَمُتُّ إِلَيْكَ بِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، فَبِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، اِجْعَلْني في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ ، وَسَمِعْتَ دُعائَهُ فَأَجَبْتَهُ ، وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ ، وَتَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ خَطِيئَتِهِ ، وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ ، فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبي ، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ في سَتْرِ عُيُوبي .

أَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ ، وَاحْطُطْ خَطايايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ ، وَتَغَمَّدْني في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ بِسابِغِ كَرامَتِكَ ، وَاجْعَلْني فِيها مِنْ أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ ، وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ .

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَفازَ فَغَنِمَ ، وَاكْفِني شَرَّ ما أَسْلَفْتُ ، وَاعْصِمْني مِنَ الْإِزْدِيادِ في مَعْصِيَتِكَ ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ طاعَتَكَ وَما يُقَرِّبُني مِنْكَ وَيُزْلِفُني عِنْدَكَ . سَيِّدي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهارِبُ ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطّالِبُ ، وَعَلىٰ كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التّائِبُ ، أَدَّبْتَ بِالتَّكَرُّمِ وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ، وَأَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .

أَللّٰهُمَّ فَلا تَحْرِمْني ما رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ ، وَلا تُؤْيِسْني مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ ، وَلا تُخَيِّبْني مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طاعَتِكَ ، وَاجْعَلْني في جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ .

رَبِّ ، إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذٰلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ ، وَجُدْ عَلَيَّ بِما أَنْتَ أَهْلُهُ لا بِما أَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنّي بِكَ ، وَتَحَقَّقَ رَجائي لَكَ ، وَعَلِقَتْ نَفْسي

بِكَرَمِكَ ، فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ .

أَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْني مِنْ كَرَمِكَ بِجَزيلِ قِسَمِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى أَقُومَ بِصالِحِ رِضاكَ ، وَأَنْعَمَ بِجَزيلِ عَطائِكَ ، وَأَسْعَدَ بِسابِغِ نَعْمائِكَ ، فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ ، وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ ، فَجُدْ بِما سَأَلْتُكَ ، وَأَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ ، أَسْأَلُكَ لا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ .

آن‌گاه در سجده بیست بار بگو: **يا رَبُّ** ، و هفت بار بگو: **يا أَللّٰهُ** ، و هفت بار بگو: **لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ** ، و ده بار بگو: **ما شاءَ اللهُ** ، و ده بار بگو: **لا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ** ، سپس صلوات فرستاده و حاجت خود را از خداوند بخواه ، به خداوند سوگند ؛ اگر به عدد قطره‌ها از خداوند سئوال کنی خداوند به کرم و فضل خود آن را عنایت می‌کند .[1]

* * *

مؤلّف می‌گوید: چهار رکعت نماز وارد شده که **در ظهر روز عاشورا** خوانده می‌شود و پس از آن دعائی ذکر شده که به خاطر طولانی بودن دعا آن را در بخش «ادعیهٔ ماه‌ها ص ۲۳۷» می‌آوریم.

و نیز در بخش یازدهم ، نمازی را برای وسعت رزق ، از جناب محمّد بن عثمان ﷺ نقل می‌کنیم.

۱. مصباح المتهجّد: ۸۳۱.

بخش دوّم

دعاهای قنوت

۱

دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها

شهید اوّل ﷺ در کتاب «ذکریٰ» می‌گوید: ابن ابی عقیل برای قنوت دعایی که از امیر مؤمنان علی ﷺ روایت شده؛ برگزیده، و آن دعا این است:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصٰارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدٰامُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدي، وَمُدَّتِ الْأَعْنٰاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوٰاهُمْ فِي الْأَعْمٰالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنٰا وَبَيْنَ قَوْمِنٰا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفٰاتِحِينَ.

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنٰا وَقِلَّةَ عَدَدِنٰا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنٰا، وَتَظٰاهُرَ الْأَعْدٰاءِ عَلَيْنٰا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنٰا، فَفَرِّجْ ذٰلِكَ اللّٰهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ، وَإِمٰامِ حَقٍّ تُعَرِّفُهُ، إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ.

و همچنین می‌گوید: برای من نقل شده است که امام صادق ﷺ به شیعیان خود دستور می‌فرمود که در قنوت بعد از کلمات فرج این دعا را بخوانند.[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۵.



قنوت حضرت امام سجّاد علیه‌السلام
برای رفع شرّ اشرار و چیرگی و پیروزی حق در جهان

این قنوت را جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه‌الله از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان رضوان الله علیه چنین نقل می‌نماید:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ جِبِلَّةَ الْبَشَرِيَّةِ، وَطِبٰاعَ الْإِنْسانِيَّةِ، وَمٰا جَرَتْ عَلَيْهِ تَرْكِيبٰاتُ النَّفْسِيَّةِ، وَانْعَقَدَتْ بِهِ عُقُودُ النَّشَئِيَّةِ [النَّسَبِيَّةِ خ]، تَعْجِزُ عَنْ حَمْلِ وٰارِدٰاتِ الْأَقْضِيَةِ إِلّٰا مٰا وَفَّقْتَ لَهُ أَهْلَ الْإِصْطِفٰاءِ، وَأَعَنْتَ عَلَيْهِ ذَوِي الْإِجْتِبٰاءِ.

أَللّٰهُمَّ وَإِنَّ الْقُلُوبَ في قَبْضَتِكَ، وَالْمَشِيَّةَ لَكَ في مَلْكَتِكَ، وَقَدْ تَعْلَمُ أَيْ رَبِّ مَا الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ في كَشْفِهِ وٰاقِعَةٌ لِأَوْقٰاتِهٰا بِقُدْرَتِكَ، وٰاقِفَةٌ بِحَدِّكَ مِنْ إِرٰادَتِكَ، وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ لَكَ دٰارَ جَزٰاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مَثُوبَةً وَعُقُوبَةً، وَأَنَّ لَكَ يَوْماً تَأْخُذُ فِيهِ بِالْحَقِّ، وأَنَّ أَنٰاتَكَ أَشْبَهُ الْأَشْيٰاءِ بِكَرَمِكَ، وَأَلْيَقُهٰا بِمٰا وَصَفْتَ بِهِ نَفْسَكَ في عَطْفِكَ وَتَرٰاءُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمِرْصٰادِ لِكُلِّ ظٰالِمٍ في وَخِيمِ عُقْبٰاهُ وَسُوءِ مَثْوٰاهُ.

أَللّٰهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ خَلْقَكَ رَحْمَةً وَحِلْماً، وَقَدْ بُدِّلَتْ أَحْكٰامُكَ، وَغُيِّرَتْ سُنَنُ نَبِيِّكَ، وَتَمَرَّدَ الظّٰالِمُونَ عَلىٰ خُلَصٰائِكَ، وَاسْتَبٰاحُوا حَرِيمَكَ، وَرَكِبُوا مَرٰاكِبَ الْإِسْتِمْرٰارِ عَلَى الْجُرْأَةِ عَلَيْكَ.

أَللّٰهُمَّ فَبٰادِرْهُمْ بِقَوٰاصِفِ سَخَطِكَ، وَعَوٰاصِفِ تَنْكِيلٰاتِكَ، وَاجْتِثٰاثِ غَضَبِكَ، وَطَهِّرِ الْبِلٰادَ مِنْهُمْ، وَاعْفُ عَنْهٰا آثٰارَهُمْ، وَاحْطُطْ مِنْ قٰاعٰاتِهٰا وَمَظٰانِّهٰا مَنٰارَهُمْ، وَاصْطَلِمْهُمْ بِبَوٰارِكَ حَتّٰى لٰا تُبْقِ مِنْهُمْ دِعٰامَةً لِنٰاجِمٍ، وَلٰا عَلَماً لِاٰمٍّ، وَلٰا مَنٰاصاً

لِقاصِدٍ، وَلا رائِداً لِمُرْتادٍ.

أَللّٰهُمَّ امْحُ آثارَهُمْ، وَاطْمِسْ عَلىٰ أَمْوالِهِمْ وَدِيارِهِمْ، وَامْحَقْ أَعْقابَهُمْ، وَافْكُكْ أَصْلابَهُمْ، وَعَجِّلْ إِلىٰ عَذابِكَ السَّرْمَدِ انْقِلابَهُمْ، وَأَقِمْ لِلْحَقِّ مَناصِبَهُ، وَاقْدَحْ لِلرَّشادِ زِنادَهُ، وَأَثِرْ لِلثّارِ مَثِيرَهُ، وَأَيِّدْ بِالْعَوْنِ مُرْتادَهُ، وَوَفِّرْ مِنَ النَّصْرِ زادَهُ، حَتّٰى يَعُودَ الْحَقُّ بِجِدَّتِهِ، وَتُنِيرَ مَعالِمَ مَقاصِدِهِ، وَيَسْلُكَهُ أَهْلُهُ بِالْأَمَنَةِ حَقَّ سُلُوكِهِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

۳

قنوت حضرت امام باقر علیه‌السلام

این قنوت را سیّد بن طاووس رحمه‌الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمین» از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده‌اند:

يا مَنْ يَعْلَمُ هَواجِسَ السَّرائِرِ، وَمَكامِنَ الضَّمائِرِ، وَحَقائِقَ الْخَواطِرِ، يا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حاضِرٌ، وَلِكُلِّ مَنْسِيٍّ ذاكِرٌ، وَعَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قادِرٌ، وَإِلَى الْكُلِّ ناظِرٌ، بَعُدَ الْمَهَلُ، وَقَرُبَ الْأَجَلُ، وَضَعُفَ الْعَمَلُ، وَأَرابَ الْأَمَلُ، وَآنَ الْمُنْتَقَلُ.

وَأَنْتَ يا اَللّٰهُ الْآخِرُ كَما أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبِيدُ ما أَنْشَأْتَ، وَمُصَيِّرُهُمْ إِلَى الْبِلىٰ، وَمُقَلِّدُهُمْ أَعْمالَهُمْ، وَمُحَمِّلُها ظُهُورَهُمْ إِلىٰ وَقْتِ نُشُورِهِمْ مِنْ بَعْثَةِ قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَانْشِقاقِ السَّماءِ بِالنُّورِ، وَالْخُرُوجِ بِالْمَنْشَرِ إِلىٰ ساحَةِ الْمَحْشَرِ، لا تَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصارُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَواءٌ.

مُتَراطِمِينَ في غُمَّةٍ مِمّا أَسْلَفُوا، وَمُطالَبِينَ بِمَا احْتَقَبُوا، وَمُحاسَبِينَ هُنالِكَ عَلىٰ مَا

۱. مهج الدعوات: ۶۹، البلد الأمین: ۶۵۰ با اندکی تفاوت.

ارْ تَكَبُوا، اَلصَّحائِفُ فِـي الْأَعْـنـاقِ مَـنْشُورَةٌ، وَالْأَوْزارُ عَـلَى الظُّـهُورِ مَأْزُورَةٌ، لَا انْفِكاكَ وَلا مَناصَ وَلا مَحِيصَ عَنِ الْقِصاصِ قَدْ أَفْحَمَتْهُمْ الْحُجَّةُ، وَحَلُّوا في حَيْرَةِ الْمَحَجَّةِ وَهَمْسِ الضَّجَّةِ، مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ الْمَحَجَّةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللهِ الْحُسْنىٰ، فَنَجا مِنْ هَوْلِ الْمَشْهَدِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ، وَلَمْ يَكُنْ مِمَّنْ فِي الدُّنْيا تَـمَرَّدَ، وَلا عَـلىٰ أَوْلِياءِ اللهِ تَعَنَّدَ، وَلَهُمُ اسْتَبْعَدَ، وَعَنْهُمْ بِحُقُوقِهِمْ تَفَرَّدَ.

أَللّٰهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَناجِرَ، وَالنُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّراقِيَ، وَالْأَعْمارَ قَدْ نَفِدَتْ بِالْإِنْتِظارِ، لا عَنْ نَقْضِ اسْتِبْصارٍ، وَلا عَنِ اتِّهامِ مِقْدارٍ، وَلٰكِنْ لِما تُعانِي مِنْ رُكُوبِ مَعاصِيكَ، وَالْخِلافِ عَلَيْكَ في أَوامِرِكَ وَنَـواهِـيكَ، وَالتَّـلَعُّبِ بِأَوْلِـيائِكَ وَمُظاهَرَةِ أَعْدائِكَ. أَللّٰهُمَّ فَقَرِّبْ ما قَدْ قَرُبَ، وَأَوْرِدْ ما قَـدْ دَنـىٰ، وَحَـقِّقْ ظُـنُونَ الْمُوقِنِينَ، وَبَلِّغِ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِيلَهُمْ، مِنْ إِقامَةِ حَقِّكَ، وَنَصْرِ دِينِكَ، وَإِظْهارِ حُجَّتِكَ، وَالْإِنْتِقامِ مِنْ أَعْداءِكَ.[1]

٤

قنوت حضرت امام رضا عليه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا عليه السلام نقل کرده‌اند:

اَلْفَزَعُ الْفَزَعُ إِلَيْكَ يا ذَا الْمُحاضَرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يا مَنْ بِـهِ الْـمُفاخَرَةُ، وَأَنْتَ اللّٰهُمَّ مُشاهِدُ هَواجِسِ النُّفُوسِ، وَمُراصِدُ حَرَكاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطالِعُ مَسَرّاتِ السَّرائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكَلُّفٍ وَلا تَعَسُّفٍ، وَقَدْ تَرَى اللّٰهُمَّ ما لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوٍ، وَلٰكِنَّ حِلْمَكَ آمَنَ أَهْلَهُ عَلَيْهِ جُرْئَةً وَتَمَرُّداً وَعُتُوّاً وَعِناداً، وَما يُعانِيهِ أَوْلِياؤُكَ مِنْ تَـعْفِيَةِ

۱. مهج الدعوات: ۷۲، البلد الأمين: ۶۵۱.

آثارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعالِمِهِ، وَتَزَيُّدِ الْفَواحِشِ، وَاسْتِمْرارِ أَهْلِها عَلَيْها، وَظُهُورِ الْباطِلِ وَعُمُومِ التَّغاشُمِ، وَالتَّراضي بِذٰلِكَ فِي الْمُعامِلاتِ وَالْمُتَصَرَّفاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ الْعاداتُ، وَصارَ كَالْمَفْرُوضاتِ وَالْمَسْنُوناتِ.

أَللّٰهُمَّ فَبادِرِ الَّذي مَنْ أَعَنْتَهُ بِهِ فازَ، وَمَنْ أَيَّدْتَهُ لَمْ يَخَفْ لَمْزَ لَمّازٍ، وَخُذِ الظّالِمَ أَخْذاً عَنيفاً، وَلا تَكُنْ لَهُ راحِماً وَلا بِهِ رَؤُوفاً.

أَللّٰهُمَّ اللّٰهُمَّ اللّٰهُمَّ بادِرْهُمْ. أَللّٰهُمَّ عاجِلْهُمْ. أَللّٰهُمَّ لا تُمْهِلْهُمْ.

أَللّٰهُمَّ غادِرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجيرَةً وَسُحْرَةً وَبَياتاً وَهُمْ نائِمُونَ، وَضُحىً وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْراً وَهُمْ يَمْكُرُونَ، وَفُجْأَةً وَهُمْ آمِنُونَ.

أَللّٰهُمَّ بَدِّدْهُمْ، وَبَدِّدْ أَعْوانَهُمْ، وَافْلُلْ أَعْضادَهُمْ، وَاهْزِمْ جُنُودَهُمْ، وَافْلُلْ حَدَّهُمْ، وَاجْتَثَّ سَنامَهُمْ، وَأَضْعِفْ عَزائِمَهُمْ.

أَللّٰهُمَّ امْنَحْنا أَكْتافَهُمْ، وَمَلِّكْنا أَكْنافَهُمْ، وَبَدِّلْهُمْ بِالنِّعَمِ النِّقَمَ، وَبَدِّلْنا مِنْ مُحاذَرَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلامَةَ، وَاغْنِمْناهُمْ أَكْمَلَ الْمَغْنَمِ. أَللّٰهُمَّ لا تَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَكَ الَّذي إِذا حَلَّ بِقَوْمٍ فَساءَ صَباحُ الْمُنْذَرِينَ.[1]

۵

قنوت حضرت امام جواد عليه‌السلام

أَللّٰهُمَّ مَنائِحُكَ مُتَتابِعَةٌ، وَأَيادِيكَ مُتَوالِيَةٌ، وَنِعَمُكَ سابِغَةٌ، وَشُكْرُنا قَصيرٌ، وَحَمْدُنا يَسيرٌ، وَأَنْتَ بِالتَّعَطُّفِ عَلىٰ مَنِ اعْتَرَفَ جَديرٌ. أَللّٰهُمَّ وَقَدْ غُصَّ أَهْلُ الْحَقِّ

۱. مهج الدعوات: ۷۹، البلد الأمين: ۶۵۴.

بِالرِّيقِ، وَارْتَبَكَ أَهْلُ الصِّدْقِ فِي الْمَضِيقِ، وَأَنْتَ اللّٰهُمَّ بِعِبٰادِكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ، وَبِإِجٰابَةِ دُعٰائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ.

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبٰادِرْنٰا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذي لٰا خِذْلٰانَ بَعْدَهُ، وَالنَّصْرِ الَّذي لٰا بٰاطِلَ يَتَكَأَّدُهُ، وَأَتِحْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ مُتٰاحاً فَيّٰاحاً يَأْمَنُ فيهِ وَلِيُّكَ، وَيَخيبُ فيهِ عَدُوُّكَ، وَيُقٰامُ فيهِ مَعٰالِمُكَ، وَيَظْهَرُ فيهِ أَوٰامِرُكَ، وَتَنْكَفُّ فيهِ عَوٰادي عِدٰاتِكَ.

أَللّٰهُمَّ بٰادِرْنٰا مِنْكَ بِدٰارَ الرَّحْمَةِ، وَبٰادِرْ أَعْدٰائَكَ مِنْ بَأْسِكَ بِدٰارَ النَّقِمَةِ. أَللّٰهُمَّ أَعِنّٰا وَأَغِثْنٰا، وَارْفَعْ نَقِمَتَكَ عَنّٰا، وَأَحِلَّهٰا بِالْقَوْمِ الظّٰالِمينَ.[1]

٦

دعای دیگر امام جواد علیه‌السلام در قنوت

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ بِلٰا أَوَّلِيَّةٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْآخِرُ بِلٰا آخِرِيَّةٍ مَحْدُودَةٍ، أَنْشَأْتَنٰا لٰا لِعِلَّةٍ اقْتِسٰاراً، وَاخْتَرَعْتَنٰا لٰا لِحٰاجَةٍ اقْتِدٰاراً، وَابْتَدَعْتَنٰا بِحِكْمَتِكَ اخْتِيٰاراً، وَبَلَوْتَنٰا بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ اخْتِبٰاراً، وَأَيَّدْتَنٰا بِالْآلاٰتِ، وَمَنَحْتَنٰا بِالْأَدَوٰاتِ، وَكَلَّفْتَنٰا الطّٰاقَةَ، وَجَشَّمْتَنٰا الطّٰاعَةَ، فَأَمَرْتَ تَخْيِيراً، وَنَهَيْتَ تَحْذِيراً، وَخَوَّلْتَ كَثِيراً، وَسَأَلْتَ يَسِيراً، فَعُصِيَ أَمْرُكَ فَحَلُمْتَ، وَجُهِلَ قَدْرُكَ فَتَكَرَّمْتَ.

فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبَهٰاءِ، وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيٰاءِ، وَالْإِحْسٰانِ وَالنَّعْمٰاءِ، وَالْمَنِّ وَالْآلاٰءِ، وَالْمِنَحِ وَالْعَطٰاءِ، وَالْإِنْجٰازِ وَالْوَفٰاءِ، وَلٰا تُحِيطُ الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهٍ،

١. مهج الدعوات: ٨٠، البلد الأمين: ٦٥٦.

وَلاٰ تُدْرِكُ الْأَوْهٰامُ لَكَ صِفَةً ، وَلاٰ يُشَبِّهُكَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ ، وَلاٰ يُمَثَّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ صَنْعَتِكَ ، تَبٰارَكْتَ أَنْ تُحَسَّ أَوْ تُمَسَّ أَوْ تُدْرِكَكَ الْحَوٰاسُّ الْخَمْسُ ، وَأَنّٰى يُدْرِكُ مَخْلُوقٌ خٰالِقَهُ ، وَتَعٰالَيْتَ يٰا إِلٰهي عَمّٰا يَقُولُ الظّٰالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً .

أَللّٰهُمَّ أَدِلْ لِأَوْلِيٰائِكَ مِنْ أَعْدٰائِكَ الظّٰالِمِينَ الْبٰاغِينَ النّٰاكِثِينَ الْقٰاسِطِينَ الْمٰارِقِينَ ، اَلَّذِينَ أَضَلُّوا عِبٰادَكَ ، وَحَرَّفُوا كِتٰابَكَ ، وَبَدَّلُوا أَحْكٰامَكَ ، وَجَحَدُوا حَقَّكَ ، وَجَلَسُوا مَجٰالِسَ أَوْلِيٰائِكَ ، جُرْأَةً مِنْهُمْ عَلَيْكَ ، وَظُلْماً مِنْهُمْ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِمْ سَلاٰمُكَ وَصَلَوٰاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكٰاتُكَ ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا خَلْقَكَ ، وَهَتَكُوا حِجٰابَ سِتْرِكَ عَنْ عِبٰادِكَ .

وَاتَّخَذُوا اللّٰهُمَّ مٰالَكَ دُوَلاً ، وَعِبٰادَكَ خَوَلاً ، وَتَرَكُوا اللّٰهُمَّ عٰالِمَ أَرْضِكَ فِي بَكْمٰاءَ عَمْيٰاءَ ظَلْمٰاءَ مُدْلَهِمَّةً ، فَأَعْيُنُهُمْ مَفْتُوحَةٌ ، وَقُلُوبُهُمْ عَمِيَّةٌ ، وَلَمْ تُبْقِ لَهُمُ اللّٰهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ ، لَقَدْ حَذَّرْتَ اللّٰهُمَّ عَذٰابَكَ ، وَبَيَّنْتَ نَكٰالَكَ ، وَوَعَدْتَ الْمُطِيعِينَ إِحْسٰانَكَ ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ بِالنُّذُرِ فَآمَنَتْ طٰائِفَةٌ .

فَأَيِّدِ اللّٰهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّ أَوْلِيٰائِكَ ، فَأَصْبَحُوا ظٰاهِرِينَ ، وَإِلَى الْحَقِّ دٰاعِينَ ، وَلِلْإِمٰامِ الْمُنْتَظَرِ الْقٰائِمِ بِالْقِسْطِ تٰابِعِينَ ، وَجَدِّدِ اللّٰهُمَّ عَلىٰ أَعْدٰائِكَ وَأَعْدٰائِهِمْ نٰارَكَ وَعَذٰابَكَ ، اَلَّذِي لاٰ تَدْفَعُهُ عَنِ الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَقَوِّ ضَعْفَ الْمُخْلِصِينَ لَكَ بِالْمَحَبَّةِ ، اَلْمُشٰايِعِينَ لَنٰا بِالْمُوٰالاٰةِ ، اَلْمُتَّبِعِينَ لَنٰا بِالتَّصْدِيقِ وَالْعَمَلِ ، اَلْمُوٰازِرِينَ لَنٰا بِالْمُوٰاسٰاةِ فِينٰا ، اَلْمُحِبِّينَ ذِكْرَنٰا عِنْدَ اجْتِمٰاعِهِمْ ، وَشَدِّدِ اللّٰهُمَّ رُكْنَهُمْ ، وَسَدِّدِ اللّٰهُمَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُمْ ، وَأَتْمِمْ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ ، وَخَلِّصْهُمْ وَاسْتَخْلِصْهُمْ ، وَسُدَّ اللّٰهُمَّ فَقْرَهُمْ ، وَالْمُمِ اللّٰهُمَّ شَعَثَ فٰاقَتِهِمْ .

وَاغْفِرِ اللّٰهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطٰايٰاهُمْ ، وَلاٰ تُزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ ، وَلاٰ تُخِلِّهِمْ أَيْ

رَبِّ بِمَعْصِيَتِهِمْ، وَاحْفَظْ لَهُمْ ما مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنَ الطَّهارَةِ بِوِلايَةِ أَوْلِيائِكَ، وَالْبَرائَةِ مِنْ أَعْدائِكَ، إِنَّكَ سَميعٌ مُجيبٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ.[1]

٧

قنوت حضرت امام هادی عليه‌السلام

أَللّٰهُمَّ مَناهِلُ كَرامَاتِكَ بِجَزيلِ عَطِيّاتِكَ مُتْرَعَةٌ، وَأَبْوابُ مُناجاتِكَ لِمَنْ أَمَّكَ مُشْرَعَةٌ، وَعَطُوفُ لَحَظاتِكَ لِمَنْ ضَرَعَ إِلَيْكَ غَيْرُ مُنْقَطِعَةٍ، وَقَدْ أُلْجِمَ الْحِذارُ، وَاشْتَدَّ الْإِضْطِرارُ، وَعَجَزَ عَنِ الْإِصْطِبارِ أَهْلُ الْإِنْتِظارِ.

وَأَنْتَ اللّٰهُمَّ بِالْمَرْصَدِ مِنَ الْمُكّارِ، وَغَيْرُ مُهْمَلٍ مَعَ الإِمْهالِ، وَاللّائِذُ بِكَ آمِنٌ، وَالرّاغِبُ إِلَيْكَ غانِمٌ، وَالْقاصِدُ اللّٰهُمَّ لِبابِكَ سالِمٌ.

أَللّٰهُمَّ فَعاجِلْ مَنْ قَدِ امْتَزَّ في طُغْيانِهِ، وَاسْتَمَرَّ عَلىٰ جَهالَتِهِ لِعُقْباهُ في كُفْرانِهِ، وَأَطْمَعَهُ حِلْمُكَ عَنْهُ في نَيْلِ إِرادَتِهِ، فَهُوَ يَتَسَرَّعُ إِلىٰ أَوْلِيائِكَ بِمَكارِهِهِ، وَيُواصِلُهُمْ بِقَبائِحِ مَراصِدِهِ، وَيَقْصُدُهُمْ في مَظانِّهِمْ بِأَذِيَّتِهِ.

أَللّٰهُمَّ اكْشِفِ الْعَذابَ عَنِ الْمُؤْمِنينَ، وَابْعَثْهُ جَهْرَةً عَلَى الظّالِمينَ. أَللّٰهُمَّ اكْفُفِ الْعَذابَ عَنِ الْمُسْتَجيرينَ، وَاصْبُبْهُ عَلَى الْمُغَيِّرينَ.

أَللّٰهُمَّ بادِرْ عُصْبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبادِرْ أَعْوانَ الظُّلْمِ بِالْقَصْمِ. أَللّٰهُمَّ أَسْعِدْنا بِالشُّكْرِ، وَامْنَحْنَا النَّصْرَ، وَأَعِذْنا مِنْ سُوءِ الْبَدارِ وَالْعاقِبَةِ وَالْخَتَرِ.[2]

١. مهج الدعوات: ٨٠، البلد الأمين: ٦٥٦.

٢. مهج الدعوات: ٨٢، البلد الأمين: ٦٥٧.

۸

دعای امام حسن عسکری علیه‌السلام در قنوت

هنگامی که اهل قم از موسی بن بغی به محضر مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام شکایت کردند، حضرت دستور دادند این دعا را در قنوتشان بخوانند.[۱]

۱. در مکیال المکارم فرموده است: از دعاهایی که برای طلب ظهور مولای ما حضرت قائم عجّل الله تعالی فرجه و ظهوره وارد شده دعای قنوتی است که از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شده، و مرحوم شیخ طوسی آن را در «المصباح» و «مختصر المصباح» در باب دعاهای قنوت نماز وتر آورده و سیّد بن طاووس رحمه‌الله آن را در «مهج الدعوات» در باب قنوت‌های ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام ذکر نموده است، لکن از بعضی از روایات ظاهر می‌شود که این دعا اختصاص به زمان خاصّی ندارد، اگر چه بهتر آن است که در بهترین حالات و اوقات خوانده شود.

و از روایت سیّد و غیر ایشان استفاده می‌شود که این دعا تأثیر فراوانی در دفع ظالم و کمک شدن مظلوم دارد. بلکه ممکن است که از آن استفاده شود که یکی از فوائد دعا برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه دفع ظالم و رهایی از دست اوست.

مرحوم سیّد هنگام ذکر این دعا فرموده است: امام حسن عسکری علیه‌السلام این دعا را در قنوت خوانده‌اند و اهل قم را که از موسی بن بغی به آن بزرگوار شکایت کرده بودند، امر نمودند که این دعا را بخوانند.

صاحب کتاب «منح البرکات» که شرح کتاب «مهج الدعوات» است از کتاب «اعلام الوری في تسمیة القریٰ» که تألیف ابی سعید اسماعیل بن علی سمعانی است نقل کرده است که موسی بن بغی از اصحاب متوکّل و از فرماندهان او و کارگزار و عامل او در قم بوده است و او فرد خبیثی بود که متوکّل را تحریک می‌نمود که قبر مولای مظلوم ما حضرت ابی عبدالله الحسین علیه الصلوة والسلام را خراب نموده و در آن کِشت نماید و او فردی ظالم، سفّاک و هتّاک بود و بیش از ده سال از طرف متوکّل بر مردم قم حکومت می‌کرد و مردمان قم از او خائف بودند، چون با ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام دشمن بود و در بین اهل قم ایجاد فساد نموده و آنان را به قتل و کشتار تهدید نموده و تصمیم به کشتن آنان گرفته بود.

شیعیان از او به امام حسن عسکری علیه‌السلام شکایت نمودند، آن بزرگوار دستور فرمودند «نماز مظلوم» را بخوانند و بعد از آن این دعا را علیه او بخوانند. آنها امر امام علیه‌السلام را اطاعت نمودند و خداوند در همان لحظه به عزّت و اقتدار خود او را مؤاخذه نموده و به مقدار چشم بهم خوردن هم به او مهلت نداد.

این کلام صاحب کتاب «منح البرکات» بود که با تصرّفی آن را نقل نمودیم و ایشان دستور «نماز مظلوم» را بیان نکرده‌اند. (مکیال المکارم: ۸۵/۲).

←

اَلحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْراً لِنَعْمٰائِهِ ، وَاسْتِدْعٰاءً لِمَزٖيدِهِ ، وَاسْتِخْلاصاً لَهُ وَبِهِ دُونَ غَيْرِهِ ، وَعِيٰاذاً بِهِ مِنْ كُفْرٰانِهِ وَالْإِلْحٰادِ فِي عَظَمَتِهِ وَكِبْرِيٰائِهِ ، حَمْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مٰا بِهِ مِنْ نَعْمٰائِهِ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهِ ، وَمٰا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَبِسُوءِ جِنٰايَةِ يَدِهِ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ ، وَخِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ ، وَذَرِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلىٰ رَحْمَتِهِ ، وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ وُلٰاةِ أَمْرِهِ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ نَدَبْتَ إِلىٰ فَضْلِكَ ، وَأَمَرْتَ بِدُعٰائِكَ ، وَضَمِنْتَ الْإِجٰابَةَ لِعِبٰادِكَ ، وَلَمْ تُخَيِّبْ مَنْ فَزِعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ ، وَقَصَدَ إِلَيْكَ بِحٰاجَتِهِ ، وَلَمْ تَرْجِعْ يَدُ طٰالِبَةٌ صِفْراً مِنْ عَطٰائِكَ ، وَلٰا خٰائِبَةً مِنْ نَحْلِ هِبٰاتِكَ ، وَأَيُّ رٰاحِلٍ رَحَلَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيباً ، أَوْ وٰافِدٍ وَفَدَ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعَتْهُ عَوٰائِقُ الرَّدِّ دُونَكَ ، بَلْ أَيُّ مُحْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمْهِهِ فَيْضُ جُودِكَ ، وَأَيُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزٖيدِكَ أَكْدىٰ دُونَ اسْتِمٰاحَةِ سِجٰالِ عَطِيَّتِكَ .

أَللّٰهُمَّ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِي ، وَقَرَعَتْ بٰابَ فَضْلِكَ يَدُ مَسْأَلَتِي ، وَنٰاجٰاكَ بِخُشُوعِ الْإِسْتِكٰانَةِ قَلْبِي ، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ شَفِيعٍ لِي إِلَيْكَ ، وَقَدْ عَلِمْتَ مٰا يَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ بِفِكْرِي ، أَوْ يَقَعَ فِي خَلَدِي ، فَصِلِ اللّٰهُمَّ دُعٰائِي إِيّٰاكَ بِإِجٰابَتِي ، وَاشْفَعْ مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي .

أَللّٰهُمَّ وَقَد شَمَلَنٰا زَيْغُ الْفِتَنِ ، وَاسْتَوْلَتْ عَلَيْنٰا غَشْوَةُ الْحَيْرَةِ ، وَقٰارَعَنَا الذُّلُّ

← ... در مکارم الأخلاق «نماز مظلوم» چند نوع نقل شده است در یک مورد آن نماز را به این صورت نقل کرده است: دو رکعت نماز می‌خوانی با هر سوره از قرآن که خواستی و بر پیغمبر اکرم و آل او علیهم‌السلام صلوات می‌فرستی آنگاه می‌گوئی: **أَللّٰهُمَّ إِنَّ لَكَ يَوْماً تَنْتَقِمُ فِيهِ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظّٰالِمِ ، لٰكِنَّ هَلَعِي وَجَزَعِي لٰا يَبْلُغٰانِ بِيَ الصَّبْرَ عَلىٰ أَنٰاتِكَ وَحِلْمِكَ ، وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّ فُلٰاناً ظَلَمَنِي ، وَاعْتَدىٰ عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلىٰ ضَعْفِي ، فَأَسْأَلُكَ يٰا رَبَّ الْعِزَّةِ ، وَقٰاسِمَ الْأَرْزٰاقِ ، وَقٰاصِمَ الْجَبٰابِرَةِ ، وَنٰاصِرَ الْمَظْلُومِينَ ، أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يٰا رَبَّ الْعِزَّةِ ، اَلسّٰاعَةَ السّٰاعَةَ .** (مکیال المکارم: ۸۶/۲).

وَالصِّغارُ، وَحَكَمَ عَلَيْنا غَيْرُ الْمَأْمُونينَ في دينِكَ، وَابْتَزَّ اُمُورَنا مَعادِنُ الْأَبَنِ مِمَّنْ عَطَّلَ حُكْمَكَ، وَسَعىٰ في إِتْلافِ عِبادِكَ وَإِفْسادِ بِلادِكَ.

أَللّٰهُمَّ وَقَدْ عادَ فَيْئُنا دَوْلَةً بَعْدَ الْقِسْمَةِ، وَإِمارَتُنا غَلَبَةً بَعْدَ الْمَشْوَرَةِ، وَعُدْنا ميراثاً بَعْدَ الْإِخْتِيارِ لِلْأُمَّةِ، فَاشْتُرِيَتِ الْمَلاهي وَالْمَعازِفُ بِسَهْمِ الْيَتيمِ وَالْأَرْمَلَةِ، وَحَكَمَ في أَبْشارِ الْمُؤْمِنينَ أَهْلُ الذِّمَّةِ، وَوَلِيَ الْقِيامَ بِاُمُورِهِمْ فاسِقُ كُلِّ قَبيلَةٍ، فَلا ذائِدَ يَذُودُهُمْ عَنْ هَلَكَةٍ، وَلا راعٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ، وَلا ذُو شَفَقَةٍ يُشْبِعُ الْكَبِدَ الْحرّىٰ مِنْ مَسْغَبَةٍ، فَهُمْ اُولُوا ضَرْعٍ بِدارٍ مَضيعَةٍ، وَاُسَراءُ مَسْكَنَةٍ، وَخُلَفاءُ كَآبَةٍ وَذِلَّةٍ.

أَللّٰهُمَّ وَقَدِ اسْتَحْصَدَ زَرْعُ الْباطِلِ، وَبَلَغَ نِهايَتَهُ، وَاسْتَحْكَمَ عَمُودُهُ، وَاسْتَجْمَعَ طَريدُهُ، وَخَذْرَفَ وَليدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجِرانِهِ.

أَللّٰهُمَّ فَأَتِحْ لَهُ مِنَ الْحَقِّ يَداً حاصِدَةً تَصْدَعُ قائِمَهُ، وَتَهْشُمُ سُوقَهُ، وَتَجُبُّ سَنامَهُ، وَتَجْدَعُ مَراغِمَهُ، لِيَسْتَخْفِيَ الْباطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ، وَيَظْهَرَ الْحَقُّ بِحُسْنِ حُلْيَتِهِ.

أَللّٰهُمَّ وَلا تَدَعْ لِلْجَوْرِ دِعامَةً إِلّا قَصَمْتَها، وَلا جُنَّةً إِلّا هَتَكْتَها، وَلا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلّا فَرَّقْتَها، وَلا سَرِيَّةَ ثِقْلٍ إِلّا خَفَّفْتَها، وَلا قائِمَةَ عُلُوٍّ إِلّا حَطَطْتَها، وَلا رافِعَةَ عَلَمٍ إِلّا نَكَّسْتَها، وَلا خَضْراءَ إِلّا أَبَرْتَها.

أَللّٰهُمَّ فَكَوِّرْ شَمْسَهُ، وَحُطَّ نُورَهُ، وَاطْمِسْ ذِكْرَهُ، وَارْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ، وَفُضَّ جُيُوشَهُ، وَارْعُبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ.

أَللّٰهُمَّ وَلا تَدَعْ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلّا أَفْنَيْتَ، وَلا بُنْيَةً إِلّا سَوَّيْتَ، وَلا حَلَقَةً إِلّا قَصَمْتَ، وَلا سِلاحاً إِلّا أَكْلَلْتَ، وَلا حَدّاً إِلّا فَلَلْتَ، وَلا كُراعاً إِلّا اجْتَحْتَ، وَلا حامِلَةَ عَلَمٍ إِلّا

نَكَسْتَ.

أَللّٰهُمَّ وَأَرِنا أَنْصارَهُ عَبادِيدَ بَعْدَ الْأُلْفَةِ، وَشَتّٰى بَعْدَ اجْتِماعِ الْكَلِمَةِ، وَمُقْنِعِي الرُّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ، وَأَسْفِرْ لَنا عَنْ نَهارِ الْعَدْلِ، وَأَرِناهُ سَرْمَداً لا ظُلْمَةَ فيهِ، وَنُوراً لا شَوْبَ مَعَهُ، وَاهْطِلْ عَلَيْنا ناشِئَتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ لَهُ مِمَّنْ ناواهُ، وَانْصُرْهُ عَلىٰ مَنْ عاداهُ.

أَللّٰهُمَّ وَأَظْهِرِ الْحَقَّ، وَأَصْبِحْ بِهِ في غَسَقِ الظُّلَمِ وَبُهَمِ الْحَيْرَةِ. أَللّٰهُمَّ وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْواءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَالْآراءَ الْمُخْتَلِفَةَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَةَ، وَالْأَحْكامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِعْ بِهِ الْخِماصَ السّاغِبَةَ، وَأَرِحْ بِهِ الْأَبْدانَ اللّاغِبَةَ الْمُتْعَبَةَ، كَما أَلْهَجْتَنا بِذِكْرِهِ، وَأَخْطَرْتَ بِبالِنا دُعاءَكَ لَهُ، وَوَفَّقْتَنا لِلدُّعاءِ إِلَيْهِ، وَحِياشَةِ أَهْلِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَأَسْكَنْتَ في قُلُوبِنا مَحَبَّتَهُ، وَالطَّمَعَ فيهِ، وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، لِإِقامَةِ مَراسِمِهِ.

أَللّٰهُمَّ فَأْتِ لَنا مِنْهُ عَلىٰ أَحْسَنِ يَقينٍ، يا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ الْحَسَنَةِ، وَيا مُصَدِّقَ الْآمالِ الْمُبْطِنَةِ. أَللّٰهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمُتَأَلِّينَ عَلَيْكَ فيهِ، وَأَخْلِفْ بِهِ ظُنُونَ الْقانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَالْآيِسِينَ مِنْهُ.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا سَبَباً مِنْ أَسْبابِهِ، وَعَلَماً مِنْ أَعْلامِهِ، وَمَعْقَلاً مِنْ مَعاقِلِهِ، وَنَضِّرْ وُجُوهَنا بِتَحْلِيَتِهِ، وَأَكْرِمْنا بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فينا خَيْراً تُظْهِرُنا لَهُ بِهِ، وَلا تُشْمِتْ بِنا حاسِدِي النِّعَمِ، وَالْمُتَرَبِّصِينَ بِنا حُلُولَ النَّدَمِ، وَنُزُولَ الْمُثَلِ، فَقَدْ تَرىٰ يا رَبِّ بَرائَةَ ساحَتِنا، وَخُلُوَّ ذَرْعِنا مِنَ الْإِضْمارِ لَهُمْ عَلىٰ إِحْنَةٍ، وَالتَّمَنّي لَهُمْ وُقُوعَ جائِحَةٍ، وَما تَنازَلَ مِنْ تَحْصينِهِمْ بِالْعافِيَةِ، وَما أَضْبَؤُا لَنا مِنِ انْتِهازِ الْفُرْصَةِ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنا عِنْدَ الْغَفْلَةِ.

أَللّٰهُمَّ وَقَدْ عَرَّفْتَنا مِنْ أَنْفُسِنا، وَبَصَّرْتَنا مِنْ عُيُوبِنا خِلالاً نَخْشىٰ أَنْ تَقْعُدَ بِنا عَنِ اشْتِهارِ إِجابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلىٰ غَيْرِ الْمُسْتَحِقّينَ، وَالْمُبْتَدِئُ بِالْإِحْسانِ غَيْرَ السّائِلينَ، فَأْتِ لَنا مِنْ أَمْرِنا عَلىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنانِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ، وَتَحْكُمُ ما تُريدُ، إِنّا إِلَيْكَ راغِبُونَ، وَمِنْ جَميعِ ذُنُوبِنا تائِبُونَ.

أَللّٰهُمَّ وَالدّاعي إِلَيْكَ، وَالْقائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبادِكَ، اَلْفَقيرُ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، اَلْمُحْتاجُ إِلىٰ مَعُونَتِكَ عَلىٰ طاعَتِكَ، إِذِ ابْتَدَأْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُ أَثْوابَ كَرامَتِكَ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طاعَتِكَ، وَثَبَّتَّ وَطْأَتَهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيامِ بِما أَغْمَضَ فيهِ أَهْلُ زَمانِهِ مِنْ أَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبادِكَ، وَناصِراً لِمَنْ لا يَجِدُ ناصِراً غَيْرَكَ، وَمُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ أَحْكامِ كِتابِكَ، وَمُشَيِّداً لِما رُدَّ مِنْ أَعْلامِ دينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَلامُكَ وَصَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ.

فَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ في حِصانَةٍ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدينَ، وَأَشْرِقْ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بُغاةِ الدّينِ، وَبَلِّغْ بِهِ أَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ بِهِ الْقائِمينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْباعِ النَّبِيّينَ.

أَللّٰهُمَّ وَأَذْلِلْ بِهِ مَنْ لَمْ تُسْهِمْ لَهُ فِي الرُّجُوعِ إِلىٰ مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَداوَةَ، وَارْمِ بِحَجَرِكَ الدّامِغِ مَنْ أَرادَ التَّأْليبَ عَلىٰ دينِكَ بِإِذْلالِهِ، وَتَشْتيتِ أَمْرِهِ، وَاغْضَبْ لِمَنْ لا تِرَةَ لَهُ وَلا طائِلَةَ، وَعادَى الْأَقْرَبينَ وَالْأَبْعَدينَ فيكَ مَنّاً مِنْكَ عَلَيْهِ، لا مَنّاً مِنْهُ عَلَيْكَ.

أَللّٰهُمَّ فَكَما نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضاً فيكَ لِلْأَبْعَدينَ، وَجادَ بِبَذْلِ مُهْجَتِهِ لَكَ في الذَّبِّ عَنْ حَريمِ الْمُؤْمِنينَ، وَرَدَّ شَرَّ بُغاةِ الْمُرْتَدّينَ الْمُريبينَ حَتّىٰ أَخْفىٰ ما كانَ جُهِرَ بِهِ مِنَ الْمَعاصي، وَأَبْدا ما كانَ نَبَذَهُ الْعُلَماءُ وَراءَ ظُهُورِهِمْ مِمّا أَخَذْتَ ميثاقَهُمْ عَلىٰ أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنّاسِ وَلا يَكْتُمُوهُ، وَدَعا إِلىٰ إِفْرادِكَ بِالطّاعَةِ، وَأَلّا يَجْعَلَ لَكَ شَريكاً مِنْ

خَلْقِكَ يَعْلُو أَمْرُهُ عَلىٰ أَمْرِكَ ، مَعَ مٰا يَتَجَرَّعُهُ فيكَ مِنْ مَرٰارٰاتِ الْغَيْظِ الْجٰارِحَةِ بِحَوٰاسِّ [بِمَوٰاسِي خ] الْقُلُوبِ ، وَمٰا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الْغُمُومِ ، وَيَفْزَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدٰاثِ الْخُطُوبِ ، وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتي لاٰ تَبْتَلِعُهَا الْحُلُوقُ وَلاٰ تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهِ إِلىٰ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ ، وَلاٰ تَنٰالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدِّهِ إِلىٰ مَحَبَّتِكَ .

فَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ أَزْرَهُ بِنَصْرِكَ ، وَأَطِلْ بٰاعَهُ فيمٰا قَصُرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرٰادِ الرّٰاتِعينَ في حِمٰاكَ ، وَزِدْهُ في قُوَّتِهِ بَسْطَةً مِنْ تَأْيِيدِكَ ، وَلاٰ تُوْحِشْنٰا مِنْ أُنْسِهِ ، وَلاٰ تَخْتَرِمْهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلاٰحِ الْفٰاشي في أَهْلِ مِلَّتِهِ ، وَالْعَدْلِ الظّٰاهِرِ في أُمَّتِهِ .

أَللّٰهُمَّ وَشَرِّفْ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيٰامِ بِأَمْرِكَ لَدىٰ مَوْقِفِ الْحِسٰابِ مَقٰامَهُ ، وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ ، وَأَجْزِلْ لَهُ عَلىٰ مٰا وَأَيْتَهُ قٰائِماً بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوٰابَهُ ، وَابْنِ قُرْبَ دُنُوِّهِ مِنْكَ في حَيٰاتِهِ ، وَارْحَمِ اسْتِكٰانَتَنٰا مِنْ بَعْدِهِ ، وَاسْتِخْذٰاءَنٰا لِمَنْ كُنّٰا نَقْمَعُهُ بِهِ إِذٰا فَقَدْنٰاهُ وَجْهَهُ ، وَبَسَطْتَ أَيْدِيَ مَنْ كُنّٰا نَبْسُطُ أَيْدِيَنٰا عَلَيْهِ لِنَرُدَّهُ عَنْ مَعْصِيَتِهِ ، وَافْتِرٰاقَنٰا بَعْدَ الْأُلْفَةِ وَالْإِجْتِمٰاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنَفِهِ ، وَتَلَهُّفَنٰا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلىٰ مٰا أَقْعَدْتَنٰا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ ، وَطَلَبِنٰا مِنَ الْقِيٰامِ بِحَقِّ مٰا لاٰ سَبِيلَ لَنٰا إِلىٰ رَجْعَتِهِ .

وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ في أَمْنٍ مِمّٰا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ ، وَرُدَّ عَنْهُ مِنْ سِهٰامِ الْمَكٰائِدِ مٰا يُوَجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَئٰانِ إِلَيْهِ وَإِلىٰ شُرَكٰائِهِ في أَمْرِهِ ، وَمُعٰاوِنِيهِ عَلىٰ طٰاعَةِ رَبِّهِ ، اَلَّذينَ جَعَلْتَهُمْ سِلاٰحَهُ وَحِصْنَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ ، اَلَّذينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلاٰدِ ، وَجَفَوُا الْوَطَنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَثيرَ مِنَ الْمِهٰادِ ، وَرَفَضُوا تِجٰارٰاتِهِمْ ، وَأَضَرُّوا بِمَعٰايِشِهِمْ ، وَفُقِدُوا في أَنْدِيَتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ ، وَخٰالَلُوا الْبَعيدَ مِمَّنْ عٰاضَدَهُمْ عَلىٰ أَمْرِهِمْ ، وَقَلَوُا الْقَريبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ ، فَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدٰابُرِ وَالتَّقٰاطُعِ في دَهْرِهِمْ ، وَقَطَعُوا

الْأَسْبابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعاجِلِ حُطامِ الدُّنْيا.

فَاجْعَلْهُمُ اللّٰهُمَّ في أَمْنِ حِرْزِكَ وَظِلِّ كَنَفِكَ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَداوَةِ مِنْ عِبادِكَ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ عَلىٰ دَعْوَتِهِمْ مِنْ كِفايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْييدِكَ وَنَصْرِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بٰاطِلَ مَنْ أَرادَ إِطْفاءَ نُورِكَ. أَللّٰهُمَّ وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أُفُقٍ مِنَ الْآفاقِ، وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطارِ قِسْطاً وَعَدْلاً وَمَرْحَمَةً وَفَضْلاً، وَاشْكُرْهُمْ عَلىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمٰا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبادِكَ، وَادَّخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوابِكَ مٰا يَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مٰا تَشاءُ وَتَحْكُمُ مٰا تُرِيدُ.[1]

و در البلد الأمین در ادامهٔ دعا ذکر نموده است: وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ خِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهارِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَجِدُ هٰذِهِ النُّدْبَةَ امْتَحَتْ دَلالَتُهٰا، وَدَرَسَتْ أَعْلامُهٰا، وَعَفَتْ إِلّا ذِكْرُهٰا، وَتِلاوَةُ الْحُجَّةِ بِهٰا. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَجِدُ بَيْني وَبَيْنَكَ مُشْتَبِهاتٍ تَقْطَعُني دُونَكَ، وَمُبْطِئاتٍ تَقْعُدُ بي عَنْ إِجابَتِكَ، وَقَدْ عَلِمْتَ أَنّي عَبْدُكَ وَلا يُرْحَلُ إِلَيْكَ إِلّا بِزادٍ وَأَنَّكَ لا تَحْجُبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلّا أَنْ يَحْجُبَهُمُ الْأَعْمالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ زادَ الرّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرادَةٍ يَخْتارُكَ بِهٰا، وَبَصيرُ بِهٰا إِلىٰ مٰا يُؤَدّي إِلَيْكَ.

أَللّٰهُمَّ وَقَدْ نادٰاكَ بِعَزْمِ الْإِرادَةِ قَلْبي فَاسْتَبْقِني نِعْمَتَكَ بِفَهْمِ حُجَّتِكَ لِساني وَمٰا تَيَسَّرَ لي مِنْ إِرادَتِكَ. أَللّٰهُمَّ فَلا أُخْتَزَلَنَّ عَنْكَ وَأَنَا آمُّكَ، وَلا أُحْتَلَجَنَّ عَنْكَ وَأَنَا أَتَحَرّٰاكَ. أَللّٰهُمَّ وَأَيِّدْنا بِمٰا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فٰاقَةَ الدُّنْيا مِنْ قُلُوبِنٰا، وَتَنْعَشُنٰا مِنْ مَصٰارِعِ هَوٰانِهٰا، وَتَهْدِمُ بِهِ عَنّٰا مٰا شُيِّدَ مِنْ بُنْيانِهٰا، وَتَسْقِينٰا بِكَأْسِ السَّلْوَةِ عَنْهٰا حَتّٰى تُخَلِّصَنٰا لِعِبادَتِكَ، وَتُورِثَنٰا ميراثَ أَوْلِيائِكَ الَّذينَ ضَرَبْتَ لَهُمُ الْمَنٰازِلَ إِلىٰ قَصْدِكَ، وَآنَسْتَ

---

۱. مهج الدعوات: ۸۵، البلد الأمین: ۶۶۰، و مصباح المتهجّد: ۱۵۶ با اندکی تفاوت.

وَحْشَتَهُمْ حَتّٰى وَصَلُوا إِلَيْكَ .

أَللّٰهُمَّ وَإِنْ كانَ هَوًى مِنْ هَوَى الدُّنْيا أَوْ فِتْنَةٌ مِنْ فِتَنِهٰا عَلِقَ بِقُلُوبِنا حَتّٰى قَطَعَنا عَنْكَ أَوْ حَجَبَنا عَنْ رِضْوانِكَ ، وَقَعَدَ بِنا عَنْ إِجابَتِكَ ، فَاقْطَعِ اللّٰهُمَّ كُلَّ حَبْلٍ مِنْ حِبالِهٰا جَذَبَنا عَنْ طاعَتِكَ ، وَأَعْرَضَ بِقُلُوبِنا عَنْ أَداءِ فَرائِضِكَ ، وَاسْقِنا عَنْ ذٰلِكَ سَلْوَةً وَصَبْراً يُورِدُنا عَلىٰ عَفْوِكَ ، وَيُقْدِمُنا عَلىٰ مَرْضاتِكَ ، إِنَّكَ وَلِيُّ ذٰلِكَ .

أَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنا قائِمِينَ عَلىٰ أَنْفُسِنا بِأَحْكامِكَ حَتّٰى تُسْقِطَ عَنّا مَؤُونَ الْمَعاصي ، وَاقْمَعِ الْأَهْواءَ أَنْ تَكُونَ مُساوِرَةً ، وَهَبْ لَنا وَطْءَ آثارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَاللُّحُوقَ بِهِمْ حَتّٰى يَرْفَعَ الدّٰينُ أَعْلامَهُ ابْتِغاءَ الْيَوْمِ الَّذي عِنْدَكَ . أَللّٰهُمَّ فَمُنَّ عَلَيْنا بِوَطْءِ آثارِ سَلَفِنا ، وَاجْعَلْنا خَيْرَ فَرَطٍ لِمَنِ ائْتَمَّ بِنا ، فَإِنَّكَ عَلىٰ ذٰلِكَ قَديرٌ وَذٰلِكَ عَلَيْكَ يَسيرٌ ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِنا وَآلِهِ الْأَبْرارِ وَسَلَّمَ .[1]

۹

دعای قنوت حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه

این قنوت را سیّد بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَكْرِمْ أَوْلِيائَكَ بِإِنْجازِ وَعْدِكَ ، وَبَلِّغْهُمْ دَرْكَ ما يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ ، وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلافَ عَلَيْكَ ، وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلىٰ رُكُوبِ مُخالَفَتِكَ ، وَاسْتَعانَ بِرِفْدِكَ عَلىٰ فَلِّ حَدِّكَ ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ ،

۱. البلد الأمین: ۶۶۳.

وَوَسِعْتَهُ حِلْماً لِتَأْخُذَهُ عَلىٰ جَهْرَةٍ، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلىٰ عِزَّةٍ.

فَإِنَّكَ اللّٰهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿حَتّٰى إِذٰا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهٰا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهٰا أَنَّهُمْ قٰادِرُونَ عَلَيْهٰا أَتٰاهٰا أَمْرُنٰا لَيْلاً أَوْ نَهٰاراً فَجَعَلْنٰاهُمْ حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيٰاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾[1]، وَقُلْتَ ﴿فَلَمّٰا آسَفُونٰا انْتَقَمْنٰا مِنْهُمْ﴾[2]، وَإِنَّ الْغٰايَةَ عِنْدَنٰا قَدْ تَنٰاهَتْ، وَإِنّٰا لِغَضَبِكَ غٰاضِبُونَ، وَإِنّٰا عَلىٰ نَصْرِ الْحَقِّ مُتَغٰاصِبُونَ، وَإِلىٰ وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتٰاقُونَ، وَلِإِنْجٰازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدٰائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

أَللّٰهُمَّ فَأْذَنْ بِذٰلِكَ، وَافْتَحْ طُرُقٰاتِهِ، وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ، وَوَطِّأْ مَسٰالِكَهُ، وَأَشْرِعْ شَرٰائِعَهُ، وَأَيِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوٰانَهُ، وَبٰادِرْ بَأْسَكَ الْقَوْمَ الظّٰالِمِينَ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلىٰ أَعْدٰائِكَ الْمُعٰانِدِينَ، وَخُذْ بِالثّٰارِ، إِنَّكَ جَوّٰادٌ مَكّٰارٌ.[3]

۱۰

دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در قنوت

این قنوت را سیّد بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

[قُلِ] اللّٰهُمَّ مٰالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشٰاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشٰاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشٰاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشٰاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يٰا مٰاجِدُ يٰا

---

۱. سورهٔ یونس، آیهٔ ۲۴.

۲. سورهٔ زخرف، آیهٔ ۵۵.

۳. مهج الدعوات: ۹۰، البلد الأمین: ۶۶۴.

جَوٰادُ، يٰا ذَا الْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ، يٰا بَطّٰاشُ يٰا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يٰا فَعّٰالاً لِمٰا يُرِيدُ، يٰا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يٰا رَؤُوفُ يٰا رَحِيمُ، يٰا لَطِيفُ يٰا حَيُّ حِينَ لٰا حَيَّ.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، اَلَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحٰامِ كَيْفَ تَشٰاءُ، وَبِهِ تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزٰاقَهُمْ في أَطْبٰاقِ الظُّلُمٰاتِ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظٰامِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي أَلَّفْتَ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيٰائِكَ، وَأَلَّفْتَ بَيْنَ الثَّلْجِ وَالنّٰارِ، لٰا هٰذٰا يُذِيبُ هٰذا، وَلٰا هٰذٰا يُطْفِئُ هٰذٰا.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيٰاهِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمٰاءَ في عُرُوقِ النَّبٰاتِ بَيْنَ أَطْبٰاقِ الثَّرىٰ، وَسُقْتَ الْمٰاءَ إِلىٰ عُرُوقِ الْأَشْجٰارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمّٰاءِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي كَوَّنْتَ بِهِ طَعْمَ الثِّمٰارِ وَأَلْوٰانَهٰا.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي بِهِ تُبْدِئُ وَتُعِيدُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوٰاحِدِ، اَلْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدٰانِيَّةِ، اَلْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدٰانِيَّةِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي فَجَّرْتَ بِهِ الْمٰاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمّٰاءِ، وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ شٰاؤُوا، يٰا مَنْ لٰا يُغَيِّرُهُ الْأَيّٰامُ وَاللَّيٰالي، أَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نٰادٰاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَأَهْلَكْتَ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ إِبْرٰاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نٰادٰاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النّٰارَ عَلَيْهِ بَرْداً وَسَلاٰماً، وَأَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ مُوسىٰ كَلِيمُكَ حِينَ نٰادٰاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرٰائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ.

وَأَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ عِيسىٰ رُوحُكَ حِينَ نٰادٰاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدٰائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزٰابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلىٰ أَعْدٰائِكَ نَصَرْتَهُ.

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي إِذٰا دُعيتَ بِهِ أَجَبْتَ ، يٰا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ، يٰا مَنْ أَحٰاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً ، يٰا مَنْ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً ، يٰا مَنْ لاٰ تُغَيِّرُهُ الْأَيّٰامُ وَاللَّيٰالي ، وَلاٰ تَتَشٰابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوٰاتُ ، وَلاٰ تَخْفىٰ عَلَيْهِ اللُّغٰاتُ ، وَلاٰ يُبْرِمُهُ إِلْحٰاحُ الْمُلِحّينَ .

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ ، وَصَلِّ عَلىٰ جَميعِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ ، اَلَّذينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدىٰ ، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوٰاثيقَ بِالطّٰاعَةِ ، وَصَلِّ عَلىٰ عِبٰادِكَ الصّٰالِحينَ .

يٰا مَنْ لاٰ يُخْلِفُ الْميعٰادَ أَنْجِزْ لي مٰا وَعَدْتَني ، وَاجْمَعْ لي أَصْحٰابي وَصَبِّرْهُمْ ، وَانْصُرْني عَلىٰ أَعْدٰائِكَ وَأَعْدٰاءِ رَسُولِكَ ، وَلاٰ تُخَيِّبْ دَعْوَتي ، فَإِنّي عَبْدُكَ ، اِبْنُ عَبْدِكَ ، اِبْنُ أَمَتِكَ ، أَسيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ، سَيِّدي أَنْتَ الَّذي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهٰذَا الْمَقٰامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثيرٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لي مٰا وَعَدْتَني ، إِنَّكَ أَنْتَ الصّٰادِقُ وَلاٰ تُخْلِفُ الْميعٰادَ ، وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .[1]

۱۱

دعای سوّم آن حضرت در قنوت

مرحوم آیة الله سیّد نصرالله مستنبط در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را در حال نماز مشاهده نمود. به دعای دلنشین امام عصر صلوات الله علیه گوش فرا داد، شنید که آن حضرت در قنوت خود این دعا را می‌خوانند:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ مُعٰاوِيَةَ بْنَ أَبي سُفْيٰانَ قَدْ عٰادىٰ عَلِيَّ بْنَ أَبي طٰالِبٍ ، فَالْعَنْهُ لَعْناً وَبيلاً .[2]

---

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

۲. معجم رجال الفكر والأدب في النجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.

۱۲

دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عجّل الله تعالی فرجه

ابن مقاتل گوید: حضرت امام رضا علیه السلام از من پرسید: شما در قنوت نماز جمعه کدام دعا را می‌خوانید؟

عرض کردم: آنچه مردم می‌خوانند، همان را می‌خوانیم.

حضرت فرمود:

دعایی که آنها می‌خوانند نخوان؛ بلکه در قنوت این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمٰا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيٰاءَكَ وَرُسُلَكَ، وَحُفَّهُ بِمَلٰائِكَتِكَ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً، يَعْبُدُكَ لٰا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً، وَلٰا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلىٰ وَلِيِّكَ سُلْطٰاناً، وَأْذَنْ لَهُ فِي جِهٰادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصٰارِهِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۳۶۶، جمال الأسبوع: ۲۵۶، بحار الأنوار: ۲۵۱/۸۹، أبواب الجنّات: ۱۸۳.

بخش سوّم

ادعیهٔ بعد از نمازها

۱

دعای برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه
بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که حضرت فرمودند:

از حقوق ما بر شیعیان ما این است که پس از هر نماز واجب دست خود را به چانه گرفته و سه مرتبه بگویند:

یا رَبَّ مُحَمَّدٍ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، یا رَبَّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ غَیْبَةَ مُحَمَّدٍ، یا رَبَّ مُحَمَّدٍ إِنْتَقِمْ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ علیهاالسلام.[1]

۲

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
بعد از نمازهای واجب

حضرت امام جواد علیه‌السلام می‌فرماید:

هنگامی که از نماز واجب فارغ شدی بگو:

---

۱. مکیال المکارم: ۷/۲.

رَضيتُ بِاللهِ رَبّاً ، وَبِالْإِسْلامِ دِيناً ، وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً ، وَبِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِيّاً ، وَبِعَلِيٍّ وَلِيّاً ، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَئِمَّةً .

أَللّٰهُمَّ وَلِيُّكَ الْحُجَّةُ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ، وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمٰالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، وَامْدُدْ لَهُ في عُمْرِهِ ، وَاجْعَلْهُ الْقٰائِمَ بِأَمْرِكَ ، اَلْمُنْتَصِرَ لِدينِكَ ، وَأَرِهِ مٰا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ في نَفْسِهِ وَفي ذُرِّيَّتِهِ ، وَأَهْلِهِ وَمٰالِهِ ، وَفي شيعَتِهِ وَفي عَدُوِّهِ ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مٰا يَحْذَرُونَ ، وَأَرِهِ فيهِمْ مٰا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنٰا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنينَ .

از این حدیث شریف اهمیّت دعا برای فرج مولای ما حضرت حجّت ارواحنا فداه پس از هر نماز واجب معلوم می‌شود.[1]

۳

دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می‌شود

روایت شده است:

هرکس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و بر این عمل مداومت و مواظبت کند، عمر او طولانی شده به قدری که از زندگی خسته می‌شود، و به دیدار حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه مشرّف می‌شود، و دعا این است:

۱. مکیال المکارم: ۳/۲، و مانند آن در نزهة الزاهد: ۹۱ وارد شده است.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، أَللّٰهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قٰالَ إِنَّكَ قُلْتَ مٰا تَرَدَّدْتُ في شَيْءٍ أَنَا فٰاعِلُهُ كَتَرَدُّدي في قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسٰاءَتَهُ . أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ ، وَالنَّصْرَ وَالْعٰافِيَةَ ، وَلٰا تَسُؤْني في نَفْسي ، وَلٰا في فُلٰانٍ .

فرمود: و به جای **فلان** هر کسی را که دوست داری نام می‌بری.[1]

٤

دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر کس پس از هر نماز واجب این دعا را بخواند، حضرت حجّت علیه‌السلام را در بیداری یا خواب می‌بیند.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلٰان�ا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ ، أَيْنَمٰا كٰانَ وَحَيْثُمٰا كٰانَ ، مِنْ مَشٰارِقِ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا ، سَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا ، عَنّي وَعَنْ وٰالِدَيَّ ، وَعَنْ وُلْدي وَإِخْوٰانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلٰامَ عَدَدَ خَلْقِ اللهِ ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللهِ ، وَمٰا أَحْصٰاهُ كِتٰابُهُ ، وَأَحٰاطَ عِلْمُهُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في صَبِيحَةِ هٰذَا الْيَوْمِ ، وَمٰا عِشْتُ فيهِ مِنْ أَيّٰامِ حَيٰاتي ، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في عُنُقي ، لٰا أَحُولُ عَنْهٰا وَلٰا أَزُولُ . أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ أَنْصٰارِهِ وَنُصّٰارِهِ الذّٰابّينَ عَنْهُ ، وَالْمُمْتَثِلينَ لِأَوٰامِرِهِ وَنَوٰاهيهِ في أَيّٰامِهِ ، وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ .

---

۱. مکارم الأخلاق: ۳۵/۲، و در مصباح المتهجّد: ۵۸ و الصحیفة الصادقیة: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.

أَللّٰهُمَّ فَإِنْ حٰالَ بَيْني وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ ، اَلَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبٰادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً فَأَخْرِجْني مِنْ قَبْري مُؤْتَزِراً كَفَني ، شٰاهِراً سَيْفي ، مُجَرِّداً قَنٰاتي ، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدّٰاعي فِي الْحٰاضِرِ وَالْبٰادي .

أَللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَميدَةَ ، وَاكْحُلْ بَصَري بِنَظْرَةٍ مِنّي إِلَيْهِ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ . أَللّٰهُمَّ اشْدُدْ أَزْرَهُ ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ ، وَطَوِّلْ عُمْرَهُ ، وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلٰادَكَ ، وَأَحْيِ بِهِ عِبٰادَكَ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ ظَهَرَ الْفَسٰادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمٰا كَسَبَتْ أَيْدِي النّٰاسِ ﴾[1] ، فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنٰا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، اَلْمُسَمّٰى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتّٰى لٰا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبٰاطِلِ إِلّٰا مَزَّقَهُ ، وَيُحِقَّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمٰاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ .

أَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعيداً ، وَنَرٰاهُ قَريباً ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .[2]

۵

دعای بعد از نماز صبح

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در کتاب «مصباح الزائر» می‌نویسد: این دعـایی است که هر روز پس از نماز صبح مولای‌مان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می‌شود:

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلاٰيَ صٰاحِبَ الزَّمٰانِ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ ، في مَشٰارِقِ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا ، وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا ، وَسَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا ،

---

۱. سورهٔ روم، آیهٔ ۴۱.

۲. بحار الأنوار: ۶۱/۸۶.

حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَعَنْ وٰالِدَيَّ وَوُلْدي، وَعَنّي مِنَ الصَّلَوٰاتِ وَالتَّحِيّاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللهِ، وَمِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ، وَمُنْتَهىٰ رِضٰاهُ، وَعَدَدَ مٰا أَحْصٰاهُ كِتٰابُهُ، وَأَحٰاطَ بِهِ عِلْمُهُ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا الْيَوْمِ، وَفي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً [لَهُ] في رَقَبَتي.

أَللّٰهُمَّ كَمٰا شَرَّفْتَني بِهٰذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَني بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَصْتَني بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلاٰيَ وَسَيِّدي صٰاحِبِ الزَّمٰانِ، وَاجْعَلْني مِنْ أَنْصٰارِهِ وَأَشْيٰاعِهِ، وَالذّٰابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْني مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طٰائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّ أَهْلَهُ في كِتٰابِكَ، فَقُلْتَ ﴿ صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيٰانٌ مَرْصُوصٌ ﴾[1] عَلىٰ طٰاعَتِكَ وَطٰاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ. أَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي إِلىٰ يَوْمِ القِيٰامَةِ.[2]

٦

دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح

مرحوم شیخ بهائی نقل کرده است: پس از نماز صبح در حالی که با دست راست محاسن خود را می‌گیری و کف دست چپ را به سوی آسمان می‌گیری هفت مرتبه می‌گویی:

يٰا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.[3]

---

۱. سورهٔ صفّ، آیهٔ ۴.

۲. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴. بعضی از بزرگان این دعا را چون بیعت با امام زمان صلوات الله علیه است و به منزلهٔ دست دادن با آن بزرگوار است، در بخش زیارات نقل کرده‌اند.

۳. مفتاح الفلاح: ۲۰۶، و در مصباح المتهجّد: ۵۳ با اندکی تفاوت.



دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح

در «منهاج العارفین» می‌نویسد: مستحبّ است انسان پس از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.[1]



دعای دیگری برای حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح

علّامهٔ مجلسی ﷺ در کتاب «المقباس» نقل کرده است که در تعقیب نماز صبح قبل از آنکه با کسی صحبت کند صد بار بگوید:

یا رَبِّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْتِقْ رَقَبَتي مِنَ النّٰارِ.[2]

---

۱. منهاج العارفین: ۱۰۸.

۲. مکیال المکارم: ۱۳/۲.

۹ـ۱۱

دعاهایی که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

مرحوم محدّث نوری در کتاب «دار السلام» می‌نویسد:

عالم ربّانی جناب حاج ملّا فتحعلی سلطان آبادی ﷺ نقل کرده است: فاضل مقدّس آخوند ملّا محمّد صادق عراقی ﷺ در نهایت فقر و تنگدستی و سختی و پریشانی و بد حالی زندگی می‌کرد، و سختی‌ها امان را از او گرفته بود، مدّت مدیدی بود که گرفتار بود و رهایی از گرفتاری و گشایش در امور به سراغ او نمی‌آمد، تا اینکه شبی در عالم رؤیا در صحرایی خیمهٔ بزرگی دید که آن خیمه دارای قبّه‌ای بود برافراشته، می‌پرسد این خیمهٔ باجلالت از آنِ کیست؟

می‌گویند: این خیمهٔ **کهف حصین، و غیاث المضطرّ المستکین حضرت مهدی قائم و امام منتظر و مرضیّ عجّل الله تعالی فرجه وسهّل مخرجه** است. با سرعت به جانب آن خیمه می‌رود، زیرا که درمان همهٔ دردهایش در آنجا است.

چون خدمت آن پناه بی‌پناهان شرفیاب می‌شود، پریشانی و فشار زمانه و سختی و فقر اهل و عیال را به پیشگاه حضرت عرض می‌کند، و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و دفع غم و غصّه درخواست می‌نماید. حضرت او را به سیّدی از فرزندان خود حواله فرموده، و با اشاره، سیّد و خیمهٔ او را نشان می‌دهد.

فاضل مقدّس از محضر آن حضرت خارج و به خیمه‌ای که حضرت فرموده بودند وارد می‌شود، ناگاه سیّد متبحّر معتمد، دانشمند بزرگوار و مؤیّد جناب سیّد محمّد سلطان آبادی ﷺ ـ پدر ناقل ـ را می‌بیند که بر سجّاده‌ای نشسته و مشغول دعا و قرائت قرآن است.

پس از سلام آنچه حضرت حجّت صلوات الله علیه به او حواله فرموده بودند به عرض

او می‌رساند، ایشان دعایی را به او یاد می‌دهد که وی را از سختی برهاند و درهای روزی را به روی او باز کند.

از خواب بیدار می‌شود در حالی که دعا را از حفظ داشت، به خانهٔ آن سیّد والا مقام حرکت می‌نماید، در صورتی که پیش از این خواب با سیّد رابطهٔ چندان خوبی نداشت و از او کناره گرفته بود به طوری که قابل ذکر نیست.

چون وارد منزل آن بزرگوار می‌شود او را در همان حالی که در خواب دیده بود می‌بیند که بر سجّادهٔ خود نشسته و مشغول ذکر خدا و استغفار است، سلام می‌کند و سیّد جواب می‌دهد و به او تبسّم می‌نماید گویا اینکه از قضیّه خبر داشته، و به اسرار پنهان واقف است، آنچه در عالم خواب از او پرسیده بود؛ می‌پرسد، و سیّد همان دعایی که در عالم خواب به او تعلیم داده بود، یاد می‌دهد.

او بر آن دعا مداومت می‌کند و در اندک زمانی دنیا از هر جهت به او روی می‌آورد و مشکلات بر او آسان می‌شود.

محدّث نوری ﷺ گوید: استاد ما احترام خاصی برای سیّد قائل بود و مقام او را والا می‌شمرد و از او تمجید می‌نمود، او در اواخر عمرش سیّد را ملاقات کرده و چندی شاگردیِ او را نموده بود.

و آنچه سیّد در عالم خواب و بیداری به او یاد داده بود سه چیز است:

۱ ـ پس از طلوع فجر بامدادان دست بر سینه گذاشته و هفتاد مرتبه بگوید: «**یٰا فَتّاحُ**».

محدثّ نوری ﷺ می‌گوید: کفعمی ﷺ در کتاب «المصباح» می‌نویسد: هر کس این عمل را انجام دهد، خداوند حجاب و پرده‌ها را از دلش برطرف می‌کند.

۲ ـ شیخ کلینی به سند خود روایتی از اسماعیل بن عبدالخالق نقل می‌کند که گوید: مردی از اصحاب پیامبر ﷺ مدّتی خدمت آن حضرت نمی‌رسید، پس از چند روز آمد، حضرت فرمود:

چرا مدّتی بود از حضور ما غایب بودی، غیبت تو برای چه بود؟
عرض کرد: به خاطر بیماری و فقر.
حضرت فرمود: آیا دعایی به تو بیاموزم که فقر و بیماری را از تو دور کند؟
گفت: آری، ای رسول خدا!
حضرت فرمود: بگو:

لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذي لٰا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ [صٰاحِبَةً وَلٰا] وَلَداً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً.

راوی می‌گوید: زمان اندکی گذشت، آن مرد آمد و گفت: ای رسول خدا! خداوند بیماری و فقر را از من دور نمود.

۳ ـ روایتی که شیخ ابن فهد حلّی در «عدّة الداعی» از پیامبر گرامی ﷺ نقل کرده است که حضرتش فرمود:

هر کس هر روز پس از نماز صبح این دعا را بخواند و دست حاجت و نیاز به سوی خداوند دراز کند، خدا به آسانی حاجتش را برآورده و تمام کارهای مهمّ او را کفایت می‌کند:

بِسْمِ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ، إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبٰادِ، فَوَقٰيهُ اللهُ سَيِّئٰاتِ مٰا مَكَرُوا، لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنٰا لَهُ وَنَجَّيْنٰاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ، وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، مٰا شٰاءَ اللهُ لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ، مٰا شٰاءَ اللهُ لٰا مٰا شٰاءَ النّٰاسُ، مٰا شٰاءَ اللهُ وَإِنْ كَرِهَ النّٰاسُ.

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخٰالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرّٰازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللهُ رَبُّ الْعٰالَمِينَ، حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ

حَسْبي ، حَسْبي مَنْ كانَ مُذْ كُنْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبي ، حَسْبِيَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ .

به راستی این دعا، از دعاهایی است که سزاوار است بر خواندن آن مواظبت شود، که فهم و نقل و خبر نیز گواه صدق گفتار ما است.[۱]

۱۲

دعا برای ظهور آن حضرت
پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که پس از نماز ظهر و صبح در روز جمعه و سایر روزها بگوید: «**أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ**»، نمی‌میرد تا مهدی قائم (صلوات الله علیه) را درک کند.[۲]

۱۳

دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه
پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از مهم‌ترین تعقیبات نماز ظهر، پیروی از امام صادق علیه السلام در دعا برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است، امامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

---

۱. دار السلام: ۲۶۶/۲.

۲. مصباح المتهجّد: ۳۶۸، البحار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹، و در الصحیفة الصادقیّة: ۱۶۹ وارد شده است که این صلوات را صد مرتبه بگویند.

مژدهٔ آمدن او را به امّت خود در صحیح‌ترین روایات بیان فرموده است، و ظهور او را در آخر الزمان وعده داده است.

محمّد بن رهبان دیلمی با سلسله سند خود روایتی از عباد بن محمّد مداینی نقل می‌کند، مداینی می‌گوید: در مدینهٔ منوّره به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، دیدم حضرت بعد از اتمام نماز ظهر، دستان مبارک را به سوی آسمان بلند نموده و می‌گوید:

يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يا جامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ)، يا بارِئَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا باعِثُ، يا وارِثُ، يا سَيِّدَ السّادَةِ، يا إِلٰهَ الْآلِهَةِ، يا جَبّارَ الْجَبابِرَةِ، يا مَلِكَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، يا رَبَّ الْأَرْبابِ، يا مَلِكَ الْمُلُوكِ. يا بَطّاشُ، يا ذَا الْبَطْشِ الشَّديدِ، يا فَعّالاً لِما يُريدُ، يا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدامِ، يا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلانِيَةٌ، يا مُبْدِئُ، يا مُعيدُ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلىٰ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلىٰ نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السّاعَةَ السّاعَةَ بِفِكاكِ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَأَنْجِزْ لِوَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدّاعي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمينِكَ في خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ في عِبادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَواتُكَ وَبَرَكاتُكَ وَعْدَهُ.

أَللّٰهُمَّ أَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ، وَانْصُرْ عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنْهُ مِنْ أَعْدائِكَ وَأَعْداءِ رَسُولِكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

عرض کردم: فدایت گردم؛ آیا برای خودتان دعا نمودید؟

حضرت فرمود:

برای نور آل محمّد علیهم السلام و پیشرو و جلودار آنان و آن که به فرمان خدا انتقام آن‌ها را از دشمنان خواهد گرفت دعا نمودم.

عرض کردم: خدا مرا فدایت گرداند؛ آن حضرت کی قیام می‌کند؟

حضرت فرمود: هر موقع آنکه آفرینش و امور به دست اوست، بخواهد.

عرض کردم: آیا پیش از این علائمی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ علائم متعدّدی دارد.

عرض کردم: آنها کدامند؟

حضرت فرمود: پرچمی از مشرق زمین و پرچمی از مغرب زمین بلند می‌شود، و فتنه‌ای بر اهل زوراء سایه می‌افکند، و مردی از فرزندان عمویم زید از یمن قیام می‌کند، و پردهٔ کعبه به تاراج می‌رود[1]، و آنچه مشیّت خدا اقتضاء کند انجام می‌شود.[2]

صاحب کتاب گرانقدر «مکیال المکارم» در توضیح این حدیث شریف می‌گوید: از دعای مذکور چند امر استفاده می‌شود:

اوّل: مستحبّ بودن دعا در حقّ حضرت حجّت صلوات الله علیه و دعا برای تعجیل فرج آن حضرت پس از نماز ظهر.

دوّم: استحباب بلند کردن دست‌ها در حال دعا برای آن حضرت ارواحنا فداه.

سوّم: مستحبّ است پیش از خواستن حاجت، آنان را به درگاه خدا شفیع قرار داده و به حقّ آنان قسم دهد.

چهارم: پیش از دعا مستحبّ است حمد و ثنای خدای متعال را بجای آورد.

پنجم: مستحبّ است پیش از درخواست حاجت صلوات بر محمّد وآل محمّد علیهم‌السلام بفرستد.

ششم: با استغفار و امثال آن خود را از گناهان پاک نماید تا اینکه با دلی پاک آمادهٔ

---

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸ و البلد الأمین: ۲۷.

۲. مکیال المکارم: ۱۱/۲.

اجابت شود، آنچه بیانگر این مطلب است فقره‌ای از دعا است که در آن درخواست غفران و مغفرت و رهایی از آتش جهنّم را می‌خواهد.

هفتم: مراد از «ولیّ مطلق» در زبان حضرات و دعاهای آنان مولای ما حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

هشتم: مستحبّ است در حقّ اصحاب و یاران آن حضرت دعا شود.

نهم: اینکه امام صلوات الله علیه ناظر بر اعمال و رفتار بندگان است، او در هر حال آنها را می‌بیند، و افعال آنها را زیر نظر دارد. بیانگر این مطلب، عبارت «و چشم تو در بندگانت است» می‌باشد.

دهم: اینکه یکی از القاب مولای ما حضرت حجّت صلوات الله علیه؛ نور آل محمّد علیهم‌السلام است؛ گواه بر این، روایات متعدّدی است که وارد شده است، و محقّق نوری رحمه‌الله در کتاب «نجم الثاقب» برخی از آن روایات را آورده است.

یازدهم: اینکه آن حضرت صلوات الله علیه بعد از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و امام حسن و امام حسین علیهماالسلام افضل و برتر از سایر ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام است، و در این مورد روایاتی به عنوان مؤیّد نقل شده است.

دوازدهم: اینکه خدای متعال آن حضرت را ذخیره کرده و قیامش را به تأخیر انداخته تا اینکه از دشمنان خود و پیامبرش انتقام بگیرد، و روایات متعدّد و متواتری بر این معنی وارد شده است.

سیزدهم: اینکه زمان ظهور حضرت از امور سرّی و پنهانی است که به مقتضای مصلحت الهی مخفی شده است، و بر این مطلب نیز روایات متواتری نقل شده است.

چهاردهم: اینکه این علائم از علائم حتمی نیستند، زیرا در انتهای سخن خود می‌فرماید: «و آنچه مشیّت خدا اقتضاء می‌کند انجام می‌شود».[1]

---

۱. مکیال المکارم: ۱۱/۲.



دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه
پس از نماز عصر

سیّد بن طاووس ﷺ می‌فرماید: از مهم‌ترین تعقیبات پس از نماز عصر پیروی از مولایمان حضرت امام موسی کاظم ﷺ در دعای برای مولای ما حضرت بقیّة الله صلوات الله علیه است.

چنانکه یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید: در بغداد به محضر باسعادت حضرت موسی بن جعفر ﷺ شرفیاب شدم، آن حضرت پس از نماز عصر دستهای مبارک را به سوی آسمان بالا برد، و شنیدم این دعا را می‌خواند:

أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، اَلْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ، وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيادَةُ الْأَشْياءِ وَنُقْصانُها، وَأَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلا حاجَةٍ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ.

أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتابِ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، غايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوارِثُهُ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، لا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، لا يَخْفىٰ عَلَيْكَ اللُّغاتُ، وَلا تَتَشابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْواتُ.

كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ في شَأْنٍ، لا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفىٰ، دَيّانُ الدّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، باعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِ الْعِظامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ

بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ ، اَلْحَيِّ الْقَيُّومِ ، اَلَّذي لا يَخيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ .

عرض کردم: آنکه برای او دعا می‌کنید کیست؟ فرمود:

مهدی آل محمّد علیهم‌السلام است.

آنگاه فرمود: پدرم فدای آن وجودی که شکمی برجسته، ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، و چهار شانه و قوی هیکل و گندم‌گون است، و از تهجّد و شب زنده‌داری رنگش متمایل به زردی است.

پدرم فدای کسی که شبها در حال سجده و رکوع انتظار غروب ستارگان را می‌کشد.

پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های مطلق است.

پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌کند.

عرض کردم: چه زمانی قیام می‌کند؟ فرمود:

هنگامی که سپاهیان را در شهر انبار کنار رودهای فرات و صرات و دجله مشاهده کردی، و پل کوفه منهدم شد، و برخی از خانه‌های کوفه در آتش سوخت، چون این مطلب را دیدی پس خدای متعال آنچه را مشیّت او به آن تعلّق بگیرد انجام می‌دهد، و کسی بر امر خدا غلبه ندارد و حکم او تعقیب نمی‌شود.[1]

---

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و البلد الأمین: ۳۵ با تفاوتی.

۱۵

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
بعد از دو رکعت اوّل نماز شب

مستحبّ است بعد از دو رکعت اوّل نماز شب این دعا خوانده شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السّائِلِينَ وَمُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرّاغِبِينَ، أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلىٰ مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ وَأَرْحَمُ الرّاحِمينَ.

أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسائِلِ وَأَنْجَحِها وَأَعْظَمِها، يا اَللّٰهُ يا رَحْمانُ يا رَحيمُ وَبِأَسْمائِكَ الْحُسْنىٰ، وَأَمْثالِكَ الْعُلْيا، وَنِعَمِكَ الَّتي لاتُحْصىٰ. وَبِأَكْرَمِ أَسْمائِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّها إِلَيْكَ، وَأَقْرَبِها مِنْكَ وَسيلَةً، وَأَشْرَفِها عِنْدَكَ مَنْزِلَةً، وأَجْزَلِها لَدَيْكَ ثَواباً، وَأَسْرَعِها فِي الْأُمُورِ إِجابَةً، وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، اَلَّذي تُحِبُّهُ وَتَهْواهُ، وَتَرْضىٰ بِهِ عَمَّنْ دَعاكَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَحَقٌّ عَلَيْكَ أَنْ لاتَحْرِمَ سائِلَكَ وَلاتَرُدَّهُ.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلائِكَتُكَ، وَأَنْبِياؤُكَ وَرُسُلُكَ، وَأَهْلُ طاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدائِهِ، و برای آنچه دوست داری دعا کن.[1]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۱۳۹.

صاحب مکیال می‌فرماید: در این دعا این قسمت اضافه را در کتاب «جمال الصالحین» دیدم:

وَتَجْعَلَنا مِنْ أَصْحابِهِ وَأَنْصارِهِ، وَتَرْزُقَنا بِهِ رَجاءَنا، وَتَسْتَجيبَ بِهِ دُعاءَنا.[1]

شیخ کفعمی ﷺ می‌گوید: مستحبّ است این دعا بعد از هر دو رکعت نماز شب خوانده شود.[2]

۱۶

دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب

در نماز شب بعد از رکعت چهارم دو سجدهٔ شکر را بجای می‌آوری و در آن دو صد مرتبه می‌گویی: «**ما شاءَ اللهُ، ما شاءَ اللهُ**»، سپس این دعا را می‌خوانی:

يا رَبِّ، أَنْتَ اللهُ، ما شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لي فيما تَشاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتَجْعَلَ فَرَجي وَفَرَجَ إِخْواني مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ، وَتَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا، و برای آنچه دوست داری دعا کن.[3]

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می‌شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می‌شود، نقل می‌کنیم.

---

۱. مکیال المکارم: ۱۴/۲.

۲. المصباح: ۷۵.

۳. مصباح المتهجّد: ۱۴۵.

بخش چهارم

دعاهای ایّام هفته



دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه

سیّد بن طاووس ﷺ در «جمال الأُسبوع» فرموده است: از وظیفه‌های مردم در روز پنجشنبه این است که بر پیامبر اکرم ﷺ در آن روز هزار مرتبه صلوات بفرستند، و مستحبّ است چنین بگویند:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.[1]



صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی ﷺ در «مصباح المتهجّد» می‌نویسد: مستحبّ است انسان روز پنجشنبه پس از نماز عصر تا پایان روز جمعه زیاد صلوات بر پیامبر گرامی ﷺ

---

۱. جمال الأسبوع: ۱۲۱.

بفرستد و بگوید:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

و اگر این ذکر را صد مرتبه بگوید فضیلت زیادی دارد.[۱]

مرحوم کفعمی گوید: مستحبّ است روز پنجشنبه هزار مرتبه سورهٔ «قدر» بخواند و بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هزار مرتبه صلوات بفرستد، بعد صلواتی را که ذکر کردیم بخواند.[۲]

۳

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه

مرحوم شیخ طوسی در کتاب «مختصر المصباح» در جایی که وظیفه‌های شب جمعه را ذکر می‌کند فرموده است:

در صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌گوئی:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، یا صد بار و یا هر مقداری که ممکن است.[۳]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با اندکی تفاوت.

۲. المصباح: ۱۷۷.

۳. مکیال المکارم: ۳۱/۲.

حکایت دعای علوی مصری

عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» می‌فرماید: در یک نسخهٔ قدیمی ـ که در تاریخ شوّال سال سیصد و نود و شش توسّط حسین بن علیّ بن هند نوشته شده بود ـ دعای علوی مصری را دیدم، که در آن چنین آمده است:

دعایی که آقای ما امام منتظر صلوات الله علیه به شخصی از شیعیان و اهل بیت خود در عالم خواب تعلیم فرمودند، او از ستمگری ستم دیده بود، به سبب این دعا خداوند گشایش در کار او نموده و دشمن او را نابود کرد.

سیّد اجلّ فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می‌شود.

سیّد بن طاووس ﷺ به دو طریق این دعا را نقل می‌کند و می‌فرماید: ابوالحسن علیّ بن حمّاد بصری گفت: ابوعبدالله حسین بن محمّد علوی به من خبر داد که: محمّد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: از جانب من نزد حاکم مصر شکایت شد از قدرت او بیمناک شده و حزن و اندوه وجودم را فرا گرفت، و ترسیدم که راه رهایی نداشته باشم، قصد زیارت موالی و اجداد طاهرینم را کردم، و به حائر مولای ما ابو عبدالله الحسین علیه‌السلام وارد شدم، از ترس غلبهٔ حاکم مصر به حرم باصفای حضرت پناه برده و در آن مکان شریف پناهنده شدم.

مدّت پانزده روز در جوار حائر حسینی علیه‌السلام بودم و شب و روز به دعا و زاری مشغول بودم، روزی در حالی که میان خواب و بیداری بودم **قائم و صاحب زمان و ولی خدای رحمان صلوات الله علیه** در نظرم جلوه‌گر شد و به من فرمود: فرزندم! از فلانی ترسیدی؟

عرض کردم: آری، او می‌خواهد مرا بکشد؛ و چنین و چنان کند، من بر آقایم پناه آورده‌ام تا از آنچه برای من اراده کرده شکایت کنم، و او مرا از دست آن ظالم برهاند.

حضرت فرمود: آیا پروردگار خود و پدران گرامت را با دعاهایی که پیغمبران سلف در شدّت و سختی می‌خواندند و خدا سختی را از آنان بر می‌داشت، نخوانده‌ای؟

عرض کردم: کدام دعا است تا بخوانم؟

فرمود: شب جمعه برخیز و غسل کن و نماز شب بخوان، چون سجدهٔ شکر را بجای آوردی در حالی که بر سر دو زانو نشسته‌ای این دعا را بخوان.

محمّد بن علی مصری می‌گوید: حضرت پنج شب متوالی تشریف می‌آوردند **در حالی که من میان خواب و بیداری بودم** و این دعا را برای من تکرار می‌فرمود، تا اینکه حفظ کردم. شب جمعه تشریف نیاورد، برخاستم و غسل نموده و لباس‌هایم را عوض کردم و عطر استعمال نمودم، و نماز شب را خواندم و بر سر دو زانو نشستم و خدای را با این دعا خواندم.

شب شنبه حضرت با همان هیئتی که شب‌های پیش تشریف می‌آورد، آمد؛ رو به من کرد و فرمود: ای محمّد! دعایت مستجاب و دشمن تو کشته شد، و پس از تمام کردن دعا خداوند او را به هلاکت رساند.

محمّد بن علی مصری می‌گوید: چون صبح شد قصدی جز وداع با موالیان خود(علیهم‌السلام) و حرکت به سوی خانه‌ای که از آن فرار کرده بودم نداشتم؛ چون مقداری راه رفتم ناگاه قاصدی از جانب فرزندانم با نامه‌ای آمد و گفت: مردی که از ترس او فرار کرده بودی به هلاکت رسید، او عدّه‌ای را برای مهمانی دعوت می‌کند، مهمانان پس از صرف شام و پذیرایی پراکنده می‌شوند، او با نوکران خود همانجا می‌خوابد، بامدادان خبری از او نمی‌شود، به خانهٔ او می‌روند، چون لحاف را از روی او برمی‌دارند می‌بینند سرش را از قفا بریده و خونش جاری است. این قضیّه شب جمعه اتّفاق افتاده و نمی‌فهمند چه کسی این کار را کرده است. فرزندانم پیغام داده بودند که سریعاً به خانه بروم.

موقعی که به منزل رسیدم و از قتل و ساعت اتّفاق آن پرسیدم درست همان موقعی را گفتند که من دعا را تمام کرده بودم؛[1] و آن دعا این است:

---

۱. مهج الدعوات: ۲۳۴، جنّة المأوی: ۲۲۷.

٤

دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه
که در گرفتاری‌های شدید خوانده می‌شود

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذي دَعٰاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ ، وَمَنْ ذَا الَّذي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ ، وَمَنْ ذَا الَّذي نٰاجٰاكَ فَخَيَّبْتَهُ ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ .

وَرَبِّ هٰذَا فِرْعَوْنُ ذُوا الْأَوْتٰادِ ، مَعَ عِنٰادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِدْعٰائِهِ الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لٰا يَتُوبُ ، وَلٰا يَرْجِعُ وَلٰا يَئُوبُ ، وَلٰا يُؤْمِنُ وَلٰا يَخْشَعُ ، اِسْتَجَبْتَ لَهُ دُعٰاءَهُ ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ ، كَرَماً مِنْكَ وَجُوداً ، وَقِلَّةَ مِقْدٰارٍ لِمٰا سَئَلَكَ عِنْدَكَ ، مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ ، أَخْذاً بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ ، وَتَأْكِيداً لَهٰا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ ، وَاسْتَطٰالَ عَلىٰ قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ ، وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمُ افْتَخَرَ ، وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ ، وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ ، فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلىٰ نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ ، أَنَّ جَزٰاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ ، فَجَزَيْتَهُ بِمٰا حَكَمَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِهِ .

إِلٰهي وَأَنَا عَبْدُكَ ، اِبْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ ، مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ خٰالِقي ، لٰا إِلٰهَ لي غَيْرُكَ ، وَلٰا رَبَّ لي سِوٰاكَ ، مُوقِنٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ رَبّي ، وَإِلَيْكَ مَرَدّي وَإِيٰابي ، عٰالِمٌ بِأَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ، تَفْعَلُ مٰا تَشٰاءُ وَتَحْكُمُ مٰا تُريدُ ، لٰا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ ، وَلٰا رٰادَّ لِقَضٰاءِكَ ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظّٰاهِرُ وَالْبٰاطِنُ ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ ، وَلَمْ تَبِنْ عَنْ شَيْءٍ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَنْتَ الكٰائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْمُكَوِّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ ، خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْديرٍ ، وَأَنْتَ السَّميعُ الْبَصيرُ .

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذٰلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ، لٰا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلٰا نَوْمٌ ، وَلٰا

تُوصَفُ بِالْأَوْهامِ ، وَلا تُدْرَكُ بِالْحَواسِّ ، وَلا تُقاسُ بِالْمِقْياسِ ، وَلا تُشَبَّهُ بِالنّاسِ ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبيدُكَ وَإِماؤُكَ ، أَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ ، وَأَنْتَ الْخالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ ، وَأَنْتَ الرّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ .

فَلَكَ الْحَمْدُ يا إِلٰهي ، إِذْ خَلَقْتَني بَشَراً سَوِيّاً ، وَجَعَلْتَني غَنِيّاً مَكْفِيّاً ، بَعْدَ ما كُنْتُ طِفْلاً صَبِيّاً ، تَقُوتُني مِنَ الثَّدْيِ لَبَناً مَريئاً ، وَغَذَّيْتَني غَذاءً طَيِّباً هَنيئاً ، وَجَعَلْتَني ذَكَراً مِثالاً سَوِيّاً .

فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ ، حَمْداً يَفُوقُ عَلىٰ جَميعِ حَمْدِ الْحامِدينَ ، وَيَعْلُو عَلىٰ حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ ، وَكُلَّما حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ .

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُحْمَدَ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ ما خَلَقَ ، وَزِنَةَ ما خَلَقَ ، وَزِنَةَ أَجَلِّ ما خَلَقَ ، وَبِوَزْنِ أَخَفِّ ما خَلَقَ ، وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ ما خَلَقَ .

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ حَتّٰى يَرْضىٰ رَبُّنا وَبَعْدَ الرِّضا ، وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَغْفِرَ لي ذَنْبي ، وَأَنْ يَحْمَدَ لي أَمْري ، وَيَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ .

إِلٰهي وَإِنّي أَنَا أَدْعُوكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُونا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلامُ ، وَهُوَ مُسيءٌ ظالِمٌ حينَ أَصابَ الْخَطيئَةَ ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطيئَتَهُ ، وَتُبْتَ عَلَيْهِ ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لي خَطيئَتي وَتَرْضىٰ عَنّي ، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنّي فَاعْفُ عَنّي ، فَإِنّي مُسيءٌ ظالِمٌ خاطِئٌ عاصٍ ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ ، وَلَيْسَ بِراضٍ عَنْهُ ، وَأَنْ تُرْضِيَ عَنّي خَلْقَكَ ، وَتُميطَ عَنّي حَقَّكَ .

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ إِدْريسُ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، فَجَعَلْتَهُ صِدّيقاً نَبِيّاً، وَرَفَعْتَهُ مَكٰاناً عَلِيّاً، وَاسْتَجَبْتَ دُعٰاءَهُ، وَكُنْتَ مِنهُ قَريباً يٰا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَآبي إِلىٰ جَنَّتِكَ، وَمَحَلّي في رَحْمَتِكَ، وَتُسْكِنَني فيهٰا بِعَفْوِكَ، وَتُزَوِّجَني مِنْ حُورِهٰا، بِقُدْرَتِكَ يٰا قَديرُ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ نٰادىٰ رَبَّهُ ﴿أَنّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ * فَفَتَحْنٰا أَبْوٰابَ السَّمٰاءِ بِمٰاءٍ مُنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْمٰاءُ عَلىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾[1]، وَنَجَّيْتَهُ عَلىٰ ذٰاتِ أَلْوٰاحٍ وَدُسُرٍ، فَاسْتَجَبْتَ دُعٰاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يٰا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِيَني مِنْ ظُلْمِ مَنْ يُريدُ ظُلْمي، وَتَكُفَّ عَنّي بَأْسَ مَنْ يُريدُ هَضْمي، وَتَكْفِيَني شَرَّ كُلِّ سُلْطٰانٍ جٰائِرٍ، وَعَدُوٍّ قٰاهِرٍ، وَمُسْتَخِفٍّ قٰادِرٍ، وَجَبّٰارٍ عَنيدٍ، وَكُلِّ شَيْطٰانٍ مَريدٍ، وَإِنْسِيٍّ شَديدٍ، وَكَيْدِ كُلِّ مَكيدٍ، يٰا حَليمُ يٰا وَدُودُ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صٰالِحٌ عَلَيْهِ السَّلٰامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلىٰ عَدُوِّهِ، وَاسْتَجَبْتَ دُعٰاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يٰا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُخَلِّصَني مِنْ شَرِّ مٰا يُريدُني أَعْدٰائي بِهِ، وَسَعىٰ بي حُسّٰادي، وَتَكْفِيَنيهِمْ بِكِفٰايَتِكَ، وَتَتَوَلّٰاني بِوِلٰايَتِكَ، وَتَهْدِيَ قَلْبي بِهُدٰاكَ، وَتُؤَيِّدَني بِتَقْوٰاكَ، وَتُبَصِّرَني (وَتَنْصُرَني) بِمٰا فيهِ رِضٰاكَ، وَتُغْنِيَني بِغِنٰاكَ يٰا حَليمُ.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَليلُكَ إِبْرٰاهيمُ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، حينَ أَرٰادَ نُمْرُودُ إِلْقٰائَهُ فِي النّٰارِ، فَجَعَلْتَ لَهُ النّٰارَ بَرْداً وَسَلاماً، وَاسْتَجَبْتَ

---

۱. سورهٔ قمر، آیهٔ ۱۰ ـ ۱۲.

لَهُ دُعٰاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يٰا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَرِّدَ عَنّي حَرَّ نٰارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنّي لَهِيبَهٰا، وَتَكْفِيَني حَرَّهٰا، وَتَجْعَلَ نٰائِرَةَ أَعْدٰائي في شِعٰارِهِمْ وَدِثٰارِهِمْ، وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ في نُحُورِهِمْ، وَتُبٰارِكَ لي فيمٰا أَعْطَيْتَنيهِ، كَمٰا بٰارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّٰابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ إِسْمٰاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، فَجَعَلْتَهُ نَبِيّاً وَرَسُولاً، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكاً وَمَسْكَناً وَمَأْوىً، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعٰاءَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ[1]، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يٰا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْسَحَ لي في قَبْري، وَتَحُطَّ عَنّي وِزْري، وَتَشُدَّ لي أَزْري، وَتَغْفِرَ لي ذَنْبي، وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئٰاتِ، وَتَضٰاعُفِ الْحَسَنٰاتِ، وَكَشْفِ الْبَلِيّٰاتِ، وَرِبْحِ التِّجٰارٰاتِ، وَدَفْعِ مَعَرَّةِ السِّعٰايٰاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوٰاتِ، وَمُنْزِلُ الْبَرَكٰاتِ، وَقٰاضِي الْحٰاجٰاتِ، وَمُعْطِي الْخَيْرٰاتِ، وَجَبّٰارُ السَّمٰاوٰاتِ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِمٰا سَأَلَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمٰاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، اَلَّذي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَفَدَيْتَهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ، وَقَلَّبْتَ لَهُ الْمِشْقَصَ حِينَ (حَتّٰى) نٰاجٰاكَ مُوقِناً بِذَبْحِهِ، رٰاضِياً بِأَمْرِ وٰالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعٰاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يٰا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِيَني مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ، وَتَصْرِفَ عَنّي كُلَّ ظُلْمَةٍ وَخِيمَةٍ، وَتَكْفِيَني مٰا أَهَمَّني مِنْ اُمُورِ دُنْيٰايَ وَآخِرَتي، وَمٰا اُحٰاذِرُهُ وَأَخْشٰاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ آلِ يٰس.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، فَنَجَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخَسْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثُلاتِ وَالشِّدَّةِ وَالْجُهْدِ، وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

---

۱. الذَّبح ـ به فتح ذال ـ: یعنی کشته شدن، و به کسر ذال: یعنی چیزی که کشته می‌شود.

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لي بِجَميعِ ما شُتِّتَ مِنْ شَمْلي، وَتُقِرَّ عَيْني بِوَلَدي وَأَهْلي وَمالي، وَتُصْلِحَ لي اُمُوري، وَتُبارِكَ لي في جَميعِ أَحْوالي، وَتُبَلِّغَني في نَفْسي آمالي.

وَأَنْ تُجيرَني مِنَ النّارِ، وَتَكْفِيَني شَرَّ الْأَشْرارِ بِالْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيارِ، اَلْأَئِمَّةِ الْأَبْرارِ، وَنُورِ الْأَنْوارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْأَخْيارِ، اَلْأَئِمَّةِ الْمَهْدِيّينَ، وَالصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ، وَتَرْزُقَني مُجالَسَتَهُمْ، وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِمُرافَقَتِهِمْ، وَتُوَفِّقَ لي صُحْبَتَهُمْ، مَعَ أَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلينَ، وَمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ، وَعِبادِكَ الصّالِحينَ، وَأَهْلِ طاعَتِكَ أَجْمَعينَ، وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ وَالْكَرُّوبِيّينَ.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَقَدْ كُفَّ بَصَرُهُ، وَشُتِّتَ شَمْلُهُ (جَمْعُهُ)، وَفُقِدَ قُرَّةُ عَيْنِهِ ابْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لي بِجَميعِ ما تَبَدَّدَ مِنْ أَمْري، وَتُقِرَّ عَيْني بِوَلَدي وَأَهْلي وَمالي، وَتُصْلِحَ شَأْني كُلَّهُ، وَتُبارِكَ لي في جَميعِ أَحْوالي، وَتُبَلِّغَني في نَفْسي آمالي، وَتُصْلِحَ لي أَفْعالي، وَتَمُنَّ عَلَيَّ يا كَريمُ، يا ذَا الْمَعالي بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غَيابَتِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ، وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً، وَاسْتَجَبْتَ دُعاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنّي كَيْدَ كُلِّ كائِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ حاسِدٍ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرانَ إِذْ قُلْتَ

تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ ﴿ وَنادَيْناهُ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْناهُ نَجِيّاً ﴾[١]، وَضَرَبْتَ لَهُ طَريقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَني إِسْرائيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعيذَني مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، وَتُقَرِّبَني مِنْ عَفْوِكَ، وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ ما تُغْنيني بِهِ عَنْ جَميعِ خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لي بَلاغاً أَنالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوانَكَ، يا وَلِيّي وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذي دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ داوُودُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبالَ، يُسَبِّحْنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكارِ، وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوّابٌ، وَشَدَدْتَ مُلْكَهُ، وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطابِ، وَأَلَنْتَ لَهُ الْحَديدَ، وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُسَخِّرَ لي جَميعَ أُمُوري، وَتُسَهِّلَ لي تَقْديري، وَتَرْزُقَني مَغْفِرَتَكَ وَعِبادَتَكَ، وَتَدْفَعَ عَنّي ظُلْمَ الظّالِمينَ، وَكَيْدَ الْكائِدينَ، وَمَكْرَ الْماكِرينَ، وَسَطَواتِ الْفَراعِنَةِ الْجَبّارينَ، وَحَسَدَ الْحاسِدينَ، يا أَمانَ الْخائِفينَ، وَجارَ الْمُسْتَجيرينَ، وَثِقَةَ الْواثِقينَ، وَذَريعَةَ الْمُؤْمِنينَ، وَرَجاءَ الْمُتَوَكِّلينَ، وَمُعْتَمَدَ الصّالِحينَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِالْإِسْمِ الَّذي سَئَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ سُلَيْمانُ بْنُ داوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، إِذْ قالَ ﴿ رَبِّ اغْفِرْ لي وَهَبْ لي مُلْكاً لا يَنْبَغي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ ﴾[٢]، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ، وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرّيحِ،

١. سورهٔ مريم، آيهٔ ٥٢.
٢. سورهٔ ص، آيهٔ ٣٥.

وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّياطِينَ مِنْ كُلِّ بَنّاءٍ وَغَوّاصٍ ، وآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفادِ ، هٰذا عَطاؤُكَ لا عَطاءُ غَيْرِكَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يا قَرِيبُ .

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَهْدِيَ لي قَلْبي ، وَتَجْمَعَ لي لُبّي ، وَتَكْفِيَني هَمّي ، وَتُؤْمِنَ خَوْفي ، وَتَفُكَّ أَسْري ، وَتَشُدَّ أَزْري ، وَتُمْهِلَني وَتُنَفِّسَني ، وَتَسْتَجيبَ دُعائي ، وَتَسْمَعَ نِدائي ، وَلا تَجْعَلَ فِي النّارِ مَأْوايَ ، وَلَا الدُّنْيا أَكْبَرَ هَمّي ، وَأَنْ تُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقي ، وَتُحَسِّنَ خُلْقي ، وَتُعْتِقَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ ، فَإِنَّكَ سَيِّدي وَمَوْلايَ وَمُؤَمَّلي .

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ أَيُّوبُ ، لَمّا حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ مَنْزِلَ الْعافِيَةِ ، وَالضّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةِ ، فَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ، وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ ، حينَ ناداكَ ، داعِياً لَكَ ، راغِباً إِلَيْكَ ، راجِياً لِفَضْلِكَ ، شاكِياً إِلَيْكَ رَبِّ ﴿ إِنّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ ﴾[1] فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يا قَرِيبُ .

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرّي ، وَتُعافِيَني فِي نَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَوَلَدي وَإِخْواني فيكَ ، عافِيَةً باقِيَةً شافِيَةً كافِيَةً ، وافِرَةً هادِيَةً نامِيَةً ، مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطِبّاءِ وَالْأَدْوِيَةِ ، وَتَجْعَلَها شِعاري وَدِثاري ، وَتُمَتِّعَني بِسَمْعي وَبَصَري ، وَتَجْعَلَهُمَا الْوارِثَيْنِ مِنّي ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتّى في بَطْنِ الْحُوتِ حينَ ناداكَ في ظُلُماتٍ ثَلاثٍ ﴿ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ ﴾[2] وَأَنْتَ

---

۱. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۳.

۲. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷.

أَرْحَمُ الرّاحِمينَ ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ ، وَأَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطينٍ ، وَأَرْسَلْتَهُ إِلىٰ مِأَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزيدُونَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَسْتَجيبَ دُعائي ، وَتُدارِكَني بِعَفْوِكَ ، فَقَدْ غَرِقْتُ في بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسي ، وَرَكِبَتْني مَظالِمُ كَثيرَةٌ لِخَلْقِكَ عَلَيَّ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاسْتُرْني مِنْهُمْ ، وَأَعْتِقْني مِنَ النّارِ ، وَاجْعَلْني مِنْ عُتَقاءِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ ، في مَقامي هٰذا ، بِمَنِّكَ يا مَنّانُ .

إِلٰهي وَأَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ إِذْ أَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ ، فَأَحْيىٰ بِهِ الْمَوْتىٰ ، وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ ، وَخَلَقَ مِنَ الطّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصارَ طائِراً بِإِذْنِكَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُفَرِّغَني لِما خُلِقْتُ لَهُ ، وَلا تَشْغَلَني بِما قَدْ تَكَلَّفْتَهُ لي ، وَتَجْعَلَني مِنْ عُبّادِكَ وَزُهّادِكَ فِي الدُّنْيا ، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعافِيَةِ ، وَهَنَّأْتَهُ بِها مَعَ كَرامَتِكَ يا كَريمُ يا عَلِيُّ يا عَظيمُ .

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعاكَ بِهِ آصَفُ بْنُ بَرْخِيا عَلىٰ عَرْشِ مَلِكَةِ سَبا ، فَكانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظَةِ الطَّرْفِ ، حَتّىٰ كانَ مُصَوَّراً بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَلَمّا رَأَتْهُ ﴿ قيلَ أَهٰكَذا عَرْشُكِ قالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ﴾[1] فَاسْتَجَبْتَ دُعاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُكَفِّرَ عَنّي سَيِّئاتي ، وَتَقْبَلَ مِنّي حَسَناتي ، وَتَقْبَلَ تَوْبَتي ، وَتَتُوبَ عَلَيَّ ، وَتُغْنِيَ فَقْري ، وَتَجْبُرَ كَسْري ، وَتُحْيِيَ فُؤادي بِذِكْرِكَ ، وَتُحْيِيَني في عافِيَةٍ ، وَتُميتَني في عافِيَةٍ .

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذي دَعاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيّا عَلَيْهِ السَّلامُ حينَ

١. سورهٔ نمل ، آيهٔ ۴۲.

سَئَلَكَ ، داعِياً لَكَ ، راغِباً إِلَيْكَ ، راجِياً لِفَضْلِكَ ، فَقامَ فِي الْمِحْرابِ يُنادي نِداءً خَفِيّاً ، فَقالَ رَبِّ ﴿ هَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيّاً * يَرِثُني وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيّاً ﴾[1] ، فَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيىٰ ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُبْقِيَ لي أَوْلادي ، وَأَنْ تُمَتِّعَني بِهِمْ ، وَتَجْعَلَني وَإِيّاهُمْ مُؤْمِنينَ لَكَ ، راغِبينَ في ثَوابِكَ ، خائِفينَ مِنْ عِقابِكَ ، راجينَ لِما عِنْدَكَ ، آيِسينَ مِمّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتّى تُحْيِيَنا حَيوةً طَيِّبَةً ، وَتُميتَنا ميتَةً طَيِّبَةً ، إِنَّكَ فَعّالٌ لِما تُريدُ .

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذي سَئَلَتْكَ بِهِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ ، ﴿ إِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّني مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّني مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمينَ ﴾[2] ، فَاسْتَجَبْتَ لَهٰا دُعائَهٰا ، وَكُنْتَ مِنْهٰا قَريباً يا قَريبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُقِرَّ عَيْني بِالنَّظَرِ إِلىٰ جَنَّتِكَ ، وَوَجْهِكَ الْكَريمِ وَأَوْلِيائِكَ ، وَتُفَرِّجَني بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتُؤْنِسَني بِهِ وَبِآلِهِ ، وَبِمُصاحَبَتِهِمْ وَمُرافَقَتِهِمْ ، وَتُمَكِّنَ لي فيهٰا ، وَتُنْجِيَني مِنَ النّارِ ، وَمٰا أُعِدَّ لِأَهْلِهٰا مِنَ السَّلاسِلِ وَالْأَغْلالِ ، وَالشَّدائِدِ وَالْأَنْكالِ ، وَأَنْواعِ الْعَذابِ ، بِعَفْوِكَ يا كَريمُ .

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي دَعَتْكَ بِهِ عَبْدَتُكَ وَصِدّيقَتُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ وَأُمُّ الْمَسيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلامُ ، إِذْ قُلْتَ ﴿ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتي أَحْصَنَتْ فَرْجَهٰا فَنَفَخْنٰا فيهِ مِنْ رُوحِنٰا وَصَدَّقَتْ بِكَلِماتِ رَبِّهٰا وَكُتُبِهِ وَكٰانَتْ مِنَ الْقٰانِتينَ ﴾[3]

---

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۵، ۶.

۲. سورهٔ تحریم، آیهٔ ۱۱.

۳. سورهٔ تحریم، آیهٔ ۱۲.

فَاسْتَجَبْتَ لَهٰا دُعٰائَهٰا، وَكُنْتَ مِنْهٰا قَرِيباً يٰا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْصِنَني بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ، وَتَحْجُبَني بِحِجٰابِكَ الْمَنِيعِ، وَتُحْرِزَني بِحِرْزِكَ الْوَثِيقِ، وَتَكْفِيَني بِكِفٰايَتِكَ الْكٰافِيَةِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ طٰاغٍ، وَظُلْمِ كُلِّ بٰاغٍ، وَمَكْرِ كُلِّ مٰاكِرٍ، وَغَدْرِ كُلِّ غٰادِرٍ، وَسِحْرِ كُلِّ سٰاحِرٍ، وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطٰانٍ جٰائِرٍ، بِمَنْعِكَ يٰا مَنِيعُ.

إِلٰهي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذي دَعٰاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَصَفِيُّكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمينُكَ عَلىٰ وَحْيِكَ، وَبَعيثُكَ إِلىٰ بَرِيَّتِكَ، وَرَسُولُكَ إِلىٰ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خٰاصَّتُكَ وَخٰالِصَتُكَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجَبْتَ دُعٰاءَهُ، وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهٰا، وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيٰا، وَكَلِمَةَ الَّذينَ كَفَرُوا السُّفْلىٰ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يٰا قَرِيبُ.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلٰوةً زٰاكِيَةً طَيِّبَةً، نٰامِيَةً بٰاقِيَةً مُبٰارَكَةً، كَمٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ أَبِيهِمْ إِبْرٰاهِيمَ وَآلِ إِبْرٰاهِيمَ، وَبٰارِكْ عَلَيْهِمْ كَمٰا بٰارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ كَمٰا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ، وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذٰلِكَ كُلِّهِ زِيٰادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَاخْلُطْني بِهِمْ، وَاجْعَلْني مِنْهُمْ، وَاحْشُرْني مَعَهُمْ، وَفي زُمْرَتِهِمْ حَتّٰى تَسْقِيَني مِنْ حَوْضِهِمْ، وَتُدْخِلَني في جُمْلَتِهِمْ، وَتَجْمَعَني وَإِيّٰاهُمْ، وَتُقِرَّ عَيْني بِهِمْ، وَتُعْطِيَني سُؤْلي، وَتُبَلِّغَني آمٰالي في دِيني وَدُنْيٰايَ وَآخِرَتي، وَمَحْيٰايَ وَمَمٰاتي، وَتُبَلِّغَهُمْ سَلٰامي، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلٰامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلٰامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

إِلٰهي وَأَنْتَ الَّذي تُنٰادي في أَنْصٰافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سٰائِلٍ فَأُعْطِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ دٰاعٍ فَأُجيبَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ رٰاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجٰاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ، هٰا أَنَا سٰائِلُكَ بِفِنٰائِكَ، وَمِسْكينُكَ بِبٰابِكَ، وَضَعيفُكَ بِبٰابِكَ،

وَفَقيرُكَ بِبابِكَ ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنائِكَ ، أَسْأَلُكَ نائِلَكَ ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ ، وَأُؤَمِّلُ عَفْوَكَ ، وَأَلْتَمِسُ غُفْرانَكَ ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .

وَأَعْطِني سُؤْلي ، وَبَلِّغْني أَمَلي ، وَاجْبُرْ فَقْري ، وَارْحَمْ عِصْياني ، وَاعْفُ عَنْ ذُنُوبي ، وَفُكَّ رَقَبَتي مِنَ الْمَظالِمِ لِعِبادِكَ رَكِبَتْني ، وَقَوِّ ضَعْفي ، وَأَعِزَّ مَسْكَنَتي ، وَثَبِّتْ وَطْأَتي ، وَاغْفِرْ جُرْمي ، وَأَنْعِمْ بالي ، وَأَكْثِرْ مِنَ الْحَلالِ مالي ، وَخِرْ لي في جَميعِ اُمُوري وَأَفْعالي ، وَرَضِّني بِها ، وَارْحَمْني وَوالِدَيَّ وَما وَلَدا مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ ، وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ ، اَلْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ ، إِنَّكَ سَميعُ الدَّعَواتِ ، وَأَلْهِمْني مِنْ بِرِّهِما ما أَسْتَحِقُّ بِهِ ثَوابَكَ وَالْجَنَّةَ ، وَتَقَبَّلْ حَسَناتِهِما ، وَاغْفِرْ سَيِّئاتِهِما ، وَاجْزِهِما بِأَحْسَنِ ما فَعَلا بي ثَوابَكَ وَالْجَنَّةَ .

إِلٰهي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقيناً أَنَّكَ لاتَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلاتَرْضاهُ ، وَلاتَميلُ إِلَيْهِ وَلاتَهْواهُ وَلاتُحِبُّهُ وَلاتَغْشاهُ ، وَتَعْلَمُ ما فيهِ هٰؤُلاءِ الْقَوْمُ مِنْ ظُلْمِ عِبادِكَ وَبَغْيِهِمْ عَلَيْنا ، وَتَعَدّيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلا مَعْرُوفٍ ، بَلْ ظُلْماً وَعُدْواناً وَزُوراً وَبُهْتاناً ، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لابُدَّ مِنْ بُلُوغِها ، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجالاً يَنالُونَها ، فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ ﴿ يَمْحُو اللهُ ما يَشاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتابِ ﴾[1] .

فَأَنَا أَسأَلُكَ بِكُلِّ ما سَئَلَكَ بِهِ أَنْبِياءُكَ الْمُرْسَلوُنَ وَرُسُلُكَ ، وَأَسْئَلُكَ بِما سَئَلَكَ بِهِ عِبادُكَ الصّالِحُونَ ، وَمَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ ، أَنْ تَمْحُوَ مِنْ اُمِّ الْكِتابِ ذٰلِكَ ، وَتَكْتُبَ لَهُمُ الْاِضْمِحْلالَ وَالْمَحْقَ ، حَتّٰى تُقَرِّبَ آجالَهُمْ ، وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ ، وَتُذْهِبَ أَيّامَهُمْ ، وَتُبَتِّرَ أَعْمارَهُمْ ، وَتُهْلِكَ فُجّارَهُمْ ، وَتُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ ، حَتّٰى لاتُبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَداً ، وَلاتُنَجِّيَ مِنْهُمْ أَحَداً ، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ ، وَتَكِلَّ سِلاحَهُمْ ، وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ ،

---

۱. سورهٔ رعد، آیهٔ ۳۹.

وَتُقَطِّعَ آجالَهُمْ، وَتُقَصِّرَ أَعْمارَهُمْ، وَتُزَلْزِلَ أَقْدامَهُمْ، وَتُطَهِّرَ بِلادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ عِبادَكَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ غَيَّروُا سُنَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ، وَهَتَكُوا حَريمَكَ، وَأَتَوْا عَلىٰ ما نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ، وَعَتَوْا عُتُوّاً كَبيراً، وَضَلُّوا ضَلالاً بَعيداً.

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأْذَنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّتاتِ، وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَماتِ، وَلِأَزْواجِهِمْ بِالنَّهَباتِ، وَخَلِّصْ عِبادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ، وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ، وَطَهِّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَأْذَنْ بِحَصَدِ نَباتِهِمْ، وَاسْتِيصالِ شافَتِهِمْ، وَشَتاتِ شَمْلِهِمْ، وَهَدْمِ بُنْيانِهِمْ، يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ.

وَأَسأَلُكَ يا إِلٰهي وَ إِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبّي وَرَبَّ كُلِّ شيْءٍ، وَأَدْعُوكَ بِما دَعاكَ بِهِ عَبْداكَ وَرَسُولاكَ، وَنَبِيّاكَ وَصَفِيّاكَ مُوسىٰ وَهارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، حينَ قالا، داعِيَيْنِ لَكَ، راجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ، ﴿رَبَّنا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زينَةً وَأَمْوالاً فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيا رَبَّنا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلىٰ أَمْوالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلىٰ قُلُوبِهِمْ فَلا يُؤْمِنُوا حَتّٰى يَرَوُا الْعَذابَ الْأَليمَ﴾[1]، فَمَنَنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِما بِالْإِجابَةِ لَهُما إِلىٰ أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُما بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللّٰهُمَّ رَبِّ ﴿قَدْ أُجيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقيما وَلا تَتَّبِعانِّ سَبيلَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ﴾[2].

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَطْمِسَ عَلىٰ أَمْوالِ هٰؤُلاءِ الظَّلَمَةِ، وَأَنْ تَشْدُدَ عَلىٰ قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَّكَ، وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ في بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ وَما فيهِما لَكَ، وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فيهِمْ، وَبَطْشَتَكَ عَلَيْهِمْ، فَافْعَلْ ذٰلِكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ لَهُمْ ذٰلِكَ، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ

١. سورهٔ يونس، آيهٔ ٨٨.
٢. سورهٔ يونس، آيهٔ ٨٩.

الْوُجُوهُ، وَرُفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدي، وَدُعِيَ بِالْأَلْسُنِ، وَشَخَصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصارُ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَنُقِلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدامُ، وَتُحُوكِمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمالِ.

إِلٰهي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمائِكَ بِأَبْهاها، وَكُلُّ أَسْمائِكَ بَهِيٌّ، بَلْ أَسأَلُكَ بِأَسْمائِكَ كُلِّها، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرْكِسَهُمْ عَلىٰ أُمِّ رُؤُسِهِمْ في زُبْيَتِهِمْ، وَتُرْدِيَهُمْ في مَهْوىٰ حُفْرَتِهِمْ، وَارْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَذَكِّهِمْ بِمَشاقِصِهِمْ، وَاكْبُبْهُمْ عَلىٰ مَناخِرِهِمْ، وَاخْنُقْهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَارْدُدْ كَيْدَهُمْ في نُحُورِهِمْ، وَأَوْبِقْهُمْ بِنَدامَتِهِمْ، حَتّٰى يَسْتَخْذِلُوا وَيَتَضاءَلُوا بَعْدَ نِخْوَتِهِمْ، وَيَنْقَمِعُوا بَعْدَ اسْتِطالَتِهِمْ، أَذِلّاءَ مَأْسُورِينَ في رِبَقِ حَبائِلِهِمْ، اَلَّتي كانُوا يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنا فيها، وَتُرِيَنا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ، وَسُلْطانَكَ عَلَيْهِمْ، وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرىٰ وَهِيَ ظالِمَةٌ، إِنَّ أَخْذَكَ الْأَلِيمُ الشَّدِيدُ، وَتَأْخُذَهُمْ يا رَبِّ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ، فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ، شَدِيدُ الْعِقابِ، شَدِيدُ المِحالِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ ايرادَهُمْ عَذابَكَ الَّذي أَعْدَدْتَهُ لِلظّالِمِينَ مِنْ أَمْثالِهِمْ، وَالطّاغِينَ مِنْ نُظَرائِهِمْ، وَارْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ، وَاحْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذي لا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ، وَأْمُرْ في تَعْجِيلِ ذٰلِكَ عَلَيْهِمْ بِأَمْرِكَ الَّذي لا يُرَدُّ وَلا يُؤَخَّرُ، فَإِنَّكَ شاهِدُ كُلِّ نَجْوىٰ، وَعالِمُ كُلِّ فَحْوىٰ، وَلا تَخْفىٰ عَلَيْكَ مِنْ أَعْمالِهِمْ خافِيَةٌ، وَلا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمالِهِمْ خائِنَةٌ، وَأَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ، عالِمٌ بِما فِي الضَّمائِرِ وَالْقُلُوبِ.

وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ وَأُناديكَ بِما ناداكَ بِهِ سَيِّدي، وَسَئَلَكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ قُلْتَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ ﴿وَلَقَدْ نادانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾[1]، أَجَلِ اللّٰهُمَّ يا رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ،

---

۱. سورهٔ صافّات، آیهٔ ۷۵.

وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ، وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ، وَنِعْمَ الْمُعْطي، أَنْتَ الَّذي لاٰ تُخَيِّبُ سٰائِلَكَ، وَلاٰ تَرُدُّ رٰاجِيَكَ، وَلاٰ تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَنْ بٰابِكَ، وَلاٰ تَرُدُّ دُعٰاءَ سٰائِلِكَ، وَلاٰ تَمُلُّ دُعٰاءَ مَنْ أَمَّلَكَ، وَلاٰ تَتَبَرَّمُ بِكَثْرَةِ حَوٰائِجِهِمْ إِلَيْكَ، وَلاٰ بِقَضٰائِهٰا لَهُمْ، فَإِنَّ قَضٰاءَ حَوٰائِجِ جَميعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ في أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمْحِ الطَّرْفِ، وَأَخَفُّ عَلَيْكَ، وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنٰاحِ بَعُوضَةٍ.

وَحٰاجَتي يٰا سَيِّدي وَمَوْلاٰيَ، وَمُعْتَمَدي وَرَجٰائي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لي ذَنْبي، فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقيلَ الظَّهْرِ بِعَظيمِ مٰا بٰارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئٰاتي، وَرَكِبَني مِنْ مَظٰالِمِ عِبٰادِكَ مٰا لاٰ يَكْفيني، وَلاٰ يُخَلِّصُني مِنْهٰا غَيْرُكَ، وَلاٰ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلاٰ يَمْلِكُهُ سِوٰاكَ، فَامْحُ يٰا سَيِّدي كَثْرَةَ سَيِّئٰاتي بِيَسيرِ عَبَرٰاتي، بَلْ بِقَسٰاوَةِ قَلْبي، وَجُمُودِ عَيْني، لاٰ بَلْ بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَأَنَا شَيْءٌ، فَلْتَسَعْني رَحْمَتُكَ، يٰا رَحْمٰانُ يٰا رَحيمُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

لاٰ تَمْتَحِنّي في هٰذِهِ الدُّنْيٰا بِشَيْءٍ مِنَ الْمِحَنِ، وَلاٰ تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لاٰ يَرْحَمُني، وَلاٰ تُهْلِكْني بِذُنُوبي، وَعَجِّلْ خَلاٰصي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ، وَادْفَعْ عَنّي كُلَّ ظُلْمٍ، وَلاٰ تَهْتِكْ سَتْري، وَلاٰ تَفْضَحْني يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلاٰئِقَ لِلْحِسٰابِ، يٰا جَزيلَ الْعَطٰاءِ وَالثَّوٰابِ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْيِيَني حَيٰوةَ السُّعَدٰاءِ، وَتُميتَني ميتَةَ الشُّهَدٰاءِ، وَتَقْبَلَني قَبُولَ الْأَوِدّٰاءِ، وَتَحْفَظَني في هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، مِنْ شَرِّ سَلاٰطينِهٰا وَفُجّٰارِهٰا، وَشِرٰارِهٰا وَمُحِبّيهٰا، وَالْعٰامِلينَ لَهٰا وَمٰا فيهٰا، وَقِني شَرَّ طُغٰاتِهٰا وَحُسّٰادِهٰا، وَبٰاغِي الشِّرْكِ فيهٰا.

حَتّٰى تَكْفِيَني مَكْرَ الْمَكَرَةِ، وَتَفْقَأَ عَنّي أَعْيُنَ الْكَفَرَةِ، وَتُفْحِمَ عَنّي أَلْسُنَ الْفَجَرَةِ،

وَتَقْبِضَ لي عَلىٰ أَيْدِي الظَّلَمَةِ، وَتُوهِنَ عَنّي كَيْدَهُمْ، وَتُميتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ، وَتَشْغَلَهُمْ بِأَسْماعِهِمْ وَأَبْصارِهِمْ وَأَفْئِدَتِهِمْ، وَتَجْعَلَني مِنْ ذٰلِكَ كُلِّهِ في أَمْنِكَ وَأَمانِكَ، وَحِرْزِكَ وَسُلْطانِكَ، وَحِجابِكَ وَكَنَفِكَ، وَعِياذِكَ وَجارِكَ، وَمِنْ جارِ السُّوءِ وَجَليسِ السُّوءِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، ﴿إِنَّ وَلِيِّيَ اللهُ الَّذي نَزَّلَ الْكِتابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحينَ﴾[1].

أَللّٰهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ أَلُوذُ، وَلَكَ أَعْبُدُ، وَإِيّاكَ أَرْجُو، وَبِكَ أَسْتَعينُ، وَبِكَ أَسْتَكْفي، وَبِكَ أَسْتَغيثُ، وَبِكَ أَسْتَنْقِذُ، وَمِنْكَ أَسْئَلُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلاٰ تَرُدَّني إِلّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَتِجارَةٍ لَنْ تَبُورَ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلاٰ تَفْعَلَ بي ما أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ.

إِلٰهي وَقَدْ أَطَلْتُ دُعاءي، وَأَكْثَرْتُ خِطابي، وَضيقُ صَدْري حَداني عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ، وَحَمَلَني عَلَيْهِ، عِلْماً مِنّي بِأَنَّهُ يُجْزيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجينِ، بَلْ يَكْفيكَ عَزْمُ إِرادَةٍ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَلِسانٍ صادِقٍ يا رَبِّ، فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ، وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْإِرادَةِ قَلْبي، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْرِنَ دُعائي بِالْإِجابَةِ مِنْكَ، وَتُبَلِّغَني ما أَمَّلْتُهُ فيكَ، مِنَّةً مِنْكَ وَطَوْلاً، وَقُوَّةً وَحَوْلاً، لاٰ تُقيمُني مِنْ مَقامي هٰذا إِلّا بِقَضاءِ جَميعِ ما سَأَلْتُكَ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسيرٌ، وَخَطَرَهُ عِنْدي جَليلٌ كَثيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَديرٌ، يا سَميعُ يا بَصيرُ.

إِلٰهي وَهٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ، وَالْهارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ، وَعُيُوبٍ فَضَحَتْهُ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحيمَةً أَفُوزُ بِها

---

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۶.

إِلىٰ جَنَّتِكَ ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهٰا مِنْ عِقٰابِكَ ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنّٰارَ لَكَ وَبِيَدِكَ ، وَمَفٰاتِيحَهُمٰا وَمَغٰالِيقَهُمٰا إِلَيْكَ ، وَأَنْتَ عَلىٰ ذٰلِكَ قٰادِرٌ ، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ ، فَافْعَلْ بي مٰا سَأَلْتُكَ يٰا قَدِيرُ ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيم ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ، نِعْمَ الْمَوْلىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ .

علیّ بن حمّاد گوید: من این دعا را از ابو حسن علی علوی عریضی گرفتم، او از من خواست که این دعا را به کسی که مخالف مذهب ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام است و از عقیدهٔ او خبر ندارم ندهم، امّا دوستان آل محمّد علیهم‌السلام می‌توانند از این دعا بهره ببرند.

دعا نزد من بود، من و برادرانم بر آن دعا مواظبت می‌کردیم، روزی یکی از قضات اهواز از بصره نزد من آمد، من او را می‌شناختم، او نیکوئی‌های زیادی در حقّ من کرده بود، و گاهی من به او نیازمند می‌شدم و به نزد او می‌رفتم و نیازم را برطرف می‌کرد، ولی او از مخالفین مذهب ائمّه علیهم‌السلام بود.

سلطان وقت حکم دستگیری او را صادر کرده و او را بیست هزار درهم جریمه کرده بود، دلم بر او سوخت و در حق او دلسوزی کردم و دعا را به او دادم، او دعا را خواند یک هفته نگذشته بود که سلطان بدون وساطتِ کسی، او را آزاد کرد و جریمه را به او بخشید و با احترام او را به شهر خود برگرداند، من او را مشایعت کردم و به بصره برگشتم.

پس از چند روز دنبال دعا رفتم پیدا نکردم، همهٔ کتاب‌هایم را جستجو کردم اثری از آن ندیدم. نسخه‌ای از این دعا نزد ابومختار حسینی بود از او خواستم، او نیز گشت و پیدا نکرد، ما تا بیست سال دنبال این دعا بودیم و پیدا نمی‌کردیم، فهمیدم که این مجازاتی از خدای متعال است، چون من بر خلاف سفارش علوی مصری عمل کرده بودم و دعا را به قاضی که مخالف مذهب ائمّه علیهم‌السلام بود، داده بودم. بعد از بیست سال

آن را در میان کتاب‌هایم پیدا کردم، حال آنکه پیش از آن بارها آنجا را جستجو کـرده بودم.

سوگند یاد کردم و با خود عهد نمودم که این دعای شریف را ندهم مگر به کسی که اطمینان به مذهب او دارم که معتقد به ولایت آل محمّد علیهم‌السلام است، و از او هم عهد و پیمان بگیرم که به مخالف مذهب ندهد، از خدا یاری طلبیده و بر او توکّل می‌نمایم.[1]

سیّد عبدالحسیب علوی در کتاب خود «جواهر المنثوره» پس از نقل این دعـای شریف، اضافاتی نیز نقل می‌کند که عبارت از این است:

«وَصَلِّ اللّٰهُمَّ عَلىٰ سَيِّدِ الْأَنْبِيٰاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيٰاءِ، وَأَفْـضَلِ الْأَصْـفِيٰاءِ، وَأَعْـلَى الْأَزْكِيٰاءِ، وَأَكْمَلِ الْأَتْقِيٰاءِ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيراً وَنَذِيراً، وَدٰاعِـياً إِلَـى اللهِ بِـإِذْنِهِ، وَسِرٰاجاً مُنِيراً، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَآلِهِ مَفٰاتِيحِ أَسْرٰارِ الْعُلىٰ، وَمَصٰابِيحِ أَنْوٰارِ التُّقىٰ.

وَالسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدىٰ، وَصَلِّ عَلىٰ جَمِيعِ الْأَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلىٰ أَهْلِ طٰاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرَضِينَ، وَاخْصُصْ مُحَمَّداً بِأَفْضَلِ الصَّلٰوةِ وَالتَّسْلِيمِ. أَللّٰهُمَّ ارْحَمْنٰا فِيهِمْ، وَاغْفِرْ لَنٰا مَعَهُمْ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ».

مؤلّف کتاب «جواهر المنثوره» می‌گوید: به خطّ جدّم محقّق داماد رحمه‌الله در آخر دعای علوی مصری این دعا را یافتم:

«أَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصّٰائِلُ، وَبِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطّٰائِلُ، وَلٰا حَوْلَ لِكُلِّ ذي حَوْلٍ إِلّٰا بِكَ، وَلٰا قُوَّةَ يَمْتٰازُهٰا ذُوالْقُوَّةِ إِلّٰا مِنْكَ، بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلٰالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلٰامُ، صَلِّ عَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَـرَّ هٰـذَا الْيَوْمِ وَضُرَّهُ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ.

---

۱. مهج الدعوات: ۳۳۶.

وَاقْضِ لي في مُتَصَرَّفاتي بِحُسْنِ الْعافِيَةِ ، وَبُلوغِ الْمَحَبَّةِ ، وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ ، وَكِفايَةِ الطّاغِيَةِ الْمُغْوِيَةِ ، وَكُلِّ ذي قُدْرَةٍ لي عَلىٰ أَذِيَّةٍ ، حَتّٰى أَكُونَ في جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَنِقْمَةٍ ، وَأَبْدِلْني فيهِ مِنَ الْمَخاوِفِ أَمْناً ، وَمِنَ الْعَوائِقِ فيهِ يُسْراً ، حَتّٰى لا يَصُدَّني صادٌّ عَنِ الْمُرادِ ، وَلا يَحِلَّ بي طارِقٌ مِنْ أَذَى الْبِلادِ ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ، وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصيرُ ، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ السَّميعُ الْبَصيرُ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ» .[1]

روز جمعه؛
روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه است

ابوسلیمان بن اُورمه می‌گوید: در دوران متوکّل عبّاسی به شهر «سامرا» رفتم تا با سعید حاجب ملاقات نمایم، متوکّل حکم قتل امام هادی علیه‌السلام را به او داده بود، چون پیش او رفتم رو به من کرد و گفت: آیا می‌خواهی خدای خودت را ببینی؟

گفتم: سبحان الله! خدای من با چشم دیده نمی‌شود.

گفت: منظورم شخصی است که شما او را امام خودتان می‌پندارید.

گفتم: از این بدم نمی‌آید.

گفت: من مأموریّت دارم او را بکشم، و فردا این کار را انجام خواهم داد، الآن فرستاده‌ای پیش او است، چون او بیرون آمد تو نزد او برو. اندکی گذشت تا او بیرون آمد، به من گفت: می‌توانی نزد او بروی.

من به خانه‌ای که حضرت را در آن زندانی کرده بودند وارد شدم، دیدم حضرت نشسته است، در مقابل او قبری حفر کرده‌اند، به حضرتش سلام کردم و به خاطر ستمی که در حقّ حضرت روا داشته بودند به سختی گریستم.

---

۱. أبواب الجنّات: ۱۴۲.

حضرت فرمود:

چرا گریه می‌کنی؟

گفتم: برای ستمی که نسبت به شما اراده کرده‌اند.

فرمود: برای این امر گریه مکن، چون نمی‌توانند به من آسیبی برسانند، دلم آرام شد.

بعد فرمود: دو روز نمی‌گذرد که خداوند متوکّل و حاجب او را هلاک می‌کند.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشته بود که او کشته شد.

به امام هادی علیه‌السلام عرض کردم: حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیده که معنی آن را نمی‌فهمم آن را برای من بیان کنید، حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

لاتعادوا الأیّام فتعادیکم.

با روزها دشمنی نکنید که آنها نیز با شما دشمنی خواهند کرد.

حضرت فرمود:

آری؛ حدیث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله باید تأویل بشود و مراد از ایّام، ما خاندان رسالت هستیم.

شنبه روز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

و یکشنبه روز امیر مؤمنان علی علیه‌السلام است.

و دوشنبه روز امام حسن و امام حسین علیهماالسلام است.

و سه شنبه روز امام زین العابدین و امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهم‌السلام است.

و چهارشنبه روز امام موسی کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام و روز من است.

و پنجشنبه روز فرزندم امام حسن عسکری علیه‌السلام است.

و جمعه روز قائم ما اهل بیت است.[۱]

فضیلت دعای ندبه

صدرالإسلام همدانی ﷺ در کتاب «تکالیف الأنام» می‌گوید: از خواصّ خواندن دعای مبارک ندبه اینستکه اگر این دعای شریف در هر **مکان و موضعی با حضور قلب و اخلاص کامل و با توجّه به مضامین والا، برگزیده و غیر قابل وصف و عبارات و اشارات عالی و بی‌شائبهٔ آن خوانده شود حضرت صاحب العصر و الزمان** ارواحنا فداه **توجّه و عنایت خاصّی به آن مکان و محفل می‌نمایند، بلکه حضرت در آن محفل حاضر می‌شوند،** چنانکه در بعضی موارد و محافل اتّفاق افتاده است.[۲]

علّامهٔ محقّق شیخ علی اکبر نهاوندی ﷺ در کتاب «العبقریّ الحسان» می‌گوید:

به خطّ حجّة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی دیدم که او از کتاب مرحوم آقای سیّد جواد نقل نموده بود، وی دربارهٔ مؤلّف آن می‌گوید: که آن مرحوم از ائمّهٔ جماعت مورد اطمینان اصفهان بود و دارای مقاماتی عالی بود که در صدق و راستی مصداق «وما أظلّت الخضراء علی أصدق لهجة منه» بود. ایشان در آن کتاب می‌نویسد:

من با چند نفر مالک قریه‌ای به نام «صالح آباد» بودیم، افرادی می‌خواستند آنجا را غصب کرده و از دست ما بگیرند، لذا عدّه‌ای را برای تصرّف به آنجا فرستادند، ما در این رابطه مذاکره نمودیم ولی بجایی نرسید و نتیجه‌ای نداد.

عریضه‌ای به حضور مقدّس امام زمان ارواحنا فداه نوشتم، و آن را در رودخانه‌ای انداختم و به تخت فولاد رفته و در خرابه‌ای با تضرّع مشغول خواندن دعای ندبه شدم، و مکرّر می‌گفتم: «**هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى**»؟ «ای پسر پیغمبر! آیا به

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۶.

۲. تکالیف الأنام في غیبة الإمام: ۱۹۷.

سوی شما راه دیداری هست تا شما را ملاقات نمایم»؟

ناگاه صدای سم اسبی را شنیدم، دیدم عربی سوار بر اسب ابلقی است رو به سمت قبله می رود، نگاهی به من کرد و غائب شد.

از دیدن او قلبم آرامش پیدا کرد و مطمئن شدم که مشکلم حل می‌شود، شب بعد کارم به خوبی اصلاح شد، من بارها حضرتش را در خواب دیده بودم، و قیافهٔ حضرت به همان شکلی که دیده بودم؛ بود.[۱]

همچنین جناب آقای سیّد رضا ـ که از موثّقین علمای اصفهان است ـ می‌گوید: از زیادی قرض و بدهی و فقر متوسّل به اموات شدم، حدوداً دویست نفر از آنها را نام برده و طلب مغفرت نمودم.

پس از آن؛ متوسّل به ساحت مقدّس امام عصر صلوات الله علیه شدم، فقراتی از دعای ندبه مثل «**هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى**» را می‌خواندم.

ناگاه دیدم اطاق به نور مخصوصی نورانی و روشن شد، و در همان روز برای من فرج و گشایشی کامل رسید.[۲]

محدّث جلیل القدر مرحوم نوری می‌گوید: آقا محمّد که در شهر سامراء زندگی می‌کند، و شخصی عادل و امین و مورد اطمینان است از مادرش ـ که زنی صالحه و عابده بود ـ برای من تعریف کرد و گفت: مادرم می‌گفت:

روز جمعه‌ای با خانوادهٔ مولی سلماسی ﷺ در سرداب شریف بودیم، مرحوم مولی دعای ندبه را می‌خواند و ما نیز همراه او مشغول دعا بودیم، او با دلی غمگین و مانند عاشقی آشفته و حیران می‌گریست و همانند ستمدیده‌ای ناله و فریاد می زد، ما

---

۱. العبقريّ الحسان: ۱۰۱/۲ الياقوت الأحمر.

۲. العبقريّ الحسان: ۱۹۸/۲ الياقوت الأحمر.

نیز به گریهٔ او می‌گریستیم، سرداب خلوت بود و جز ما کسی دیگر در آن مکان شریف نبود.

در همین حال ناگاه بوی مشکی در سرداب پخش شد و فضای آن را پر کرد، بوی خوش آن چنان در آن محفل نورانی پیچید و آنجا را معطّر کرد که ما همگی از آن حالی که داشتیم بیرون آمدیم، و همهٔ ما مانند کسی که پرنده‌ای در سرش باشد ساکت شدیم، و توان حرکت و سخن نداشتیم.

زمان اندکی متحیّر ماندیم تا اینکه آن بوی خوش و عطر دل‌انگیزی که استشمام می‌کردیم تمام شد، و ما همگی به حال دعا برگشتیم.

چون به خانه برگشتیم از مولی سبب این عطر و بوی خوش را پرسیدم، مولی گفت: چه کار به این کارها داری؟ و به من پاسخ نداد.

برادر بزرگوار آقای علیرضا اصفهانی برای من تعریف کرد و گفت: روزی از مرحوم مولا سلماسی ﷺ در مورد تشرّف ایشان به حضور حضرت حجّت صلوات الله علیه سؤال کردم، و گمانم بر این بود که او نیز مانند استاد بزرگوارش مرحوم علّامه سیّد بحرالعلوم با حضرتش ملاقات دارد، ایشان این قضیّه را عیناً برای من تعریف کرد.[1]

۵

دعای ندبه

علّامهٔ مجلسی ﷺ در «زاد المعاد» فرموده است: به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ﷺ روایت شده که مستحبّ است دعای ندبه را در چهار عید بخوانند،

۱. دار السلام: ۲۲۴/۲.

یعنی در روز جمعه، روز عید فطر، روز عید قربان و روز عید غدیر.[۱]

و در «بحار الأنوار» در کتاب مزار دعای شریف ندبه را از سیّد بن طاووس ﷺ از بعضی از اصحاب ما نقل می‌کند و می‌گوید: محمّد بن علیّ بن ابو قرّة می‌گوید: دعای ندبه از کتاب محمّد بن حسین بن سفیان بزوفری برای من نقل شد، و گفته شده که آن دعا برای صاحب الزمان صلوات الله علیه است، و مستحبّ است در اعیاد چهارگانه خوانده شود.

محدّث نوری ﷺ این دعا را در «تحیّة الزائر» از «مصباح الزائر» سیّد بن طاووس ﷺ و کتاب «مزار» محمّد بن مشهدی با سند مذکور نقل کرده است.

وی ضمن نقل این دعا از کتاب «المزار قدیم» می‌گوید**استحباب این دعا در شب جمعه** مانند استحباب آن در اعیاد چهارگانه است.[۲] و آن دعا این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً.

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ مٰا جَرىٰ بِهِ قَضٰاؤُكَ فِي أَوْلِيٰائِكَ، اَلَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مٰا عِنْدَكَ، مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ، اَلَّذِي لٰا زَوٰالَ لَهُ وَلَا اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجٰاتِ هٰذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ، وَزُخْرُفِهٰا وَزِبْرِجِهٰا، فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفٰاءَ بِهِ.

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيَّ، وَالثَّنٰاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلٰائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلىٰ رِضْوٰانِكَ.

فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، إِلىٰ أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهٰا، وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ وَنَجَّيْتَهُ

---

۱. زاد المعاد: ۴۹۱.

۲. مکیال المکارم: ۹۳/۲.

وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ ، وَبَعْضُ نٍ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً ، وَسَأَلَكَ لِسٰانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتَهُ ، وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً ، وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً ، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً ، وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنٰاتِ ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ .

وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً ، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهٰاجاً ، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيٰاءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ ، مِنْ مُدَّةٍ إِلىٰ مُدَّةٍ ، إِقٰامَةً لِدِينِكَ ، وَحُجَّةً عَلىٰ عِبٰادِكَ ، وَلِئَلّٰا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَيَغْلِبَ الْبٰاطِلُ عَلىٰ أَهْلِهِ ، وَلٰا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلٰا أَرْسَلْتَ إِلَيْنٰا رَسُولاً مُنْذِراً ، وَأَقَمْتَ لَنٰا عَلَماً هٰادِياً ، فَنَتَّبِعَ آيٰاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ .

إِلىٰ أَنِ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلىٰ حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكٰانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ ، وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ ، وَأَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ ، وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ ، قَدَّمْتَهُ عَلىٰ أَنْبِيٰائِكَ ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبٰادِكَ ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشٰارِقَكَ وَمَغٰارِبَكَ ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرٰاقَ ، وَعَرَجْتَ بِهِ[1] إِلىٰ سَمٰائِكَ ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مٰا كٰانَ

---

۱. صاحب کتاب «مکیال المکارم» می‌فرماید: در «زاد المعاد» علّامهٔ مجلسی ﷺ بجای «عرجت به» «عرجت بروحه» آمده است، و ظاهراً این تصحیف است که در کتاب «مصباح» واقع شده، و علّامهٔ مجلسی ﷺ از آن نقل کرده، و بعداً شهرت پیدا کرده و دست‌آویزی برای برخی کوته نظران و معاندین شده که در معراج جسمانی ایجاد شبهه کنند، بدیهی است که همهٔ نسخه‌های «تحیّة الزائر» و «مصباح الزائر»، «مزار قدیم» همان عبارت صحیحی که ما در متن آوردیم؛ آورده‌اند.

علاوه بر این؛ معراج جسمانی جزء ضروریّات مذهب بلکه دین اسلام است، و روایات متواتره‌ای از ائمّهٔ معصومین ﷺ در مورد آن رسیده، و قرآن مجید آن را بیان فرموده است.

موقعی که در این عبارت از دعا دقّت و تأمّل می‌کردم، ملهم شدم که خود دعا بنفسه گواه و بیانگر همان عبارت صحیحی است که ما از بزرگان و دانشمندان نقل کرده و ذکر نمودیم، و عبارت «زاد المعاد» تصحیفی بیش نیست که شاید از برخی از اهل عناد رخ داده است.

چگونگی دلالت و گواه بر صحّت این مطلب: اگر خردمند با دقّت تمام بنگرد می‌فهمد که کنار هم بودن دو عبارت ←

وَمٰا يَكُونُ، إِلَى انْقِضٰاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِيلَ وَمِيكٰائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلاٰئِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

وَذٰلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّٰاسِ لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبٰارَكاً وَهُدًى لِلْعالَمِينَ * فيهِ آيٰاتٌ بَيِّنٰاتٌ مَقٰامُ إِبْرٰاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كٰانَ آمِناً﴾ [1]، وَقُلْتَ ﴿إِنَّما يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ [2].

ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتٰابِكَ فَقُلْتَ ﴿قُلْ لاٰ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ﴾ [3]، وَقُلْتَ ﴿مٰا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾ [4]، وَقُلْتَ ﴿مٰا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلّٰا مَنْ شٰاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً﴾ [5]، فَكٰانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلىٰ رِضْوٰانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيّٰامُهُ أَقٰامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبي طٰالِبٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِما وَآلِهِما هٰادِياً، إِذْ كٰانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ، فَقٰالَ وَالْمَلَأُ أَمٰامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلاٰهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاٰهُ، أَللّٰهُمَّ وٰالِ مَنْ وٰالاٰهُ، وَعٰادِ مَنْ عٰاداٰهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

وَقٰالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ. وَقٰالَ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وٰاحِدَةٍ وَسٰائِرُ النّٰاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّٰى، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هٰارُونَ مِنْ مُوسىٰ، فَقٰالَ لَهُ أَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ

← «سخّرت له البراق» و «عرجت به» خود دلیل بر صحّت گفتهٔ ما است، زیرا عروج روح که نیازی به براق ندارد، و این بر کسی که دلش از شرک و نفاق پاک است پوشیده و پنهان نیست. (مکیال المکارم: ۱۰۰/۲).

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۹۶، ۹۷.
۲. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳.
۳. سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۳.
۴. سورهٔ سبأ، آیهٔ ۴۷.
۵. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۵۷.

هٰارُونَ مِنْ مُوسىٰ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي ، وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِينَ ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوابَ إِلّا بابَهُ .

ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقالَ أَنَا مَدينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بابُها ، فَمَنْ أَرادَ الْمَدينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِها مِنْ بابِها ، ثُمَّ قالَ أَنْتَ أَخي وَوَصِيّي وَوارِثي ، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمي ، وَدَمُكَ مِنْ دَمي ، وَسِلْمُكَ سِلْمي ، وَحَرْبُكَ حَرْبي ، وَالْإِيمانُ مُخالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ ، كَما خالَطَ لَحْمي وَدَمي ، وَأَنْتَ غَداً عَلَى الْحَوْضِ خَليفَتي ، وَأَنْتَ تَقْضي دَيْني ، وَتُنْجِزُ عِداتي ، وَشيعَتُكَ عَلىٰ مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ حَوْلي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جيراني .

وَلَوْلا أَنْتَ يا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدي ، وَكانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلالِ ، وَنُوراً مِنَ الْعَمىٰ ، وَحَبْلَ اللهِ الْمَتينَ ، وَصِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ ، لا يُسْبَقُ بِقَرابَةٍ في رَحِمٍ ، وَلا بِسابِقَةٍ في دينٍ ، وَلا يُلْحَقُ في مَنْقَبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما .

وَيُقاتِلُ عَلَى التَّأْويلِ ، وَلا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ ، قَدْ وَتَرَ فيهِ صَناديدَ الْعَرَبِ ، وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ ، وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ ، فَأَضَبَّتْ عَلىٰ عَداوَتِهِ ، وَأَكَبَّتْ عَلىٰ مُنابَذَتِهِ حَتّى قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ .

وَلَمّا قَضىٰ نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشْقَى الْآخِرينَ ، يَتْبَعُ أَشْقَى الْأَوَّلينَ ، لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلىٰ مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَةٌ عَلىٰ قَطيعَةِ رَحِمِهِ ، وَإِقْصاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفىٰ لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ .

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ ، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ ، وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ بِما

يُرْجىٰ لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ ، إِذْ كانَتِ الْأَرْضُ لِلّٰهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ ، وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَسُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً ، وَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .

فَعَلَى الْأَطائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ ، وَإِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ الدُّمُوعُ ، وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ ، وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ ، وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ .

أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ ، أَيْنَ أَبْناءُ الْحُسَيْنِ ، صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ ، وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ ، أَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ ، أَيْنَ الْأَقْمارُ الْمُنِيرَةُ ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزّاهِرَةُ ، أَيْنَ أَعْلامُ الدّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ .

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللّٰهِ الَّتي لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهادِيَةِ ، أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَةِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ ، أَيْنَ الْمُرْتَجىٰ لِإِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ ، أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْياءِ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ ، أَيْنَ مُحْيِي مَعالِمِ الدّينِ وَأَهْلِهِ .

أَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ، أَيْنَ هادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ وَالطُّغْيانِ ، أَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ ، أَيْنَ طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْواءِ .

أَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِراءِ ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحادِ ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الْأَعْداءِ ، أَيْنَ جامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوىٰ .

أَيْنَ بابُ اللّٰهِ الَّذي مِنْهُ يُؤْتىٰ ، أَيْنَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِياءُ ، أَيْنَ السَّبَبُ

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّماءِ، أَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْـهُدىٰ، أَيْـنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ وَالرِّضا.

أَيْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِياءِ وَأَبْناءِ الْأَنْبِياءِ، أَيْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَـرْبَلاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلىٰ مَنِ اعْتَدىٰ عَلَيْهِ وَافْتَرىٰ، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذي يُجابُ إِذا دَعا، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوىٰ، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفىٰ وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَابْنُ خَديجَةَ الْغَرّاءِ وَابْنُ فاطِمَةَ الْكُبْرىٰ.

بِأَبي أَنْتَ وَاُمّي وَنَفْسي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمىٰ، يَابْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبينَ، يَابْنَ النُّجَباءِ الْأَكْرَمين، يَابْنَ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ، يَابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبينَ، يَابْنَ الْغَطارِفَةِ الْأَنْجَبينَ، يَابْنَ الْأَطائِبِ الْمُطَهَّرينَ، يَابْنَ الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبينَ، يَابْنَ الْقَماقِمَةِ الْأَكْرَمينَ.

يَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَةِ، يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَةِ، يَابْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ، يَابْنَ الْأَنْجُمِ الزّاهِرَةِ، يَابْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ، يَابْنَ الْأَعْلامِ اللّائِحَةِ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ، يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَابْنَ الْمَعالِمِ الْـمَأْثُورَةِ، يَـابْنَ الْـمُعْجِزاتِ الْـمَوْجُودَةِ، يَـابْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَابْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ، يَابْنَ النَّبَإِ الْعَظيمِ، يَابْنَ مَنْ هُوَ في اُمِّ الْكِتابِ لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكيمٌ.

يَابْنَ الْآياتِ وَالْبَيِّناتِ، يَابْنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ، يَابْنَ الْبَراهـينِ الْـواضِـحاتِ الْباهِراتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ، يَابْنَ النِّعَمِ السّابِغاتِ، يَابْنَ طٰهٰ وَالْـمُحْكَماتِ، يَابْنَ يٰسَ وَالذّارِياتِ، يَابْنَ الطُّورِ وَالْعادِياتِ، يَابْنَ مَنْ دَنىٰ فَتَدَلّىٰ فَكـانَ قـابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ.

لَيْتَ شِعْري أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوىٰ، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تُقِلُّكَ أَوْ ثَرىٰ، أَبِـرَضْوىٰ أَوْ غَيْرِها أَمْ ذي طُوىٰ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلا تُرىٰ، وَلا أَسْمَعَ لَكَ حَسيساً وَلا

نَجْوىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحيطَ بِكَ دُونِيَ الْبَلْوىٰ وَلا يَنالَكَ مِنّي ضَجيجٌ وَلا شَكْوىٰ .

بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنّا ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَحَ عَنّا ، بِنَفْسي أَنْتَ اُمْنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّى ، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنّا ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ عَقيدِ عِزٍّ لا يُسامىٰ ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ أَثيلِ مَجْدٍ لا يُجارىٰ ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهىٰ ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ نَصيفِ شَرَفٍ لا يُساوىٰ .

إِلىٰ مَتىٰ أَحارُ فيكَ يا مَوْلايَ ، وَإِلىٰ مَتىٰ وَأَيَّ خِطابٍ أَصِفُ فيكَ وَأَيَّ نَجْوىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ اُجابَ دُونَكَ وَاُناغىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ ما جَرىٰ .

هَلْ مِنْ مُعينٍ فَاُطيلَ مَعَهُ الْعَويلَ وَالْبُكاءَ ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاُساعِدَ جَزَعَهُ إِذا خَلا ، هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَساعَدَتْها عَيْني عَلَى الْقَذىٰ ، هَلْ إِلَيْكَ يَابْنَ أَحْمَدَ سَبيلٌ فَتُلْقىٰ ، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِغَدِهِ بِعِدَةٍ فَنَحْظىٰ .

مَتىٰ نَرِدُ مَناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوىٰ ، مَتىٰ نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ ماْئِكَ فَقَدْ طالَ الصَّدىٰ ، مَتىٰ نُغادِيكَ وَنُراوِحُكَ فَنُقِرَّ عَيْناً ، مَتىٰ تَرانا وَنَراكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ تُرىٰ .

أَتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ تَاُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلاً ، وَأَذَقْتَ أَعْدائَكَ هَواناً وَعِقاباً ، وَأَبَرْتَ الْعُتاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ ، وَقَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَكَبِّرينَ ، وَاجْتَثَثْتَ اُصُولَ الظّالِمينَ ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ .

أَللّهُمَّ أَنْتَ كَشّافُ الْكُرَبِ وَالْبَلْوىٰ ، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدي فَعِنْدَكَ الْعَدْوىٰ ، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالدُّنْيا ، فَأَغِثْ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلىٰ ، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَديدَ الْقُوىٰ ، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسىٰ وَالْجَوىٰ ، وَبَرِّدْ غَليلَهُ يا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ ، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعىٰ وَالْمُنْتَهىٰ .

أَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التّٰائِقُونَ إِلىٰ وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ ، خَلَقْتَهُ لَنٰا عِصْمَةً وَمَلاٰذاً ، وَأَقَمْتَهُ لَنٰا قِوٰاماً وَمَعٰاذاً ، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنّٰا إِمٰاماً ، فَبَلِّغْهُ مِنّٰا تَحِيَّةً وَسَلاٰماً ، وَزِدْنٰا بِذٰلِكَ يٰا رَبِّ إِكْرٰاماً ، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنٰا مُسْتَقَرّاً وَمُقٰاماً ، وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيّٰاهُ أَمٰامَنٰا ، حَتّٰى تُورِدَنٰا جِنٰانَكَ وَمُرٰافَقَةَ الشُّهَدٰاءِ مِنْ خُلَصٰائِكَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ ، وَصَلِّ عَلىٰ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ ، وَصَلِّ عَلىٰ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ ، وَحٰامِلِ اللِّوٰاءِ فِي الْمَحْشَرِ ، وَسٰاقِي أَوْلِيٰائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ ، وَالْأَمِيرِ عَلىٰ سٰائِرِ الْبَشَرِ ، اَلَّذي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَخِيهِ وَعَلىٰ نَجْلِهِمَا الْمَيٰامِينِ الْغُرَرِ ، مٰا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمٰا أَضٰاءَ قَمَرٌ .[1]

وَعَلىٰ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرىٰ ، فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ ، وَعَلىٰ مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبٰائِهِ الْبَرَرَةِ ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مٰا صَلَّيْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيٰائِكَ ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلاٰةً لاٰ غٰايَةَ لِعَدَدِهٰا ، وَلاٰ نِهٰايَةَ لِمَدَدِهٰا ، وَلاٰ نَفٰادَ لِأَمَدِهٰا .

أَللّٰهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبٰاطِلَ ، وأَدِلْ بِهِ أَوْلِيٰائَكَ ، وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدٰاءَكَ ،

---

۱. فقرهٔ اخیر از دعا در کتاب‌های زیادی آمده است، مانند: «إقبال الأعمال» سیّد بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علّامهٔ مجلسی﵀ (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنّات» عالم بزرگوار سیّد محسن امین (۲۵۵/۳)، «تكاليف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آیة الله سیّد حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اكبر» علّامه میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مكيال المكارم» علّامه سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲)، «منهاج العارفين» علّامهٔ سمنانی (ص ۱۵۹)، ضياء الصالحين (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقيّة» (ص ۷۲۸)، «هدية الزائرين» محدّث قمی﵀ (ص ۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.

وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنٰا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُـؤَدّي إِلىٰ مُـرٰافَـقَةِ سَـلَفِهِ ، وَاجْـعَلْنٰا مِـمَّنْ يَأْخُـذُ بِحُجْزَتِهِمْ ، وَيَمْكُثُ في ظِلِّهِمْ ، وَأَعِنّٰا عَلىٰ تَأْدِيَـةِ حُـقُوقِهِ إِلَـيْهِ ، وَالْإِجْـتِهٰادِ فـي طٰاعَتِهِ ، وَاجْتِنٰابِ مَعْصِيَتِهِ .

وَامْنُنْ عَلَيْنٰا بِرِضٰاهُ ، وَهَبْ لَنٰا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ ، وَدُعٰاءَهُ وَخَيْرَهُ ، مٰا نَنٰالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صَلاٰتَنٰا بِهِ مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبَنٰا بِهِ مَغْفُورَةً ، وَدُعٰاءَنٰا بِهِ مُسْتَجٰاباً ، وَاجْعَلْ أَرْزٰاقَنٰا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَهُمُومَنٰا بِهِ مَكْفِيَّةً ، وَحَوٰائِجَنٰا بِهِ مَقْضِيَّةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنٰا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ .

وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنٰا إِلَيْكَ ، وَانْظُرْ إِلَيْنٰا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرٰامَةَ عِـنْدَكَ ، ثُـمَّ لاٰ تَصْرِفْهٰا عَنّٰا بِجُودِكَ ، وَاسْقِنٰا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً ، هَنِيئاً سٰائِغاً ، لاٰ ظَمَأَ بَعْدَهُ ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ .[1]

٦

دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحبّ است انسان در روز جمعه پس از نماز صبح صد مرتبه سورهٔ «توحید» را بخواند، و صد مرتبه استغفار کرده و صد مرتبه بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین صلوات بفرستد و بگوید: **أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ .**[2]

---

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی غیر مرقّم، زاد المعاد: ۴۹۱، و در مصباح الزائر: ۴۴۶ با اندکی تفاوت.

۲. البلد الأمین: ۱۱۰.

۷

دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز جمعه

شیخ طوسی ﷺ در «مصباح المتهجّد» می‌نویسد: چون خواستی در روز جمعه بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستی بگو:

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلٰاتَكَ، وَصَلَوٰاتِ مَلٰائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. یا بگو: **أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.**[۱]

و روایت شده که صد مرتبه بگو: **أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.**[۲]

۸

دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه

مستحبّ است انسان در روز جمعه سورهٔ قدر را صد مرتبه بخواند و بگوید:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و این ذکر را در صورت امکان هزار مرتبه یا صد مرتبه یا ده مرتبه بگوید.[۳]

۱ و ۲. مصباح المتهجّد: ۲۸۴ و ۳۸۷.

۳. البلد الأمین: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

۹

صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداه خواهد بود

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران گرامیش علیهم السلام نقل می‌کند و می‌فرماید:

کسی که پس از نماز جمعه هفت مرتبه بگوید: «**أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ**»، از اصحاب و یاران حضرت قائم صلوات الله علیه می‌شود.[1]

۱۰

دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در روز جمعه و عید فطر وقربان چون برای رفتن به نماز آماده شدی بگو:

أَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ في هٰذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفٰادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ، رَجٰاءَ رِفْدِهِ وَجٰائِزَتِهِ وَنَوٰافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يٰا سَيِّدي كٰانَتْ وِفٰادَتي وَتَهْيِئَتي وَإِعْدٰادي وَاسْتِعْدٰادي رَجٰاءَ رِفْدِكَ، وَجَوٰائِزِكَ وَنَوٰافِلِكَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يٰا رَبِّ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، اَلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، و یکایک حضرات معصومین علیهم السلام را نام می‌بری تا صاحب

---

۱. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.

و مولای خود را نام می‌بری و می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً. أَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ، حَتّٰى لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَرْغَبُ إِلَيْكَ في دَوْلَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ إِلىٰ طاعَتِكَ وَالْقادَةِ إِلىٰ سَبيلِكَ وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

أَللّٰهُمَّ ما أَنْكَرْنا مِنْ حَقٍّ فَعَرِّفْناهُ، وَما قَصُرْنا عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ، و از خدا برای او دعا می‌کنی و بر دشمن او نفرین می‌نمائی و حاجت خود را مسألت می‌کنی، و آخرین سخنت این باشد که: **أَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا، أَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ تَذَكَّرَ فيهِ فَيَذَّكَّرَ**.[1]

حکایت صلوات ضرّاب اصفهانی

سیّد جلیل القدر علیّ بن طاووس رحمه‌الله می‌فرماید: صلوات ضرّاب اصفهانی صلواتی است بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام که **از ناحیهٔ مقدّسهٔ مولای ما حضرت صاحب العصر والزمان** ارواحنافداه **روایت شده است**.

این صلوات حائز اهمیّت فراوانی است که اگر به جهت عذری نتوانستی تعقیب عصر روز جمعه را انجام دهی، هرگز این صلوات را ترک نکن، زیرا در این سرّی است که خدای متعال ما را به آن آگاه نموده است.

عدّه‌ای از کسانی که بارها از آنها نام برده‌ام با سند خود از جدّم ابو جعفر طوسی رحمه‌الله با سلسله سند معتبر از یعقوب بن یوسف ضرّاب غسانی برای من نقل کردند که وی هنگام بازگشت از اصفهان چنین تعریف کرد:

---

۱. اقبال الأعمال: ۵۸۵.

در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری با عدّه‌ای از همشهری‌های اهل تسنّن عازم سفر حج شدیم، چون به مکّهٔ مشرّفه رسیدیم یکی از آن‌ها پیشقدم شد، و در محلّه‌ای ـ که میان بازار لیل بود ـ برای ما خانه‌ای اجاره نمود.

آنجا خانهٔ حضرت خدیجه علیها السلام بود که به خانهٔ امام رضا علیه السلام مشهور شده بود، در آن خانه پیرزن گندمگونی زندگی می‌کرد، چون فهمیدم که آن خانه معروف به دارالرضا علیه السلام است از پیرزن پرسیدم: تو چه نسبتی با صاحبان این خانه داری؟ و این خانه چرا دارالرضا علیه السلام نامیده شده؟

گفت: من از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستم، و این خانه، خانهٔ امام علیّ بن موسی الرضا علیه السلام است که امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه ساکن نموده است، و من از خدمتگزاران آن حضرت بودم.

چون این سخن را از او شنیدم با او مأنوس شدم، و این راز را از رفقای مخالف خودم پنهان کردم.

مدّتی که در آنجا بودیم برنامهٔ ما چنین بود که موقعی که شب از طواف خانهٔ خدا برمی‌گشتیم در ایوان خانه می‌خوابیدیم، و درب خانه را می‌بستیم و پشت آن سنگ بزرگی ـ که از سنگینی آن را می‌غلطانیدیم ـ می‌گذاشتیم.

در آن ایوانی که ما می‌خوابیدیم شب‌های متعدّد نوری را مثل نور مشعل می‌دیدم، و می‌دیدم که درب خانه باز می‌شد بدون اینکه کسی از ما درب را باز کند، شخصی متوسّط القامه و گندم‌گون متمایل به زرد با اندامی زیبا را دیدم که در چهرهٔ زیبای او اثر سجده نمایان بود، دو پیراهن و عبای نازکی از روی آن بر تن کرده و نعلینی پوشیده بود، وارد می‌شد و به اطاقی که پیرزن در آن بود بالا می‌رفت، و پیرزن به ما می‌گفت: کسی جز دخترم به اطاق من نمی‌آید.

هنگامی که از پلّه‌ها بالا می‌رفت نوری را می‌دیدم که بر ایوان می‌تابید، بعد همان نور را در آن اطاق می‌دیدم بدون اینکه چراغی روشن شود.

همراهان من همین نور را می‌دیدند و گمان می‌کردند که آن شخص صاحب دخترِ پیرزن می‌باشد که در متعهٔ اوست و می‌گفتند: این علوی‌ها متعه را جایز می‌دانند، و این به گمان خودشان حرام بود.

ما می‌دیدیم که آن شخص می‌آمد و می‌رفت و سنگ پشت درب به همان حالتی بود که ما گذاشته بودیم، و ما از ترسِ اسباب و اساسیّهٔ خود، درب را می‌بستیم، و کسی نبود که درب را باز کند یا ببندد، ولی آن شخص داخل می‌شد و خارج می‌شد و سنگ به همان صورت پشت درب بود تا وقتی که می‌خواستیم خارج شویم کنار می‌گذاشتیم.

چون این جریان را دیدم قلبم به طپش افتاد و در وجودم هیبت او نمایان شد، به آن پیرزن ملاطفت نمودم و دوست داشتم قضیّهٔ این شخص را بدانم، به او گفتم: فلانی! دوست دارم بدون اطّلاع دوستانم و محرمانه سؤالی از شما بپرسم، چون دیدی رفقایم نیستند بیا تا در مورد مسئله‌ای از تو سؤال کنم.

او در جواب من بلافاصله گفت: من هم می‌خواهم رازی را با تو در میان بگذارم، اما تا حال بخاطر رفقای تو فرصتی پیش نیامده است.

گفتم: می‌خواهی چه بگویی؟

گفت: به تو می‌گوید ـ و کسی را نام نبرد ـ: با رفقا و شرکای خود خشونت و درشتی نکن، و با آنان خصومت و نزاع مکن، زیرا آن‌ها دشمنان تو هستند و با آنان مدارا کن.

گفتم: چه کسی این سخن را می‌گوید؟ گفت: من می‌گویم.

از هیبتی که از او در دلم افتاده بود جرأت نکردم دوباره سؤال را تکرار کنم، گفتم: منظورت کدام رفقای من است؟ خیال می‌کردم منظورش رفقایی بود که با آنها به حج مشرّف شده بودم.

گفت: شرکائی که در شهر تو هستند و **درخانه‌ات با تو** هستند.

البتّه میان من و آنها بگو مگویی در دین شده بود که از من سخن‌چینی و سعایت شده بود، و من به همین جهت فرار کردم و مدّتی به صورت مخفیانه زندگی می‌کردم، بعد متوجّه شدم که آنها از من سخن‌چینی کرده بودند.

به پیرزن گفتم: تو چگونه از موالیان امام رضا علیه‌السلام هستی؟

گفت: من خدمتگزار حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام بودم.

چون این مطلب را باور کردم با خود گفتم: خوب است از حضرت غائب صلوات الله علیه از او سئوال کنم؟ و گفتم: تو را به خدا، آیا او را دیده‌ای؟

گفت: ای برادر! من او را ندیده‌ام، من با خواهرم ـ که باردار بود ـ از شهر خود بیرون آمدم و امام حسن علیه‌السلام به من مژده داد که در آخر عمرم او را خواهم دید، و فرمود: برای او چنان خواهی بود که برای من هستی.

من از آن روز مدّتی است در مصر هستم، اکنون با نامه و نفقهٔ یک نفر خراسانی ـ که زبان عربی را خوب نمی‌داند ـ آمده‌ام، او سی دینار به من داده و مرا مأمور کرده تا امسال به حج مشرّف شوم، من به شوق دیدار او از شهرم بیرون آمده‌ام.

راوی می‌گوید: در این لحظه به دلم افتاد که آن شخصی که بعضی از شب‌ها به آن خانه می‌آید **همان محبوب دل‌ها** است، ده درهم صحیح که سکّهٔ رضویّه بود همراهم بود و نذر کرده بودم تا در مقام ابراهیم علیه‌السلام بیندازم، آن‌ها را بیرون آورده و به آن پیرزن دادم، و با خودم گفتم: اگر اینها را به فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام بدهم بهتر است از این که در مقام ابراهیم علیه‌السلام بیندازم و ثوابش بیشتر است.

به او گفتم: این پول‌ها را به مستحقّین از اولاد حضرت فاطمه علیهاالسلام بده، و نیّتم این بود که شخصی را که دیده‌ام پول‌ها را می‌گیرد و به آنها می‌دهد.

پول‌ها را گرفت و به اطاق بالا رفت، پس از ساعتی آمد و گفت: او می‌فرماید: ما در آنها حقّی نداریم، در آنچه نیّت کرده‌ای قرار بده، ولی این سکّهٔ رضوی را عوض آن از ما بگیر، و در آن مکانی که نذر کرده‌ای بینداز.

همان طور که فرموده بود انجام دادم و با خودم گفتم: این همان است که مأمور بودم از طرف او انجام بدهم، یعنی حضرت حجّت صلوات الله علیه است.

پس از آن؛ نسخه‌ای از توقیعی که به سوی قاسم بن علاء در آذربایجان صادر شده بود همراه من بود، به او گفتم: این نسخه را به کسی که توقیعات حضرت امام غائب صلوات الله علیه را دیده نشان می‌دهی؟

گفت: بده به من، من می‌شناسم.

نسخه را به او دادم و گمان کردم که آن پیرزن می‌تواند خوب بخواند.

گفت: اینجا نمی‌توانم بخوانم، رفت به اطاق سپس آمد و گفت: این توقیع صحیح است، و در آن توقیع چنین نوشته شده بود: مژده می‌دهم شما را به مژده‌ای که به کسی نداده‌ام.

آن گاه گفت: او به تو می‌فرماید: هر گاه به پیامبرت صلوات بفرستی چگونه صلوات می‌فرستی؟

گفتم: می‌گویم:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبٰارِكْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَبٰارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلیٰ إِبْرٰاهِيمَ وَآلِ إِبْرٰاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

گفت: نه، چون خواستی صلوات بفرستی به همهٔ آنها صلوات بفرست، و هر کدام را نام ببر. گفتم: آری.

چون فردا شد آن پیرزن آمد همراه خود دفتر کوچکی داشت، گفت: او به تو می‌گوید: چون خواستی بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستی طبق این نسخه بر او و بر اوصیای او صلوات بفرست.

نسخه را گرفتم، و اکنون به آن عمل می‌کنم.

چند شب دیدم که او از اطاق پایین می‌آید و نور چراغ همچنان روشن است، و من

درب را می‌گشودم و دنبال آن نور می‌رفتم ولی کسی را نمی‌دیدم فقط آن نور را مشاهده می‌کردم، تا این که وارد مسجد می‌شد.

گروهی از مردم شهرهای مختلف را می‌دیدم که به درب این خانه می‌آمدند، برخی نامه‌هایی به آن پیرزن می‌دادند، و پیرزن نیز نوشته‌هایی به آن‌ها می‌داد، و با همدیگر حرف می‌زدند، ولی من سخنان آن‌ها را نمی‌فهمیدم، و برخی از آن‌ها را هنگام برگشت در راه دیدم، تا این که وارد بغداد شدم.[1]

۱۱

صلوات ضرّاب اصفهانی

نسخهٔ دفتری که از ناحیهٔ حضرت بود؛ چنین بود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخٰاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثٰاقِ، اَلْمُصْطَفىٰ فِي الظِّلٰالِ، اَلْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، اَلْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، اَلْمُؤَمَّلِ لِلنَّجٰاةِ، اَلْمُرْتَجىٰ لِلشَّفٰاعَةِ، اَلْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللهِ.

أَللّٰهُمَّ شَرِّفْ بُنْيٰانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهٰانَهُ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ[2]، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِئْ نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقٰاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَصَلِّ عَلىٰ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقٰائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۱.

۲. أَفْلَجَ فلاناً علی خصمه، یعنی: فلانی بر دشمن خود پیروز شد.

الْوَصِيِّينَ ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْـمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْـمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْـمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْـمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْـمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، إِمٰامِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوٰارِثِ الْمُرْسَلِينَ ، وَحُـجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ .

وَصَلِّ عَلَى الْخَلَفِ الْهادِي الْمَهْدِيِّ ، إِمامِ الْمُؤْمِنينَ ، وَوارِثِ الْمُرْسَلينَ ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعالَمينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهادينَ ، اَلْعُلَماءِ الصّادِقينَ ، اَلْأَبْرارِ الْمُتَّقينَ ، دَعائِمِ دينِكَ ، وَأَرْكانِ تَوْحيدِكَ ، وَتَراجِمَةِ وَحْيِكَ ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ، وَخُلَفائِكَ في أَرْضِكَ .

اَلَّذينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلىٰ عِبادِكَ ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدينِكَ ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ ، وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ ، وَرَفَعْتَهُمْ في مَلَكُوتِكَ ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِكَتِكَ ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ ، صَلوٰةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثيرَةً دائِمَةً طَيِّبَةً لا يُحيطُ بِها إِلّا أَنْتَ ، وَلا يَسَعُها إِلّا عِلْمُكَ ، وَلا يُحْصيها أَحَدٌ غَيْرُكَ .

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ ، اَلْمُحْيي سُنَّتَكَ ، اَلْقائِمِ بِأَمْرِكَ ، اَلدّاعي إِلَيْكَ ، اَلدَّليلِ عَلَيْكَ ، حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ، وَخَليفَتِكَ في أَرْضِكَ ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ . أَللّٰهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ ، وَمُدَّ في عُمْرِهِ ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ .

أَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحاسِدينَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكائِدينَ ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرادَةَ الظّالِمينَ ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبّارينَ .

أَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ ، وَشيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ ، وَخاصَّتِهِ وَعامَّتِهِ وَعَدُوِّهِ وَجَميعِ أَهْلِ الدُّنْيا ، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ ما أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .

أَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحىٰ مِنْ دينِكَ ، وَأَحْيِ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ كِتابِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ ما غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتّٰى يَعُودَ دينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً خالِصاً مُخْلَصاً لا شَكَّ فيهِ ،

وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

أَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

أَللّٰهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَىٰ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ، وَعَلِيٍّ الْمُرْتَضَىٰ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنِ الرِّضَا، وَالْحُسَيْنِ الْمُصَفَّى، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ الدُّجَىٰ، وَأَعْلَامِ الْهُدَىٰ، وَمَنَارِ التُّقَىٰ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَوُلَاةِ عَهْدِكَ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدَّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ، دِيناً وَدُنْياً وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

این روایت شریف در کتاب‌های معتبر گذشتگان با سندهای متعدّد روایت شده است، در برخی از آن‌ها در همهٔ موارد «أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ ... »، تا آخر ضبط شده است، ولی **در هیچ روایتی برای خواندن این صلوات وقت مخصوصی معیّن نشده است**، جز در نقل سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «جمال الأُسبوع» که این صلوات را در تعقیبات نماز عصر روز جمعه آورده است و فرموده:

... اگر برای عذری تعقیبات عصر جمعه را ترک کردی این صلوات را هرگز ترک نکن، و این به جهت سرّی است که خداوند متعال ما را به آن آگاه فرموده است.

از این کلام شریف استفاده می‌شود که او از جانب صاحب الأمر صلوات الله علیه در این

۱. مصباح المتهجّد: ۴۰۶، البلد الأمین: ۱۲۰، المصباح: ۷۲۵، دلائل الإمامة: ۵۴۹ و مانند آن در جمال الأسبوع: ۳۰۴ وارد شده است.

مورد چیزی بدست آورده است، گرچه از مقام ایشان بعید نیست، چنانکه خودش تصریح می‌کند که **راه دیدار آن حضرت** ارواحنا فداه **برای او باز است**.[۱]

صاحب «مکیال المکارم» می‌گوید: این دعای شریف از دعاهای مهمّی است که سزاوار است انسان بر آن مداومت داشته باشد، و در هر وقتی از اوقات و هر زمانی از زمان‌ها به خواندن آن مواظبت نماید، مخصوصاً اوقاتی که مخصوص مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه است، مانند شب و روز نیمهٔ شعبان و شب و روز جمعه.

احتمال دارد که به همین جهت صاحب «جمال الصالحین» این دعا را جزء اعمال شب جمعه قرار داده است، با اینکه آنچه از روایت ظاهر است این دعا مخصوص به وقت خاصّی نیست، بلکه در همهٔ اوقات می‌شود آن را خواند.[۲]

۱۲

صلوات و دعا در عصر روز جمعه

برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

> در روز قیامت خداوند متعال روزها را در شکل خاصّی مبعوث می‌نماید، روز جمعه در جلو آنها و روزهای دیگر پشت سر او مانند عروسی زیبا و باکمال ـ که به خانهٔ شخصی دیندار و ثروتمند فرستاده می‌شود ـ می‌آید و در کنار درب بهشت می‌ایستد، و هر کسی را که در آن روزها بیشتر از همه صلوات بر محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و

۱. نجم الثاقب: ۷۷۰.

۲. مکیال المکارم: ۷۳/۲.

آل او علیهم‌السلام فرستاده‌اند، شفاعت می‌نماید.

ابن سنان می‌گوید: عرض کردم: منظور از بیشتر در اینجا چقدر است؟ و در کدام ساعات روز جمعه بهتر است؟

حضرت فرمود:

صد مرتبه، و بهتر است موقع عصر باشد.

راوی می‌گوید: عرض کردم: چگونه صلوات بفرستم؟

حضرت فرمود: صد مرتبه می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.[1]

۱۳

فضیلت خواندن سورهٔ بنی إسرائیل در هر شب جمعه

در پایان این بخش، فضیلت قرائت سورهٔ «بنی اسرائیل» را در شب‌های جمعه نقل می‌کنیم:

صاحب کتاب گرانقدر «مکیال المکارم» از کتاب «تفسیر برهان» با سند معتبر از امام صادق علیه‌السلام روایتی نقل می‌کند که حضرت فرمود:

کسی که سورهٔ «بنی اسرائیل» را هر شب جمعه بخواند نمی‌میرد **تا این که امام زمان** (صلوات الله علیه) **را درک کند و از یاران او باشد.**[2]

---

۱. جمال الأسبوع: ۲۷۷، الصحیفة الصادقیّة: ۹۲۹.

۲. مکیال المکارم: ۳۷۸/۲، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷.

بخش پنجم

دعاهای هر ماه



دعا برای ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا

عبدالله بن سنان می‌گوید: روز عاشورا به محضر آقایم امام جعفر صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم، حضرت را با رنگ و رویی گرفته و ظاهری غمگین که اشک از چشمان مبارکش مانند درّ سرازیر بود، دیدم؛ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا گریه می‌کنید؟ خداوند چشمان شما را گریان نکند.

حضرت فرمود:

آیا غافل هستی؟ آیا نمی‌دانی که در مثل چنین روزی امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسید؟

عرض کردم: آقای من! نظر شما در مورد روزهٔ امروز چیست؟

حضرت فرمود:

امساک کن بدون این که نیّت روزه کرده باشی؛ و افطار نما، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری. و این روز را روزهٔ کامل قرار نده، یک ساعت بعد از نماز عصر با شربتی از آب افطار کن، زیرا در مثل چنین ساعتی از روز؛ جنگ از فرزندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برداشته شد، و فتنهٔ جنگ خاموش شد، و سی نفر از آن‌ها به

روی زمین افتاده بودند، که این برای رسول خدا ﷺ سخت بود، اگر در آن روز، حضرت زنده بودند خودش برای آن‌ها عزاداری می‌کرد.

راوی می‌گوید: حضرت صادق علیه‌السلام گریست تا اینکه محاسن شریفش از اشک چشمانش تر شد، سپس فرمود:

خداوند متعال چون نور را آفرید آن را در تقدیر خودش روز جمعه در اوّلین روز ماه رمضان آفرید، و تاریکی را در روز چهارشنبه روز دهم ماه محرّم خلق کرد، و برای هر کدام از آن دو، روش و راه روشنی قرار داد.

ای عبدالله بن سنان! بهترین عمل در این روز آن است که به سراغ لباس‌های پاک بروی و آن را بپوشی و تسلّب کنی.

عرض کردم: تسلّب یعنی چه؟

حضرت فرمود: مانند صاحبان مصیبت عبای خود را بگشا، و لباس از آرنج باز کن، و به هیئت مصیبت دیدگان و عزاداران باش؛ پس از آن به زمین متروکی یا مکان خلوتی می‌روی، و هنگام ظهر چهار رکعت نماز با خشوع و رکوع و سجود نیکو با دو سلام می‌خوانی، و در رکعت اوّل سورهٔ حمد و ﴿**قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**﴾ و در رکعت دوّم سورهٔ حمد و ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ را می‌خوانی.

سپس دو رکعت دیگر نیز می‌خوانی، در رکعت اوّل سورهٔ حمد و سورهٔ «**احزاب**» و در رکعت دوّم سورهٔ حمد و ﴿**إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ**﴾ یا آنچه از قرآن میسور شد می‌خوانی، نماز را تمام می‌کنی و متوجّه قبر امام حسین علیه‌السلام و مرقد شریفش می‌شوی، در این حال **قتلگاه حضرت و یاران و فرزندان و اهل بیتش را در نظرت مجسّم می‌کنی**، و بر او سلام و درود می‌فرستی، و بر قاتلین آن حضرت لعنت می‌کنی، و از کار آنها بیزاری می‌جویی.

خداوند متعال به سبب این عمل تو را در بهشت به درجات عالیه می‌رساند، و گناهان تو را می‌ریزد، آنگاه از هر جایی که هستی چند قدمی برمی‌داری و حرکت می‌کنی و می‌گویی:

«إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رٰاجِعُونَ، رِضاً بِقَضٰاءِ اللهِ وَتَسْلِيماً لِأَمْرِهِ».

در همهٔ این حالات با حزن و اندوه زیاد باش، و در این روز، خدای سبحان را بیشتر یاد کن؛ و بسیار استرجاع کن، چون با آن حال چند گام برداشتی در همان جایی که نماز خواندی بایست، سپس بگو:

أَللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ، اَلَّذِينَ شٰاقُّوا رَسُولَكَ، وَحٰارَبُوا أَوْلِيٰائَكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحَلُّوا مَحٰارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقٰادَةَ وَالْأَتْبٰاعَ، وَمَنْ كٰانَ مِنْهُمْ، فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً كَثِيراً.

أَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوٰاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنٰافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةِ الْجٰاحِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً يَسِيراً، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً قَرِيباً، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطٰاناً نَصِيراً.

سپس دست‌های خود را بلند کن و در قنوت این دعا را بخوان، و در حالی که به سوی دشمنان آل محمّد علیهم‌السلام اشاره می‌کنی بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأُمَّةِ نٰاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ، وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتْ عَلَى الْقٰادَةِ الظَّلَمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتٰابَ وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتَ بِطٰاعَتِهِمٰا، وَالتَّمَسُّكِ بِهِمٰا، فَأَمٰاتَتِ الْحَقَّ، وَجٰارَتْ عَنِ الْقَصْدِ، وَمٰالَأَتِ الْأَحْزٰابَ، وَحَرَّفَتِ الْكِتٰابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّٰا جٰائَهٰا، وَتَمَسَّكَتْ بِالْبٰاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهٰا، وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلاٰدَ نَبِيِّكَ، وَخِيَرَةَ عِبٰادِكَ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

أَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدٰامَ أَعْدٰائِكَ وَأَعْدٰاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ. أَللّٰهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيٰارَهُمْ، وَافْلُلْ سِلاٰحَهُمْ، وَخٰالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتَّ فِي أَعْضٰادِهِمْ وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ،

وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقاطِعِ ، وَارْمِهِمْ بَحَجَرِكَ الدّامِغِ ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً ، وَقُمَّهُمْ بِالْعَذابِ قَمّاً ، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً ، وَخُذْهُمْ بِالسِّنينَ وَالْمَثُلاتِ الَّتي أَهْلَكْتَ بِها أَعْدائَكَ ، إِنَّكَ ذُو نَقِمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضائِعَةٌ ، وَأَحْكامَكَ مُعَطَّلَةٌ ، وَعِتْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هائِمَةٌ . أَللّٰهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ ، وَاقْمَعِ الْباطِلَ وَأَهْلَهُ ، وَمُنَّ عَلَيْنا بِالنَّجاةِ ، وَاهْدِنا إِلَى الْإِيمانِ ، وَعَجِّلْ فَرَجَنا ، وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيائِكَ ، وَاجْعَلْهُمْ لَنا وُدّاً ، وَاجْعَلْنا لَهُمْ وَفْداً .

أَللّٰهُمَّ وَأَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ عِيداً ، وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحاً وَمَرَحاً ، وَخُذْ آخِرَهُمْ كَما أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ ، وَأَضْعِفِ اللّٰهُمَّ الْعَذابَ وَالتَّنْكيلَ عَلىٰ ظالِمي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ، وَأَهْلِكْ أَشْياعَهُمْ وَقادَتَهُمْ ، وَأَبِرْ حُماتَهُمْ وَجَماعَتَهُمْ .

أَللّٰهُمَّ وَضاعِفْ صَلَواتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ عَلىٰ عِتْرَةِ نَبِيِّكَ ، اَلْعِتْرَةِ الضّائِعَةِ الْخائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ ، بَقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزّاكِيَةِ الْمُبارَكَةِ .

وَأَعْلِ اللّٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ ، وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ ، وَاكْشِفِ الْبَلاءَ وَاللَّأْواءَ ، وَحَنادِسَ الْأَباطيلِ وَالْعَمىٰ عَنْهُمْ ، وَثَبِّتْ قُلُوبَ شيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلىٰ طاعَتِهِمْ وَوِلايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ ، وَأَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذىٰ فيكَ .

وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيّاماً مَشْهُودَةً ، وَأَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً ، يُوشِكُ فيها فَرَجُهُمْ ، وَتُوجِبُ فيها تَمْكينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ ، كَما ضَمِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ في كِتابِكَ الْمُنْزَلِ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ

وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً﴾[1].

أَللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ، يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلّا هُوَ، يا أَحَدُ يا حَيُّ يا قَيُّومُ، وَأَنَا يا إِلٰهي عَبْدُكَ الْخائِفُ مِنْكَ، وَالرّاجِعُ إِلَيْكَ، اَلسّائِلُ لَكَ، اَلْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اَللّاجِئُ إِلىٰ فِنائِكَ، اَلْعالِمُ بِأَنَّهُ لا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ.

أَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائي، وَاسْمَعْ يا إِلٰهي عَلانِيَتي وَنَجْوايَ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ، وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزيزُ الْكَريمُ.

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً وَآخِراً عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ، وَمَلائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ بِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ.

أَللّٰهُمَّ وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْني يا مَوْلايَ مِنْ شيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ، وَهَبْ لِيَ التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضا بِسَبيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَريقَتِهِمْ، إِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.

سپس صورت خود را به زمین بمال و بگو:

يا مَنْ يَحْكُمُ ما يَشاءُ وَيَفْعَلُ ما يُريدُ أَنْتَ حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجِّلْ يا مَوْلايَ فَرَجَهُمْ، وَفَرَجَنا بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ، وَتَكْثيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ، وَإِظْهارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يا أَصْدَقَ الصّادِقينَ، وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۵۵.

فَأَسْئَلُكَ يٰا إِلٰهي وَسَيِّدي ، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، بَسْطَ أَمَلي وَالتَّجاوُزَ عَنّي ، وَقَبُولَ قَليلِ عَمَلي وَكَثيرِهِ ، وَالزِّيادَةَ في أَيّامي وَتَبْليغي ذٰلِكَ الْمَشْهَدَ ، وَأَنْ تَجْعَلَني مِمَّنْ يُدْعىٰ فَيُجيبُ إِلىٰ طٰاعَتِهِمْ وَمُوالاٰتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ ، وَتُرِيَني ذٰلِكَ قَريباً سَريعاً في عٰافِيَةٍ ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .

سپس سر خود را به سوی آسمان بلند نموده، و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذينَ لاٰ يَرْجُونَ أَيّٰامَكَ ، فَأَعِذْني يٰا إِلٰهي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذٰلِكَ .

ای ابن سنان! این عمل از حجّ و عمرهٔ مستحبّی بهتر است، عملی که همهٔ اموالت را در آن انفاق کنی، و خود را به زحمت بیندازی و از اهل و فرزندانت مفارقت نمایی.

بدان هر کس در چنین روزی این نماز را بخواند، و از روی اخلاص این دعا را بخواند، و این عمل را در حال یقین و تصدیق انجام دهد خدای متعال ده خصلت به او عطا می‌نماید، از جمله:

از مرگ بد نگه می‌دارد، از بدی‌ها و فقر ایمن می‌کند، تا زنده است دشمن را بر او غالب نمی‌کند، از بیماری‌های جنون و جذام و برص، خود و فرزندان او را تا چهار پشت نگه می‌دارد؛ شیطان راه نفوذ بر او و دوستان و فرزندانش تا چهار پشت ندارد.

ابن سنان می‌گوید: من از خدمت حضرت مرخّص شدم در حالی که می‌گفتم: حمد و سپاس خدایی را که بر من منّت نهاد تا شما و محبّت شما را بشناسم، و از احسان و رحمت او درخواست می‌نمایم که مرا بر طاعت واجب شما یاری نماید.[1]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۷۸۲، بحار الأنوار: ۳۰۳/۱۰۱.

۲

دعای دیگری در روز عاشورا

صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

کسی که در ماه محرّم در روز عاشورا امام حسین علیه‌السلام را زیارت کند و آن را با حالت گریه در حرم ادامه دهد، در روز قیامت با ثواب دو هزار حجّ و دو هزار عمره و دو هزار جهاد در راه اسلام خداوند را ملاقات می‌کند، و ثواب هر جهاد و حجّ و عمره مانند ثواب کسی است که همراه حضرت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان هدایت‌گر علیهم‌السلام حجّ و عمره کرده و در رکاب آن حضرات جنگیده است.

راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت گردم، کسانی که در شهرها و مناطق دور هستند و امکان تشرّف به حرم آن حضرت را در چنین روزی ندارند چه کنند؟

حضرت فرمود:

اگر کسی نمی‌تواند از نزدیک زیارت کند، به صحرایی برود، یا در خانهٔ خود به پشت بامی بلند برود، و با اشاره به طرف حضرت سلام نماید، و بر قاتلان حضرت با جدّیت تمام نفرین کند پس از آن دو رکعت نماز بخواند و این عمل بایستی پیش از زوال آفتاب باشد.

آنگاه بر امام حسین علیه‌السلام ندبه کند و گریه نماید، و اگر در حال تقیّه نیست **به خانواده‌اش امر کند تا گریه کنند و اقامهٔ عزا نمایند، و ناله و شیون نمایند، و به همدیگر به جهت مصیبت امام حسین علیه‌السلام تسلیت بگویند.**

اگر این عمل را چنانکه گفتم انجام دهند من همهٔ این ثواب‌ها را از ناحیهٔ خداوند متعال ضامن هستم.

عرض کردم: فدایت گردم، شما ضامن و عهده دار هستی؟

فرمود: آری، من ضامنم برای کسی که این عمل را انجام دهد.

عرض کردم: چگونه به همدیگر تسلیت بگویند؟

فرمود: بگویند:

أَعْظَمَ اللهُ أُجُورَنٰا بِمُصٰابِنٰا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلَنٰا وَإِيّٰاكُمْ مِنَ الطّٰالِبِينَ بِثٰارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمٰامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلٰامُ.[1]

۳

دعای ایّام ماه رجب

که از ناحیهٔ مقدّسهٔ امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیّاش می‌گوید: از جمله توقیعاتی که به دست جناب شیخ ابو جعفر محمّد بن عثمان از ناحیهٔ مقدّسه رسیده دعا برای هر روز ماه رجب است:

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعٰانِي جَمِيعِ مٰا يَدْعُوكَ بِهِ وُلٰاةُ أَمْرِكَ، اَلْمَأْمُونُونَ عَلىٰ سِرِّكَ، اَلْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، اَلْوٰاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، اَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمٰا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعٰادِنَ لِكَلِمٰاتِكَ، وَأَرْكٰاناً لِتَوْحِيدِكَ وَآيٰاتِكَ وَمَقٰامٰاتِكَ الَّتِي لٰا تَعْطِيلَ لَهٰا فِي كُلِّ مَكٰانٍ يَعْرِفُكَ بِهٰا مَنْ عَرَفَكَ، لٰا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٰا إِلّٰا أَنَّهُمْ عِبٰادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتْقُهٰا وَرَتْقُهٰا بِيَدِكَ، بَدْؤُهٰا مِنْكَ وَعَوْدُهٰا إِلَيْكَ، أَعْضٰادٌ وَأَشْهٰادٌ وَمُنٰاةٌ وَأَذْوٰادٌ وَحَفَظَةٌ وَرُوّٰادٌ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمٰاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتّٰى ظَهَرَ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ.

فَبِذٰلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوٰاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقٰامٰاتِكَ وَعَلاٰمٰاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمٰاناً وَتَثْبِيتاً، يٰا بٰاطِناً فِي ظُهُورِهِ وَظٰاهِراً فِي بُطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يٰا مُفَرِّقاً بَيْنَ النُّورِ وَالدَّيْجُورِ، يٰا مَوْصُوفاً بِغَيْرِ كُنْهٍ، وَمَعْرُوفاً بِغَيْرِ شِبْهٍ،

---

۱. مصباح المتهجّد: ۷۷۲، المصباح: ۶۴۰، و مانند آن در کامل الزیارات: ۳۲۵ وارد شده است.

حٰادَّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشٰاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفٰاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيٰاءِ وَالْجُودِ.

يٰا مَنْ لٰا يُكَيَّفُ بِكَيْفٍ، وَلٰا يُؤَيَّنُ بِأَيْنٍ، يٰا مُحْتَجِباً عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يٰا دَيْمُومُ يٰا قَيُّومُ، وَعٰالِمَ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلىٰ عِبٰادِكَ الْمُنْتَجَبِينَ، وَبَشَرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلٰائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْبُهْمِ الصّٰافِّينَ الْحٰافِّينَ.

وَبٰارِكْ لَنٰا فِي شَهْرِنٰا هٰذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكَرَّمِ، وَمٰا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنٰا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنٰا فِيهِ الْقِسَمَ، وَأَبْرِرْ لَنٰا فِيهِ الْقَسَمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهٰارِ فَأَضٰاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاغْفِرْ لَنٰا مٰا تَعْلَمُ مِنّٰا وَمٰا لٰا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنٰا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصَمِ، وَاكْفِنٰا كَوٰافِيَ قَدَرِكَ، وَامْنُنْ عَلَيْنٰا بِحُسْنِ نَظَرِكَ، وَلٰا تَكِلْنٰا إِلىٰ غَيْرِكَ، وَلٰا تَمْنَعْنٰا مِنْ خَيْرِكَ، وَبٰارِكْ لَنٰا فِيمٰا كَتَبْتَهُ لَنٰا مِنْ أَعْمٰارِنٰا، وَأَصْلِحْ لَنٰا خَبِيئَةَ أَسْرٰارِنٰا، وَأَعْطِنٰا مِنْكَ الْأَمٰانَ، وَاسْتَعْمِلْنٰا بِحُسْنِ الْإِيمٰانِ، وَبَلِّغْنٰا شَهْرَ الصِّيٰامِ، وَمٰا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيّٰامِ وَالْأَعْوٰامِ، يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ.[1]

صاحب «عمدة الزائر» در بیان این دعای شریف می‌گوید: ولاة امر، یعنی صاحبان امر که همان محمّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت می‌باشند، و آنها هستند که به این صفات نیکو متّصف‌اند، و آنها دارای مقاماتی هستند که در هیچ جایی تعطیل بر آنها معنایی ندارد، زیرا وقتی آنها خدای را با چنین معانی والایی که در نزدشان هست بخوانند، یا به وسیلهٔ آنها دعا کنند، و در هر مکانی و به هر امری بخوانند، خداوند بدون معطّلی دعای آنها را مستجاب می‌کند.

زیرا که مبدأ، فیض رساننده، و مورد هم قابل استجابت است، و به برکت آن‌ها

۱. المصباح: ۷۰۱، مصباح المتهجّد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

فیض به دعاکننده می رسد، بلکه به برکت آنها فیض به همهٔ مخلوقات می رسد، **و این همان سرّ و راز صلوات و درود فرستادن بر آنها و توسّل جستن به آنها در هرحاجتی است**، زیراکسی که بر آن‌ها درود فرستد دعای او رد نمی‌شود.[1]

٤

دعای دیگر در ایّام ماه رجب
که ازناحیهٔ مقدّسه رسیده است

ابن عیّاش می‌گوید: توقیع دیگری که به دست جناب شیخ ابوالقاسم حسین بن روح از ناحیهٔ مقدّسه صادر شده این است که این دعا در هر روز از ماه رجب خوانده شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ في رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثّاني، وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمٰا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ، يٰا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَفيمٰا لَدَيْهِ رُغِبَ.

أَسْأَلُكَ سُؤٰالَ مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطٰالَ عَلَى الْخَطٰايٰا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزٰايٰا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النّٰارِ فَكٰاكَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمّٰا في رِبْقَتِهِ، فَأَنْتَ يٰا مَوْلاٰيَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.

أَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسٰائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسٰائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ تَتَغَمَّدَني في هٰذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وٰاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وٰازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمٰا رَزَقْتَهٰا قٰانِعَةٍ إِلىٰ نُزُولِ

---

۱. عمدة الزائر: ۱۷۴.

الْحافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ، وَما هِيَ إِلَيْهِ صائِرَةٌ.[1]



دعای سوّم در ایّام ماه رجب

محمّد بن عبدالرحمان تستری می‌گوید: از منطقهٔ بنی رواس می‌گذشتم یکی از برادرانم گفت: اگر میل داری با هم به مسجد صعصعه برویم و در آنجا نماز بخوانیم، چون این ماه، ماه رجب است؛ و در این ماه زیارت همچو مکان‌های شریفی که به قدوم امامان معصومین علیهم‌السلام مبارک شده و در آن‌ها نماز خوانده‌اند، مستحبّ است، و مسجد صعصعه از جملهٔ آنها است.

راوی می‌گوید: با او به طرف مسجد به راه افتادیم، نزدیک درب مسجد که رسیدیم ناگاه شتری را دیدیم که پالان بر پشت او و کنار درب مسجد خوابانیده شده بود، وارد مسجد شدیم شخصی را دیدیم که لباس حجازی بر تن و مانند آنها عمامه‌ای بر سر گذاشته بود، او نشسته و دعا می‌خواند، من و رفیقم آن دعا را حفظ کردیم، و دعا چنین است:

(مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه فرموده است: مستحبّ است در ماه رجب هر روز این دعا خوانده شود.)

أَللّٰهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السّابِغَةِ، وَالْآلاءِ الْوازِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ، وَالْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ، وَالنِّعَمِ الْجَسيمَةِ، وَالْمَواهِبِ الْعَظيمَةِ، وَالْأَيادِي الْجَميلَةِ، وَالْعَطايَا الْجَزيلَةِ.

يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثيلٍ، وَلا يُمَثَّلُ بِنَظيرٍ، وَلا يُغْلَبُ بِظَهيرٍ، يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ،

---

۱. المصباح: ۷۰۳، مصباح المتهجّد: ۸۰۵، بحار الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.

وَأَلْهَمَ فَأَنْطَقَ ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ ، وَعَلا فَارْتَفَعَ ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ ، وَصَوَّرَ فَأَتْقَنَ ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ ، وَأَعْطىٰ فَأَجْزَلَ ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ .

يا مَنْ سَما فِي الْعِزِّ فَفاتَ نَواظِرَ الْأَبْصارِ ، وَدَنا فِي اللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ الْأَفْكارِ ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ ، وَتَفَرَّدَ بِالْآلاءِ وَالْكِبْرِياءِ ، فَلا ضِدَّ لَهُ في جَبَرُوتِ شَأْنِهِ ، يا مَنْ حَارَتْ في كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ دَقائِقُ لَطائِفِ الْأَوْهامِ ، وَانْحَسَرَتْ دُونَ إِدْراكِ عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أَبْصارِ الْأَنامِ .

يا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ ، وَخَضَعَتِ الرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ ، وَوَجِلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ ، أَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتي لاتَنْبَغي إِلّا لَكَ ، وَبِما وَأَيْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِداعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِما ضَمِنْتَ الْإِجابَةَ فِيهِ عَلىٰ نَفْسِكَ لِلدّاعِينَ .

يا أَسْمَعَ السّامِعِينَ ، وَأَبْصَرَ النّاظِرِينَ ، وَأَسْرَعَ الْحاسِبِينَ ، يا ذَاالْقُوَّةِ الْمَتِينِ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ [الْأَئِمَّةِ الصّادِقِينَ] ، وَاقْسِمْ لي في شَهْرِنا هٰذا خَيْرَ ما قَسَمْتَ ، وَاحْتِمْ لي في قَضائِكَ خَيْرَ ما حَتَمْتَ .

وَاخْتِمْ لي بِالسَّعادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ ، وَأَحْيِنِي ما أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً ، وَأَمِتْنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً ، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجاتي مِنْ مُساءَلَةِ الْبَرْزَخِ ، وَادْرَأْ عَنّي مُنْكَراً وَنَكِيراً ، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّراً وَبَشِيراً ، وَاجْعَلْ لي إِلىٰ رِضْوانِكَ وَجِنانِكَ مَصِيراً وَعَيْشاً قَرِيراً ، وَمُلْكاً كَبِيراً ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيراً .

آن گاه سجدهٔ طولانی نمود ، و برخاست و سوار شتر شد و رفت .

رفیقم رو به من کرد و گفت : به نظر من او حضرت خضر علیه السلام است ، چرا نتوانستیم با او حرف بزنیم ؟ گویا او زبان ما را بسته بود .

از مسجد بیرون آمدیم ابن الورداء رواسی را دیدیم ، گفت : از کجا می آیید ؟

گفتیم : از مسجد صعصعه می آییم ، او را از قضیّه آگاه نمودیم .

او گفت: این سوار هر دو سه روز به این مسجد می‌آید و با کسی حرف نمی‌زند.

گفتیم: او کیست؟

گفت: به نظر شما چه کسی می‌تواند باشد؟

گفتیم: ما گمان می‌کنیم که او حضرت خضر علیه‌السلام است.

گفت: به خدا سوگند؛ به نظر من او کسی است که حضرت خضر علیه‌السلام نیازمند دیدار اوست.

پس برگشتیم و فهمیدیم که جریان از چه قرار است و رفیقم به من گفت: **به خدا قسم او حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه بود.**[1]

مؤلّف گوید: بنا به روایت مرحوم سیّد بن طاووس این دعا از حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام است. چون این دعا مربوط به ماه رجب می‌باشد در این بخش ذکر شد، و در بخش اوّل (نمازها، ص ۱۴۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم، به آنجا مراجعه کنید.



دعای روز سوم شعبان

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در «بحار الأنوار» می‌گوید: به وکیل امام حسن عسکری علیه‌السلام قاسم بن علاء همدانی این توقیع صادر شد:

> مولای ما امام حسین علیه‌السلام در روز پنجشنبه سوّم شعبان متولّد شد، آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان.[2]

---

۱. مزار شهید: ۲۷۷، المصباح: ۶۹۹، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، إقبال الأعمال: ۱۴۳ با اندکی تفاوت.

۲. بحار الأنوار: ۳۴۷/۱۰۱.

در «زاد المعاد» اضافه می‌کند: **این امر از ناحیهٔ مقدّسهٔ صاحب الأمر** صلوات الله علیه صادر شد:

روز سوّم ماه شعبان روز ولادت امام حسین علیه السلام است، در آن روز، روزه بگیر و این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ في هٰذَا الْيَوْمِ، اَلْمَوْعُودِ بِشَهٰادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلاٰلِهِ وَوِلاٰدَتِهِ، بَكَتْهُ السَّمٰاءُ وَمَنْ فيهٰا، وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهٰا، وَلَمّٰا يَطَأْ لاٰبَتَيْهٰا قَتيلِ الْعَبَرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، اَلْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرَّةِ، اَلْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ، وَالشِّفٰاءَ في تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ في أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيٰاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ، بَعْدَ قٰائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ، حَتّٰى يُدْرِكُوا الْأَوْتٰارَ، وَيَثْأَرُوا الثّٰارَ، وَيُرْضُوا الْجَبّٰارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصٰارٍ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ، مَعَ اخْتِلاٰفِ اللَّيْلِ وَالنَّهٰارِ.

أَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَأَسْئَلُ سُؤٰالَ مُقْتَرِفٍ [وَ]مُعْتَرِفٍ، مُسيءٍ إِلىٰ نَفْسِهِ، مِمّٰا فَرَّطَ في يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ، يَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلىٰ مَحَلِّ رَمْسِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ، وَاحْشُرْنٰا في زُمْرَتِهِ، وَبَوِّئْنٰا مَعَهُ دٰارَ الْكَرٰامَةِ، وَمَحَلَّ الْإِقٰامَةِ.

أَللّٰهُمَّ وَكَمٰا أَكْرَمْتَنٰا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنٰا بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنٰا مُرٰافَقَتَهُ وَسٰابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنٰا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ، وَيُكْثِرُ الصَّلاٰةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلىٰ جَميعِ أَوْصِيٰائِهِ وَأَهْلِ اصْطِفٰائِهِ، اَلْمَمْدُودينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، اَلنُّجُومِ الزُّهَرِ، وَالْحُجَجِ عَلىٰ جَميعِ الْبَشَرِ.

أَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنٰا في هٰذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنٰا فيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمٰا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعٰاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ، فَنَحْنُ عٰائِذُونَ بِقَبْرِهِ

مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.[۱]

فضیلت شب نیمهٔ شعبان

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌فرماید:

سزاوار است چنین شبی به یمن ولادت مبارک آن حضرت در نزد مسلمانان اهمیّت خاصّی داشته باشد، و آن‌هائی که معترف به اقامهٔ حقوق آن حضرت هستند ـ حقوقی که جدّ بزرگوارش حضرت محمّد ﷺ آن را معیّن کرده، و مژدهٔ او را به سعادتمندان از امّت خود داده است ـ احترام ویژه‌ای قائل شوند.

زیرا وضع مسلمانان چنان بود که در طول زندگی خود در تاریکی و ظلمت بسر می‌بردند، و لشکریان دشمن بر آنها تسلّط داشتند، و شومی و بدبختی گناهانشان آنها را احاطه می‌نمود در این وضعیّت حادّ و اسفبار خدای متعال مولودی به آن‌ها داد، که آنها را از بردگی آزاد، و هر دست بسته‌ای را از حقّ مسلّم خود برخوردار، و هر شخصی آنچه استحقاق دارد و نیازمند است بیش از نیازش عطا کند.

او سفرهٔ احسانی در مشرق و مغرب گیتی برای جهانیان بگستراند، ـ سفره‌ای که اطرافش مساوی و از هر لطفی تکمیل، و با اوصافی نیکو ـ و همگان را در گرداگرد آن سفره مانند پدری دلسوز و مهربان که فرزندان عزیزش را می‌نشاند، یا سلطانی مهربان و بزرگوار که زیر دستان خود را می‌نشاند، بنشاند.

او نشانه‌های سرور و خوشحالی‌ها و مژده‌های احسان‌ها را در خانهٔ سعادت آخرت به آنها نشان می‌دهد، به طوری که حاضرین به غائبین گواهی می‌دهند، و دل‌ها برای فرمانبری او آماده و گردن‌ها به اطاعت از بخشندهٔ این همه احسان، کشیده می‌شود.

---

۱. زاد المعاد: ۵۷، مصباح المتهجّد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

سیّد بن طاووس ﷺ در ادامهٔ سخن می‌فرماید:

هر انسانی باید خدا را در این شب ارزنده به خاطر احسان او بوسیلهٔ این سلطان، سپاسگزاری کرده و به ادای احترام قیام نماید، خدایی که او را از جمله رعایای او قرار داده، و در دفتر سپاه او ثبت نموده است، سپاهی که به یاران حضرت نامیده شده‌اند، و زمینه سازان اسلام و ایمان هستند، و کفر و طغیان و ستمگری را از بیخ و بن کنده و نابود می‌کنند.

آنان سایبان‌های سعادت و خوشبختی را در همهٔ جهات گیتی از شرق جهان تا غرب آن و تا دورترین مکان‌ها خواهند کشید، و آنها را در خدمت خداوند قرار خواهند داد؛ به طوری که هیچ بشری قادر به درک حقیقت آن نخواهد بود.

و نیز در خدمت رسول خدا ﷺ ـ وجود نازنینی که سبب و علّت و سعادت و خوشبختی و سربلندی و ریاست این میلاد را دارد ـ و در خدمت پدران و نیاکان پاک ـ که همچو ولادتی را اصل و ریشه بوده و به برپایی احترام و عظمت آن یار و یاورند ـ و در خدمت خود آن حضرت صلوات الله علیه قرار خواهند داد، به طوری که هر بنده‌ای در برابر ارباب و مالک و سرپرست خود با پایداری و درک سعادت و خوشبختی خدمت می‌کند.

بدیهی است که قوای بشری توانایی قیام برای این حقوق بزرگ و خرسند کننده را جز با کمک الهی ندارد؛ پس بنابراین، هر بندهٔ سعادتمندی با آن نیرو و کوششی که از ناحیهٔ خداوند متعال به او احسان می‌شود بر چنین عملی اقدام می‌نماید.

در این بخش دعایی را می‌آوریم که در آن دعا در شب نیمهٔ شعبان خداوند را به این مولود با عظمت و با قدر و منزلت سوگند می‌دهد، و آن دعا این است:

۷

دعای شب نیمهٔ شعبان

أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِها، اَلَّتي قَرَنْتَ إِلىٰ فَضْلِها فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِكَ، وَلا مُعَقِّبَ لِآياتِكَ، نُورُكَ الْمُتَأَلِّقُ، وَضِياؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ في طَخْياءِ الدَّيْجُورِ، اَلْغائِبُ الْمَسْتُورُ.

جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرُمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلائِكَةُ شُهَّدُهُ، وَاللهُ ناصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذا آنَ مِيعادُهُ، وَالْمَلائِكَةُ أَمْدادُهُ، سَيْفُ اللهِ الَّذي لا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذي لا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذي لا يَصْبُو، مَدارُ الدَّهْرِ، وَنَواميسُ الْعَصْرِ، وَوُلاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَما يَنْزِلُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَراجِمَةُ وَحْيِهِ، وَوُلاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ.

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمْ، اَلْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ[1]، وَأَدْرِكْ بِنا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيامَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْ أَنْصارِهِ، وَاقْرِنْ ثارَنا بِثارِهِ، وَاكْتُبْنا في أَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ، وَأَحْيِنا في دَوْلَتِهِ ناعِمينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غانِمينَ، وَبِحَقِّهِ قائِمينَ، وَمِنَ السُّوءِ سالِمينَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصّادِقينَ وَعِتْرَتِهِ النّاطِقينَ، وَالْعَنْ جَميعَ الظّالِمينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ يا أَحْكَمَ الْحاكِمينَ.[2]

---

۱. عواملهم، خ.

۲. إقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

سزاوار است که در شب و روز نیمهٔ شعبان صلوات ضرّاب اصفهانی که در ص ۲۳۱ این کتاب نقل شده، قرائت شود.

فضیلت دعای (خضر، معروف به دعای) کمیل در آن شب

مرحوم سیّد بن طاووس فرموده است: جناب کمیل بن زیاد فرمود: در مسجد بصره در خدمت مولای خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم و جمعیّتی از اصحاب آن بزرگوار نیز بودند یکی از آنان از فرمایش خداوند متعال: ﴿**فِيهٰا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ**﴾[1] سئوال کرد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

> مقصود از آن شب نیمهٔ شعبان است، قسم به آن کس که نفس علی در دست اوست هیچ عبدی نیست مگر آنکه جمیع آنچه به او می‌رسد از خوبی و بدی در شب نیمهٔ شعبان قسمت او می‌شود تا آخر سال، و بنده‌ای نیست که آن شب را إحیاء کند و دعای خضر علیه السلام را بخواند مگر آنکه جواب او داده می‌شود.

و چون حضرت تشریف بردند شب خدمت آن حضرت رفتم.

حضرت فرمودند: کمیل برای چه آمده‌ای؟

عرض کردم: برای آن که بدانم دعای خضر کدام است؟

حضرت فرمودند:

> بنشین ای کمیل؛ هرگاه این دعا را حفظ کردی آن را در هر شب جمعه بخوان یا در ماه یک بار، یا در سال یک بار، یا در تمام عمرت یک بار بخوان که ترا کفایت می‌کند و یاری می‌شوی و روزی داده می‌شوی و بدون آمرزش نخواهی ماند.
> ای کمیل؛ طول مصاحبت تو با ما واجب نموده که جود نموده و سئوالت را پاسخ

---

۱. سورهٔ دخان، آیهٔ ۴.

گویم، آن‌گاه فرمودند: بنویس[۱].

و دعای معروف به «دعای کمیل» را به او آموختند و ما آن را در ص ۵۱۲ این کتاب نقل می‌کنیم.

مؤلّف گوید: در بخش اوّل (نمازها، ص ۱۴۷ و ۱۴۸) نمازهایی را که در شب نیمهٔ شعبان خوانده می‌شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.



دعای افتتاح

علّامهٔ مجلسی ﷺ می‌گوید: با سند معتبر روایت شده است که: **حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه به شیعیان نوشتند:**

این دعا را در هر شب از شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید، زیرا ملائکه این دعا را می‌شنوند و برای خوانندگان آن استغفار می‌نمایند.

و دعا چنین است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَفْتَتِحُ الثَّنٰاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوٰابِ بِمَنِّكَ، وَأَيْقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمينَ في مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعٰاقِبينَ في مَوْضِعِ النَّكٰالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرينَ في مَوْضِعِ الْكِبْرِيٰاءِ وَالْعَظَمَةِ.

أَللّٰهُمَّ أَذِنْتَ لي في دُعٰائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يٰا سَميعُ مِدْحَتي، وَأَجِبْ يٰا رَحيمُ دَعْوَتي، وَأَقِلْ يٰا غَفُورُ عَثْرَتي، فَكَمْ يٰا إِلٰهي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهٰا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهٰا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهٰا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهٰا، وَحَلْقَةِ بَلاٰءٍ قَدْ فَكَكْتَهٰا.

---

۱. إقبال الأعمال: ۲۲۰.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلىٰ جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا مُضادَّ لَهُ في مُلْكِهِ ، وَلا مُنازِعَ لَهُ في أَمْرِهِ .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لا شَريكَ لَهُ في خَلْقِهِ ، وَلا شَبيهَ لَهُ في عَظَمَتِهِ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفاشي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ ، اَلظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ ، وَالْباسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ ، اَلَّذي لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ ، وَلا تَزيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ إِلّا جُوداً وَكَرَماً ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزيزُ الْوَهّابُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ قَليلاً مِنْ كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بي إِلَيْهِ عَظيمَةٍ ، وَغِناكَ عَنْهُ قَديمٌ ، وَهُوَ عِنْدي كَثيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسيرٌ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبي ، وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطيئَتي ، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمي ، وَسَتْرَكَ عَلىٰ قَبيحِ عَمَلي ، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثيرِ جُرْمي ، عِنْدَ ما كانَ مِنْ خَطَئي وَعَمْدي ، أَطْمَعَني في أَنْ أَسْئَلَكَ ما لا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، اَلَّذي رَزَقْتَني مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَأَرَيْتَني مِنْ قُدْرَتِكَ ، وَعَرَّفْتَني مِنْ إِجابَتِكَ ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِناً .

وَأَسْئَلُكَ مُسْتَأْنِساً لا خائِفاً وَلا وَجِلاً ، مُدِلًّا عَلَيْكَ فيما قَصَدْتُ فيهِ إِلَيْكَ ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنّي عَتَبْتُ بِجَهْلي عَلَيْكَ ، وَلَعَلَّ الَّذي أَبْطَأَ عَنّي هُوَ خَيْرٌ لي ، لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْأُمُورِ .

فَلَمْ أَرَ مَوْلًى كَريماً أَصْبَرَ عَلىٰ عَبْدٍ لَئيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ يا رَبِّ ، إِنَّكَ تَدْعُوني فَأُوَلّي عَنْكَ ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلا أَقْبَلُ مِنْكَ ، كَأَنَّ لي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ، فَلَمْ يَمْنَعْكَ ذٰلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لي ، وَالْإِحْسانِ إِلَيَّ ، وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسانِكَ ، إِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مٰالِكِ الْمُلْكِ ، مُجْرِى الْفُلْكِ ، مُسَخِّرِ الرِّيٰاحِ ، فٰالِقِ الْإِصْبٰاحِ ، دَيّٰانِ الدّٖينِ ، رَبِّ الْعٰالَمينَ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ .

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ طُولِ أَنٰاتِهِ في غَضَبِهِ ، وَهُوَ قٰادِرٌ عَلىٰ مٰا يُرٖيدُ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خٰالِقِ الْخَلْقِ ، بٰاسِطِ الرِّزْقِ ، فٰالِقِ الْإِصْبٰاحِ ، ذِي الْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعٰامِ ، اَلَّذي بَعُدَ فَلاٰ يُرىٰ ، وَقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجْوىٰ ، تَبٰارَكَ وَتَعٰالىٰ .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَيْسَ لَهُ مُنٰازِعٌ يُعٰادِلُهُ ، وَلاٰ شَبيهٌ يُشٰاكِلُهُ ، وَلاٰ ظَهيرٌ يُعٰاضِدُهُ ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعِزّٰاءَ ، وَتَوٰاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمٰاءُ ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مٰا يَشٰاءُ .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُجيبُني حينَ اُنٰاديهِ ، وَيَسْتُرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصيهِ ، وَيُعَظِّمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلاٰ اُجٰازيهِ ، فَكَمْ مِنْ مَوْهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَدْ أَعْطٰاني ، وَعَظيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفٰاني ، وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرٰاني ، فَأُثْني عَلَيْهِ حٰامِداً ، وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لاٰ يُهْتَكُ حِجٰابُهُ ، وَلاٰ يُغْلَقُ بٰابُهُ ، وَلاٰ يُرَدُّ سٰائِلُهُ ، وَلاٰ يُخَيَّبُ آمِلُهُ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُؤْمِنُ الخٰائِفينَ ، وَيُنَجِّي الصّٰالِحينَ ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفينَ ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرينَ ، وَيُهْلِكُ مُلُوكاً ، وَيَسْتَخْلِفُ آخَرينَ .

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ قٰاصِمِ الجَبّٰارينَ ، مُبيرِ الظّٰالِمينَ ، مُدْرِكِ الْهٰارِبينَ ، نَكّٰالِ الظّٰالِمينَ ، صَريخِ الْمُسْتَصْرِخينَ ، مَوْضِعِ حٰاجٰاتِ الطّٰالِبينَ ، مُعْتَمَدِ الْمُؤْمِنينَ .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ السَّمٰاءُ وَسُكّٰانُهٰا ، وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمّٰارُهٰا ، وَتَمُوجُ الْبِحٰارُ وَمَنْ يَسْبَحُ في غَمَرٰاتِهٰا .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدٰانٰا لِهٰذٰا ، وَمٰا كُنّٰا لِنَهْتَدِيَ لَوْلاٰ أَنْ هَدٰانَا اللّٰهُ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ ، وَيَرْزُقُ وَلاٰ يُرْزَقْ ، وَيُطْعِمُ وَلاٰ يُطْعَمْ ، وَيُميتُ الْأَحْيٰاءَ وَيُحْيِي

الْمَوْتى ، وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ ، وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَحافِظِ سِرِّكَ ، وَمُبَلِّغِ رِسالاتِكَ ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكىٰ وَأَنْمىٰ وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنىٰ وَأَكْثَرَ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ ، عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ عِبادِكَ وَأَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ ، وَأَهْلِ الْكَرامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ ، وَأَخي رَسُولِكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ، وَآيَتِكَ الْكُبْرىٰ ، وَالنَّبَإِ الْعَظِيمِ ، وَصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ ، فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ . وَصَلِّ عَلىٰ سِبْطَيِ الرَّحْمَةِ ، وَإِمامَيِ الْهُدىٰ ، اَلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ .

وَصَلِّ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَالْخَلَفِ الْهادِي الْمَهْدِيِّ ، حُجَجِكَ عَلىٰ عِبادِكَ ، وَأُمَنائِكَ في بِلادِكَ ، صَلٰوةً كَثِيرَةً دائِمَةً .

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، اَلْقائِمِ الْمُؤَمَّلِ ، وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ، يا رَبَّ الْعالَمِينَ .

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الدّاعِيَ إِلىٰ كِتابِكَ ، وَالْقائِمَ بِدِينِكَ ، إِسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ ، أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْناً ، يَعْبُدُكَ لا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً .

أَللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعْزِزْ بِهِ ، وَانْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ ، وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً

يَسيراً ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً . أَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتّٰى لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

أَللّٰهُمَّ إِنّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ في دَوْلَةٍ كَريمَةٍ ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلامَ وَأَهْلَهُ ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ إِلىٰ طاعَتِكَ ، وَالْقادَةِ إِلىٰ سَبيلِكَ ، وَتَرْزُقُنا بِها كَرامَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ . أَللّٰهُمَّ ما عَرَّفْتَنا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِّلْناهُ ، وَما قَصُرْنا عَنْهُ فَبَلِّغْناهُ .

أَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنا ، وَاشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا ، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا ، وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنا ، وَأَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا ، وَأَغْنِ بِهِ عائِلَنا ، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنا ، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنا ، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا ، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنا ، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنا ، وَفُكَّ بِهِ أَسْرَنا ، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا ، وَأَنْجِزْ بِهِ مَواعيدَنا ، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنا ، وَأَعْطِنا بِهِ سُؤْلَنا ، وَبَلِّغْنا بِهِ مِنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ آمالَنا ، وَأَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا .

يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطينَ ، إِشْفِ بِهِ صُدُورَنا ، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا ، وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ ، إِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ ، وَانْصُرْنا بِهِ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنا ، إِلٰهَ الْحَقِّ آمينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا ، وَقِلَّةَ عَدَدِنا ، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا ، وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِنّا عَلىٰ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ ، وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ ، وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها ، وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ .[1]

---

۱. زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتهجّد: ۵۷۷، إقبال الأعمال: ۳۲۲.

۹

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
بعد از هر نماز واجب در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

هرکس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند، گناهانش تا روز قیامت بخشیده می‌شود:

أَللّٰهُمَّ أَدْخِلْ عَلىٰ أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ. أَللّٰهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ. أَللّٰهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جٰائِعٍ. أَللّٰهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيٰانٍ. أَللّٰهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ. أَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ. أَللّٰهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ. أَللّٰهُمَّ فُكَّ كُلَّ أَسِيرٍ.

أَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فٰاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ. أَللّٰهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ. أَللّٰهُمَّ سُدَّ فَقْرَنٰا بِغِنٰاكَ. أَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حٰالِنٰا بِحُسْنِ حٰالِكَ. أَللّٰهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ، وَأَغْنِنٰا مِنَ الْفَقْرِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

بر خوانندهٔ گرامی مخفی نیست که مضمون این دعا فقط در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداه محقّق می‌شود، و برای دعا قصّه‌ای است که بیانگر گفتار ما است که این مقام گنجایش آن را ندارد.

---

۱. منهاج العارفین: ۲۱۴.

۱۰

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ برای این روز این دعا را نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَدينُكَ بِطاعَتِكَ وَوِلايَتِكَ، وَوِلايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوِلايَةِ أَميرِالْمُؤْمِنينَ حَبيبِ نَبِيِّكَ، وَوِلايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ.

وَأَدينُكَ يا رَبِّ بِوِلايَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدي وَمَوْلايَ صاحِبِ الزَّمانِ.

أَدينُكَ يا رَبِّ بِطاعَتِهِمْ وَوِلايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْليمِ بِما فَضَّلْتَهُمْ، راضِياً غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ، عَلىٰ ما أَنْزَلْتَ في كِتابِكَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَليفَتِكَ وَلِسانِكَ وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالْمُعَظِّمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبِّرِ عَنْكَ، وَالنّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النّاظِرَةِ، وَأُذُنِكَ السّامِعَةِ، وَشاهِدِ عِبادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَالْمُجاهِدِ في سَبيلِكَ، وَالْمُجْتَهِدِ في طاعَتِكَ.

وَاجْعَلْهُ في وَديعَتِكَ الَّتي لا تَضيعُ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغالِبِ، وَأَعِنْهُ وَأَعِنْ عَنْهُ، وَاجْعَلْني وَوالِدَيَّ وَما وَلَدا وَوُلْدي مِنَ الَّذينَ يَنْصُرُونَهُ، وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، إِشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا.

أَللّٰهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَدَمْدِمْ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَاقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّلٰالَةِ حَتّٰى لٰا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيّٰاراً .[1]



دعای دیگر در روز سیزدهم

ماه مبارک رمضان

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس﵀ دعای دیگری برای این روز نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ الظَّلَمَةَ جَحَدُوا آيٰاتِكَ ، وَكَفَرُوا بِكِتٰابِكَ ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ، وَاسْتَنْكَفُوا عَنْ عِبٰادَتِكَ ، وَرَغِبُوا عَنْ مِلَّةِ خَلِيلِكَ ، وَبَدَّلُوا مٰا جٰاءَ بِهِ رَسُولُكَ ، وَشَرَّعُوا غَيْرَ دِينِكَ ، وَاقْتَدَوْا بِغَيْرِ هُدٰاكَ ، وَاسْتَنُّوا بِغَيْرِ سُنَّتِكَ ، وَتَعَدَّوْا حُدُودَكَ ، وَسَعَوْا مُعٰاجِزِينَ فِي آيٰاتِكَ .

وَتَعٰاوَنُوا عَلىٰ إِطْفٰاءِ نُورِكَ ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ ، وَكَفَرُوا نَعْمٰاءَكَ ، وَشٰاقُّوا وُلٰاةَ أَمْرِكَ ، وَوٰالَوْا أَعْدٰاءَكَ ، وَعٰادَوْا أَوْلِيٰائَكَ ، وَعَرَفُوا ثُمَّ أَنْكَرُوا نِعْمَتَكَ ، وَلَمْ يَذْكُرُوا آلاٰءَكَ ، وَأَمِنُوا مَكْرَكَ ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِكَ ، وَاسْتَحَلُّوا حَرٰامَكَ وَحَرَّمُوا حَلاٰلَكَ ، وَاجْتَرَأُوا عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ ، وَلَمْ يَخٰافُوا مَقْتَكَ ، وَنَسُوا نِقْمَتَكَ وَلَمْ يَحْذَرُوا بَأْسَكَ ، وَاغْتَرُّوا بِنِعْمَتِكَ .

أَللّٰهُمَّ فَاصْبُبْ مِنْهُمْ ، وَاصْبُبْ عَلَيْهِمْ عَذٰابَكَ ، وَاسْتَأْصِلْ شٰافَتَهُمْ ، وَاقْطَعْ دٰابِرَهُمْ ، وَ ضَعْ عِزَّهُمْ وَجَبَرُوتَهُمْ ، وَانْزَعْ أَوْتٰارَهُمْ ، وَزَلْزِلْ أَقْدٰامَهُمْ ، وَأَرْعِبْ قُلُوبَهُمْ . أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغَلاً ، وَمٰالَكَ دُوَلاً وَعِبٰادَكَ خَوَلاً .

---

۱. إقبال الأعمال: ۴۲۶، بحار الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعادة: ۸۵.

أَللّٰهُمَّ اكْفُفْهُمْ بَأْسَهُمْ، وَافْلُلْ حَدَّهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَأَشْمِتْ عَدُوَّهُمْ وَاشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ. أَللّٰهُمَّ افْتُتْ أَعْضادَهُمْ، وَاقْهَرْ جَبابِرَتَهُمْ، وَاجْعَلِ الدّائِرَةَ عَلَيْهِمْ، وَاقْضُضْ بُنْيانَهُمْ، وَخالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِهِمْ، وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَاسْفِكْ بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِماءَهُمْ، وَأَوْرِثِ الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ وَدِيارَهُمْ وَأَمْوالَهُمْ.

أَللّٰهُمَّ أَضِلَّ أَعْمالَهُمْ، وَاقْطَعْ رَجاءَهُمْ، وَأَدْحِضْ حُجَّتَهُمْ، وَاسْتَدْرِجْهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَعْلَمُونَ، وَائْتِهِمْ بِالْعَذابِ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ، وَأَنْزِلْ بِساحَتِهِمْ ما يَحْذَرُونَ، وَحاسِبْهُمْ حِساباً شَديداً، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً، وَاجْعَلْ عاقِبَةَ أَمْرِهِمْ خُسْراً.

أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمُ اشْتَرَوْا بِآياتِكَ ثَمَناً قَليلاً، وَعَتَوْا عُتُوّاً كَبيراً. أَللّٰهُمَّ فَخُذْهُمْ أَخْذاً وَبيلاً، وَدَمِّرْهُمْ تَدْميراً، وَتَبِّرْهُمْ تَتْبيراً، وَلا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ناصِراً، وَلا فِي السَّماءِ عاذِراً، وَالْعَنْهُمْ لَعْناً كَبيراً. أَللّٰهُمَّ فَخُذْهُمْ أَخْذاً وَبيلاً.

أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمْ أَضاعُوا الصَّلاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ، وعَمِلُوا السَّيِّئاتِ. أَللّٰهُمَّ فَخُذْهُمْ بِالْبَلِيّاتِ، وَاحْلُلْ بِهِمُ الْوَيْلاتِ، وَأَرِهِمُ الْحَسَراتِ، يا اَللّٰهُ إِلٰهَ الْأَرَضِينَ وَالسَّماواتِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنا بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَدينُكَ يا رَبِّ بِطاعَتِكَ، وَلا أُنْكِرُ وِلايَةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوِلايَةَ أَميرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَوِلايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَوَلَدَيْ رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ.

وَوِلايَةَ الطّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسىٰ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ

مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَلامُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، وَوِلايَةَ الْقائِمِ ، اَلسّابِقِ مِنْهُمْ بِالْخَيْراتِ ، اَلْمُفْتَرَضِ الطّاعَةِ ، صاحِبِ الزَّمانِ سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْهِ .

أَدينُكَ يا رَبِّ بِطاعَتِهِمْ وَوِلايَتِهِمْ ، وَالتَّسْليمِ لِفَرْضِهِمْ ، راضِياً غَيْرَ مُنْكِرٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ وَلا مُسْتَنْكِفٍ ، عَلىٰ مَعْنىٰ ما أَنْزَلْتَ في كِتابِكَ ، عَلىٰ مَوْجُودِ ما أَتانا فيهِ ، راضِياً ما رَضيتَ بِهِ ، مُسَلِّماً مُقِرّاً بِذٰلِكَ يا رَبِّ ، راهِباً لَكَ ، راغِباً فيما لَدَيْكَ .

أَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ ، وَخَليفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ، وَالشّاهِدِ عَلىٰ عِبادِكَ ، اَلْمُجاهِدِ الْمُجْتَهِدِ في طاعَتِكَ ، وَوَلِيِّكَ وَأَمينِكَ في أَرْضِكَ ، فَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَاجْعَلْهُ في وَدائِعِكَ الَّتي لا يَضيعُ مَنْ كانَ فيها ، وَفي جِوارِكَ الَّذي لا يُقْهَرُ ، وَآمِنْهُ بِأَمانِكَ ، وَاجْعَلْهُ في كَنَفِكَ ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ ، يا إِلٰهَ الْعالَمينَ .

أَللّٰهُمَّ اعْصِمْهُ بِالسَّكينَةِ ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ ، وَأَعِنْهُ وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ نَصْراً عَزيزاً ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً . أَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ والاهُ ، وَعادِ مَنْ عاداهُ ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ .

أَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنا ، وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا ، وَالْمُمْ بِهِ شَعَثَنا ، وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنا ، وَأَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا ، وَاقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنا ، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنا ، وَسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا ، وَأَغْنِ بِهِ فاقَتَنا ، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَتَنا ، وَكُفَّ بِهِ وُجُوهَنا ، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنا ، وَاسْتَجِبْ بِهِ دُعائَنا ، وَأَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا ، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنا ، وَاهْدِنا لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ يا رَبِّ ، إِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ .

أَللّٰهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَقَوِّ ناصِرَهُ ، وَاخْذُلْ خاذِلَهُ ، وَدَمِّرْ مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَأَهْلِكْ مَنْ غَشَّهُ ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَاقْصِمْ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ ،

وَسائِرَ أَهْلِ الْبِدَعِ ، وَمُقَوِّيَةَ الْباطِلِ ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبابِرَةَ ، وَأَبِرْ بِهِ الْكافِرِينَ وَالْمُنافِقِينَ وَجَميعَ الْمُلْحِدِينَ ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها ، بَرِّها وَبَحْرِها ، وَسَهْلِها وَجَبَلِها ، لاتَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيّاراً ، وَلاتُبْقِ لَهُمْ آثاراً .

أَللّٰهُمَّ أَظْهِرْهُ ، وَافْتَحْ عَلىٰ يَدَيْهِ الْخَيْراتِ ، وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَهُ وَبِهِ . أَللّٰهُمَّ أَعِنّا عَلىٰ سُلُوكِ الْمَناهِجِ ، مِنْهاجِ الْهُدىٰ ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمىٰ ، وَالطَّريقَةِ الْوُسْطىٰ ، اَلَّتي يَرْجِعُ إِلَيْهِ الْغالي ، وَيَلْحَقُ بِهِ التّالي ، وَوَفِّقْنا لِمُتابَعَتِهِ ، وَأَداءِ حَقِّهِ .

وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِهِ فِي الْبَأْساءِ وَالضَّرّاءِ ، وَاجْعَلْنا مِنَ الطّالِبِينَ رِضاكَ بِمُناصَحَتِهِ ، حَتّى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيامَةِ في أَعْوانِهِ وَأَنْصارِهِ ، وَمَعُونَةِ سُلْطانِهِ ، وَاجْعَلْ ذٰلِكَ لَنا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ ، وَرِياءٍ وَسُمْعَةٍ لاتَطْلُبُ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلاتُريدُ بِهِ سِواكَ ، وَتُحِلَّنا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنا فِي الْخَيْرِ مَعَهُ ، وَاصْرِفْ عَنّا في أَمْرِهِ السّامَةَ وَالْكَسَلَ وَالْفَتْرَةَ ، وَلاتَسْتَبْدِلْ بِنا غَيْرَنا ، فَإِنَّ اسْتِبْدالَكَ بِنا غَيْرَنا عَلَيْكَ يَسيرٌ وَعَلَيْنا عَسيرٌ ، وَقَدْ عَلِمْنا بِفَضْلِكَ وَإِحْسانِكَ يا كَريمُ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .[1]

۱۲

دعا هنگام وقوع صیحه

ابن مسعود از پیغمبر اکرم ﷺ روایت نقل کرده است که آن حضرت فرمودند :

هرگاه در ماه رمضان صیحه واقع شود ، جنگ و فتنه در ماه شوّال واقع می‌شود و در ذیقعده قبیله‌ها حزب‌بندی و جدا می‌شوند و در ذیحجّه و محرّم خون‌ها

۱. إقبال الأعمال : ۴۲۷.

ریخته می‌شود و چه محرّمی ؟! هیهات ! هیهات ! مردم در آن کشته می‌شوند چه کشته شدنی !

به پیغمبر اکرم ﷺ عرض شد : یا رسول الله ؛ صیحه چیست ؟

پیغمبر فرمودند :

صدایی[1] در روز نیمهٔ ماه رمضان در بامداد روز جمعه واقع می‌شود و این در هنگامی است که ماه رمضان با **شب جمعه** (نه جمعه) موافق شود .

پس این صدا شخص خواب را بیدار می‌کند و نشسته را به پا می‌دارد و دختران (از وحشت) بدون حجاب خارج می‌شوند .

این جریان در شب جمعه‌ای است که در سالی می‌باشد که در آن زلزله بسیار واقع می‌گردد و سرما زیاد است .

پس هر گاه اوّل ماه رمضان در آن سال با **شب جمعه** موافق شد ، وقتی که نماز صبح را در روز جمعهٔ نیمهٔ ماه رمضان خواندید داخل خانه‌های خود شوید و درها را ببندید و پنجره‌ها را مسدود کنید و خود را بپوشانید و گوش‌هایتان را ببندید .

و هر گاه متوجّه شدید صیحه واقع شد برای خداوند به سجده بیفتید و بگویید :

سُبْحٰانَ الْقُدُّوسِ ، سُبْحٰانَ الْقُدُّوسِ رَبِّنٰا .

به راستی کسی که این کار را انجام دهد نجات می‌یابد و کسی که خود را در معرض آن قرار دهد هلاک می‌شود .[2]

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می‌شود ؛ هر چند در تمام ماه‌های رمضان خوانده نمی‌شود .

---

۱. در روایت «الهدّة» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

۲. التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن: ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس، این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

۱۳

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

دعایی که سیّد بن طاووس ﷺ برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان نقل کرده چنین است:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ الظَّلَمَةَ كَفَرُوا بِكِتٰابِكَ، وَجَحَدُوا آيٰاتِكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، وَبَدَّلُوا مٰا جٰاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَعُوا غَيْرَ دِينِكَ، وَسَعَوْا بِالْفَسٰادِ فِي أَرْضِكَ، وَتَعٰاوَنُوا عَلىٰ إِطْفٰاءِ نُورِكَ، وَشٰاقُّوا وُلٰاةَ أَمْرِكَ، وَوٰالَوْا أَعْدٰاءَكَ، وَعٰادَوْا أَوْلِيٰاءَكَ، وَظَلَمُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ.

أَللّٰهُمَّ فَانْتَقِمْ مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ عَلَيْهِمْ عَذٰابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُمْ. أَللّٰهُمَّ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغَلاً، وَمٰالَكَ دُوَلاً، وَعِبٰادَكَ خَوَلاً، فَاكْفُفْ بَأْسَهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخٰالِفْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَاسْفِكْ بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمٰائَهُمْ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لٰا يَشْعُرُونَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّٰامَّةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُوا لَكَ ذَنْباً، وَلَمْ يَرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعُوا لَكَ طٰاعَةً، وَأَنَّ مَوْلاٰنٰا وَسَيِّدَنٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، اَلْهٰادِي الْمُهْتَدي، اَلتَّقِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ، فَاسْلُكْ بِنٰا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهٰاجَ الْهُدىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ، وَقَوِّنٰا عَلىٰ مُتٰابَعَتِهِ، وَأَدٰاءِ حَقِّهِ، وَاحْشُرْنٰا فِي أَعْوٰانِهِ وَأَنْصٰارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعٰاءِ.[1]

---

۱. إقبال الأعمال: ۴۴۸.

۱٤

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

در برخی از نسخه‌ها این دعا برای شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان وارد شده است:

أَللّٰهُمَّ يا ذَا الْمَجْدِ الشّامِخِ وَالسُّلْطٰانِ الْبٰاذِخِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لِوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، في هٰذِهِ السّاعَةِ وَلِيّاً وَحٰافِظاً، وَقٰائِداً وَنٰاصِراً، وَدَلِيلاً وَعَوْناً، وَعَيْناً وَمُعيناً، حَتّٰى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فيهٰا طَوِيلاً.

يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يا بٰاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدٰاوُودَ عَلَيْهِ السَّلٰامُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بي كَذٰا وَكَذٰا، و بجای **كذا وكذا** حاجت خود را طلب می‌کنی.[1]

۱. منهاج العارفین: ۲۷۴.

۱۵

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه
در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

علاّمهٔ مجلسی ﷺ فرموده است که محمّد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم‌السلام نقل کرده که فرمود:

این دعا را شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان در حال برخاستن و نشستن و در همهٔ حالات تکرار می‌کنی، و نیز در همهٔ روزها و شبهای ماه، و هر قدر که می‌توانی و هر موقع از دوران زندگیت به یادت آمد می‌خوانی، پس از تمجید و حمد خدای متعال و درود بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْقائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ أَفْضَلُ الصَّلاٰةِ وَالسَّلاٰمِ، في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي كُلِّ سٰاعَةٍ، وَلِيّاً وَحٰافِظاً وَقٰائِداً وَنٰاصِراً وَدَلِيلاً وَمُؤَيِّداً، حَتّٰى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فيهٰا طُولاً وَعَرْضاً، وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ الْوٰارِثينَ.

أَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلىٰ يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلىٰ وَجْهِهِ، وَلاٰ تُوَجِّهِ الْأَمْرَ إِلىٰ غَيْرِهِ. أَللّٰهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتّٰى لاٰ يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخٰافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ في دَوْلَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلاٰمَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفٰاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنٰا فيهٰا مِنَ الدُّعٰاةِ إِلىٰ طٰاعَتِكَ، وَالْقٰادَةِ إِلىٰ سَبيلِكَ، وَآتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ.

وَاجْمَعْ لَنٰا خَيْرَ الدّٰارَيْنِ، وَاقْضِ عَنّٰا جَميعَ مٰا تُحِبُّ فيهِمٰا، وَاجْعَلْ لَنٰا في ذٰلِكَ

الْخِيَرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنِّكَ في عٰافِيَةٍ ، آمينَ رَبَّ الْعٰالَمينَ ، وَزِدْنٰا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدُكَ الْمَلَأُ ، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ ، وَعَطٰاؤُكَ يَزيدُ في مُلْكِكَ .[1]

۱۶

دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

از امامان معصوم علیهم‌السلام چنین نقل شده است:

این دعا را در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان در حال سجده، برخاستن و نشستن، و در همهٔ حالات تکرار می‌کنی، و نیز در همهٔ اوقات این ماه، و هر قدر که می‌توانی و هر موقع از دوران زندگیت به یادت آمد می‌خوانی، بعد از تمجید خدای و درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ ، (صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبٰائِهِ) ، في هٰذِهِ السّٰاعَةِ وَفي كُلِّ سٰاعَةٍ ، وَلِيّاً وَحٰافِظاً ، وَقٰائِداً وَنٰاصِراً ، وَدَلِيلاً وَعَيْناً ، حَتّٰى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً ، وَتُمَتِّعَهُ فيهٰا طَوِيلاً .[2]

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۷، إقبال الأعمال: ۳۵۷.
۲. مصباح المتهجّد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

ادب و احترام شیعه نسبت به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در روز عید فطر

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌گوید: اینک بیانی در مورد ادب و احترام معتقدین به مقام والای امامت آن حضرت را در روز عید متذکّر شده و می‌گویم:

در روز عید فطر، اگر آن حضرت صاحب حکم و امر بود و در مسند حکومت نشسته و همهٔ مردم در زیر فرمان آن حضرت بودند، بایستی به افتخار توجّه و احسان خداوند به آن حضرت، و بر تمامیّت قدرتش به او تبریک و تهنیت گفت.

پس از آن، به خود و عزیزان خود و همهٔ مردم جهان و به هر فردی که به واسطهٔ امامت او و به برکت وجود او هدایت شده، و بوسیلهٔ برکات دولت او خوشبخت شده است؛ تبریک و تهنیت بگو.

و اگر اعتقادت بر این است که آن حضرت واجب الإطاعه است، ولی از تصرّف در امور ریاست خویش ممنوع است، پس باید آثار تساوی و یاری در خشم و غضب تو همراه خدای متعال ـ که مولای تو و مولای اوست ـ و خشم و تأسّف بر آنچه از فضل او از دست رفته است در چنین روزی در چهرهٔ تو هویدا گردد.

زیرا که با سند شیخ صدوق ﷺ از «من لایحضره الفقیه» و غیر آن برای ما روایت شده است که حنّان بن سدیر از عبدالله بن دینار از امام باقر ﷺ نقل کرده که حضرت فرمود:

> ای عبدالله؛ هیچ عید قربان و عید فطری برای مسلمانان نیست جز آنکه در آن روز غم و اندوه آل محمّد ﷺ تازه می‌شود.
>
> عرض کردم: چرا؟
>
> حضرت فرمود: **چون آنها حقّ خودشان را در دست دیگران می‌بینند.**

سیّد بن طاووس ﷺ در ادامهٔ سخن می‌فرماید: آری، **تو اگر دوران حضور حضرتش را در مقابل دیدگانت حاضر می‌کردی، و می‌دیدی که چگونه پرچم اسلام با عدل و داد**

به اهتزاز در آمده، و احکام مردم با فضل و برتری شهرت یافته، و همهٔ امـوال در راه خدا به بندگان بخشیده می‌شود، و مردم را به آرزوهای خـوب مـژده داده و از آن‌هـا می‌پذیرند.

و چگونه ایمنی و امنیّت همهٔ مناطق دور و نزدیک را فـرا گـرفته، و چگـونه هـر ناتوان و خوار و تنهایی را بطور کامل یاری می‌کنند؟

و چگونه دنیا با خـورشیدهای سـعادتبخش خـود روشـن شـده، و دست اقـبال سعادتش را بر هر زمین پست و بلندی گشوده است؟

و چگونه حکم باهر و سلطنت پیروز و قاهر خدا در همه جا آشکار می‌شود، طوری که عقل‌ها و دل‌ها شادمان می‌شوند، و همهٔ آفاق کران تا کران از نور و روشـنایی پـر می‌شود؟

ای برادر؛ سوگند به خدا، اگر چنین مدینهٔ فاضله‌ای در برابر دیدگانت مجسّم شود در همچو عیدی که به آمدن آن مسرور و خوشحال بودی عیشت مکدّر شده و بـهم خواهد خورد، و خواهی دانست که چقدر کرامت خدا و فضل و احسان او از تو فوت شده و غم و اندوه و تأسّف بر تو غلبه کرده و سراسر وجود تو را فرا می‌گیرد و اشک در چشمانت حلقه خواهد زد زیرا سزاوار است که تو بر عزیز خود وفا نمایی.

اینک سخن را در این گفتار از تو دریغ کرده و عنان آن را بدست گرفته که سخن در این مقال زیاد است، و آنچه بیان شد از باب اشـاره و تـنبیه بـود، زیـرا کـه آنـچه مـا می‌خواهیم شرح دهیم عبارات گنجایش آن را ندارند.

بدیهی است که وفا و صفا بر یاران حق شناس موقع جدایی و دوری بهتر از وفا و صفای در حضور و کنار آنها است، پس بایستی در قلبت برای مولای خود وفا و صفا داشته باشی که پروردگار تو برای برطرف کردن اندوهت توانا است.[1]

---

۱. إقبال الأعمال: ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۵۰۷ می‌آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن بخش.

۱۷

دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم عجّل الله تعالی فرجه و در خیمهٔ آن حضرت باشد

علّامهٔ مجلسی ﷺ با سند خود از شیخ مفید ﷺ چنین روایت می‌کند:

ابو هارون عبدی می‌گوید: روز هیجدهم ذی‌الحجّه محضر امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدم، حضرت روزه بود، فرمود:

امروز، روزی است که خداوند متعال احترام آن را برای مؤمنین بزرگ شمرده است، زیرا که در این روز خداوند دین را برای آن‌ها کامل و نعمت را تمام نموده است. عهد و پیمانی که در آفرینش اوّلی از آن‌ها گرفته بود و وقت آن را از یاد آن‌ها برده بود، در این روز تجدید کرده، و توفیق پذیرش آن را داده است، و آنها را جزو کسانی که این امر را منکر شدند، قرار نداده است.

عرض کردم: فدایت گردم؛ پاداش روزهٔ امروز چیست؟ فرمود:

امروز، روز عید و روز شادی و سرور است، و روزهٔ آن به جهت سپاسگزاری از خداوند متعال است، زیرا پاداش روزهٔ امروز معادل روزهٔ شصت ماه از ماه‌های حرام است.

کسی که در این روز دو رکعت نماز بخواند در هر ساعتی که بخواهد ـ و بهتر این است که نزدیک ظهر باشد، و آن ساعتی است که در غدیر خم امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بر مردم امیر شد، زیرا در این وقت به کنار غدیر خم رسیدند ـ سپس سجده کند و در سجده صد مرتبه بگوید: **شُکْراً لله** و سر از سجده بردارد، و این دعا را بخواند:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْئَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ ، وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ ، وَأَنَّكَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً أَحَدٌ ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ ، كَما كانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ ، بِأَنْ جَعَلْتَني مِنْ أَهْلِ إِجابَتِكَ ، وَأَهْلِ دينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ ، وَوَفَّقْتَني لِذٰلِكَ في مُبْتَدَءِ خَلْقي ، تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَماً وَجُوداً .

ثُمَّ أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً ، وَالْجُودَ جُوداً ، وَالْكَرَمَ كَرَماً ، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلىٰ أَنْ جَدَّدْتَ ذٰلِكَ الْعَهْدَ لي تَجْديداً بَعْدَ تَجْديدِكَ خَلْقي ، وَكُنْتُ نَسْياً مَنْسِيّاً ناسِياً ساهِياً غافِلاً ، فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنْ ذَكَّرْتَني ذٰلِكَ ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ ، وَهَدَيْتَني لَهُ .

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يا إِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ ، أَنْ تُتِمَّ لي ذٰلِكَ ، وَلا تَسْلُبْنيهِ ، حَتّٰى تَتَوَفّاني عَلىٰ ذٰلِكَ وَأَنْتَ عَنّي راضٍ ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعِمينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ .

أَللّٰهُمَّ سَمِعْنا وَأَطَعْنا ، وَأَجَبْنا داعِيَكَ بِمَنِّكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَإِلَيْكَ الْمَصيرُ ، آمَنّا بِاللهِ ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَصَدَّقْنا وَأَجَبْنا داعِيَ اللهِ ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ في مُوالاةِ مَوْلانا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنينَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ ، عَبْدِ اللهِ وَأَخي رَسُولِهِ ، وَالصِّدّيقِ الْأَكْبَرِ ، وَالْحُجَّةِ عَلىٰ بَرِيَّتِهِ ، اَلْمُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدينَهُ الْحَقَّ الْمُبينَ ، عَلَماً لِدينِ اللهِ ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ ، وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللهِ ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللهِ ، وَأَمينَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، وَشاهِدَهُ في بَرِيَّتِهِ .

أَللّٰهُمَّ ﴿ رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادي لِلْإيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ ، فَآمَنّا رَبَّنا ، فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا ، وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا ، وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ * رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلىٰ

رُسُلِكَ وَلاٰ تُخْزِنٰا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ﴾[1].

فَآمَنّٰا رَبَّنٰا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ، أَجَبْنٰا دٰاعِيَكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنٰاهُ وَصَدَّقْنٰا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَكَفَرْنٰا بِالْجِبْتِ وَالطّٰاغُوتِ، فَوَلَّيْنٰا مٰا تَوَلَّيْنٰا، وَاحْشُرْنٰا مَعَ أَئِمَّتِنٰا، فَإِنّٰا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ.

آمَنّٰا بِسِرِّهِمْ وَعَلاٰنِيَتِهِمْ، وَشٰاهِدِهِمْ وَغٰائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضِينٰا بِهِمْ أَئِمَّةً، وَقٰادَةً وَسٰادَةً، وَحَسْبُنٰا بِهِمْ بَيْنَنٰا وَبَيْنَ اللّٰهِ دُونَ خَلْقِهِ، لاٰ نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلاً، وَلاٰ نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيجَةً.

وَبَرِئْنٰا إِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنٰا بِالْجِبْتِ وَالطّٰاغُوتِ، وَالْأَوْثٰانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيٰاعِهِمْ وَأَتْبٰاعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ وٰالاٰهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلىٰ آخِرِهِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نُشْهِدُكَ أَنّٰا نَدِينُ بِمٰا دٰانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنٰا مٰا قٰالُوا، وَدِينُنٰا مٰا دٰانُوا بِهِ، مٰا قٰالُوا بِهِ قُلْنٰا، وَمٰا دٰانُوا بِهِ دِنّٰا، وَمٰا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنٰا، وَمَنْ وٰالَوْا وٰالَيْنٰا، وَمَنْ عٰادَوْا عٰادَيْنٰا، وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنّٰا وَمَنْ تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنٰا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنٰا عَلَيْهِ، آمَنّٰا وَسَلَّمْنٰا وَرَضِينٰا، وَاتَّبَعْنٰا مَوٰالِينٰا صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ.

أَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنٰا ذٰلِكَ وَلاٰ تَسْلُبْنٰاهُ، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثٰابِتاً عِنْدَنٰا، وَلاٰ تَجْعَلْهُ مُسْتَعٰاراً، وَأَحْيِنٰا مٰا أَحْيَيْتَنٰا عَلَيْهِ، وَأَمِتْنٰا إِذٰا أَمَتَّنٰا عَلَيْهِ، آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتُنٰا، فَبِهِمْ نَأْتَمُّ، وَإِيّٰاهُمْ نُوٰالِي، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللهِ نُعٰادِي، فَاجْعَلْنٰا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنّٰا بِذٰلِكَ رٰاضُونَ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

---

۱. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۹۳، ۱۹۴.

پس از آن سجده نماید و صد مرتبه **الحمد لله** ، و صد مرتبه **شکراً لله** بگوید .

حضرت فرمود :

هر کس این عمل را انجام دهد مانند کسی است که در این روز مبارک محضر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شده و با آن حضرت بر ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام بیعت نموده است ، و مقام و درجهٔ او در بهشت با مقام راستگویان است ، کسانی که خدا و پیامبر را در این روز بر موالات آن حضرت تصدیق نمودند و مانند کسی است که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام حاضر بوده و ایشان را درک نموده است .

و مانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم ارواحنا فداه **بوده و در خیمهٔ آن حضرت یعنی نجباء و نقباء می‌باشد .**[1]

۱۸

تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه

علاّمهٔ مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده معصوم علیهم السلام از «دعوات راوندی» تسبیح مولای‌مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل می‌نماید :

سُبْحٰانَ اللهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحٰانَ اللهِ رِضیٰ نَفْسِهِ ، سُبْحٰانَ اللهِ مِدٰادَ کَلِمٰاتِهِ ، سُبْحٰانَ [اللهِ] زِنَةَ عَرْشِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ ذٰلِكَ .[2]

این دعا از روز هیجدهم تا آخر هر ماه خوانده می‌شود .

---

۱. بحار الأنوار: ۲۹۸/۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.
۲. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معیّنی از ایّام هفته نیست

۱

دعای عهد

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

کسی که چهل بامداد خدای را با دعای عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد، و به هر کلمه از کلمات آن دعا هزار حسنه به او عطا می‌فرماید، و هزار گناه از گناهان او را محو می‌کند، و آن دعا این است:[1]

أَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلٰائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْأَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ.

أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوٰاتُ وَالْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيٰا حَيّاً حِينَ

---

۱. بحار الأنوار: ۴۱/۹۴.

لٰا حَيَّ ، يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ وَمُمِيتَ الْأَحْيٰاءِ ، يٰا حَيُّ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ .

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلٰانَا الْإِمٰامَ الْهٰادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقٰائِمَ بِأَمْرِكَ ، صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبٰائِهِ الطّٰاهِرِينَ ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ ، في مَشٰارِقِ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا ، سَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا ، وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا ، وَعَنّي وَعَنْ وٰالِدَيَّ ، مِنَ الصَّلَوٰاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ ، وَمِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ ، وَمٰا أَحْصٰاهُ عِلْمُهُ ، وَأَحٰاطَ بِهِ كِتٰابُهُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُجَدِّدُ لَهُ في صَبِيحَةِ يَوْمي هٰذٰا ، وَمٰا عِشْتُ مِنْ أَيّٰامي ، عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في عُنُقي ، لٰا أَحُولُ عَنْهٰا ، وَلٰا أَزُولُ أَبَداً .

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنْ أَنْصٰارِهِ وَأَعْوٰانِهِ ، وَالذّٰابّينَ عَنْهُ ، وَالْمُسٰارِعينَ إِلَيْهِ في قَضٰاءِ حَوٰائِجِهِ ، وَالْمُمْتَثِلينَ لِأَوٰامِرِهِ ، وَالْمُحٰامينَ عَنْهُ ، وَالسّٰابِقينَ إِلىٰ إِرٰادَتِهِ ، وَالْمُسْتَشْهَدينَ بَيْنَ يَدَيْهِ .

أَللّٰهُمَّ إِنْ حٰالَ بَيْني وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ ، اَلَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبٰادِكَ حَتْماً مَقْضِيّاً ، فَأَخْرِجْني مِنْ قَبْري ، مُؤْتَزِراً كَفَني ، شٰاهِراً سَيْفي ، مُجَرِّداً قَنٰاتي ، مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدّٰاعي ، فِي الْحٰاضِرِ وَالْبٰادي .

أَللّٰهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ ، وَالْغُرَّةَ الْحَميدَةَ ، وَاكْحُلْ نٰاظِري بِنَظْرَةٍ مِنّي إِلَيْهِ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ ، وَاسْلُكْ بي مَحَجَّتَهُ ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ ، وَاشْدُدْ أَزْرَهُ .

وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلٰادَكَ ، وَأَحْيِ بِهِ عِبٰادَكَ ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ الْفَسٰادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمٰا كَسَبَتْ أَيْدِي النّٰاسِ﴾ [1] .

فَأَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنٰا وَلِيَّكَ ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، اَلْمُسَمّٰى بِاسْمِ رَسُولِكَ ، حَتّٰى لٰا يَظْفَرَ

١. سورهٔ روم، آيهٔ ۴١.

بِشَيْءٍ مِنَ الْبٰاطِلِ إِلّٰا مَزَّقَهُ ، وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ .

وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ عِبٰادِكَ ، وَنٰاصِراً لِمَنْ لٰا يَجِدُ لَهُ نٰاصِراً غَيْرَكَ ، وَمُجَدِّداً لِمٰا عُطِّلَ مِنْ أَحْكٰامِ كِتٰابِكَ ، وَمُشَيِّداً لِمٰا وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دِينِكَ ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ .

أَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَتِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلىٰ دَعْوَتِهِ ، وَارْحَمِ اسْتِكٰانَتَنٰا بَعْدَهُ . أَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ ، وَعَجِّلْ لَنٰا ظُهُورَهُ ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً ، وَنَرىٰهُ قَرِيباً ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ .

آنگاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می زنی و در هر مرتبه می‌گویی :

اَلْعَجَلَ ، اَلْعَجَلَ ، يٰا مَوْلٰايَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ .[1]

معنای بیعت با حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه

معنی و مفهوم بیعت و عهد و پیمان همان ملتزم شدن است ، و در واقع عهد مؤکّد و پیمان محکم و استوار بیعت کننده است بر اینکه با جان و مالش کسی را که با او بیعت می‌کند ، یاری نماید ؛ و در این راه آنچه از دستش برمی‌آید و مربوط به یاری او می‌شود کوتاهی ننماید ، و جان و مال خود را در راه حفظ و مصونیّت آن شخص فدا کند . و بیعتی که در دعای عهدی که هر روز خوانده می‌شود ، و دعای عهد دیگری که چهل بامداد خوانده می‌شود وارد شده به همین معنی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همهٔ امّت را امر فرمود که چنین بیعتی با همهٔ امامان معصوم علیهم السلام انجام دهید ، آنجا که در خطبهٔ غدیر ـ که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است ـ حاضرین و غائبین امّت را بر چنین بیعتی مأمور فرمود .

---

۱. مفاتیح الجنان : ۱۰۶۱ ، زاد المعاد : ۴۸۸ ، البلد الأمین : ۱۲۴ ، مصباح الزائر : ۴۵۵ ، المصباح : ۷۲۹ ، الصحیفة الصادقیّة : ۲۰۴ ، باب السعادة : ۲۱۴ .

بدون تردید چنین بیعتی از لوازم ایمان و از علائم آن است، بلکه در واقع ایـمان بدون این بیعت اصلاً محقّق نمی‌شود.

آری؛ در اینجا فروشنده فرد مؤمن، و خریدار خدای مـتعال است، و بـه هـمین جهت خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوٰالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ...﴾[1].

خداوند متعال جان و مال مؤمنان را در ازای بهشت خریداری نمود....

راستی خداوند متعال پیامبران و رسولان خویش را برای تجدید و تأکید این بیعت برانگیخت، پس کسی که با آنان ـ ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام ـ بیعت نماید در واقـع بـا خـدا بیعت نموده است، و کسی که از آنان رو گرداند در واقع از خدا رو گردانده است، و به همین جهت خدای متعال در قرآنش فرموده:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبٰايِعُونَكَ إِنَّمٰا يُبٰايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمٰا يَنْكُثُ عَلىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفىٰ بِمٰا عٰاهَدَ عَلَيْهُ اللهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً﴾[2].

(ای رسول ما؛) همانا آنان که با تو بیعت می‌نمایند در واقع با خدا بیعت می‌نمایند، دست قدرت خدا مافوق همهٔ دست‌ها است، کسی که این پیمان را بشکند در واقع علیه خودش پیمان شکنی کرده است، و کسی که به عهد و پیمانی که با خدا بسـته وفادار بماند به زودی پاداش بزرگی نصیب او خواهد شد.

این آیه نیز بیانگر این است که مراد از بیعت و مبایعت همان تأکید عهد و پـیمان محکم و استوار با خدا و رسول او است، و به وفا کنندگان به این عهد و پیمان نـوید پاداش بزرگی داده شده است.

این بیعت با دو امر تکمیل می‌شود:

---

۱. سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱.

۲. سورهٔ فتح، آیهٔ ۱۰.

اوّل: تصمیم قلبی ثابت و استوار بر پیروی از فرمان امام علیه السلام داشته باشد و با نثار جان و مال او را یاری نماید؛ چنان که خداوند در آیهٔ شریفه به آن اشاره فرموده: ﴿**إِنَّ اللهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوٰالَهُمْ**...﴾؛ «همانا خداوند جان و مال مؤمنان را خریداری نمود ...».

زیرا که بر فروشنده لازم است که آنچه فروخته بدون تأمّل و تأخیر در صورت درخواست خریدار به او تسلیم نماید، و آنچه بر او پیمان بسته شد تصدیق نماید.

دوّم: آنچه را که مقصود اوست و تصمیم به انجام آن گرفته قلباً اظهار کند و موقع بیعت با زبان بیان نماید، در این هنگام است که عهد و پیمان تمام و کمال بسته می‌شود.

همچنان که عقد خرید و فروش در امور دیگر نیز فقط با دو شرط محقّق می‌شود: اوّلی قصد انشاء بیع به مقتضای آنچه خریدار و فروشنده می‌خواهند، دیگری تلفّظ و به زبان‌آوردنِ آنچه در ضمیر آنها عقد بسته شده است، وبااین‌دو شرط‌بیع محقّق می‌شود.

گاهی بیعت و دست به دست هم زدن (در معامله) بکار می‌رود، چنانکه در میان عرب‌ها مرسوم بوده که در موقع تمام شدن معامله و خرید و فروش دست به هم می‌دادند، و این را علامت قبولی و تمامیّت بیع می‌دانستند.

این معنی از کلام خداوند متعال در قرآن مجید نیز استفاده می‌شود، آنجا که می‌فرماید: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ يُبٰايِعُونَكَ إِنَّمٰا يُبٰايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ**...﴾؛ «(ای رسول ما!) همانا آنان که با تو بیعت می‌نمایند در واقع با خدا بیعت می‌نمایند، دست قدرت خدا مافوق همهٔ دست‌ها است ...».

به جهت این که در این آیهٔ شریفه کلمهٔ «دست» مطرح شده است، که مراد از بیعت همان بیعت با دست می‌باشد. علاوه بر این در روایات متعدّدی وارد شده است که مردم با دست با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت می‌نمودند.[1]

---

۱. مکیال المکارم: ۲۳۰/۲.

۲

دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید: امام باقر علیه‌السلام فرمود:

هر کس این دعا را در عمر خود یک مرتبه بخواند، این عهد و پیمان در پوستی نوشته می‌شود و **در دیوان و دفتر حضرت قائم** (صلوات الله علیه) **بالا برده می‌شود، هنگامی که قائم ما قیام کند او را به نام خود و نام پدرش می‌خوانند**، آن گاه این نوشته را به او می‌دهند و می‌گویند: این نوشته را بگیر، این عهد و پیمانی است که در دنیا با ما پیمان بستی، و این همان کلام خدای متعال است که می‌فرماید: ﴿**إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً**﴾[1]، یعنی ... مگر کسی که در پیشگاه خدای رحمان پیمان بسته باشد.

این دعا را با طهارت می‌خوانی، می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ يا إِلٰهَ الْآلِهَةِ، يا واحِدُ، يا أَحَدُ، يا آخِرَ الْآخِرِينَ، يا قاهِرَ الْقاهِرِينَ، يا عَلِيُّ يا عَظِيمُ، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلىٰ، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هٰذا يا سَيِّدي عَهْدي وَأَنْتَ مُنْجِزُ وَعْدي، فَصِلْ يا مَوْلايَ عَهْدي، وَأَنْجِزْ وَعْدي، آمَنْتُ بِكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِحِجابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَبِحِجابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَبِحِجابِكَ الْعِبْرانِيِّ، وَبِحِجابِكَ السِّرْيانِيِّ، وَبِحِجابِكَ الرُّومِيِّ، وَبِحِجابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَأَثْبِتْ مَعْرِفَتَكَ بِالْعِنايَةِ الْأُولىٰ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا تُرىٰ، وأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ.

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ الْهادي، وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ،

---

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۸۷.

وَبِفٰاطِمَةَ الْبَتُولِ ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعٰابِدِينَ ذِى الثَّفَنٰاتِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَـلِيٍّ الْبٰاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّٰادِقِ ، اَلَّذي صَدَّقَ بِـمِيثٰاقِكَ وَبِـمِيعٰادِكَ ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْحَصُورِ الْقٰائِمِ بِعَهْدِكَ ، وَبِـعَلِيِّ بْـنِ مُـوسَى الرِّضَـا الرّٰاضـي بِحُكْمِكَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجِبْرِ الْفٰاضِلِ ، اَلْمُرْتَضىٰ فِي الْـمُؤْمِنِينَ ، وَبِـعَلِيِّ بْـنِ مُحَمَّدٍ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ ، هٰادِي الْمُسْتَرْشِدِينَ ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطّٰاهِرِ الزَّكِـيِّ ، خَزٰانَةِ الْوَصِيّٖينَ .

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمٰامِ الْقٰائِمِ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ ، إِمٰامِنٰا وَابْنِ إِمٰامِنٰا صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

يٰا مَنْ جَلَّ فَعَظُمَ و [هُوَ] أَهْلُ ذٰلِكَ فَعَفىٰ وَرَحِمَ ، يٰا مَنْ قَدَرَ فَلَطُفَ ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفي ، وَمٰا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلي مِنْ تَوْحِيدِكَ ، وَكُنْهِ مَعْرِفَتِكَ ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ الْبَيْضٰاءِ ، وَبِالْوَحْدٰانِيَّةِ الْكُبْرىٰ ، اَلَّتي قَصُرَ عَنْهٰا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلّٰى .

وَآمَنْتُ بِحِجٰابِكَ الْأَعْظَمِ ، وَبِكَلِمٰاتِكَ التّٰامَّةِ الْعُلْيٰا ، اَلَّتي خَلَقْتَ مِنْهٰا دٰارَ الْبَلاٰءِ ، وَأَحْلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوىٰ ، وَآمَنْتُ بِالسّٰابِقِينَ وَالصِّدّٖيقِينَ ، أَصْحٰابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلاً صٰالِحاً وَآخَـرَ سَـيِّئاً أَلّٰا تُـوَلِّيَني غَـيْرَهُمْ ، وَلاٰ تُفَرِّقَ بَيْني وَبَيْنَهُمْ غَداً إِذٰا قَدَّمْتَ الرِّضٰا بِفَصْلِ الْقَضٰاءِ .

آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلاٰنِيَتِهِمْ وَخَوٰاتِيمِ أَعْمٰالِهِمْ ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهٰا إِذٰا شِئْتَ ، يٰا مَنْ أَتْحَفَني بِالْإِقْرٰارِ بِالْوَحْدٰانِيَّةِ ، وَحَـبٰاني بِـمَعْرِفَةِ الرُّبُـوبِيَّةِ ، وَخَـلَّصَني مِـنَ الشَّكِّ وَالْعَمىٰ ، رَضيتُ بِكَ رَبّاً ، وَبِالْأَصْفِيٰاءِ حُجَجاً ، وَبِـالْمَحْجُوبِينَ أَنْـبِيٰاءَ ، وَبِـالرُّسُلِ أَدِلّٰاءَ ، وَبِالْمُتَّقِينَ اُمَرٰاءَ ، وَسٰامِعاً لَكَ مُطِيعاً .[1]

---

۱. مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الثاقب: ۷۸۲.

۳

دعای زمان غیبت

دعای دوران غیبت که حضرت امام رضا علیه‌السلام امر به خواندن آن فرموده‌اند.

سیّد جلیل القدر علیّ بن طاووس رحمه‌الله در کتاب ارزشمند «جمال الأُسبوع» می‌گوید:

پیشتر بیان کردیم که **درگذشته پیشوایان ما علیهم‌السلام برای دعا جهت حضرت مهدی صلوات الله علیه اهمیّت ویژه‌ای قائل بودند**، و این بیانگر آن است که دعا برای آن حضرت از مهم‌ترین وظایف اهل اسلام و ایمان می‌باشد، و ما روایتی را نقل کردیم که **حضرت صادق علیه‌السلام در تعقیب نماز ظهر کامل‌ترین دعا را در حق حضرت مهدی صلوات الله علیه انجام می‌دادند تا دعا در حق خویشتن.**

و ما در لابلای عناوین گذشته فصل زیبایی را به دعای حضرت امام کاظم علیه‌السلام برای حضرت مهدی ارواحنا فداه اختصاص دادیم، بدیهی است کسی که از موقعیّت این دو بزرگوار در اسلام آگاه باشد در پیروی از آن‌ها دلیل دارد.

اکنون دعایی را که حضرت امام رضا علیه‌السلام امر فرمودند برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه آن را بخوانند و آن حضرت خودشان نیز آن را می‌خواندند نقل می‌کنیم:

جدّ من ابو جعفر طوسی رحمه‌الله با سندهای متعدّد از یونس بن عبدالرحمان چنین روایت کرده است: امام رضا علیه‌السلام به شیعیان خود امر می‌فرمود که با خواندن این دعا برای صاحب الأمر امام زمان صلوات الله علیه دعا کنند:

أَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَلِسٰانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، اَلنّٰاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النّٰاظِرَةِ عَلىٰ بَرِيَّتِكَ، وَشٰاهِدِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، اَلْجَحْجٰاحِ الْمُجٰاهِدِ، اَلْعٰائِذِ بِكَ عِنْدَكَ.

وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مٰا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ

يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذي لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَآباءَهُ ، أَئِمَّتَكَ وَدَعائِمَ دينِكَ .

وَاجْعَلْهُ في وَديعَتِكَ الَّتي لا تَضيعُ ، وَفي جِوارِكَ الَّذي لا يُخْفَرُ ، وَفي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذي لا يُقْهَرُ ، وَآمِنْهُ بِأَمانِكَ الْوَثيقِ ، الَّذي لا يُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ ، وَاجْعَلْهُ في كَنَفِكَ الَّذي لا يُرامُ مَنْ كانَ فيهِ ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغالِبِ ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلائِكَتِكَ ، وَوالِ مَنْ والاهُ ، وَعادِ مَنْ عاداهُ ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ ، وَحُفَّهُ بِالْمَلائِكَةِ حَفّاً .

أَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ الْقائِمينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْباعِ النَّبِيّينَ . أَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الْأَرْضَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَقَوِّ ناصِريهِ ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمِّرْ مَنْ غَشَّهُ .

وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَعُمُدَهُ وَدَعائِمَهُ ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ وَشارِعَةَ الْبِدَعِ ، وَمُميتَةَ السُّنَّةِ ، وَمُقَوِّيَةَ الْباطِلِ ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبّارينَ ، وَأَبِرْ بِهِ الْكافِرينَ وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها ، وَبَرِّها وَبَحْرِها ، وَسَهْلِها وَجَبَلِها ، حَتّىٰ لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً ، وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً .

أَللّٰهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَكَ ، وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنينَ ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلينَ ، وَدارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيّينَ ، وَجَدِّدْ بِهِ ما امْتَحىٰ مِنْ دينِكَ ، وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتّىٰ تُعيدَ دينَكَ بِهِ ، وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً مَحْضاً صَحيحاً ، لا عِوَجَ فيهِ ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ ، وَحَتّىٰ تُنيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ ، وَتُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الْكُفْرِ ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ .

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلىٰ عِبٰادِكَ ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ غَيْبِكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .

أَللّٰهُمَّ فَإِنّٰا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّٰامَّةِ ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْباً وَلٰا أَتىٰ حَوْباً ، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طٰاعَةً ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً ، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً ، وَأَنَّهُ الْهٰادِي الْمَهْدِيُّ الطّٰاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ .

أَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ ، وَوُلْدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ ، مٰا تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمُمْلَكٰاتِ كُلِّهٰا ، قَرِيبِهٰا وَبَعِيدِهٰا ، وَعَزِيزِهٰا وَذَلِيلِهٰا ، حَتّٰى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بٰاطِلٍ .

أَللّٰهُمَّ اسْلُكْ بِنٰا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهٰاجَ الْهُدىٰ ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطىٰ ، اَلَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغٰالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا التّٰالِي ، وَقَوِّنٰا عَلىٰ طٰاعَتِهِ ، وَثَبِّتْنٰا عَلىٰ مُشٰايَعَتِهِ ، وَامْنُنْ عَلَيْنٰا بِمُتٰابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنٰا فِي حِزْبِهِ الْقَوّٰامِينَ بِأَمْرِهِ ، اَلصّٰابِرِينَ مَعَهُ ، اَلطّٰالِبِينَ رِضٰاكَ بِمُنٰاصَحَتِهِ ، حَتّٰى تَحْشُرَنٰا يَوْمَ الْقِيٰامَةِ فِي أَنْصٰارِهِ وَأَعْوٰانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطٰانِهِ .

أَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ لَنٰا خٰالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيٰاءٍ وَسُمْعَةٍ ، حَتّٰى لٰا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلٰا نَطْلُبَ بِهِ إِلّٰا وَجْهَكَ ، وَحَتّٰى تُحِلَّنٰا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنٰا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَأَعِذْنٰا مِنَ السَّآمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ ، وَاجْعَلْنٰا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ ، وَلٰا تَسْتَبْدِلْ بِنٰا غَيْرَنٰا ، فَإِنَّ اسْتِبْدٰالَكَ بِنٰا غَيْرَنٰا عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْنٰا عَسِيرٌ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وُلٰاةِ عَهْدِهِ ، وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ ، وَبَلِّغْهُمْ آمٰالَهُمْ ، وَزِدْ فِي

آجالِهِمْ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ ما أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ في أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنا لَهُمْ أَعْواناً، وَعَلىٰ دِينِكَ أَنْصاراً، فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ كَلِماتِكَ، وَأَرْكانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعائِمُ دِينِكَ، وَوُلاةُ أَمْرِكَ، وَخالِصَتُكَ مِنْ عِبادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيائُكَ وَسَلائِلُ أَوْلِيائِكَ، وَصَفْوَةُ أَوْلادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.[1]

٤

دعای زمان غیبت
به روایتی دیگر

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌فرماید: این دعا را با طریق دیگر و با تفصیل بیشتری یافتم، یونس بن عبدالرحمان می‌گوید:

مولای ما حضرت علیّ بن موسی الرضا ﷺ به ما امر می‌فرمود که برای حضرت حجّت صاحب الزمان صلوات الله علیه دعا کنیم، **از جملهٔ دعاهای آن حضرت برای امام زمان** ارواحنا فداه این دعا بود:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، وَلِسانِكَ الْمُعَبِّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، اَلنّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النّاظِرَةِ في بَرِيَّتِكَ، اَلشّاهِدِ عَلىٰ عِبادِكَ، اَلْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعائِذِ بِكَ.

أَللّٰهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذي

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتهجّد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمین: ۱۲۲ با اندکی تفاوت، و سیّد ﷺ در مصباح الزائر: ۴۵۷ با اختلاف بیشتری نقل کرده است.

لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَآبائَهُ ، أَئِمَّتَكَ وَدَعائِمَ دينِكَ ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ ، وَاجْعَلْهُ في وَديعَتِكَ الَّتي لا تَضيعُ ، وَفي جِوارِكَ الَّذي لا يُحْتَقَرُ ، وَفي مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذي لا يُقْهَرُ .

أَللّٰهُمَّ وَآمِنْهُ بِأَمانِكَ الْوَثيقِ الَّذي لا يُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ ، وَاجْعَلْهُ في كَنَفِكَ الَّذي لا يُضامُ مَنْ كانَ فيهِ ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزيزِ ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغالِبِ ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلائِكَتِكَ . أَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ ، وَعادِ مَنْ عاداهُ ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصينَةَ ، وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ حَفّاً .

أَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ الْقائِمينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْباعِ النَّبِيّينَ . أَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الْأَرْضَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطاناً نَصيراً .

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ الْقائِمَ الْمُنْتَظَرَ ، وَالْإِمامَ الَّذي بِهِ تَنْتَصِرُ ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرٍ عَزيزٍ وَفَتْحٍ قَريبٍ ، وَوَرِّثْهُ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا اللّاتي بارَكْتَ فيها ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتّٰى لا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ ، وَقَوِّ ناصِرَهُ ، وَاخْذُلْ خاذِلَهُ ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَدَمِّرْ عَلىٰ مَنْ غَشَّهُ .

أَللّٰهُمَّ وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ ، وَدَعائِمَهُ وَالْقُوّامَ بِهِ ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ ، وَشارِعَةَ الْبِدْعَةِ ، وَمُميتَةَ السُّنَّةِ ، وَمُقَوِّيَةَ الْباطِلِ ، وَأَذْلِلْ بِهِ الْجَبّارينَ ، وَأَبِرْ بِهِ الْكافِرينَ وَالْمُنافِقينَ ، وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ ، حَيْثُ كانُوا وَأَيْنَ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها ، وَبَرِّها وَبَحْرِها ، وَسَهْلِها وَجَبَلِها ، حَتّٰى لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً ، وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً .

أَللّٰهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَكَ ، وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ ، وَدارِسَ حِكَمِ النَّبِيِّينَ ، وَجَدِّدْ بِهِ ما مُحِيَ مِنْ دِينِكَ ، وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، حَتّٰى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً مَحْضاً ، لا عِوَجَ فِيهِ ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ ، حَتّٰى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرانَ الْكُفْرِ ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعاقِدَ الْحَقِّ ، وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ ، وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكِلاتِ الْحُكْمِ .

أَللّٰهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلىٰ عِبادِكَ ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلىٰ غَيْبِكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ، وَطَهَّرْتَهُ [مِنَ الرِّجْسِ] ، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ .

أَللّٰهُمَّ فَإِنّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّامَّةِ ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْباً ، وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً ، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طاعَةً ، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً ، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً ، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً ، وَأَنَّهُ الْإِمامُ التَّقِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ الطّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ .

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ ، وَأَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَوُلْدِهِ ، وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ ، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمُمْلَكاتِ كُلِّها ، قَرِيبِها وَبَعِيدِها ، وَعَزِيزِها وَذَلِيلِها ، حَتّٰى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلىٰ كُلِّ باطِلٍ .

أَللّٰهُمَّ وَاسْلُكْ بِنا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدىٰ ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ ، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطىٰ ، اَلَّتي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغالي ، وَيَلْحَقُ بِهَا التّالي . أَللّٰهُمَّ وَقَوِّنا عَلىٰ طاعَتِهِ ، وَثَبِّتْنا عَلىٰ مُشايَعَتِهِ ، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنا في حِزْبِهِ الْقَوّامِينَ بِأَمْرِهِ ، اَلصّابِرِينَ مَعَهُ ، اَلطّالِبِينَ رِضاكَ بِمُناصَحَتِهِ ، حَتّٰى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيامَةِ في أَنْصارِهِ

وَأَعْوٰانِهِ ، وَمُقَوِّيَةِ سُلْطٰانِهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ ذٰلِكَ كُلَّهُ مِنّٰا لَكَ خٰالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيٰاءٍ وَسُمْعَةٍ ، حَتّٰى لٰانَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلٰانَطْلُبَ بِهِ إِلّٰا وَجْهَكَ ، وَحَتّٰى تُحِلَّنٰا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلَنٰا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ ، وَلٰاتَبْتَلِنٰا في أَمْرِهِ بِالسَّآمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشَلِ ، وَاجْعَلْنٰا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ ، وَلٰاتَسْتَبْدِلْ بِنٰا غَيْرَنٰا ، فَإِنَّ اسْتِبْدٰالَكَ بِنٰا غَيْرَنٰا عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْنٰا كَبِيرٌ ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

أَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلىٰ وُلٰاةِ عُهُودِهِ ، وَبَلِّغْهُمْ آمٰالَهُمْ ، وَزِدْ في آجٰالِهِمْ وَانْصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مٰا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ ، وَاجْعَلْنٰا لَهُمْ أَعْوٰاناً وَعَلىٰ دِينِكَ أَنْصٰاراً ، وَصَلِّ عَلىٰ آبٰائِهِ الطّٰاهِرِينَ الْأَئِمَّةِ الرّٰاشِدِينَ . أَللّٰهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعٰادِنُ كَلِمٰاتِكَ ، وَخُزّٰانُ عِلْمِكَ ، وَوُلٰاةُ أَمْرِكَ ، وَخٰالِصَتُكَ مِنْ عِبٰادِكَ ، وَخِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيٰائُكَ وَسَلاٰئِلُ أَوْلِيٰائِكَ ، وَصَفْوَتُكَ وَأَوْلاٰدُ أَصْفِيٰائِكَ ، صَلَوٰاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ .

أَللّٰهُمَّ وَشُرَكٰاؤُهُ في أَمْرِهِ ، وَمُعٰاوِنُوهُ عَلىٰ طٰاعَتِكَ ، اَلَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلاٰحَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ ، اَلَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلاٰدِ ، وَتَجٰافُوا الْوَطَنَ ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهٰادِ ، قَدْ رَفَضُوا تِجٰارٰاتِهِمْ ، وَأَضَرُّوا بِمَعٰايِشِهِمْ ، وَفُقِدُوا في أَنْدِيَتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ ، وَحٰالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عٰاضَدَهُمْ عَلىٰ أَمْرِهِمْ ، وَخٰالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ ، وَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدٰابُرِ وَالتَّقٰاطُعِ في دَهْرِهِمْ ، وَقَطَعُوا الْأَسْبٰابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعٰاجِلِ حُطٰامٍ مِنَ الدُّنْيٰا .

فَاجْعَلْهُمُ اللّٰهُمَّ في حِرْزِكَ وَفي ظِلِّ كَنَفِكَ ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ

بِالْعَدٰاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَجْزِلْ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفٰايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ ، وَتَأْييدِكَ وَنَصْرِكَ إِيّٰاهُمْ ، مٰا تُعينُهُمْ بِهِ عَلىٰ طٰاعَتِكَ ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بٰاطِلَ مَنْ أَرٰادَ إِطْفٰاءَ نُورِكَ ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ .

وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أُفُقٍ مِنَ الْآفٰاقِ ، وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطٰارِ قِسْطاً وَعَدْلاً وَرَحْمَةً وَفَضْلاً ، وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلىٰ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ ، وَمٰا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقٰائِمينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبٰادِكَ ، وَاذْخَرْ لَهُمْ مِنْ ثَوٰابِكَ مٰا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجٰاتِ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مٰا تَشٰاءُ وَتَحْكُمُ مٰا تُرِيدُ ، آمينَ رَبَّ الْعٰالَمينَ .[1]

سیّد بزرگوار ﷺ در ادامه می‌فرماید: این روایت از روایت قبل کامل‌تر است، و مواردی دارد که روایت اوّل ندارد، پس اگر می‌خواهی از اهل سعادت باشی این دعا را با تواضع و فروتنی و ادب در پیشگاه حضرت معبود بخوان.[2]

مرحوم کفعمی نیز این دعا را با سند مذکور از امام رضا ﷺ نقل کرده، و بعد از این دعا؛ دعای زیر را نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وُلٰاةِ عَهْدِهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ ، وَبَلِّغْهُمْ آمٰالَهُمْ ، وَزِدْ في آجٰالِهِمْ ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُمْ ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مٰا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ ، وَثَبِّتْ دَعٰائِمَهُمْ ، وَاجْعَلْنٰا لَهُمْ أَعْوٰاناً ، وَعَلىٰ دينِكَ أَنْصٰاراً ، فَإِنَّهُمْ مَعٰادِنُ كَلِمٰاتِكَ ، وَخُزّٰانُ عِلْمِكَ ، وَأَرْكٰانُ تَوْحيدِكَ ، وَدَعٰائِمُ دينِكَ ، وَوُلٰاةُ أَمْرِكَ ، وَخٰالِصَتُكَ مِنْ عِبٰادِكَ ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيٰاؤُكَ وَسَلٰائِلُ أَوْلِيٰائِكَ ، وَصَفْوَةُ أَوْلٰادِ نَبِيِّكَ ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ .[3]

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۰.
۲. جمال الأسبوع: ۳۱۴.
۳. بحارالأنوار: ۱۱۵/۱۰۲.



دعای معرفت در زمان غیبت

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «جمال الأسبوع» می‌فرماید:

دعای دیگری برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه وارد شده، سزاوار است که به خواندن این دعا اهتمام شود، و اگر از همهٔ آنچه در تعقیب عصر جمعه گفتیم عذر داشته باشی، مبادا از خواندن این دعا برای حضرت کوتاهی کنی، زیرا که ما این را از فضل و احسان الهی می‌دانیم که ما را بر آن مخصوص گردانیده، پس بر آن دعا اعتماد کن.

این دعای شریف به دو طریق از محمّد بن همام روایت شده است وی می‌گوید: این دعا را شیخ ابو عمرو عَمری ﷺ ـ از نوّاب چهارگانه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه ـ به من املاء کرد، و امر نمود که آن را بخوانم:

أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ، وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيني.

أَللّٰهُمَّ لٰا تُمِتْني مِيتَةً جٰاهِلِيَّةً، وَلٰا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَني. أَللّٰهُمَّ فَكَمٰا هَدَيْتَني لِوِلاٰيَةِ مَنْ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وُلاٰةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّٰى وٰالَيْتُ وُلاٰةَ أَمْرِكَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبي طٰالِبٍ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسىٰ وَعَلِيّاً وَمُحَمَّداً وَعَلِيّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقٰائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

أَللّٰهُمَّ ثَبِّتْني عَلىٰ دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْني بِطٰاعَتِكَ، وَلَيِّنْ قَلْبي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعٰافِني

مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ ، وَثَبِّتْني عَلىٰ طاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ ، اَلَّذي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ ، فَبِإِذْنِكَ غابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ ، وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ ، وَأَنْتَ الْعالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذي فيهِ صَلاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ .

وَصَبِّرْني عَلىٰ ذٰلِكَ ، حَتّٰى لا اُحِبَّ تَعْجيلَ ما أَخَّرْتَ ، وَلا تَأْخيرَ ما عَجَّلْتَ ، وَلا أَكْشِفَ عَمّا سَتَرْتَ ، وَلا أَبْحَثَ عَمّا كَتَمْتَ ، وَلا اُنازِعَكَ في تَدْبيرِكَ ، وَلا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَما بالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لا يَظْهَرُ وَقَدِ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ ، وَأُفَوِّضَ اُمُوري كُلَّها إِلَيْكَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَني وَلِيَّ أَمْرِكَ ظاهِراً نافِذَ الْأَمْرِ ، مَعَ عِلْمي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطانَ وَالْقُدْرَةَ ، وَالْبُرْهانَ وَالْحُجَّةَ ، وَالْمَشِيَّةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ ، فَافْعَلْ ذٰلِكَ بي وَبِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ ، حَتّٰى نَنْظُرَ إِلىٰ وَلِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ظاهِرَ الْمَقالَةِ ، واضِحَ الدَّلالَةِ ، هادِياً مِنَ الضَّلالَةِ ، شافِياً مِنَ الْجَهالَةِ ، وَأَبْرِزْ يا رَبِّ مُشاهَدَتَهُ ، وَثَبِّتْ قَواعِدَهُ ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ ، وَأَقِمْنا بِخِدْمَتِهِ ، وَتَوَفَّنا عَلىٰ مِلَّتِهِ ، وَاحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ .

أَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَميعِ ما خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، بِحِفْظِكَ الَّذي لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ .

أَللّٰهُمَّ وَمُدَّ في عُمْرِهِ ، وَزِدْ في أَجَلِهِ ، وَأَعِنْهُ عَلىٰ ما وَلَّيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ ، وَ زِدْ في كَرامَتِكَ لَهُ ، فَإِنَّهُ الْهادِي الْمَهْدِيُّ ، وَالْقائِمُ الْمُهْتَدِيُ ، اَلطّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ .

أَللّٰهُمَّ وَلا تَسْلُبْنَا الْيَقينَ لِطُولِ الْأَمَدِ في غَيْبَتِهِ ، وَانْقِطاعِ خَبَرِهِ عَنّا ، وَلا تُنْسِنا ذِكْرَهُ وَانْتِظارَهُ ، وَالْإيمانَ بِهِ ، وَقُوَّةَ الْيَقينِ في ظُهُورِهِ ، وَالدُّعاءَ لَهُ وَالصَّلوةَ عَلَيْهِ ، حَتّى لا يُقَنِّطَنا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيامِهِ ، وَيَكُونَ يَقينُنا في ذٰلِكَ كَيَقينِنا في قِيامِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَما جاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزيلِكَ .

وَقَوِّ قُلُوبَنا عَلَى الْإيمانِ بِهِ ، حَتّى تَسْلُكَ بِنا عَلىٰ يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدىٰ وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمىٰ ، وَالطَّريقَةَ الْوُسْطىٰ ، وَقَوِّنا عَلىٰ طاعَتِهِ ، وَثَبِّتْنا عَلىٰ مُتابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنا في حِزْبِهِ وَأَعْوانِهِ وَأَنْصارِهِ ، وَالرّاضينَ بِفِعْلِهِ ، وَلا تَسْلُبْنا ذٰلِكَ في حَياتِنا ، وَلا عِنْدَ وَفاتِنا ، حَتّى تَتَوَفّانا وَنَحْنُ عَلىٰ ذٰلِكَ لا شاكّينَ وَلا ناكِثينَ ، وَلا مُرْتابينَ وَلا مُكَذِّبينَ .

أَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانْصُرْ ناصِريهِ ، وَاخْذُلْ خاذِليهِ ، وَدَمْدِمْ عَلىٰ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبادَكَ الْمُؤْمِنينَ مِنَ الذُّلِّ ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلادَ ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكَفَرَةِ ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَةِ ، وَذَلِّلْ [بِهِ] الْجَبّارينَ وَالْكافِرينَ .

وَأَبِرْ بِهِ الْمُنافِقينَ وَالنّاكِثينَ ، وَجَميعَ الْمُخالِفينَ وَالْمُلْحِدينَ ، في مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها ، وَبَرِّها وَبَحْرِها ، وَسَهْلِها وَجَبَلِها ، حَتّى لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيّاراً ، وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ آثاراً ، وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَكَ ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبادِكَ .

وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحىٰ مِنْ دينِكَ ، وَأَصْلِحْ بِهِ ما بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ ، وَغُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ ، حَتّى يَعُودَ دينُكَ بِهِ وَعَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً صَحيحاً لا عِوَجَ فيهِ ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ ، حَتّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نيرانَ الْكافِرينَ ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ دينِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ ،

وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ ، وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .

أَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ الْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرِينَ ، وَعَلىٰ شيعَتِهِ الْمُنْتَجَبِينَ ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمالِهِمْ أَفْضَلَ ما يَأْمُلُونَ ، وَاجْعَلْ ذٰلِكَ مِنّٰا خالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيٰاءٍ وَسُمْعَةٍ ، حَتّٰى لٰانُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلٰانَطْلُبَ بِهِ إِلّٰا وَجْهَكَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنٰا ، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنٰا ، وَشِدَّةَ الزَّمٰانِ عَلَيْنٰا ، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنٰا ، وَتَظٰاهُرَ الْأَعْدٰاءِ [عَلَيْنٰا] ، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنٰا ، وَقِلَّةَ عَدَدِنٰا . أَللّٰهُمَّ فَفَرِّجْ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ ، وَإِمٰامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ ، إِلٰهَ الْحَقِّ [آمينَ] رَبَّ الْعٰالَمِينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِوَلِيِّكَ في إِظْهٰارِ عَدْلِكَ في عِبٰادِكَ ، وَقَتْلِ أَعْدٰائِكَ في بِلٰادِكَ ، حَتّٰى لٰاتَدَعَ لِلْجَوْرِ يٰا رَبِّ دِعٰامَةً إِلّٰا قَصَمْتَهٰا ، وَلٰا بَقِيَّةً إِلّٰا أَفْنَيْتَهٰا ، وَلٰا قُوَّةً إِلّٰا أَوْهَنْتَهٰا ، وَلٰا رُكْناً إِلّٰا هَدَمْتَهُ ، وَلٰا حَدّاً إِلّٰا فَلَلْتَهُ ، وَلٰا سِلٰاحاً إِلّٰا أَكْلَلْتَهُ ، وَلٰا رٰايَةً إِلّٰا نَكَّسْتَهٰا ، وَلٰا شُجٰاعاً إِلّٰا قَتَلْتَهُ ، وَلٰا جَيْشاً إِلّٰا خَذَلْتَهُ .

وَارْمِهِمْ يٰا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدّٰامِغِ ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقٰاطِعِ ، وَبَأْسِكَ الَّذي لٰاتَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ، وَعَذِّبْ أَعْدٰاءَكَ ، وَأَعْدٰاءَ دينِكَ وَأَعْدٰاءَ رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وآلِهِ ، بِيَدِ وَلِيِّكَ ، وَأَيْدي عِبٰادِكَ الْمُؤْمِنينَ .

أَللّٰهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ في أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ ، وَكَيْدَ مَنْ كٰادَهُ ، وامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ ، وَاجْعَلْ دٰائِرَةَ السَّوْءِ عَلىٰ مَنْ أَرٰادَ بِهِ سُوءاً ، وَاقْطَعْ عَنْهُ مٰادَّتَهُمْ ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ ، وَزَلْزِلْ [لَهُ] أَقْدٰامَهُمْ ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً ، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذٰابَكَ ، وَأَخْزِهِمْ في عِبٰادِكَ ، وَالْعَنْهُمْ في بِلٰادِكَ ، وَأَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نٰارِكَ ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذٰابِكَ ، وَأَصْلِهِمْ نٰاراً ، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتٰاهُمْ نٰاراً ، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نٰارِكَ ، فَإِنَّهُمْ أَضٰاعُوا الصَّلٰوةَ ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوٰاتِ ، وَأَضَلُّوا عِبٰادَكَ .

أَللّٰهُمَّ وَأَحْيِ بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنا نُورَهُ سَرْمَداً، لا ظُلْمَةَ فيهِ، وَأَحْيِ [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَغِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْواءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعَطَّلَةَ، وَالْأَحْكامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتّٰى لا يَبْقىٰ حَقٌّ إِلّا ظَهَرَ، وَلا عَدْلٌ إِلّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنا يا رَبِّ مِنْ أَعْوانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطانِهِ وَالْمُؤْتَمِرينَ لِأَمْرِهِ، وَالرّاضينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسَلِّمينَ لِأَحْكامِهِ، وَمِمَّنْ لا حاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يا رَبِّ الَّذي تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاكَ، وَتُنْجي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَليفَتَكَ في أَرْضِكَ كَما ضَمِنْتَ لَهُ.

أَللّٰهُمَّ وَلا تَجْعَلْني مِنْ خُصَماءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَلا تَجْعَلْني مِنْ أَعْداءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَلا تَجْعَلْني مِنْ أَهْلِ الْحَنَقِ وَالْغَيْظِ عَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، فَإِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذٰلِكَ فَأَعِذْني، وَأَسْتَجيرُ بِكَ فَأَجِرْني.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْني بِهِمْ فائِزاً عِنْدَكَ في الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[1]

صاحب «مکیال المکارم» این گفتار را از مرحوم سیّد بن طاووس نقل کرده است:

«سزاوار است برای شما اگر معذورید از انجام آنچه را که در تعقیب نماز عصر روز جمعه ذکر کردیم که مبادا این دعا را پس از نماز عصر جمعه ترک کنید، زیرا که این نکته را از تفضّل خداوند که به من مخصوص داشته است متوجّه شده‌ام».

و سپس فرموده است: این کلام دلالت می‌کند که این امر از سوی مولای ما حضرت صاحب الزمان عجّل الله تعالی فرجه به او رسیده است، و این از کرامات و مقامات سیّد بن طاووس بعید نیست، خداوند از برکات بلند وی به ما افاضه فرماید.[2]

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۵، و در مصباح المتهجّد: ۴۱۱، و مصباح الزائر: ۴۲۵ با اندکی تفاوت.

۲. مکیال المکارم: ۸۴/۲.

٦

دعای دیگر در زمان غیبت

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﵀ در «مهج الدعوات» می‌فرماید: با سند خود از محمّد بن احمد جعفی روایت می‌کنم که او در ضمن حدیثی در غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه از ائمّهٔ معصومین ﵈ نقل می‌کند و می‌گوید: عرض کردم: شیعیان شما در آن زمان چگونه رفتار کنند؟

حضرت فرمود:

علیکم بالدعاء وانتظار الفرج ...

بر شما باد به دعا، و انتظار فرج.

زیرا به زودی برای شما نشانه‌ای آشکار خواهد شد، چون آن نشانه آشکار شد خدای را حمد و سپاس نمائید، و به آنچه آشکار شده چنگ بزنید.

عرض کردم: چه دعایی بخوانیم؟

حضرت فرمود: می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَني نَفْسَكَ، وَعَرَّفْتَني رَسُولَكَ، وَعَرَّفْتَني مَلٰائِكَتَكَ وَعَرَّفْتَني نَبِيَّكَ، وَعَرَّفْتَني وُلٰاةَ أَمْرِكَ. أَللّٰهُمَّ لٰا آخِذَ إِلّٰا مٰا أَعْطَيْتَ، وَلٰا وٰاقِيَ إِلّٰا مٰا وَقَيْتَ.

أَللّٰهُمَّ لٰا تُغَيِّبْني عَنْ مَنٰازِلِ أَوْلِيٰائِكَ، وَلٰا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَني. أَللّٰهُمَّ اهْدِني لِوِلٰايَةِ مَنِ افْتَرَضْتَ طٰاعَتَهُ.[1]

---

۱. مهج الدعوات: ۳۹۵.

۷

دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمه‌الله از زراره، از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود:

آن جوان ناگزیر از غیبت است.

گفتم: برای چه غیبت می‌کند؟

حضرت فرمود: به جهت ترس ـ بعد اشاره به شکم مبارک خود فرمود، یعنی به جهت ترس از کشته شدن ـ و اوست که همه در انتظار او بسر می‌برند، و اوست که در تولّد او مردم تردید می‌نمایند، برخی می‌گویند: هنوز متولّد نشده، و برخی دیگر می‌گویند: پدر او از دنیا رفت و فرزندی از خود باقی نگذاشت، وبعضی می‌گویند: دو سال پیش از مرگ پدرش متولد شد.

زراره گوید: عرض کردم: اگر آن زمان را درک کردم چه دعایی را بخوانم؟

حضرت فرمود:

خدای را به این دعا بخوان:

أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ. أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ [قَطُّ]. أَللّٰهُمَّ عَرِّفْني حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْني حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِيني.[1]

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۴.

۸

دعای غریق در زمان غیبت

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» می‌فرماید: عبدالله بن سنان گوید: حضرت امام صادق ﷺ فرمود:

به زودی شبهه‌ای دامن‌گیر شما می‌شود، در آن موقع نه پرچمی است که راه را برای شما نشان دهد، و نه امامی است که شما را هدایت کند، و در آن دوران کسی نجات پیدا نمی‌کند مگر آن که دعای غریق را بخواند.

عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟

فرمود: می‌گویی:

«یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰانُ یا رَحیمُ، یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبي عَلیٰ دینِكَ».

عرض کردم: **یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصٰارِ، ثَبِّتْ قَلْبي عَلیٰ دینِكَ.**

فرمود:

خداوند متعال «**مقلّب القلوب والأبصار**» است، ولی همان طوری که من می‌گویم بگو: **یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبي عَلیٰ دینِكَ.**

سیّد ﷺ می‌فرماید: شاید جهت این که حضرت فرمود نگو: «والأبصار»، این باشد که دگرگونی دل‌ها و چشم‌ها از شدّت ترس و هراس در روز قیامت است، ولی در زمان غیبت فقط دل‌ها از ترس دگرگون می‌شود نه چشم‌ها.[1]

---

۱. مهج الدعوات: ۳۹۶.

۹

دعایی مناسب با زمان غیبت

سیّد جلیل القدر علیّ بن طاووس ﷺ می‌فرماید: در عالم خواب کسی را دیدم که دعایی به من یاد می‌داد که خوب است در دوران غیبت خوانده شو، و آن دعا این است:

یا مَنْ فَضَّلَ آلَ إِبْراهیمَ وَآلَ إِسْرائیلَ عَلَی الْعالَمینَ بِاخْتِیارِهِ، وَأَظْهَرَ فی مَلَکُوتِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدارِهِ، وَأَوْدَعَ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَأَهْلَ بَیْتِهِ غَرائِبَ أَسْرارِهِ، [صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ]، وَاجْعَلْني مِنْ أَعْوانِ حُجَّتِكَ عَلیٰ عِبادِكَ وَأَنْصارِهِ.[1]

۱۰

دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه‌های آخر الزمان نقل شده است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، (**یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ** هفت بار گفته شود).

أَللّٰهُمَّ عُمَّ أَعْداءَ آلِ نَبِیِّكَ وَظالِمیهِمْ وَأَعْداءَ شیعَتِهِمْ، وَأَعْداءَ مَوالیهِمْ بِالشَّرِّ عَمّاً، وَطُمَّهُمْ بِالشَّرِّ طَمّاً، وَاطْرُقْهُمْ بِلَیْلَةٍ لا أُخْتَ لَها، وَساعَةٍ لا مَنْجیٰ مِنْها، وَانْتَقِمْ

۱. مهج الدعوات: ۳۹۶، بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵، النجم الثاقب: ۴۸۲/۲.

مِنْهُمُ انْتِقاماً عاجِلاً، وَأَحْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنارِ غَضَبِكَ.

أَللّٰهُمَّ شَتِّتْ شَمْلَهُمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ تَدْبيرَهُمْ، وَنَكِّسْ أَعْلامَهُمْ، وَخَرِّبْ بُنْيانَهُمْ، وَقَرِّبْ آجالَهُمْ، وَأَلْقِ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنا مِنْ بَيْنِهِمْ سالِمينَ، وَخُذْهُمْ أَخْذَ عَزيزٍ مُقْتَدِرٍ.

أَللّٰهُمَّ أَلْقِ الْأَوْجاعَ وَالْأَسْقامَ في أَبْدانِهِمْ، وَضَيِّقْ مَسالِكَهُمْ، وَاسْلُبْهُمْ مَمالِكَهُمْ، وَحَيِّرْهُمْ في سُبُلِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمُ الْمَدَدَ، وَانْقُصْ مِنْهُمُ الْعَدَدَ.

أَللّٰهُمَّ وَاحْفَظْ مَوالِيَ آلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ مِنْ شُرُورِهِمْ، وَسَلِّمْهُمْ مِنْ مَكْرِهِمْ، وَخَدْعِهِمْ وَضُرِّهِمْ، وَانْصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ بِنَصْرِكَ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ، وَأَلِّفْ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَعَرِّفْهُمْ ما يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمْهُمْ ما لا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ ما لا يُبْصِرُونَ، وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْداءِ السُّفْلىٰ.[1]

۱۱

دعای امام جواد علیه السلام
برای رفع ظلم و ستم از جهان

این دعا را سیّد بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» از حضرت جواد الأئمّه علیه السلام نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ في بِلادِكَ حَتّٰى أَماتَ الْعَدْلَ، وَقَطَعَ السُّبُلَ، وَمَحَقَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلَ الصِّدْقَ، وَأَخْفَى الْبِرَّ، وَأَظْهَرَ الشَّرَّ، وَأَخْمَدَ التَّقْوىٰ، وَأَزالَ الْهُدىٰ، وَأَزاحَ الْخَيْرَ، وَأَثْبَتَ الضَّيْرَ، وَأَنْمَى الْفَسادَ، وَقَوَّى الْعِنادَ، وَبَسَطَ الْجَوْرَ،

۱. سلاح المؤمنين: ۵۹.

وَعَدَى الطَّوْرَ. أَللّٰهُمَّ يا رَبِّ لا يَكْشِفُ ذٰلِكَ إِلّا سُلْطانُكَ، وَلا يُجيرُ مِنْهُ إِلّا امْتِنانُكَ.

أَللّٰهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ، وَبُثَّ حِبالَ الْغَشْمِ، وَأَخْمِدْ سُوقَ الْمُنْكَرِ، وَأَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَجِرُ، وَاحْصُدْ شافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ، وَأَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ، وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ إِلَيْهِمُ الْبَيّاتَ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمُثُلاتِ، وَأَمِتْ حَيّاةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ، وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ، وَيَشْبَعَ الْجائِعُ، وَيَحْفَظَ الضّائِعُ، وَيَأْوَى الطَّرِيدُ، وَيَعُودَ الشَّرِيدُ، وَيُغْنَى الْفَقِيرُ، وَيُجارَ الْمُسْتَجيرُ، وَيُوَقَّرَ الْكَبيرُ، وَيُرْحَمَ الصَّغيرُ، وَيُعَزَّ الْمَظْلُومُ، وَيُذَلَّ الظّالِمُ، وَيُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ، وَتَنْفَرِجَ الْغَمّاءُ، وَتَسْكُنَ الدَّهْماءُ، وَيَمُوتَ الْإِخْتِلافُ، وَيَعْلُوَ الْعِلْمُ، وَيَشْمَلَ السِّلْمُ، وَيُجْمَعَ الشَّتاتُ، وَيَقْوَى الْإيمانُ، وَيُتْلَى الْقُرْآنُ، إِنَّكَ أَنْتَ الدَّيّانُ الْمُنْعِمُ الْمَنّانُ.[1]

۱۲

دعا برای حفظ شدن از شرّ دجّال

معاذ بن جبل می‌گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا نزد عبدالله بن سلام فرستاد تا خدمت حضرتش شرفیاب شود، در حالی که گروهی از یاران حضرت دورش حلقه زده بودند عبدالله بن سلام وارد شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به او کرد و فرمود:

> ای عبدالله! روزی که حضرت ابراهیم علیه السلام به آتش انداخته شد خدا ده کلمه به او یاد داد آنها را بیان کن، آیا آن کلمات در تورات نوشته شده است؟

عبدالله گفت: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدای شما باد، آیا چیزی در این مورد برای شما نازل شده است؟ من پاداش آن‌ها را در تورات خوانده‌ام، ولی آن کلمات را

---

۱. مهج الدعوات: ۳۱۵.

پیدا نکرده‌ام، آن‌ها ده دعا است که اسم اعظم خدا را داراست.

رسول خدا ﷺ فرمود: آیا آن کلمات را خدا به موسی علیه‌السلام یاد داد؟

گفت: خدا آن کلمات را به جز ابراهیم خلیل علیه‌السلام به دیگری یاد نداد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: ثواب و پاداش آن دعا در تورات چگونه آمده است؟

عبدالله گفت: ای رسول خدا! چه کسی می‌تواند پاداش آن را بیان کند، جز آنچه من دیدم در تورات نوشته شده است:

هیچ بنده‌ای نیست که خدای بر او منّت فرموده و این کلمات را در قلب او جای داده، مگر آنکه در چشمان او نور، و در قلبش یقین، قرار می‌دهد، و سینهٔ او را برای پذیرش ایمان می‌گشاید، و برای او نوری قرار می‌دهد که از محلّی که نشسته تا عرش نور افشانی می‌کند؛ و به سبب او روزی دو مرتبه برای ملائک مباهات می‌نماید، حکمت را در زبان او قرار داده، و حفظ قرآن را بر او روزی می‌کند گرچه حریص بر این امر نباشد.

او را در دین فقیه و عالم می‌نماید، و محبّت او را در قلب‌های بندگانش می‌اندازد، **و از عذاب قبر و فتنهٔ دجّال ایمنش می‌دارد**، و از ترس هولناک و بزرگ روز قیامت ایمن می‌دارد.

او را در گروه شهداء برمی‌انگیزد، خداوند او را گرامی می‌دارد و آنچه از کرامتش به پیامبران می‌بخشد، به او ارزانی می‌نماید، هنگامی که مردم از چیزی بیم دارند او نمی‌ترسد، و چون که مردم محزون هستند او غمگین نمی‌شود، او در پیشگاه خدا از صدّیقان نوشته می‌شود، و در روز قیامت با قلبی آرام و مطمئن محشور می‌شود، و از کسانی است که با حضرت ابراهیم علیه‌السلام هم رتبه هستند.

او با این دعا چیزی از خدا مسألت نمی‌کند مگر آنکه خداوند به او احسان می‌کند، و اگر خدا را سوگند دهد، قسم او را نیکو داشته و در دار الجلال همسایهٔ حضرت رحمان می‌شود، و بر اوست پاداش هر شهیدی که از اوّل آفرینش دنیا شهید شده‌اند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای ابن سلام! دار الجلال چیست؟

گفت: بهشت جاودان است، آنجا محلّ عرش خدای رحمان و پروردگار عزیز است، و آنجا در جوار خدا است.

ابن سلام عرض کرد: ای رسول خدا! بر ما احسان فرما و آن دعا را یاد بده همچنانکه خدا برای شما احسان فرموده است.

حضرت پیامبر ﷺ فرمود: برای خداوند سجده کنید.

راوی گوید: همهٔ اصحاب و کسانی که در حضورش بودند به سجده افتادند، چون سر از سجده برداشتند پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آن دعا اینست:

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَميعُ [خَلْقِكَ]، يا نُورَ النُّورِ، أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ، يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، أَنْتَ الرَّفيعُ الَّذِي ارْتَفَعْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمائِكَ، فَلا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، يا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمائِكَ، وَاسْتَضاءَ بِضَوْئِكَ أَهْلُ أَرْضِكَ.

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ، أَنْتَ الَّذي لا إِلٰهَ غَيْرُكَ، تَعالَيْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَريكٌ، وَتَعَظَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلَدٌ، وَتَكَرَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبيهٌ، وَتَجَبَّرْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ، فَأَنْتَ اللهُ الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسانٍ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ في كُلِّ مَكانٍ، وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ في كُلِّ أَوانٍ وَزَمانٍ، يا نُورَ النُّورِ، كُلُّ نُورٍ خامِدٌ لِنُورِكَ، يا مَليكَ كُلِّ مَليكٍ، يَفْنىٰ غَيْرُكَ يا دائِمُ، كُلُّ حَيٍّ يَمُوتُ غَيْرُكَ.

يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ الرَّحْمانُ الرَّحيمُ، اِرْحَمْني رَحْمَةً تُطْفِئُ بِها غَضَبَكَ، وَتَكُفُّ بِها عَذابَكَ، وَتَرْزُقُني بِها سَعادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَتَحُلُّني بِها دارَكَ الَّتي تَسْكُنُها خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَميلَ، وَسَتَرَ الْقَبيحَ، يا مَنْ لَمْ يُؤاخِذْ بِالْجَريرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ،

يٰا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يٰا حَسَنَ التَّجٰاوُزِ، يٰا وٰاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يٰا بٰاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يٰا صٰاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ، وَيٰا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ، يٰا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يٰا عَظِيمَ الْمَنِّ، يٰا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقٰاقِهٰا، يٰا رَبّٰاهُ يٰا رَبّٰاهُ، وَيٰا سَيِّدٰاهُ وَيٰا أَمَلاٰهُ، وَيٰا غٰايَةَ رَغْبَتٰاهُ، أَسْأَلُكَ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ أَنْ لاٰ تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النّٰارِ.

عرض کرد: ای رسول خدا؛ پاداش این کلمات (دعا) چیست؟

حضرت فرمود:

هیهات هیهات که قلم از نوشتن ثواب این دعا باز ایستد، اگر ملائکهٔ همهٔ هفت آسمان و زمین گرد هم آیند تا پاداش این دعا را تا روز قیامت توصیف نمایند، نخواهند توانست یک جزء از هزار جزء آن را توصیف نمایند.

آن گاه حضرت برای این دعا پاداش و فضائلی را بیان کرد که اینجا محلّ ذکر آن نیست، و ما به جهت طولانی شدن مطلب به همین مقدار اکتفا کردیم.[1]

۱۳

دعای فرج (إلهي عظُم البلاء)

مرحوم کفعمی در «البلد الأمین» می‌گوید: این دعا را مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برای کسی که در زندان محبوس بود تعلیم فرمود و او خلاص شد:

إِلٰهي عَظُمَ الْبَلاٰءُ، وَبَرِحَ الْخَفٰاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطٰاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجٰاءُ، وَضٰاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمٰاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعٰانُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ، وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخٰاءِ.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۵۵/۹۵.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنا طاعَتَهُمْ، وَعَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَرِيباً كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ.

يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، إِكْفِيانِي فَإِنَّكُما كافِيانِ، وَانْصُرانِي فَإِنَّكُما ناصِرانِ، يا مَوْلانا يا صاحِبَ الزَّمانِ، اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، اَلسّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ، اَلْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ.[1]

۱۴

دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام

در پائین پای مبارک حضرتش می‌ایستی و می‌گویی:

أَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ، وَبَرِحَ الْخَفاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ، وَضاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّماءُ، وَأَنْتَ يا رَبِّ الْمُسْتَعانُ، وَإِلَيْكَ يا رَبِّ الْمُشْتَكىٰ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اَلَّذِينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَعَرَّفْتَنا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، وَفَرِّجْ عَنّا كَرْبَنا قَرِيباً كَلَمْحِ الْبَصَرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يا أَبْصَرَ النّاظِرِينَ، وَيا أَسْمَعَ السّامِعِينَ، وَيا أَسْرَعَ الْحاسِبِينَ، وَيا أَحْكَمَ الْحاكِمِينَ.

يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، يا مُصْطَفىٰ يا مُرْتَضىٰ، يا مُرْتَضىٰ يا مُصْطَفىٰ، أُنْصُرانِي فَإِنَّكُما ناصِرايَ، وَاكْفِيانِي فَإِنَّكُما كافِيايَ، يا صاحِبَ الزَّمانِ،

---

۱. البلد الأمین: ۶۰۷، مزار شهید: ۲۳۱، المصباح: ۲۳۵، منهاج العارفین: ۴۸۳.

اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ ، أَدْرِكْني أَدْرِكْني أَدْرِكْني ، این کلمه را به قدر یک نفس تکرار می‌کنی ، سپس حاجت خود را درخواست می‌کنی ، که به اذن خدای متعال برآورده می‌شود.[۱]

۱۵

دعا برای ظهور امام زمان عجّل الله تعالی فرجه در سجدهٔ شکر

شیخ طوسی رحمه‌الله در «مصباح المتهجّد» می‌فرماید : سجدهٔ شکر را انجام بده و پس از آن دعایی را بخوان که امام کاظم علیه‌السلام در ضمن نامه‌ای به عبدالله بن جندب نوشت و فرمود : هنگامی که سر به سجده گذاشتی سه مرتبه می‌گویی :

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ ، وَأُشْهِدُ مَلٰائِكَتَكَ وَأَنْبِيٰاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَميعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ رَبّي ، وَالْإِسْلٰامُ دينِي ، وَمُحَمَّدٌ نَبِيّي ، وَعَلِيٌّ وَلِيّي ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْخَلَفُ الصّالِحُ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَئِمَّتي ، بِهِمْ أَتَوَلّٰى ، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّءُ . أَللّٰهُمَّ إِنّي أُنْشِدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ .

و سه مرتبه می‌گویی : **أَللّٰهُمَّ إِنّي أُنْشِدُكَ بِوَأْيِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأَوْلِيٰائِكَ ، لَتُظْهِرَنَّهُمْ عَلىٰ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ .**

و سه مرتبه می‌گویی : **أَللّٰهُمَّ إِنّي أُنْشِدُكَ بِإِيوٰائِكَ عَلىٰ نَفْسِكَ لِأَعْدٰائِكَ ، لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْزِيَنَّهُمْ بِأَيْديهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنينَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ .**

---

۱. مصباح الزائر: ۳۸۶.

و سه مرتبه می‌گویی: **أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ.**[۱]



دعای هنگام عطسه

در کتاب «جنّات الخلود» ذکر نموده است: مستحبّ است هنگام عطسه نمودن انگشت سبّابه را بر سر بینی نهاده **و این دعا را که امام زمان سلام الله علیه قرائت نموده‌اند بخواند:**

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَبْداً ذٰاكِراً لِلّٰهِ، غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلٰا مُسْتَكْبِرٍ.[۲]



دعای سفر در ساعت مخصوص

به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه الله در کتاب «الأسرار المودعة فی ساعات اللیل والنهار» می‌فرماید:

هر ساعتی از روز مخصوص یکی از امامان اطهار علیهم السلام است، و برای آن دو نوع دعا نقل شده است که یکی را از خط جدّم ابوجعفر طوسی رحمه الله و دیگری را از خطی منسوب به ابن مُقله نقل کردیم.

---

۱. مصباح المتهجّد: ۲۳۸.

۲. جنّات الخلود: ۴۱.

روشن است که به مقتضای روایات هر کدام از آن بزرگواران در ساعت مخصوص نگهبان و حامی متوسلین خود هستند، بنابراین:

ساعت اوّل مخصوص مولای ما امیر مؤمنان علی علیه‌السلام؛

و ساعت دوّم مخصوص مولای ما حضرت امام حسن علیه‌السلام؛

و ساعت سوّم مخصوص مولای ما حضرت امام حسین علیه‌السلام؛

و ساعت چهارم مخصوص مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام؛

و ساعت پنجم مخصوص مولای ما حضرت امام باقر علیه‌السلام؛

و ساعت ششم مخصوص مولای ما حضرت امام صادق علیه‌السلام؛

و ساعت هفتم مخصوص مولای ما حضرت امام کاظم علیه‌السلام؛

و ساعت هشتم مخصوص مولای ما حضرت امام رضا علیه‌السلام؛

و ساعت نهم مخصوص مولای ما حضرت امام جواد علیه‌السلام؛

و ساعت دهم مخصوص مولای ما حضرت امام هادی علیه‌السلام؛

و ساعت یازدهم مخصوص مولای ما حضرت امام عسکری علیه‌السلام؛

و ساعت دوازدهم مخصوص مولای ما حضرت امام مهدی صلوات الله علیه است.

در همهٔ این ساعات دعای مخصوص هر کدام از اهل بیت علیهم‌السلام را می‌خواند، و این ساعت فرق نمی‌کند از ساعات فصل تابستان باشد که دوازده ساعت کامل است، یا از ساعات فصل زمستان باشد که روزها کوتاه است، زیرا که مقدار روز هر قدر باشد دعاها به دوازده قسمت تقسیم می‌شود، و این نیز از روایات استفاده می‌شود.

بنابراین؛ هر زمان خواستی سفر کنی و سفر تو با ساعت یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام مصادف شد ـ امامانی که حامیان بشریت‌اند و خداوند آنان را سبب رهایی و نجات از مهالک قرار داده است ـ این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانا فُلاناً صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ إِنَّني أُسَلِّمُ عَلَيْهِ، وَإِنَّني أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ بِإِقْبالِكَ عَلَيْهِ، في أَنْ يَكُونَ خَفارَتي وَحِمايَتي وَسَلامَتي وَكَمالُ سَعادَتي ضِمانَها

بِكَ عَلَيْهِ ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ فِي السّاعَةِ الَّتي جَعَلْتَهُ كَالْخَفيرِ فيها وَحَديثَها في ذٰلِكَ إِلَيْهِ .

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در ادامه می‌فرماید:

بدیهی است که در طول سفر در هر ساعتی از ساعت مخصوص به امامان ﷺ در هر منزلی که فرود آمدی یا از آن منزل کوچ کردی بر آن امام ـ که در ساعت مخصوص او هستی ـ سلام کن تا مقرّب در نزد او باشی، و او را مورد خطاب قرار ده تا در لحظات آن ساعت در ضمانت او قرار بگیری، و اگر خداوند غیر این را می‌خواست ما را به این دعاها رهنمون نمی‌فرمود.

بنابراین؛ اگر چنانکه تو ـ خدای هدایتت فرماید ـ به این دستور عمل کردی، همهٔ حرکات و سکنات تو در این سفر عبادت محسوب می‌شود، و باعث سعادت تو در آخرت خواهد شد.[1]

۱۸

دعای برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز

این دعا نیز برای ساعت دوازدهم در هر روز از ساعات روز ـ یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن ـ نقل شده است:

يا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ ، يا مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ ، يا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ ، يا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طاعَتِهِ مَرْضاتَهُ ، يا مَنْ أَعانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلىٰ شُكْرِهِ ،

۱. الأمان من اخطار الأسفار والأزمان: ۱۰۱.

يا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ ، وَلَطُفَ لَهُمْ بِنائِلِهِ .

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْخَلَفِ الصّالِحِ ، بَقِيَّتِكَ في أَرْضِكَ ، اَلْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدائِكَ ، وَأَعْداءِ رَسُولِكَ ، بَقِيَّةِ آبائِهِ الصّالِحِينَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ ، وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجي وَرَغْبَتي إِلَيْكَ .

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا ، وَأَنْ تُدارِكَني بِهِ ، وَتُنْجِيَني مِمّا أَخافُهُ وَأَحْذَرُهُ ، وَأَلْبِسْني بِهِ عافِيَتَكَ وَعَفْوَكَ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ ، وَكُنْ لَهُ وَلِيّاً وَحافِظاً ، وَناصِراً وَقائِداً ، وَكالِئاً وَساتِراً ، حَتّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً ، وَتُمَتِّعَهُ فيها طَويلاً ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ، فَسَيَكْفيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ .

أَللّهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اَلَّذينَ أَمَرْتَ بِطاعَتِهِمْ ، وَأُولِي الْأَرْحامِ الَّذينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ ، وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ ، وَالْمَوالِيَ الَّذينَ أَمَرْتَ بِعِرْفانِ حَقِّهِمْ ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً .

أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ ذُنُوبي كُلَّها يا غَفّارُ ، وَتَتُوبَ عَلَيَّ يا تَوّابُ ، وَتَرْحَمَني يا رَحيمُ ، يا مَنْ لا يَتَعاظَمُهُ ذَنْبٌ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .[1]

---

۱. البلد الأمين: ۲۱۱، المصباح: ۱۹۳، منهاج العارفين: ۱۲۷، و در مصباح المتهجّد: ۵۱۷، و بحار الأنوار: ۳۵۴/۸۶ با اندکی تفاوت.

۱۹

دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا را برای ساعت مخصوص به آن حضرت ـ از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن ـ در هر روز نقل کرده است:

أَللّٰهُمَّ يا خٰالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهٰادِ الْمَوْضُوعِ، وَرٰازِقَ الْعٰاصي وَالْمُطِيعِ، اَلَّذي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلٰا شَفيعٌ.

أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ الَّتي إِذٰا سُمِّيَتْ عَلىٰ طَوٰارِقِ الْعُسْرِ عٰادَتْ يُسْراً، وَإِذٰا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبٰالِ كٰانَتْ هَبٰاءً مَنْثُوراً، وَإِذٰا رُفِعَتْ إِلَى السَّمٰاءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغٰالِقُ، وَإِذٰا هُبِطَتْ إِلٰى ظُلُمٰاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضٰائِقُ، وَإِذٰا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللُّحُودِ، وَإِذٰا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومٰاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ، وَإِذٰا ذُكِرَتْ عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعاً، وَإِذٰا قُرِعَتِ الْأَسْمٰاعُ فٰاضَتِ الْعُيُونُ دُمُوعاً.

أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجِزٰاتِ، اَلْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيٰاتِ، وَبِأَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ، اَلَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤٰاخٰاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصٰافٰاتِهِ وَمُصٰاهَرَتِهِ.

وَبِصٰاحِبِ الزَّمٰانِ الْمَهْدِيِّ، اَلَّذي تَجْمَعُ عَلىٰ طٰاعَتِهِ الْآرٰاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَتُؤَلِّفُ بِهِ بَيْنَ الْأَهْوٰاءِ الْمُخْتَلِفَةِ، وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيٰائِكَ، وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدٰائِكَ، وَتَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَإِحْسٰاناً، وَتُوَسِّعُ عَلَى الْعِبٰادِ بِظُهُورِهِ فَضْلاً وَامْتِنٰاناً، وَتُعيدُ الْحَقَّ إِلىٰ مَكٰانِهِ عَزيزاً حَميداً، وَتُرْجِعُ الدّينَ عَلىٰ يَدَيْهِ غَضّاً جَديداً.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمٰامي

وَبَيْنَ يَدَيْ حَوٰائِجي ، وَأَنْ تُوزِعَني شُكْرَ نِعْمَتِكَ ، فِي التَّوْفيقِ لِمَعْرِفَتِهِ ، وَالْهِدٰايَةِ إِلىٰ طٰاعَتِهِ ، وَتَزيدَني قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدٰاءِ بِسُنَّتِهِ ، وَالْكَوْنِ في زُمْرَتِهِ ، إِنَّكَ سَميعُ الدُّعٰاءِ ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

علّامهٔ خواجویی در شرح عبارت «**الّذي تجمع على طاعته الآراء المتفرّقة**» ؛ «یعنی : صاحب الزمان صلوات الله علیه کسی است که همهٔ آراء و نظریّات گوناگون و پراکنده را گردهم می‌آورد» می‌گوید :

این عبارت نشانگر این است که در زمان ظهور دولت پیروز و حکومت پر افتخار آن حضرت از آراء گوناگون و خواهش‌های نفسانیِ ناهمگون خبری نیست ، بلکه همهٔ مردم متّفق القول و یکپارچه در فرمانبرداری از فرمان‌های حضرت هستند ، و او رئیسی است که همگان از دستورات او اطاعت کنند .

در آن روز میمون و مبارک ؛ همهٔ حقوق به اهلش می‌رسد و خمس در محلّ خود مصرف می‌شود ، و همچنین زکات و ... سایر احکام الهی همه و همه در محلّ خود مصرف می‌شود ، و طبق حقوق مربوطه عمل می‌شود .

در آن روز ؛ فدک ـ که بناحق غصب شده است ـ به صاحبان خود برمی‌گردد ، و در آن روز خداوند انتقام دوستان خودش را از دشمنان آن‌ها ـ که زنده هستند ـ می‌گیرد ، چه دوستانی که در قید حیات هستند و چه آنان که مرده‌اند با زنده کردن آن‌ها برای آن‌ها انتقام گرفته می‌شود ، چنان که روایات زیادی در این مورد آمده است .

از جمله این که در روایتی نقل شده است :

در زمان قیام حضرت مهدی صلوات الله علیه خداوند گروهی از اولیاء خود و شیعیانی را که ایمان خالص داشتند زنده می‌کند ، و به دنیا برمی‌گرداند تا به پاداش یاری آن

---

۱. مفتاح الفلاح : ۴۹۸ ، المصباح : ۱۹۴ با اندکی تفاوت .

حضرت برسند، و به جهت ظهور دولت کریمهٔ آن حضرت شاد و مسرور گردند.

و همچنین گروهی از کافران محض را به دنیا بر می‌گرداند تا از آنان انتقام بگیرد، و به قسمتی از عذابی که سزاوار بودند، برسند؛ و با خواری و رسوایی بدست شیعیان کشته شوند، و مقام والای کلمهٔ حضرتش را مشاهده نمایند.

در آن زمان عدل و داد و احسان در شرق و غرب زمین منتشر می‌شود ـ چنانکه خداوند در قرآن کریم به عدل و احسان امر فرموده است ـ و بندگان خدا در وفور نعمت و رزق و روزی زندگی می‌کنند طوری که زندگی آنها هم از لحاظ دنیوی و هم اخروی تأمین می‌گردد.

در آن روز، حقّ و حقّانیّت در مقرّ و قرارگاه گرامی و ستودهٔ خود مستقرّ می‌گردد، و دین اسلام بعد از آنکه کاملاً از بین رفته بود برگشته و تجدید می‌شود، و مردم از نو اسلام را پذیرفته جدید الإسلام می‌شوند.

آری؛ در آن روز است که فقط دین خدا در عرصهٔ گیتی حکمفرما می‌شود، پس گوارا باد بر اهلش، گوارا باد!

بارخدایا! در فرج و ظهور امام زمان ارواحنافداه تعجیل فرما، و قیام و خروج حضرتش را آسان کن، و ما را از کسانی که در تحت سایهٔ دولت کریمهٔ او زندگی می‌کنند و به دیدار والای حضرت و دوستان او مشرّف شده، و در پیشگاه او جهاد می‌کنند، و برای اعتلای گفتار او و گرامی داشت دین و ملّت او کشته شده و می‌کشند، قرار بده، به حقّ محمّد و آل و عترت محمّد صلی الله علیه و آله.[1]

---

۱. مفتاح الفلاح: ۵۰۲.

۲۰

صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ ، اَلَّذِينَ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً . أَللّٰهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيائَكَ وَأَوْلِيٰاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصٰارَهُ ، وَاجْعَلْنٰا مِنْهُمْ .

أَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بٰاغٍ وَطٰاغٍ ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمٰالِهِ ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ .

وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَانْصُرْ نٰاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ خٰاذِلِيهِ ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبٰابِرَةَ الْكَفَرَةِ ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّٰارَ وَالْمُنٰافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كٰانُوا مِنْ مَشٰارِقِ الْأَرْضِ وَمَغٰارِبِهٰا ، وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً ، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلٰامُ .

وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصٰارِهِ وَأَعْوٰانِهِ ، وَأَتْبٰاعِهِ وَشِيعَتِهِ ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مٰا يَأْمُلُونَ ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مٰا يَحْذَرُونَ ، إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ .[1]

---

۱. مصباح المتهجّد: ۴۰۵.



دعایی ازامام زمان عجّل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها

حمیری ﷺ طیّ نامه‌ای به محضر والای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نوشت و از حضرتش پرسید: آیادر آغاز نماز گفتنِ «**علی ملّة إبراهیم ودین محمّد** ﷺ»، جایز است؟ چون بعضی از اصحاب ما می‌گویند: اگر کسی در آغاز نماز بگوید: «علی دین محمّد ﷺ» او در دین بدعت گذارده است، ما در کتاب‌هایی که در مورد نماز نوشته شده چیزی در این رابطه پیدا نکردیم، جز حدیثی که در کتاب قاسم بن محمّد از جدّ خود حسن بن راشد نقل شده است.

حسن بن راشد گوید: امام صادق ﷺ به من فرمود:

نماز را چگونه آغاز می‌کنی؟

عرض کردم: می‌گویم: **لبّیك وسعدیك**.

حضرت امام صادق ﷺ فرمود:

منظور من این نبود، می‌پرسم: در آغاز نماز چگونه می‌گوئی:

«وجّهت وجهي للّذي فطر السماوات والأرض حنيفاً مسلماً»؟

«روی آوردم به جانب کسی که آسمانها و زمین را آفرید در حالی که خداپرست و مسلمان هستم».

حسن گفت: این دعا را همین گونه می‌خوانم.

حضرت صادق ﷺ فرمود:

هرگاه این دعا را خواندی بعد از آن بگو:

«علی ملّة إبراهیم ودین محمّد ومنهاج عليّ بن أبي طالب والإيتمام بآل

محمّد حنيفاً مسلماً وما أنا من المشركين».

بر مذهب ابراهیم علیه‌السلام و دین محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و روش علیّ بن ابی طالب علیه‌السلام هستم و پیرو آل محمّد علیهم‌السلام هستم، در حالی که خداپرست و مسلمان بوده و از مشرکین نیستم.

حضرت امام زمان ارواحنا فداه در جواب مرقوم فرمودند:

خواندن دعا در آغاز نماز واجب نیست، بلکه مستحبّ مؤکّد است، و آن از جهت اعتبار مانند اجماع است که خلافی در آن نیست (و در آغاز نماز چنین بگو):

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذي فَطَرَ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضَ حَنيفاً مُسْلِماً عَلىٰ مِلَّةِ إِبْرٰاهيمَ وَدينِ مُحَمَّدٍ وَهُدىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَمٰا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، إِنَّ صَلاٰتي وَنُسُكي وَمَحْيٰايَ وَمَماتي لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ، لاٰ شَريكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني مِنَ الْمُسْلِمينَ، أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنَ الشَّيْطٰانِ الرَّجيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ، سپس حمد را قرائت کن.[1]

۲۲

دعای حضرت صاحب الأمر عجّل الله تعالی فرجه

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه‌الله در «مهج الدعوات» این دعا را از جمله دعاهای امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

إِلٰهي بِحَقِّ مَنْ نٰاجٰاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعٰاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلىٰ فُقَرٰاءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْغِنٰاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلىٰ مَرْضَى الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالشِّفٰاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلىٰ أَحْيٰاءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلىٰ أَمْوٰاتِ

۱. بحار الأنوار: ۳۵۹/۸۴، به نقل از الإحتجاج: ۳۰۷/۲.

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلىٰ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ .[1]

٢٣

دعای سهم اللیل

از امام زمان ارواحنا فداه

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعْزِيزِ اعْتِزَازِ عِزَّتِكَ ، بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ ، بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ ، بِدَيْمُومِ قَيُّومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيعِ سَلْطَنَتِكَ ، بِسُعَاةِ صَلَاةِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ ، بِحَنِينِ أَنِينِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ ، بِحَرَقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ ، بِآمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ الصَّابِرِينَ ، بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ .

أَللّٰهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُولُ ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ ، وَبَعُدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلىٰ مَعْرِفَةِ تَلَأْلُؤِ لَمَعَانِ بُرُوقِ سَمَائِكَ .

أَللّٰهُمَّ مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ ، وَمُبْدِئَ نِهَايَةِ الْغَايَاتِ ، وَمُخْرِجَ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ

---

١. مهج الدعوات: ٣٥٢.

النَّباتِ ، يَا مَنْ شَقَّ صُمَّ جَلامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَاتِ ، وَأَنْبَعَ مِنْهَا مَاءً مَعِيناً حَيَاةً لِلْمَخْلُوقَاتِ ، فَأَحْيِنِي مِنْهَا الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتَ ، وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ .

يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ وَسَجَدَتْ لِجَلالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عِزَّةِ جَبَرُوتِ مَلَكُوتِ سَلْطَنَتِهِ مَلائِكَةُ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ ، يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومُ الزَّاهِرَاتُ ، وَأَحْصىٰ عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا ، و به جای کذا و کذا حاجات خود را مسألت می‌کنی .[1]

۲٤

دعای دیگر از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است :

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدىٰ وَالْإِسْتِقَامَةِ ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ ، وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ ، وَطَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسِّرْقَةِ ، وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ .

وَتَفَضَّلْ عَلىٰ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ ، وَعَلىٰ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ

۱. المصباح : ۳۵۴، البلد الأمين : ۴۷۹.

وَالرّاحَةِ ، وَعَلىٰ مَوْتاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلىٰ مَشايِخِنا بِالْوَقارِ وَالسَّكينَةِ ، وَعَلَى الشَّبابِ بِالْإِنابَةِ وَالتَّوْبَةِ ، وَعَلَى النِّساءِ بِالْحَياءِ وَالْعِفَّةِ ، وَعَلَى الْأَغْنِياءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَةِ ، وَعَلَى الْفُقَراءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَناعَةِ ، وَعَلَى الْغُزاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ ، وَعَلَى الْأُسَراءِ بِالْخَلاصِ وَالرّاحَةِ ، وَعَلَى الْأُمَراءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصافِ وَحُسْنِ السّيرَةِ ، وَبارِكْ لِلْحُجّاجِ وَالزُّوّارِ فِي الزّادِ وَالنَّفَقَةِ ، وَاقْضِ ما أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ .[1]

۲۵

دعای «یا نور النّور»

از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

این دعا را مرحوم کفعمی در «المصباح» از مولای ما امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

يا نُورَ النُّورِ ، يا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ لي وَلِشيعَتي مِنَ الضّيقِ فَرَجاً ، وَمِنَ الْهَمِّ مَخْرَجاً ، وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ ، وَأَطْلِقْ لَنا مِنْ عِنْدِكَ ما يُفَرِّجُ ، وَافْعَلْ بِنا ما أَنْتَ أَهْلُهُ يا كَريمُ .[2]

روایت شده: کسی که این دعا را اختیار نماید یعنی آن را دعای خود قرار داده و بخواند با صاحب الأمر صلوات الله علیه محشور می‌شود.[3]

---

۱. البلد الأمین: ۴۸۰، المصباح: ۳۷۴.

۲. المصباح: ۴۰۷، جنّات الخلود: ۴۱، ضیاء الصالحین: ۵۳۳، الجُنّة الواقیة والجَنّة الباقیة (مخطوط): ۵۹.

۳. منتخب الأثر: ۵۲۱.

۲۶

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات در کتاب «قصص الأنبیاء» از مولای ما صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل شده است:

یا مَنْ إِذٰا تَضٰایَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنٰا بٰاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَیْهِ الْأَوْهٰامُ، فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأُمُورِي الْمُتَضٰایِقَةِ بٰاباً لَمْ یَذْهَبْ إِلَیْهِ وَهْمٌ یٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِینَ.[1]

در «التحفة الرضویّة» از مرحوم علّامه سیّد حسن فرزند مرحوم آیة الله سیّد علی آقا شیرازی نقل کرده است که این دعا از حضرت حجّت عجّل الله تعالی فرجه وارد شده و فرموده است:

این دعا پس از نمازهای یومیّه و مواقع دیگر برای رسیدن به حوائج مهمّ خوانده می‌شود و آن دعا این است:

یا مَنْ إِذٰا تَضٰایَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَهٰا بٰاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَیْهِ الْأَوْهٰامُ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأُمُورِي الْمُتَضٰایِقَةِ بٰاباً لَمْ یَذْهَبْ إِلَیْهِ وَهْمٌ یٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِینَ.[2]

---

۱. قصص الأنبیاء: ۳۶۳.

۲. التحفة الرضویّة: ۱۱۴.

۲۷

دعای مهمّ دیگر از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت‌ها

در کتاب «الکلم الطیّب» می‌نویسد: این دعای عظیم الشأنی است که از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او گم شده یا حاجت مهمّی داشته باشد روایت شده است، و هر که حاجت مهمّی دارد این دعا را زیاد بخواند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَنْتَ اللهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبٰاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْقٰابِضُ الْبٰاسِطُ، وَأَنْتَ اللّٰهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، وٰارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهٰا.

أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي إِذٰا دُعيتَ بِهِ أَجَبْتَ، وَإِذٰا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَهُ عَلىٰ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لي حٰاجَتي، اَلسّٰاعَةَ السّٰاعَةَ.

يٰا سَيِّدٰاهُ، يٰا مَوْلاٰهُ، يٰا غِيٰاثٰاهُ، أَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسَكَ، وَاسْتَأْثَرْتَ بِهِ في عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلاٰصَنٰا مِنْ هٰذِهِ الشِّدَّةِ، يٰا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصٰارِ، يٰا سَمِيعَ الدُّعٰاءِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.[1]

---

۱. الکلم الطیّب: ۱۴.

۲۸

دعای امام عصر عجّل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری‌ها

محدّث نوری ﷺ می‌گوید: شیخ جلیل القدر کفعمی ﷺ در کتاب «البلد الأمین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه نقل می‌کند:

اگر بیماری این دعا را در ظرف تازه‌ای با تربت امام حسین ﷺ بنویسد و آن را بشوید و آبش را بخورد، از بیماری شفا پیدا می‌کند.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللهِ دَوٰاءٌ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ شِفٰاءٌ، وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كِفٰاءٌ، هُوَ الشّٰافِي شِفٰاءٌ، وَهُوَ الْكٰافِي كِفٰاءٌ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النّٰاسِ، شِفٰاءٌ لٰا يُغٰادِرُهُ سُقْمٌ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النُّجَبٰاءِ.

محدّث نوری ﷺ اضافه می‌کند و می‌گوید: با خطّ سیّد زین الدین علیّ بن الحسین حسینی ﷺ دیدم که چنین نوشته بود:

شخصی از مجاورین حرم امام حسین ﷺ بیمار بود، او در خواب حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه را می‌بیند، و از بیماری خود به حضرتش شِکوه می‌کند، حضرت این دعا را به او یاد می‌دهد و دستور می‌دهد که این دعا را همانگونه نوشته و آب آن را بخورد، او امر حضرت را اطاعت می‌کند و بلافاصله خوب می‌شود.[1]

---

۱. جنّة المأوی: ۲۲۶، دار السلام: ۲۸۸/۱.

۲۹

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه
برای رهایی از سختی‌ها و حفظ شدن از دزدها

مرحوم آیة‌الله شیخ علی اکبر نهاوندی می‌نویسد: شیخ علی اکبر طهرانی ـ ساکن مشهد مقدّس ـ برای ما قضیّه‌ای تعریف کرد و گفت: عالم متّقی شیخ محمّد تقی تربتی ـ که از اکابر فضلاء و علماء اخلاق و از شاگردان علّامه میرزا حبیب‌الله رشتی بود و اجازه‌ای از ایشان داشت ـ فرمود:

یکی از شاگردان متدیّن من ـ که از سادات شهر تربت بود ـ برای من تعریف کرد و گفت:

از زیارت عتبات عالیات برمی‌گشتم، همراه طلبه‌ای از خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم، از شدّت تشنگی و خستگی ناتوان شده، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم، قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند، افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند، و محمل‌ها شکسته و روی زمین افتاده بود.

ما از ترس به کناری رفته و در بالای تپّه‌ای ایستادیم، ناگاه دیدیم سیّد بزرگواری کنار ما ایستاده، به ما سلام عنایت فرمود، بعد هفت دانه خرمای زاهدی به من داد و فرمود: چهار دانه را خودت بخور، و سه دانهٔ آن را به شیخ بده. چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد، و فرمود: این دعا را به جهت رهایی از سختی‌ها، و محفوظ بودن از شرّ دزدها بخوانید:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَخٰافُكَ، وَأَخٰافُ مِمَّنْ يَخٰافُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّنْ لٰا يَخٰافُكَ.

پس از آن؛ اندکی با آن سیّد بزرگوار راه رفتیم، ناگاه اشاره کرد و فرمود: این منزل

شما است. نگاه کردیم، دیدیم منزل پائین آن تپّهٔ بود، و چون وارد منزل شدیم از شدّت خستگی خواب بر ما غلبه کرد، خوابیدیم، و متوجّه آنچه برای ما اتّفاق افتاده بود نشدیم، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولیّ عصر صاحب الزمان عجّل الله فرجه بوده است.[1]

۳۰

دعای دیگری از امام زمان عجّل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیّب» می‌نویسد: نسخه‌ای به خطّ یکی از سادات بزرگوار و مورد اطمینان دیدم که در آن نوشته بود:

در ماه رجب سال هزار و نود و سهٔ هجری قمری از برادر دانشمند اسماعیل بن حسین جابری انصاری شنیدم که می‌گفت: شیخ متّقی حاج علیّا مکّی گوید: برای احقاق حقّی در میان عدّه‌ای از دشمنان گرفتار شدم، ترسیدم که جانم با خطر مرگ مواجه شود، از این جهت خیلی ناراحت بودم.

روزی دعایی در جیب خود پیدا کردم، تعجّب کردم؛ زیرا که من از کسی دعا نگرفته بودم، و از این جریان در تحیّر بودم تا شبی در عالم خواب شخصی را که در لباس افراد شایسته و زهّاد بود دیدم او می‌گفت: فلان دعا را ما به تو دادیم، آن را بخوان تا از شدّت و پریشانی نجات پیدا کنی.

من که این گوینده را نمی‌شناختم به همین جهت، تعجّبم زیادتر شد، دفعهٔ بعد حضرت امام زمان ارواحنا فداه را در خواب دیدم حضرتش فرمود:

---

۱. العبقریّ الحسان: ۱۱۷/۱ المسك الأذفر.

دعایی را که به تو دادم بخوان، و به هر کسی که خواستی یاد بده.

دفعات متعدّدی این دعا را خواندم و به زودی گشایشی در کارم پیدا کردم، و این عمل را تجربه کردم، پس از مدّتی دعا را گم کردم، و خیلی ناراحت و متأسّف شدم، و از بدی عمل خود نادم و پشیمان بودم.

ناگاه شخصی آمد و به من گفت: دعای تو در فلان جا افتاده است، من نمی‌دانستم که آنجا رفته باشم، رفتم و دعا را برداشتم، و به شکرانهٔ آن سجدهٔ شکر بجای آوردم، و آن دعا این است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

رَبِّ أَسْئَلُكَ مَدَداً رُوحانِيّاً تَقْوىٰ بِهِ قُوٰايَ الْكُلِّيَّةُ وَالْجُزْئِيَّةُ، حَتّٰى أَقْهَرَ بِمَبٰادي نَفْسي كُلَّ نَفْسٍ قٰاهِرَةٍ، فَتَنْقَبِضَ لي إِشٰارَةُ دَقٰائِقِهٰا، اِنْقِبٰاضاً تَسْقُطُ بِهِ قُوٰيهٰا، حَتّٰى لٰا يَبْقٰى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلّٰا وَنٰارُ قَهْري قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ.

يٰا شَديدُ، يٰا شَديدُ، يٰا ذَا الْبَطْشِ الشَّديدِ، يٰا قٰاهِرُ يٰا قَهّٰارُ، أَسْئَلُكَ بِمٰا أَوْدَعْتَهُ عِزْرٰائِيلَ مِنْ أَسْمٰائِكَ الْقَهْرِيَّةِ، فَانْفَعَلَتْ لَهُ النُّفُوسُ بِالْقَهْرِ، أَنْ تُودِعَني هٰذَا السِّرَّ في هٰذِهِ السّٰاعَةِ، حَتّٰى أُلَيِّنَ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ، وَأُذَلِّلَ بِهِ كُلَّ مَنيعٍ، بِقُوَّتِكَ يٰا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتينِ.

این دعا هنگام سحر ـ در صورت امکان ـ سه مرتبه، و هنگام صبح سه مرتبه، و هنگام شب نیز سه مرتبه خوانده می‌شود، و اگر کارش بسیار مشکل بود، پس از خواندن آن سی مرتبه بگوید:

يٰا رَحْمٰانُ يٰا رَحيمُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ، أَسْئَلُكَ اللُّطْفَ بِمٰا جَرَتْ بِهِ الْمَقٰاديرُ.[1]

۱. الکلم الطیّب: ۱۰، جنّة المأوی: ۲۲۵، دار السلام: ۲۸۸/۱.

۳۱

حرز امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الأمین» این حرز را نقل کرده‌اند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يا مٰالِكَ الرِّقٰابِ، وَهٰازِمَ الْأَحْزٰابِ، يا مُفَتِّحَ الْأَبْوٰابِ، يا مُسَبِّبَ الْأَسْبٰابِ، سَبِّبْ لَنا سَبَباً لٰا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً، بِحَقِّ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.[1]

۳۲

دعای حجاب (پنهان بودن)

از امام عصر عجّل الله تعالی فرجه

أَللّٰهُمَّ احْجُبْني عَنْ عُيُونِ أَعْدٰائي، وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ أَوْلِيٰائي، وَأَنْجِزْ لي مٰا وَعَدْتَني، وَاحْفَظْني في غَيْبَتي إِلىٰ أَنْ تَأْذَنَ لي في ظُهُوري، وَأَحْيِ بي مٰا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ، وَعَجِّلْ فَرَجي، وَسَهِّلْ مَخْرَجي.

وَاجْعَلْ لي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰاناً نَصيراً، وَافْتَحْ لي فَتْحاً مُبيناً، وَاهْدِني صِرٰاطاً مُسْتَقيماً، وَقِني جَميعَ مٰا أُحٰاذِرُهُ مِنَ الظّٰالِمينَ، وَاحْجُبْني عَنْ أَعْيُنِ الْبٰاغِضينَ، اَلنّٰاصِبينَ الْعَدٰاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَلٰا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ.

---

۱. المصباح: ۴۰۷، مهج الدعوات: ۶۴.

فَإِذٰا أَذِنْتَ في ظُهُوري فَأَيِّدْني بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُني لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ، وَفي سَبِيلِكَ مُجٰاهِدِينَ، وَعَلىٰ مَنْ أَرٰادَني وَأَرٰادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ، وَوَفِّقْني لِإِقٰامَةِ حُدُودِكَ، وَانْصُرْني عَلىٰ مَنْ تَعَدّٰى مَحْدُودَكَ.

وَانْصُرِ الْحَقَّ، وَأَزْهِقِ الْبٰاطِلَ، إِنَّ الْبٰاطِلَ كٰانَ زَهُوقاً، وَأَوْرِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتي وَأَنْصٰاري مَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَيْنُ، وَيَشُدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ، وَاجْعَلْهُمْ في حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.[1]

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «مهج الدعوات» پس از ذکر این حجاب و حجاب‌های دیگر می‌فرماید: در ایّامی سیل عظیمی به راه افتاد، و آب همه جا را فرا گرفت، و مکان‌هایی که در مسیر سیل بودند از شدّت و زیادی آن منهدم می‌شدند، در آن روز سلامتی به خطر افتاده و زندگی سخت شد، من در چنین ایّامی به خواندن این حجاب‌ها ملهم شدم، که راستی در آن دوران؛ زندگی فقط با اجابت دعاها امکان پذیر بود، و این حجاب‌ها بودند که موانع را برطرف کرده، و ضامن سلامتی ما از این حوادث ناگوار بودند. پس خدای را بر این نعمت سپاسگزاریم.[2]

۳۳

دعا برای فرَج در روز ظهور

مرحوم شیخ نعمانی در کتاب «الغیبة» از یونس بن ظبیان از امام صادق ﷺ نقل کرده است که آن حضرت فرمودند:

هرگاه شب جمعه شود، خداوند تعالی ملکی را به سوی آسمان دنیا می‌فرستد و

۱. مهج الدعوات: ۳۶۰، المصباح: ۲۹۶.
۲. مهج الدعوات: ۳۶۱.

آنگاه که فجر طالع شد، این ملک بر عرش بالای بیت المعمور می‌نشیند و برای محمّد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام منبرهایی از نور نصب می‌شود، آنها بالای منبر رفته و ملائکه و انبیاء و مؤمنین به سوی آنان گرد می‌آیند، درب‌های آسمان گشوده می‌شود، به هنگام زوال خورشید رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به خداوند می‌گوید: ای پروردگار هنگام وعده‌ای که به آن در کتاب وعده داده‌ای فرا رسیده است:

﴿وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً﴾[1].

سپس ملائکه و انبیاء همانند آن را می‌گویند، آنگاه محمّد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام به سجده می‌افتند سپس می‌گویند:

يا رَبِّ إِغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هُتِكَ حَرِيمُكَ، وَقُتِلَ أَصْفِيَاؤُكَ، وَأُذِلَّ عِبادُكَ الصّالِحُونَ.

پس خداوند آنچه راکه بخواهد انجام می‌دهد و آن روز معلوم (روز ظهور) است.[2]

۳۴

دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در اوّل ظهور

مفضّل در ضمن روایتی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: ای آقای من؛ حضرت مهدی صلوات الله علیه از کجا ظهور می‌کند؟ و چگونه ظاهر می‌شود؟

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۵۵.

۲. مکیال المکارم: ۳۹۳/۱، از الغیبة مرحوم نعمانی: ۲۷۶.

حضرت فرمود:

ای مفضّل! او به تنهایی ظهور می‌کند، به تنهایی به خانهٔ خدا می‌رود، به تنهایی وارد کعبه می‌شود، و به تنهایی شب می‌کند.

چون چشم‌ها به خواب می‌روند و تاریکی شب همه جا را فرا می‌گیرد جبرئیل و میکائیل با گروهی از ملائکه به سوی او فرود می‌آیند، و جبرئیل رو به آن حضرت می‌کند و می‌گوید: ای آقای من! سخن تو پذیرفته و فرمان تو عمل می‌شود.

حضرت دست مبارکش را بر چهرهٔ مبارک خود می‌کشد و می‌گوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي صَدَقَنا وَعْدَهُ، وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ، نَتَبَوَّءُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلينَ.[1]

۳۵

دعای شیعه

هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر گاه اراده داری که خداوند تو را از غرق شدن و سوختن و دزدی محفوظ نگه دارد، وقتی که صبح نمودی بگو:

بِسْمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ، لا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللهُ، بِسْمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ، لا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللهُ، بِسْمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ، ما يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللهِ، بِسْمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، بِسْمِ اللهِ ما شاءَ اللهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ.

---

۱. بحار الأنوار: ۷/۵۳.

زیراکسی که این دعا را هنگام صبح سه مرتبه بخواند از غرق شدن و سوختن و دزدی تا هنگام شب در امان است، و هرکس آن را سه مرتبه هنگام شب بخواند تا صبح از آن‌ها در امان است.

و خضر و الیاس علیهما السلام هر سال در موسم حجّ با هم ملاقات می‌نمایند و هنگام جدا شدن از یکدیگر این کلمات را می‌خوانند و **این دعا شعار شیعهٔ من است و به وسیلهٔ این دعا دشمنان من از اولیاء من در روزی که قائم آنان قیام کند شناخته می‌شوند.**[1]



دعای آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

گویا می‌بینم او (حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه) راکه سوار بر اسبی است، اسبی که چهار دست و پای او سفید است و پیشانی او از سفیدی می‌درخشد، او از وادی السلام به طرف سیل‌گاه سهله عبور می‌کند و دعا می‌نماید، و در دعایش می‌گوید:

لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ حَقّاً حَقّاً، لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ إِيمٰاناً وَصِدْقاً، لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ تَعَبُّداً وَرِقّاً. أَللّٰهُمَّ مُعِزَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ، وَمُذِلَّ كُلِّ جَبّٰارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كَنَفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذٰاهِبُ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمٰا رَحُبَتْ.

أَللّٰهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيّاً عَنْ خَلْقِي، وَلَوْلٰا نَصْرُكَ إِيّٰايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يٰا

---

۱. بحار الأنوار: ۲۴/۳۹، مکیال المکارم: ۱۹۳/۱.

مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَواضِعِها، وَمُخْرِجَ الْبَرَكاتِ مِنْ مَعادِنِها، وَيا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِياؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، يا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلىٰ أَعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلٌّ لَكَ مُذْعِنُونَ.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لي أَمْري، وَتُعَجِّلَ لي فِي الْفَرَجِ، وَتَكْفِيَني وَتُعافِيَني وَتَقْضِيَ حَوائِجي، اَلسّاعَةَ السّاعَةَ، اَللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.[1]

۳۷

صلوات بر حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام
(أللّهمّ صلّ علىٰ فاطمة وأبيها ...)

یکی از صلوات‌های مجرّب و مؤثّر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ فاطِمَةَ وَأَبيها وَبَعْلِها وَبَنيها [وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فيها] بِعَدَدِ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

این ختم در کتب قدیمهٔ دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمه الله در میان زبان‌ها افتاده و معروف شده است.

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱ـ اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری

۱. العدد القويّة: ۷۵، دلائل الإمامة: ۴۵۸ با اندکی تفاوت.

شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه صادر شده است.

۲ـ مقصود از «**السرّ المُستودع فیها**» حضرت حجّت عجّل الله تعالی فرجه می‌باشد.[۱]

۳۸

ثواب خواندن سورهٔ مبارکهٔ «کهف»

در این بخش خواصّ بعضی از سوره‌ها راکه مربوط به مطالب این کتاب است نقل می‌نمائیم:

۱ـ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

> کسی که سورهٔ کهف را بخواند هشت شبانه روز از هرگونه فتنه‌ای محفوظ خواهد بود و اگر دجّال در این هشت روز خروج کند خداوند او را از **فتنهٔ دجّال** نگاه می‌دارد.

۲ـ در حدیث دیگری آن بزرگوار فرمودند:

> کسی که ده آیه از سورهٔ کهف را از حفظ بخواند **فتنهٔ دجّال** به او زیان نمی‌رساند و اگر همهٔ آنها را بخواند وارد بهشت می‌شود.

۳ـ و در روایت دیگر آن حضرت فرمودند:

> کسی که ده آیه از اوّل سورهٔ کهف را حفظ نماید و سپس **دجّال** را درک کند به او ضرری نمی‌رساند و کسیکه اواخر سورهٔ کهف را حفظ کند برای او در روز قیامت نور و روشنایی خواهد بود.[۲]

---

۱. رجوع کنید به: «الصحیفة المبارکة المهدیّة».

۲. مکیال المکارم: ۱۶۶/۱.



از خواصّ سورهٔ «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیّه‌ای را در فضیلت سورهٔ مبارکه «یَس» برایم نقل کرد:

یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می‌شود، در حالی که آن بزرگوار را نمی‌شناسد، حضرت به او می‌فرمایند:

> سورهٔ «یس» را بخوان، چون به کلمهٔ «مبین»، که در شش مورد آمده است، رسیدی حاجت خود را نیّت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید.

گفت: چون در سورهٔ «یس» تأمّل کردم، دیدم کلمهٔ «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجّب کردم، ولی چون دقّت نمودم، فهمیدم که در شش مورد کلمهٔ «مبین» بدون «الف و لام» آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است، آن‌گاه سوره را همان طوری که حضرت فرموده بودند خواندم، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد.



فضیلت سوره‌های «مسبّحات»

جناب جابر جعفی می‌فرماید: از امام باقر علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس هنگام شب پیش از آنکه بخوابد؛ سوره‌های «مسبّحات» را

بخواند، نمی‌میرد تا اینکه حضرت قائم (صلوات الله علیه) **را درک کند، و اگر** بمیرد در جوار پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد.[۱]

طریحی ﷺ می‌گوید: سوره‌هایی را که اوّل آنها با تسبیح شروع می‌شود «مسبّحات» گویند.

مولا محمّد صالح مازندرانی ﷺ می‌گوید: گفته شده است: به سوره‌هایی که اوّل آنها با «سَبَّحَ» یا «یُسَبِّح» یا «سَبِّحْ» یا «سُبْحانَ» آغاز می‌شود مسبّحات هستند، بنابراین احتمال، مسبّحات هفت تا هستند که عبارتند از سوره‌های: اسراء، حدید، حشر، صفّ، جمعه، تغابن، اعلی.

ولی مرحوم کفعمی در حاشیهٔ کتاب «المصباح» هنگام نقل این روایت می‌گوید: مسبّحات اشاره به پنج سوره است، و به جز اوّلی و آخری (اسراء و اعلی) همه را می‌شمارد.

این مطلب از کلام شیخ صدوق ﷺ نیز روشن می‌شود، زیرا که او این روایت را در فضیلت سورهٔ «تغابن» ـ که آخرین سوره از مسبّحات است ـ آورده است، و علّامهٔ مجلسی ﷺ در «حلیة» و فیض کاشانی ﷺ در «وافی» نیز همین مطلب را گفته‌اند.

یکی از اهل فضل می‌گوید: آنچه از مضمون حدیث شریف به دست می‌آید اینستکه با یک مرتبه خواندن درک حضرت قائم صلوات الله علیه و جوار پیامبر ﷺ محقّق می‌شود، ولی چون در این مقام هدف ترغیب و تشویق بر خواندن این سوره‌ها است تا اینکه روش و عادت خوبی باشد. بنابراین درک و جوار با تکرار و عادت محقّق می‌شود، و روشن است که اگر گاهی این عمل ترک شود ضرری به تکرار ـ که مستلزم درک و جوار است ـ نمی‌رساند.

مطلب دیگر اینکه مراد از درک حضرت قائم صلوات الله علیه طوری است که بدانند ایشان امام زمانند، و این مسأله دو علّت دارد: یا اینکه مسبّحات شامل ذکر حضرت

---

۱. ثواب الأعمال: ۱۱۸.

قائم ارواحنا فداه و صفات و احوال آن حضرت است، گرچه بخصوصه ایـن مـطلب را نداند، و یا در اثر خاصیّت دیگری است، و این گونه تأثیر در سوره‌ها و آیات دیگری که ثواب و پاداش معیّنی برای آنها گفته شده؛ وجود دارد.[۱]

مؤلّف گوید: دربارهٔ «آیة الکرسی» و آیهٔ شریفهٔ «نور» و آیهٔ ﴿**ربّ أدخلني**﴾ و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با ایـن مـوضوع است، ولی از نـقل آن‌هـا صرف‌نظر نمودیم.

باید توجّه داشته باشیم که عالی‌ترین راه برای تشرّف به محضر مقدّس حـضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجّه و رضایت کامل آن بزرگوار می‌باشد.

٤١

خواندن سورهٔ «القارعة» سبب ایمنی از فتنهٔ دجّال است

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

> کسی که سورهٔ «القارعة» را بخواند خداوند او را از **فتنهٔ دجّال** و ایمان آوردن به او، و از چرک‌های دوزخ ایمن نگه می‌دارد.[۲]

---

۱. دار السلام: ۹۱/۳.

۲. المصباح: ۶۰۰، ثواب الأعمال: ۱۲۵.

بخش هفتم

توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

مرحوم آیة الله مستنبط رضوان الله علیه می‌گوید: از نظر عقلی و نقلی بر ما لازم است که به ذیل عنایات و الطاف حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه چنگ بزنیم، و در سختی‌ها، دردها، نیازها و امور مهمّ به او پناه ببریم، زیرا ایشان سلطان وقت و امام عصر است، گر چه از ما پنهان است، امّا ما را می‌بیند و ـ این ما هستیم که او را نمی‌بینیم یا می‌بینیم و نمی‌شناسیم ـ انوار عنایت حضرتش بر ما می‌تابد، و هر کس از ما به آن بزرگوار متوسّل شود حاجتش را برآورده می‌نماید.

مرحوم مستنبط اضافه می‌کند و می‌گوید: من شخصاً از این توسّل اثرهای شگفت انگیزی دیده و نتیجه‌های حیرت انگیزی بدست آورده‌ام، که هرگز تخلّفی از آن مشاهده نکرده‌ام.

آری؛ کسی که لذّت آثار این توسّل را نچشیده، هرگز نمی‌تواند آن را درک کرده و بفهمد، «**بنفسي [أنت] من مغيّب لم يخل منّا**».[1]

جریان دعای توسّل خواجه نصیر رحمه الله

مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی اهل قریهٔ جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتّفاق افتاده که مادّهٔ تاریخ او با آیهٔ کریمهٔ ﴿ **جٰاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبٰاطِلُ إِنَّ الْبٰاطِلَ كٰانَ زَهُوقاً** ﴾[2]

---

۱. التحفة الرضویّة: ۱۶۰.

۲. سورهٔ اسراء، آیهٔ ۸۱.

موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجّهٔ سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است.

علاّمهٔ عراقی در کتاب «دار السلام» می‌نویسد: بنا بر آنچه در زبان‌ها افتاده و در بعضی از کتاب‌ها نوشته شده:

خواجه نصیر مدّت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفهٔ عبّاسی برساند.

اتّفاقاً وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شطّ بغداد بودند. خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام نمود از شدّت بغض، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت: «أعجبني تلمّه»؛ یعنی: صدای افتادن این کتاب در آب، مرا به تعجّب درآورد.

پس رو به آن جناب کرد و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوان یا از خران آن محلّ هستی؟

خواجه فرمود: از گاوان آن محلّم!

ابن حاجب گفت: پس شاخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته‌ام می‌روم و آن را می‌آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتّفاقاً شبی در خواب بقعه‌ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره‌ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده‌اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسّل خواجه نصیر نوشته‌اند **و حضرت حجّت عجّل الله فرجه در آن بقعه می‌باشد**.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیّت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود. بار دیگر خوابید و همان جریان را دو

مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشتهٔ تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام‌گیری از آن‌ها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش به اجابت مقرون شد، **و حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه** او را بشارت داد که حاجتت به دست کودکی روا می‌گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محلّهٔ آن کودک را تعیین کرد و خانهٔ او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آن‌ها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکوخان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حدّ رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می‌کنی؟

هلاکو گفت: تو را وزیر خود می‌کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می‌گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدّت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطهٔ تصرّف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفهٔ عبّاسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانهٔ شخصی پنهان شد و طشتی را پر از خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هر چند از او جویا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود

که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با آنان شرط کند هر کس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اوّل تحویل دهد، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد.

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد.

ابن حاجب گفت: باید بچّهٔ گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفهٔ کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هر چه در آن روز فربه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی‌شود.

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد، دیدند همهٔ آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده‌اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است.

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانهٔ آن شخص است و این تدبیر او بوده است.

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آن‌ها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند، خواجه به او گفت: شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعدهٔ آوردن او را به تو دادم.

بعد او را با خود به کنار شطّ برد و دستور داد همهٔ کتاب‌های او را حاضر کردند؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است، در آب انداخت و گفت: «أعجبني تلمّه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجّب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد.[1]

این جریان را دربارهٔ **صدور این دعا از حضرت بقیّة الله ارواحنافداه** ذکر نموده‌اند، ولی

۱. دار السلام عراقی: ۳۳۳.

همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیّه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حملهٔ هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشهٔ خواجه نصیرالدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیّه، نکاتی وجود دارد که صحّت جریان مذکور را خدشه‌دار می‌کند:

۱ ـ آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریّه[1] واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیّاتی که در این قضیّه نقل شده است.

۲ ـ مرگ او نُه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیر الدین طوسی ﷺ زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳ ـ همان گونه که خواجه نصیر الدین ﷺ بر اثر استفاده از رمل، شهر و محلّ هلاکو را بدست آورد آیا نمی‌توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون‌هایی که بالای آن‌ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می‌توان از آن استفاده نمود؟

از همهٔ این‌ها گذشته خواجه می‌توانست با رمل، گوسفندی را که در خانهٔ میزبان ابن حاجب بوده معیّن کند و نیازی به شرط کردنِ عدم تغییر در وزن نداشت.

با این همه، در اهمیّت دعای توسّلِ منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلّف این کتاب در حلّ برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است.

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده‌اند: از مقدّس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیه نایل شوی؟

ایشان در جواب فرمودند: **مداومت به دعای توسّل خواجه نصیر**.

۱

۱. العلّامة الخواجة نصیرالدین الطوسي: ۷۹.

دعای توسّل

معروف به دعای توسّل خواجه نصیر رحمه‌الله

این دعا را سیّد بزرگوار، علیّ بن طاووس رحمه‌الله در «مهج الدعوات» نقل نموده است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبٰارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهٰاشِمِيِّ الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التِّهٰامِيِّ، اَلسَّيِّدِ الْبَهِيِّ، اَلسِّرٰاجِ الْمُضِيءِ، اَلْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ، صٰاحِبِ الْوَقٰارِ وَالسَّكِينَةِ، اَلْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ، اَلْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ، اَلْمُصْطَفَى الْأَمْجَدِ، اَلْمَحْمُودِ الْأَحْمَدِ، حَبِيبِ إِلٰهِ الْعٰالَمِينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخٰاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَحْمَةٍ لِلْعٰالَمِينَ، أَبِي الْقٰاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اَلصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْقٰاسِمِ يٰا رَسُولَ اللهِ، يٰا إِمٰامَ الرَّحْمَةِ، يٰا شَفِيعَ الْأُمَّةِ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبٰارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمٰامِ الْمُظَفَّرِ، وَالشُّجٰاعِ الْغَضَنْفَرِ، أَبِي شُبَيْرَ وَشَبَرَ، قٰاسِمِ طُوبىٰ وَسَقَرَ، اَلْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، اَلْأَشْجَعِ الْمَتِينِ، اَلْأَشْرَفِ الْمَكِينِ، اَلْعٰالِمِ الْمُبِينِ، اَلنّٰاصِرِ الْمُعِينِ، وَلِيِّ الدِّينِ، اَلْوٰالِي الْوَلِيِّ، اَلسَّيِّدِ الرِّضِيِّ، اَلْإِمٰامِ الْوَصِيِّ، اَلْحٰاكِمِ بِالنَّصِّ الْجَلِيِّ، اَلْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، اَلْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَنِي غٰالِبٍ، مَظْهَرِ الْعَجٰائِبِ، وَمُظْهِرِ الْغَرٰائِبِ، وَمُفَرِّقِ الْكَتٰائِبِ،

وَالشِّهٰابِ الثّاقِبِ ، وَالْهِزَبْرِ السّالِبِ ، نُقْطَةِ دٰائِرَةِ الْمَطٰالِبِ ، أَسَدِ اللهِ الْغٰالِبِ ، غٰالِبِ كُلِّ غٰالِبٍ ، وَمَطْلُوبِ كُلِّ طٰالِبٍ ، صٰاحِبِ الْمَفٰاخِرِ وَالْمَنٰاقِبِ ، إِمٰامِ الْمَشٰارِقِ وَالْمَغٰارِبِ ، مَوْلاٰنٰا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ ، اَلْإِمٰامِ أَبِي الْحَسَنَيْنِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَيْهِ .

اَلصَّلاٰةُ وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبَا الْحَسَنِ ، يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ ، يٰا عَلِيَّ بْنَ أَبي طٰالِبٍ ، يٰا أَخَ الرَّسُولِ ، يٰا زَوْجَ الْبَتُولِ ، يٰا أَبَا السِّبْطَيْنِ ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يٰا سَيِّدَنٰا يٰا مَوْلاٰنٰا ، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ ، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبٰارِكْ عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ ، اَلْمَعْصُومَةِ الْمَظْلُومَةِ ، اَلْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ ، اَلْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيلَةِ ، ذٰاتِ الْأَحْزٰانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ ، اَلرَّضِيَّةِ الْحَلِيمَةِ ، اَلْعَفِيفَةِ السَّلِيمَةِ ، اَلْمَجْهُولَةِ قَدْراً ، وَالْمَخْفِيَّةِ قَبْراً ، اَلْمَدْفُونَةِ سِرّاً ، وَالْمَغْصُوبَةِ جَهْراً ، سَيِّدَةِ النِّسٰاءِ ، اَلْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرٰاءِ ، أُمِّ الْأَئِمَّةِ النُّقَبٰاءِ النُّجَبٰاءِ ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيٰاءِ ، اَلطّٰاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ ، اَلْبَتُولِ الْعَذْرٰاءِ ، فٰاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّهْرٰاءِ عَلَيْهَا السَّلاٰمُ .

اَلصَّلاٰةُ وَالسَّلاٰمُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِكِ يٰا فٰاطِمَةُ الزَّهْرٰاءُ ، يٰا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ ، أَيَّتُهَا الْبَتُولُ ، يٰا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، يٰا بَضْعَةَ النَّبِيِّ ، يٰا أُمَّ السِّبْطَيْنِ ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يٰا سَيِّدَتَنٰا وَمَوْلاٰتَنٰا ، إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكِ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْنٰاكِ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ ، يٰا وَجِيهَةً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعِي لَنٰا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبٰارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبىٰ ، وَالْإِمٰامِ الْمُرْتَجىٰ ، سِبْطِ الْمُصْطَفىٰ ، وَابْنِ الْمُرْتَضىٰ ، عَلَمِ الْهُدىٰ ، اَلْعٰالِمِ الرَّفِيعِ ، ذِي الْحَسَبِ الْمَنِيعِ ،

وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ ، وَالشَّرَفِ الرَّفِيعِ ، اَلشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ ، اَلْمَقْتُولِ بِالسَّمِّ النَّقِيعِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ ، اَلْعالِمِ بِالْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ ، صاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ ، كاشِفِ الضُّرِّ وَالْبَلْوىٰ وَالْمِحَنِ ، ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ ، اَلَّذي عَجَزَ عَنْ عَدِّ مَدائِحِهِ لِسانُ اللُّسَنِ ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ ، أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا مُحَمَّدٍ ، يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الْمُجْتَبىٰ ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ ، يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الزّاهِدِ ، وَالْإِمامِ الْعابِدِ ، اَلرّاكِعِ السّاجِدِ ، وَلِيِّ الْمَلِكِ الْماجِدِ ، وَقَتيلِ الْكافِرِ الْجاحِدِ ، زَيْنِ الْمَنابِرِ وَالْمَساجِدِ ، صاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلاءِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلاءَ ، سِبْطِ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ ، وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ ، مَوْلانا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ أَبي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ (صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ ، يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يَابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ ، يا سَيِّدَ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلىٰ أَبِي الْأَئِمَّةِ ، وَسِراجِ الْأُمَّةِ ، وَكاشِفِ الْغُمَّةِ ، وَمُحْيِي السُّنَّةِ ، وَسَنِيِّ الْهِمَّةِ ، وَرَفيعِ الرُّتْبَةِ ، وَأَنيسِ الْكُرْبَةِ ، وَصاحِبِ النُّدْبَةِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طيبَةَ ، اَلْمُبَرَّءِ مِنْ كُلِّ شَيْنٍ ، وَأَفْضَلِ الْمُجاهِدِينَ ، وَأَكْمَلِ الشّاكِرِينَ وَالْحامِدِينَ ، شَمْسِ نَهارِ الْمُسْتَغْفِرِينَ ، وَقَمَرِ لَيْلَةِ الْمُتَهَجِّدِينَ ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ

الْعٰابِدِينَ ، أَبي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (صَلَوٰاتُ اللهِ وَسَلٰامُهُ عَلَيْهِمٰا) .

اَلصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا مُحَمَّدٍ ، يٰا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يٰا زَيْنَ الْعٰابِدِينَ ، أَيُّهَا السَّجّٰادُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ ، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبٰارِكْ عَلىٰ قَمَرِ الْأَقْمٰارِ ، وَنُورِ الْأَنْوٰارِ ، وَقٰائِدِ الْأَخْيٰارِ ، وَسَيِّدِ الْأَبْرٰارِ ، وَالطُّهْرِ الطّٰاهِرِ ، وَالْبَدْرِ الْبٰاهِرِ ، وَالنَّجْمِ الزّٰاهِرِ ، وَالْبَحْرِ الزّٰاخِرِ ، وَالدُّرِّ الْفٰاخِرِ ، اَلْمُلَقَّبِ بِالْبٰاقِرِ ، اَلسَّيِّدِ الْوَجِيهِ ، اَلْإِمٰامِ النَّبِيهِ ، اَلْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِيهِ ، اَلْحِبْرِ الْمَلِيِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ وَالْوَلِيِّ ، اَلْإِمٰامِ بِالْحَقِّ الْأَزَلِيِّ ، أَبي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلٰامُ .

اَلصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا جَعْفَرٍ يٰا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الْبٰاقِرُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ ، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبٰارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصّٰادِقِ الصِّدِّيقِ ، اَلْعٰالِمِ الْوَثِيقِ ، اَلْحَلِيمِ الشَّفِيقِ ، اَلْهٰادي إِلَى الطَّرِيقِ ، اَلسّٰاقي شِيعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ ، وَمُبَلِّغِ أَعْدٰائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ ، صٰاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ ، وَالْحَسَبِ الْمَنِيعِ ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ ، اَلشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ ، اَلْمَدْفُونِ بِالْبَقِيعِ ، اَلْمُهَذَّبِ الْمُؤَيَّدِ ، اَلْإِمٰامِ الْمُمَجَّدِ أَبي عَبْدِاللهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوٰاتُ اللهِ وَسَلٰامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِ اللهِ ، يٰا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الصّٰادِقُ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يٰا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا

وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ ، وَالْإِمامِ الْحَلِيمِ ، وَسَمِيِّ الْكَلِيمِ ، اَلصّابِرِ الْكَظِيمِ ، قائِدِ الْجَيْشِ ، اَلْمَدْفُونِ بِمَقابِرِ قُرَيْشٍ ، صاحِبِ الشَّرَفِ الْأَنْوَرِ ، وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ ، وَالْجَبِينِ الْأَطْهَرِ [الْأَزْهَرِ خ] ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ أَبِي إِبْراهِيمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا إِبْراهِيمَ ، يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، أَيُّهَا الْكاظِمُ ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ ، وَالْإِمامِ الْمَظْلُومِ ، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُومِ ، وَالْغَرِيبِ الْمَغْمُومِ ، وَالْقَتِيلِ الْمَحْرُومِ ، عالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ ، بَدْرِ النُّجُومِ ، شَمْسِ الشُّمُوسِ ، وَأَنِيسِ النُّفُوسِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسٍ ، اَلرَّضِيِّ الْمُرْتَضىٰ ، اَلْمُرتَجَى الْمُجْتَبىٰ ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا (صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبَا الْحَسَنِ ، يا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضا ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعادِلِ الْعالِمِ ، اَلْعامِلِ الْكامِلِ ، اَلْفاضِلِ الْباذِلِ ، اَلْأَجْوَدِ اَلْجَوادِ ، اَلْعارِفِ بِأَسْرارِ الْمَبْدَءِ وَالْمَعادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ ، مَناصِ

الْمُحِبّينَ يَوْمَ يُنادِ الْمُنادِ ، اَلْمَذْكُورِ فِي الْهِدايَةِ وَالْإِرْشادِ ، اَلْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدادَ ، اَلسَّيِّدِ الْعَرَبِيِّ ، وَالْإِمامِ الْأَحْمَدِيِّ ، وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ ، اَلْمُلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ ، اَلْإِمامِ بِالْحَقِّ أَبي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلامُ .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا جَعْفَرٍ ، يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوادُ ، يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يا حُجَّةَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ ، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلَى الْإِمامَيْنِ الْهُمامَيْنِ ، اَلسَّيِّدَيْنِ السَّنَدَيْنِ ، اَلْفاضِلَيْنِ الْكامِلَيْنِ ، اَلْباذِلَيْنِ الْعادِلَيْنِ ، اَلْعالِمَيْنِ الْعامِلَيْنِ ، اَلْأَوْرَعَيْنِ الْأَطْهَرَيْنِ ، اَلنُّورَيْنِ النَّيِّرَيْنِ ، وَالشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ ، اَلْكَوْكَبَيْنِ الْأَسْعَدَيْنِ ، وارِثَيِ الْمَشْعَرَيْنِ ، وَأَهْلَيِ الْحَرَمَيْنِ ، كَهْفَيِ التُّقىٰ ، غَوْثَيِ الْوَرىٰ ، بَدْرَيِ الدُّجىٰ ، طَوْدَيِ النُّهىٰ ، عَلَمَيِ الْهُدىٰ ، اَلْمَدْفُونَيْنِ بِسُرَّ مَنْ رَأىٰ ، كاشِفَيِ الْبَلْوىٰ وَالْمِحَنِ ، صاحِبَيِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ ، اَلْإِمامَيْنِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَأَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِما) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكُما يا أَبَا الْحَسَنِ وَيا أَبا مُحَمَّدٍ ، وَيا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَيا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا النَّقِيُّ الْهادي وأَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ ، يَابْنَيْ رَسُولِ اللهِ ، يَابْنَيْ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، يا حُجَّتَيِ اللهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، يا سَيِّدَيْنا وَمَوْلَيَيْنا إِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكُما إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناكُما بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، يا وَجيهَيْنِ عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعا لَنا عِنْدَ اللهِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَبارِكْ عَلىٰ صاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ ، وَالصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ ، وَالْعِصْمَةِ الْفاطِمِيَّةِ ، وَالْحِلْمِ الْحَسَنِيَّةِ ، وَالشَّجاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ ، وَالْعِبادَةِ

السَّجّٰادِيَّةِ ، وَالْمَآثِرِ الْبٰاقِرِيَّةِ ، وَالْآثٰارِ الْجَعْفَرِيَّةِ ، وَالْعُلُومِ الْكٰاظِمِيَّةِ ، وَالْحُجَجِ الرَّضَوِيَّةِ ، وَالْجُودِ التَّقَوِيَّةِ ، وَالنَّقٰاوَةِ النَّقَوِيَّةِ ، وَالْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ ، وَالْغَيْبَةِ الْإِلٰهِيَّةِ ، اَلْقٰائِمِ بِالْحَقِّ ، وَالدّٰاعي إِلَى الصِّدْقِ الْمُطْلَقِ ، كَلِمَةِ اللهِ وَأَمٰانِ اللهِ وَحُجَّةِ اللهِ ، اَلْغٰالِبِ بِأَمْرِ اللهِ ، وَالذّٰابِّ عَنْ حَرَمِ اللهِ ، إِمٰامِ السِّرِّ وَالْعَلَنِ ، دٰافِعِ الْكَرْبِ وَالْمِحَنِ ، صٰاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ ، اَلْإِمٰامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقٰاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ ، صٰاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمٰانِ ، وَخَلِيفَةِ الرَّحْمٰانِ ، وَإِمٰامِ الْإِنْسِ وَالْجٰانِّ (صَلَوٰاتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَيْهِ) .

اَلصَّلاةُ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا وَصِيَّ الْحَسَنِ ، وَالْخَلَفَ الصّٰالِحَ ، يٰا إِمٰامَ زَمٰانِنٰا ، اَلْقٰائِمَ الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيَّ ، يٰا سَيِّدَنٰا وَمَوْلاٰنٰا إِنّٰا تَوَجَّهْنٰا وَاسْتَشْفَعْنٰا وَتَوَسَّلْنٰا بِكَ إِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْنٰاكَ بَيْنَ يَدَيْ حٰاجٰاتِنٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ ، يٰا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ ، إِشْفَعْ لَنٰا عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ .

آن گاه حاجات خود را از خداوند متعال بخواهد و دست‌های خود را به طرف آسمان بلند نموده و بگوید:

يٰا سٰادَتي وَمَوٰالِيَّ ، إِنّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ ، أَنْتُمْ أَئِمَّتِي وَعُدَّتي لِيَوْمِ فَقْري وَفٰاقَتي وَحٰاجَتي إِلَى اللهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللهِ ، وَبِحُبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ أَرْجُو النَّجٰاةَ مِنَ اللهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللهِ تَعٰالىٰ رَجٰائي ، يٰا سٰاداتي يٰا أَوْلِيٰاءَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰؤُلاٰءِ أَئِمَّتُنٰا وَسٰادَتُنٰا وَقٰادَتُنٰا وَكُبَرٰائُنٰا وَشُفَعٰاؤُنٰا ، بِهِمْ أَتَوَلّٰى وَمِنْ أَعْدٰائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ .

أَللّٰهُمَّ وٰالِ مَنْ وٰالاٰهُمْ ، وَعٰادِ مَنْ عٰاداٰهُمْ ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ ، وَالْعَنْ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَهُمْ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، آمِينَ يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ .

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا فِي الدُّنْيا زِيارَتَهُمْ، وَفِي الْآخِرَةِ شَفاعَتَهُمْ، وَاحْشُرْنا مَعَهُمْ وَفي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ، وَلاتُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[1]

۲

دعای توسّل
به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه

در کتاب «قبس المصباح» دعای توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ـ که دعایی است مختصر ـ چنین نقل شده است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صاحِبِ الزَّمانِ إِلّا أَعَنْتَني بِهِ عَلىٰ جَميعِ أُمُوري، وَكَفَيْتَني بِهِ مَؤُونَةَ كُلِّ مُوذٍ وَطاغٍ وَباغٍ، وَأَعَنْتَني بِهِ، فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودي، وَكَفَيْتَني كُلَّ عَدُوٍّ وهَمٍّ [وَغَمٍّ] وَدَيْنٍ، وَوُلْدي وَجَميعَ أَهْلي وَإِخْواني، وَمَنْ يُعْنيني أَمْرُهُ وَخاصَّتي، آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ.[2]

در کتاب «جنّات الخلود» می‌گوید: غلبه و پیروزی بر دشمنان در روز نبرد و غیر آن، و پرداخت قرض‌ها همه و همه بستگی دارد که بدین طریق به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه متوسّل شوی.[3]

در آن کتاب پس از ذکر این نکته، دعای مذکور را نقل کرده است.

---

۱. مهج الدعوات: ۴۲۵.
۲. نجم الثاقب: ۷۳۱.
۳. جنّات الخلود: ۴۰.



توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجّه و توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشد؛ مخصوصاً در هنگام سختی‌ها و مشکلات شدید که انواع گرفتاری‌ها انسان را احاطه نموده و مرض‌های گوناگون آدمی را از پای درمی‌آورد.

در این هنگام وظیفهٔ ما برای یافتن راه چاره و فرار از مشکلات شدید توسّل به امام زمان علیه‌السلام که ولایت ما به دست آن بزرگوار است، می‌باشد.

بنابراین در همهٔ گرفتاری‌ها مخصوصاً زمانی که سختی‌ها ما را مضطرب نموده و اضطرار سراسر وجودمان را احاطه کرده باید به منتقم آل‌الله امام زمان صلوات الله علیه متوسّل شویم و بدانیم همهٔ گرفتاری‌ها و سختی‌هایی که به ما می‌رسد در نتیجهٔ غیبت آن حضرت است، و ما موظّف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم.

مرحوم علّامهٔ مجلسی می‌نویسد:

ابوالوفاء شیرازی گفت: من در زندان بودم و به من سخت می‌گذشت از حال خود به خداوند شکوه نمودم و از اهل بیت علیهم‌السلام کمک خواستم. در عالم رؤیا به محضر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شرفیاب شدم....

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خواب او را راهنمایی می‌کنند که برای کدام یک از حاجت‌ها به کدام امام متوسّل شود.

او می‌گوید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به من فرمودند:

وأمّا صاحب الزّمان فإذا بلغ منك السيف الذّبح، فاستعن به، فإنّه يعينك ووضع يده على حلقه.

امّا صاحب الزمان (ارواحنا فداه) پس هر گاه شمشیر به جایگاه قتل رسید ـ و دست خود را به حلق مبارک گذاردند ـ از او طلب یاری کن که تو را کمک می‌کند.

ابوالوفاء می‌گوید: در عالم خواب صدا زدم:

يا مولاي يا صاحب الزّمان أدركني فقد بلغ مجهودي.

او می‌گوید: از خواب بیدار شدم در حالیکه مأمورین زندان زنجیرها را از من می‌گشودند.[1]

در «سلاح المؤمنین» می‌نویسد: پدر بزرگوارم در این رابطه گفته است:

إن دَنا مِنْ نَحْرِكَ السَّيْفُ اسْتَغِثْ بِوَلِيِّ الْعَصْرِ مَوْلاكَ وَقُلْ:
يا صاحِبَ الزَّمانِ أَغِثْني، يا صاحِبَ الزَّمانِ أَدْرِكْني
فَهُوَ بابُ اللهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْ غَوْثُ وَابنُ الْمُصْطَفىٰ فَخْرِ الرُّسُلِ

هر گاه شمشیر به گلویت رسید، به مولای خود حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه متوسّل شو و بگو: **ای صاحب زمان؛ بفریادم برس، ای صاحب زمان؛ مرا دریاب.**
زیرا که او باب خدا و رحمت واسعهٔ الهی است، او فریادرس همه و فرزند فخر پیامبران حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است.[2]

محدّث نوری رحمه الله می‌گوید:

آنچه از کلام رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم بدست می‌آید این است که توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه مخصوص به موردی نیست که انسان در دست دشمن گرفتار شود و قصد کشتنش را داشته باشد، بلکه کنایه از این است که هرگاه کارها به نهایت شدّت

---

۱. بحار الأنوار: ۳۳/۹۴.
۲. سلاح المؤمنین: ۱۲۸.

برسد، و همهٔ اسباب از بین برود و قطع امید از مردم کند و جایی برای صبر و تحمّل نماند، چه این از بلاهای دینی باشد یا دنیوی، از شرّ دشمن انسی باشد یا جنّی، در همهٔ این موارد باید متوسّل به آن حضرت شد، و این مطلب از دعای مذکور (در ص ۳۴۹ این کتاب) نیز معلوم می‌شود.

پس همچنان که مضطرِّ وامانده و بیچارهٔ درمانده وظیفه‌اش استغاثه به آن حضرت است همان طور اغاثه و فریادرسی درماندگان از منصب‌های الهی آن حضرت است.

اگر درماندهٔ مضطرّی از شدّت اضطرار و اضطراب نتواند به زبان خود آن حضرت و با دعایی که نقل شده، آن حضرت را به فریادرسی بخواند، ولی مقام تولّای او را داشته باشد، و اقرار به ولایت و امامت او نماید، و تنها آن وجود مقدّس را مربّی و واسطهٔ فیض الهی در بیابان تاریک دوران غیبت بشناسد، همین کافی است که با زبان حال خود عرض حاجت کند و استغاثه نماید.

پس روشن شد که همهٔ درماندگان را ـ خصوصاً آنها که در سفرهای حجّ و زیارات مضطرّ شده و می‌شوند ـ جز فریادرس زمان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نجات نداده و نمی‌دهد.

از جملهٔ شواهد بر این مطلب آنکه «غوث» از القاب خاصّهٔ آن حضرت است ـ که در زیارات معتبره وارد شده است ـ و آن به معنای «فریاد رس» است، و این لقب صرف اسم نیست، بلکه اسم واقعی است، و حقیقت آن محقّق نمی‌شود مگر آنکه صاحب آن از چنان نیروی شنوایی برخوردار باشد که هر کس در هر کجای عالم و به هر زبانی او را به فریادرسی بخواند، بشنود.

بلکه باید دارای دانشی باشد که بر حالات درماندگان احاطه داشته باشد که بدون استغاثه و فریادرسی از حال آنها آگاه باشد، و آن بزرگوار دارای چنین مقامی است، چنانکه حضرت در فرمانی به شیخ مفید ﷺ به این مقام تصریح می‌فرمایند.

او باید دارای قدرتی باشد ـ که اگر صلاح بداند ـ درمانده‌ای که با زبان حال یا مقال فریادرسی می‌کند نجات دهد، و از گرداب بلا بیرون آورد، و این مقام را کسی شایستگی ندارد جز کسی که دارای مقام امامت است یا در بساط ولایت قدم گذاشته است.

مؤیّد دیگر گفتار ما، این است که در میان اعراب و بادیه نشین‌ها مشهور است که از ذات مقدّس حضرت به «ابا صالح» تعبیر می‌کنند، و در توسّلات و استغاثات و ندبه‌ها و شکایات خود جز به این اسم حضرت را نمی‌خوانند.[1]

٤

توسّل به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است:

> اگر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا اخروی بر او سخت شده، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، امداد و کمکی از جانب حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به او می‌رسد.

يا فٰارِسَ الْحِجٰازِ أَدْرِكْني، يا أَبٰا صٰالِحِ الْمَهْدِيَّ أَدْرِكْني، يا أَبَا الْقٰاسِمِ أَدْرِكْني أَدْرِكْني وَلٰا تَدَعْني، فَإِنّي عٰاجِزٌ ذَلِيلٌ.[2]

---

۱. نجم الثاقب: ۷۳۲.

۲. منتخب الختوم: ۱۹۶.



توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه در مشکلات (یا محمّد یا علیّ ...)

عالم بزرگوار مرحوم عراقی در کتاب «دار السلام» می‌نویسد: ملّا قاسم رشتی ﷺ ـ یکی از علمای معروف ـ نقل می‌کند و می‌گوید:

برای امر مهمّی به شهر اصفهان رفته بودم، روزی ـ غیر از پنجشنبه ـ برای تفریح از شهر رو به قبرستان «تخت فولاد» ـ که زمین متبرّکی است ـ خارج شدم.

در آن شهر غریب بودم و نمی‌دانستم که مردم شب‌های جمعه به زیارت اهل قبور می‌روند و ازدحام می‌شود، ولی سایر روزها خلوت است و چیزی در آنجا از مأکولات و غیره پیدا نمی‌شود، فقط گاه گاهی کشاورزی یا مسافری از آنجا عبور می‌کند.

وقتی که از خیابان عبور می‌کردم دوست داشتم که قلیان هم با خود ببرم، نوکری که همراهم بود گفت: اگر چنین خیالی دارید باید بگوئید تا همراه خود قلیان برداریم، چون غیر از شب جمعه چیزی در آنجا پیدا نمی‌شود، و قلیان فروش‌ها نمی‌آیند.

گفتم: من بخاطر قلیان از زیارت قبور بزرگان ـ که در این قبرستان هستند ـ منصرف نمی‌شوم.

رفتیم تا به قبرستان رسیدیم، وارد قبرستان شدم و مشغول خواندن سورهٔ فاتحه شدم، شخصی در گوشهٔ حیاط نشسته بود، رو به من کرد و گفت: ملّا قاسم؛ چرا وقتی وارد اینجا شدی، طبق سیرهٔ پیغمبر ﷺ سلام نکردی؟

از کلام او شرمنده شدم، عذر آوردم که چون دور بودم خواستم نزدیک شوم آن وقت سلام نمایم.

فرمودند: نه؛ شما ملّاها ادب ندارید!

هیبت عظیمی از او در دلم جای گرفت، جلو رفته و سلام کردم، ایشان جواب داد، پدر و مادرم را نام بردند که فلان و فلان بودند و فرمود:

چون فرزند پسر از آنها نمی‌ماند پدرت نذری کرده بود که اگر خداوند به او فرزند پسری عنایت فرماید از اهل حدیث و خیر شود، خدا تو را به او کرامت فرمود، او هم به نذر خود وفا نمود.

عرض کردم: بلی، این جریان را مفصّلاً شنیده‌ام.

بعد فرمود: اگر میل به قلیان داری، در توبرهٔ من قلیان هست بیرون آور و بساز، من هم همراه تو می‌کشم.

خواستم نوکرم را صدا کنم و ساختن قلیان را به او دستور دهم، به محض خطور این خیال در ذهن من، فرمودند: نه، خودت بساز.

عرض کردم: چشم؛ دست در توبره کردم قلیانی بود که تازه آب ریخته بود بیرون آوردم، تنباکو و زغال سنگ و سایر لوازم هم بود، قلیان را ساختم و خودم کشیدم و به ایشان دادم، پس از یک دو بار فرمودند: آتش قلیان را بریز و در توبره بگذار، اطاعت کردم.

فرمودند: چند روزی است که اینجا آمده‌ام ولی چون از اهل این شهر خوشم نمی‌آید، به همین جهت وارد شهر نشدم، اکنون می‌خواهم برای دیدن دوستی به مازندران بروم.

پس از آن فرمود: در این قبرستان چند پیامبر دفن شده‌اند که کسی از آن‌ها خبر ندارد، بیا آن‌ها را با من زیارت کن.

برخاست و توبره را به دست گرفته و راه افتادیم تا اینکه به جائی رسیدیم فرمودند: قبر آن پیامبران اینجاست. زیارتی خواند که من عبارات آن را در کتاب‌ها ندیده بودم، من هم به همراه ایشان خواندم، از آن قبرها دور شدند و فرمودند: من

عازم مـازندران هسـتم، چـیزی از مـن بـه عـنوان یـادگار بـخواه، مـن از ایشـان زاد المسافرین ـ یعنی علم کیمیاء ـ خواستم.

فرمودند: نمی‌آموزم، اصرار کردم.

فرمودند: رزق و روزی مقدّر است، تا زنده‌ای روزی تو می رسد.

گفتم: چه می‌شود که از این دربدری نجات پیدا کنم؟

فرمودند: دنیا این اندازه ارزش ندارد.

عرض کردم: من این را برای دوست داشتن دنیا نخواستم.

فرمودند: پس چرا از چیزهائی که مربوط به دنیا است خواستی؟

باز خواستهٔ خود را تکرار کردم.

فرمودند: اگر مرا در مسجد سهله دیدی به تو می‌آموزم.

عرض کردم: پس دعایی به من بیاموزید.

فرمودند: دو دعا می‌آموزم: یکی مخصوص خودت باشد، و دیگری نـفعش بـه دیگران هم برسد، **که اگر مؤمنی در بلائی گرفتار شد بخواند تأثیر آن مجرّب است**.

ایشان هر دو دعا را قرائت فرمودند.

عرض کردم: افسوس که قلم و کاغذ همراهم نیست تا بنویسم و نمی‌توانم حفظ کنم.

فرمودند: من قلم و کاغذ دارم از توبره بیرون آور.

دست در توبره کردم، ولی نه قلیانی بود و نه لوازم ساختن آن، فقط قلمدانی با یک قلم و یک دوات و یک قطعه کاغذ به اندازهٔ نوشتن آن دعاها بود، به فکر فرو رفتم و تعجّب کردم، با تندی به من فرمودند: زود باش؛ مرا معطّل نکن می‌خواهم بروم.

من هم با اضطراب سر به زیر افکنده آمادهٔ نوشتن شدم، اوّل دعای مخصوص را املا کردند و من نوشتم، چون به دعای دوّمی رسیدند چنین خواندند:

«يٰا مُحَمَّدُ يٰا عَلِيُّ يٰا فٰاطِمَةُ، يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ أَدْرِكْني وَلٰا تُهْلِكْني».

اندکی صبر کردم، فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟

عرض کردم: بلی، چون خطاب به چهار نفر است، و فعل بعد از آنها باید جمع گفته شود.

فرمودند: اشتباه می‌کنی، زیرا **در این زمان نظم‌دهندهٔ همهٔ جهان حضرت بقیّة الله ارواحنافداه است**، و افراد دیگر در ملک او تصرّف نمی‌کنند، ما در دعا حضرت محمّد و علی و فاطمه علیهم‌السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم، و از او به تنهائی استمداد می‌کنیم.[1]

دیدم جواب متینی است، نوشتم؛ همین که دعا تمام شد سر بلند کردم به هر طرف نگاه کردم ایشان را ندیدم، از نوکرم پرسیدم، او گفت: من هرگز کسی را ندیدم.

یک حالت و دگرگونی خاصّی که مثل آن هرگز در من پیدا نشده بود، وجودم را فرا گرفت، و با همان حال به شهر وارد شدم، به خانهٔ حاجی محمّد ابراهیم رفتم، او در کتابخانهٔ خود بود، چون مرا با آن حال خاصّ دید گفت: آخوند! مگر تب کرده‌ای؟

گفتم: نه، واقعه‌ای برای من پیش آمده است، بعد جریان را برای او تعریف کردم.

او گفت: این دعا را آقا محمّد بید آبادی به من یاد داده‌اند، و در پشت کتاب دعا نوشته‌ام، برخاست و کتاب مزبور را آورد، دیدم نوشته است: «أَدْرِكُوني وَلٰا تُهْلِكُوني»، آن را پاک کرده و هر دو فعل را مفرد نوشت.[2]

---

۱. از این عبارت معلوم می‌شود که آن شخص، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است.

۲. دار السلام عراقی: ۳۱۷.



توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزّمان)

روایت شده:

هرکس همّی یا غمّی داشته باشد یا در شدّتی درماند هفتاد مرتبه بگوید:

«یا اَللّٰهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا صاحِبَ الزَّمانِ، أَدْرِکْني وَلا تُهْلِکْني».[1]



توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویّة» می‌نویسد: بعد از نماز مغرب بر پیغمبر و آل او علیهم‌السلام صد مرتبه صلوات می‌فرستی، سپس هفتاد مرتبه می‌گویی:

«یا اَللّٰهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا حَسَنُ یا حُسَیْنُ، یا صاحِبَ الزَّمانِ، أَدْرِکْني یا صاحِبَ الزَّمانِ».

آن گاه صد مرتبهٔ دیگر بر پیغمبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله صلوات می‌فرستی، سپس حاجت خود را مسألت می‌کنی.

صاحب کتاب «التحفة الرضویّه» در ادامه می‌نویسد: سیّد علّامه پدر بزرگوارم گفته است: این عمل برای امور مهمّ مجرّب است.[2]

---

۱. منهاج العارفین: ۴۸۳.

۲. التحفة الرضویّة: ۱۵۰.

۸

توسّل دیگر به آن حضرت ارواحنا فداه
(یا حجّة القائم)

عالم بزرگوار و فقیه پرهیزکار سیّد محمّد هندی نجفی ﷺ از عالم محترم سیّد حسن قزوینی از سیّد حسین شوشتری ـ امام جماعت ـ از اساتید خود نقل می‌کند، و می‌گوید:

در هنگام شدائد و سختی‌ها با سر برهنه رو به قبله می‌ایستی و پانصد و هفتاد مرتبه می‌گویی: «**یا حُجَّةُ الْقائِمُ**»، تأثیر این عمل مجرّب است.[1]

۹

توسّل برای رفع بیماری

توسّل به اسمی که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه برای پایان یافتن غیبت می‌خوانند:

داود بن زربی می‌گوید: در مدینهٔ منوّره به بیماری سختی مبتلا شدم، این امر به محضر مبارک امام صادق ﷺ رسید، حضرت لطف فرموده و طیّ نامه‌ای چنین نوشتند:

از بیماری تو آگاه شدم، برای بهبودیت یک صاع[2] گندم خریداری کن، سپس به پشت بخواب، و آن را روی سینه‌ات پخش کن و بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي إِذٰا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مٰا بِهِ مِنْ ضُرٍّ،

---

۱. تکالیف الأنام في غیبة الإمام: ۲۵۱.

۲. یک صاع ۳۹ سیر است که قریب یک من می‌باشد.

وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُعٰافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي.

آن‌گاه برخیز و بنشین و گندم‌ها را از اطراف خود جمع کن، و باز همان دعا رابخوان، بعد گندم‌ها را به مقدار ده سیر میان فقرا تقسیم کن، باز همان دعا را بخوان.

داود می‌گوید: این عمل را انجام دادم و خوب شدم، گویا این که از بند و سختی آزاد شدم. افراد زیادی این عمل را انجام داده‌اند و بهبودی یافته‌اند.[1]

۱. بحار الأنوار: ۳۵/۹۵، المصباح: ۱۹۹.

بخش هشتم

عریضه ها

از انواع توسّلات و استغاثه‌های مؤثّر، نوشتن عریضه بـه مـحضر والای مـولای کریم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه است، این کار جدّاً آثار شگفت انگیزی دارد، زیرا که مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ـ چنانکه در روایات وارد شده است ـ بر دوستان خود رأفت و رحمت زیادی دارد. من بارها به محضر حضرتش عریضه نوشته و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده‌ام.

اینک در این بخش انواع عریضه‌هایی که به امام رئوف و مهربان نوشته می‌شود، و بعضی از حکایاتی که در این مورد برای برخی از بزرگان واقع شده، بیان می‌نماییم:

در کتاب «التحفة الرضویّة» می‌نویسد:

علّامهٔ بزرگوار سیّد جلیل القدر محمّد تـقی اصـفهانی ﷺ در فـصل مـعجزه‌های حـضرت بـقیّة الله ارواحـنا فـداه مـی‌گوید: از جـمله مـعجزه‌های روشـن و نـورانـی و کرامت‌های آشکار حضرت بقیّة الله ارواحنا فـداه حـاصل شـدن مـقاصد و حـوائـج بـا فرستادن عریضهٔ استغاثه به حضرتش می‌باشد، این امر با دیدگان مشاهده گردیده، و با وجدان تجربه شده است.

علّامهٔ بزرگ شیخ عبدالحسین امینی ﷺ ـ صاحب کتاب ارزشمند الغدیر ـ حکایت شگفت انگیزی در این رابطه برای من نقل کرد. او متوسّل به ذیل عـنایات حـضرت شده و پس از آن حکایتی برای او پیش آمده بـود، و البـتّه ایشـان اجـازه نـدادنـد آن حکایت را در این کتاب بیان کنم، او عریضه‌ای به ناحیهٔ مقدسّهٔ حضرت تقدیم نموده

و متوسّل به آن حضرت شده بود، ایشان می‌فرمود: من توسّل بـه حـضرت بـقیّة الله ارواحنا فداه را در امور مهمّ و برای قضای حوائج تجربه کرده‌ام.[۱]

جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه

محدّث نوری ﷺ در کتاب «نجم الثاقب» می‌نویسد:

دانشمند شایسته و پرهیزکار مرحوم سیّد محمّد فرزند جناب سـیّد عـباس ـ کـه اینك در روستای جشیث[۲] از توابع جبل عامل ساکن، و از عموزادگان سیّد درّ الدین عاملی اصفهانی داماد شیخ جعفر نجفی اعلی الله تعالی مقامهما است ـ قصّهٔ جالبی دارد:

حاکمان ستمگر حکم سربازی او را صادر می‌کنند، او تن به سربازی نـداده و از وطن خود متواری می‌شود، او با فقر و سختی شدید و با پولی اندک فرار می‌کند، و از آنجائی که شخص عفیفی بوده هرگز از مردم سـئوال نـمی‌کرد، مـدّتی بـه سـیاحت پرداخته و در آن ایّام در بیداری و خواب، عجایب بسیاری می‌بیند.

وی سرانجام در نجف اشرف مجاور شـده، و در صـحن مـقدس از حـجره‌های فوقانی سمت قبله منزل می‌گیرد، زندگی او در نهایت پریشانی می‌گذشت، او تا زنده بود کسی از زندگی فقیرانهٔ او جز افراد اندکی خبر نداشت، از موقعی که از وطن خود متواری شد تا زمان فوت، پنج سال طول کشید، در این مدّت مـن بـا او رفت و آمـد داشتم.

او شخص بسیار عفیف و با حیا و قانعی بود، در ایّام عزاداری در جلسات حاضر می‌شد، زندگی فقیرانه‌ای داشت و چون اکثر وقت‌ها بیش از چند دانه خرما و مقداری آب چاه صحن شریف چیز دیگری نداشت، به هـمین جـهت بـرای تـوسعهٔ روزی

---

۱. التحفة الرضویّة: ۱۵۹.

۲. جشیث: مخفّف جبّ شیث نبیّ الله، در آن روستا چاهی است که به شیث پیغمبر نسبت می‌دهند.

خود، دعاهای وارده در مورد روزی را مواظبت می‌نمود، و گاهی کتابهای دعا را امانت می‌گرفت، گویا کمتر ذکر و دعایی بود که نخوانده باشد. و اکثر شب‌ها و روزها مشغول دعا و ذکر بود.

روزی عریضه‌ای به خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌نویسد و تصمیم می‌گیرد که چهل روز این کار را ادامه دهد.

وی همه روزه پیش از طلوع آفتاب موقع باز شدن دروازهٔ کوچک شهر ـ که به سمت دریاست ـ بیرون می‌رود، و برای این که کسی او را نبیند مقداری به طرف راست حرکت می‌کند، آنگاه عریضه را در گِل گذاشته و به یکی از نواب حضرت سپرده و در آب می‌اندازد، مدّت سی و هشت یا سی و نه روز این عمل را انجام می‌دهد.

او قضیّه را چنین ادامه می‌دهد: روزی عریضه را به آب انداخته و برمی‌گشتم، سر را به زیر افکنده و خیلی عصبانی بودم، ناگاه متوجّه شدم که گویا کسی از پشت سرم می‌آید.

او لباس عربی پوشیده و مثل عرب‌ها چپیه بر سر بسته بود، به من سلام کرد، من با حال افسرده، جواب مختصری دادم و توجّهی به او نکردم، چون نمی‌خواستم با کسی حرف بزنم، او مسافتی را با من طیّ کرد و من همچنان ناراحت و افسرده بودم، رو به من کرد و به لهجهٔ اهل جبل عامل فرمود:

سیّد محمّد! چه حاجت داری که امروز سی و هشت ـ یا سی و نه ـ روز است که پیش از طلوع آفتاب از شهر بیرون می‌آیی و تا فلان مکان از دریا می‌روی و عریضه در آب می‌اندازی؟ گمان می‌کنی امام تو از حاجت تو خبر ندارد؟

شگفت زده شدم، زیرا کسی از کار من خبر نداشت، بویژه شمارهٔ روزها را جز خودم کسی نمی‌دانست، حتّی کسی مرا در کنار دریا ندیده بود، و از اهل جبل عامل هم کسی در اینجا نبود که من او را نشناسم، خصوصاً که لباس عربی بپوشد، که این

لباس در جبل عامل مرسوم نبود.

به ذهنم رسید که **نعمت بزرگ را دریافته و به حضور امام غایب حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نائل شده‌ام.**

من در جبل عامل شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت خیلی نرم و لطیف است، و هیچ دستی مثل آن نیست، با خود گفتم: الان دست می‌دهم، اگر احساس کردم که دستش لطیف است به آداب تشرّف به حضور مبارک حضرتش عمل می‌نمایم.

دو دست خود را پیش بردم، آن جناب نیز دو دست مبارک را پیش آورد مصافحه کردم، نرمی و لطافت زیادی حسّ کردم، یقین کردم که به نعمت عظمی و موهبت کبری رسیده‌ام. خواستم دست مبارکش را ببوسم، کسی را ندیدم.[1]

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه

مرحوم محدّث نوری می‌گوید: دانشمند فاضل میرزا ابراهیم شیرازی حائری قضیّه‌ای در رابطه با عریضه برای من تعریف کرد، او گفت:

در شهر شیراز زندگی می‌کردم، حاجات مهمّی داشتم، فکرم به جایی نمی‌رسید و از این جریان سینه‌ام تنگ شد، یکی از حاجت‌هایم توفیق تشرّف به زیارت آقا و مولایم امام حسین علیه‌السلام بود، چاره‌ای در گشایش کارم ندیدم، **جز آنکه متوسّل به ذیل عنایات دریای کرم امام حاضر حضرت بقیة الله صاحب الزمان ارواحنا فداه شوم.**

حاجت‌هایم را در ضمن عریضه‌ای ـ که از بزرگان علماء روایت شده ـ به حضرتش نوشتم، و به صورت مخفیانه موقع غروب آفتاب از شهر خارج شده و کنار استخری آمدم، در کنار استخر ایستاده و از نوّاب چهارگانه؛ ابوالقاسم حسین بن

۱. جنّة المأوی: ۲۴۸، نجم الثاقب: ۴۲۱.

روح ﷺ را ـ چنانکه در روایت آمده ـ صدا زدم، به او سلام کردم و گفتم که رقعه را به مولای خود و مولای همهٔ انسانها تسلیم کند، و رقعه را به آب انداختم.

به طرف شهر برگشتم، آفتاب غروب کرده بود، از دروازهٔ دیگری وارد شهر شدم، و به خانهٔ خود آمدم، و این جریان را به آنها نگفتم.

فردا بامداد نزد استاد ـ که با چند نفر از او درس می‌خواندیم ـ رفتم، چون همهٔ افراد آمدند و نشستند، ناگاه سیّدی شریف و نجیب در لباس خادمان حرم حضرت ابی عبدالله الحسین ﷺ وارد شد و سلام نمود، او در کنار استاد نشست، ما تا به حال او را ندیده بودیم و نمی‌شناختیم.

پس از آن، روی به من کرد و مرا با نام صدا زد و گفت: فلانی **عریضهٔ تو را به محضر مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه رساندم**.

من از این سخن مبهوت شدم، افراد جلسه هم معنی سخن او را نفهمیدند که چه می‌گوید، به همین جهت از او پرسیدند: جریان چیست؟

گفت: دیشب در عالم خواب دیدم گروهی در اطراف سلمان محمّدی ایستاده‌اند، در نزد او عریضه‌های زیادی بود، ایشان به آنها نگاه کرد، چون مرا دید صدایم زد و گفت: برو نزد فلانی و به او بگو: این عریضهٔ توست ـ دستش را بلند کرد عریضه‌ای دیدم که مهر زده شده است ـ که به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه رسیده، و مهر زده شده است.

فهمیدم که حاجت هر کسی مقدّر شده عریضهٔ او مهر زده می‌شود، و هر که مقدّر نشده عریضهٔ او همان طور برمی‌گردد.

حاضرین در مجلس از صدق خواب من پرسیدند، من قضیّه را برای آنها نقل کردم، و سوگند خوردم که کسی از این قضیّه اطّلاعی نداشت.

آنها به من مژده دادند که حاجاتت برآورده می‌شود، و همین هم شد، پس از گذشت زمانِ اندکی موفّق شدم که به حایر حسینی ﷺ مهاجرت نمایم، اکنون در جوار

حریم حضرتش ساکن هستم، حوائج دیگری که در عریضه نوشته بودم همه برآورده شد، خدای تعالی را سپاسگزارم و بر اولیاء الهی درود می‌فرستم.[۱]

علّامهٔ بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی ﷺ در «العبقریّ الحسان» می‌نویسد:

استاد اخلاق علّامه حاج میرزا علی قاضی طباطبائی نجفی در عصر روز جمعه اوّل ربیع الأوّل سال ۱۳۵۸ در نجف اشرف قضیّه‌ای در این رابطه برای من تعریف کرد، او گفت: یکی از کسانی که با او انسی داشتم ـ نام او را نگفت ـ طیّ نامه‌ای به من نوشته بود:

در یکی از شب‌های نیمهٔ شعبان عریضه‌ای خدمت امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف نوشتم، آن را طبق معمول در شهر خودم به آب انداختم، چند روز بعد شخصی آمد و گفت: عریضهٔ تو را به محضر امام ارواحنا فداه رساندم، و شب عاشورا می‌آیم و تو را نزد آن حضرت می‌برم.

من همهٔ عباداتی که برای قابلیّت به تشرّف خدمت امام ﷺ است انجام دادم، تا آنکه شب عاشورا ـ که شب موعود بود ـ فرا رسید، ناگاه دیدم آن شخص طبق وعده‌ای که داده بود آمد، مرا در یک چشم بهم زدن به سوی جزیره‌ای که امام صلوات الله علیه در آن ساکن بود؛ برد.

در آنجا چیزهایی دیدم که قابل وصف و بیان نیست، ارواح انبیاء و اوصیاء در آنجا بود، آثار عظمت الهی را در آنجا مشاهده کردم طوری که بیهوش افتادم، نفهمیدم که آیا امام ارواحنا فداه را هم دیدم یا نه؟ تا اینکه آن شخص مرا در یک چشم بهم زدن به سوی خانواده‌ام برگرداند.[۲]

---

۱. دار السلام: ۲۶۴/۲.

۲. العبقریّ الحسان: ۱۲۸/۱ المسك الأذفر.



کیفیّت نوشتن نامه

به محضر امام عصر عجّل الله تعالی فرجه

بخش کوتاهی از قضایا و فوائد نوشتن عریضه به محضر حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را متذکّر شدیم، اکنون به چگونگی نوشتن عریضه می‌پردازیم:

متنی که می‌آوریم در کاغذی بنویسد و در ضریح یکی از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام بیندازد، این عریضه به محضر مبارک حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌رسد، و آن حضرت شخصاً حاجت او را برآورده می‌کند، در کاغذ چنین بنویسد:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ يا مَوْلايَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ مُسْتَغِيثاً، وَشَكَوْتُ ما نَزَلَ بي مُسْتَجِيراً بِاللهِ عَزَّوَجَلَّ، ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَني، وَأَشْغَلَ قَلْبي، وَأَطالَ فِكْري، وَسَلَبَني بَعْضَ لُبّي، وَغَيَّرَ خَطيرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدي، أَسْلَمَني عِنْدَ تَخَيُّلِ وُرُودِهِ الْخَليلُ، وَتَبَرَّأَ مِنّي عِنْدَ تَرائي إِقْبالِهِ إِلَيَّ الْحَميمُ، وَعَجَزَتْ عَنْ دِفاعِهِ حيلَتي، وَخانَني في تَحَمُّلِهِ صَبْري وَقُوَّتي.

فَلَجَأْتُ فيهِ إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ في دِفاعِهِ عَنّي، عِلْماً بِمَكانِكَ مِنَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَلِيِّ التَّدْبيرِ وَمالِكِ الْأُمُورِ، وَاثِقاً بِكَ فِي الْمُسارَعَةِ فِي الشَّفاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَناؤُهُ في أَمْري، مُتَيَقِّناً لِإِجابَتِهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ إِيّاكَ بِإِعْطائي سُؤْلي.

وَأَنْتَ يا مَوْلايَ جَديرٌ بِتَحْقيقِ ظَنّي، وَتَصْديقِ أَمَلي فيكَ، في أَمْرِ كَذا وَكَذا به جای کذا و کذا حاجت خود را بنویسد، **فيما لا طاقَةَ لي بِحَمْلِهِ، وَلا صَبْرَ لي عَلَيْهِ،**

وَ إِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَلِأَضْعٰافِهِ بِقَبِيحِ أَفْعٰالِي ، وَتَفْرِيطِي فِي الْوٰاجِبٰاتِ الَّتِي لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ ، فَأَغِثْنِي يٰا مَوْلاٰيَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي ، قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشَمٰاتَةِ الْأَعْدٰاءِ ، فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ .

وَاسْأَلِ اللّٰهَ جَلَّ جَلاٰلُهُ لِي نَصْراً عَزِيزاً ، وَفَتْحاً قَرِيباً ، فِيهِ ُ بُلِغُ الْآمٰالِ ، وَخَيْرُ الْمَبٰادِي ، وَخَوٰاتِيمُ الْأَعْمٰالِ ، وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخٰاوِفِ كُلِّهٰا فِي كُلِّ حٰالٍ ، إِنَّهُ جَلَّ ثَنٰاؤُهُ لِمٰا يَشٰاءُ فَعّٰالٌ ، وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ .

یا آن نوشته را تا کرده و از خاک نظیفی گِل بسازد و آن را در میان گل قرار دهد، آنگاه بر بالای نهر یا چشمه آمده و یکی از نایبان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ـ عثمان بن سعید عَمْری، محمّد بن عثمان، حسین بن روح، علیّ بن محمّد سمری ﷺ ـ را مورد خطاب قرار داده و بگوید:

يٰا فُلاٰنَ بْنَ فُلاٰنٍ سَلاٰمٌ عَلَيْكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفٰاتَكَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ، وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوقٌ ، وَقَدْ خٰاطَبْتُكَ فِي حَيٰاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ ، وَهٰذِهِ رُقْعَتِي وَحٰاجَتِي إِلىٰ مَوْلاٰنٰا عَلَيْهِ السَّلاٰمُ ، فَسَلِّمْهٰا إِلَيْهِ ، فَأَنْتَ الثِّقَةُ الْأَمِينُ .

سپس عریضه را در نهر یا چاه یا چشمه بیاندازد، که ان شاء الله تعالی حاجت او برآورده می‌شود.[1]

مرحوم علّامهٔ مجلسی فرموده است: **هنگام انداختن عریضه چنین تصوّر کند که نامه را به نایب خاصّ تسلیم می‌نماید.**[2]

محدّث نوری ﷺ می‌گوید: از این خبر شریف استفاده می‌شود که چهار نائب بزرگوار همچنانکه در دوران غیبت صغری میان مردم و آن حضرت در عرض حوائج

---

۱. المصباح: ۵۳۱، البلد الأمین: ۲۲۷، منهاج العارفین: ۴۴۸.

۲. بحار الأنوار: ۳۰/۹۴.

و عریضه‌ها و گرفتن جواب و ابلاغ توقیعات واسطه بودند در غیبت کبری نیز در رکاب همایون آن حضرت بوده، و به این منصب بزرگ مفتخر و سرافرازند.

بدیهی است که خوان احسان، جود، کرم، فضل و **نعمت‌های حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هر نقطه‌ای از نقاط گیتی برای همگان گسترده است**، پریشانی که درمانده، گمشده‌ای که حیران و متحیّر است می‌تواند از درب هدایت آن، که برای همگان باز است وارد شده و با صدق نیّت، صفای باطن و پاکی سرشت او را بخواند، و از لطف حضرتش جواب دریافت کند که اگر تشنهٔ علم و دانش است شربت علمش بخشند، و اگر گم گشتهٔ راه است راهنمائیش نمایند و اگر بیمار است لباس عافیتش پوشند.

چنانکه با تأمّل در حکایات و قصّه‌ها نیز این مطلب بدست می‌آید که **حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه همواره در میان مردم حاضر و بر احوال آنها ناظر، و بر کشف بلایا قادر است و ایشان بر همهٔ اسرار و پنهانی‌ها دانا هستند.**

گفتنی است که حضرت هرگز به جهت غیبت و اختفا از مردم از منصب خلافتش برکنار نیست، و هیچ وقت از لوازم و آداب ریاست الهیّهٔ خود دست برنداشته، و از قدرت ربّانیّهٔ خویش عجز نشان نداده است، اگر بخواهد حتّی مشکلاتی که در ضمیر و دل افراد است و آن را به کسی ابراز نکرده‌اند بدون دیدن یا شنیدن می‌تواند آنها را حل می‌کند، و اگر کتابی مورد نظرش باشد و دوای درد عالمی در آن کتاب است، گاهی به او دعا می‌آموزد و گاهی در خواب دوای مرضش را یاد می‌دهد.

احیاناً می‌بینیم یا می‌شنویم که افراد مضطرّ و حاجتمند با صدق محبّت و با اقرار به امامت آن حضرت عاجزانه از حال خود به حضرتش شکایت می‌کنند ولی اثری از اجابت و رفع بلا نمی‌بینند، آنها علاوه بر اینکه غالباً دارای موانع دعا و قبولی آن هستند، در اضطرار خود اشتباه می‌کنند و خود را مضطرّ می‌دانند، ولی در واقع مضطرّ نیستند، و یا خود را جاهل گم گشته و متحیّر می‌پندارند و حال آنکه راه را به او نشان داده‌اند.

مثل اینکه کسی احکام عملی را نداند او را به عالم ارجاع فرموده است. چنان که در توقیع مبارک که در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب مرقوم فرموده چنین آمده است:

و امّا حوادثی که به شما روی می‌دهد، در آنها به راویان احادیث مامراجعه کنید، همانا آنها حجّت من بر شما و من حجّت خدا بر آنها هستم.

بنابراین؛ مادامی که انسان دسترسی به علماء و دانشمندان دارد ـ گرچه با مهاجرت و مسافرت باشد، یا به کتاب آنها مراجعه کند ـ چنین کسی مضطرّ نیست، و همچنین عالمی که با استفاده از ادلّه و بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات و اجماع علماء می‌تواند مشکل خود را حل کرده و شبهات را دفع نماید، چنین عالمی ناتوان و عاجز بشمار نمی‌آید.

و نیز افرادی که در تهیّهٔ اسباب زندگی و اقتصاد خویش را از حدود الهی و موازین شرعی پا را فراتر گذاشته و بر آن مقدار پسندیدهٔ شرع قناعت ننموده‌اند اینان به جهت نداشتن بعضی از لوازم غیر ضروری زندگی مضطر نیستند.

و گاهی انسان خود را عاجز و مضطرّ می‌پندارد ولی چون صادقانه تأمّل می‌کند می‌بیند چنین نیست، حتّی اگر در اضطرار خود صادق باشد می‌بیند مصلحت او یا مصلحت همهٔ نظام آفرینش بر این بوده که دعای او مستجاب نشود، زیرا که به هر مضطرّی وعدهٔ اجابت نداده‌اند.

آری؛ دعای مضطرّ را فقط خدا و خلفای او اجابت می‌کند، نه آنکه آنها دعای هر مضطرّی را می‌پذیرند.

در دورانی که ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام حضور داشتند افراد زیادی از دوستان، در مدینه، مکّه، کوفه و نقاط دیگر مضطر و ناتوان بودند، و گاهی که سؤال می‌کردند ولی به اجابت نمی‌رسید. چنان نبود که هر عاجزی هر چه خواست بلافاصله به او بدهند، و اضطرارش را برطرف نمایند.

زیرا این امر موجب اختلال نظم جامعه، و از بین رفتن اجر و پاداش‌های بزرگی است که برای گرفتاران و مصیبت زدگان در نظر گرفته شده است، روز قیامت که می‌شود و آنها آن همه پاداش را می‌بینند آرزو می‌کنند که ای کاش! حتّی گوشت بدن آنها را در دنیا قطعه قطعه می‌کردند. و خدای تعالی نیز با آن قدرت کامل و غنای مطلقی که دارد و با علمی که به ذرّات و جزئیّات موجودات خود احاطه دارد هرگز با بندگان خود چنین رفتار نکرده است.[1]

۲

عریضه‌ای به خداوند

که در عریضهٔ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه قرار داده می‌شود

مرحوم علاّمهٔ مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می‌نویسد:

عریضه‌ای به سوی خداوند متعال می‌نویسی و آن را می‌پیچی، سپس عریضهٔ دیگری به محضر والای حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌نویسی؛ عریضه‌ای که به سوی خدای متعال می‌نویسی چنین است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

إِلَى اللهِ سُبْحٰانَهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمٰاؤُهُ، رَبِّ الْأَرْبٰابِ، وَقٰاصِمِ الْجَبٰابِرَةِ الْعِظٰامِ، عٰالِمِ الْغَيْبِ وَكٰاشِفِ الضُرِّ، اَلَّذي سَبَقَ في عِلْمِهِ مٰاكٰانَ وَمٰا يَكُونُ، مِنْ عَبْدِهِ الذَّلِيلِ الْمِسْكِينِ، اَلَّذِي انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَسْبٰابُ، وَطٰالَ عَلَيْهِ الْعَذٰابُ، وَهَجَرَهُ الْأَهْلُ، وَبٰايَنَهُ الصَّدِيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهِناً بِذَنْبِهِ، قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، وَطَلَبَ النَّجٰا[ةَ] فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأً

---

۱. نجم الثاقب: ۷۹۰.

وَلا مُلْتَجَأً، غَيْرَ الْقادِرِ عَلىٰ حَلِّ الْعَقْدِ، وَمُؤَبِّدِ الْأَبَدِ، فَفَزَعي إِلَيْهِ وَاعْتِمادي عَلَيْهِ، وَلا لَجَأَ وَلا مُلْتَجَأَ إِلّا إِلَيْهِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْماضي، وَبِنُورِكَ الْعَظيمِ، وَبِوَجْهِكَ الْكَريمِ، وَبِحُجَّتِكَ الْبالِغَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْخُذَ بِيَدي وَتَجْعَلَني مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ، وَتُقيلُ عَثْرَتَهُ، وَتَكْشِفُ كُرْبَتَهُ، وَتُزيلُ تَرْحَتَهُ وَتَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَتَرُدَّ عَنّي بَأْسَ هٰذَا الظّالِمِ الْغاشِمِ، وَبَأْسَ النّاسِ يا رَبَّ الْمَلائِكَةِ وَالنّاسِ، حَسْبي أَنْتَ وَكَفىٰ مَنْ أَنْتَ حَسْبُهُ، يا كاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظامِ، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِكَ.

عریضهٔ دیگری که به محضر والای **حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه** می‌نویسی چنین است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللهِ الْخَلَفِ الصّالِحِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، اَلنَّبَإِ الْعَظيمِ، وَالصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ، وَالْحَبْلِ الْمَتينِ، عِصْمَةِ الْمَلْجَإِ، وَقَسيمِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ.

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِآبائِكَ الطّاهِرينَ الْخَيِّرينَ الْمُنْتَجَبينَ، وَأُمَّهاتِكَ الطّاهِراتِ الْباقِياتِ الصّالِحاتِ، اَلَّذينَ ذَكَرَهُمُ اللهُ في كِتابِهِ، فَقالَ عَزَّ مَنْ قائِلٌ ﴿اَلْباقِياتُ الصّالِحاتُ﴾[1]، وَبِجَدِّكَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَليلِهِ وَحَبيبِهِ وَخِيَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، أَنْ تَكُونَ وَسيلَتي إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ في كَشْفِ ضُرّي، وَحَلِّ عَقْدي، وَفَرَجِ

۱. سورهٔ مریم، آیهٔ ۷۶.

حَسْرَتي ، وَكَشْفِ بَلِيَّتي ، وَتَنْفيسِ تَرْحَتي ، وَبِكهيعص وَبِيس وَالْقُرْآنِ الْحَكيمِ ، وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ .

وَبِمَجارِي الْقُرْآنِ ، وَبِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَةِ ، وَبِجَبَرُوتِ الْعَظَمَةِ ، وَبِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ ، وَبِحَقيقَةِ الْإيمانِ ، وَقِوامِ الْبُرْهانِ ، وَبِنُورِ النُّورِ ، وَبِمَعْدَنِ النُّورِ ، وَالْحِجابِ الْمَسْتُورِ ، وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ، وَبِالسَّبْعِ الْمَثاني ، وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ ، وَفَرائِضِ الْأَحْكامِ ، وَالْمُكَلَّمِ بِالْعِبْرانِيِّ ، وَالْمُتَرْجَمِ بِالْيُونانِيِّ ، وَالْمُناجىٰ بِالسِّرْيانِيِّ ، وَما دارَ فِي الْخَطَراتِ ، وَما لَمْ يُحِطْ بِهِ لِلظُّنُونِ ، مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ ، وَبِسِرِّكَ الْمَصُونِ ، وَالتَّوْراةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ .

يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَخُذْ بِيَدي ، وَفَرِّجْ عَنّي بِأَنْوارِكَ وَأَقْسامِكَ وَكَلِماتِكَ الْبالِغَةِ ، إِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ، وَصَلَواتُهُ وَسَلامُهُ عَلىٰ صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ .

پس از نوشتن عریضه‌ها؛ عریضهٔ باری تعالی را داخل عریضهٔ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه قرار می‌دهی، و آن را در داخل گِل خالص بگذار، بعد دو رکعت نماز می‌خوانی و با توسّل به محمّد و آل محمّد ﷺ متوجّه درگاه خدا می‌شوی، و در شب جمعه آن را به نهر جاری یا چاه آبی می‌اندازی.

بدیهی است که این عمل را باید به نیّت اجابت انجام داد نه به خاطر تجربه، و فقط در مواقع سختی‌ها و امور مشکله از این عمل استفاده شود، و هرگز این دعا را برای غیر اهلش ننویس، زیرا که اوّلاً سودی به حال او ندارد، و ثانیاً این امانتی است که در عهدهٔ تو گذاشته شده است، و در زمانی نه چندان دور از تو سؤال خواهد شد.

هنگامی که رقعه‌ها را به نهر جاری یا چاه آبی می‌اندازی این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي لَحَظْتَ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجاجَ، فَأَزْبَدَ وَهاجَ وَماجَ، وَكانَ كَاللَّيْلِ الدّاجِ، طَوْعاً لِأَمْرِكَ، وَخَوْفاً مِنْ سَطْوَتِكَ، فَأَفْتَقَ أُجاجُهُ، وَائْتَلَقَ مِنْهاجُهُ، وَسَبَّحَتْ جَزائِرُهُ، وَقَدَّسَتْ جَواهِرُهُ، تُنادِيكَ حِيتانُهُ بِاخْتِلافِ لُغاتِها، إِلٰهَنا وَسَيِّدَنا مَا الَّذي نَزَلَ بِنا، وَمَا الَّذي حَلَّ بِبَحْرِنا فَقُلْتَ لَها اُسْكُني سَاُسْكِنُكَ مَلِيّاً، وَاُجاوِرُ بِكَ عَبْداً زَكِيّاً، فَسَكَنَ وَسَبَّحَ وَوَعَدَ بِضَمائِرِ الْمِنَحِ.

فَلَمّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتّى بِما أَلِمَ الظُّنُونَ، فَلَمّا صارَ في فيها سَبَّحَ في أَمْعائِها، فَبَكَتِ الْجِبالُ عَلَيْهِ تَلَهُّفاً، وَأَشْفَقَتْ عَلَيْهِ الْأَرْضُ تَأَسُّفاً، فَيُونُسُ في حُوتِهِ كَمُوسىٰ في تابُوتِهِ لِأَمْرِكَ طائِعٌ، وَلِوَجْهِكَ ساجِدٌ خاضِعٌ.

فَلَمّا أَحْبَبْتَ أَنْ تَقِيَهُ أَلْقَيْتَهُ بِشاطِئِ الْبَحْرِ شَلْواً لا تَنْظُرُ عَيْناهُ، وَلا تَبْطِشُ يَداهُ، وَلا تَرْكُضُ رِجْلاهُ، وَأَنْبَتَّ مِنَّةً مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ، وَأَجْرَيْتَ لَهُ فُراتاً مِنْ مَعينٍ، فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَتابَ خَرَقْتَ لَهُ إِلَى الْجَنَّةِ باباً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ، و یک یک ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام را نام می‌بری.[1]

۳

عریضهٔ استغاثهٔ دیگری به امام زمان عجّل الله تعالی فرجه

مرحوم محدّث نوری می‌گوید: عریضهٔ استغاثه به سوی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به گونه‌های متعدّد روایت شده، و در کتاب‌های دعا ـ که در بین مردم متداول است ـ موجود است، ولکن نسخه‌ای است که در آن کتاب‌ها نیست. حتّی در مزار

۱. بحار الأنوار: ۲۷/۹۴.

«بحارالانوار»، و کتاب دعای آن نیز ـ که معمولاً دعاها و عریضه‌ها در آن گرد آمده ـ ذکر نشده است. چون نسخهٔ آن کمیاب است به همین جهت آن را در اینجا نقل می‌نمایم.

فاضل متبحّر، محمّد بن محمّد الطیب ـ از علمای دولت صفویه ـ در کتاب «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» چنین نقل می‌کند:

دعای توسّل برای امور و حوائج مهمّ:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يا أَبَاالْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، اَلنَّبَإِ الْعَظِيمِ، اَلصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعِصْمَةِ اللّاجِينَ.

بِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ، وَبِآبائِكَ الطّاهِرِينَ، وَبِأُمَّهاتِكَ الطّاهِراتِ، بِياسِينَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَالْجَبَرُوتِ الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمانِ، وَنُورِ النُّورِ، وَكِتابٍ مَسْطُورٍ، أَنْ تَكُونَ سَفِيري إِلَى اللهِ تَعالىٰ فِي الْحاجَةِ لِفُلانٍ، أَوْ هَلاكِ فُلانِ بْنِ فُلانٍ.

این دعا را در کاغذی نوشته و در گِل پاکی می‌گذاری، و در آب جاری یا چاهی می‌اندازی و می‌گویی:

يا سَعِيدَ بْنَ عُثْمانَ، وَيا مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمانَ، أَوْصِلا قِصَّتي إِلىٰ صاحِبِ الزَّمانِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ.

* * *

البتّه در نسخه چنین آمده است: «سعید بن عثمان و عثمان بن سعید»، ولی با ملاحظهٔ روایات و طریقهٔ بعضی از رقعه‌ها روشن می‌شود که اشتباهی رخ داده، بلکه نسخهٔ صحیح چنین است:

«یا عثمان بن سعید و یا محمّد بن عثمان ...» والله العالم[1]. [2]

۱. نجم الثاقب: ۴۲۰.

۲. تردیدی نیست که در نسخهٔ مذکور اشتباه واقع شده است، و نسخهٔ صحیح همان است که محدّث نوری ﷺ بـه آن تصریح نموده است، زیراکه نام نایب اوّل و نایب دوّم حضرت، به ترتیب عثمان بن سعید و محمّد بن عثمان است. در یکی از کتاب‌ها این عریضه با اندکی تفاوت نقل شده، و در آن آمده است: «یا عثمان بن سعید»، اینک آن عریضه را در اینجا می‌آوریم:

نامهٔ حاجت، به پیشگاه مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يا أَبَا الْقاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، اَلنَّبَإِ الْعَظيمِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ وَعِصْمَةِ اللّاجينَ، بِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ وَبِآبائِكَ الطّاهِرينَ، وَبِأُمَّهاتِكَ الطّاهِراتِ، وَحَقيقَةِ الْإيمانِ، وَنُورِ النُّورِ، وَكِتابٍ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ سَفيري إِلَى اللهِ فِي الْحاجَةِ.

آنگاه نام خود و پدرت را نوشته و عریضه را در گِلی پاک و نظیف قرار بده، و آن را در چاه یا آب جاری بیانداز، و در حالیکه رو به قبله هستی بگو:

يا عُثْمانَ بْنَ سَعيدٍ، أَوْصِلْ قِصَّتي هٰذِهِ إِلىٰ صاحِبِ الزَّمانِ ﷺ.

بخش نهم

استخاره ها

در این بخش مطالبی را بیان می‌کنیم[1] که دیدگان خواننده را روشن نموده و قلب وی را با **رایحه‌های غیبی**[2] آرامش می‌بخشد، تا**کلید فَرَج و گشایش**[3] را پیدا نموده و به مقام **نور افشانی**[4] برسد و قدرت **باز کردن درهای**[5] بسته را داشته باشد.

اینها مطالبی است که از جانب خدا برای **راهنمایی جویندگان بصیرت**[6] احسان شده است.

پس ای خوانندهٔ گرامی؛ آنچه از ولیّ و سرپرست جهان مادّی و معنوی در مورد

---

۱. مؤلّف محترم در مقدّمهٔ این بخش نیز همچون مقدّمهٔ کتاب از فنون بلاغت یعنی «براعت استهلال» استفاده نموده، و در ضمن مقدّمه، اسامی کتاب‌هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده‌اند؛ نام برده است.

۲. اشاره به کتاب «روائح الغيب في رفع التردید والريب»، تألیف: مولا عبدالنبیّ بن عبدالرزّاق ﷺ.

۳. اشاره به کتاب «مفتاح الفرج فی الإستخارات»، تألیف: امیر محمّد حسین خاتون آبادی ﷺ.

۴. اشاره به کتاب «الإنارة عن معانی الإستخارة»، تألیف: شیخ محمّد بن فیض کاشانی ﷺ.

۵. اشاره به کتاب «فتح الأبواب بين ذوی الألباب وبين ربّ الأرباب في الإستخارات»، تألیف: سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ.

۶. اشاره به کتاب «إرشاد المستبصرين في الإستخارات»، تألیف: سیّد عبدالله شبّر ﷺ.

استخاره‌ها[۱] برای **راهنمایی جویندگان**[۲] بازگو می‌نمایم، مغتنم بشمار.

اگر جویای دانستن چنین مطالبی هستید، این شما و این **کلیدهای نهانی**[۳] در دست‌های شما، بگیر آن را و غنیمت بشمار، به شرط آنکه شرایط **استخاره**[۴] را بیاموزید، و ناگزیر بایستی **راههای استخاره**[۵] را بدانید تا بتوانید از **کلیدهای نهانی و چراغ وحی آسمانی**[۶] استفاده نمائید.

از آن جایی که استخاره گونه‌ای از انواع دعاها است، و ما آداب و شرایط آن را در مقدّمهٔ کتاب مفصّلاً شرح دادیم، برای آگاهی بیشتر در این مورد به آنجا مراجعه شود، اینک به جهت اهمیّت مطلب و تأکید آن می‌گوییم:

مهم‌ترین امری که بایستی کسی که دعا می‌نماید یا استخاره می‌کند آن را رعایت کند، این است که قلب خود را از هر چیزی که موجب خشم خدای رحمان می‌شود پاکیزه نموده، و در تحصیل یقین و اطمینان بکوشد، زیرا که آن پایه و اساس دعا و توسّل است.

پس اگر استخاره با آداب و شرایط خود انجام شود، استخاره کننده با اختیار خود قبضه‌ای از تسبیح را انتخاب نمی‌کند، بلکه با اختیار خدای تعالی ـ که از او طلب خیر می‌کند ـ انتخاب می‌شود.

---

۱. «الإستخارات» نام تعدادی از کتاب‌هایی است که چند تن از علماء و دانشمندان اسلامی به این نام تألیف کرده‌اند از جمله: الف ـ شیخ احمد بن صالح بحرانی ﷺ. ب ـ احمد بن عبدالسلام بحرانی ﷺ.
ج ـ شیخ ابوالحسن سلیمان ماحوزی بحرانی ﷺ. د ـ سیّد علی بن محمّد حسینی میبدی یزدی ﷺ.
هـ ـ شیخ میرزا ابو المعالی کلباسی ﷺ. و ـ سیّد میرزا محمّد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی ﷺ.

۲. اشاره به کتاب «هداية المسترشدين في الإستشارة والإستخارة»، تألیف: حسن بن محمّد صالح نصیری طوسی ﷺ.

۳. اشاره به کتاب «مفاتح الغيب في الإستخارة»، تألیف: علّامهٔ مجلسی ﷺ.

۴. اشاره به کتاب «الإستخارة»، تألیف ابوالنضر ـ صاحب تفسیر مشهور ـ محمّد بن مسعود عیّاشی ﷺ.

۵. اشاره به کتاب «منهاج المستخير»، تألیف: حاج میرزا محمّد حسین حسینی تبریزی ﷺ.

۶. اشاره به کتاب «مفتاح الغيب ومصباح الوحي»، تألیف: سیّد مهدی غُریفی ﷺ.

برای اطّلاع بیشتر از کتاب‌هایی که پیرامون مسألهٔ استخاره نوشته شده، به مقدّمهٔ کتاب «فتح الأبواب» مراجعه شود.

بنابراین، اگر استخاره به طرز صحیحی انجام گیرد، اختیار قبضه در استخاره با تسبیح، یا انتخاب رقعه در استخارهٔ رقعه‌ها، یا انتخاب صفحه در استخاره با قرآن با خدای متعال است، نه با شخصی که استخاره کرده است؛ و اگر با آداب و شرایط نباشد چنین استخاره‌ای فاقد اعتبار است.

پس باید استخاره کننده قلب خود را از پلیدی‌ها پاکیزه نماید، و به دنبال تحصیل یقین باشد تا بتواند به خدای تعالی توجّه نماید، و اگر استخاره‌کننده‌ای ایمان و یقین به استخاره نداشته باشد، استخارهٔ او اعتباری ندارد.

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در حالات برخی از مردم می‌گوید:

قلوب عدّه‌ای از بندگان عوام از یقین خالی، و آن‌ها فاقد نیروی شناخت نیز بوده، و اعتمادی به مالک روز معاد ندارند، زیرا که جان آن‌ها فقط در هنگام مشاوره با مردمی که می‌بینند و با آن‌ها انس گرفته و می‌شناسند، آرام می‌شود؛ و خداوند که قابل مشاهده نیست، علاوه بر این؛ آن‌ها نیرویی که خدا را بشناسند و با او مأنوس شوند ندارند، و نمی‌توانند لذّت اعتماد به خدا را درک کنند، و این به جهت کوته نظری آنها است که فائدهٔ مشاوره با خدا را نمی‌دانند که:

ومَن يكُ ذا فم مرّ مريض يجد مرّاً به الماء الزلالا

کسی که دهانش تلخ است و بیماری دارد، طعم آب گوارا را نیز تلخ می‌پندارد.

این‌ها جزء گروهی هستند که مولای ما حضرت امیر مؤمنان علی ﷺ در ضمن خطبه‌ای زیبا می‌فرماید:

همجٌ رعاع، لايعبأ الله بهم، أتباع كلّ ناعق وناعقة.

آن‌ها مگسان ضعیف و ناتوانند ـ که خداوند به آنها توجّه ننموده است ـ دنبال هر صدا و آوازی می‌دوند.[1]

---

۱. فتح الأبواب: ۳۰۰.

آخرین توقیعی که ازناحیهٔ مقدّسه صادر شد، دعای استخاره بود

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه‌الله می‌فرماید:

از دعاهایی که در مورد استخاره از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده چنین فهمیدم که **آن حضرات عنایت خاصّی به استخاره داشتند**، و آن را بزرگ می‌شمردند، تا جائی که فهمیدم که **استخاره از مهم‌ترین امور و جزء اسرار الهی بوده** که در شب معراج برای حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان شد.

مطلب دیگری که در این کاوش علمی بدست آوردم اینکه آخرین توقیعی که از ناحیهٔ مقدّسهٔ مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه صادر شد دعای استخاره بود، و این کامل‌ترین و رساترین دلیل در نزد اهل معرفت و شناخت است.[1]

۱

دعای استخاره

که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است

دعای استخاره آخرین دعایی است که از محضر مقدّس مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در دوران نیابت خاصّه صادر شده است.

محمّد بن علیّ بن محمّد در کتاب خود چنین روایت می‌کند: محمّد بن مظفّر رحمه‌الله می‌گوید:

آخرین گفتاری که از ناحیهٔ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه صادر شد «استخارة الأسماء»

---

۱. فتح الأبواب: ۱۹۲.

است که به آن عمل می‌شود و در نماز حاجت و غیر آن خوانده می‌شود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لَهُمٰا ﴿إِئْتِيٰا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قٰالَتٰا أَتَيْنٰا طٰائِعِينَ﴾[1]، وَبِاسْمِكَ الَّذي عَزَمْتَ بِهِ عَلىٰ عَصٰا مُوسىٰ، ﴿فَإِذٰا هِيَ تَلْقَفُ مٰا يَأْفِكُونَ﴾[2].

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ، حَتّٰى ﴿قٰالُوا آمَنّٰا بِرَبِّ الْعٰالَمِينَ * رَبِّ مُوسىٰ وَهٰارُونَ﴾[3]، أَنْتَ اللهُ رَبُّ الْعٰالَمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي تُبْلي بِهٰا كُلَّ جَديدٍ، وَتُجَدِّدُ بِهٰا كُلَّ بٰالٍ.

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كٰانَ هٰذَا الْأَمْرُ خَيْراً لي في دِيني وَدُنْيٰايَ وَآخِرَتي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْليماً، وَتُهَيِّئَهُ لي، وَتُسَهِّلَهُ عَلَيَّ، وَتُلَطِّفَ لي فيهِ بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

وَإِنْ كٰانَ شَرّاً لي في دِيني وَدُنْيٰايَ وَآخِرَتي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْليماً، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنّي بِمٰا شِئْتَ، وَكَيْفَ شِئْتَ، (وَحَيْثُ شِئْتَ)، وَتُرْضِيَني بِقَضٰائِكَ، وَتُبٰارِكَ لي في قَدَرِكَ، حَتّٰى لٰا أُحِبَّ تَعْجيلَ شَيْءٍ أَخَّرْتَهُ، وَلٰا تَأْخيرَ شَيْءٍ عَجَّلْتَهُ، فَإِنَّهُ لٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِكَ، يٰا عَلِيُّ يٰا عَظيمُ، يٰا ذَا الْجَلٰالِ وَالْإِكْرٰامِ.[4]

---

۱. سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۱۱.

۲. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۱۷.

۳. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۲۱ و ۱۲۲.

۴. فتح الأبواب: ۲۰۵، المصباح: ۵۲۱، مفاتح الغیب: ۲۵.

نکتهٔ مهمّ

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ گوید:

شاید به ذهن برخی از افراد چنین رسد: موقعی که دوران غیبت کبری فرا رسید **مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه دعای استخاره را در عوض از دیدار و مشاورهٔ خویش در نزد صاحبان بینش قرار داده است**، و به این وسیله آن‌ها را **به عظمت و برتری مشاوره با خدا و استخاره آگاه نمود.**

زیرا آن طوری که من واقف شدم نفهمیدم کسی این دعا را از حضرت درخواست کرده باشد، بلکه ابتداءاً **این دعا در آخر امور مهمّه از حضرتش صادر شده است**، و این مطلب در نزد اهل بصیرت و دین قابل فهم است.[1]

۲

دعا برای ظهور آن حضرت عجّل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در «فتح الأبواب» می‌گوید: در حرم مطهّر امام کاظم ﷺ بودم، که بدر بن یعقوب مقرىء اعجمی ﷺ در مورد تفأّل به قرآن سه روایت برای من نقل کرد، در هیچ کدام از روایات نمازی وارد نشده است.[2]

روایت اوّل:

او گفت: قرآن را بدست می‌گیری و دعا می‌کنی آنگاه می‌گوئی:

---

۱. فتح الأبواب: ۲۰۶.

۲. در بعضی از روایات دیگر قید شده است که قبل از استخاره، نماز جعفر طیّار ﷺ خوانده شود.

أَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَ مِنْ قَضٰائِكَ وَقَدَرِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلىٰ أُمَّةِ نَبِيِّكَ بِظُهُورِ وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، فَعَجِّلْ ذٰلِكَ، وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ وَكَمِّلْهُ، وَأَخْرِجْ لي آيَةً أَسْتَدِلُّ بِهٰا عَلىٰ أَمْرٍ فَأَئْتَمِرُ، أَوْ نَهْيٍ فَأَنْتَهي (أَوْ مٰا تُرِيدُ الْفَالَ فيهِ) في عٰافِيَةٍ.

سپس هفت ورق می‌شماری و چون به ورق هفتم رسیدی به صفحهٔ دوّم آن نگاه می‌کنی و شش سطر می‌شماری و به سطر هفتم تفأّل می‌کنی.

روایت دوّم:

همان دعا را می‌خوانی، سپس مصحف شریف را می‌گشایی و هفت ورق را می‌شماری، در صفحهٔ دوّم از ورق هفتم و در صفحه اوّل از ورق هشتم لفظ جلالهٔ «الله» را می‌شماری، سپس به تعداد لفظ جلالهٔ «الله» ورق می‌زنی، آنگاه به صفحهٔ دوّم آخرین ورقی که رسید به تعداد لفظ جلالهٔ «الله» سطرها را می‌شماری و به آخرین سطر تفأّل می‌کنی.

روایت سوّم:

چون دعای مذکور را خواند، هشت ورق می‌شمارد سپس در صفحهٔ اوّل ورق هشتم یازده سطر می‌شمارد و به همان سطر یازدهم تفأّل می‌کند.

در مورد تفأّل به قرآن کریم همین سه روایت را همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم.[1]

۱. فتح الأبواب: ۲۷۸.

۳

استخاره با رقعه

که از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است

این استخاره از مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است:

در دو کاغذ جداگانه می‌نویسی: «**خِيَرَةٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ لِفُلٰانِ بْنِ فُلٰانَةٍ**» در یکی از آنها می‌نویسی: «**إِفْعَلْ**» یعنی انجام بده، و در دیگری می‌نویسی: «**لٰاتَفْعَلْ**» یعنی انجام نده، و گلوله‌ای از گل بساز و آن دو رقعه را در میان آن قرار ده و در ظرف آبی بینداز، آنگاه وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و این دعا را قرائت نما:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ خِيارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ في أَمْرِهِ، وَاسْتَسْلَمَ بِكَ فيمٰا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ.

أَللّٰهُمَّ خِرْ لي وَلٰاتَخِرْ عَلَيَّ، وَأَعِنّي وَلٰاتُعِنْ عَلَيَّ، وَمَكِّنّي وَلٰاتُمَكِّنْ مِنّي، وَاهْدِني لِلْخَيْرِ وَلٰاتُضِلَّني، وَأَرْضِني بِقَضٰائِكَ، وَبٰارِكْ لي في قَدَرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مٰا تَشٰاءُ وَتُعْطي مٰا تُريدُ.

أَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَتِ الْخِيَرَةُ لي في أَمْري هٰذٰا وَهُوَ كَذٰا وَكَذٰا، فَمَكِّنّي مِنْهُ، وَأَقْدِرْني عَلَيْهِ، وَأَمْرْني بِفِعْلِهِ، وَأَوْضِحْ لي طَريقَ الْهِدٰايَةِ إِلَيْهِ، وَإِنْ كٰانَ اللّٰهُمَّ غَيْرَ ذٰلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنّي إِلَى الَّذي هُوَ خَيْرٌ لي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلٰا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلٰا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلّٰامُ الْغُيُوبِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

سپس سجده نموده و در سجده صد مرتبه بگو: «**أَسْتَخيرُ اللهَ خِيَرَةً في عٰافِيَةٍ**»، آن‌گاه سر از سجده بردار و منتظر باش تا یکی از کاغذها از گلوله‌های گِلی خارج

شود، و هر کدام زودتر خارج شد به آن عمل نما، إن شاء الله تعالی.[۱]

انواع استخاره با تسبیح
که از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است

٤

استخارهٔ اوّل

علّامهٔ حلّی ﷺ در کتاب «مصباح» گوید: این استخاره از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است و طریقهٔ آن چنین است:

سورهٔ «حمد» را ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه می‌خواند، سپس سورهٔ «قدر» را نیز ده مرتبه می‌خواند، پس از آن سه مرتبه می‌گوید:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعٰاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشيرُكَ لِحُسْنِ ظَنّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ.

أَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَ الْأَمْرُ الْفُلٰاني و کار خود را نام می‌برد **بِمٰا قَدْ نيطَتْ بِالْبَرَكَةِ أَعْجٰازُهُ وَبَوٰادِيهِ، وَحُفَّتْ بِالْكَرٰامَةِ أَيّٰامُهُ وَلَيٰالِيهِ، فَخِرْ لِيَ اللّٰهُمَّ فيهِ خِيَرَةً تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذُلُولاً، وَتَقْعَضُ أَيّٰامَهُ سُرُوراً.**

أَللّٰهُمَّ إِمّٰا أَمْرٌ فَأَئْتَمِرُ، وَإِمّٰا نَهْيٌ فَأَنْتَهي. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْتَخيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خِيَرَةً في عٰافِيَةٍ.

آن گاه قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و حاجت خود را در دل نیّت می‌کند، آن قبضه

۱. فتح الأبواب: ۲۶۵.

را می‌شمارد اگر عدد **فرد** باشد، آن کار را باید انجام دهد، و اگر عددش **زوج** باشد آن را باید ترک کند.[۱]

۵

استخارهٔ دوّم

علّامهٔ مجلسی ﷺ در «بحار الأنوار» می‌گوید: از پدر بزرگوار خود شنیدم که از استاد خود شیخ بهائی ﷺ نقل می‌کرد که ایشان می‌گفت:

اساتید من استخاره با تسبیح را از حضرت قائم ارواحنا فداه چنین نقل می‌کردند:

تسبیح را به دست گرفته و سه مرتبه بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم صلوات می‌فرستد، و قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و دو تا دو تا می‌شمارد، اگر یکی باقی ماند آن کار را انجام دهد، و اگر دو تا باقی ماند، انجام ندهد.[۲]

٦

استخارهٔ سوّم

صاحب کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي» می‌گوید:

ما در استخاره با تسبیح طریق مجازی داریم که متّصل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه است، یکی از علماء به من اجازه دادند که این طریق را انجام داده، و به دیگران هم اجازه دهم، من نیز به برخی اجازه دادم، و آن استخاره چنین است:

---

۱. البلد الأمین: ۲۳۱، المصباح: ۵۱۵، الجُنّة الواقیة والجَنّة الباقیة (مخطوط): ۷۵، و مانند آن در الصحیفة الصادقیّة: ۴۲۰ وارد شده است.

۲. بحار الأنوار: ۲۵۰/۹۱.

پس از گفتن **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**، سه مرتبه می‌گوید: «**أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**»، آنگاه دعای مختصری می‌خواند، مثلاً می‌گوید: «**يا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِ مَنْ لا يَعْلَمُ**»، یا اینکه می‌گوید: «**يا رَبِّ خِرْ لي ما هُوَ الصّالِحُ**»، و امثال این‌ها، آنگاه قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و می‌شمارد؛ اگر باقیمانده **فرد** باشد آن کار را انجام می‌دهد، و اگر **زوج** باشد ترک می‌کند.[1]

۷

استخارهٔ چهارم

در یک کتاب قدیمی چنین نوشته شده بود:

استخارهٔ منسوب به مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه به این ترتیب است:

اول سورهٔ «حمد» را بخوان تا به آیهٔ شریفه ﴿**إِهْدِنَا الصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِيمَ**﴾ برسی، سپس سه مرتبه بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام صلوات بفرست، و سه مرتبه بگو: «**يا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِ مَنْ لا يَعْلَمُ**».

پس از آن قبضه‌ای از تسبیح را بگیر و دو تا دو تا بشمار، اگر یکی باقی ماند کار خیر است و انجام بده، و اگر دو تا باقی ماند انجام نده.

و اگر می‌خواهی خوبی عمل و بدی آن را بدانی، دوباره استخاره نما و ترک آن عمل را قصد نما، اگر در استخارهٔ اوّلی به اصل عمل امر شده و در استخارهٔ دوّمی نهی گردیده است آن کار خیلی خوب است، و اگر در استخارهٔ دوّمی نیز امر شده آن کار، خوبِ متوسّط است.

و همچنین اگر در استخارهٔ اوّلی از اصل کار نهی شده و در ترکش امر شده، باید از

---

۱. المختار من كلمات الإمام المهديّ عليه‌السلام: ۵۳۹/۲.

آن کار جدّاً دست بکشد، و اگر در ترک آن کار نیز نهی باشد، اجتناب از آن کار مثل استخارهٔ قبلی نیست.



استخارهٔ پنجم

شیخ بزرگوار و فقیه عالی مقام شیخ محمّد حسن نجفی ﷺ صاحب جواهر در «جواهر الکلام» می‌نویسد: نزد بعضی از اهل زمان ما استخاره‌ای معمول شده است، که ای بسا **این استخاره به مولای ما حضرت قائم** ارواحنافداه **نسبت داده می‌شود**، و آن استخاره چنین است:

پس از قرائت و دعا قبضه‌ای از تسبیح را گرفته و هشت هشت بشمارد، اگر یکی باقی ماند نسبتاً خوب است، و اگر دو تا باقی ماند یک نهی دارد، و اگر سه تا باقی ماند اختیار دارد زیرا فعل و ترک آن مساوی است.

و اگر چهار تا باقی ماند دو تا نهی دارد، و اگر پنج تا باقی ماند، برخی می‌گویند: سختی و زحمت دارد، و برخی دیگر گویند: در آن کار ملامت است، و اگر شش تا باقی ماند خیلی خوب است باید در آن کار عجله کند.

و اگر هفت تا باقی ماند حکمش مثل حکم پنج تایی است ـ یعنی دو عقیده یا دو روایت دربارهٔ آن وجود دارد ـ و اگر هشت تا باقی ماند چهار نهی دارد.[1]

۱. الباقیات الصالحات حاشیهٔ کتاب مفاتیح الجنان: ۴۱۱.

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه از پدران بزرگوار خود نقل فرموده‌اند

۱

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سختی‌ها

به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه‌الله دعایی از مولا و مقتدای ما امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برای برطرف شدن سختی‌ها و پیشامدها نقل کرده، و سند آن را ذکر نکرده است، ولی علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله می‌گوید:

برای این دعا نزد ما سندی عالی و شگفت انگیز است، **زیرا من این دعا را بدون واسطه از پدرم، از برخی از صالحین، از مولای ما حضرت بقیّة الله** ارواحنا فداه روایت می‌کنم.[1]

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذي لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبي، فَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ يٰا غَفُورُ.

---

۱. بحار الأنوار: ۲۶۶/۹۵.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ ، عَلىٰ ما خَصَصْتَني بِهِ مِنْ مَواهِبِ الرَّغائِبِ ، وَوَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضائِلِ الصَّنائِعِ ، وَعَلىٰ ما أَوْلَيْتَني بِهِ ، وَتَوَلَّيْتَني بِهِ مِنْ رِضْوانِكَ ، وَأَنَلْتَني مِنْ مَنِّكَ الْواصِلِ إِلَيَّ ، وَمِنَ الدِّفاعِ عَنّي ، وَالتَّوْفيقِ لي ، وَالْإِجابَةِ لِدُعائي ، حَتّى أُناجيكَ راغِباً ، وَأَدْعُوكَ مُصافِياً ، وَحتّى أَرْجُوكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَواطِنِ كُلِّها لي جابِراً ، وَفي أُمُوري ناظِراً ، وَلِذُنُوبي غافِراً ، وَلِعَوْراتي ساتِراً ، لَمْ أَعْدِمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُذْ أَنْزَلْتَني دارَ الْإِخْتِبارِ ، لِتَنْظُرَ ماذا أُقَدِّمُ لِدارِ الْقَرارِ .

فَأَنَا عَتيقُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ جَميعِ الْمَصائِبِ وَاللَّوازِبِ ، وَالْغُمُومِ الَّتي ساوَرَتْني فيهَا الْهُمُومُ ، بِمَعارِيضِ الْقَضاءِ ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْبَلاءِ ، لا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَميلَ ، وَلا أَرىٰ مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضيلِ .

خَيْرُكَ لي شامِلٌ ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَواتِرٌ ، وَنِعَمُكَ عِنْدي مُتَّصِلَةٌ ، سَوابِغُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذاري ، بَلْ صَدَّقْتَ رَجائي ، وَصاحَبْتَ أَسْفاري ، وَأَكْرَمْتَ أَحْضاري ، وَشَفَيْتَ أَمْراضي ، وَعافَيْتَ أَوْصابي ، وَأَحْسَنْتَ مُنْقَلَبي وَمَثْوايَ ، وَلَمْ تُشْمِتْ بي أَعْدائي ، وَرَمَيْتَ مَنْ رَماني ، وَكَفَيْتَني شَرَّ مَنْ عاداني .

أَللّٰهُمَّ كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضىٰ عَلَيَّ سَيْفَ عَداوَتِهِ ، وَشَحَذَ لِقَتْلي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ ، وَأَرْهَفَ لي شَبا حَدِّهِ ، وَدافَ لي قَواتِلَ سُمُومِهِ ، وَسَدَّدَ لي صَوائِبَ سِهامِهِ ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَني الْمَكْرُوهَ ، وَيُجَرِّعَني ذُعافَ مَرارَتِهِ ، فَنَظَرْتَ يا إِلٰهي إِلىٰ ضَعْفي عَنِ احْتِمالِ الْفَوادِحِ ، وَعَجْزي عَنِ الْإِنْتِصارِ مِمَّنْ قَصَدَني بِمُحارَبَتِهِ ، وَوَحْدَتي في كَثيرِ مَنْ ناواني ، وَأَرْصَدَ لي فيما لَمْ أَعْمَلْ فِكْري فِي الْإِنْتِصارِ مِنْ مِثْلِهِ .

فَأَيَّدْتَني يا رَبِّ بِعَوْنِكَ ، وَشَدَدْتَ أَيْدي بِنَصْرِكَ ، ثُمَّ فَلَلْتَ لي حَدَّهُ ، وَصَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَديدِهِ وَحْدَهُ ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبي عَلَيْهِ ، وَرَدَدْتَهُ حَسيراً لَمْ تَشْفِ غَليلَهُ ، وَلَمْ

تُبَرِّدْ حَزازاتِ غَيْظِهِ، وَقَدْ غَضَّ عَلَيَّ شَواهُ، وَآبَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفْتَ سَرايَاهُ، وَأَخْلَفْتَ آمالَهُ.

أَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَغْيٍ بَغىٰ عَلَيَّ بِمَكائِدِهِ، وَنَصَبَ لي شَرَكَ مَصائِدِهِ، وَضَبَأَ إِلَيَّ ضُبُوءَ السَّبُعِ لِطَرِيدَتِهِ، وَانْتَهَزَ فُرْصَتَهُ، وَاللِّحاقَ لِفَرِيسَتِهِ، وَهُوَ مُظْهِرٌ بَشاشَةَ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهاً طَلِقاً.

فَلَمّا رَأَيْتَ يا إِلٰهي دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبْحَ طَوِيَّتِهِ، أَنْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ في زُبْيَتِهِ، وَأَرْكَسْتَهُ في مَهوىٰ حَفِيرَتِهِ، وَأَنْكَصْتَهُ عَلىٰ عَقِبَيْهِ، وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَنَكَأْتَهُ بِمِشْقَصِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ، وَرَدَدْتَ كَيْدَهُ في نَحْرِهِ، وَرَبَقْتَهُ بِنَدامَتِهِ فَاسْتَخْذَلَ وَتَضاءَلَ بَعْدَ نِخْوَتِهِ، وَبَخَعَ وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطالَتِهِ، ذَلِيلاً مَأْسُوراً في حَبائِلِهِ الَّتي كانَ يُحِبُّ أَنْ يَراني فيها، وَقَدْ كِدْتُ لَوْلا رَحْمَتُكَ أَنْ يَحِلَّ بي ما حَلَّ بِساحَتِهِ، فَالْحَمْدُ لِرَبٍّ مُقْتَدِرٍ لا يُنازَعُ، وَلِوَلِيٍّ ذي أَناةٍ لا يَعْجَلُ، وَقَيُّومٍ لا يَغْفُلُ، وَحَلِيمٍ لا يَجْهَلُ.

نادَيْتُكَ يا إِلٰهي مُسْتَجيراً بِكَ، وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجابَتِكَ، مُتَوَكِّلاً عَلىٰ ما لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفاعِكَ عَنّي، عالِماً أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ آوىٰ إِلىٰ ظِلِّ كِفايَتِكَ، وَلا يَقْرَعُ الْقَوارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلىٰ مَعْقِلِ الْإِنْتِصارِ بِكَ، فَخَلَّصْتَني يا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَني مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ وَمَنِّكَ.

أَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ سَحائِبَ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَها، وَسَماءِ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَها، وَجَداوِلَ كَرامَةٍ أَجْرَيْتَها، وَأَعْيُنِ أَحْداثٍ طَمَسْتَها، وَناشِيءِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَها، وَغَواشِيَ كُرَبٍ فَرَّجْتَها، وَغُمَمِ بَلاءٍ كَشَفْتَها، وَجُنَّةِ عافِيَةٍ أَلْبَسْتَها، وَأُمُورٍ حادِثَةٍ قَدَّرْتَها، لَمْ تُعْجِزْكَ إِذْ طَلَبْتَها، فَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَها.

أَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ حاسِدٍ سُوءٍ تَوَلَّني بِحَسَدِهِ، وَسَلَقَني بِحَدِّ لِسانِهِ، وَوَخَزَني بِقَرْفِ عَيْبِهِ، وَجَعَلَ عِرْضي غَرَضاً لِمَرامِيهِ، وَقَلَّدَني خِلالاً لَمْ تَزَلْ فيهِ كَفَيْتَني أَمْرَهُ.

أَللّٰهُمَّ وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ، وَعُدْمِ إِمْلاقٍ ضَرَّني جَبَرْتَ وَأَوْسَعْتَ، وَمِنْ صَرْعَةٍ أَقَمْتَ، وَمِنْ كُرْبَةٍ نَفَّسْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ، وَمِنْ نِعْمَةٍ خَوَّلْتَ، لا تُسْأَلُ عَمّا تَفْعَلُ، وَلا بِما أَعْطَيْتَ تَبْخَلُ، وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَبَذَلْتَ، وَلَمْ تُسْئَلْ فَابْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيحَ فَضْلُكَ فَما أَكْدَيْتَ، أَبَيْتَ إِلّا إِنْعاماً وَامْتِناناً وَتَطَوُّلاً، وَأَبَيْتُ إِلّا تَقَحُّماً عَلىٰ مَعاصيكَ، وَانْتِهاكاً لِحُرُماتِكَ، وَتَعَدِّياً لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعيدِكَ، وَطاعَةً لِعَدُوّي وَعَدُوِّكَ، لَمْ تَمْتَنِعْ عَنْ إِتْمامِ إِحْسانِكَ، وَتَتابُعِ امْتِنانِكَ، وَلَمْ يَحْجُزْني ذٰلِكَ عَنِ ارْتِكابِ مَساخِطِكَ.

أَللّٰهُمَّ فَهٰذا مَقامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ بِالتَّقْصيرِ عَنْ أَداءِ حَقِّكَ، اَلشّاهِدِ عَلىٰ نَفْسِهِ بُسُبوغِ نِعْمَتِكَ، وَحُسْنِ كِفايَتِكَ، فَهَبْ لِيَ اللّٰهُمَّ يا إِلٰهي ما أَصِلُ بِهِ إِلىٰ رَحْمَتِكَ، وَأَتَّخِذُهُ سُلَّماً أَعْرُجُ فيهِ إِلىٰ مَرْضاتِكَ، وَآمَنُ بِهِ مِنْ عِقابِكَ، فَإِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ وَتَحْكُمُ ما تُريدُ، وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

أَللّٰهُمَّ حَمْدي لَكَ مُتَواصِلٌ، وَثَنائي عَلَيْكَ دائِمٌ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِأَلْوانِ التَّسْبيحِ، وَفُنُونِ التَّقْديسِ، خالِصاً لِذِكْرِكَ، وَمَرْضِيّاً لَكَ بِنٰاصِعِ التَّوْحيدِ، وَمَحْضِ التَحْميدِ، وَطُولِ التَّعْديدِ في إِكْذابِ أَهْلِ التَّنْديدِ.

لَمْ تُعَنْ في شَيْءٍ مِنْ قُدْرَتِكَ، وَلَمْ تُشارَكْ في إِلٰهِيَّتِكَ، وَلَمْ تُعايَنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْياءَ عَلَى الْغَرائِزِ الْمُخْتَلِفاتِ، وَفَطَرْتَ الْخَلائِقَ عَلىٰ صُنُوفِ الْهَيئاتِ، وَلا خَرَقَتِ الْأَوْهامُ حُجُبَ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ، فَاعْتَقَدَتْ مِنْكَ مَحْدُوداً في عَظَمَتِكَ، وَلا كَيْفِيَّةً في أَزَلِيَّتِكَ، وَلا مُمْكِناً في قِدَمِكَ، وَلا يَبْلُغُكَ بُعْدُ الْهِمَمِ، وَلا يَنالُكَ غَوْصُ

الْفِطَنِ ، وَلا يَنْتَهي إِلَيْكَ نَظَرُ النّاظِرِينَ في مَجْدِ جَبَرُوتِكَ ، وَعَظِيمِ قُدْرَتِكَ .

إِرْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَةُ قُدْرَتِكَ ، وَعَلا عَنْ ذٰلِكَ كِبْرِيٰاءُ عَظَمَتِكَ ، وَلا يَنْتَقِصُ ما أَرَدْتَ أَنْ يَزْدادَ ، وَلا يَزْدادُ ما أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ ، وَلا أَحَدٌ شَهِدَكَ حينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ ، وَلا ضِدٌّ حَضَرَكَ حينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ .

كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَبْيينِ صِفَتِكَ ، وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ ، وَكَيْفَ تُدْرِكُكَ الصِّفاتُ ، أَوْ تَحْوِيكَ الْجِهاتُ ، وَأَنْتَ الْجَبّارُ الْقُدُّوسُ الَّذي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيّاً دائِماً فِي الْغُيُوبِ وَحْدَكَ ، لَيْسَ فيها غَيْرُكَ ، وَلَمْ يَكُنْ لَها سِواكَ .

حارَتْ في مَلَكُوتِكَ عَميقاتُ مَذاهِبِ التَّفْكيرِ ، وَحَسُرَ عَنْ إِدْراكِكَ بَصَرُ الْبَصيرِ ، وَتَواضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْإِسْتِكانَةِ لِعِزَّتِكَ ، وَانْقادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ ، وَخَضَعَتِ الرِّقابُ بِسُلْطانِكَ ، فَضَلَّ هُنالِكَ التَّدْبيرُ في تَصاريفِ الصِّفاتِ لَكَ ، فَمَنْ تَفَكَّرَ في ذٰلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسيراً ، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتاً مَبْهُوراً ، وَفِكْرُهُ مُتَحَيِّراً .

أَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً مُتَواتِراً مُتَوالِياً مُتَّسِقاً مُسْتَوْثِقاً يَدُومُ وَلا يَبيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلا مَطْمُوسٍ فِي الْعالَمِ ، وَلا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفانِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا تُحْصىٰ مَكارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذا أَدْبَرَ ، وَفِي الصُّبْحِ إِذا أَسْفَرَ ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَبِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكارِ ، وَالظَّهيرَةِ وَالْأَسْحارِ .

أَللّٰهُمَّ بِتَوْفيقِكَ أَحْضَرْتَنِي النَّجاةَ ، وَجَعَلْتَني مِنْكَ في وَلايَةِ الْعِصْمَةِ ، لَمْ تُكَلِّفْني فَوْقَ طاقَتي إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنّي إِلّا بِطاعَتي ، فَلَيْسَ شُكْري وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقالِ ، وَبالَغْتُ مِنْهُ فِي الْفِعالِ بِبالِغِ أَداءِ حَقِّكَ ، وَلا مُكافٍ فَضْلَكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ غائِبَةٌ ، وَلا تَخْفىٰ عَلَيْكَ خافِيَةٌ ، وَلا تَضِلُّ لَكَ في ظُلَمِ الْخَفِيّاتِ

ضالَّةٌ ، إِنَّما أَمْرُكَ إِذا أَرَدْتَ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ ما حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ ، وَحَمِدَكَ بِهِ الْحامِدُونَ ، وَمَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ ، حَتّٰى يَكُونَ لَكَ مِنّي وَحْدي في كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ ، وَأَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ ، مِثْلُ حَمْدِ جَميعِ الْحامِدينَ وَتَوْحيدِ أَصْنافِ الْمُخْلِصينَ ، وَتَقْديسِ أَحِبّائِكَ الْعارِفينَ ، وَثَناءِ جَميعِ الْمُهَلِّلينَ وَمِثْلُ ما أَنْتَ عارِفٌ بِهِ ، وَمَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوانِ وَالْجَمادِ .

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ اللّٰهُمَّ في شُكْرِ ما أَنْطَقْتَني بِهِ مِنْ حَمْدِكَ ، فَما أَيْسَرَ ما كَلَّفْتَني مِنْ ذٰلِكَ ، وَأَعْظَمَ ما وَعَدْتَني عَلىٰ شُكْرِكَ ، إِبْتَدَأْتَني بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوْلاً ، وَأَمَرْتَني بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً ، وَوَعَدْتَني عَلَيْهِ أَضْعافاً وَمَزيداً ، وَأَعْطَيْتَني مِنْ رِزْقِكَ اعْتِباراً وَامْتِحاناً ، وَسَأَلْتَني مِنْهُ فَرْضاً يَسيراً صَغيراً ، وَوَعَدْتَني عَلَيْهِ أَضْعافاً وَمَزيداً وَإِعْطاءً كَثيراً .

وَعافَيْتَني مِنْ جُهْدِ الْبَلاءِ ، وَلَمْ تُسْلِمْني لِلسُّوءِ مِنْ بَلائِكَ ، وَمَنَحْتَنِي الْعافِيَةَ ، وَأَوْلَيْتَني بِالْبَسْطَةِ وَالرَّخاءِ ، وَضاعَفْتَ لِيَ الْفَضْلَ مَعَ ما وَعَدْتَني بِهِ مِنَ الْمَحَلَّةِ الشَّريفَةِ ، وَبَشَّرْتَني بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفيعَةِ الْمَنيعَةِ ، وَاصْطَفَيْتَني بِأَعْظَمِ النَّبِيّينَ دَعْوَةً ، وَأَفْضَلِهِمْ شَفاعَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي ما لا يَسَعُهُ إِلّا مَغْفِرَتُكَ ، وَلا يَمْحَقُهُ إِلّا عَفْوُكَ ، وَهَبْ لي في يَوْمي هٰذا وَساعَتي هٰذِهِ يَقيناً يُهَوِّنُ عَلَيَّ مُصيباتِ الدُّنْيا وَأَحْزانَها ، وَيُشَوِّقُني إِلَيْكَ ، وَيُرَغِّبُني فيما عِنْدَكَ ، وَاكْتُبْ لِيَ الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْنِي الْكَرامَةَ ، وَارْزُقْني شُكْرَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْواحِدُ الرَّفيعُ الْبَديءُ الْبَديعُ السَّميعُ الْعَليمُ الَّذي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ ، وَلا عَنْ قَضائِكَ مُمْتَنِعٌ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَبّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فاطِرُ

السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ ، اَلْعَلِيُّ الْكَبيرُ الْمُتَعالُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الثَّباتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزيمَةَ فِي الرُّشْدِ ، وَإِلْهامَ الشُّكْرِ عَلىٰ نِعْمَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جائِرٍ ، وَبَغْيِ كُلِّ باغٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حاسِدٍ .

أَللّٰهُمَّ بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْداءِ ، وَإِيّاكَ أَرْجُو وِلايَةَ الْأَحِبّاءِ ، مَعَ ما لا أَسْتَطيعُ إِحْصاءَهُ مِنْ فَوائِدِ فَضْلِكَ ، وَأَصْنافِ رِفْدِكَ ، وَأَنْواعِ رِزْقِكَ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْفاشي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ ، اَلْباسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ ، لا تُضادُّ في حُكْمِكَ ، وَلا تُنازَعُ في سُلْطانِكَ وَمُلْكِكَ ، وَلا تُراجَعُ في أَمْرِكَ ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنامِ ما شِئْتَ ، وَلا يَمْلِكُونَ إِلّا ما تُريدُ .

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْقادِرُ الْقاهِرُ الْمُقَدَّسُ في نُورِ الْقُدْسِ ، تَرَدَّيْتَ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ ، وَتَعَظَّمْتَ بِالْقُدْرَةِ وَالْكِبْرِياءِ ، وَغَشَّيْتَ النُّورَ بِالْبَهاءِ ، وَجَلَّلْتَ الْبَهاءَ بِالْمَهابَةِ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظيمُ ، وَالْمَنُّ الْقَديمُ ، وَالسُّلْطانُ الشّامِخُ ، وَالْحَوْلُ الْواسِعُ ، وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ ، وَالْحَمْدُ الْمُتَتابِعُ الَّذي لا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَداً وَلا يَنْقَضي أَبَداً ، إِذْ جَعَلْتَني مِنْ أَفاضِلِ بَني آدَمَ ، وَجَعَلْتَني سَميعاً بَصيراً صَحيحاً سَوِيّاً مُعافاً لَمْ تَشْغَلْني بِنُقْصانٍ في بَدَني ، وَلا بِآفَةٍ في جَوارِحي ، وَلا عاهَةٍ في نَفْسي وَلا في عَقْلي .

وَلَمْ يَمْنَعْكَ كَرامَتُكَ إِيّايَ ، وَحُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدي ، وَفَضْلُ نَعْمائِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيا ، وَفَضَّلْتَني عَلىٰ كَثيرٍ مِنْ أَهْلِها تَفْضيلاً ، وَجَعَلْتَني سَميعاً أَعي ما كَلَّفْتَني بَصيراً ، أَرىٰ قُدْرَتَكَ فيما ظَهَرَ لي ، وَاسْتَرْعَيْتَني وَاسْتَوْدَعْتَني قَلْباً يَشْهَدُ بِعَظَمَتِكَ ، وَلِساناً ناطِقاً بِتَوْحيدِكَ ، فَإِنّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حامِدٌ ، وَلِتَوْفيقِكَ إِيّايَ

بِحَمْدِكَ شاكِرٌ ، وَبِحَقِّكَ شاهِدٌ ، وَإِلَيْكَ في مُلِمّي وَمُهِمّي ضارِعٌ ، لِأَنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ ، وَحَيٌّ تَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْها ، وَأَنْتَ خَيْرُ الْوارِثِينَ .

أَللّٰهُمَّ لا تَقْطَعْ عَنّي خَيْرَكَ في كُلِّ وَقْتٍ ، وَلَمْ تُنْزِلْ بي عُقُوباتِ النِّقَمِ ، وَلَمْ تُغَيِّرْ ما بي مِنَ النِّعَمِ ، وَلا أَخْلَيْتَني مِنْ وَثيقِ الْعِصَمِ ، فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ إِحْسانِكَ إِلَيَّ وَإِنْعامِكَ عَلَيَّ إِلّا عَفْوَكَ عَنّي ، وَالْإِسْتِجابَةَ لِدُعائي ، حينَ رَفَعْتُ رَأْسي بِتَحْميدِكَ وَتَمْجيدِكَ ، لا في تَقْديرِكَ جَزيلَ حَظّي حينَ وَفَّرْتَهُ انْتَقَصَ مُلْكُكَ ، وَلا في قِسْمَةِ الْأَرْزاقِ حينَ قَتَّرْتَ عَلَيَّ تَوَفَّرَ مُلْكُكَ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ ، وَعَدَدَ ما أَدْرَكَتْهُ قُدْرَتُكَ ، وَعَدَدَ ما وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ ، وَأَضْعافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ ، حَمْداً واصِلاً مُتَواتِراً مُتَوازِياً لِآلائِكَ وَأَسْمائِكَ .

أَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسانَكَ إِلَيَّ فيما بَقِيَ مِنْ عُمْري ، كَما أَحْسَنْتَ إِلَيَّ [مِنْهُ] فيما مَضىٰ ، فَإِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحيدِكَ وَتَهْليلِكَ وَتَمْجيدِكَ وَتَكْبيرِكَ وَتَعْظيمِكَ ، [وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي خَلَقْتَهُ مِنْ ذٰلِكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ] .

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرُّوحِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ ، وَبِكَ وَبِكَ وَبِكَ ، أَلّا تَحْرِمَني رِفْدَكَ ، وَفَوائِدَ كَرامَتِكَ ، وَلا تُوَلِّني غَيْرَكَ ، وَلا تُسْلِمَني إِلىٰ عَدُوّي ، وَلا تَكِلَني إِلىٰ نَفْسي ، وَأَحْسِنْ إِلَيَّ أَتَمَّ الْإِحْسانِ عاجِلاً وَآجِلاً ، وَحَسِّنْ فِي الْعاجِلَةِ عَمَلي ، وَبَلِّغْني فيها أَمَلي وَفِي الْآجِلَةِ ، وَالْخَيْرَ في مُنْقَلَبي .

فَإِنَّهُ لا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ ما يَنْدَفِقُ بِهِ فَضْلُكَ ، وَسَيْبُ الْعَطايا مِنْ مَنِّكَ ، وَلا يُنْقِصُ جُودَكَ تَقْصيري في شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، وَلا تُجِمُّ خَزائِنَ نِعْمَتِكَ النِّعَمُ ، وَلا يُنْقِصُ عَظيمَ مَواهِبِكَ مِنْ سِعَتِكَ الْإِعْطاءُ ، وَلا تُؤَثِّرُ في جُودِكَ الْعَظيمِ الْفاضِلِ الْجَليلِ مِنَحُكَ ،

وَلاٰ تَخافُ ضَيْمَ إِمْلاقٍ فَتُكْدِيَ ، وَلاٰ يَلْحَقُكَ خَوْفُ عُدْمٍ فَيَنْقُصَ فَيْضُ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ .

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني قَلْباً خاشِعاً ، وَيَقيناً صادِقاً ، وَبِالْحَقِّ صادِعاً ، وَلاٰ تُؤْمِنّي مَكْرَكَ ، وَلاٰ تُنْسِني ذِكْرَكَ ، وَلاٰ تَهْتِكَ عَنّي سِتْرَكَ ، وَلاٰ تُوَلِّني غَيْرَكَ ، وَلاٰ تُقَنِّطْني مِنْ رَحْمَتِكَ بَلْ تَغَمَّدْني بِفَوٰائِدِكَ ، وَلاٰ تَمْنَعْني جَميلَ عَوٰائِدِكَ ، وَكُنْ لي في كُلِّ وَحْشَةٍ أَنيساً ، وَفي كُلِّ جَزَعٍ حِصْناً ، وَمِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ غِياثاً .

وَنَجِّني مِنْ كُلِّ بَلاءٍ ، وَاعْصِمْني مِنْ كُلِّ زَلَلٍ وَخَطاءٍ ، وَتَمِّمْ لي فَوٰائِدَكَ ، وَقِني وَعيدَكَ ، وَاصْرِفْ عَنّي أَليمَ عَذٰابِكَ وَتَدْميرَ تَنْكيلِكَ ، وَشَرِّفْني بِحِفْظِ كِتٰابِكَ ، وَأَصْلِحْ لي دينِي وَدُنْيايَ وَآخِرَتي وَأَهْلي وَوَلَدي ، وَوَسِّعْ رِزْقي ، وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ ، وَلاٰ تُعْرِضْ عَنّي .

أَللّٰهُمَّ ارْفَعْني وَلاٰ تَضَعْني ، وَارْحَمْني وَلاٰ تُعَذِّبْني ، وَانْصُرْني وَلاٰ تَخْذُلْني ، وَآثِرْني وَلاٰ تُؤْثِرْ عَلَيَّ ، وَاجْعَلْ لي مِنْ أَمْري يُسْراً وَفَرَجاً ، وَعَجِّلْ إِجٰابَتي ، وَاسْتَنْقِذْني مِمّا قَدْ نَزَلَ بي ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ ، وَذٰلِكَ عَلَيْكَ يَسيرٌ ، وَأَنْتَ الْجَوٰادُ الْكَريمُ .[1]

حکایت حرز یمانی

محدّث نوری در کتاب «دار السلام» نقل می‌کند و می‌گوید: در پشت نسخهٔ دعای معروف «حرز یمانی» به خطّ علّامه شیخ محمّد تقی مجلسی ﷺ چنین یافتم:

بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله ربّ العالمین، والصلاة علی أشرف المرسلین محمّد وعترته الطّاهرین.

۱. بحار الأنوار: ۲۵۹/۹۵، مهج الدعوات: ۱۶۱.

وبعد؛ سیّد نجیب و ادیب امیر محمّد هاشم ـ که از سادات بزرگوار است ـ از من درخواست نمود که اجازهٔ قرائت «حرز یمانی» را به او بدهم، این حرز که منسوب به امیر مؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و بهترین خلایق پس از آقای پیامبران؛ حضرت علی علیه‌السلام ـ که درود و سلام خدا بر آنان مادامی که بهشت جایگاه شایستگان است ـ می‌باشد، به او اجازه دادم که از من با سندم از سیّد بزرگوار امیر اسحاق استر آبادی ـ که در جوار آقای جوانان بهشت در کربلای معلّی مدفون است ـ **از مولای ما و مولای جنّ و انس، خلیفة الله، صاحب العصر و الزمان** ارواحنا فداه روایت می‌کند، امیر اسحاق استرآبادی می‌گوید:

در راه مکّه خستگی راه ناتوانم کرد، و از حرکت باز ایستادم و از کاروان عقب ماندم، واماندگی من؛ مرا از زندگی نا امید کرد، دست از دنیا شُستم و مانند کسی که جان می‌سپارد به پشت خوابیدم، و شروع به گفتن شهادتین نمودم.

ناگاه در بالینم مولای ما و مولای جهانیان خلیفهٔ خدا بر مردمان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه **جلوه‌گر شد** و فرمود: ای اسحاق! برخیز.

برخاستم، تشنگی بر من چیره شده بود، آبم داد، و سوار بر مرکب خود نمود. همین طوری که راه می‌پیمودیم من «حرز یمانی» را می‌خواندم، حضرت اشتباهات مرا تصحیح می‌فرمود، تا اینکه حرز تمام شد، ناگاه متوجّه شدم که در سرزمین ابطح (مکّه) هستم، از مرکب پائین آمدم و آن حضرت را ندیدم.

کاروان ما پس از نه روز وارد مکّه شد، چون مرا در مکّه دیدند تعجّب کردند و در میان اهل مکّه مشهور شد که من با طیّ الأرض آمده‌ام، به همین جهت بعد از مراسم حجّ مدّتی مخفیانه زندگی کردم.

علّامه محمّد تقی مجلسی رحمه‌الله در ادامه می‌گوید: ایشان چهل بار به حجّ خانهٔ خدا مشرّف شده بود، هنگامی که از کربلا عازم زیارت مولای دو جهان حضرت امام علیّ بن موسی الرضا علیه‌السلام بود در اصفهان به خدمتش مشرّف شدم، مهریّهٔ عیالش ـ که هفت

تومان بود ـ در عهده‌اش بود، این مبلغ نزد یکی از ساکنین مشهد مقدّس رضوی بود.

سیّد خواب می‌بیند که اجلش نزدیک شده است، به همین جهت می‌گوید: من مدّت پنجاه سال است در کربلا در جوار حضرت امام حسین علیه‌السلام هستم تا اینکه در آن دیار بمیرم، اینک می‌ترسم اجل مرا دریابد و در شهر دیگری از دنیا بروم.

یکی از رفقا از این جریان مطّلع شد و آن مبلغ را به سیّد داد، من همراه سیّد یکی از برادران دینی را به کربلا فرستادم، او می‌گوید: چون سیّد به کربلا رسید قرضش را ادا کرد و پس از آن بیمار شد، و روز نهم به دار باقی شتافت، و در خانهٔ خود به خاک سپرده شد.

من در آن مدّتی که ایشان در اصفهان اقامت داشتند کرامات زیادی از او دیدم.

گفتنی است که برای این دعا اجازه‌های زیادی دارم ولی به همین اجازه اکتفاء کردم، امید دارم مرا از دعای خیر فراموش نکند، و تقاضا دارم که این دعا را فقط برای خدا بخواند، و برای نابودی دشمن خود که مؤمن است ـ گرچه فاسق و ظالم باشد ـ نخواند، و این دعا را برای جمع دنیای بی‌ارزش نخواند، بلکه سزاوار است که قرائتش فقط برای تقرّب به سوی خدا و دفع ضرر شیاطین جنّ و انس از خود و از همهٔ مؤمنین باشد.

«نیازمند پروردگار بی‌نیاز و غنی»

«محمّد تقی مجلسی اصفهانی»

لازم به ذکر است که قسمت اوّل این حکایت را که مربوط به ملاقات با حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه است علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» با اختلاف زیادی نقل کرده است.[1]

علّامهٔ بزرگوار مجلسی رحمه‌الله می‌گوید: از دعاهای معروف؛ دعای «حرز یمانی»

---

۱. دار السلام: ۱۲/۲.

است که به دعای سیفی نیز معروف است، برای این دعا سندهای متعدّد و روایات گوناگونی دیده‌ام، ولی مهمّترین آنها را اینجا بیان می‌نمایم إن شاء الله.

... عبدالله بن عبّاس و عبدالله بن جعفر گویند: روزی در محضر والای حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بودیم که ناگاه امام حسن علیه‌السلام وارد شده و فرمود: ای امیر مؤمنان! مردی دم درب ایستاده ـ که بوی مشک از او شنیده می‌شود ـ و اجازهٔ ورود می‌خواهد.

حضرت فرمود: اجازه بدهید وارد شود.

در این هنگام مردی تنومند، زیبا و خوش هیکل با چشمانی درشت و زبانی فصیح که لباس پادشاهان بر تن داشت وارد شد و گفت: السلام علیك یا أمیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته، من مردی از دورترین شهرهای یمن و از اشراف و بزرگان عرب ـ که منتسب به شما است ـ هستم، که اینک نزد شما آمده‌ام.

من پشت سر خود مُلکی عظیم و نعمت فراوانی بجای گذاشته‌ام، زندگی من در نهایت خوشی و آسایش بود، زن و فرزندان زیادی داشتم، کارها به منوال خود پیش می‌رفت و عواقب زندگی را شناخته بودم، ناگاه مرا دشمنی شکست ناپذیر پیدا شد، او به من ستم نمود، و به جهت زیادی نفرات خود، نیرومندی یاران و همبستگی قوم و قبیله‌اش بر من پیروز شد.

تدابیر مهمّی را اتّخاذ کردم ولی سودی نبخشید، دیگر از چاره‌اندیشی خسته شدم. شبی در عالم خواب شخصی را دیدم که نزد من آمد و به من گفت:

ای مرد! برخیز و به نزد بهترین خلایق خدا پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برو، و از او بخواه دعایی که حبیب خدا و برگزیدهٔ او محمّد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او یاد داده؛ به تو بیاموزد، که در آن دعا اسم خدا است، آن دعا را بر دشمن خودت که رو در روی تو می‌جنگد بخوان.

ای امیر مؤمنان! از خواب بیدار شدم، و به هیچ کاری دست نزدم، بلافاصله با

چهار صد غلام به سوی تو حرکت کردم، من خدا و پیامبر او و تو را گواه می‌گیرم که آن‌ها را به خاطر خدا آزاد نمودم.

اکنون ای امیر مؤمنان! من از راهی دور و پر پیچ و خم و از شهری با مسافت زیاد به حضور شما آمده‌ام، جثّه‌ام لاغر شده و قوای بدنم از خستگی راه و سفر تحلیل رفته و نحیف شده است.

ای امیر مؤمنان! بر من منّت بگذار و تو را قسم به حقّ پدری و خویشاوندی می‌دهم که از فضل خود دعایی را که در خواب دیدم و صدایم کردند تا نزد شما آیم؛ به من بیاموز.

امیرمؤمنان و مولای ما علی علیه‌السلام فرمود: آری؛ إن شاء الله می‌آموزم، آنگاه حضرت کاغذ و قلم خواستند و این دعا را نوشتند:

۲

حرز یمانی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذي لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ، وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبي، وَلٰا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّٰا أَنْتَ، فَاغْفِرْ لي يٰا غَفُورُ يٰا شَكُورُ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ، عَلىٰ مٰا خَصَصْتَني بِهِ مِنْ مَوٰاهِبِ الرَّغٰائِبِ، وَمٰا وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السّٰابِغِ، وَمٰا أَوْلَيْتَني بِهِ مِنْ إِحْسٰانِكَ إِلَيَّ، وَبَوَّأْتَني بِهِ مِنْ مَظَنَّةِ الْعَدْلِ، وَأَنَلْتَني مِنْ مَنِّكَ الْوٰاصِلِ إِلَيَّ، وَمِنَ الدِّفٰاعِ عَنّي، وَالتَّوْفيقِ لي، وَالْإِجٰابَةِ لِدُعٰائي حَيْنَ أُنٰاجيكَ دٰاعِياً.

وَأَدْعُوكَ مُضْطَراً، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوٰاطِنِ كُلِّهٰا لي جٰابِراً، وَفِي الْأُمُورِ

نٰاظِراً ، وَلِذُنُوبي غٰافِراً ، وَلِعَوْرٰاتي سٰاتِراً ، لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُنْذُ أَنْـزَلْتَني دٰارَ الْإِخْتِيٰارِ[1] ، لِتَنْظُرَ مٰا أُقَدِّمُ لِدٰارِ الْقَرٰارِ ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ جَمِيعِ الْآفٰاتِ وَالْمَصٰائِبِ ، فِي اللَّوٰازِبِ وَالْغُمُومِ الَّتي سٰاوَرَتْني فيهٰا الْـهُمُومُ ، بِـمَعٰارِيضِ أَصْـنٰافِ الْـبَلاٰءِ ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضٰاءِ ، لٰا أَذْكُرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ ، وَلٰا أَرىٰ مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ .

خَيْرُكَ لي شٰامِلٌ ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوٰاتِرٌ ، وَنِعْمَتُكَ عِنْدي مُتَّصِلَةٌ ، وَسَوٰابِـقُ لَـمْ تُحَقِّقْ حِذٰاري ، بَلْ صَدَّقْتَ رَجٰائي ، وَصٰاحَبْتَ أَسْـفٰاري ، وَأَكْـرَمْتَ أَحْـضٰاري ، وَشَفَيْتَ أَمْرٰاضي وَأَوْهٰاني ، وَعٰافَيْتَ مُنْقَلَبي وَمَثْوٰايَ ، وَلَمْ تُشْمِتْ بي أَعْدٰائـي ، وَرَمَيْتَ مَنْ رَمٰاني ، وَكَفَيْتَني مَؤُونَةَ مَنْ عٰادٰاني .

فَحَمْدي لَكَ وٰاصِلٌ ، وَثَنٰائي عَلَيْكَ دٰائِمٌ ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ ، بِأَلْوٰانِ التَّسْبِيحِ ، خٰالِصاً لِذِكْرِكَ ، وَمَرْضِيّاً لَكَ بِنٰاصِعِ التَّوْحِيدِ[2] ، وَإِمْحٰاضِ التَّمْجِيدِ بِطُوْلِ التَّعْدِيدِ ، وَمَزِيَّةِ أَهْلِ الْمَزِيدِ ، لَمْ تُعَنْ في قُدْرَتِكَ ، وَلَمْ تُشٰارَكْ في إِلٰهِيَّتِكَ ، وَلَمْ تُعْلَمْ لَكَ مٰائِيَّةً فَتَكُونَ لِلْأَشْيٰاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجٰانِساً ، وَلَمْ تُعٰايَنْ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْيٰاءَ عَلَى الْغَرٰائِزِ ، وَلٰا خَرَقَتِ الْأَوْهٰامُ حُجُبَ الْغُيُوبِ ، فَتَعْتَقِدُ فيكَ مَحْدُوداً في عَظَمَتِكَ ، فَلا يَبْلُغُكَ بُـعْدُ الْهِمَمِ ، وَلٰا يَنٰالُكَ غَوْصُ الْفِكَرِ ، وَلٰا يَنْتَهي إِلَيْكَ نَظَرُ نٰاظِرٍ في مَجْدِ جَبَرُوتِكَ .

اِرْتَفَعَتْ عِنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفٰاتُ قُدْرَتِكَ ، وَعَلا عَنْ ذٰلِكَ كِبْرِيٰاءُ عَظَمَتِكَ ، لٰا يَنْقُصُ مٰا أَرَدْتَ أَنْ يَزْدٰادَ ، وَلٰا يَزْدٰادُ مٰا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ ، لٰا أَحَدَ حَضَرَكَ حينَ بَرَأْتَ النُّفُوسَ ، كَلَّتِ الْأَوْهٰامُ عَنْ تَفْسيرِ صِفَتِكَ ، وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنْ كُـنْهِ عَـظَمَتِكَ ، وَكَيْفَ تُوْصَفُ وَأَنْتَ الْجَبّٰارُ الْقُدُّوسُ ، اَلَّذي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيّاً دٰائِماً فِي الْغُيُوبِ وَحْدَكَ

---

۱. دٰارَ الْإِخْتِبٰارِ، بحار الأنوار: ۲۴۲/۹۵.

۲. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِصٰانِعِ التَّوْحِيدِ، بِيٰانِعِ التَّوْحِيدِ، بِنٰايِعِ التَّوْحِيدِ، ولی نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است.

لَيْسَ فيهٰا غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهٰا سِوٰاكَ .

حٰارَ في مَلَكُوتِكَ عَميقٰاتُ مَذٰاهِبِ التَّفْكيرِ ، فَتَوٰاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْإِسْتِكٰانَةِ لَكَ ، وَانْقٰادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ ، وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ ، وَخَضَعَتْ لَكَ الرِّقٰابُ ، وَكَلَّ دُونَ ذٰلِكَ تَحْبيرُ اللُّغٰاتِ ، وَضَلَّ هُنٰالِكَ التَّدْبيرُ في تَصٰاريفِ الصِّفٰاتِ ، فَمَنْ تَفَكَّرَ في ذٰلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ حَسيراً ، وَعَقْلُهُ مَبْهُوراً ، وَتَفَكُّرُهُ مُتَحَيِّراً .

أَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ مُتَوٰاتِراً مُتَوٰالِياً مُتَّسِقاً مُسْتَوْثِقاً ، يَدُومُ وَلٰا يَبيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ ، وَلٰا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعٰالِمِ ، وَلٰا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفٰانِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ مٰا لٰا تُحْصىٰ مَكٰارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذٰا أَدْبَرَ ، وَالصُّبْحِ إِذٰا أَسْفَرَ ، وَفِي الْبَرٰاري وَالْبِحٰارِ ، وَالْغُدُوِّ وَالْآصٰالِ ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكٰارِ ، وَفِي الظَّهٰائِرِ وَالْأَسْحٰارِ .

أَللّٰهُمَّ بِتَوْفيقِكَ قَدْ أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ ، وَجَعَلْتَني مِنْكَ في وِلٰايَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ في سُبُغِ نَعْمٰائِكَ ، وَتَتٰابُعِ آلاٰئِكَ مَحْفُوظاً لَكَ فِي الْمَنْعَةِ وَالدِّفٰاعِ مَحُوطاً بِكَ في مَثْوٰايَ وَمُنْقَلَبي ، وَلَمْ تُكَلِّفْني فَوْقَ طٰاقَتي ، إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنّي إِلّٰا طٰاعَتي ، وَلَيْسَ شُكْري وَإِنْ أَبْلَغْتُ فِي الْمَقٰالِ وَبٰالَغْتُ فِي الْفِعٰالِ بِبٰالِغِ أَدٰاءِ حَقِّكَ ، وَلٰا مُكٰافِياً لِفَضْلِكَ .

لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذي لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ ، لَمْ تَغِبْ وَلٰا تَغيبُ عَنْكَ غٰائِبَةٌ ، وَلٰا تَخْفىٰ عَلَيْكَ خٰافِيَةٌ ، وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ في ظُلَمِ الْخَفِيّٰاتِ ضٰالَّةٌ ، إِنَّمٰا أَمْرُكَ إِذٰا أَرَدْتَ شَيْئاً أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مٰا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ ، وَحَمِدَكَ بِهِ الْحٰامِدُونَ ، وَمَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ ، حَتّٰى يَكُونَ لَكَ مِنّي وَحْدي بِكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ ، وَأَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحٰامِدينَ ، وَتَوْحيدِ أَصْنٰافِ

الْمُخْلِصينَ ، وَتَقْديسِ أَجْناسِ الْعارِفينَ ، وَثَناءِ جَميعِ الْمُهَلِّلينَ ، وَمِثْلُ مـا أَنْتَ بِـهِ عارِفٌ مِنْ جَميعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوانِ ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ في رَغْبَةِ مَا أَنْـطَقْتَني بِـهِ مِـنْ حَمْدِكَ ، فَما أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَني بِهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَني عَلىٰ شُكْرِكَ .

اِبْتَدَأْتَني بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوْلاً ، وَأَمَرْتَني بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً ، وَوَعَـدْتَني عَـلَيْهِ أَضْعافاً وَمَزيداً ، وَأَعْطَيْتَني مِنْ رِزْقِكَ اعْـتِباراً وَفَـضْلاً ، وَسَأَلْـتَني مِـنْهُ يَسـيراً صَغيراً ، وَأَعْفَيْتَني مِنْ جُهْدِ الْبَلاءِ وَلَمْ تُسْلِمْني لِلسُّوءِ مِنْ بَلاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَني مِنَ الْعافِيَةِ ، وَسَوَّغْتَ مِنْ كَرائِمِ النَّحْلِ ، وَضاعَفْتَ لِيَ الْفَضْلَ مَـعَ مَـا أَوْدَعْـتَني مِـنَ الْمَحَجَّةِ الشَّريفَةِ ، وَيَسَّرْتَ لي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعالِيَةِ الرَّفيعَةِ ، وَاصْـطَفَيْتَني بِأَعْـظَمِ النَّبِيّينَ دَعْوَةً ، وَأَفْضَلِهِمْ شَفاعَةً ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

أَللّٰهُمَّ فَاغْفِرْ لي مَا لا يَسَعُهُ إِلّا مَغْفِرَتُكَ ، وَلا يَـمْحَقُهُ إِلّا عَـفْوُكَ ، وَلا يُكَـفِّرُهُ إِلّا فَضْلُكَ ، وَهَبْ لي في يَوْمي يَقيناً تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصيباتِ الدُّنْيا وَأَحْزانَـها بِشَـوْقٍ إِلَيْكَ ، وَرَغْبَةٍ فيما عِنْدَكَ ، وَاكْتُبْ لي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْني الْكَرامَةَ ، وَارْزُقْني شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ .

فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْواحِدُ الرَّفيعُ الْبَديءُ الْبَديعُ السَّميعُ الْعَليمُ ، اَلَّذي لَيْسَ لِأَمْـرِكَ مَدْفَعٌ ، وَلا عَنْ قَضائِكَ مُمْتَنِعٌ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ، فاطِرُ السَّـماواتِ وَالْأَرْضِ ، عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ ، اَلْعَلِيُّ الْكَبيرُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ الثَّباتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ ، وَالشُّكْرَ عَلىٰ نِعْمَتِكَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جائِرٍ ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حـاسِدٍ ، بِكَ أَصُـولُ عَـلَى الْأَعْداءِ ، وَبِكَ أَرْجُو وِلايَةَ الْأَحِبّاءِ مَعَ مَا لا أَسْتَطيعُ إِحْصاءَهُ ، وَلا تَعْديدَهُ مِنْ عَوائِدِ فَضْلِكَ ، وَطُرَفِ رِزْقِكَ ، وَأَلْوانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ إِرْفادِكَ .

فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الَّذي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، اَلْفاشي فِي الْخَلْقِ رِفْدُكَ ، اَلْـبَاسِطُ بِـالْجُودِ

يَدُكَ ، وَلاٰ تُضادُّ في حُكْمِكَ ، وَلاٰ تُنازَعُ في أَمْرِكَ ، تَـمْلِكُ مِـنَ الْأَنـامِ مٰـا تَشٰـاءُ ، وَلاٰ يَمْلِكُونَ إِلّٰا مٰا تُرِيدُ .

﴿ قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشٰاءُ ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشٰاءُ ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشٰاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشٰاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * تُولِجُ اللَّـيْلَ فِـي النَّهٰارِ وَتُولِجُ النَّهٰارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِـنَ الْـحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ﴾ [1] .

أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْخٰالِقُ الْبٰارِئُ الْقٰادِرُ الْقٰاهِرُ الْمُقَدَّسُ فـي نُـورِ الْـقُدْسِ ، تَرَدَّيْتَ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ ، وَتَعَظَّمْتَ بِالْكِبْرِيٰاءِ ، وَتَغَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالْـبَهٰاءِ ، وَتَـجَلَّلْتَ بِالْمَهٰابَةِ وَالسَّنٰاءِ ، لَكَ الْمَنُّ الْقَدِيمُ ، وَالسُّلْطٰانُ الشّٰامِخُ ، وَالْجُودُ الْوٰاسِعُ ، وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ .

جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً ، صَحِيحاً سَوِيّاً مُـعٰافاً ، لَـمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصٰانٍ فِي بَدَنِي ، وَلَمْ تَمْنَعْكَ كَرٰامَتُكَ إِيّٰايَ ، وَحُسْـنُ صَـنِيعِكَ عِـنْدِي ، وَفَضْلُ إِنْعٰامِكَ عَلَيَّ ، أَنْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيٰا ، وَفَضَّلْتَنِي عَلىٰ كَثِيرٍ مِـنْ أَهْـلِهٰا ، فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيٰاتِكَ ، وَفُؤٰاداً يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ ، وَأَنَا بِفَضْلِكَ حٰامِدٌ ، وَبِجُهْدِ يَقِينِي لَكَ شٰاكِرٌ ، وَبِحَقِّكَ شٰاهِدٌ .

فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيٰاةَ مِنْ حَيٍّ ، وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ ، وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبٰاتِ النِّقَمِ ، وَلَمْ تُـغَيِّرْ عَلَيَّ دَقٰائِقَ الْعِصَمِ ، فَلَوْ لَمْ أَذْكُرْ مِنْ إِحْسٰانِكَ إِلّٰا عَفْوَكَ ، وَإِجٰابَةَ دُعٰائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ ، وَفِي قِسْمَةِ الْأَرْزٰاقِ حِينَ قَدَّرْتَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مٰا

---

۱. سورهٔ آل عمران ، آیهٔ ۲۶ ، ۲۷ .

حَفَظَهُ عِلْمُكَ ، وَعَدَدَ مٰا أَحٰاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ ، وَعَدَدَ مٰا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ .

أَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسٰانَكَ فِيمٰا بَقِيَ ، كَمٰا أَحْسَنْتَ فِيمٰا مَضىٰ ، فَإِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ ، وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ ، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوِّكَ ، وَجَمٰالِكَ وَجَلٰالِكَ ، وَبَهٰائِكَ وَسُلْطٰانِكَ ، وَقُدْرَتِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ ، أَلّٰا تَحْرِمَني رِفْدَكَ وَفَوٰائِدَكَ .

فَإِنَّهُ لٰا يَعْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ مٰا يَتَدَفَّقُ بِهِ عَوٰائِقُ الْبُخْلِ ، وَلٰا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، وَلٰا تُفْنِي خَزٰائِنَ مَوٰاهِبِكَ النِّعَمُ ، وَلٰا تَخٰافُ ضَيْمَ إِمْلاٰقٍ فَتُكْدِيَ وَلٰا يَلْحَقُكَ خَوْفُ عُدْمٍ فَيَنْقُصَ فَيْضُ فَضْلِكَ .

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني قَلْباً خٰاشِعاً ، وَيَقِيناً صٰادِقاً ، وَلِسٰاناً ذٰاكِراً ، وَلٰا تُؤْمِنّي مَكْرَكَ ، وَلٰا تَكْشِفْ عَنّي سِتْرَكَ ، وَلٰا تُنْسِني ذِكْرَكَ ، وَلٰا تُبٰاعِدْني مِنْ جَوٰارِكَ ، وَلٰا تَقْطَعْني مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَلٰا تُؤْيِسْني مِنْ رَوْحِكَ ، وَكُنْ لي أَنِيساً مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ ، وَاعْصِمْني مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ ، وَنَجِّني مِنْ كُلِّ بَلاٰءٍ ، فَإِنَّكَ لٰا تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ .

أَللّٰهُمَّ ارْفَعْني وَلٰا تَضَعْني ، وَزِدْني وَلٰا تَنْقُصْني ، وَارْحَمْني وَلٰا تُعَذِّبْني ، وَانْصُرْني وَلٰا تَخْذُلْني ، وَآثِرْني وَلٰا تُؤْثِرْ عَلَيَّ ، وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً .

ابن عبّاس رضی الله عنه می‌گوید: حضرت دعا را به مرد یمنی داد و فرمود:

این دعا را خوب نگه دار و هر روز یک مرتبه بخوان، من امیدوارم تا به شهر خودت نرسیده‌ای خداوند دشمن تو را نابود کند، زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود:

هرکس این دعا را با نیّت درست و دلی متواضع بخواند، آنگاه به کوه‌ها امر کند تا حرکت کند؛ حرکت می‌کند، و اگر اقدام به سفری دریایی بکند به برکت این دعا

از خطرات آن ایمن شده و با سلامتی سفر خود را به پایان می‌برد.

مرد یمنی به طرف شهر خود حرکت کرد، پس از چهل روز نامهٔ او به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام رسید که خداوند دشمن او را نابود کرده و از دشمنان او در آن ناحیه حتّی یک نفر هم باقی نمانده است.

مولای ما حضرت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود:

> می‌دانستم که چنین می‌شود، این دعا را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به من آموخته بود، و هیچ سختی و دشواری برای من پیش نیامد که این دعا را خواندم و آن سختی و دشواری برایم آسان گردید.[1]

۳

دعای حریق

که بامدادان خوانده می‌شود[2]

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهِدُ مَلٰائِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكّٰانَ سَبْعِ سَمٰاوٰاتِكَ وَأَرَضيكَ وَأَنْبِيٰاءَكَ وَرُسُلَكَ وَوَرَثَةَ أَنْبِيٰاءِكَ وَرُسُلِكَ وَالصّٰالِحِينَ مِنْ عِبٰادِكَ وَجَميعَ خَلْقِكَ، فَاشْهَدْ لي وَكَفىٰ بِكَ شَهيداً أَنّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحْدَكَ لٰا شَريكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمّٰا دُونَ عَرْشِكَ إِلىٰ قَرٰارِ أَرْضِكَ السّٰابِعَةِ السُّفْلىٰ بٰاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ مٰا خَلٰا وَجْهَكَ الْكَريمَ، فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ

---

۱. بحار الأنوار: ۲۴۰/۹۵، و مهج الدعوات: ۱۳۷ با تفاوتی اندک.

۲. این دعا از امام سجّاد علیه‌السلام، از پدرانش علیهم‌السلام، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، از خدای تعالی نقل شده است؛ و قسمتی که بر آن افزوده شده از مولای‌مان امام زمان ارواحنا فداه است.

الْواصِفُونَ كُنْهَ جَلالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ ، يا مَنْ فاقَ مَدْحَ الْمادِحِينَ فَخْرُ مَدْحِهِ ، وَعَدا وَصْفَ الْواصِفِينَ مَآثِرُ حَمْدِهِ ، وَجَلَّ عَنْ مَقالَةِ النّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْعَلْ بِنا ما أَنْتَ أَهْلُهُ ، يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سه مرتبه .

آنگاه یازده مرتبه می‌گوئی : لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ ، سُبْحانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ، ما شاءَ اللهُ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

سپس یازده مرتبه می‌گوئی : سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ ، أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ، ما شاءَ اللهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْحَقِّ الْمُبِينِ ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِلْأَ سَماواتِهِ وَأَرَضِيهِ ، وَعَدَدَ ما جَرىٰ بِهِ قَلَمُهُ وَأَحْصاهُ كِتابُهُ وَمِدادُ كَلِماتِهِ وَرِضا نَفْسِهِ .

آنگاه بگو : أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبارَكِينَ ، وَصَلِّ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَإِسْرافِيلَ ، وَحَمَلَةِ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ ، وَالْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ . أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمّا أَنْتَ أَهْلُهُ ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَلِّ عَلىٰ مَلَكِ الْمَوْتِ وَأَعْوانِهِ ، وَصَلِّ عَلىٰ رِضْوانَ وَخَزَنَةِ الْجِنانِ ، وَصَلِّ عَلىٰ مالِكٍ وَخَزَنَةِ النّارِ . أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا ، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمّا أَنْتَ أَهْلُهُ ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْكِرامِ الْكاتِبِينَ ، وَالسَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ ، وَالْحَفَظَةِ لِبَنِي آدَمَ ،

وَصَلِّ عَلىٰ مَلٰائِكَةِ الْهَوٰاءِ وَالسَّمٰاوٰاتِ الْعُلىٰ، وَمَلٰائِكَةِ الْأَرَضِينَ السُّفْلىٰ، وَمَلٰائِكَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهٰارِ، وَالْأَرْضِ وَالْأَقْطٰارِ، وَالْبِحٰارِ وَالْأَنْهٰارِ، وَالْبَرٰاري وَالْفَلَوٰاتِ وَالْقِفٰارِ، وَصَلِّ عَلىٰ مَلٰائِكَتِكَ الَّذينَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعٰامِ وَالشَّرٰابِ بِتَسْبيحِكَ وَتَقْديسِكَ وَعِبٰادَتِكَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضٰا، وَتَزيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضٰا مِمّٰا أَنْتَ أَهْلُهُ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلىٰ أَبينٰا آدَمَ، وَأُمِّنٰا حَوّٰاءَ وَمٰا وَلَدٰا مِنَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَدٰاءِ وَالصّٰالِحينَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضٰا، وَتَزيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضٰا مِمّٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ، وَعَلىٰ أَصْحٰابِهِ الْمُنْتَجَبينَ، وَعَلىٰ أَزْوٰاجِهِ الْمُطَهَّرٰاتِ، وَعَلىٰ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَعَلىٰ كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ، وَعَلىٰ كُلِّ نَبِيٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً، وَعَلىٰ كُلِّ مَنْ في صَلَوٰاتِكَ عَلَيْهِ رِضىً لَكَ وَرِضىً لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتّٰى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضٰا، وَتَزيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضٰا مِمّٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبٰارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَبٰارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهيمَ وَآلِ إِبْرٰاهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ.

أَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسيلَةَ وَالْفَضْلَ، وَالْفَضيلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفيعَةَ، وَأَعْطِهِ حَتّٰى يَرْضىٰ، وَزِدْهُ بَعْدَ الرِّضٰا مِمّٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمٰا أَمَرْتَنٰا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمٰا يَنْبَغي لَنٰا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ في صَلٰوةٍ صُلِّيَتْ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّٰى عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ وَلَحْظَةٍ وَنَفَسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلّٰى عَلَيْهِ، وَمِمَّنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَبِعَدَدِ ساعٰاتِهِمْ وَدَقٰائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكٰاتِهِمْ، وَحَقٰائِقِهِمْ وَمِيقٰاتِهِمْ، وَصِفٰاتِهِمْ وَأَيّٰامِهِمْ، وَشُهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ، وَأَشْعٰارِهِمْ وَأَبْشٰارِهِمْ، وَبِعَدَدِ زِنَةِ ذَرٍّ مٰا عَمِلُوا، أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا، أَوْ كٰانَ مِنْهُمْ، أَوْ يَكُونُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ، وَكَأَضْعٰافِ ذٰلِكَ أَضْعٰافاً مُضٰاعَفَةً إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مٰا خَلَقْتَ، وَمٰا أَنْتَ خٰالِقُهُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ، صَلٰوةً تُرْضِيهِ.

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنٰاءُ وَالشُّكْرُ، وَالْمَنُّ وَالْفَضْلُ، وَالطَّوْلُ وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنىٰ وَالنِّعْمَةُ، وَالْعَظَمَةُ وَالْجَبَرُوتُ، وَالْمُلْكُ وَالْمَلَكُوتُ، وَالْقَهْرُ وَالسُّلْطٰانُ، وَالْفَخْرُ وَالسُّؤْدَدُ، وَالْإِمْتِنٰانُ وَالْكَرَمُ، وَالْجَلٰالُ وَالْإِكْرٰامُ، وَالْجَمٰالُ وَالْكَمٰالُ، وَالْخَيْرُ وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمْجِيدُ، وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّقْدِيسُ، وَالرَّحْمَةُ وَالْمَغْفِرَةُ وَالْكِبْرِيٰاءُ وَالْعَظَمَةُ.

وَلَكَ مٰا زَكىٰ وَطٰابَ وَطَهُرَ مِنَ الثَّنٰاءِ الطَّيِّبِ، وَالْمَدِيحِ الْفٰاخِرِ، وَالْقَوْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ الَّذي تَرْضىٰ بِهِ عَنْ قٰائِلِهِ، وَتُرْضِيَ بِهِ قٰائِلَهُ وَهُوَ رِضىً لَكَ يَتَّصِلُ حَمْدي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحٰامِدِينَ، وَثَنٰائي بِثَنٰاءِ أَوَّلِ الْمُثْنِينَ عَلىٰ رَبِّ الْعٰالَمِينَ مُتَّصِلاً ذٰلِكَ بِذٰلِكَ، وَتَهْلِيلي بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهَلِّلِينَ، وَتَكْبيري بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكَبِّرِينَ، وَقَوْلِيَ الْحَسَنُ الْجَمِيلُ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْقٰائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلىٰ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، مُتَّصِلاً

ذٰلِكَ بِذٰلِكَ ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلىٰ آخِرِهِ .

وَبِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرَضِينَ ، وَالرِّمٰالِ وَالتِّلاٰلِ وَالْجِبٰالِ ، وَعَدَدِ جُرَعِ مٰاءِ الْبِحٰارِ ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطٰارِ ، وَوَرَقِ الْأَشْجٰارِ ، وَعَدَدِ النُّجُومِ ، وَعَدَدِ الثَّرىٰ وَالْحَصىٰ وَالنَّوىٰ وَالْمَدَرِ ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذٰلِكَ كُلِّهِ ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرَضِينَ ، وَمٰا فِيهِنَّ وَمٰا بَيْنَهُنَّ وَمٰا تَحْتَهُنَّ ، وَمٰا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمٰا فَوْقَهُنَّ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ ، مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلىٰ قَرٰارِ أَرْضِكَ السّٰابِعَةِ السُّفْلىٰ .

وَبِعَدَدِ حُرُوفِ أَلْفٰاظِ أَهْلِهِنَّ ، وَعَدَدِ أَزْمٰانِهِمْ وَدَقٰائِقِهِمْ وَشَعٰائِرِهِمْ وَسٰاعٰاتِهِمْ وَأَيّٰامِهِمْ ، وَشُهُورِهِمْ وَسِنِيهِمْ ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكٰاتِهِمْ ، وَأَشْعٰارِهِمْ وَأَبْشٰارِهِمْ .

وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مٰا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَو فَطِنُوا أَوْ كٰانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذٰلِكَ وَأَضْعٰافِ ذٰلِكَ ، وَكَأَضْعٰافِ ذٰلِكَ أَضْعٰافاً مُضٰاعَفَةً لٰا يَعْلَمُهٰا وَلٰا يُحْصِيهٰا غَيْرُكَ يٰا ذَا الْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ ، وَأَهْلُ ذٰلِكَ أَنْتَ ، وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنّي وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ يٰا بَدِيعَ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ لَسْتَ بِرَبٍّ اسْتَحْدَثْنٰاكَ ، وَلٰا مَعَكَ إِلٰهٌ فَيَشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ ، وَلٰا مَعَكَ إِلٰهٌ أَعٰانَكَ عَلىٰ خَلْقِنٰا ، أَنْتَ رَبُّنٰا كَمٰا تَقُولُ وَفَوْقَ مٰا يَقُولُ الْقٰائِلُونَ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ مٰا سَأَلَكَ ، وَأَفْضَلَ مٰا سُئِلْتَ ، وَأَفْضَلَ مٰا أَنْتَ مَسْؤُولٌ لَهُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ .

أُعِيذُ أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَفْسي وَديني وَذُرِّيَّتي وَمٰالي وَوَلَدي وَأَهْلي وَقَرٰابٰاتي وَأَهْلَ بَيْتي وَكُلَّ ذي رَحِمٍ لي دَخَلَ فِي الْإِسْلاٰمِ ، أَوْ يَدْخُلُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰامَةِ ، وَحُرٰانَتي وَخٰاصَّتي ، وَمَنْ قَلَّدَني دُعٰاءً أَوْ أَسْدىٰ إِلَيَّ يَداً ، أَوْ رَدَّ عَنّي غَيْبَةً ، أَوْ قٰالَ فِيَّ خَيْراً ، أَوِ اتَّخَذْتُ عِنْدَهُ يَداً أَوْ صَنِيعَةً ، وَجيرٰاني وَإِخْوٰاني مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ .

بِاللهِ وَبِأَسْمائِهِ التّامَّةِ الْعامَّةِ الشّامِلَةِ الْكامِلَةِ الطّاهِرَةِ الْفاضِلَةِ الْمُبارَكَةِ الْمُتَعالِيَةِ الزّاكِيَةِ الشَّريفَةِ الْمَنيعَةِ الْكَريمَةِ الْعَظيمَةِ الْمَخْزُونَةِ الْمَكْنُونَةِ الَّتي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ، وَبِأُمِّ الْكِتابِ وَخاتِمَتِهِ، وَما بَيْنَهُما مِنْ سُورَةٍ شَريفَةٍ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَشِفاءٍ وَرَحْمَةٍ، وَعَوْذَةٍ وَبَرَكَةٍ، وَبِالتَّوْريٰةِ وَالْإِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ وَصُحُفِ إِبْراهيمَ وَمُوسىٰ، وَبِكُلِّ كِتابٍ أَنْزَلَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ حُجَّةٍ أَقامَهَا اللهُ، وَبِكُلِّ بُرْهانٍ أَظْهَرَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ نُورٍ أَنارَهُ اللهُ، وَبِكُلِّ آلاءِ اللهِ وَعَظَمَتِهِ.

أُعيذُ وَأَسْتَعيذُ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ ما أَخافُ وَأَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ ما رَبّي مِنْهُ أَكْبَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّياطينِ وَالسَّلاطينِ، وَإِبْليسَ وَجُنُودِهِ وَأَشْياعِهِ وَأَتْباعِهِ، وَمِنْ شَرِّ ما فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ ما دَهَمَ أَوْ هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَآفَةٍ وَنَدَمٍ وَنازِلَةٍ وَسَقَمٍ.

وَمِنْ شَرِّ ما يَحْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَتَأْتي بِهِ الْأَقْدارُ، وَمِنْ شَرِّ ما فِي النّارِ، وَمِنْ شَرِّ ما فِي الْأَرَضينَ وَالْأَقْطارِ وَالْفَلَواتِ وَالْقِفارِ وَالْبِحارِ وَالْأَنْهارِ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسّاقِ وَالْفُجّارِ وَالْكُهّانِ وَالسُّحّارِ وَالْحُسّادِ وَالذُّعّارِ وَالْأَشْرارِ، وَمِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ، وَما يَخْرُجُ مِنْها، وَما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ، وَما يَعْرُجُ إِلَيْها، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها، إِنَّ رَبّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ، لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

وَأَعُوذُ بِكَ اللّٰهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَمِنْ ضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجالِ، وَمِنْ عَمَلٍ لا يَنْفَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لا تَدْمَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَصيحَةٍ لا تَنْجَعُ، وَمِنْ صَحابَةٍ لا تَرْدَعُ، وَمِنْ إِجْماعٍ عَلىٰ نُكْرٍ وَتَوَدٍّ عَلىٰ خُسْرٍ أَوْ تَؤاخُذٍ عَلىٰ خُبْثٍ، وَمِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ مَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِياءُ الْمُرْسَلُونَ، وَالْأَئِمَّةُ الْمُطَهَّرُونَ، وَالشُّهَداءُ وَالصّالِحُونَ،

وَعِبادُكَ الْمُتَّقُونَ.

وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَني مِنَ الْخَيْرِ مٰا سَأَلُوا، وَأَنْ تُعيذَني مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعاذُوا، وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عٰاجِلِهِ وَآجِلِهِ مٰا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمٰا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ هَمَزٰاتِ الشَّيٰاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.

بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ نَفْسي وَدينِي، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ أَهْلي وَمٰالي، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ أَعْطٰاني رَبّي، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ أَحِبَّتي وَوَلَدي وَقَرٰابٰاتي، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ جيرٰاني وَإِخْوٰاني، وَمَنْ قَلَّدَني دُعٰاءً، أَوِ اتَّخَذَ عِنْدي يَداً، أَوِ ابْتَدَءَ إِلَيَّ بِرّاً مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، بِسْمِ اللّٰهِ عَلىٰ مٰا رَزَقَني رَبّي وَيَرْزُقُني، بِسْمِ اللّٰهِ الَّذي لٰا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلٰا فِي السَّمٰاءِ وَهُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصِلْني بِجَميعِ مٰا سَأَلَكَ عِبٰادُكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصِلَهُمْ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ، وَاصْرِفْ عَنّي جَميعَ مٰا سَأَلَكَ عِبٰادُكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوءِ وَالرَّدىٰ، وَزِدْني مِنْ فَضْلِكَ مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ وَوَلِيُّهُ، يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ، وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرَجي وَفَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَهْمُومٍ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْني نَصْرَهُمْ، وَأَشْهِدْني أَيّٰامَهُمْ، وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وٰاقِيَةً حَتّٰى لٰا يُخْلَصَ إِلَيْهِمْ إِلّٰا بِسَبيلِ خَيْرٍ، وَعَلَيَّ مَعَهُمْ، وَعَلىٰ شيعَتِهِمْ وَمُحِبّيهِمْ، وَعَلىٰ أَوْلِيٰائِهِمْ، وَعَلىٰ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَ إِلَى اللهِ ، وَلا غالِبَ إِلَّا اللهُ ، ما شاءَ اللهُ ، لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ، حَسْبِيَ اللهُ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ ، وَأُفَوِّضُ أَمْري إِلَى اللهِ ، وَأَلْتَجِئُ إِلَى اللهِ وَبِاللهِ أُحاوِلُ وَأُصاوِلُ وَأُكاثِرُ وَأُفاخِرُ وَأَعْتَزُّ وَأَعْتَصِمُ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتابُ ، لا إِلـهَ إِلَّا اللهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، عَدَدَ الثَّرىٰ وَالنُّجُومِ ، وَالْمَلائِكَةِ الصُّفُوفِ لا إِلـهَ إِلَّا اللهُ ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ سُبْحانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ .[1]

از جمله توقیعاتی که از سوی **حضرت بقیّة الله** ارواحنافداه **به محمّد بن صلت قمی صادر شد دعایی است که به دعای حریق اضافه نموده‌اند و آن دعا این است:**

أَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفيعِ ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ، وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجيلِ ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ ، وَمُنْزِلَ الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ ، وَرَبَّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ وَالْأَنْبِياءِ الْمُرْسَلينَ .

أَنْتَ إِلٰهُ مَنْ فِي السَّماءِ ، وَإِلٰهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا إِلٰهَ فيهِما غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ جَبّارُ مَنْ فِي السَّماءِ ، وَجَبّارُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا جَبّارَ فيهِما غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ خالِقُ مَنْ فِي السَّماءِ ، وَخالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا خالِقَ فيهِما غَيْرُكَ ، وَأَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِي السَّماءِ ، وَحَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ ، لا حَكَمَ فيهِما غَيْرُكَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنيرِ ، وَمُلْكِكَ الْقَديمِ ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّماواتُ وَالْأَرَضُونَ ، وَبِاسْمِكَ الَّذي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ ، يا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَيا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، وَيا حَيّاً حينَ لا حَيَّ ، وَيا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ ، وَيا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ ، يا حَيُّ يا قَيُّومُ .

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

---

۱. البلد الأمین: ۹۱، مصباح المتهجّد: ۲۲۰ با اندکی تفاوت.

لا أَحْتَسِبُ رِزْقاً وٰاسِعاً حَلالاً طَيِّباً، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ تُعْطِيَني مٰا أَرْجُوهُ وَآمُلُهُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

٤

دعای الحاح از امام صادق علیه‌السلام

به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می‌گوید: در مسجد الحرام بودم با تنی چند که برای عمره آمده بودند از جمله: محمودی، علّان کلینی، ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احول همدانی در کنار مستجار ایستاده بودم، آنها حدود سی نفر بودند، و در میان آنها تا آنجا که من می‌دانم جز محمّد بن قاسم عقیقی شخص مخلصی نبود.

آن روز؛ روز ششم ذی حجّهٔ سال دویست و نود و سه بود، همان طور که ایستاده بودیم ناگاه جوانی طواف کعبه را به پایان رسانده و به طرف ما آمد، او با دو لباس احرام بسته، و کفشهایش در دستش بود، چون او را دیدیم از هیبت و متانت او همگی بالاتّفاق برخاستیم و بر او سلام نمودیم، ایشان نشست و به سمت راست و چپ نگاه کرد، آنگاه فرمود:

آیا می‌دانید حضرت صادق علیه‌السلام در دعای الحاح چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: می‌گفت:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي بِهِ تَقُومُ السَّمٰاءَ، وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضَ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبٰاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمَعِ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ

---

۱. البلد الأمین: ۹۷، مصباح المتهجّد: ۲۲۷.

عَدَدَ الرِّمٰالِ ، وَزِنَةَ الْجِبٰالِ ، وَكَيْلَ الْبِحٰارِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَجْعَلَ لي مِنْ أَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً .[1]

در کتاب «جُنّة الواقیه» می‌نویسد: از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است: حضرت صادق علیه‌السلام این دعا را هر بامداد می‌خواند.[2]

۵

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام پس از نماز واجب

به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم می‌گوید: آن گاه حضرت برخاست و شروع به طواف کعبه نمود، ما نیز برخاستیم، و فراموش کردیم که بپرسیم او کیست؟

فردا در همان وقت و در همان مکان از طواف بیرون آمد، و ما همانند روز قبل برخاستیم، سپس در وسط جمعیّت نشست و به راست و چپ نگریست و فرمود:

آیا می‌دانید امیر مؤمنان علی علیه‌السلام پس از نماز واجب چه دعایی می‌خواند؟

گفتیم: چه می‌خواند؟

فرمود: می‌خواند:

أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوٰاتُ ، [وَدُعِيَتِ الدَّعَوٰاتُ] ، وَلَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ ، وَلَكَ

---

۱. کمال الدین: ۴۷۰، البحار: ۱۵۷/۹۵، الصحیفة الصادقیّة: ۳۶۳، دلائل الإمامة: ۵۴۳.

۲. الجُنّة الواقیة والجَنّة الباقیة (مخطوط): ۳۰. الجنّة الواقیة، منسوب به میر داماد (چاپ سنگی، قطع جیبی): گفتنی است که برخی می‌گویند: این کتاب از تألیفات شیخ کفعمی رحمه‌الله است، ولی علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در نسبت این کتاب به شیخ کفعمی رحمه‌الله تردید نموده، و در بحار الأنوار: (۱۷/۱) می‌گوید: کتاب «الجُنّة الواقیة» تألیف بعضی از متأخّرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمه‌الله نسبت داده شده است، و مولا افندی نیز در الریاض: (۲۳/۱) در نسبت این کتاب به کفعمی رحمه‌الله تردید کرده است. (المقام الأسنی: ۱۳).

خَضَعَتِ الرِّقابُ ، وَإِلَيْكَ التَّحاكُمُ فِي الْأَعْمالِ ، يا خَيْرَ مَسْؤُولٍ وَخَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ ، يا صادِقُ يا بارِئُ ، يا مَنْ لا يُخْلِفُ الْميعادَ ، يا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلَ بِالْإِجابَةِ .

يا مَنْ قالَ ﴿ اُدْعُوني أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾[1] ، يا مَنْ قالَ ﴿ وَإِذا سَأَلَكَ عِبادي عَنّي فَإِنّي قَريبٌ أُجيبُ دَعْوَةَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجيبُوا لي وَلْيُؤْمِنُوا بي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴾[2] ، يا مَنْ قالَ ﴿ يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ ﴾[3] .[4]

و در «بحار الأنوار» اضافه نموده است:

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ ، ها أَنَا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ ، اَلْمُسْرِفُ عَلىٰ نَفْسي ، وَأَنْتَ الْقائِلُ ﴿ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً ﴾ .[5]

٦

دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سجدهٔ شکر

به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

آن گاه حضرت پس از این دعا به راست و چپ نظر کرد و فرمود:

آیا می‌دانید امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در سجدهٔ شکر چه می‌خواند؟

عرض کردیم: چه می‌خواند؟

فرمود: می‌خواند:

يا مَنْ لا يَزيدُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّينَ إِلّا جُوداً وَكَرَماً ، يا مَنْ لَهُ خَزائِنُ السَّماواتِ

---

۱. سورهٔ غافر، آیهٔ ۶۰.
۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۶.
۳. سورهٔ زمر، آیهٔ ۵۳.
۴. کمال الدین: ۴۷۰.
۵. بحار الأنوار: ۲۷/۸۶.

وَالْأَرْضِ ، يا مَنْ لَهُ خَزائِنُ ما دَقَّ وَجَلَّ ، لا تَمْنَعُكَ إِساءَتي مِنْ إِحْسانِكَ إِلَيَّ .

إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يا رَبّاهُ يا اَللّٰهُ ، إِفْعَلْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ ، فَأَنْتَ قادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدِ اسْتَحْقَقْتُها ، لا حُجَّةَ لي ، وَلا عُذْرَ لي عِنْدَكَ .

أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبي كُلِّها ، وَأَعْتَرِفُ بِها كَيْ تَعْفُوَ عَنّي ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِها مِنّي ، بُؤْتُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَبِكُلِّ خَطيئَةٍ أَخْطَأْتُها ، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُها ، يا رَبِّ اغْفِرْ لي وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ .[1]

۷

دعای سجدهٔ امام سجّاد علیه‌السلام در مسجد الحرام

به نقل از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم می‌گوید: فردا در همان ساعت حضرت تشریف آورد و ما مثل روز قبل از حضرتش استقبال نمودیم و ایشان در وسط نشست و به چپ و راست التفات فرمود و گفت:

حضرت علیّ بن الحسین سیّد العابدین علیه‌السلام در آن مکان ـ با دست مبارک اشاره به حجر الأسود طرف ناودان نمودند ـ در سجده چنین می‌گفت:

عُبَيْدُكَ بِفِنائِكَ ، [فَقيرُكَ بِفِنائِكَ] ، مِسْكينُكَ بِبابِكَ ، أَسْأَلُكَ ما لا يَقْدِرُ عَلَيْهِ سِواكَ .

پس از آن حضرت نگاهی به چپ و راست نمود و محمّد بن قاسم علوی را دید و

۱. کمال الدین: ۴۷۱ دلائل الإمامة: ۵۴۴.

فرمود:

ای محمّد بن قاسم! إن شاء الله تو بر خیر و نیکی هستی.

پس از آن برخاست و مشغول طواف شد. هر چه دعا به ما آموخته بود همهٔ ما یاد گرفتیم، و فراموش کردیم که در مورد او صحبتی بکنیم جز روز آخر، روز آخر که شد محمودی به ما گفت: رفقا می‌دانید این کیست؟ گفتیم: نه.

گفت: به خدا سوگند او **صاحب الزمان** ارواحنا فداه است.

گفتیم: ای ابو علی چگونه؟

گفت: حدود هفت سال بود دعا می‌کردم و از خداوند متعال می‌خواستم که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را به من نشان دهد.

روزی در شب عرفه همین شخص را دیدم، او دعایی می‌خواند و من دقّت می‌کردم، من دعا را به خاطر سپردم، از او پرسیدم: شما کیستید؟

فرمود: از مردم هستم.

گفتم: از کدام مردم، عرب یا عجم؟

فرمود: از عرب.

گفتم: از کدام عرب؟

فرمود: از شریف ترین و والاترین آنها.

گفتم: آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: بنی هاشم.

گفتم: از کدام بنی هاشم؟

فرمود: از بلند مرتبه ترین و برترین آنها.

گفتم: آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: کسی که سرهای کفّار را شکافت، و مردم را طعام داد و نماز خواند در حالی که مردم در خواب بودند.

فهمیدم که او علوی است و به جهت علوی بودنش او را دوست داشتم، پس از آن از برابرم ناپدید شد و من او را گم کردم، و نفهمیدم که کجا رفت به آسمان یا به زمین؟ از افرادی که در کنار من بودند پرسیدم: این سیّد علوی را می‌شناسید؟

گفتند: آری، او هر سال پیاده با ما به مکّه می‌آید.

گفتم: سبحان الله! به خدا سوگند، اثر پیاده‌روی در او ندیدم.

غم و اندوه جدایی او بدنم را فرا گرفت و با همین حال به طرف مزدلفه به راه افتادم، شب را در آنجا خوابیدم، در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم فرمود: ای محمّد! آنکه می‌خواستی دیدی؟

عرض کردم: ای آقای من! او چه کسی بود؟

فرمود: **شخصی که دیشب دیدی، او امام زمان تو بود.**[1]

حکایت دعای عبرات

آیة الله علّامهٔ حلّی رحمه الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای عبرات گوید: **این دعای معروفی است که از امام صادق علیه السلام روایت شده است.**

این دعا از جانب سیّد بزرگوار رضی الدین محمّد بن محمّد آوی رحمه الله حکایت معروفی دارد که به خطّ یکی از فضلاء در حاشیهٔ همان کتاب نوشته شده است.

مولا سعید فخر الدین محمّد فرزند شیخ بزرگوار جمال الدین از پدر، از جدّ فقیهش یوسف، از سیّد رضی مذکور نقل می‌کند، و می‌گوید:

سیّد رضی الدین در دست یکی از امیرهای جرماغون مدّت زیادی اسیر بود، وی

---

۱. کمال الدین: ۴۷۱.

رفتار سختی با او داشت، و در غذا و آب نیز او را در مضیقه قرار می‌داد.

شبی از شبها **حضرت خلف صالح امام منتظر** ارواحنافداه را در خواب می‌بیند و گریه می‌کند و می‌گوید: ای مولای من! دربارهٔ رهایی من از دست این ستمگران شفاعت نمایید.

حضرت می‌فرماید: دعای عبرات را بخوان.

می‌گوید: دعای عبرات کدام است؟

می‌فرماید: آن دعایی که در کتاب مصباح تو نوشته شده است.

می‌گوید: مولای من! در مصباح من چنین دعایی نیست.

می‌فرماید: بنگر تا پیدا کنی.

سیّد از خواب بیدار می‌شود، و نماز صبح را می‌خواند، کتاب مصباح را می‌گشاید، در میان ورق‌های آن این دعا را که در ورقه‌ای نوشته شده بود، می‌بیند؛ این دعا را چهل مرتبه می‌خواند.

از طرفی امیرِ جرماغون دو زن داشت، یکی از آنها؛ زنی عاقل و با تدبیر بود که در امور خود با او مشورت می‌نمود، و بسیار مورد اعتماد امیر بود.

روزی که نوبت او بود امیر به خانهٔ او می‌آید، زنش می‌گوید: آیا یکی از فرزندان امیر مؤمنان علی علیه‌السلام را دستگیر کرده‌ای؟

می‌گوید: برای چه می‌پرسی؟

زن می‌گوید: شخصی را که صورتش مثل آفتاب می‌درخشید، در عالم خواب دیدم؛ او با دو انگشت گلوی مرا فشرد و فرمود: شوهر تو فرزند مرا دستگیر نموده، و او را در غذا و آب در تنگنا قرار داده است.

عرض کردم: آقای من! شما کیستید؟

فرمود: من علی بن ابی طالب علیه‌السلام هستم، به شوهرت بگو: اگر فرزندم را رها نکند

خانهٔ او را خراب خواهم نمود.

چون این خبر به گوش سلطان رسید، اظهار بی اطّلاعی نموده و امیران و نایبان خود را طلبید و گفت: چه کسی نزد شما محبوس است؟

گفتند: پیرمرد علوی که خود دستور به دستگیری او داده‌ای.

گفت: او را رها کنید، و اسبی سواری به او داده و راه را به او نشان دهید تا به خانه‌اش برود.

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در آخر «مهج الدعوات» می‌گوید: دوست و برادرم محمّد بن محمّد قاضی در مورد این دعا سخن شگفت انگیر و علّت حیرت انگیزی برای من نقل کرد، و آن اینکه:

پیشامدی برای او رخ می‌دهد و این دعا را در میان اوراقی پیدا می‌کند، در صورتی که پیش از آن، این اوراق را در میان کتاب‌های خود نگذاشته بود، چون از آن نسخه برداری می‌کند دعای اصلی گم می‌شود.[1]

۸

دعای عبرات [2]

دعای عبرات را مطابق نسخه‌ای که مرحوم شیخ کفعمی ذکر کرده می‌آوریم، ایشان در «البلد الأمین» می‌گوید:

دعای عبرات دعایی است ارزنده که **از حضرت قائم** ارواحنا فداه **روایت شده است**، و

---

۱. جنّة المأوی: ۲۲۱.

۲. همانگونه که از علّامهٔ حلّی نقل کردیم دعای عبرات از امام صادق علیه‌السلام است و حضرت امام عصر علیه‌السلام خواندن آن را به جناب سیّد رضی الدین آوی ﷺ سفارش فرموده‌اند ولی بعضی از بزرگان گمان کرده‌اند که این دعا از منشأت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشد.

این دعا در امور مهمّ و مشکلات بزرگ خوانده می‌شود، و آن دعا این است:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ يا رٰاحِمَ الْعَبَرٰاتِ، وَيا كٰاشِفَ الزَّفَرٰاتِ، أَنْتَ الَّذي تَقْشَعُ سَحٰابَ الْمِحَنِ، وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقٰالاً، وَتَجْلُو ضَبٰابَ الْفِتَنِ، وَقَدْ سَحَبَتْ أَذْيٰالاً، وَتَجْعَلُ زَرْعَهٰا هَشيماً، وَبُنْيٰانَهٰا هَديماً، وَعِظٰامَهٰا رَميماً، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غٰالِباً، وَالْمَطْلُوبَ طٰالِباً، وَالْمَقْهُورَ قٰاهِراً، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قٰادِراً.

فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ نٰاداكَ رَبِّ إِنّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحْتَ لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوٰابَ السَّمٰاءِ بِمٰاءٍ مُنْهَمِرٍ، وَفَجَّرْتَ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُوناً، فَالْتَقَى الْمٰاءُ عَلىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَحَمَلْتَهُ مِنْ كِفٰايَتِكَ عَلىٰ ذٰاتِ أَلْوٰاحٍ وَدُسُرٍ، رَبِّ إِنّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ سه مرتبه خوانده شود.

رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوٰابَ السَّمٰاءِ بِمٰاءٍ مُنْهَمِرٍ، وَفَجِّرْ لي مِنْ عَوْنِكَ عُيُوناً لِيَلْتَقِيَ مٰاءُ فَرَجي عَلىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَاحْمِلْني يا رَبِّ مِنْ كِفٰايَتِكَ عَلىٰ ذٰاتِ أَلْوٰاحٍ وَدُسُرٍ.

يا مَنْ إِذٰا وَلَجَ الْعَبْدُ في لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهيمُ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَريخاً يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيٍّ وَلٰا حَميمٍ، وَجَدَ يا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَريخاً مُغيثاً، وَوَلِيّاً يَطْلُبُهُ حَثيثاً، يُنْجيهِ مِنْ ضيقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ، وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلامَ فَرَجِهِ.

أَللّٰهُمَّ فَيا مَنْ قُدْرَتُهُ قٰاهِرَةٌ، وَآيٰاتُهُ بٰاهِرَةٌ، وَنَقِمٰاتُهُ قٰاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبّٰارٍ، دٰامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتّٰارٍ، صَلِّ يا رَبِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ يا رَبِّ نَظْرَةً مِنْ نَظَرٰاتِكَ رَحيمَةً، تَجْلي بِهٰا عَنّي ظُلْمَةً عٰاكِفَةً مُقيمَةً مِنْ عٰاهَةٍ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ، وَتَلِفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَانْهَمَلَتْ مِنْ أَجْلِهَا الدُّمُوعُ، وَاشْتَمَلَ لَهٰا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَخَرَّتْ بِسَبَبِهَا الْأَنْفٰاسُ.

إِلٰهي فَحِفْظاً حِفْظاً لِغَرٰائِسَ غَرْسُهٰا بِيَدِ الرَّحْمٰانِ، وَشُرْبُهٰا مِنْ مٰاءِ الْحَيَوٰانِ، وَنَجٰاتُهٰا بِدُخُولِ الْجِنٰانِ، أَنْ تَكُونَ بِيَدِ الشَّيْطٰانِ تُحَزُّ، وَبِفَأْسِهِ تُقْطَعُ وَتُجَزُّ.

إِلٰهي فَمَنْ أَوْلىٰ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دٰافِعاً، وَمَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حِمٰاكَ حٰارِساً وَمٰانِعاً. إِلٰهي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هٰالَ فَهَوِّنْهُ، وَخَشُنَ فَأَلِنْهُ، وَإِنَّ الْقُلُوبَ كٰاعَتْ فَطَمِّنْهٰا، وَالنُّفُوسَ ارْتٰاعَتْ فَسَكِّنْهٰا.

إِلٰهي إِلٰهي تَدٰارَكْ أَقْدٰاماً زَلَّتْ، وَأَفْكٰاراً في مَهٰامَةِ الْحَيْرَةِ ضَلَّتْ، بِأَنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلىٰ كَسِيرِهٰا، وَإِطْلاٰقَكَ لِأَسِيرِهٰا، وَإِجٰارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهٰا أَجْحَفَ الضُّرُّ بِالْمَضْرُورِ، وَلَبّٰى دٰاعِيهِ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورِ.

فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يٰا مَوْلاٰيَ أَنْ تَدَعَهُ فَرِيسَةَ الْبَلاٰءِ وَهُوَ لَكَ رٰاجٍ، أَمْ هَلْ يَجْمُلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ يَخُوضَ لُجَّةَ الْغَمّٰاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لاٰجٍ.

مَوْلاٰيَ لَئِنْ كُنْتُ لاٰ أَشُقُّ عَلىٰ نَفْسي فِي التُّقىٰ، وَلاٰ أَبْلُغُ في حَمْلِ أَعْبٰاءِ الطّٰاعَةِ مَبْلَغَ الرِّضىٰ، وَلاٰ أَنْتَظِمُ في سِلْكِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيا فَهُمْ خُمْصُ الْبُطُونِ مِنَ الطَّوىٰ، ذُبْلُ الشِّفٰاهِ مِنَ الظَّمٰاءِ، وَعُمْشُ الْعُيُونِ مِنَ الْبُكٰاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَظَهْرٍ ثَقِيلٍ بِالْخَطٰايٰا وَالزَّلَلِ، وَنَفْسٍ لِلرّٰاحَةِ مُعْتٰادَةٍ، وَلِدَوٰاعِي الشَّهْوَةِ مُنْقٰادَةٍ.

أَمٰا يَكْفِيني يٰا رَبِّ وَسِيلَةً إِلَيكَ، وَذَرِيعَةً لَدَيْكَ، أَنَّني لِأَوْلِيٰاءِ دِينِكَ مُوٰالٍ، وَفي مَحَبَّتِهِمْ مُغٰالٍ، وَلِجِلْبٰابِ الْبَلاٰءِ فِيهِمْ لاٰبِسٌ، وَلِكِتٰابِ تَحَمُّلِ الْعَنٰاءِ بِهِمْ دٰارِسٌ.

أَمٰا يَكْفِينِي أَنْ أَرُوحَ فِيهِمْ مَظْلُوماً، وَأَغْدُوَ مَكْظُوماً، وَأَقْضِيَ بَعْدَ هُمُومٍ هُمُوماً، وَبَعْدَ وُجُومٍ وُجُوماً، أَمٰا عِنْدَكَ يٰا مَوْلاٰيَ بِهٰذِهِ حُرْمَةٌ لاٰ تُضَيَّعُ، وَذِمَّةٌ بِأَدْنٰاهٰا تُقْتَنَعُ، فَلِمَ لاٰ تَمْنَعُني يٰا رَبِّ وَهٰا أَنَا ذٰا غَرِيقٌ، وَتَدَعُني هٰكَذٰا وَأَنَا بِنٰارِ عَدُوِّكَ حَرِيقٌ.

مَوْلاٰيَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيٰاءَكَ لِأَعْدٰاءِكَ طَرٰائِدَ، وَلِمَكْرِهِمْ مَصٰائِدَ، وَتُقَلِّدُهُمْ مِنْ

خَسْفِهِمْ قَلائِدَ، وَأَنْتَ مالِكُ نُفُوسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَبَضْتَها جَمَدُوا، وَفي قَبْضَتِكَ مَوادُّ أَنْفاسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَطَعْتَها خَمَدُوا.

فَما يَمْنَعُكَ يا رَبِّ أَنْ تَكُفَّ بَأْسَهُمْ، وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِباسَهُمْ، وَتُعَرِّيهِمْ مِنْ سَلامَةٍ بِها في أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ، وَفي مَيْدانِ الْبَغْيِ عَلىٰ عِبادِكَ يَمْرَحُونَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَدْرِكْني وَلَمّا يُدْرِكْنِي الْغَرَقُ، وَتَدارَكْني وَلَمّا غَيَّبَ شَمْسِيَ الشَّفَقُ، إِلٰهي كَمْ مِنْ خائِفٍ إِلْتَجَئَ إِلىٰ سُلْطانٍ فَآبَ عَنْهُ مَحْفُوظاً بِأَمْنٍ وَأَمانٍ.

أَفَأَقْصُدُ يا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطانِكَ سُلْطاناً، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ إِحْسانِكَ إِحْساناً، أَمْ أَكْبَرَ مِنِ اقْتِدارِكَ اقْتِداراً، أَمْ أَكْرَمَ مِنِ انْتِصارِكَ انْتِصاراً، ما عُذْري يا إِلٰهي إِذا حَرَمْتَ مِنْ حُسْنِ الْكَرامَةِ نائِلَكَ، وَأَنْتَ الَّذي لا تُخَيِّبُ آمِلَكَ وَلا تَرُدُّ سائِلَكَ.

إِلٰهي إِلٰهي أَيْنَ أَيْنَ كِفايَتُكَ الَّتي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْأَنامِ، وَأَيْنَ أَيْنَ عِنايَتُكَ الَّتي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ بِجَوْرِ الْأَيّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ بِها يا رَبِّ نَجِّني مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمِينَ، إِنّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

مَوْلايَ تَرىٰ تَحَيُّري في أَمْري، وَتَقَلُّبي في ضُرّي، وَانْطِوايَ عَلىٰ حُرْقَةِ قَلْبي، وَحَرارَةِ صَدْري، فَصَلِّ يا رَبِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدْ لي يا رَبِّ بِما أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَيَسِّرْ لي يا رَبِّ نَحْوَ الْبُشْرىٰ مَنْهَجاً.

وَاجْعَلْ يا رَبِّ مَنْ يَنْصِبُ لِيَ الْحِبالَةَ لِيَصْرَعَني بِها صَريعَ ما مَكَرَ، وَمَنْ يَحْفِرُ لِيَ الْبِئْرَ لِيُوقِعَني فيها واقِعاً فيما حَفَرَ.

وَاصْرِفِ اللّٰهُمَّ عَنّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكْرِهِ وَفَسادِهِ وَضُرِّهِ، ما تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ، وَعَمَّنْ قادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدَّيّانِ، وَمُنادٍ يُنادي لِلْإِيمانِ.

إِلٰهي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ ، ضَعِيفُكَ ضَعِيفُكَ فَرِّجْ غُمَّتَهُ ، فَقَدِ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلّا حَبْلَكَ ، وَتَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلّا ظِلَّكَ .

مَوْلايَ دَعْوَتي هٰذِهِ إِنْ رَدَدْتَهٰا أَيْنَ تُصادِفُ مَوْضِعَ الْإِجابَةِ ، وَمَخْيَلَتي هٰذِهِ إِنْ كَذَّبْتَهٰا أَيْنَ تُلاقي مَوْضِعَ الْإِعانَةِ ، فَلاتَرُدَّ عَنْ بابِكَ مَنْ لايَعْلَمُ غَيْرَهُ بٰاباً ، وَلاتَمْنَعُ دُونَ جَنابِكَ مَنْ لايَعْلَمُ سِواهُ جَنٰاباً .

سپس سجده نموده و بگو : إِلٰهي إِنَّ وَجْهاً إِلَيْكَ في رَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ خَلِيقٌ بِأَنْ تُجيبَهُ ، وَإِنَّ جَبيناً لَكَ بِابْتِهٰالِهِ سَجَدَ حَقيقٌ أَنْ يَبْلُغَ مٰا قَصَدَ ، وَإِنَّ خَدّاً لَدَيْكَ بِمَسْئَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَديرٌ أَنْ يَفُوزَ بِمُرٰادِهِ وَيَظْفَرَ ، وَهٰا أَنَا ذٰا يٰا إِلٰهي قَدْ تَرىٰ تَعْفيرَ خَدّي وَاجْتِهٰادي في مَسْئَلَتِكَ وَجِدّي ، فَتَلَقَّ يٰا رَبِّ رَغْبَاتي بِرَحْمَتِكَ قَبُولاً ، وَسَهِّلْ إِلىٰ طَلِبٰاتي بِرَأْفَتِكَ وُصُولاً ، وَذَلِّلْ قُطُوفَ ثَمَرَةِ إِجٰابَتِكَ لي تَذْلِيلاً .

إِلٰهي فَإِذٰا قٰامَ ذُو حٰاجَةٍ بِحٰاجَتِهِ شَفيعاً ، فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجٰاحِ سَهْلَ الْقِيٰادِ مُطيعاً ، فَإِنّي أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِكَرٰامَتِكَ ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ أَنٰامِكَ الَّذينَ أَنْشَأْتَ لَهُمْ مٰا تُظِلُّ وَتُقِلُّ ، وَبَرَأْتَ مٰا يَدُقُّ وَيَجِلُّ .

أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِأَوَّلِ مَنْ تَوَّجْتَهُ تٰاجَ الْجَلالَةِ ، وَأَحْلَلْتَهُ مِنَ الْفِطْرَةِ الرُّوحٰانِيَّةِ مَحَلَّ السُّلالَةِ ، حُجَّتِكَ في خَلْقِكَ ، وَأَمينِكَ عَلىٰ عِبٰادِكَ ، مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ لِنُورِهِ مَغْرِباً ، وَعَنْ مَكْنُونِ سِرِّهِ مُعْرِباً ، سَيِّدِ الْأَوْصِيٰاءِ وَإِمٰامِ الْأَتْقِيٰاءِ ، يَعْسُوبِ الدّينِ ، وَقٰائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ ، وَأَبِي الْأَئِمَّةِ الرّٰاشِدينَ عَلِيٍّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلامُ .

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِخِيَرَةِ الْأَخْيٰارِ ، وَاُمِّ الْأَنْوٰارِ ، اَلْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرٰاءِ ، اَلْبَتُولِ الْعَذْرٰاءِ ،

فٰاطِمَةَ الزَّهْراءِ ، وَبِقُرَّتَيْ عَيْنِ الرَّسُولِ ، وَثَمَرَتَيْ فُؤادِ الْبَتُولِ ، اَلسَّيِّدَيْنِ الْإِمٰامَيْنِ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَأَبي عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَيْنِ ، وَبِالسَّجّٰادِ زَيْنِ الْعِبٰادِ ، ذِي الثَّفَنٰاتِ ، رٰاهِبِ الْعَرَبِ ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ .

وَبِالْإِمٰامِ الْعٰالِمِ ، وَالسَّيِّدِ الْحٰاكِمِ ، اَلنَّجْمِ الزّٰاهِرِ ، وَالْقَمَرِ الْبٰاهِرِ مَوْلٰايَ مُحَمَّدِ ابْنِ عَلِيٍّ الْبٰاقِرِ ، وَبِالْإِمٰامِ الصّٰادِقِ ، مُبَيِّنِ الْمُشْكِلاٰتِ ، مُظْهِرِ الْحَقٰائِقِ ، اَلْمُفْحِمِ بِحُجَّتِهِ كُلَّ نٰاطِقٍ ، مُخْرِسِ أَلْسِنَةِ أَهْلِ الْجِدٰالِ ، مَسٰاكِنِ الشَّقٰاشِقِ مَوْلٰايَ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ الصّٰادِقِ ، وَبِالْإِمٰامِ التَّقِيِّ وَالْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ ، اَلنُّورِ الْأَنْوَرِ ، وَالضِّيٰاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلٰايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ .

وَبِالْإِمٰامِ الْمُرتَضىٰ ، وَالسَّيْفِ الْمُنْتَضىٰ ، وَالرّٰاضي بِالقَضٰا مَوْلٰايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضٰا ، وَبِالْإِمٰامِ الْأَمْجَدِ ، وَالْبٰابِ الْأَقْصَدِ ، وَالطَّرِيقِ الْأَرْشَدِ ، وَالْعٰالِمِ الْمُؤَيَّدِ ، يَنْبُوعِ الْحِكَمِ ، وَمِصْبٰاحِ الظُّلَمِ ، سَيِّدِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، اَلْهٰادي إِلىَ الرَّشٰادِ ، وَالْمُوَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَالسِّدٰادِ مَوْلٰايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوٰادِ .

وَبِالْإِمٰامِ مِنْحَةِ الْجَبّٰارِ ، وَوٰالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهٰارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْلُودِ بِالْعَسْكَرِ ، اَلَّذي حَذَّرَ بِمَوٰاعِظِهِ وأَنْذَرَ ، وَبِالْإِمٰامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَآثِمِ ، اَلْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظٰالِمِ ، اَلْحِبْرِ الْعٰالِمِ ، رَبِيعِ الْأَنٰامِ ، وَبَدْرِ الظَّلاٰمِ ، اَلتَّقِيِّ النَّقِيِّ الطّٰاهِرِ الزَّكِيِّ ، مَوْلٰايَ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ .

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيظِ الْعَلِيمِ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ خَزٰائِنِ الْأَرْضِ ، وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذي مَلَّكْتَهُ أَزِمَّةَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ ، صٰاحِبِ النَّقِيبَةِ الْمَيْمُونَةِ ، وَقٰاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ ، مُكَلِّمِ النّٰاسِ فِي الْمَهْدِ ، وَالدّٰالِّ عَلىٰ مِنْهٰاجِ الرُّشْدِ ، اَلْغٰائِبِ عَنِ الْأَبْصٰارِ ، اَلْحٰاضِرِ فِي الْأَمْصٰارِ ، اَلْغٰائِبِ عَنِ الْعُيُونِ ، اَلْحٰاضِرِ فِي الْأَفْكٰارِ ، بَقِيَّةِ الْأَخْيٰارِ ،

اَلْوارِثِ لِذِي الْفِقارِ ، الَّذي يَظْهَرُ في بَيْتِ اللّٰهِ ذِي الْأَسْتارِ ، اَلْعالِمِ الْمُطَهَّرِ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيّاتِ وَأَعْظَمُ الْبَرَكاتِ ، وَأَتَمُّ الصَّلَواتِ .

أَللّٰهُمَّ فَهٰؤُلاءِ مَعاقِلي إِلَيْكَ في طَلِباتي وَوَسائِلي ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلٰوةً لا يَعْرِفُ سِواكَ مَقاديرَها ، وَلا يَبْلُغُ كَثيرُ هِمَمِ الْخَلائِقِ صَغيرَها ، وَكُنْ لي بِهِمْ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنّي ، وَحَقِّقْ لي بِمَقاديرِكَ تَهْيِئَةَ التَّمَنّي .

إِلٰهي لا رُكْنَ لي أَشَدُّ مِنْكَ ، فَآوي إِلىٰ رُكْنٍ شَديدٍ ، وَلا قَوْلَ لي أَسَدُّ مِنْ دُعائِكَ ، فَأَسْتَظْهِرُكَ بِقَوْلٍ سَديدٍ ، وَلا شَفيعَ لي إِلَيْكَ أَوْجَهُ مِنْ هٰؤُلاءِ فَآتيكَ بِشَفيعٍ وَديدٍ ، وَقَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ ، وَعَوَّلْتُ في قَضاءِ حَوائِجي عَلَيْكَ ، وَدَعَوْتُكَ كَما أَمَرْتَ ، فَاسْتَجِبْ لي كَما وَعَدْتَ ، فَهَلْ بَقِيَ يا رَبِّ غَيْرَ أَنْ تُجيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبُكاءَ وَالنَّحيبَ .

يا مَنْ لا إِلٰهَ سِواهُ ، يا مَنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ ، يا كاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ ، يا راحِمَ عَبْرَةِ يَعْقُوبَ ، إِغْفِرْ لي وَارْحَمْني ، وَانْصُرْني عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ ، وَافْتَحْ لي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحينَ .

وَالْطُفْ بي يا رَبِّ وَبِجَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ ، يا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتينِ ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطّاهِرينَ .[1]

١. البلد الأمين: ٤٦١.

بخش یازدهم

زیارت ها

استحباب زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هر زمان و مکان

علّامهٔ مجلسی ﷺ می‌گوید: زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هر مکان و هر زمانی مستحبّ است، و فضیلت آن در سرداب مقدّس و کنار قبرهای مطهّر اجداد و نیاکان طاهرین او ﷺ بیشتر است.

زیارت آن حضرت در اوقات شریف بویژه شب میلاد با سعادت آن حضرت یعنی شب نیمهٔ شعبان ـ بنابر صحیح‌ترین روایت ـ و شب قدر که ملائکه و روح به خدمتش فرود می‌آیند، مناسب‌تر است.[1]

اکنون روایتی را در این مورد نقل می‌نماییم:

سلیمان بن عیسی از پدرش نقل می‌کند و می‌گوید: به امام صادق ﷺ عرض کردم: هر گاه نتوانستم به محضر مقدّس شما بیایم، چگونه شما را زیارت کنم؟

راوی گوید: حضرت فرمود:

> ای عیسی؛ اگر نتوانستی نزد من بیایی، روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر و بر پشت بام خانهٔ خود برو، و دو رکعت نماز بخوان و روی به من کن، زیرا کسی که

---

۱. بحارالأنوار: ۱۱۹/۱۰۲.

مرا در حال زندگیم زیارت کند گویا مرا بعد از مرگم زیارت کرده، و کسی که مرا بعد از مرگ زیارت کند، در واقع در حال حیات و زندگیم زیارت کرده است.

علاّمهٔ مجلسی ﷺ در توضیح این حدیث شریف می‌گوید:

این حدیث بیانگر آن است که زیارت امامِ زنده بدین نحو جایز است، و این بهترین دلیل برای **زیارت حضرت قائم ارواحنا فداه** است که انسان می‌تواند در هر مکانی که بخواهد رو به سرداب مقدّس نموده و حضرتش را زیارت کند.[1]

شیخ بزرگوار کفعمی ﷺ می‌گوید: زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در هر **مکان و زمانی مستحبّ است، و در موقع زیارتش مستحبّ است برای تعجیل فرج و ظهورش نیز دعا شود.** خواندن زیارت آن بزرگوار در «سرّ من رآی» در سرداب مقدّس آن حضرت تأکید شده است.[2]

زیارت حضرات معصومین علیهم‌السلام
و هدیهٔ ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

انسان می‌تواند ثواب زیارت را به پیشگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یا یکی از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام هدیه کند.

شیخ طوسی ﷺ با سند خود از داود صرمی روایت می‌کند که داود صرمی می‌گوید: به محضر شریف حضرت امام هادی علیه‌السلام عرض کردم: من پدر بزرگوار شما را زیارت کردم و ثواب آن را برای شما قرار دادم (آیا این عمل جائز است؟)

حضرت فرمود:

برای تو از ناحیهٔ خدا اجر و پاداش بزرگ، و از طرف ما سپاسگزاری است.[3]

---

۱. بحار الأنوار: ۳۶۶/۱۰۱.

۲. البلد الأمین: ۴۳۲.

۳. مفتاح الجنّات: ۵۳۱/۱.

بنابراین اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداه، در هجران آن بزرگوار به سر می‌برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی‌توانند همیشه در مکان‌های مقدّسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدّس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می‌توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن مقدّسهٔ دیگر به آن حضرت جبران کنند.

و همچنین با خواندن زیارت‌های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرّب خود نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدّس و همچنین اماکن مقدّسهٔ دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداه قرار گرفته‌اند که در کتاب‌های متعدّد ذکر شده و نمونه‌هایی از آن‌ها را در این کتاب نقل کرده‌ایم.

آداب زیارت

به مناسبت استحباب هدیه نمودن ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه آداب زیارت را ذکر می‌کنیم:

محدّث قمی رحمه‌الله نقل کرده‌است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود:

اوّل: غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت.

دوّم: ترک کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله در راه.

سوم: غسل برای زیارت هر امامی و خواندن دعائی که در هنگام غسل وارد شده است.

چهارم: طهارت.

پنجم: پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه و نو، و خوب است رنگ لباسی که می‌پوشد سفید باشد.

ششم: در وقت رفتن به روضهٔ مقدّسه گام‌ها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن.

هفتم: خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه‌السلام.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهّر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمّد وآل محمّد علیهم‌السلام دهان را معطّر نمودن.

نهم: بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقّت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به وسیلهٔ تصوّر و فکر در عظمت **و جلالت قدر صاحب آن مرقد منوّر و این که می‌بیند ایستادن او را، و می‌شنود کلام او را، و جواب می‌دهد سلام او را**، چنانچه به همهٔ این‌ها شهادت می‌دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و تدبّر در محبّت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند، و تأمّل در خرابی‌های حال خود و خلاف‌ها که به آن بزرگواران کرده، و فرموده‌های بی‌حدّ که از ایشان نشنیده.

و آزارها و اذیّت‌ها که از او به ایشان یا به خاصّان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردن ایشان است و اگر براستی در خود نگرد قدم‌هایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است.

دهم: بوسیدن عتبهٔ عالیه و آستانهٔ مبارکه است.[۱]

---

۱. مؤلّف گوید: دربارهٔ عتبه بوسی و بوسیدن درگاه مطهّر آستان مقدّس ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام عبارات بسیار مهمّی وارد شده است.

در زیارت وداع ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام که مرحوم علّامهٔ مجلسی آن را در بحارالأنوار نقل کرده وارد شده است:

... وا شوقاه إلی تقبیل أعتابکم، والولوج بإذنکم لأبوابکم، وتعفیر الخدّ علی اریج ترابکم، واللیاذ بعرصاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفة بالملائکة الکرام، والمتحوفة من الله بالرحمة والرضوان ... «بحار الأنوار: ۲۰۵/۱۰۲».

چقدر شوق دارم **به بوسیدن آستانهٔ درگاه شما** و وارد شدن با اذن شما به خانهٔ شما **و خاک آلود نمودن گونه‌ام را با خاک خوش بوی شما** و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکهٔ کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است.

بنابراین بوسیدن درگاه مقدّس و خاک آلود نمودن گونهٔ خود با خاک مشک بوی آستان مقدّس آنان و پناه بردن به حرمهای مطهّر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرّب به خداوند متعال می‌شود.

نکتهٔ بسیار مهمّی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجّه داشت این است که عتبهٔ حرم اهل بیت عصمت علیهم‌السلام قدمگاه حضرت بقیّة الله الأعظم **ارواحنا فداه** است، که حضرتش در طول غیبت صغری و کبری، مکرّر بر عظمت و شرافت آن مکان‌های مقدّس افزوده‌اند و با قدوم خود آنها را مورد توجّه و عظمت بیشتر قرار داده‌اند.

ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می‌بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همینگونه عتبهٔ حرم‌های مطهّر ائمّهٔ اطهار و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام را می‌بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محلّ رفت و آمد حضرت بقیّة الله الأعظم **ارواحنا فداه** و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است.

مگر نه این است که در مدّت سالهای طولانی، عتبهٔ مقدّسهٔ اهل بیت علیهم‌السلام محلّ رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر **ارواحنا فداه** بوده و می‌باشد، پس چرا این مکان‌های مقدّس را نبوسیم؟

مرحوم آیة الله سیّد احمد مستنبط فرموده است:

از آداب زیارت، بوسیدن عتبهٔ مقدّسه است و ما در رسالهٔ خود یادآور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبّت و مهر ورزیدن است مانند آنکه انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی‌کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست.

و نقل شده است که از مرحوم آیة الله شیخ انصاری سئوال شد دربارهٔ بوسیدن عتبه‌های مقدّسهٔ ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام، ایشان فرمودند: **من عتبهٔ حرم حضرت ابی الفضل العبّاس علیه‌السلام را می‌بوسم تا چه رسد به عتبهٔ حرم ائمّهٔ** ←

و شیخ شهید ﷺ فرموده که اگر زیارت کننده سجده کند و نیّت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکرانهٔ اینکه مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

یازدهم: مقدّم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدّم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد.

دوازدهم: رفتن به نزد ضریح مطهّر به نحوی که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهّم آنکه دور ایستادن ادب است وَهْم است، زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منوّر ایستادن، و ظاهراً این ادب مختصّ به معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونهٔ راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرّع دعا کند پس گونهٔ چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حقّ صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و مبالغه کند در دعا و الحاح، پس برود به سمت سر مطهّر و رو به قبله بایستد و دعا کند.

← **اطهار ﷺ آن هم به خاطر اینستکه آنجا، قدمگاه زوّار حضرت ابی الفضل ﷺ است.**

از بعضی از علماء ربّانی دیده شده که عتبهٔ زیارتگاه حرّ بن یزید ریاحی رضوان الله علیه را می‌بوسید. (الزیارة والبشارة: ۱۳/۱).

و نیز ایشان فرمودند: از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام ﷺ است. به خاطر روایتی که در وسائل از کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشرة» از کتاب حجّ با سند از صفوان بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت:

ابو قرّة مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور امام رضا ﷺ برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را بیاور.

چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود اینگونه رفتار کنیم.

امام ﷺ او را از این کار منع نفرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم ﷺ صادر نمی‌شود.

و همین گونه روایت دیگری متضمّن این مطلب است که قافله‌ای از قم خدمت حضرت بقیّة الله **ارواحنا فداه** رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه‌های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند. آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند. (الزیارة والبشارة: ۱۷/۱).

چهاردهم: ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها.

پانزدهم: گفتن تکبیر در هنگام دیدن قبر مطهّر پیش از شروع در خواندن زیارت و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «**لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ**» نوشته شود برای او رضوان الله الأکبر.

شانزدهم: خواندن زیارت مأثورهٔ وارده از ائمّه علیهم السلام و ترک خواندن زیارت‌های مخترعه که بعضی از بیخردان از عوام آن‌ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته‌اند.

شیخ کلینی رحمه الله روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعائی اختراع کردم.

فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد پناه بر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: بجا آوردن نماز زیارت، و اقلّ آن دو رکعت است.

شیخ شهید فرموده: که اگر زیارت برای پیغمبر صلی الله علیه و آله است نماز را در روضهٔ مطهّره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمّه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد **و اگر آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.**

و علّامهٔ مجلسی رحمه الله فرموده: **اگر نماز زیارت و غیر آن را ـ به گمان فقیر ـ در پشت سر و بالای سر انجام دهد بهتر است.**

(و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام چون بی‌احترامی و بی‌ادبی نسبت به مقام مقدّس آن بزرگوار است جایز نیست).

هیجدهم: خواندن سورهٔ «یس» در رکعت اوّل و سورهٔ «الرحمن» در رکعت دوّم،

اگر کیفیّت مخصوصی برای نماز زیارتی که می‌خواند وارد نشده باشد و دعا نماید بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می‌رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم مؤمنین دعا کند، زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است.

نوزدهم: مرحوم شهید فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهّر شود و ببیند نماز جماعت منعقد شده است اوّل نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)...

بیستم: مرحوم شهید از جملهٔ آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضریح‌های مطهّره وهدیه کردن آن را به روح مقدّس مزور و نفع آن به زیارت کننده عاید می‌شود و متضمّن تعظیم مزور است.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت‌های دنیویّه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهّره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می‌دهد از بزرگی و جلالت آنها در سورهٔ نور ﴿ **فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ** الآية ﴾[1].

بیست و دوّم: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت چنانچه در هدیّة الزائرین ذکر کردم.

بیست و سوّم: وداع کردن امام علیه السلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور یا به غیر آن.

بیست و چهارم: توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت به آن عمل می‌کرد.

بیست و پنجم: انفاق کردن به قدر توان بر خادمان آستانهٔ شریفه، و سزاوار است که خدّام آن محلّ شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۶.

نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و غربا را راهنمائی و دلالت کنند اگر راه مقصد را گم نمایند، و خلاصه باید خدّام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین شهر امام علیه‌السلام که از درخواست نمودن از دیگران خودداری می‌کنند، خصوصاً سادات و اهل علم و منقطعین که به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الله را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظهٔ هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت و رعایت است.

بیست و هفتم: شیخ شهید فرموده که از جملهٔ آداب تعجیل در بیرون رفتن است در وقتی که درک کرد حظّ خود را از زیارت، برای مزید تعظیم و احترام و شدّت شوق به رجوع و نیز فرموده که در وقتی که زن‌ها می‌خواهند زیارت کنند بایست که خود را از مردان جدا کنند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و شناعت آنچه متعارف شده فعلاً که زن‌ها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس‌های نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حرم‌های مطهّره مزاحمت با نامحرمان می‌نمایند.

زنانی که در طرف قبلهٔ مردان می‌نشینند و با رفتار خود حواسّ مردم را پریشان می‌کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه‌کنندگان را از عبادت باز می‌دارند از گروهی شمرده می‌شوند که راه خدا را می‌بندند. در واقع این گونه زیارتِ زنان از منکرات شمرده می‌شود نه از عبادات.

از حضرت صادق علیه‌السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اهل عراق فرمود:

یا اهل العراق نبّئت أنّ نساؤکم یوافین الرّجال في الطریق أما تستحیون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن‌های شما در راه به مردان می‌رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان برمی‌خورند، آیا حیا نمی‌کنید شماها؟

وقال: لعن الله من لایغار،

و فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوّار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده‌اند زیارت را تخفیف دهند و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آن‌ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند.[1]

بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام بهترین موقعیّت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ **بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفهٔ اساسی خود توجّه داشته باشند.**

سی‌ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می‌تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم‌های مطهّر، به امام عصر ارواحنا فداه توجّه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت قلب خود را صفا بخشیده **و وظیفهٔ خود را انجام دهد.**

اکنون بعضی از زیارت‌های آن حضرت را نقل می‌کنم:

۱

۱. مفاتیح الجنان: ۶۱۵.

زیارت آل یٰس

شیخ بزرگوار ابو منصور طبرسی ﷺ در کتاب «الإحتجاج» می‌نویسد: محمّد بن حمیری ﷺ گوید: پس از پاسخ پرسش‌هایی از ناحیهٔ مقدّسه حضرت چنین صادر شد:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لٰا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ، وَلٰا مِنْ أَوْلِيٰائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بٰالِغَةٌ فَمٰا تُغْنِي النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لٰا يُؤْمِنُونَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْنٰا وَعَلىٰ عِبٰادِ اللهِ الصّٰالِحِينَ.

نه در امر او تعقّل می‌نمایید، و نه از اولیای او می‌پذیرید، حکمتی رسا است، ترساندن نذیران و ترسانندگان برای گروهی که ایمان نمی‌آورند کفایت نمی‌کند، سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خدا.

هر گاه خواستید به وسیلهٔ ما به سوی خداوند متعال و ما توجّه کنید، بگویید چنانکه خداوند متعال فرموده است:

﴿ سَلٰامٌ عَلىٰ آلِ يٰسٓ ﴾[1]، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا دٰاعِيَ اللهِ وَرَبّٰانِيَّ آيٰاتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بٰابَ اللهِ وَدَيّٰانَ دِينِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خَلِيفَةَ اللهِ وَنٰاصِرَ حَقِّهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ وَدَلِيلَ إِرٰادَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا تٰالِيَ كِتٰابِ اللهِ وَتَرْجُمٰانَهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ فِي آنٰاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرٰافِ نَهٰارِكَ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَقِيَّةَ اللهِ فِي أَرْضِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مِيثٰاقَ اللهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَعْدَ اللهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوٰاسِعَةُ، وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

---

۱. سورهٔ صافّات، آیهٔ ۱۳۰.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَءُ وَتُبَيِّنُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلّي وَتَقْنُتُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسي، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذٰا يَغْشىٰ وَالنَّهٰارِ إِذٰا تَجَلّٰى، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ بِجَوٰامِعِ السَّلٰامِ.

أُشْهِدُكَ يٰا مَوْلٰايَ أَنّي أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لٰا حَبِيبَ إِلّٰا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأُشْهِدُكَ يٰا مَوْلٰايَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللهِ.

أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لٰا رَيْبَ فِيهٰا يَوْمَ لٰا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمٰانُهٰا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ في إِيمٰانِهٰا خَيْراً، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نٰاكِراً وَنَكِيراً حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرٰاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصٰادَ حَقٌّ، وَالْمِيزٰانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسٰابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنّٰارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمٰا حَقٌّ.

يٰا مَوْلٰايَ شَقِيَ مَنْ خٰالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطٰاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلىٰ مٰا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيٌّ لَكَ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مٰا رَضِيتُمُوهُ، وَالْبٰاطِلُ مٰا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مٰا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مٰا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسي مُؤْمِنَةٌ بِاللهِ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ

لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَميرِالْمُؤْمِنينَ وَبِكُمْ يا مَوْلايَ أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتي خالِصَةٌ لَكُمْ آمينَ آمينَ.

و پس از آن، این دعا خوانده شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبي نُورَ الْيَقينِ، وَصَدْري نُورَ الْإيمانِ، وَفِكْري نُورَ النِّيّاتِ، وَعَزْمي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِساني نُورَ الصِّدْقِ، وَدينِي نُورَ الْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصَري نُورَ الضِّياءِ، وَسَمْعي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتي نُورَ الْمُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، حَتّٰى أَلْقاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَميثاقِكَ، فَتُغَشِّيَني رَحْمَتَكَ، يا وَلِيُّ يا حَميدُ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ في أَرْضِكَ، وَخَليفَتِكَ في بِلادِكَ، وَالدّاعي إِلىٰ سَبيلِكَ، وَالْقائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثّائِرِ بِأَمْرِكَ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنينَ، وَبَوّارِ الْكافِرينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنيرِ الْحَقِّ، وَالنّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التّامَّةِ في أَرْضِكَ، اَلْمُرْتَقِبِ الْخائِفِ، وَالْوَلِيِّ النّاصِحِ، سَفينَةِ النَّجاةِ، وَعَلَمِ الْهُدىٰ، وَنُورِ أَبْصارِ الْوَرىٰ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدىٰ، وَمُجَلِّي الْعَمىٰ، اَلَّذي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ، اَلَّذينَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهيراً. أَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ، وَانْتَصِرْ بِهِ لِدينِكَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيائَكَ وَأَوْلِيائَهُ، وَشيعَتَهُ وَأَنْصارَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ.

أَللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَرٍّ وَفاجِرٍ، وَمِنْ شَرِّ جَميعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ.

وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، (وَاقْصِمْ قَاصِمِيهِ،) وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.[1]

۲

زیارت ندبه

علّامهٔ مجلسی ﷺ می‌گوید: ابو علی حسن بن اشناس نقل می‌کند که: ابو مفضل محمّد بن عبدالله شیبانی گفت: ابو جعفر محمّد بن عبدالله بن جعفر حمیری که در همهٔ روایاتش به او اجازه داده چنین نقل کرده است: پس از پاسخ مسائلی در مورد نماز و توجّه از ناحیهٔ مقدّسه ـ که خدا نگهبان و نگهدار آن باشد ـ چنین صادر شد:[2]

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لَا لِأَمْرِ اللهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ.

---

۱. الإحتجاج: ۳۱۶/۲، بحار الأنوار: ۲/۹۴، معادن الحكمة: ۲۹۱/۲.

۲. مرحوم علاّمهٔ مجلسی دستور نماز را در اینجا نقل نفرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده‌ایم.

نه در امر او تعقّل می‌نمایید، و نه از اولیای او می‌پذیرید، حکمتی رسا است، ترساندن نذیران و ترسانندگان برای گروهی که ایمان نمی‌آورند کفایت نمی‌کند، سلام بر ما و بر بندگان شایستهٔ خدا.

هر گاه خواستید به وسیلهٔ ما به سوی خداوند متعال و ما توجّه کنید، بگویید چنان که خداوند متعال فرموده است:

﴿ سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰاسينَ ﴾، ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبينُ، وَاللهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ، لِمَنْ يَهْديهِ صِراطَهُ الْمُسْتَقيمَ، قَدْ آتٰاكُمُ اللهُ يٰا آلَ يٰاسينَ خِلافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجٰارِي أَمْرِهِ، فيمٰا قَضٰاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرٰادَهُ في مَلَكُوتِهِ، فَكَشَفَ لَكُمُ الْغِطٰاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدٰاؤُهُ، وَعُلَمٰاؤُهُ وَأُمَنٰاؤُهُ، سٰاسَةُ الْعِبٰادِ، وَأَرْكٰانُ الْبِلادِ، وَقُضٰاةُ الْأَحْكٰامِ، وَأَبْوابُ الْإيمٰانِ، وَسُلالَةُ النَّبِيّينَ، وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلينَ، وَعِتْرَةُ خِيَرَةِ رَبِّ الْعالَمينَ.

وَمِنْ تَقْديرِهِ مَنٰائِحَ الْعَطٰاءِ بِكُمْ إِنْفٰاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً، فَمٰا شَيْءٌ مِنْهُ إِلّٰا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ، وَإِلَيْهِ السَّبيلُ، خِيٰارُهُ لِوَلِيِّكُمْ نِعْمَةٌ، وَانْتِقٰامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخْطَةٌ، فَلا نَجٰاةَ وَلا مَفْزَعَ إِلّٰا أَنْتُمْ، وَلا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يٰا أَعْيُنَ اللهِ النّٰاظِرَةِ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسٰاكِنَ تَوْحيدِهِ في أَرْضِهِ وَسَمٰائِهِ.

وَأَنْتَ يٰا حُجَّةَ اللهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمٰالُ نِعْمَتِهِ، وَوٰارِثُ أَنْبِيٰائِهِ وَخُلَفٰائِهِ مٰا بَلَغْنٰاهُ مِنْ دَهْرِنٰا، وَصٰاحِبُ الرَّجْعَةِ لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتي فيهٰا دَوْلَةُ الحَقِّ وَفَرَجُنٰا وَنَصْرُ اللهِ لَنٰا وَعِزُّنٰا.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوٰاسِعَةُ، وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الْمَرْأىٰ وَالمَسْمَعِ، اَلَّذي بِعَيْنِ اللهِ مَوٰاثيقُهُ، وَبِيَدِ اللهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللهِ سُلْطٰانُهُ.

أَنْتَ الْحَليمُ الَّذي لا تُعَجِّلُهُ الْعَصَبِيَّةُ[1]، وَالْكَريمُ الَّذي لا تُبْخِلُهُ الْحَفيظَةُ، وَالْعالِمُ الَّذي لا تُجْهِلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجاهَدَتُكَ فِي اللهِ ذاتُ مَشِيَّةِ اللهِ، وَمُقارَعَتُكَ فِي اللهِ ذاتُ انْتِقامِ اللهِ، وَصَبْرُكَ فِي اللهِ ذُو أَناةِ اللهِ، وَشُكْرُكَ لِلّهِ ذُو مَزيدِ اللهِ وَرَحْمَتِهِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَحْفُوظاً بِاللهِ، اَللهُ نُورُ أَمامِهِ وَوَرائِهِ، وَيَمينِهِ وَشِمالِهِ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، يا مَحْرُوزاً في قُدْرَةِ اللهِ، اَللهُ نُورُ سَمْعِهِ وَبَصَرِهِ، وَيا وَعْدَ اللهِ الَّذي ضَمِنَهُ، وَيا ميثاقَ اللهِ الَّذي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا داعِيَ اللهِ وَرَبّانِيَّ آياتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ اللهِ وَدَيّانَ دينِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خَليفَةَ اللهِ وَناصِرَ حَقِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ وَدَليلَ إِرادَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ كِتابِ اللهِ وَتَرْجُمانَهُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ في آناءِ لَيْلِكَ وَأَطْرافِ نَهارِكَ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَقِيَّةَ اللهِ في أَرْضِهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقُومُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْعُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُصَلّي وَتَقْنُتُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ حينَ تُمْسي وَتُصْبِحُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ، وَ[فِي] النَّهارِ إِذا تَجَلّىٰ، وَالْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُم يا حُجَجَ اللهِ وَرُعاتَنا، وَهُداتَنا وَدُعاتَنا، وَقادَتَنا وَأَئِمَّتَنا، وَساداتَنا وَمَوالِينا، اَلسَّلامُ عَلَيْكُم أَنْتُمْ نُورُنا، وَأَنْتُمْ جاهُنا أَوْقاتُ صَلاتِنا (صَلَواتِنا)، وَعِصْمَتُنا بِكُمْ لِدُعائِنا وَصَلاتِنا، وَصِيامِنا وَاسْتِغْفارِنا، وَسائِرِ أَعْمالِنا.

---

١. الغضبة خ، المعصية خ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ بِجَوامِعِ السَّلامِ.

أُشْهِدُكَ يا مَوْلايَ أَنّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، لا شَريكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لا حَبيبَ إِلّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ أَميرَالْمُؤْمِنينَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسىٰ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِياءَ دُعاةُ وَهُداةُ رُشدِكُمْ.

أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لا شَكَّ فيها يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ في إِيمانِها خَيْراً، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُنْكَراً وَنَكيراً حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْميزانَ حَقٌّ وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنّارَ حَقٌّ، وَالْجَزاءَ بِهِما لِلْوَعْدِ وَالْوَعيدِ حَقٌّ.

وَأَنَّكُمْ لِلشَّفاعَةِ حَقٌّ، لا تُرَدُّونَ وَلا تَسْبِقُونَ بِمَشِيَّةِ اللهِ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلّٰهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيا، وَبِيَدِهِ الْحُسْنىٰ، وَحُجَّةُ اللهِ النُّعْمىٰ (الْعُظْمىٰ)، خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبادَتِهِ، أَرادَ مِنْ عِبادِهِ عِبادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعيدٌ، قَدْ شَقِيَ مَنْ خالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطاعَكُمْ.

وَأَنْتَ يا مَوْلايَ فَاشْهَدْ بِما أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، تَخْزُنُهُ وَتَحْفَظُهُ لي عِنْدَكَ، أَمُوتُ عَلَيْهِ، وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ، وَأَقِفُ بِهِ وَلِيّاً لَكَ، بَريئاً مِنْ عَدُوِّكَ، ماقِتاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وادّاً لِمَنْ أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ ما رَضيتُمُوهُ، وَالْباطِلُ ما سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ ما أَمَرْتُمْ بِهِ،

وَالْمُنْكَرُ مٰا نَهَيْتُمْ عَنْهُ ، وَالْقَضٰاءُ الْمُثْبَتُ مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مَشِيَّتُكُمْ ، وَالْمَمْحُوُّ مٰا لَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ سُنَّتُكُمْ .

فَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ ، مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، عَلِيٌّ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ ، اَلْحَسَنُ حُجَّتُهُ ، اَلْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ ، مُوسىٰ حُجَّتُهُ ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ ، اَلْحَسَنُ حُجَّتُهُ ، أَنْتَ حُجَّتُهُ ، أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَبَرٰاهِينُهُ .

أَنَا يٰا مَوْلٰايَ مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتي أَخَذَ اللهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ قِتٰالاً في سَبِيلِهِ اشْتَرىٰ بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ ، فَنَفْسي مُؤْمِنَةٌ بِاللهِ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، وَبِكُمْ يٰا مَوْلٰايَ ، أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ ، وَمَوَدَّتي خٰالِصَةٌ لَكُمْ ، وَبَرٰائَتي مِنْ أَعْدٰائِكُمْ أَهْلِ الْحِرَدَةِ وَالْجِدٰالِ ثٰابِتَةٌ ، لِثٰارِكُمْ أَنَا وَلِيٌّ وَحِيدٌ ، وَاللهُ إِلٰهُ الْحَقِّ يَجْعَلُني كَذٰلِكَ ، آمِينَ آمِينَ .

مَنْ لي إِلّٰا أَنْتَ فِيمٰا دِنْتُ ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ ، تَحْرُسُني فِيمٰا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ، يٰا وِقٰايَةَ اللهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ ، أَغِثْني [أَدْنِني ، أَعِنّي] أَدْرِكْني ، صِلْني بِكَ وَلٰا تَقْطَعْني . أَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسُّلي وَتَقَرُّبي . أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ صِلْني بِهِمْ وَلٰا تَقْطَعْني .

أَللّٰهُمَّ بِحُجَّتِكَ وَاعْصِمْني ، وَسَلٰامُكَ عَلىٰ آلِ يٰسٓ ، مَوْلٰايَ أَنْتَ الْجٰاهُ عِنْدَ اللهِ رَبِّكَ وَرَبّي ، [إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ] .

پس از آن؛ این دعا خوانده شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ (ذٰلِكَ) فَاسْتَقَرَّ فِيكَ ، فَلٰا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ شَيْءٍ أَبَداً ، أَيٰا كَيْنُونُ أَيٰا مَكْنُونُ ، أَيٰا مُتَعٰالُ ، أَيٰا مُتَقَدِّسُ ، أَيٰا مُتَرَحِّمُ ، أَيٰا

مُتَرَئِّفُ ، أَيا مُتَحَنِّنُ .

أَسْأَلُكَ كَمٰا خَلَقْتَهُ غَضّاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ ، وَوٰالِدِ هُدٰاةِ رَحْمَتِكَ ، وَامْلَأْ قَلْبي نُورَ الْيَقينِ ، وَصَدْري نُورَ الْإيمٰانِ ، وَفِكْري نُورَ الثَّبٰاتِ ، وَعَزْمي نُورَ التَّوْفيقِ ، وَذُكٰائي نُورَ الْعِلْمِ ، وَقُوَّتي نُورَ الْعَمَلِ ، وَلِسٰاني نُورَ الصِّدْقِ ، وَدينِي نُورَ الْبَصٰائِرِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَبَصَري نُورَ الضِّيٰاءِ ، وَسَمْعي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ .

وَمَوَدَّتي نُورَ الْمُوٰالاٰةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ ، وَيَقيني قُوَّةَ الْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰاءِ مُحَمَّدٍ وَأَعْدٰاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ، حَتّٰى أَلْقٰاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثٰاقِكَ ، فَلْتَسَعْني رَحْمَتُكَ ، يٰا وَلِيُّ يٰا حَميدُ ، بِمَرْآكَ وَمَسْمَعِكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ دُعٰائي ، فَوَفِّني مُنَجِّزٰاتِ إِجٰابَتي ، أَعْتَصِمُ بِكَ ، مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعي وَرِضٰايَ يٰا كَريمُ .[1]

۳

زیارت امام زمان ارواحنا فداه در روز جمعه

این زیارت را سیّد بن طاووس ﷺ در «جمال الأسبوع» نقل کرده است :

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ في أَرْضِهِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا عَيْنَ اللهِ في خَلْقِهِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ اللهِ الَّذي يَهْتَدي بِهِ الْمُهْتَدُونَ ، وَيُفَرَّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنينَ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخٰائِفُ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النّٰاصِحُ .

۱. المزار الكبير: ۵۶۷، بحار الأنوار: ۳۶/۹۴، مصباح الزائر: ۴۳۰ با اندکی تفاوت.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا سَفِينَةَ النَّجٰاةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَيْنَ الْحَيٰاةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللّٰهُ لَكَ مٰا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ، أَنَا مَوْلٰاكَ، عٰارِفٌ بِأُولٰاكَ وَأُخْرٰاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ تَعٰالىٰ بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلىٰ يَدَيْكَ، وَأَسْئَلُ اللّٰهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ، وَالتّٰابِعِينَ وَالنّٰاصِرِينَ لَكَ عَلىٰ أَعْدٰائِكَ، وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيٰائِكَ.

يٰا مَوْلٰايَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آلِ بَيْتِكَ، هٰذٰا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلىٰ يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكٰافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يٰا مَوْلٰايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجٰارُكَ، وَأَنْتَ يٰا مَوْلٰايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلٰادِ الْكِرٰامِ، وَمَأْمُورٌ بِالضِّيٰافَةِ وَالْإِجٰارَةِ، فَأَضِفْنِي وَأَجِرْنِي، صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطّٰاهِرِينَ.

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ گوید: من بعد از این زیارت؛ **حضرت را در برابر خود تصوّر می‌کنم** و اشاره به حضرتش نموده و می‌گویم:

نزيلك حيث ما اتّجهت ركابي وضيفك حيث كنت من البلاد

هر کجا که راحلهٔ من روی آورد به سوی تو فرود می‌آیم، و در هر شهری از شهرها باشم مهمان تو هستم.[1]

۱. جمال الأسبوع: ۴۱.

٤

زيارت حضرت بقيّة الله ارواحنا فداه
كه در مشكلات و موارد ترسناک خوانده می‌شود

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الْأَمْرِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ التَّدْبِيرِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰانٰا يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمُنْتَظَرُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقٰائِمُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلَفُ الصّٰالِحُ لِلْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ الْمُسْلِمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَلِيَّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا فِلْذَةَ كَبِدِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَضْعَةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا جٰادَّةَ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا غَوْثَ الْمَلْهُوفِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَوْنَ الْمَظْلُومِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قُطْبَ الْعٰالَمِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ الْمَسٰاجِدِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا عَدِيلَ الْخَيْرِ، أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَدْرِكْنِي، أَعِنِّي وَلٰاتُعِنْ عَلَيَّ، وَانْصُرْنِي وَلٰاتَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِي وَلٰاتُفٰارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ شٰاكِراً وَمُصَلِّياً وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.[1]

---

۱. المجموع الرائق: ۴۵۱/۱.

۵

زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روز یکشنبه

که از حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه روایت شده است

در روایتی آمده است:

شخصی در روز یکشنبه ـ روز امیرالمؤمنین علیه‌السلام ـ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را در عالم بیداری ـ نه خواب ـ مشاهده می‌کند که حضرتش جدّ بزرگوارش امیر مؤمنان علی علیه‌السلام را چنین زیارت می‌کنند:

اَلسَّلٰامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالدَّوْحَةِ الْهٰاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ، اَلْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ، اَلْمُونِعَةِ بِالْإِمٰامَةِ، وَعَلىٰ ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلٰائِكَةِ الْمُحْدِقِينَ بِكَ وَالْحٰافِّينَ بِقَبْرِكَ.

يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ، هٰذٰا يَوْمُ الْأَحَدِ، وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجٰارُكَ، فَأَضِفْنِي يٰا مَوْلٰايَ وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيٰافَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالْإِجٰارَةِ.

فَافْعَلْ مٰا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ، وَآلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللهِ وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.[1]

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۸، جنّة المأوى: ۲۷۱.



زیارت ناحیهٔ مقدّسه

علّامهٔ مجلسی ﷺ در «بحار الأنوار» می‌نویسد: شیخ مفید ﷺ روایت می‌کند:

هر گاه خواستی در روز عاشورا حضرت امام حسین علیه‌السلام را زیارت کنی در کنار قبر مطهر آن حضرت بایست و بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ مِنْ خَلیقَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ شَیْثٍ وَلِـيِّ اللهِ وَخِـيَرَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ إِدْریسَ الْقٰائِمِ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ نُوحٍ الْمُجٰابِ في دَعْوَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ هُودٍ الْمَمْدُودِ مِنَ اللّٰهِ بِمَعُونَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ صٰالِحٍ الَّذي تَوَّجَهُ اللهُ بِكَرٰامَـتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ إِبْرٰاهیمَ الَّذي حَبٰاهُ اللهُ بِخُلَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ إِسْمٰاعیلَ الَّذي فَدٰاهُ اللهُ بِذِبْحٍ عَظیمٍ مِنْ جَنَّتِهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ إِسْحٰاقَ الَّذي جَعَلَ اللهُ النُّبُوَّةَ في ذُرِّيَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ يَعْقُوبَ الَّذي رَدَّ اللهُ عَلَيْهِ بَصَرَهُ بِرَحْمَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ يُوسُفَ الَّذي نَجّٰاهُ اللهُ مِنَ الْجُبِّ بِعَظَمَتِهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُوسَى الَّذي فَلَقَ اللهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ هٰارُونَ الَّـذي خَصَّهُ اللهُ بِنُبُوَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ شُعَيْبٍ الَّذي نَصَرَهُ اللهُ عَلیٰ أُمَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ دٰاوُدَ الَّذي تٰابَ اللهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطيئَتِهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ سُلَيْمٰانَ الَّذي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ بِعِزَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ أَيُّوبَ الَّذي شَفٰاهُ اللهُ مِنْ عِلَّتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ يُونُسَ الَّذي أَنْجَزَ اللهُ لَهُ مَضْمُونَ عِدَتِهِ، اَلسَّـلٰامُ عَـلیٰ عُزَيْرٍ الَّذي أَحْيٰاهُ اللهُ بَعْدَ مَيْتَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ زَكَرِيَّا الصّٰابِرِ في مِحْنَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ يَحْيَى الَّذي أَزْلَفَهُ اللهُ بِشَهٰادَتِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ عيسیٰ رُوحِ اللهِ وَكَلِمَتِهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ وَصِفْوَتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طٰالِبٍ الْمَخْصُوصِ بِأُخُوَّتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ ابْنَتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبيهِ وَخَليفَتِهِ .

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الَّذي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ أَطٰاعَ اللهَ في سِرِّهِ وَعَلٰانِيَتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ جَعَلَ اللهُ الشِّفٰاءَ في تُرْبَتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ الْإِجٰابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنِ الْأَئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ .

اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ خٰاتَمِ الْأَنْبِيٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ الْأَوْصِيٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفٰا .

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُرَمَّلِ بِالدِّمٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ خٰامِسِ أَصْحٰابِ أَهْلِ الْكِسٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ غَريبِ الْغُرَبٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ شَهيدِ الشُّهَدٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ قَتيلِ الْأَدْعِيٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ سٰاكِنِ كَرْبَلٰاءَ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ بَكَتْهُ مَلٰائِكَةُ السَّمٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِيٰاءُ .

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ يَعْسُوبِ الدّينِ ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَنٰازِلِ الْبَرٰاهينِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ السّٰادٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الشِّفٰاهِ الذّٰابِلٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَرْوٰاحِ الْمُخْتَلَسٰاتِ .

اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَجْسٰادِ الْعٰارِيٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْجُسُومِ الشّٰاحِبٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الدِّمٰاءِ السّٰائِلٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَعْضٰاءِ الْمُقَطَّعٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُشٰالٰاتِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَى النِّسْوَةِ الْبٰارِزٰاتِ .

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ حُجَّةِ رَبِّ الْعٰالَمينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبٰائِكَ الطّٰاهِرينَ ، اَلسَّلٰامُ

عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبْنائِكَ الْمُسْتَشْهَدِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِكَ النّاصِرِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمُضاجِعِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَظْلُومِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ أَخِيهِ الْمَسْمُومِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ عَلِيٍّ الْكَبِيرِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ .

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَبْدانِ السَّلِيبَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْعِتْرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ) ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَدَّلِينَ فِي الْفَلَواتِ ، اَلسَّلامُ عَلَى النّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطانِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلا أَكْفانٍ .

اَلسَّلامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُفَرَّقَةِ عَنِ الْأَبْدانِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصّابِرِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلا ناصِرٍ ، اَلسَّلامُ عَلَى ساكِنِ التُّرْبَةِ الزّاكِيَةِ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الْقُبَّةِ السّامِيَةِ .

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنِ افْتَخَرَ بِهِ جَبْرَئِيلُ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ ناغاهُ فِي الْمَهْدِ ميكائِيلُ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ نُكِثَتْ ذِمَّتُهُ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ دَمُهُ .

اَلسَّلامُ عَلَى الْمُغَسَّلِ بِدَمِ الْجِراحِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ بِكَأْساتِ الرِّماحِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُضامِ الْمُسْتَباحِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرىٰ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَنْ دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرىٰ .

اَلسَّلامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُحامي بِلا مُعِينٍ ، اَلسَّلامُ عَلَى الشَّيْبِ الخَضِيبِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الخَدِّ التَّرِيبِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَجْسامِ الْعارِيَةِ فِي الْفَلَواتِ ، تَنْهَشُهَا الذِّئابُ الْعادِياتُ ، وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السِّباعُ الضّارِياتُ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ ، اَلْحافِّينَ

بِتُرْبَتِكَ ، اَلطّٰائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ ، اَلْوٰارِدِينَ لِزِيٰارَتِكَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ فَإِنّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ سَلٰامَ الْعٰارِفِ بِحُرْمَتِكَ ، اَلْمُخْلِصِ في وِلٰايَتِكَ ، اَلْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللهِ بِمَحَبَّتِكَ ، اَلْبَرِيءِ مِنْ أَعْدٰائِكَ ، سَلٰامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصٰابِكَ مَقْرُوحٌ ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ ، سَلٰامَ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوٰالِهِ الْمُسْتَكِينِ ، سَلٰامَ مَنْ لَوْكٰانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوَقٰاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ ، وَبَذَلَ حُشٰاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ ، وَجٰاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَنَصَرَكَ عَلىٰ مَنْ بَغىٰ عَلَيْكَ ، وَفَدٰاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمٰالِهِ وَوَلَدِهِ ، وَرُوحُهُ لِرُوحِكَ فِدٰاءٌ ، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وِقٰاءٌ .

فَلَئِنْ أَخَّرَتْنِي الدُّهُورُ ، وَعٰاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حٰارَبَكَ مُحٰارِباً ، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدٰاوَةَ مُنٰاصِباً ، فَلَأَنْدُبَنَّكَ صَبٰاحاً وَمَسٰاءً ، وَلَأَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً ، حَسْرَةً عَلَيْكَ ، وَتَأَسُّفاً عَلىٰ مٰا دَهٰاكَ ، وَتَلَهُّفاً حَتّٰى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصٰابِ ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيٰابِ .

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكٰاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوٰانِ ، وَأَطَعْتَ اللهَ وَمٰا عَصَيْتَهُ ، وَتَمَسَّكْتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشِيتَهُ ، وَرٰاقَبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ ، وَسَنَنْتَ السُّنَنَ ، وَأَطْفَأْتَ الْفِتَنَ ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشٰادِ ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدٰادِ ، وَجٰاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ الْجِهٰادِ .

وَكُنْتَ لِلّٰهِ طٰائِعاً ، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تٰابِعاً ، وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سٰامِعاً ، وَإِلىٰ وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسٰارِعاً ، وَلِعِمٰادِ الدِّينِ رٰافِعاً ، وَلِلطُّغْيٰانِ قٰامِعاً ، وَلِلطُّغٰاةِ مُقٰارِعاً ، وَلِلْأُمَّةِ نٰاصِحاً ، وَفي غَمَرٰاتِ الْمَوْتِ سٰابِحاً ، وَلِلْفُسّٰاقِ مُكٰافِحاً ، وَبِحُجَجِ اللهِ قٰائِماً ، وَلِلْإِسْلٰامِ وَالْمُسْلِمِينَ رٰاحِماً ، وَلِلْحَقِّ نٰاصِراً ، وَعِنْدَ الْبَلٰاءِ صٰابِراً ،

وَلِلدّٰينِ كٰالِئاً، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرٰامِياً.

تَحُوطُ الْهُدىٰ وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدّٰينَ وَتُظْهِرُهُ، وَتَكُفُّ الْعٰابِثَ وَتَزْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدَّنِيِّ مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسٰاوي فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ.

كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتٰامِ، وَعِصْمَةَ الْأَنٰامِ، وَعِزَّ الْإِسْلاٰمِ، وَمَعْدِنَ الْأَحْكٰامِ، وَحَلِيفَ الْإِنْعٰامِ، سٰالِكاً طَرٰائِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ، وَفِيَّ الذِّمَمِ، رَضِيَّ الشِّيَمِ، ظٰاهِرَ الْكَرَمِ.

مُتَهَجِّداً فِي الظُّلَمِ، قَوِيمَ الطَّرٰائِقِ، كَرِيمَ الْخَلاٰئِقِ، عَظِيمَ السَّوٰابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ، رَفِيعَ الرُّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنٰاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرٰائِبِ، جَزِيلَ الْمَوٰاهِبِ.

حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوٰادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، إِمٰامٌ شَهِيدٌ، أَوّٰاهٌ مُنِيبٌ، حَبِيبٌ مَهِيبٌ. كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَداً، وَلِلْقُرْآنِ سَنَداً، وَلِلْأُمَّةِ عَضُداً، وَفِي الطّٰاعَةِ مُجْتَهِداً، حٰافِظاً لِلْعَهْدِ وَالْمِيثٰاقِ، نٰاكِباً عَنْ سُبُلِ الْفُسّٰاقِ، [وَ] بٰاذِلاً لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ.

زٰاهِداً فِي الدُّنْيٰا زُهْدَ الرّٰاحِلِ عَنْهٰا، نٰاظِراً إِلَيْهٰا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهٰا، آمٰالُكَ عَنْهٰا مَكْفُوفَةٌ، وَهِمَّتُكَ عَنْ زِينَتِهٰا مَصْرُوفَةٌ، وَأَلْحٰاظُكَ عَنْ بَهْجَتِهٰا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتُكَ فِي الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ.

حَتّٰى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بٰاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمُ قِنٰاعَهُ، وَدَعَا الْغَيُّ أَتْبٰاعَهُ، وَأَنْتَ في حَرَمِ جَدِّكَ قٰاطِنٌ، وَلِلظّٰالِمِينَ مُبٰايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرٰابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذّٰاتِ وَالشَّهَوٰاتِ، تُنْكِرُ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسٰانِكَ، عَلىٰ حَسَبِ طٰاقَتِكَ وَإِمْكٰانِكَ.

ثُمَّ اقْتَضاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجاهِدَ الْفُجّارَ، فَسِرْتَ في أَوْلادِكَ وَأَهْاليكَ، وَشيعَتِكَ وَمَواليكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ، وَدَعَوْتَ إِلَى اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقامَةِ الْحُدُودِ، وَالطّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبائِثِ وَالطُّغْيانِ، وَواجَهُوكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ.

فَجاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِبْقاءِ لَهُمْ، وَتَأْكيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَنَكَثُوا ذِمامَكَ وَبَيْعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَؤُوكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَتَّ لِلطَّعْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَنْتَ جُنُودَ الْفُجّارِ، وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبارِ، مُجالِداً بِذِي الْفِقارِ، كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتارُ.

فَلَمّا رَأَوْكَ ثابِتَ الْجَأْشِ، غَيْرَ خائِفٍ وَلا خاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْماءَ وَوُرُودَهُ، وَناجَزُوكَ الْقِتالَ، وَعاجَلُوكَ النِّزالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسِّهامِ وَالنِّبالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ أَكُفَّ الْإِصْطِلامِ، وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِماماً، وَلا راقَبُوا فيكَ آثاماً، في قَتْلِهِمْ أَوْلِياءَكَ، وَنَهْبِهِمْ رِحالَكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَواتِ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيّاتِ، قَدْ عَجِبَتْ مِنْ صَبْرِكَ مَلائِكَةُ السَّماواتِ.

فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجَهاتِ، وَأَثْخَنُوكَ بِالْجِراحِ، وَحالُوا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّواحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ ناصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صابِرٌ، تَذُبُّ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلادِكَ، حَتّى نَكَسُوكَ عَنْ جَوادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ جَريحاً، تَطَؤُكَ الْخُيُولُ بِحَوافِرِها، وَتَعْلُوكَ الطُّغاةُ بِبَواتِرِها.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبينُكَ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِباضِ وَالْإِنْبِساطِ شِمالُكَ وَيَمينُكَ، تُديرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلىٰ رَحْلِكَ وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلْتَ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهْاليكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شارِداً، إِلىٰ خِيامِكَ قاصِداً، مُحَمْحِماً باكِياً.

فَلَمّا رَأَيْنَ النِّساءُ جَوادَكَ مَخْزِيّاً، وَنَظَرْنَ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلْوِيّاً، بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ، ناشِراتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لاطِماتِ الْوُجُوهِ سافِراتٍ، وَبِالْعَوِيلِ داعِياتٍ، وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلاتٍ، وَإِلىٰ مَصْرَعِكَ مُبادِراتٍ.

وَالشِّمْرُ جالِسٌ عَلىٰ صَدْرِكَ، وَمُولِغٌ سَيْفَهُ عَلىٰ نَحْرِكَ، قابِضٌ عَلىٰ شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذابِحٌ لَكَ بِمُهَنَّدِهِ، قَدْ سَكَنَتْ حَواسُّكَ، وَخَفِيَتْ أَنْفاسُكَ، وَرُفِعَ عَلَى الْقَناةِ رَأْسُكَ، وَسُبِيَ أَهْلُكَ كَالْعَبِيدِ، وَصُفِّدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتابِ الْمَطِيّاتِ، تَلْفَحُ وُجُوهَهُمْ حَرُّ الْهاجِراتِ، يُساقُونَ فِي الْبَراري وَالْفَلَواتِ، أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْناقِ، يُطافُ بِهِمْ فِي الْأَسْواقِ.

فَالْوَيْلُ لِلْعُصاةِ الْفُسّاقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلاةَ وَالصِّيامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكامَ، وَهَدَمُوا قَواعِدَ الْإِيمانِ، وَحَرَّفُوا آياتِ الْقُرْآنِ، وَهَمْلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوانِ.

لَقَدْ أَصْبَحَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُوراً، وَعادَ كِتابُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُوراً، وَغُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُوراً، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالْإِلْحادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالْأَهْواءُ وَالْأَضالِيلُ، وَالْفِتَنُ وَالْأَباطِيلُ.

فَقامَ ناعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الْهَطُولِ، قائِلاً يا رَسُولَ اللهِ قُتِلَ سِبْطُكَ وَفَتاكَ، وَاسْتُبِيحَ أَهْلُكَ وَحِماكَ، وَسُبِيَتْ بَعْدَكَ ذَراريكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِتْرَتِكَ وَذَوِيكَ.

فَانْزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكىٰ قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزّاهُ بِكَ الْمَلائِكَةُ وَالْأَنْبِياءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمُّكَ الزَّهْراءُ، وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعَزّي أَباكَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ،

وَأُقيمَتْ لَكَ الْمَـاتِمُ فِي أَعْلا عِلِّيِّينَ ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعِينُ ، وَبَكَتِ السَّـمٰاءُ وَسُكّانُهٰا ، وَالْجِنٰانُ وَخُزّانُهٰا ، وَالْهِضٰابُ وَأَقْطٰارُهٰا ، وَالْبِحٰارُ وَحِيتٰانُهٰا ، وَالْـجِنٰانُ وَوِلْدٰانُهٰا ، وَالْبَيْتُ وَالْمَقٰامُ ، وَالْمَشْعَرُ الْحَرٰامُ ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرٰامُ[1] .

أَللّٰهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هٰذَا الْمَكٰانِ الْمُنِيفِ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاحْشُرْني في زُمرَتِهِمْ ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفٰاعَتِهِمْ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يٰا أَسْرَعَ الْحٰاسِبِينَ ، وَيٰا أَكْرَمَ الْأَكْـرَمِينَ ، وَيـٰا أَحْكَـمَ الْحٰاكِمِينَ ، بِمُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيِّينَ ، رَسُولِكَ إِلَى الْعٰالَمِينَ أَجْمَعِينَ ، وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ ، اَلْعٰالِمِ الْمَكِينِ ، عَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، وَبِفٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ .

وَبِأَبي عَبْدِاللهِ الْحُسَيْنِ أَكْـرَمِ الْـمُسْتَشْهَدِينَ ، وَبِأَوْلادِهِ الْـمَقْتُولِينَ ، وَبِـعِتْرَتِهِ الْمَظْلُومِينَ ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعٰابِدِينَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قِـبْلَةِ الْأَوّٰابِـينَ ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصّٰادِقِينَ ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ مُظْهِرِ الْبَرٰاهِينَ ، وَعَلِيِّ بْـنِ مُوسىٰ نٰاصِرِ الدّٰينِ ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةِ الْمُهْتَدِينَ ، وَعَـلِيِّ بْـنِ مُـحَمَّدٍ أَزْهَـدِ الزّٰاهِدِينَ ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وٰارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ ، وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ .

أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُـحَمَّدٍ ، اَلصّـٰادِقِينَ الْأَبَـرّٰينَ ، آلِ طٰـهٰ وَيٰسٓ ، وَأَنْ تَجْعَلَني فِي الْقِيٰامَةِ مِنَ الْآمِنِينَ الْمُطْمَئِنّٰينَ الْفٰائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ .

أَللّٰهُمَّ اكْتُبْني فِي الْمُسْلِمِينَ ، وَأَلْحِقْني بِالصّٰالِحِينَ ، وَاجْعَلْ لي لِسٰانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ، وَانْصُرْني عَلَى الْبٰاغِينَ ، وَاكْفِني كَيْدَ الْحٰاسِدِينَ ، وَاصْرِفْ عَـنّي مَكْـرَ الْمٰاكِرِينَ ، وَاقْبِضْ عَنّي أَيْدِي الظّٰالِمِينَ ، وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ السّٰادَةِ الْمَيٰامِينِ ، في

---

۱. اَحْرام ـ جمع حرم ـ : به اطراف خانهٔ خدا گفته می‌شود.

أَعْلا عِلِّيّينَ ، مَعَ الَّذينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ، مِنَ النَّبِيّينَ وَالصِّدّيقينَ ، وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ الْمَعْصُومِ ، وَبِحُكْمِكَ الْمَحْتُومِ ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ ، وَبِهٰذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ ، اَلْمُوَسَّدِ في كَنَفِهِ ، اَلْإِمامُ الْمَعْصُومُ الْمَقْتُولُ الْمَظْلُومُ ، أَنْ تَكْشِفَ ما بي مِنَ الْغُمُومِ ، وَتَصْرِفَ عَنّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَحْتُومِ ، وَتُجيرَني مِنَ النّارِ ذاتِ السَّمُومِ .

أَللّٰهُمَّ جَلِّلْني بِنِعْمَتِكَ ، وَرَضِّني بِقِسْمِكَ ، وَتَغَمَّدْني بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، وَباعِدْني مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ . أَللّٰهُمَّ اعْصِمْني مِنَ الزَّلَلِ ، وَسَدِّدْني فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ، وَافْسَحْ لي في مُدَّةِ الْأَجَلِ ، وَأَعْفِني مِنَ الْأَوْجاعِ وَالْعِلَلِ ، وَبَلِّغْني بِمَوالِيَّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقْبَلْ تَوْبَتي ، وَارْحَمْ عَبْرَتي ، وَأَقِلْني عَثْرَتي ، وَنَفِّسْ كُرْبَتي ، وَاغْفِرْ لي خَطيئَتي ، وَأَصْلِحْ لي في ذُرِّيَّتي .

أَللّٰهُمَّ لا تَدَعْ لي في هٰذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ، وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ ذَنْباً إِلّا غَفَرْتَهُ ، وَلا عَيْباً إِلّا سَتَرْتَهُ ، وَلا غَمّاً إِلّا كَشَفْتَهُ ، وَلا رِزْقاً إِلّا بَسَطْتَهُ ، وَلا جاهاً إِلّا عَمَّرْتَهُ ، وَلا فَساداً إِلّا أَصْلَحْتَهُ ، وَلا أَمَلاً إِلّا بَلَّغْتَهُ ، وَلا دُعاءً إِلّا أَجَبْتَهُ ، وَلا مَضيقاً إِلّا فَرَّجْتَهُ ، وَلا شَمْلاً إِلّا جَمَعْتَهُ ، وَلا أَمْراً إِلّا أَتْمَمْتَهُ ، وَلا مالاً إِلّا كَثَّرْتَهُ ، وَلا خُلْقاً إِلّا حَسَّنْتَهُ ، وَلا إِنْفاقاً إِلّا أَخْلَفْتَهُ ، وَلا حالاً إِلّا عَمَّرْتَهُ ، وَلا حَسُوداً إِلّا قَمَعْتَهُ ، وَلا عَدُوّاً إِلّا أَرْدَيْتَهُ ، وَلا شَرّاً إِلّا كَفَيْتَهُ ، وَلا مَرَضاً إِلّا شَفَيْتَهُ ، وَلا بَعيداً إِلّا أَدْنَيْتَهُ ، وَلا شَعْثاً إِلّا لَمَمْتَهُ ، وَلا سُؤالاً إِلّا أَعْطَيْتَهُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعاجِلَةِ ، وَثَوابَ الْآجِلَةِ . أَللّٰهُمَّ أَغْنِني بِحَلالِكَ عَنِ الْحَرامِ ،

وَبِفَضْلِكَ عَنْ جَميعِ الْأَنامِ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نافِعاً، وَقَلْباً خاشِعاً وَيَقيناً شافِياً، وَعَمَلاً زاكِياً، وَصَبْراً جَميلاً، وَأَجْراً جَزيلاً.

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ في إِحْسانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلي فِي النّاسِ مَسْمُوعاً، وَعَمَلي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً، وَأَثَري فِي الْخَيْراتِ مَتْبُوعاً، وَعَدُوّي مَقْمُوعاً.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيارِ، في آناءِ اللَّيْلِ وَأَطْرافِ النَّهارِ، وَاكْفِني شَرَّ الْأَشْرارِ، وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزارِ، وَأَجِرْني مِنَ النّارِ، وَأَحِلَّني دارَ الْقَرارِ، وَاغْفِرْ لي وَلِجَميعِ إِخْواني فيكَ وَأَخَواتِيَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

آن گاه رو به طرف قبله کن، و دو رکعت نماز بخوان، در رکعت اول سورهٔ «انبیاء» و در رکعت دوم سورهٔ «حشر» را بخوان، و در قنوت این دعا را بخوان:

لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَليمُ الْكَريمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظيمُ، لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَالْأَرَضينَ السَّبْعِ، وَما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، خِلافاً لِأَعْدائِهِ، وَتَكْذيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْراراً لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ.

اَلْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ إِلىٰ غَيْرِ آخِرٍ، اَلظّاهِرُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، اَلْباطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ، لا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلىٰ كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلا تُدْرِكُ الْأَوْهامُ حَقيقَةَ ماهِيَّتِهِ، وَلا تَتَصَوَّرُ الْأَنْفُسُ مَعانِيَ كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعاً عَلَى الضَّمائِرِ، عارِفاً بِالسَّرائِرِ، يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ عَلىٰ تَصْديقي رَسُولَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَايمانِي بِهِ، وَعِلْمي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنّي أَشْهَدُ أَنَّهُ النَّبِيُّ الَّذي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ

الْأَنْبِياءُ بِهِ ، وَدَعَتْ إِلَى الْإِقْرارِ بِما جاءَ بِهِ ، وَحَثَّتْ عَلىٰ تَصْديقِهِ بِقَوْلِهِ تَعالىٰ ﴿ اَلَّذي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْإِنْجيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهيٰهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلالَ الَّتي كانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾ [1] .

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِياءِ الْمُصْطَفَيْنَ ، وَعَلىٰ أَخيهِ وَابْنِ عَمِّهِ اللَّذَيْنِ لَمْ يُشْرِكا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً ، وَعَلىٰ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ ، وَعَلىٰ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، صَلاةً خالِدَةَ الدَّوامِ ، عَدَدَ قَطْرِ الرِّهامِ ، وَزِنَةَ الْجِبالِ وَالْآكامِ ما أَوْرَقَ السَّلامُ ، وَاخْتَلَفَ الضِّياءُ وَالظَّلامُ ، وَعَلىٰ آلِهِ الطّاهِرينَ ، اَلْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ ، اَلذّائِدينَ عَنِ الدّينِ ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ الْقُوّامِ بِالْقِسْطِ وَسُلالَةِ السِّبْطِ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْإِمامِ ، فَرَجاً قَريباً ، وَصَبْراً جَميلاً ، وَنَصْراً عَزيزاً ، وَغِنىً عَنِ الْخَلْقِ ، وَثَباتاً فِي الْهُدىٰ ، وَالتَّوْفيقَ لِما تُحِبُّ وَتَرْضىٰ ، وَرِزْقاً واسِعاً حَلالاً ، طَيِّباً مَريئاً ، دارّاً سائِغاً ، فاضِلاً مُفَضِّلاً ، صَبّاً صَبّاً ، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا نَكَدٍ وَلا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ ، وَعافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالنَّعْماءِ ، وَإِذا جاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنا عَلىٰ أَحْسَنِ ما يَكُونُ لَكَ طاعَةً ، عَلىٰ ما أَمَرْتَنا مُحافِظينَ ، حَتّىٰ تُؤَدِّيَنا إِلىٰ جَنّاتِ النَّعيمِ ، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَوْحِشْني مِنَ الدُّنْيا ، وَآنِسْني بِالْآخِرَةِ ، فَإِنَّهُ لا يُوْحِشُ مِنَ الدُّنْيا إِلّا خَوْفُكَ ، وَلا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلّا رَجاؤُكَ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لا عَلَيْكَ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ لا مِنْكَ ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ،

---

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۷.

وَأَعِنّي عَلىٰ نَفْسِيَ الظّالِمَةِ الْعاصِيَةِ ، وَشَهْوَتِيَ الْغالِبَةِ ، وَاخْتِمْ لي بِالْعافِيَةِ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفاري إِيّاكَ وَأَنَا مُصِرٌّ عَلىٰ ما نَهَيْتَ قِلَّةُ حَيٰاءٍ ، وَتَرْكِيَ الْإِسْتِغْفارَ مَعَ عِلْمي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْييعٌ لِحَقِّ الرَّجٰاءِ . أَللّٰهُمَّ إِنَّ ذُنُوبي تُؤْيِسُني أَنْ أَرْجُوكَ ، وَإِنَّ عِلْمي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُني أَنْ أَخْشٰاكَ ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَصَدِّقْ رَجٰائي لَكَ ، وَكَذِّبْ خَوْفي مِنْكَ ، وَكُنْ لي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنّي بِكَ ، يٰا أَكْرَمَ الْأَكْرَمينَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَيِّدْني بِالْعِصْمَةِ ، وَأَنْطِقْ لِسٰاني بِالْحِكْمَةِ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلىٰ ما ضَيَّعَهُ في أَمْسِهِ ، وَلٰا يَغْبَنُ حَظَّهُ في يَوْمِهِ ، وَلٰا يَهِمُّ لِرِزْقِ غَدِهِ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّ الْغَنِيَّ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ ، وَالْفَقيرَ مَنِ اسْتَغْنىٰ بِخَلْقِكَ عَنْكَ ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِكَ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ لٰا يَبْسُطُ كَفّاً إِلّٰا إِلَيْكَ . أَللّٰهُمَّ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَأَمٰامَهُ التَّوْبَةُ ، وَوَرٰاءَهُ الرَّحْمَةُ ، وَإِنْ كُنْتُ ضَعيفَ الْعَمَلِ فَإِنّي في رَحْمَتِكَ قَوِيُّ الْأَمَلِ ، فَهَبْ لي ضَعْفَ عَمَلي لِقُوَّةِ أَمَلي .

أَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ما في عِبٰادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسىٰ قَلْباً مِنّي ، وَأَعْظَمُ مِنّي ذَنْباً ، فَإِنّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لٰا مَوْلىً أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلاً ، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْواً ، فَيامَنْ هُوَ أَوْحَدُ في رَحْمَتِهِ ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدَ في خَطيئَتِهِ .

أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنٰا فَعَصَيْنٰا ، وَنَهَيْتَ فَمَا انْتَهَيْنٰا ، وَذَكَّرْتَ فَتَنٰاسَيْنٰا ، وَبَصَّرْتَ فَتَعٰامَيْنٰا ، وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنٰا ، وَمٰا كٰانَ ذٰلِكَ جَزٰاءَ إِحْسٰانِكَ إِلَيْنٰا ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمٰا أَعْلَنّٰا وَأَخْفَيْنٰا ، وَأَخْبَرُ بِمٰا نَأْتي وَمٰا أَتَيْنٰا ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلٰا تُؤٰاخِذْنٰا بِمٰا أَخْطَأْنٰا وَنَسيْنٰا ، وَهَبْ لَنٰا حُقُوقَكَ لَدَيْنٰا ، وَأَتِمَّ إِحْسٰانَكَ إِلَيْنٰا ، وَأَسْبِلْ رَحْمَتَكَ عَلَيْنٰا .

أَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِهٰذَا الصِّدّيقِ الْإِمٰامِ ، وَنَسْئَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذي جَعَلْتَهُ لَهُ ،

وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ، وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِدْرارَ الرِّزْقِ الَّذي بِهِ قِوامُ حَيٰاتِنٰا، وَصَلاحُ أَحْوالِ عِيٰالِنٰا، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذي تُعْطي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْئَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مٰا يَكُونُ صَلاحاً لِلدُّنْيٰا، وَبَلاغاً لِلْآخِرَةِ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لَنٰا وَلِوٰالِدَيْنٰا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمٰاتِ، اَلْأَحْيٰاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ، وَآتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنٰا عَذٰابَ النّٰارِ.

آن گاه که نماز را تمام کردی و خواستی تسبیح بگویی گونهٔ خود را بر خاک بگذار و چهل مرتبه بگو: «سُبْحٰانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ»، و از خداوند متعال بخواه که مصونیّتی بر پاکی از گناهان به تو عطا کند، و از مهالک نجات دهد، گناهان تو را بیامرزد و به انجام اعمال نیکو موفّق نماید، و آن را به سبب تقرّبی که بوسیلهٔ آن حضرت به سوی خدا بدست می‌آوری و آبرویی که در نزد او پیدا می‌کنی بپذیرد، و در بالاسر آن حضرت بایست و همان طوری که بیان کردیم دو رکعت نماز بخوان.

آن گاه خود را به روی قبر شریف بیانداز و آن را ببوس و بگو: زٰادَ اللهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، و بر خود و پدر و مادرت و هر کسی که دوست داری دعا کن.[1]

علّامهٔ مجلسی ﷺ می‌گوید: مؤلّف کتاب شریف «المزار الکبیر» گفته است: زیارت دیگری در روز عاشورا از ناحیهٔ مقدّسه به سوی یکی از نوّاب صادر شده است که می‌گوید:

در کنار قبر شریف می‌ایستی و می‌گویی: اَلسَّلامُ عَلىٰ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ مِنْ خَلِيقَتِهِ، بعد

۱. بحار الأنوار: ۳۱۷/۱۰۱.

زیارت را تا آخر همان طوری که ما نقل کردیم، آورده است.

بنابراین؛ روشن است که این زیارت؛ هم از علماء نقل شده و هم توسّط راویان روایت شده است، **و محتمل است که مخصوص روز عاشورانباشد بلکه می‌توان آن را در همهٔ اوقات خواند**، چنانکه سیّد مرتضی ﷺ چنین نقل کرده است.[1]

مرحوم آیة‌الله سیّد احمد مستنبط نوشته است: روایت زیارت ناحیهٔ مقدّسه دلالت ندارد که مخصوص به روز عاشورا باشد.[2]



زیارت رجبیّه

که در حرم‌های مطهّر اهل بیت علیهم‌السلام در ماه رجب خوانده می‌شود

نایب بزرگوار حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه؛ ابوالقاسم حسین بن روح ﷺ می‌فرماید:

هر کس به حرم یکی از آل محمّد علیهم‌السلام مشرّف شود و با این زیارت، آن حضرت را زیارت کند هنوز به وطن خود باز نگشته حاجت او برآورده، و دعای دینی و دنیوی او مستجاب می‌شود.

بنابراین؛ هرگاه خواستی در حرم یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام این زیارت را بخوانی روبروی قبر شریف بایست و بگو:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَشْهَدَنا مَشْهَدَ أَوْلِيائِهِ في رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنا مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ، وَعَلىٰ أَوْصِيائِهِ الْحُجُبِ.

---

۱. بحار الأنوار: ۳۲۸/۱۰۱.

۲. الزيارة والبشارة: ۴۸۸/۲.

أَللّٰهُمَّ فَكَما أَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ، وَأَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلَّئِينَ عَنْ وِرْدٍ في دارِ المُقامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ إِنّي قَصَدْتُكُمْ، وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتي وَحاجَتي، وَهِيَ فَكاكُ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ في دارِ الْقَرارِ، مَعَ شيعَتِكُمُ الْأَبْرارِ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدّارِ.

أَنَا سائِلُكُمْ وَآمِلُكُمْ فيما إِلَيْكُمُ التَّفْويضُ، وَعَلَيْكُمُ التَّعْويضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهيضُ، وَيُشْفَى الْمَريضُ، وَما تَزْدادُ الْأَرْحامُ وَما تَغيضُ، إِنّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ في رَجْعي بِحَوائِجي، وَقَضائِها وَإِمْضائِها، وَإِنْجاحِها وَإِبْراحِها، وَبِشُؤُوني لَدَيْكُمْ وَصَلاحِها.

وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ سَلامَ مُوَدِّعٍ، وَلَكُمْ حَوائِجَهُ مُودِعٌ، يَسْأَلُ اللهَ إِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ، وَسَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ.

وَأَنْ يَرْجِعَني مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلىٰ جَنابٍ مُمْرِعٍ، وَخَفْضِ [عَيْشٍ] مُوَسَّعٍ، وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ إِلىٰ حينِ الْأَجَلِ، وَخَيْرِ مَصيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعيمِ الْأَزَلِ، وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوامِ الْأُكُلِ، وَشُرْبِ الرَّحيقِ وَالسَّلْسَلِ، وَعَلٍّ وَنَهَلٍ، لا سَأَمَ مِنْهُ وَلا مَلَلَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ عَلَيْكُمْ، حَتَّى الْعَوْدِ إِلىٰ حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَوْزِ في كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ في زُمْرَتِكُمْ، وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ، وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ.[1]

۱. مصباح المتهجّد: ۸۲۱، مصباح الزائر: ۴۹۳، المزار الكبير: ۲۰۳، إقبال الأعمال: ۱۲۴.

۸

زیارت حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه
در حرم مطهّر حضرت امام رضا علیه‌السلام

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خَلِيفَةَ الرَّحْمٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قٰاطِعَ الْبُرْهٰانِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا إِمٰامَ الْإِنْسِ وَالْجٰانِّ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبٰائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدٰادِكَ الطّٰاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

۹

اذن ورود به حرم‌های ائمّه علیهم‌السلام
و سرداب مقدّس[2]

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله می‌گوید: در یک نسخهٔ قدیمی تألیف یکی از علماء و دانشمندان ما چنین نوشته بود:

اذن دخول سرداب مقدّس و حرم‌های ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهٰا، وَعُقْوَةٌ شَرَّفْتَهٰا، وَمَعٰالِمُ زَكَّيْتَهٰا، حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهٰا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبٰاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، اَلَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكاً لِحِفْظِ النِّظٰامِ،

---

۱. ضیاء الصالحین: ۲۴۳، ملحقات التحفة الطوسیّة: ۱۴۰.

۲. چون این دعا اذن دخول برای زیارت حرم‌های ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام و سرداب مقدّس است در بخش زیارت‌ها ذکر کردیم.

وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَساءَ لِجَميعِ الْأَنامِ ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِداءِ الْوُجُودِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ ، ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنابَةِ أَنْبِيائِكَ لِحِفْظِ شَرايِعِكَ وَأَحْكامِكَ ، فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلافِهِمْ رِسالَةَ الْمُنْذِرِينَ ، كَما أَوْجَبْتَ رِياسَتَهُمْ في فِطَرِ الْمُكَلَّفِينَ .

فَسُبْحانَكَ مِنْ إِلٰهٍ ما أَرْأَفَكَ ، وَلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ ما أَعْدَلَكَ ، حَيْثُ طابَقَ صُنْعُكَ ما فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ ، وَوافَقَ حُكْمُكَ ما قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ تَقْديرِكَ الْحَسَنِ الْجَميلِ ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلىٰ قَضائِكَ الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْليلِ ، فَسُبْحانَ مَنْ لا يُسْئَلُ عَنْ فِعْلِهِ ، وَلا يُنازَعُ في أَمْرِهِ ، وَسُبْحانَ مَنْ كَتَبَ عَلىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِداءِ خَلْقِهِ .

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي مَنَّ عَلَيْنا بِحُكّامٍ يَقُومُونَ مَقامَهُ لَوْ كانَ حاضِراً فِي الْمَكانِ، وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الَّذي شَرَّفَنا بِأَوْصِياءَ يَحْفَظُونَ الشَّرايِعَ في كُلِّ الْأَزْمانِ ، وَاللهُ أَكْبَرُ الَّذي أَظْهَرَهُمْ لَنا بِمُعْجِزاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلانِ ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ، اَلَّذي أَجْرَأَنا عَلىٰ عَوائِدِهِ الْجَميلَةِ فِي الْأُمَمِ السّالِفينَ .

أَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّناءُ الْعَلِيُّ كَما وَجَبَ لِوَجْهِكَ الْبَقاءُ السَّرْمَدِيُّ ، وَكَما جَعَلْتَ نَبِيَّنا خَيْرَ النَّبِيّينَ ، وَمُلُوكَنا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقينَ ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعالَمينَ ، وَفَّقْنا لِلسَّعْيِ إِلىٰ أَبْوابِهِمُ الْعامِرَةِ إِلىٰ يَوْمِ الدّينِ .

وَاجْعَلْ أَرْواحَنا تَحِنُّ إِلىٰ مَوْطِئِ أَقْدامِهِمْ ، وَنُفُوسَنا تَهْوِي النَّظَرَ إِلىٰ مَجالِسِهِمْ وَعَرَصاتِهِمْ ، حَتّى كَأَنَّنا نُخاطِبُهُمْ في حُضُورِ أَشْخاصِهِمْ ، فَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سادَةٍ غائِبينَ ، وَمِنْ سُلالَةٍ طاهِرينَ ، وَمِنْ أَئِمَّةٍ مَعْصُومينَ .

أَللّٰهُمَّ فَأْذَنْ لَنا بِدُخُولِ هٰذِهِ الْعَرَصاتِ الَّتِي اسْتَعْبَدْتَ بِزِيارَتِها أَهْلَ الْأَرَضينَ وَالسَّماواتِ ، وَأَرْسِلْ دُمُوعَنا بِخُشُوعِ الْمَهابَةِ ، وَذَلِّلْ جَوارِحَنا بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ

وَفَرْضِ الطّٰاعَةِ، حَتّٰى نُقِرَّ بِمٰا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصٰافِ، وَنَعْتَرِفَ بِأَنَّهُمْ شُفَعٰاءُ الْخَلٰائِقِ إِذٰا نُصِبَتِ الْمَوٰازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرٰافِ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلٰامٌ عَلىٰ عِبٰادِهِ الَّذِينَ اصْطَفىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ.

آن گاه آستانهٔ مقدّسه را ببوس و با خشوع و فروتنی در حالی که گریان هستی وارد شو، زیرا که آن حضرات علیهم‌السلام اذن ورود داده‌اند.[1]

۱۰

زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در سرداب مقدّس

هر گاه خواستی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را در سرداب مقدّس زیارت کنی، ابتداء حضرت امام هادی و حضرت امام عسکری علیهما‌السلام را زیارت کن، چون از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی به سوی سرداب مقدّس برو و در برابر درب آن بایست و دعای اذن دخول را بخوان:

إِلٰهِي إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلىٰ بٰابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النّٰاسَ مِنَ الدُّخُولِ إِلىٰ بُيُوتِهِ إِلّٰا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتَ ﴿يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لٰا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلّٰا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾[2].

أَللّٰهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ، كَمٰا أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفٰاءَكَ أَحْيٰاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَكٰانِي، وَيَسْمَعُونَ كَلٰامِي، وَيَرُدُّونَ

---

۱. بحار الأنوار: ۱۰۲/۱۱۵.

۲. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۳.

سَلامي عَلَيَّ، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعي كَلامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمي بِلَذيذِ مُناجاتِهِمْ.

فَإِنّي أَسْتَأْذِنُكَ يا رَبِّ أَوَّلاً، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثانِياً، وَأَسْتَأْذِنُ خَليفَتَكَ الْإِمامَ الْمفْرُوضَ عَلَيَّ طاعَتُهُ، فِي الدُّخُولِ في ساعَتي هٰذِهِ إِلىٰ بَيْتِهِ، وَأَسْتَأْذِنُ مَلائِكَتَكَ المُوَكَّلينَ بِهٰذِهِ الْقِطْعَةِ الْمُبارَكَةِ الْمُطيعَةِ السّامِعَةِ.

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلائِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ بِهٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّريفِ الْمُبارَكِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

بِإِذْنِ اللهِ، وَإِذْنِ رَسُولِهِ، وَإِذْنِ خُلَفائِهِ، وَإِذْنِ هٰذَا الْإِمامِ، وَإِذْنِكُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعينَ، أَدْخُلُ إِلىٰ هٰذَا الْبَيْتِ مُتَقَرِّباً إِلَى اللهِ بِاللهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ، فَكُونُوا مَلائِكَةَ اللهِ أَعْواني، وَكُونُوا أَنْصاري، حَتّٰى أَدْخُلَ هٰذَا الْبَيْتِ، وَأَدْعُوَ اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ، وَأَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَلِهٰذَا الْإِمامِ وَآبائِهِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ بِالطّاعَةِ.

سپس در حالی که اوّل پای راست را مقدّم می‌داری وارد می‌شوی، و می‌گویی:

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَفي سَبيلِ اللهِ، وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

و تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل بگو، چون در آن مکان مقدّس مستقر شدی رو به قبله بایست و بگو:

سَلامُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَتَحِيّاتُهُ وَصَلَواتُهُ عَلىٰ مَوْلايَ صاحِبِ الزَّمانِ، صاحِبِ الضِّياءِ وَالنُّورِ، وَالدّينِ الْمَأْثُورِ، وَاللِّواءِ الْمَشْهُورِ، وَالْكِتابِ الْمَنْشُورِ، وَصاحِبِ الدُّهُورِ وَالْعُصُورِ، وَخَلَفِ الْحَسَنِ.

اَلْإِمامِ الْمُؤْتَمَنِ، وَالْقائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعَضُدِ، عِمادِ

الْإِسْلامِ، وَرُكْنِ الْأَنامِ، وَمِفْتاحِ الْكَلامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكامِ، وَشَمْسِ الظَّلامِ، وَبَدْرِ التَّمامِ[1]، وَنَضْرَةِ الْأَيّامِ وَصاحِبِ الصَّمْصامِ[2]، وَفَلّاقِ الْهامِ[3]، وَالْبَحْرِ الْقَمْقامِ[4]، وَالسَّيِّدِ الْهُمامِ[5]، وَحُجَّةِ الْخِصامِ، وَبابِ الْمَقامِ لِيَوْمِ الْقِيامِ.

وَالسَّلامُ عَلىٰ مُفَرِّجِ الْكُرُباتِ، وَخَوّاضِ الْغَمَراتِ، وَمُنَفِّسِ الْحَسَراتِ، وَبَقِيَّةِ اللهِ في أَرْضِهِ، وَصاحِبِ فَرْضِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهىٰ إِلَيْهِ مَوارِيثُ الْأَنْبِياءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثارُ الْأَوْصِياءِ، وَحُجَّةِ اللهِ، وَابْنِ رَسُولِهِ، وَالْقَيِّمِ مَقامَهُ، وَوَلِيِّ أَمْرِ اللهِ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ.

أَللّٰهُمَّ كَمَا انْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُ بِكَرامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِبَأْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَجَعَلْتَهُ هادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَدَيّانَ الدّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصْلَ الْقَضايا بَيْنَ عِبادِكَ.

وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَتُفَرِّجَ بِهِ عَنِ الْأُمَمِ، وَتُنيرَ بِعَدْلِهِ الظُّلَمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نيرانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَآثارَهُ، وَتُطَهِّرَ بِهِ بِلادَكَ، وَتَشْفِيَ بِهِ صُدُورَ عِبادِكَ، وَتَجْمَعَ بِهِ الْمَمالِكَ كُلَّها، قَريبَها وَبَعيدَها، عَزيزَها وَذَليلَها، شَرْقَها وَغَرْبَها، سَهْلَها وَجَبَلَها، صَباها وَدَبُورَها، شِمالَها وَجُنُوبَها، بَرَّها وَبَحْرَها، حُزُونَها وَوُعُورَها، يَمْلَأُها قِسْطاً وَعَدْلاً، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، وَتُمَكِّنَ لَهُ فيها،

---

۱. بدر التِّمام: یعنی ماهی که نور تامّ داشته باشد و نقصانی در آن نباشد، و التِّمام: با کسر تاء خوانده می‌شود و با فتح نیز جایز است، ولی کسر آن فصیح‌تر است.
۲. الصمصمام: یعنی شمشیر و تیغ برّانی که هرگز کند نشود.
۳. فلّاق الهام: برندهٔ سرها.
۴. القمقام ـ با فتح قاف و نیز با ضمّ آن ـ: دریای پهناور.
۵. الهُمام: پادشاه بلندهمّت، آقای شجاع و سخاوتمند.

وَتُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ ، حَتّٰى لٰا يُشْرَكَ بِكَ شَيْئاً ، وَحَتّٰى لٰا يَبْقىٰ حَقٌّ إِلّٰا ظَهَرَ ، وَلٰا عَدْلٌ إِلّٰا زَهَرَ ، وَحَتّٰى لٰا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخٰافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلٰاةً تُظْهِرُ بِهٰا حُجَّتَهُ ، وَتُوضِحُ بِهٰا بَهْجَتَهُ ، وَتَرْفَعُ بِهٰا دَرَجَتَهُ ، وَتُؤَيِّدُ بِهٰا سُلْطٰانَهُ ، وَتُعَظِّمُ بِهٰا بُرْهٰانَهُ ، وَتُشَرِّفُ بِهٰا مَكٰانَهُ ، وَتُعْلي بِهٰا بُنْيٰانَهُ ، وَتُعِزُّ بِهٰا نَصْرَهُ ، وَتَرْفَعُ بِهٰا قَدْرَهُ ، وَتُسَمّي بِهٰا ذِكْرَهُ ، وَتُظْهِرُ بِهٰا كَلِمَتَهُ ، وَتُكَثِّرُ بِهٰا نُصْرَتَهُ ، وَتُعِزُّ بِهٰا دَعْوَتَهُ ، وَتُزيدُهُ بِهٰا إِكْراماً ، وَتَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِماماً ، وَتُبَلِّغُهُ في هٰذَا الْمَكٰانِ مِثْلَ هٰذَا الْأَوٰانِ ، وَفي كُلِّ مَكٰانٍ مِنّٰا تَحِيَّةً وَسَلاٰماً ، لٰا يَبْلىٰ جَديدُهُ ، [وَلٰا يَفنىٰ عَديدُهُ] .

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا بَقِيَّةَ اللهِ في أَرْضِهِ وَبِلاٰدِهِ ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبٰادِهِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا خَلَفَ السَّلَفِ ، اَلسَّلاٰم عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الشَّرَفِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ .

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا شَمْسَ الشُّمُوسِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَهْدِيَّ الْأَرْضِ وَعَيْنَ الْفَرْضِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلاٰيَ يٰا صٰاحِبَ الزَّمٰانِ وَالْعٰالِيَ الشَّأْنِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا خٰاتَمَ الْأَوْصِيٰاءِ وَابْنَ الْأَنْبِيٰاءِ .

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا مُعِزَّ الْأَوْلِيٰاءِ وَمُذِلَّ الْأَعْدٰاءِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْفَرِيدُ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمُنْتَظَرُ وَالْحَقُّ الْمُشْتَهَرُ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبىٰ وَالْحَقُّ الْمُشْتَهىٰ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمُرْتَجىٰ لِإِزٰالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوٰانِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَالطُّغْيٰانِ .

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمٰامُ الْهٰادِمُ لِبُنْيٰانِ الشِّرْكِ وَالنِّفٰاقِ ، وَالْحٰاصِدُ فُرُوعَ الْغَيِّ وَالشِّقٰاقِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُدَّخَرُ لِتَجْديدِ الْفَرٰائِضِ وَالسُّنَنِ ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا

طٰامِسَ آثٰارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوٰاءِ ، وَقٰاطِعَ حَبٰائِلِ الْكِذْبِ وَالْفِتَنِ وَالْإِفْتِرٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيٰاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا جٰامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بٰابَ اللهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا ثٰارَ اللهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مُحيي مَعٰالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا قٰاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَجْهَ اللهِ الَّذي لٰا يَهْلَكُ وَلٰا يَبْلىٰ إِلىٰ يَوْمِ الدِّينِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ الْفَتْحِ وَنٰاشِرَ رٰايَةِ الْهُدىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مُؤَلِّفَ شَمْلِ الصَّلٰاحِ وَالرِّضٰا ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا طٰالِبَ ثٰارِ الْأَنْبِيٰاءِ وَأَبْنٰاءِ الْأَنْبِيٰاءِ ، وَالثّٰائِرَ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلٰاءَ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلىٰ مَنِ اعْتَدىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ الْمُجٰابُ إِذٰا دَعىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَقِيَّةَ الخَلٰائِفِ ، اَلبَرُّ التَّقِيُّ ، اَلْبٰاقي لِإِزٰالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوٰانِ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ ، وَابْنَ السّٰادَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْقٰادَةِ الْمُتَّقِينَ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ النُّجَبٰاءِ الْأَكْرَمِينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَصْفِيٰاءِ الْمُهَذَّبِينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْهُدٰاةِ الْمَهْدِيِّينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ خِيَرَةِ الخِيَرِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سٰادَةِ الْبَشَرِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْغَطٰارِفَةِ الْأَكْرَمِينَ ، وَالْأَطٰائِبِ الْمُطَهَّرِينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَرَرَةِ الْمُنْتَجَبِينَ ، وَالْخَضٰارِمَةِ الْأَنْجَبِينَ .

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُجَجِ الْمُنِيرَةِ ، وَالسُّرُجِ الْمُضِيئَةِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ

الشُّهُبِ الثاقِبَةَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ قَواعِدِ الْعِلْمِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مَعادِنِ الْحِلْمِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْكَواكِبِ الزّاهِرَةِ ، وَالنُّجُومِ الْباهِرَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الشُّمُوسِ الطّالِعَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَقْمارِ السّاطِعَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ ، وَالْأَعْلامِ اللّائِحَةِ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْمَعالِمِ الْمَأْثُورَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الشَّواهِدِ الْمَشْهُودَةِ ، وَالْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقِيمِ ، وَالنَّبَإِ الْعَظِيمِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْآياتِ الْبَيِّناتِ ، وَالدَّلائِلِ الظّاهِراتِ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْبَراهِينِ الْواضِحاتِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ ، وَالنِّعَمِ السّابِغاتِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَماتِ ، وَيٰسٓ وَالذّارِياتِ ، وَالطُّورِ وَالْعادِياتِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ مَنْ دَنىٰ فَتَدَلّٰى فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ ، وَاقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلىٰ .

لَيْتَ شِعْري أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوىٰ ، أَوْ أَيْنَ بِوادي طُوىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلا تُرىٰ ، وَلا يُسْمَعُ لَكَ حَسيسٌ وَلا نَجْوىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ يُرَى الْخَلْقُ وَلا تُرىٰ ، عَزيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحيطَ بِكَ الْأَعْداءُ .

بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ ما غابَ عَنّا ، بِنَفْسي أَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَحَ عَنّا وَنَحْنُ نَقُولُ ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعينَ .

سپس دست‌های خود را بلند می‌کنی و می‌گویی :

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ كاشِفُ الْكُرَبِ وَالْبَلْوىٰ ، وَإِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ إِمامِنا ، وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّنا . أَللّٰهُمَّ فَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً ، كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَأَرِنا سَيِّدَنا وَصاحِبَنا وَإِمامَنا وَمَوْلانا صاحِبَ الزَّمانِ ، وَمَلْجَأَ أَهْلِ عَصْرِنا ، وَمَنْجا أَهْلِ دَهْرِنا ، ظاهِرَ الْمَقالَةِ ، واضِحَ الدَّلالَةِ ، هادِياً مِنَ الضَّلالَةِ ، مُنْقِذاً مِنَ الْجَهالَةِ ، وَأَظْهِرْ مَعالِمَهُ ، وَثَبِّتْ قَواعِدَهُ ، وَأَعِزَّ نَصْرَهُ ، وَأَطِلْ عُمْرَهُ ، وَأَبْسِطْ جاهَهُ ، وَأَحْيِ أَمْرَهُ ، وَأَظْهِرْ نُورَهُ ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ .

وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ ، وَدَوامِ مُلْكِهِ ، وَعُلُوِّ ارْتِقائِهِ وَارْتِفاعِهِ ، وَأَنِرْ مَشاهِدَهُ ، وَثَبِّتْ قَواعِدَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهانَهُ ، وَأَمِدْ سُلْطانَهُ ، وَأَعْلِ مَكانَهُ ، وَقَوِّ أَرْكانَهُ ، وَأَرِنا وَجْهَهُ ، وَأَوْضِحْ بَهْجَتَهُ ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَهُ ، وَأَعِزَّ دَعْوَتَهُ ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ ، وَبَلِّغْهُ يا رَبِّ مَأْمُولَهُ ، وَشَرِّفْ مَقامَهُ ، وَعَظِّمْ إِكْرامَهُ .

وَأَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَذِلَّ بِهِ الْمُنافِقِينَ ، وَأَهْلِكْ بِهِ الْجَبّارِينَ ، وَاكْفِهِ بَغْيَ الْحاسِدِينَ ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكائِدِينَ ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرادَةَ الظّالِمِينَ ، وَأَيِّدْهُ بِجُنُودٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ، وَسَلِّطْهُ عَلىٰ أَعْداءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ .

وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبّارٍ عَنِيدٍ ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نارٍ وَقِيدٍ ، وَأَنْفِذْ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكانٍ ، وَأَقِمْ بِسُلْطانِهِ كُلَّ سُلْطانٍ ، وَأَقْمِعْ بِهِ عَبَدَةَ الْأَوْثانِ ، وَشَرِّفْ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمانِ ، وَأَظْهِرْهُ عَلىٰ كُلِّ الْأَدْيانِ ، وَأَكْبِتْ مَنْ عاداهُ ، وَأَذِلَّ مَنْ ناواهُ ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ ، وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ ، وَاسْتَهانَ بِأَمْرِهِ ، وَأَرادَ إِخْمادَ ذِكْرِهِ ، وَسَعىٰ فِي إِطْفاءِ نُورِهِ .

أَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ ، وَاكْشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ ، وَقَدِّمْ أَمامَهُ الرُّعْبَ ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ ، وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ ، وَاجْعَلْهُ الْقائِمَ الْمُؤَمَّلَ ، وَالْوَصِيَّ الْمُفَضَّلَ ، وَالْإِمامَ الْمُنْتَظَرَ ، وَالْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً ، كَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً ،

وَأَعِنْهُ عَلىٰ مٰا وَلَّيْتَهُ وَاسْتَخْلَفْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، حَتّٰى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَهْدِيَ بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلٰالَةٍ.

وَاحْرُسْهُ اللّٰهُمَّ بِعَيْنِكَ الَّتي لاٰتَنٰامُ، وَاكْنُفْهُ بِرُكْنِكَ الَّذي لاٰيُرٰامُ، وَأَعِزَّهُ بِعِزِّكَ الَّذي لاٰيُضٰامُ، وَاجْعَلْني يٰا إِلٰهي مِنْ عَدَدِهِ وَمَدَدِهِ، وَأَنْصٰارِهِ وَأَعْوٰانِهِ وَأَرْكٰانِهِ وَأَشْيٰاعِهِ وَأَتْبٰاعِهِ، وَأَذِقْني طَعْمَ فَرْحَتِهِ، وَأَلْبِسْني ثَوْبَ بَهْجَتِهِ، وَأَحْضِرْني مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكيدِ عَقْدِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقٰامِ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ.

وَوَفِّقْني يٰا رَبِّ لِلْقِيٰامِ بِطٰاعَتِهِ، وَالْمَثْوىٰ في خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْثِ في دَوْلَتِهِ، وَاجْتِنٰابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي اللّٰهُمَّ قَبْلَ ذٰلِكَ، فَاجْعَلْني يٰا رَبِّ في مَنْ يَكِرُّ في رَجْعَتِهِ، وَيَمْلِكُ في دَوْلَتِهِ، وَيَتَمَكَّنُ في أَيّٰامِهِ، وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلاٰمِهِ، وَيُحْشَرُ في زُمْرَتِهِ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَتِهِ، بِفَضْلِكَ وَإِحْسٰانِكَ، وَكَرَمِكَ وَامْتِنٰانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ، وَالْمَنِّ الْقَديمِ، وَالْإِحْسٰانِ الْكَريمِ.

آن گاه دوازده رکعت نماز با هر سوره‌ای که می‌خواهی بخوان، و هدیه به پیشگاه حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نموده و چون نمازها را دو رکعت دو رکعت خواندی بعد از هر دو رکعت تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بفرست و این دعا را بخوان:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلاٰمُ وَمِنْكَ السَّلاٰمُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلاٰمُ، حَيِّنٰا رَبَّنٰا مِنْكَ بِالسَّلاٰمِ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعٰاتِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيٰائِكَ، اَلْإِمٰامِ بْنِ الْأَئِمَّةِ، اَلْخَلَفِ الصّٰالِحِ، اَلْحُجَّةِ صٰاحِبِ الزَّمٰانِ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِيّٰاهٰا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلي وَرَجٰائي فيكَ وَفي رَسُولِكَ، صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آلِهِ أَجْمَعينَ وَفيهِ.[1]

۱. مصباح الزائر: ۴۱۸.

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌گوید: بعد از نماز، دعای معروفی را که در دوران غیبت حضرت قائم ارواحنا فداه خوانده می‌شود، بخوان[1].

۱۱

زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

زیارت دوّمی برای حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه نقل شده که معروف به «زیارت ندبه» است[2]. این زیارت از ناحیهٔ مقدّسه به سوی محمّد بن عبدالله حمیری ﷺ صادر شده، و به خواندن آن در سرداب مقدّس سفارش شده است.[3]

۱۲

زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

زیارت سوّمی که مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در این مکان مقدّس با آن زیارت می‌شود؛ چنین است: دو رکعت نماز می‌خواند و پس از آن می‌گوید: **سَلٰامُ اللهِ الْكٰامِلُ التّٰامُّ...**[4].[5]

---

۱. این دعا را در ص ۲۹۲ این کتاب نقل نمودیم.

۲. این زیارت در ص ۴۴۲ این کتاب نقل شده است.

۳. مصباح الزائر: ۴۳۰.

۴. این زیارت را نیز در ص ۱۳۸ این کتاب نقل نمودیم.

۵. مصباح الزائر: ۴۳۵.

۱۳

زیارت چهارم در سرداب مقدّس

سیّد جلیل القدر علیّ بن طاووس می‌گوید: در زیارت سابق اذن دخول زیارت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را ذکر نمودم، و از تکرار آن در اوّل زیارات دیگر صرف نظر می‌کنم، اکنون زیارت دیگری برای همان مکان مقدّس نقل می‌نمایم:

چون پس از اذن دخول وارد آن مکان مقدّس شدی بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا خَلِيفَةَ اللهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَآبٰائِهِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حٰافِظَ أَسْرٰارِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَقِيَّةَ اللهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُنْتَجَبِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَنْوٰارِ الزّٰاهِرَةِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْأَشْبٰاحِ الْبٰاهِرَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الصُّوَرِ النَّيِّرَةِ الطّٰاهِرَةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ كَنْزِ الْعُلُومِ الْإِلٰهِيَّةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حٰافِظَ مَكْنُونِ الْأَسْرٰارِ الرَّبّٰانِيَّةِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَنْوٰارُ الْمَجْدِيَّةُ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بٰابَ اللهِ الَّذِي لٰا يُؤْتىٰ إِلّٰا مِنْهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا سَبِيلَ اللهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حِجٰابَ اللهِ الْأَزَلِيِّ الْقَدِيمِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ شَجَرَةِ طُوبىٰ وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا نُورَ اللهِ الَّذِي لٰا يُطْفَأُ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللهِ الَّتِي لٰا تُخْفىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا لِسٰانَ اللهِ الْمُعَبِّرُ عَنْهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وَجْهَ اللّٰهِ الْمُتَقَلِّبُ بَيْنَ أَظْهُرِ عِبٰادِهِ، سَلٰامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمٰا تَعَرَّفْتَ بِهِ إِلَيْهِ، وَنَعَتَكَ بِبَعْضِ نُعُوتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهٰا وَفَوْقُهٰا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلىٰ مَنْ مَضىٰ وَمَنْ بَقِيَ ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغالِبُونَ ، وَأَوْلِياءَكَ هُمُ الْفائِزُونَ ، وَأَعْداءَكَ هُمُ الْخاسِرُونَ ، وَأَنَّكَ حائِزٌ كُلِّ عِلْمٍ ، وَفاتِقُ كُلِّ رَتْقٍ ، وَسابِقٌ لا يُلْحَقُ ، رَضيتُ بِكَ يا مَوْلايَ إِماماً وَهادِياً ، لا أَبْتَغي بَدَلاً ، وَلا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيّاً ، وَأَنَّكَ الْحَقُّ الثّابِتُ ، اَلَّذي لا أَغْتابُ وَلا أَرْتابُ لِأَمَدِ الْغَيْبَةِ ، وَلا أَتَحَيَّرُ لِطُولِ الْمُدَّةِ .

وَعْدُ اللهِ بِكَ حَقٌّ ، وَنُصْرَتُهُ لِدينِهِ بِكَ صِدْقٌ ، طُوبىٰ لِمَنْ سَعِدَ بِوِلايَتِكَ ، وَوَيْلٌ لِمَنْ شَقِيَ بِجُحُودِكَ ، وَأَنْتَ الشّافِعُ المُطاعُ الَّذي لا يُدافَعُ ، ذَخَرَكَ اللهُ سُبْحانَهُ لِنُصْرَةِ الدّينِ ، وَإِعْزازِ الْمُؤْمِنينَ ، وَالْإِنْتِقامِ مِنَ الْجاحِدينَ .

اَلْأَعْمالُ مَوْقُوفَةٌ عَلىٰ وِلايَتِكَ ، وَالْأَقْوالُ مُعْتَبَرَةٌ بِإِمامَتِكَ ، مَنْ جاءَ بِوِلايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمالُهُ ، وَصُدِّقَتْ أَقْوالُهُ ، تُضاعَفُ لَهُ الْحَسَناتُ ، وَتُمْحىٰ عَنْهُ السَّيِّئاتُ ، وَمَنْ زَلَّ عَنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَاسْتَبْدَلَ بِكَ غَيْرَكَ ، أَكَبَّهُ اللهُ عَلىٰ مِنْخَرَيْهِ فِي النّارِ ، وَلَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلاً ، وَلَمْ يُقِمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَزْناً .

أَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّ مَقالي ظاهِرُهُ كَباطِنِهِ ، وَسِرُّهُ كَعَلانِيَتِهِ ، وَأَنْتَ الشّاهِدُ عَلَيَّ بِذٰلِكَ ، وَهُوَ عَهْدي إِلَيْكَ ، وَميثاقِي الْمَعْهُودُ لَدَيْكَ ، إِذْ أَنْتَ نِظامُ الدّينِ ، وَعِزُّ الْمُوَحِّدينَ ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقينَ ، وَبِذٰلِكَ أَمَرَني فيكَ رَبُّ الْعالَمينَ .

فَلَوْ تَطاوَلَتِ الدُّهُورُ ، وَتَمادَتِ الْأَعْصارُ ، لَمْ أَزْدَدْ بِكَ إِلّا يَقيناً ، وَلَكَ إِلّا حُبّاً ، وَعَلَيْكَ إِلّا اعْتِماداً ، وَلِظُهُورِكَ إِلّا مُرابَطَةً ، بِنَفْسي وَمالي وَجَميعِ ما أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ رَبّي .

فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيّامَكَ الزّاهِرَةَ ، وَأَعْلامَكَ الْقاهِرَةَ ، فَعَبْدٌ مِنْ عَبيدِكَ ، مُعْتَرِفٌ بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ ، أَرْجُو بِطاعَتِكَ الشَّهادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَبِوِلايَتِكَ السَّعادَةَ في ما لَدَيْكَ . وَإِنْ أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ ، فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ سُبْحانَهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَ لي كَرَّةً في ظُهُورِكَ ، وَرَجْعَةً في أَيّامِكَ ، لِأَبْلُغَ مِنْ طاعَتِكَ مُرادي ، وَأَشْفِيَ مِنْ أَعْدائِكَ فُؤادي .

يا مَوْلايَ وَقَفْتُ في زِيارَتي إِيّاكَ مَوْقِفَ الْخاطِئينَ الْمُسْتَغْفِرينَ النّادِمينَ ، أَقُولُ عَمِلْتُ سُوءاً ، وَظَلَمْتُ نَفْسي ، وَعَلىٰ شَفاعَتِكَ يا مَوْلايَ مُتَّكَلي وَمُعَوَّلي ، وَأَنْتَ رُكْني وَثِقَتي ، وَوَسيلَتي إِلىٰ رَبّي ، وَحَسْبي بِكَ وَلِيّاً وَمَوْلىٰ وَشَفيعاً .

وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي هَدانِي لِوِلايَتِكَ وَما كُنْتُ لِأَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدانِيَ اللهُ ، حَمْداً يَقْتَضي ثَباتَ النِّعْمَةِ ، وَشُكْراً يُوجِبُ الْمَزيدَ مِنْ فَضْلِهِ ، وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَعَلىٰ آبائِكَ مَوالِيَّ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ ، وَعَلَيَّ مِنْكُمُ السَّلامُ .

سپس نماز زیارت را آن طوری که در زیارت اوّلی بیان کردیم ، بخوان و بعد از نماز این دعا را قرائت کن :

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْهادينَ الْمَهْديّينَ ، اَلْعُلَماءِ الصّادِقينَ ، اَلْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ ، دَعائِمِ دينِكَ ، وَأَرْكانِ تَوْحيدِكَ ، وَتَراجِمَةِ وَحْيِكَ ، وَحُجَجِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ، وَخُلَفائِكَ في أَرْضِكَ .

فَهُمُ الَّذينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلىٰ عِبادِكَ ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدينِكَ ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ ، وَزَيَّنْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ ، وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ ، وَرَفَعْتَهُمْ في مَلَكُوتِكَ ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلائِكَتِكَ ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ .

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلاةً زاكِيَةً نامِيَةً كَثيرَةً ، طَيِّبَةً دائِمَةً لا يُحيطُ بِها إِلّا أَنْتَ ، وَلا يَسَعُها إِلّا عِلْمُكَ ، وَلا يُحْصيها أَحَدٌ غَيْرُكَ . أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ وَلِيِّكَ الْمُحْيِ السَّبيلِ ، اَلْقائِمِ بِأَمْرِكَ ، اَلدّاعي إِلَيْكَ ، اَلدَّليلِ عَلَيْكَ ، وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ ،

وَخَلِيفَتِكَ في أَرْضِكَ، وَشاهِدِكَ عَلىٰ عِبادِكَ.

أَللّٰهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ، وَامْدُدْ في عُمْرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقائِهِ. أَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكائِدِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرادَةَ الظّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبّارِينَ. أَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ في نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشِيعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخاصَّتِهِ وَعامَّتِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيا، ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. آن گاه هر چه دوست داری دعا کن.[1]

۱۴

زیارت پنجم حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

اَلسَّلامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعامِلِ الَّذي لا يَبِيدُ[2]، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكافِرِينَ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَجامِعِ الْكَلِمِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ خَلَفِ السَّلَفِ، وَصاحِبِ الشَّرَفِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ مُعِزِّ الْأَوْلِياءِ، وَمُذِلِّ الْأَعْداءِ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ وارِثِ الْأَنْبِياءِ، وَخاتَمِ الْأَوْصِياءِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْقائِمِ الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ، اَلسَّلامُ عَلَى السَّيْفِ الشّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزّاهِرِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ شَمْسِ الظَّلامِ، وَبَدْرِ التِّمامِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ رَبِيعِ الْأَنامِ، وَفِطْرَةِ الْأَيّامِ، اَلسَّلامُ عَلىٰ صاحِبِ الصَّمْصامِ، [وَ]فَلّاقِ الْهامِّ، اَلسَّلامُ عَلَى الدّينِ الْمَأْثُورِ، وَالْكِتابِ الْمَسْطُورِ.

---

۱. مصباح الزائر: ۴۳۷، و در مزار شهید: ۲۲۶ با تفاوت زیادی نقل شده است.

۲. در مزار شهید چنین آمده است: وَالْعالِمِ الَّذي عِلْمُهُ لا يَبِيدُ.

اَلسَّلامُ عَلىٰ بَقِيَّةِ اللهِ في بِلادِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلىٰ عِبادِهِ، اَلْمُنْتَهىٰ إِلَيْهِ مَوارِيثُ الْأَنْبِياءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثارُ الْأَصْفِياءِ، اَلْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ، وَالْوَلِيِّ لِلْأُمَمِ، اَلْمَهْدِيِّ الَّذي وَعَدَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلُمَّ بِهِ الشَّعَثَ، وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، وَيُمَكِّنَ لَهُ، وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ يا مَوْلايَ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ آبائِكَ أَئِمَّتي وَمَوالِيَّ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ، أَسْأَلُكَ يا مَوْلايَ أَنْ تَسْأَلَ اللهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ في صَلاحِ شَأْني، وَقَضاءِ حَوائِجي، وَغُفْرانِ ذُنُوبي، وَالْأَخْذِ بِيَدي في دِيني وَدُنْيايَ وَآخِرَتي، لي وَلِإِخْواني وَإِخْوَتِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ كافَّةً، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.[1]

سپس نماز زيارت را ـ چنان كه نقل كرديم ـ مى‌خوانى و بعد از نماز مى‌گويى:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ حُجَّتِكَ في أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ في بِلادِكَ، اَلدّاعي إِلىٰ سَبِيلِكَ، وَالْقائِمِ الصّادِعِ بِالْحِكْمَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْبَتِكَ وَعَيْنِكَ في أَرْضِكَ، اَلْمُتَرَقِّبِ الْخائِفِ، اَلْوَلِيِّ النّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجاةِ، وَعَلَمِ الْهُدىٰ، وَنُورِ أَبْصارِ الْوَرىٰ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدىٰ، وَالْوِتْرِ الْمَوْتُورِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكاشِفِ الْبَلْوىٰ.

صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ الْأَئِمَّةِ الْهادِينَ، وَالْقادَةِ الْمَيامِينِ، ما طَلَعَتْ كَواكِبُ الْأَسْحارِ، وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجارُ، وَأَيْنَعَتِ الْأَثْمارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْيارُ. أَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِ، وَاحْشُرْنا في زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوائِهِ، إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ.[2]

---

۱. مصباح الزائر: ۴۴۱، مزار شهيد: ۲۳۰.

۲. مصباح الزائر: ۴۴۲.

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

پس از زیارت آن حضرت، این صلوات را بخوان:

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلىٰ وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوٰارِثِهِ، اَلْقٰائِمِ بِأَمْرِكَ، وَالْغٰائِبِ في خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِكَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجٰابَ الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحٰائِفَ الْمِحْنَةِ، وَقَدِّمْ أَمٰامَهُ الرُّعْبَ، وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلٰائِكَةِ مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلىٰ أَعْدٰاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ.

وَأَلْهِمْهُ أَنْ لٰا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْناً إِلّٰا هَدَّهُ، وَلٰا هٰاماً إِلّٰا قَدَّهُ، وَلٰا كَيْداً إِلّٰا رَدَّهُ، وَلٰا فٰاسِقاً إِلّٰا حَدَّهُ، وَلٰا فِرْعَوْناً إِلّٰا أَهْلَكَهُ، وَلٰا سَتْراً إِلّٰا هَتَكَهُ، وَلٰا عَلَماً إِلّٰا نَكَّسَهُ، وَلٰا سُلْطٰاناً إِلّٰا كَبَسَهُ، وَلٰا رُمْحاً إِلّٰا قَصَفَهُ، وَلٰا مُطْرِداً إِلّٰا خَرَقَهُ، وَلٰا جُنْداً إِلّٰا فَرَّقَهُ، وَلٰا مِنْبَراً إِلّٰا أَحْرَقَهُ، وَلٰا سَيْفاً إِلّٰا كَسَرَهُ، وَلٰا صَنَماً إِلّٰا رَضَّهُ، وَلٰا دَماً إِلّٰا أَرٰاقَهُ، وَلٰا جَوْراً إِلّٰا أَبٰادَهُ، وَلٰا حِصْناً إِلّٰا هَدَمَهُ، وَلٰا بٰاباً إِلّٰا رَدَمَهُ، وَلٰا قَصْراً إِلّٰا أَخْرَبَهُ، وَلٰا مَسْكَناً إِلّٰا فَتَّشَهُ، وَلٰا سَهْلاً إِلّٰا وَطِئَهُ، وَلٰا جَبَلاً إِلّٰا صَعَدَهُ، وَلٰا كَنْزاً إِلّٰا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.[1]

---

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲.

ظاهراً خواندن زیارت پنجم اختصاص به سرداب مقدّس ندارد، همانگونه که زیارت دوّم و سوّم نیز اینچنین است؛ ولی در زیارت اوّل و ششم و همچنین زیارت چهارم در نسخهٔ شهید تصریح به اختصاص شده است.

۱۵

زیارت ششم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

چون حضرت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت نمودی، به سوی سرداب مقدّس برو، و در کنار درب در حالی که به آن چنگ زده‌ای مانند کسی که اذن دخول می‌خواهد؛ بایست، و بگو: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ» و با حال آرامش و وقار از پله‌های سرداب مقدّس فرود آی، و در آستانهٔ آن دو رکعت نماز بخوان و بگو:

اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ، لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، اَللهُ أَكْبَرُ، اَللهُ أَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدٰانٰا لِهٰذٰا، وَعَرَّفَنٰا أَوْلِيٰاءَهُ وَأَعْدٰاءَهُ، وَوَفَّقَنٰا لِزِيٰارَةِ أَئِمَّتِنٰا وَلَمْ يَجْعَلْنٰا مِنَ الْمُعٰانِدِينَ النّٰاصِبِينَ، وَلٰا مِنَ الْغُلٰاةِ الْمُفَوِّضِينَ، وَلٰا مِنَ الْمُرْتٰابِينَ الْمُقَصِّرِينَ.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ وَلِيِّ اللهِ وَابْنِ أَوْلِيٰائِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْمُدَّخَرِ لِكَرٰامَةِ اللهِ وَبَوٰارِ أَعْدٰائِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَى النُّورِ الَّذي أَرٰادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفٰاءَهُ فَأَبَى اللهُ إِلّٰا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَمَدَّهُ بِالْحَيٰاةِ حَتّٰى يُظْهِرَ عَلىٰ يَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ اصْطَفٰاكَ صَغِيراً، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيراً، وَأَنَّكَ حَيٌّ لٰا تَمُوتُ حَتّٰى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطّٰاغُوتَ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلىٰ خُدّٰامِهِ وَأَعْوٰانِهِ عَلىٰ غَيْبَتِهِ وَنَأْيِهِ، وَاسْتُرْهُ سَتْراً عَزِيزاً، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقَلاً حَرِيزاً، وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ وَطَأْتَكَ عَلىٰ مُعٰانِدِيهِ، وَاحْرُسْ مَوٰالِيَهُ وَزٰائِرِيهِ.

أَللّٰهُمَّ كَمٰا جَعَلْتَ قَلْبي بِذِكْرِهِ مَعْمُوراً، فَاجْعَلْ سِلاحي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُوراً، وَإِنْ حٰالَ بَيْني وَبَيْنَ لِقٰائِهِ الْمَوْتُ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلىٰ عِبٰادِكَ حَتْماً، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلىٰ

خَليقَتِكَ رَغْماً، فَابْعَثْني عِنْدَ خُرُوجِهِ ظاهِراً مِنْ حُفْرَتي، مُؤْتَزِراً كَفَني، حَتّى اُجاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذي أَثْنَيْتَ عَلىٰ أَهْلِهِ في كِتابِكَ فَقُلْتَ ﴿كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ﴾[1].

أَللّٰهُمَّ طالَ الْإِنْتِظارُ، وَشَمِتَ بِنَا الْفُجّارُ، وَصَعُبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِظارُ. أَللّٰهُمَّ أَرِنا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونَ في حَياتِنا وَبَعْدَ الْمَنُونِ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صاحِبِ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ، اَلْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ يا صاحِبَ الزَّمانِ، قَطَعْتُ في وَصْلَتِكَ الْخُلّانَ، وَهَجَرْتُ لِزِيارَتِكَ الْأَوْطانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْري عَنْ أَهْلِ الْبُلْدانِ، لِتَكُونَ شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبّي، وَإِلىٰ آبائِكَ مَوالِيَّ فى حُسْنِ التَّوْفِيقِ، وَإِسْبٰاغِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسانِ إِلَيَّ.

أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحابِ الْحَقِّ، وَقادَةِ الْخَلْقِ، وَاسْتَجِبْ مِنّي ما دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِني ما لَمْ أَنْطِقْ بِهِ في دُعائي، مِنْ صَلاحِ دِيني وَدُنْيايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ.

آن گاه وارد سرداب مقدّس شو، و دو ركعت نماز بخوان و بگو:

أَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزّائِرُ في فِنٰاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ، اَلَّذي فَرَضْتَ طاعَتَهُ عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيٰاءَكَ مِنْ عَذابِ النّارِ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْهٰا زِيارَةً مَقْبُولَةً ذاتَ دُعاءٍ مُسْتَجابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتابٍ.

أَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلاٰ بِزِيارَتِهِ، وَلاٰ تَقْطَعْ أَثَري مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ. أَللّٰهُمَّ اخْلُفْ عَلَيَّ نَفَقَتي، وَانْفَعْني بِمٰا رَزَقْتَني في دُنْيايَ وَآخِرَتي، لي وَلِإِخْواني وَأَبَوَيَّ وَجَمِيعِ عِتْرَتي.

---

۱. سورهٔ صفّ، آیهٔ ۴.

أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ أَيُّهَا الْإِمامُ الَّذي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلىٰ يَدَيْهِ الْكافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ، يا مَوْلايَ يَا بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زائِراً لَكَ وَلِأَبيكَ وَجَدِّكَ، مُتَيَقِّناً الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِداً إِمامَتَكُمْ.

أَللّٰهُمَّ اكْتُبْ هٰذِهِ الشَّهادَةَ وَالزِّيارَةَ لي عِنْدَكَ في عِلِّيِّينَ، وَبَلِّغْني بَلاغَ الصّالِحِينَ، وَانْفَعْني بِحُبِّهِمْ يا رَبَّ الْعالَمِينَ.[1]

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس رحمه‌الله می‌گوید: پس از آن که حرم شریف عسکریّین علیهما‌السلام را زیارت کردی، به سرداب مقدّس برگرد و هر چه قدر می‌توانی نماز بخوان، آنگاه رو به قبله بایست و بگو: **أَللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ**... تا آخر.[2]



نحوهٔ سلام کردن به امام زمان ارواحنا فداه

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هر کس از شما قائم ما اهل بیت را درک نماید وقتی او را دید باید به او چنین عرض کند:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدَنَ الْعِلْمِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ.[3]

---

۱. مصباح الزائر: ۴۴۴.

۲. تمام این دعا را در ص ۲۸۴ نقل کردیم.

۳. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.



سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه‌ای دیگر

و در روایت دیگر وارد شده است که این گونه به حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه سلام عرض نماید:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا بَقِيَّةَ اللهِ فِي أَرْضِهِ.[1]



زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

به این بخش، زیارت امام هادی، امام عسکری، حضرت نرجس خاتون و حضرت حکیمه خاتون علیهن السلام را اضافه می‌کنیم:

۱ ـ غسل زیارت نموده و در برابر قبر آنها می‌ایستی و می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمٰا يٰا وَلِيَّيِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمٰا يٰا نَجِيَّيِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمٰا يٰا نُورَيِ اللهِ فِي ظُلُمٰاتِ الْأَرْضِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمٰا يٰا أَمِينَيِ اللهِ. أَتَيْتُكُمٰا زٰائِراً لَكُمٰا، عٰارِفاً بِحَقِّكُمٰا، مُؤْمِناً بِمٰا آمَنْتُمٰا بِهِ، كٰافِراً بِمٰا كَفَرْتُمٰا بِهِ، مُحَقِّقاً لِمٰا حَقَّقْتُمٰا، مُبْطِلاً لِمٰا أَبْطَلْتُمٰا.

أَسْأَلُ اللهَ رَبّي وَرَبَّكُمٰا أَنْ يَجْعَلَ حَظّي مِنْ زِيٰارَتِكُمٰا، اَلصَّلٰاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي شَفٰاعَتَكُمٰا، وَلٰا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمٰا، وَلٰا يَسْلُبَنِي حُبَّكُمٰا وَحُبَّ آبٰائِكُمَا

---

۱. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.

الصّالِحينَ ، وَأَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما ، وَيَحْشُرَني مَعَكُما ، وَيَجْمَعَ بَيْني وَبَيْنَكُما فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ .

سپس خود را به هر دو قبر می‌اندازی و آن را می‌بوسی و گونهٔ خود را بر قبر می‌نهی سپس سر برداشته و می‌گویی :

أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني حُبَّهُمْ ، وَتَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِمْ . أَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظالِمي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ . أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرينَ ، وَضاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذابَ الْأَليمَ ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .

أَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ ، وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِمْ ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ .

سپس در بالاسر چهار رکعت نماز می‌خوانی و بعد از چهار رکعت هر مقدار که خواستی نماز بخوان و برای خود و پدر و مادرت و تمام مؤمنان و به آنچه می‌خواهی دعا کن .

هر گاه خواستی از زیارت آن بزرگواران برگردی با این زیارت آنان را وداع کن :

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللهِ ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلامَ ، آمَنّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُما بِهِ وَدَلَلْتُما عَلَيْهِ . أَللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ .

۲ ـ زیارت دیگر برای آن بزرگواران : قبل از ورود به حرم غسل نموده و به قصد زیارت وارد حرم شده و در برابر دو قبر به گونه‌ای بایست که رو به قبله باشی و بگو :

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا أَمينَيِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ اللهِ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُما مِنْ مُعْتَمِدٍ بَعْدَ اللهِ سُبْحانَهُ عَلَيْكُما مِنْ عَبْدِكُما وَزائِرِكُما وَوَلِيِّكُما . أَتَيْتُكُما زائِراً لَكُما ، عارِفاً بِحَقِّكُما ، مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ ، كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ ، مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما ، مُبْطِلاً لِما أَبْطَلْتُما .

فَأَسْأَلُ اللهَ رَبّي وَرَبَّكُمٰا بِحَقِّكُمٰا أَنْ يَجْعَلَ حَظّي مِنْ زِيٰارَتِكُمٰا مَغْفِرَةَ ذُنُوبي، وَإِعْطٰائي سُؤْلي، وَأَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَيَرْزُقَني شَفٰاعَتَكُمٰا، وَلٰا يُفَرِّقَ بَيْني وَبَيْنَكُمٰا، وَيَجْمَعَني وَإِيّٰاكُمٰا في مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ.

سپس دست به دعا بلند نموده و بگو: أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني حُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِمْ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ ظٰالِمي آلِ مُحَمَّدٍ، وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ. أَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنٰا مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ.

سپس چهار رکعت نماز خوانده و خداوند را زیاد بخوان.[1]

۱۹

زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام

سپس مادر امام زمان علیه السلام را زیارت می‌نمایی. قبر آن بزرگوار پشت قبر امام حسن عسکری علیه السلام قرار دارد. در زیارت آن حضرت می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَلصّٰادِقِ الْأَمينِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ مَوْلٰانٰا أَميرِالْمُؤْمِنينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرينَ، اَلْحُجَجِ الْمَيٰامينِ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ وٰالِدَةِ الْإِمٰامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرٰارِ الْمَلِكِ الْعَلّٰامِ، وَالْحٰامِلَةِ لِأَشْرَفِ الْأَنٰامِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِّدّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا شَبيهَةَ أُمِّ مُوسىٰ، وَابْنَةِ حَوٰاري عيسىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي الْإِنْجيلِ، اَلْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللهِ الْأَمينِ، وَمَنْ رَغِبَ في وُصْلَتِهٰا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرٰارِ رَبِّ

۱. المزار الکبیر: ۵۵۲.

الْعٰالَمِينَ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ آبٰائِكِ الْحَوٰارِيّـِينَ ، اَلسَّـلٰامُ عَـلَيْكِ وَعَـلىٰ بَـعْلِكِ وَوَلَدِكِ ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ وَعَلىٰ رُوحِكِ وَبَدَنِكِ الطّٰاهِرِ .

أَشْهَدُ أَنَّكِ أَحْسَنْتِ الْكَفٰالَةَ ، وَأَدَّيْتِ الْأَمٰانَةَ ، وَاجْتَهَدْتِ في مَرْضٰاةِ اللهِ وَصَبَرْتِ في ذٰاتِ اللهِ ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللهِ ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللهِ ، وَبٰـالَغْتِ فـي حِـفْظِ حُـجَّةِ اللهِ ، وَرَغِبْتِ في وُصْلَةِ أَبْنٰاءِ رَسُولِ اللهِ ، عٰـارِفَةً بِـحَقِّهِمْ ، مُـؤْمِنَةً بِـصِدْقِهِمْ ، مُـعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ ، مُؤْثِرَةً هَوٰاهُمْ .

وَأَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ ، مُقْتَدِيَةً بِالصّٰالِحِينَ ، رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً ، تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً ، فَرَضِيَ اللهُ عَنْكِ وَأَرْضٰاكِ ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَـنْزِلَكِ وَمَأْوٰاكِ ، فَـلَقَدْ أَوْلٰاكِ مِنَ الْخَيْرٰاتِ مٰا أَوْلٰاكِ ، وَأَعْطٰاكِ مِنَ الشَّرَفِ مٰا بِهِ أَغْـنٰاكِ ، فَـهَنّٰاكِ اللهُ بِـمٰا مَنَحَكِ مِنَ الْكَرٰامَةِ وَأَمْرَاكِ .

پس از زیارت، سر را به طرف آسمان بلند نموده و این دعا را می‌خوانی:

أَللّٰهُمَّ إِيّٰاكَ اعْتَمَدْتُ ، وَلِرِضٰاكَ طَلَبْتُ ، وَبِأَوْلِيٰائِكَ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ ، وَعَلىٰ غُفْرٰانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ ، وَبِقَبْرِ أُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ ، فَـصَلِّ عَـلىٰ مُـحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَانْفَعْني بِزِيٰارَتِهٰا ، وَثَبِّتْني عَلىٰ مَحَبَّتِهٰا ، وَلٰاتُحْرِمْني شَـفٰاعَتَهٰا وَشَـفٰاعَةَ وَلَدِهٰا ، وَارْزُقْني مُرٰافَقَتَهٰا ، وَاحْشُرْني مَعَهٰا وَمَعَ وَلَدِهٰا كَمٰا وَفَّقْتَني لِزِيٰارَةِ وَلَدِهٰا وَزِيٰارَتِهٰا .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْأَئِمَّةِ الطّٰاهِرِينَ ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْحُجَجِ الْمَيٰامِينِ مِنْ آلِ طٰهٰ وَيٰسٓ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ ، وَأَنْ تَجْعَلَني مِنَ الْمُطْمَئِنّينَ الْفٰائِزِينَ ، اَلْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ ، اَلَّذِينَ لٰا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلٰا هُمْ يَحْزَنُونَ ، وَاجْعَلْني مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ ، وَيَسَّرْتَ أَمْرَهُ ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ، وَآمَنْتَ خَوْفَهُ .

أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلٰاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

مِنْ زِيٰارَتي إِيّاهٰا، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهٰا أَبَداً مٰا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذٰا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهٰا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفٰاعَةِ وَلَدِهٰا وَشَفٰاعَتِهٰا، وَاغْفِرْ لِي وَلِوٰالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ، وَآتِنٰا فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنٰا بِرَحْمَتِكَ عَذٰابَ النّٰارِ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا سٰادَتِي وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[1]

۲۰

زيارت حضرت حكيمه خاتون عليها السلام

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ جَدِّكِ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَبِيكِ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلٰامُ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلىٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ الْعٰالَمِينَ، اَلسَّلٰامُ عَلَى النُّفُوسِ الْفٰاخِرَةِ وَشُفَعٰائي فِي الْآخِرَةِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا بِنْتَ حُجَّةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا أُخْتَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ يٰا بِنْتَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ الْجَوٰادِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكِ مَضَيْتِ عَلىٰ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ، رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً، وَتَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِيَ اللهُ عَنْكِ وَأَرْضٰاكِ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَأْوٰاكِ وَمَنْزِلَكِ، وَالصَّلٰاةُ وَالسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.[2]

---

۱. مصباح الزائر: ۴۱۳، المزار الكبير: ۶۶۰، البحار: ۷۰/۱۰۲.

۲. پاورقی مصباح الزائر: ۴۱۵.

بخش دوازدهم

زیاراتِ نوّاب حضرت قائم ارواحنا فداه

و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن بزرگوار نقل نموده‌اند

حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نایب داشتند که نام‌های ایشان به ترتیب عبارت است از: ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عَمْری اسدی، و فرزند ایشان ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری، و ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، و ابو الحسن علیّ بن محمّد سمری[1].

اینان کسانی بودند که در زمان غیبت صغری توقیعات حضرت، به وسیلهٔ آن‌ها به سوی شیعیان می‌رسید، پس از رحلتشان دورهٔ نیابت خاصّه پایان پذیرفت و غیبت کبری آغاز شد.

---

۱. مرحوم آیة الله مستنبط می‌نویسد:

ممکن است که نوّاب اربعه از جمیع اصحاب ائمّه علیهم‌السلام افضل باشند، بلکه قول به عصمت آنان بعید نیست. آنان در این زمان واسطه میان شیعه و حضرت بقیّة الله **ارواحنا فداه** هستند همانگونه که در زمان حیات خود حدود هفتاد سال در غیبت صغری دارای این مقام بودند. (الزیارة والبشارة: ۱۳۲/۱)



زیارت نوّاب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی ﷺ در کتاب «تهذیب الاحکام» و سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ در کتاب «مصباح الزائر» فرموده‌اند:

مستحبّ است که نایبان حضرت، با زیارتی که منسوب به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح ﷺ است؛ زیارت شوند.

بنابراین؛ در کنار مرقد عثمان بن سعید ﷺ می‌ایستی و می‌گویی:

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِي طٰالِبٍ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ خَدِیجَةَ الْکُبْریٰ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْحَسَنِ ابْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ مُوسیٰ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، اَلسَّلٰامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، اَلسَّلٰامُ عَلیٰ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیِّ صٰاحِبِ الزَّمٰانِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَیْكَ یٰا عُثْمٰانَ بْنَ سَعِیدٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بٰابُ الْمَوْلیٰ، أَدَّیْتَ عَنْهُ وَأَدَّیْتَ إِلَیْهِ، مٰا خٰالَفْتَهُ وَلٰا خٰالَفْتَ عَلَیْهِ، قُمْتَ خٰاصّاً، وَانْصَرَفْتَ سٰابِقاً، جِئْتُكَ عٰارِفاً بِالْحَقِّ الَّذي أَنْتَ عَلَیْهِ، وَأَنَّكَ مٰا خُنْتَ فِي التَّأْدِیَةِ وَالسِّفٰارَةِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَیْكَ مِنْ بٰابٍ مٰا أَوْسَعَكَ، وَمِنْ سَفِیرٍ مٰا آمَنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ مٰا أَمْكَنَكَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتّٰی عٰایَنْتَ الشَّخْصَ، فَأَدَّیْتَ عَنْهُ وَأَدَّیْتَ إِلَیْهِ.

آن گاه دوباره بر پیغمبر و ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام و حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه سلام می‌نمایی و می‌گویی:

جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحيدِ اللهِ وَمُوالاٰةِ أَوْلِيائِهِ، وَالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰائِهِمْ وَمِنَ الَّذينَ خٰالَفُوكَ، يٰا حُجَّةَ الْمَوْلىٰ، وَبِكَ اللّٰهُمَّ تَوَجُّهي، وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسُّلي.

سپس دعا می‌کنی و حاجات خود را از خدا مسألت می‌نمایی.

پس از آن، نایبان دیگر حضرت را نیز چنین زیارت می‌کنی، و عوض «یا عثمان بن سعید» نایبی را که می‌خواهی زیارت کنی نام می‌بری.[1]

۲

زیارت نایب اوّل

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله گوید: در نسخه‌ای قدیمی تألیف یکی از علمای اصحاب ما، زیارت مولای ما ابو محمّد؛ محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری اسدی چنین نقل شده بود:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصّٰالِحُ، اَلنّٰاصِحُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَوْلِيائِهِ، اَلْمُجِدُّ في خِدْمَةِ مُلُوكِ الْخَلاٰئِقِ، أُمَنٰاءِ اللهِ وَأَصْفِيائِهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبٰابُ الْأَعْظَمُ، وَالصِّرٰاطُ الْأَقْوَمُ، وَالْوَلِيُّ الْأَكْرَمُ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَوَجُّ بِالْأَنْوٰارِ الْإِمٰامِيَّةِ، اَلْمُتَسَرْبَلُ بِالْجَلابيبِ الْمَهْدِيَّةِ، اَلْمَخْصُوصُ بِالْأَسْرٰارِ الْأَحْمَدِيَّةِ، وَالشُّهُبِ الْعَلَوِيَّةِ، وَالْمَوٰالِيدِ الْفٰاطِمِيَّةِ، اَلسَّلٰامُ

---

۱. مفتاح الجنّات: ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر: ۵۱۴.

عَلَيْكَ يا قُرَّةَ الْعُيُونِ ، وَالسِّرَّ الْمَكْنُونَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يـا فَـرَجَ الْـقُلُوبِ ، وَنِـهايَةَ الْمَطْلُوبِ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَمْسَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَرُكْنَ الأَشْياعِ الْمُنْقَطِعِينَ ، اَلسَّلامُ عَلىٰ وَلِيِّ الأَيْتامِ ، وَعَمِيدِ الْجَحاجِحَةِ الْكِرامِ ، اَلسَّلامُ عَلَى الْوَسِيلَةِ إِلىٰ سِرِّ اللهِ فِي الْخَلائِقِ ، وَخَلِيفَةِ وَلِيِّ اللهِ الْفاتِقِ الرّاتِقِ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نائِبَ قِوامِ الإِسْلامِ ، وَبَهاءِ الأَيّامِ ، وَحُجَّةِ اللهِ الْمَلِكِ الْعَلّامِ عَلَى الْخاصِّ وَالْعامِّ ، اَلْفارُوقِ بَيْنَ الْحَلالِ وَالْحَرامِ ، وَالنُّورِ الزّاهِرِ ، وَالْمَجْدِ الْباهِرِ في كُلِّ مَوْقِفٍ وَمَقامٍ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ بَقِيَّةِ الأَنْبِياءِ وَخِيَرَةِ إِلٰهِ السَّماءِ ، اَلْمَخْتَصِّ بِأَعْلىٰ مَـراتِبِ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ ، اَلْمُنْجي مِنْ مَتالِفِ الْعَطَبِ الْعَمِيمِ ، ذِي اللِّـواءِ الْـمَنْصُورِ ، وَالْـعَلَمِ الْمَنْشُورِ ، وَالْـعِلْمِ الْـمَسْتُورِ ، وَالْـمَحَجَّةِ الْـعُظْمىٰ ، وَالْـحُجَّةِ الْكُـبْرىٰ ، سُـلالَةِ الْمُقَدَّسِينَ ، وَذُرِّيَّةِ الْمُرْسَلِينَ ، وَابْنِ خـاتَمِ النَّـبِيِّينَ ، وَبَـهْجَةِ الْـعابِدِينَ ، وَرُكْـنِ الْمُوَحِّدِينَ ، وَوارِثِ الْخِيَرَةِ الطّاهِرِينَ ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ صَـلاةً لاتَـنْفَدُ وَإِنْ نَـفَدَ الدَّهْرُ ، وَلاتَحُولُ وَإِنْ حالَ الزَّمَنُ وَالْعَصْرُ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ سُؤالي ، اَلإِعْتِرافَ لَكَ بِالْوَحْدانِيَّةِ ، وَلِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ ، وَلِعَلِيٍّ بِالإِمامَةِ ، وَلِذُرِّيَّتِهِما بِالْعِصْمَةِ وَفَرْضِ الطّـاعَةِ ، وَبِـهٰذَا الْـوَلِيِّ الرَّشـيدِ ، وَالْمَوْلَى السَّديدِ ، أَبي مُحَمَّدٍ عُثْمانَ بْنِ سَعيدٍ ، أَتَوَسَّلُ إِلَـى اللهِ بِـالشَّفاعَةِ إِلَـيْهِ ، لِيَشْفَعَ إِلىٰ شُفَعائِهِ ، وَأَهْلِ مَوَدَّتِهِ وَخُلَصائِهِ ، أَنْ يَسْـتَنْقِذُوني مِـنْ مَكـارِهِ الدُّنْـيا وَالآخِرَةِ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَبْدِكَ عُثْمانَ بْنِ سَعيدٍ ، وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِـجي أَنْ

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشيعَتِهِ وَأَوْلِيائِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِيَ الْحَوْبَ وَالْخَطٰايٰا، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ الزَّلَلَ وَالسَّيِّئٰاتِ، وَتَرْزُقَنِي السَّلٰامَةَ مِنَ الرَّزٰايٰا.

فَكُنْ لي يٰا وَلِيَّ اللهِ شٰافِعاً نٰافِعاً، وَرُكْناً مَنيعاً دٰافِعاً، فَقَدْ أَلْقَيْتُ إِلَيْكَ بِـالْآمٰالِ، وَوَثِقْتُ مِنْكَ بِتَخْفيفِ الْأَثْقٰالِ، وَقَرَعْتُ بِكَ يٰا سَيِّدي بٰابَ الْحٰاجَةِ، وَرَجَوْتُ مِنْكَ جَميلَ سِفٰارَتِكَ، وَحُصُولَ الْفَلٰاحِ بِمَقٰامِ غِيٰاثٍ أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَأَقْصُدُ إِلَـيْهِ، وَأَطْـرَحُ نَفْسي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

آن گاه نماز زیارت را بخوان، و آن را به ایشان و سایر نایبان حضرتش صلّی الله علیهم اجمعین هدیه کن، سپس رو به او کرده و وداع کن ان شاء الله تعالی.[1]

۳

نماز برای وسعت رزق

که از جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه نقل شده است

مبشّر بن عبدالعزیز گوید: در محضر والای حضرت صادق علیه السلام حضور داشتم یکی از اصحاب ما وارد شد، و گفت: فدایت شوم، من فقیر هستم چه کنم؟

حضرت به او فرمود:

روز چهارشنبه را روزه بگیر، و روزهای پنجشنبه و جمعه را نیز به آن ضمیمه کن تا سه روز شود، ظهر روز جمعه رسول خدا صلی الله علیه و آله را از بالای پشت بام خانه‌ات، یا از زمین فلاتی که خلوت است و کسی تو را نمی‌بیند زیارت کن و دو رکعت نماز بخوان، سپس به زانو نشسته و آنها را به زمین می‌چسبانی، و رو به طرف قبله دست راست را روی دست چپ بگذار و بگو:

۱. بحار الأنوار: ۲۹۲/۱۰۲.

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ ، إِنْقَطَعَ الرَّجٰاءُ إِلّٰا مِنْكَ ، وَخٰابَتِ الْآمٰالُ إِلّٰا فيكَ ، يٰا ثِقَةَ مَنْ لٰا ثِقَةَ لَهُ ، لٰا ثِقَةَ لي غَيْرُكَ ، إِجْعَلْ لي مِنْ أَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً ، وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ ، وَمِنْ حَيْثُ لٰا أَحْتَسِبُ ، آنگاه سر به سجده بگذار و بگو: **يٰا مُغيثُ ، إِجْعَلْ لي رِزْقاً مِنْ فَضْلِكَ .**

اگر این عمل را انجام دهی هنوز روز شنبه نیامده روزی جدیدی برای تو می‌آید.

احمد بن مابنداذ ـ راوی این حدیث ـ گوید: به محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری رضی الله عنه گفتم: کسی که می‌خواهد برای روزی دعا کند اگر در شهر مدینه نباشد چه کند؟

فرمود: به حرم امامی که در شهر خودش هست برود، و در بالای سر آن حضرت، آقای ما حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند.

عرض کردم: اگر در شهر خودش مرقد امامی نباشد چه کند؟

فرمود: یکی از صلحاء و شایستگان از بندگان خدا را زیارت کند، و به صحرا رود و در قسمت راست صحرا آنچه که گفتیم انجام دهد، که ان شاء الله حاجت او برآورده می‌شود.[1]

٤

دعای عظیم الشأن

که جناب محمّد بن عثمان قدس سره آن را بسیار باارزش دانسته است

این دعا را حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌خواندند، **این دعا را به ابوجعفر محمّد بن عثمان رحمه الله نشان دادند**، فرمود: **دعایی به عظمت این دعا**

---

۱. مصباح المتهجّد: ۳۲۹، البلد الأمین: ۴۷۵.

نیست، و اضافه کرد: **خواندن این دعا از برترین عبادت‌ها است**، و آن دعا این است:

أَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبّي وَأَنَا عَبْدُكَ ، آمَنْتُ بِكَ مُخْلِصاً لَكَ عَلىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ، أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَمَلي ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِيَ الَّتي لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ ، أَصْبَحَ ذُلّي مُسْتَجيراً بِعِزَّتِكَ ، وَأَصْبَحَ فَقْري مُسْتَجيراً بِغِنٰاكَ ، وَأَصْبَحَ جَهْلي مُسْتَجيراً بِحِلْمِكَ ، وَأَصْبَحَتْ قِلَّةُ حيلَتي مُسْتَجيرَةً بِقُدْرَتِكَ .

وَأَصْبَحَ خَوْفي مُسْتَجيراً بِأَمٰانِكَ ، وَأَصْبَحَ دٰائي مُسْتَجيراً بِدَوٰائِكَ ، وَأَصْبَحَ سُقْمي مُسْتَجيراً بِشِفٰائِكَ ، وَأَصْبَحَ حَيْني[1] مُسْتَجيراً بِقَضٰائِكَ ، وَأَصْبَحَ ضَعْفي مُسْتَجيراً بِقُوَّتِكَ ، وَأَصْبَحَ ذَنْبي مُسْتَجيراً بِمَغْفِرَتِكَ ، وَأَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفٰانِيَ الْبٰالِيَ مُسْتَجيراً بِوَجْهِكَ الْبٰاقِي الدّٰائِمِ الَّذي لا يَبْلىٰ وَلا يَفْنىٰ .

يٰا مَنْ لا يُوٰارِيهِ لَيْلٌ دٰاجٍ ، وَلا سَمٰاءٌ ذٰاتُ أَبْرٰاجٍ ، وَلا حُجُبٌ ذٰاتُ ارْتِجٰاجٍ (أَرْتٰاجٍ) ، وَلا مٰاءٌ ثَجّٰاجٌ في قَعْرِ بَحْرٍ عَجّٰاجٍ ، يٰا دٰافِعَ السَّطَوٰاتِ ، يٰا كٰاشِفَ الْكُرُبٰاتِ ، يٰا مُنْزِلَ الْبَرَكٰاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰاوٰاتٍ .

أَسْأَلُكَ يٰا فَتّٰاحُ يٰا نَفّٰاحُ يٰا مُرْتٰاحُ ، يٰا مَنْ بِيَدِهِ خَزٰائِنُ كُلِّ مِفْتٰاحٍ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطّٰاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ ، وَأَنْ تَفْتَحَ لي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ تَحْجُبَ عَنّي فِتْنَةَ الْمُوَكَّلِ بي ، وَلا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ فَيُهْلِكُني ، وَلا تَكِلْني إِلىٰ أَحَدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ فَيَعْجِزَ عَنّي ، وَلا تَحْرِمْنِي الْجَنَّةَ ، وَارْحَمْني وَتَوَفَّني مُسْلِماً ، وَأَلْحِقْني بِالصّٰالِحينَ ، وَاكْفِني بِالْحَلٰالِ عَنِ الْحَرٰامِ ، وَبِالطَّيِّبِ عَنِ الْخَبيثِ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ .

أَللّٰهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلىٰ إِرٰادَتِكَ ، وَفَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلىٰ مَعْرِفَتِكَ، فَتَمَلْمَلَتِ الْأَفْئِدَةُ مِنْ مَخٰافَتِكَ ، وَصَرَخَتِ الْقُلُوبُ بِالْوَلَهِ ، وَتَقٰاصَرَ وُسْعُ قَدْرِ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنٰاءِ

---

۱. حَیْن ـ با فتح حاء ـ: یعنی هلاك و نابودی.

عَلَيْكَ ، وَانْقَطَعَتِ الْأَلْفاظُ عَنْ مِقْدارِ مَحاسِنِكَ ، وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصاءِ نِعَمِكَ ، فَإِذا وَلَجَتْ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنْ نَعْتِكَ بَهَرَتْها حَيْرَةُ الْعَجْزِ عَنْ إِدْراكِ وَصْفِكَ .

فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي التَّقْصيرِ عَنْ مُجاوَزَةِ ما حَدَّدْتَ لَها ، إِذْ لَيْسَ لَها أَنْ تَتَجاوَزَ ما أَمَرْتَها ، فَهِيَ بِالْإِقْتِدارِ عَلىٰ ما مَكَّنْتَها تَحْمَدُكَ بِما أَنْهَيْتَ إِلَيْها ، وَالْأَلْسُنُ مُنْبَسِطَةٌ بِما تُمْلي عَلَيْها ، وَلَكَ عَلىٰ كُلِّ مَنِ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَلّا يَمُلُّوا مِنْ حَمْدِكَ ، وَإِنْ قَصُرَتِ الْمَحامِدُ عَنْ شُكْرِكَ عَلىٰ ما أَسْدَيْتَ إِلَيْها مِنْ نِعَمِكَ .

فَحَمِدَكَ بِمَبْلَغِ طاقَةِ جُهْدِهِمُ (حَمْدِهِمُ) الْحامِدُونَ ، وَاعْتَصَمَ بِرَجاءِ عَفْوِكَ الْمُقَصِّرُونَ ، وَأَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْخائِفُونَ ، وَقَصَدَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ الطّالِبُونَ ، وَانْتَسَبَ إِلىٰ فَضْلِكَ الْمُحْسِنُونَ ، وَكُلٌّ يَتَفَيَّأُ في ظِلالِ تَأْميلِ عَفْوِكَ ، وَيَتَضائَلُ بِالذُّلِّ لِخَوْفِكَ ، وَيَعْتَرِفُ بِالتَّقْصيرِ في شُكْرِكَ .

فَلَمْ يَمْنَعْكَ صُدُوفُ مَنْ صَدَفَ عَنْ طاعَتِكَ ، وَلا عُكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلىٰ مَعْصِيَتِكَ إِنْ أَسْبَغْتَ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ ، وَأَجْزَلْتَ لَهُمُ الْقِسَمَ ، وَصَرَفْتَ عَنْهُمُ النِّقَمَ ، وَخَوَّفْتَهُمْ عَواقِبَ النَّدَمِ ، وَضاعَفْتَ لِمَنْ أَحْسَنَ ، وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمُحْسِنينَ شُكْرَ تَوْفيقِكَ لِلْإِحْسانِ ، وَعَلَى الْمُسيءِ شُكْرَ تَعَطُّفِكَ بِالْإِمْتِنانِ ، وَوَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيادَةِ فِي الْإِحْسانِ مِنْكَ .

فَسُبْحانَكَ تُثيبُ عَلىٰ ما بَدْؤُهُ مِنْكَ ، وَانْتِسابُهُ إِلَيْكَ ، وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ ، وَالْإِحْسانُ فيهِ مِنْكَ ، وَالتَّوَكُّلُ فِي التَّوْفيقِ لَهُ عَلَيْكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ الْحَمْدَ لَكَ ، وَأَنَّ بَدْأَهُ مِنْكَ ، وَمَعادَهُ إِلَيْكَ حَمْداً لا يَقْصُرُ عَنْ بُلوغِ الرِّضا مِنْكَ ، حَمْدَ مَنْ قَصَدَكَ بِحَمْدِهِ ، وَاسْتَحَقَّ الْمَزيدَ لَهُ مِنْكَ في نِعَمِهِ ، وَلَكَ مُؤَيِّداتٌ مِنْ عَوْنِكَ ، وَرَحْمَةٌ تَخُصُّ بِها مَنْ أَحْبَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ .

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاخْصُصْنا مِنْ رَحْمَتِكَ وَمُؤَيِّداتِ لُطْفِكَ ، بِأَوْجَبِها لِلْإِقالاتِ ، وَأَعْصَمِها مِنَ الْإِضاعاتِ ، وَأَنْجاها مِنَ الْهَلَكاتِ ، وَأَرْشَدِها إِلَى الْهِدايَاتِ ، وَأَوْقاها مِنَ الْآفاتِ ، وَأَوْفَرِها مِنَ الْحَسَناتِ ، وَأَنْزَلِها بِالْبَرَكاتِ ، وَأَزْيَدِها فِي الْقِسَمِ ، وَأَسْبَغِها لِلنِّعَمِ ، وَأَسْتَرِها لِلْعُيُوبِ ، وَأَغْفَرِها لِلذُّنُوبِ ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ .

فَصَلِّ عَلىٰ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، وَأَمِينِكَ عَلىٰ وَحْيِكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَواتِ ، وَبارِكْ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ الْبَرَكاتِ ، بِما بَلَّغَ عَنْكَ مِنَ الرِّسالاتِ ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ ، وَدَعا إِلَيْكَ ، وَأَفْصَحَ بِالدَّلائِلِ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ ، حَتّٰى أَتاهُ الْيَقِينُ .

وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ، وَعَلىٰ آلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ ، وَاخْلُفْهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ ما خَلَّفْتَ بِهِ أَحَداً مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ .

أَللّٰهُمَّ لَكَ إِرادٰاتٌ لا تُعارِضُ دُونَ بُلُوغِهَا الْغايَاتُ ، قَدِ انْقَطَعَ مُعارَضَتُها بِعَجْزِ الْإِسْتِطاعاتِ عَنِ الرَّدِّ لَها دُونَ النِّهايَاتِ ، فَأَيَّةُ إِرادَةٍ جَعَلْتَها إِرادَةً لِعَفْوِكَ ، وَسَبَباً لِنَيْلِ فَضْلِكَ ، وَاسْتِنْزالاً لِخَيْرِكَ .

فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ، وَ صِلْهَا اللّٰهُمَّ بِدَوامٍ ، وَابْدَأْها بِتَمامٍ ، إِنَّكَ واسِعُ الْحِباءِ ، كَرِيمُ الْعَطاءِ ، مُجِيبُ النِّداءِ سَمِيعُ الدُّعاءِ .[1]

---

۱. بحار الأنوار: ۴۰۲/۹۵، از مهج الدعوات: ۱۵۳.

۵

دعای سمات

که از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است

محمّد بن علی گوید: در مجلس **جناب محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری اسدی منتجی** رضی الله عنه حضور داشتم ... ایشان فرمودند: مفضّل بن عمر جعفی این دعا را از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آخر روایت می‌گوید: مستحبّ است این دعا در آخر روز جمعه خوانده شود.

مرحوم شیخ طوسی می‌گوید: **دعای سمات که از عَمْری** رضی الله عنه نقل شده است مستحبّ است در ساعات آخر روز جمعه خوانده شود.

اکنون متن دعا را طبق روایت مرحوم کفعمی می‌آوریم:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، اَلْأَعَزِّ الأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، اَلَّذي إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلىٰ مَغٰالِقِ أَبْوٰابِ السَّمٰاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَإِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلىٰ مَضٰائِقِ أَبْوٰابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ بِالرَّحْمَةِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَ[1]،

---

۱. این فقره از دعا در کتاب‌های ادعیه چنین آمده است: «وإذا دعیت به علی العسر لیسر تیسّرت» به صورت تأنیث ولی صحیح «تیسّر» می‌باشد.

علّامهٔ بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمه الله در «العبقریّ الحسان» می‌گوید:

خطیب پرهیزکار حاج میرزا حسن نجل امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهد مقدّسهٔ عراق را زیارت کردم، تنها آرزوی من و مهم‌ترین حاجتم در این مشاهد مقدّسه تشرّف به خدمت حضرت ولیّ عصر عجّل‌الله فرجه بود، همواره زاد و توشه برمی‌داشتم و به زیارت مراقد مطهّرهٔ نجف اشرف و کربلا و مساجد مبارکه و مسجد اعظم کوفه و مسجد سهله و به کاظمین علیهما السلام مشرّف می‌شدم.

طبق برنامه‌ای که داشتم روزهای جمعه غسل می‌کردم و وارد حرم مطهّر می‌شدم بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال ←

وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوٰاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ ، وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلىٰ كَشْفِ الْبَأْسٰاءِ

← و مستحبّات واردهٔ روز جمعه را انجام می‌دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می‌ماندم، سپس از حرم مطهّر بیرون می‌آمدم.

روز جمعه‌ای به حرم مطهّر جوادین علیهما السلام مشرّف شدم، بالاسر مطهّر حضرت جواد علیه السلام نشسته و مشغول قرائت شدم تا آنکه وقت دعای سمات ـ ساعت آخر روز ـ فرا رسید، ازدحام جمعیّت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد، از زیادی جمعیّت جا تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود تقریباً یک ربع به مغرب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم.

ناگاه متوجّه شدم که شخص زیبا و جمیلی در کنار من نشسته، او عمّامهٔ سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس معمولی به تن داشت، محاسن زیبا و معمولی داشت و بر گونهٔ راستش خالی بود؛ من دعا می‌خواندم و او گوش می‌کرد و عباراتی را که من غلط می‌خواندم تصحیح می‌نمود.

چون به این عبارت رسیدم چنین خواندم: «وإذا دعیت بها علی العسر للیسر تیسّرت».

فرمود: چرا فعل را مؤنّث می‌خوانی در صورتیکه فاعل مؤنّث نیست؟

گفتم: به جهت رعایت مجانست با افعال ما قبل و ما بعد آن، زیرا که افعال در آنها مؤنّث آمده است.

فرمود: این مطلب غلط است، البتّه منظور من از این کلام ایراد به تو نبود، فقط خواستم بدانی، چون تو از اهل علم هستی.

من از او به خاطر این مطلب تشکّر نمودم، ناگاه برخاست، در دلم افتاد که ببینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با اینکه از زیادی جمعیّت کنار من جایی نبود، دعا را ترک کرده و برخاستم، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم؟ و با جدّیت تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم.

با حالت تأسّف نشستم و بقیّهٔ دعا را با اشک‌های جاری و ناله تمام کردم، پس از آن هرگاه این قضیّه به یادم می‌افتاد آه می‌کشیدم، به وطنم بازگشتم و این قضیّه را فراموش کردم، سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که مشرّف به حرم مطهّر کاظمین علیهما السلام شده‌ام، حضرت جواد علیه السلام نشسته است، و آن حضرت گندم گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله‌ای می‌پرسیدم که برخی از آنها را فراموش کرده‌ام.

از حضرتش پرسیدم: من همیشه در مشاهد مشرّفه از خدای تعالی می‌خواستم و به شما و نیاکان شما ـ ائمّهٔ طاهرین علیهم السلام ـ متوسّل می‌شدم که به دیدار ولیّ منتظرش **سلام الله علیه** نائل شوم، ولی دعای من مستجاب نشد.

حضرت فرمود: نه، چنین نیست، تو دو مرتبه آن امام را دیدی: یک مرتبه در راه سامرّاء، مرتبهٔ دوّم موقعی بود که حرم کاظمین علیهما السلام در بالای سر نشسته بودی، و دعای سمات می‌خواندی، شخصی با اوصافی که در یادت هست، کنار تو نشسته بود، تو فقره‌ای از دعا را چنین می‌خواندی: «وإذا دعیت به للعسر تیسّرت»، او تو را از غلط خواندن باز داشت، و فرمود: چرا فعل را مؤنّث می‌خوانی در صورتیکه فاعل مؤنّث نیست؟ او امام زمان تو بود، این را فرمود و من از خواب بیدار شدم. (العبقریّ الحسان، المسك الأذفر: ۱۲۰/۱).

وَالضَّرّاءِ انْكَشَفَتْ.

وَبِجَلالِ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ، وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، اَلَّذي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْواتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتي بِها تُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولا.

وَبِمَشيَّتِكَ الَّتي دانَ لَهَا الْعالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتي خَلَقْتَ بِهَا السَّماواتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلاً، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَناً، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهاراً، وَجَعَلْتَ النَّهارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِياءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَواكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً، وَمَصابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً لِلشَّياطِينِ.

وَجَعَلْتَ لَهَا مَشارِقَ وَمَغارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطالِعَ وَمَجارِيَ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكاً وَمَسابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّماءِ مَنازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا، وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمائِكَ إِحْصاءً، وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطانِ اللَّيْلِ وَسُلْطانِ النَّهارِ وَالسّاعاتِ، وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النّاسِ مَرْأًى واحِداً.

وَأَسْأَلُكَ اللّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ إِحْساسِ الْكَرُّوبِيِّينَ، فَوْقَ غَمائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَةِ فِي عَمُودِ النّارِ، وَفِي طُورِ سَيْناءَ، وَفِي جَبَلِ حُوريثَ فِي الْوادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبارَكَةِ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ

آیاتٍ بَیِّناتٍ.

وَیَوْمَ فَرَقْتَ لِبَني إِسْرائیلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبَجِساتِ الَّتي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ في بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ ماءَ الْبَحْرِ في قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجارَةِ، وَجاوَزْتَ بِبَني إِسْرائیلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنیٰ عَلَیْهِمْ بِما صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا الَّتي بارَكْتَ فیها لِلْعالَمینَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَراكِبَهُ فِي الْیَمِّ.

وَبِاسْمِكَ الْعَظیمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، اَلْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، وَبِمَجْدِكَ الَّذي تَجَلَّیْتَ بِهِ لِمُوسیٰ كَلیمِكَ عَلَیْهِ السَّلامُ في طُورِ سَیْناءَ، وَلِإِبْراهیمَ خَلیلِكَ عَلَیْهِ السَّلامُ مِنْ قَبْلُ في مَسْجِدِ الْخَیْفِ، وَلِإِسْحاقَ صَفِیِّكَ عَلَیْهِ السَّلامُ في بِئْرِ شَیَعٍ، وَلِیَعْقُوبَ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ السَّلامُ في بَیْتِ إیلٍ، وَأَوْفَیْتَ لِإِبْراهیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ بِمیثاقِكَ، وَلِإِسْحاقَ عَلَیْهِ السَّلامُ بِحَلْفِكَ، وَلِیَعْقُوبَ بَشَهادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنینَ بِوَعْدِكَ، وَلِلدّاعینَ بِأَسْمائِكَ فَأَجَبْتَ.

وَبِمَجْدِكَ الَّذي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرانَ عَلَیْهِ السَّلامُ عَلیٰ قُبَّةِ الرُّمّانِ وَبِآیاتِكَ الَّتي وَقَعَتْ عَلیٰ أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ، بِآیاتٍ عَزیزَةٍ، وَبِسُلطانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التّامَّةِ، وَبِكَلِماتِكَ الَّتي تَفَضَّلْتَ بِها عَلیٰ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتي مَنَنْتَ بِها عَلیٰ جَمیعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطاعَتِكَ الَّتي أَقَمْتَ بِها عَلَى الْعالَمینَ.

وَبِنُورِكَ الَّذي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَیْناءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلالِكَ وَكِبْرِیائِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّماواتُ، وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحارُ وَالْأَنْهارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ، وَسَكَنَتْ لَهَا

الْأَرْضُ بِمَناكِبِها، وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلائِقُ كُلُّها، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّياحُ في جَرَيانِها، وَخَمَدَتْ لَهَا النّيرانُ في أَوْطانِها.

وَبِسُلْطانِكَ الَّذي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلَبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ فِي السَّماواتِ وَالْأَرَضينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ الصِّدْقِ الَّتي سَبَقَتْ لِأَبينا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ.

وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسىٰ صَعِقاً، وَبِمَجْدِكَ الَّذي ظَهَرَ عَلىٰ طُورِ سَيْناءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ.

وَبِطَلْعَتِكَ في ساعيرَ، وَظُهُورِكَ في جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسينَ، وَجُنُودِ الْمَلائِكَةِ الصّافّينَ، وَخُشُوعِ الْمَلائِكَةِ الْمُسَبِّحينَ.

وَبِبَرَكاتِكَ الَّتي بارَكْتَ فيها عَلىٰ إِبْراهيمَ خَليلِكَ عَلَيْهِ السَّلامُ في أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبارَكْتَ لِإِسْحاقَ صَفِيِّكَ في أُمَّةِ عيسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرائيلِكَ في أُمَّةِ مُوسىٰ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، وَبارَكْتَ لِحَبيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ في عِتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ وَأُمَّتِهِ.

أَللّٰهُمَّ وَكَما غِبْنا عَنْ ذٰلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ، وَآمَنّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلاً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبارِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ، إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، فَعّالٌ لِما تُريدُ، وَأَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.[1]

***

١. البلد الأمين: ١٣٤، جمال الأسبوع: ٣٢١، المصباح: ٥٥٩، مصباح المتهجّد: ٤١٦، الصحيفة الصادقيّة: ٩٣٠.

بعد از آن می‌گوئی: أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعٰاءِ، وَبِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمٰاءِ الَّتي لٰا يَعْلَمُ تَفْسيرَهٰا وَلٰا يَعْلَمُ بٰاطِنَهٰا غَيْرُكَ، [صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ]افْعَلْ بي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلٰا تَفْعَلْ بي مٰا أَنَا أَهْلُهُ، [وَانْتَقِمْ لي مِنْ ظٰالِمي، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَهَلٰاكَ أَعْدٰائِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ]، وَاغْفِرْ لي مِنْ ذُنُوبي مٰا تَقَدَّمَ مِنْهٰا وَمٰا تَأَخَّرَ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلٰالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِني مَؤُونَةَ إِنْسٰانِ سَوْءٍ [وَجٰارِ سَوْءٍ وَقَرينِ سَوْءٍ] وَسُلْطٰانِ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلىٰ [كُلِّ شَيْءٍ] قَديرٌ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمينَ.[1]

و سپس بگو: أَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعٰاءِ تَفَضَّلْ عَلىٰ فُقَرٰاءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْغِنٰاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلىٰ مَرْضَى الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالشِّفٰاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلىٰ أَحْيٰاءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرٰامَةِ، وَعَلىٰ أَمْوٰاتِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلىٰ مُسٰافِرِي الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ بِالرَّدِّ إِلىٰ أَوْطٰانِهِمْ سٰالِمينَ غٰانِمينَ، بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيّينَ وَعِتْرَتِهِ الطّٰاهِرينَ، وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً.[2]

در «جمال الصالحين» این دعا را ذکر نموده:

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هٰذَا الدُّعٰاءِ، وَبِمٰا فٰاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمٰاءِ، وَبِمٰا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسيرِ وَالتَّدْبيرِ الَّذي لٰا يُحيطُ بِهِ إِلّٰا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ في عٰافِيَةٍ، وَتُهْلِكَ أَعْدٰائَهُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ تَرْزُقَنٰا بِهِمْ خَيْرَ مٰا نَرْجُو، وَخَيْرَ مٰا لٰا نَرْجُو، وَتَصْرِفَ بِهِمْ عَنّٰا شَرَّ مٰا نَحْذَرُ، وَشَرَّ مٰا لٰا نَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمينَ.[3]

---

۱. المجموع الرائق: ۲۵۸/۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۰۱/۹۰.

۳. مكيال المكارم: ۳۳/۲.

سیّد بزرگوار علیّ بن طاووس ﷺ می‌گوید: برخی از کلمات دعا نیاز به توضیح و تفسیر دارد که بعضی از آنها را نقل می‌نمایم:

«حوریث» ـ یا «حوریثا» ـ کوهی است که خداوند متعال برای اوّلین بار حضرت موسی علیه‌السلام را در آن کوه مورد خطاب قرار داد، و تابوت حضرت یوسف علیه‌السلام از ناحیه‌ای از طور سیناء به ناحیه‌ای از کوه حوریثا حمل شد.

و دریای «سوف» به زبان عبری «یومسوف» یعنی دریای عمیق است، و «ساعیر» کوهی است بنام کوه «سراء» که حضرت عیسی علیه‌السلام در آن با خدا مناجات می‌نمود. و کوه «فاران» کوهی بود در نزدیکی مکّه مکرّمه که حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن با خدای تعالی مناجات می‌نمود.[1]

محمّد بن علی راشدی در فضیلت و اهمیّت دعای سمات می‌گوید:

این دعا را در هیچ سختی و بلا و امر مهمّی نخواندم جز آنکه به سرعت به اجابت رسید، و هر کس این دعا را در هر جهتی که می‌خواهد یا در هر حاجتی که قصد دارد بخواند و یا پیش از روبرو شدن با دشمن یا سلطانی که از او می‌ترسد بخواند دیگر از کسی نمی‌ترسد، و حاجتش برآورده می‌شود، و اگر نمی‌تواند بخواند، در رقعه‌ای بنویسد و همراه خود داشته باشد.

علّامه شیخ محمّد باقر بیرجندی در کتاب «فاکهة الذاکرین» می‌نویسد: این دعا از جهت اجابت نظیر ندارد.

مرحوم سیّد محمّد خامنهٔ تبریزی در مجموعهٔ نوشتار خود می‌نویسد:

خواندن دعای سمات در آخرین ساعات روز جمعه برای قضای حوائج مجرّب است، بویژه برای دفع شرّ دشمنان، و استجابت این دعا از یقینیّات است، به

---

۱. جمال الأسبوع: ۳۲۵.

خصوص اگر چهل روز جمعه خوانده شود.[۱]



دعای روز عید فطر

که از جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است

دعایی که جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه آن را قرائت می‌نمودند و در دفتر ایشان که ادعیهٔ ماه رمضان در آن ذکر شده، موجود بوده است، این دعا بعد از نماز صبح در روز عید فطر خوانده می‌شود:

أَللّٰهُمَّ إِنّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمامي، وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفي وَعَنْ يَميني وَأَئِمَّتي عَنْ يَسٰاري، أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذٰابِكَ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفىٰ لٰا أَجِدُ أَحَداً أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ، فَهُمْ أَئِمَّتي، فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفي مِنْ عِقٰابِكَ وَسَخَطِكَ، وَأَدْخِلْني بِرَحْمَتِكَ في عِبٰادِكَ الصّٰالِحينَ.

أَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً مُخْلِصاً عَلىٰ دينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ، وَعَلىٰ دينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ، وَعَلىٰ دينِ الْأَوْصِيٰاءِ وَسُنَّتِهِمْ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلٰانِيَتِهِمْ، وَأَرغَبُ إِلَى اللّٰهِ تَعٰالىٰ فيمٰا رَغِبَ فيهِ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيٰاءُ، وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعٰاذُوا مِنْهُ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللّٰهِ، وَلٰا عِزَّةَ وَلٰا مَنْعَةَ وَلٰا سُلْطٰانَ إِلّٰا لِلّٰهِ الْوٰاحِدِ الْقَهّٰارِ الْعَزيزِ الْجَبّٰارِ الْمُتَكَبِّرِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بٰالِغُ أَمْرِهِ﴾[۲].

أَللّٰهُمَّ إِنّي أُريدُكَ فَأَرِدْني، وَأَطْلُبُ مٰا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لي، وَاقْضِ لي حَوٰائِجي

---

۱. التحفة الرضویّة: ۱۱۹.

۲. سورهٔ طلاق، آیهٔ ۳.

فَإِنَّكَ قُلْتَ في كِتابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ ﴾[1]، فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضانَ، بِما أَنْزَلْتَ فيهِ مِنَ الْقُرْآنِ، وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَصْييرِكَ فيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فَقُلْتَ ﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ فيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلامٌ هِيَ حَتّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴾[2].

أَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ أَيّامُ شَهْرِ رَمَضانَ قَدِ انْقَضَتْ، وَلَيالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ، وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يا إِلٰهي إِلىٰ ما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّي، وَأَحْصىٰ لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدي، فَأَسْأَلُكَ يا إِلٰهي بِما سَأَلَكَ بِهِ عِبادُكَ الصّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ.

وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنّي كُلَّما تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعيفِ عَمَلي، وَقَبُولِ تَقَرُّبي وَقُرُباتي، وَاسْتِجابَةِ دُعائي، وَهَبْ لي مِنْكَ عِتْقَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَزَعٍ، وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ.

أَعُوذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصّالِحينَ، أَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمِ، وَلَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ تُريدُ أَنْ تُؤاخِذَني بِها، أَوْ ذَنْبٌ تُريدُ أَنْ تُقايِسَني بِهِ، وَتُشْقِيَني وَتَفْضَحَني بِهِ، أَوْ خَطيئَةٌ تُريدُ أَنْ تُقايِسَني بِها وَتَقْتَصَّها مِنّي لَمْ تَغْفِرْها لي، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَريمِ الْفَعّالِ لِما يُريدُ، الَّذي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ، لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِلا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ، إِنْ كُنْتَ رَضيتَ عَنّي في هٰذَا الشَّهْرِ أَنْ تَزيدَني

---

١. سورهٔ بقره، آيهٔ ١٨٥.

٢. سورهٔ قدر، آيهٔ ٣ـ ٥.

فيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْري رِضاً ، فَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنّي في هٰذَا الشَّهْرِ ، فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ ، وَاجْعَلْني في هٰذِهِ السّاعَةِ وَفي هٰـذَا الْـمَجْلِسِ مِـنْ عُتَقٰائِكَ مِنَ النّٰارِ ، وَطُلَقٰائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ ، وَسُعَدٰاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمينَ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَريمِ ، أَنْ تَجْعَلَ شَهْري هٰذٰا خَيْرَ شَهْرٍ رَمَضٰانَ عَبَدْتُكَ فيهِ ، وَصُمْتُهُ لَكَ ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَني فيهِ ، أَعْظَمَهُ أَجْراً ، وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً ، وَأَعَمَّهُ عٰافِيَةً ، وَأَوْسَعَهُ رِزْقاً ، وَأَفْضَلَهُ عِتْقاً مِـنَ النّٰـارِ ، وَأَوْجَـبَهُ رَحْـمَةً ، وَأَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً ، وَأَكْمَلَهُ رِضْوٰاناً ، وَأَقْرَبَهُ إِلىٰ مٰا تُحِبُّ وَتَرْضىٰ .

أَللّٰهُمَّ لٰا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضٰانَ صُمْتُهُ لَكَ ، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ ثُـمَّ الْـعَوْدَ حَـتّٰى تَرْضىٰ وَبَعْدَ الرِّضٰا ، وَحَتّٰى تُخْرِجَني مِنَ الدُّنْيا سٰالِماً وَأَنْتَ عَـنّي رٰاضٍ وَأَنَـا لَكَ مَرْضِيٌّ .

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فيمٰا تَقْضي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْـمَحْتُومِ الَّـذي لٰا يُـرَدُّ وَلٰا يُـبَدَّلُ أَنْ تَجْعَلَني مِمَّنْ تُثيبُ وَتُسَمّي وَتَقْضي لَهُ ، وَتَزيدُ وَتُحِبُّ لَهُ وَتَرْضىٰ ، وَأَنْ تَكْـتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ في هٰذَا الْعٰامِ ، وَفي كُلِّ عٰامٍ ، اَلْمَبْرُورِ حَـجُّهُمْ ، اَلْمَشْكُـورِ سَعْيُهُمْ ، اَلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ ، اَلْمُتَقَبَّلِ مِنْهُمْ مَـنٰاسِكُهُمْ ، اَلْـمُعٰافينَ عَـلىٰ أَسْـفٰارِهِمْ ، اَلْمُقْبِلينَ عَلىٰ نُسُكِهِمْ ، اَلْمَحْفُوظينَ في أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوٰالِهِمْ وَذَرٰارِيـهِمْ ، وَكُـلِّ مٰا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ .

أَللّٰهُمَّ اقْلِبْني مِنْ مَجْلِسي هٰذٰا ، في شَهْري هٰذٰا ، في يَوْمي هٰذٰا ، في سٰاعَتي هٰذِهِ ، مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجٰاباً لي ، مَغْفُوراً ذَنْبي ، مُعٰافاً مِنَ النّٰارِ ، وَمُعْتَقاً مِنْهٰا عِتْقاً لٰا رِقَّ بَعْدَهُ أَبَداً ، وَلٰا رَهْبَةَ يٰا رَبَّ الْأَرْبٰابِ .

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فيمٰا شِئْتَ ، وأَرَدْتَ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ تُطيلَ عُمْري ، وَأَنْ تُنْسِئَ في أَجَلي ، وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفي ، وَأَنْ تُغْنِيَ فَقْري ، وَأَنْ تَجْبُرَ فٰاقَتي ، وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكَنَتي ، وَأَنْ تُعِزَّ ذُلّي ، وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعَتي ، وَأَنْ تُغْنِيَ عٰائِلَتي ، وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتي ، وَأَنْ تُكْثِرَ قِلَّتي ، وأَنْ تُدِرَّ رِزْقي في عٰافِيَةٍ وَيُسْرٍ وَخَفْضٍ .

وَأَنْ تَكْفِيَني مٰا أَهَمَّني مِنْ أَمْرِ دُنْيٰايَ وَآخِرَتي ، وَلٰا تَكِلَني إِلىٰ نَفْسي فَأَعْجِزَ عَنْهٰا ، وَلٰا إِلَى النّٰاسِ فَيَرْفِضُوني ، وَأَنْ تُعٰافِيَني في دٖيني وَبَدَني وَجَسَدي وَرُوحي وَوُلْدي وَأَهْلي وَأَهْلِ مَوَدَّتي وَإِخْوٰانـي وَجيرٰانـي مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِمٰاتِ ، اَلْأَحْيٰاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوٰاتِ ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَالْإيمٰانِ مٰا أَبْقَيْتَني ، فَإِنَّكَ وَلِيّي وَمَوْلٰايَ ، وَثِقَتي وَرَجٰائي ، وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتي ، وَمَوْضِعُ شَكْوٰايَ ، وَمُنْتَهىٰ رَغْبَتي .

فَلٰا تُخَيِّبْني في رَجٰائي يٰا سَيِّدي وَمَوْلٰايَ ، وَلٰا تُبْطِلْ طَمَعي وَرَجٰائي ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَقَدَّمْتُهُمْ إِلَيْكَ أَمٰامي ، وَأَمٰامَ حٰاجَتي وَطَلِبَتي ، وَتَضَرُّعي وَمَسْأَلَتي ، فَاجْعَلْني بِهِمْ وَجيهاً فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ ، فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ ، فَاخْتِمْ لي بِهِمُ السَّعٰادَةَ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ .

و در روايتى ديگر اين قسمت اضافه شده: مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ ، فَاخْتِمْ لي بِالسَّعٰادَةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلامَةِ وَالْإيمٰانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوٰانِ وَالسَّعٰادَةِ وَالْحِفْظِ ، يٰا اَللّٰهُ أَنْتَ لِكُلِّ حٰاجَةٍ لَنٰا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَعٰافِنٰا وَلٰا تُسَلِّطْ عَلَيْنٰا أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ لٰا طٰاقَةَ لَنٰا بِهِ ، وَاكْفِنٰا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ يٰا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرٰامِ .

صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَرَحَّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَسَلِّمْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَبٰارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَآلِ إِبْرٰاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.[1]

۷

زیارت حضرت امام صادق علیه‌السلام

به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدّس سرّهما

ابو الحسین احمد بن حسین صیداوی این زیارت را از جناب عثمان بن سعید عَمْری رحمه‌الله که با جناب ابو القاسم حسین بن روح رحمه‌الله همراه بودند نقل کرده و می‌گوید: آن دو بزرگوار در کنار باب السلام ایستادند و حضرت امام صادق علیه‌السلام را چنین زیارت کردند:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا مَوْلٰايَ وَابْنَ مَوْلٰايَ، وَأَبٰا مَوٰالِيَّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا شَهِيدَ دٰارِ الْفَنٰاءِ، وَزَعِيمَ دٰارِ الْبَقٰاءِ، إِنّٰا خٰالِصَتُكَ وَمُوٰالِيكَ وَنَعْتَرِفُ بِأُولٰاكَ وَأُخْرٰاكَ.

فَاشْفَعْ لَنٰا إِلىٰ مُشَفِّعِكَ اللهِ تَعٰالىٰ رَبِّنٰا وَرَبِّكَ، فَمٰا خٰابَ عَبْدٌ قَصَدَ بِكَ رَبَّهُ وَأَتْعَبَ فِيكَ قَلْبَهُ، وَهَجَرَ فِيكَ أَهْلَهُ وَصَحْبَهُ، وَاتَّخَذَكَ وَلِيَّهُ وَحَسْبَهُ، وَالسَّلٰامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله می‌گوید: **بعید نیست که این زیارت؛ زیارت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه‌السلام باشد که نسّاخ آن را تصحیف کرده‌اند.**[2]

---

۱. إقبال الأعمال: ۵۸۰.
۲. بحار الأنوار: ۲۱۱/۱۰۰.

۸

دعای حضرت خضر علیه‌السلام

معروف به دعای کمیل[۱]

مستحبّ است دعای کمیل در شب نیمهٔ شعبان و شب‌های جمعه خوانده شود.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتي قَهَرْتَ بِهٰا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهٰا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهٰا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتي غَلَبْتَ بِهٰا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتي لٰا يَقُومُ لَهٰا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ.

وَبِسُلْطٰانِكَ الَّذي عَلٰا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبٰاقي بَعْدَ فَنٰاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمٰائِكَ الَّتي مَلَأَتْ أَرْكٰانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذي أَحٰاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذي أَضٰاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يٰا نُورُ يٰا قُدُّوسُ، يٰا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيٰا آخِرَ الْآخِرِينَ.

أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ الدُّعٰاءَ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلٰاءَ. أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهٰا.

أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلىٰ نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ

---

۱. دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده‌اند؛ به این جهت به دعای کمیل معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعاهای حضرت خضر و حضرت الیاس علیهماالسلام ـ که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه هستند ـ و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیه‌السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم.

تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَني ذِكْرَكَ . أَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ أَنْ تُسامِحَني وَتَرْحَمَني وَتَجْعَلَني بِقِسْمِكَ راضِياً قانِعاً ، وَفي جَميعِ الْأَحْوالِ مُتَواضِعاً .

أَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ ، وَعَظُمَ فيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ . أَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ ، وَعَلا مَكانُكَ ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ ، وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ .

أَللّٰهُمَّ لا أَجِدُ لِذُنُوبي غافِراً ، وَلا لِقَبائِحي ساتِراً ، وَلا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيَ الْقَبيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرَكَ ، لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسي ، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلي ، وَسَكَنْتُ إِلىٰ قَديمِ ذِكْرِكَ لي ، وَمَنِّكَ عَلَيَّ .

أَللّٰهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ قَبيحٍ سَتَرْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ أَقَلْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَميلٍ لَسْتُ أَهْلاً لَهُ نَشَرْتَهُ .

أَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلائي ، وَأَفْرَطَ بي سُوءُ حالي ، وَقَصُرَتْ بي أَعْمالي ، وَقَعَدَتْ بي أَغْلالي ، وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ أَمَلي ، وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها ، وَنَفْسي بِجِنايَتِها ، وَمِطالي يا سَيِّدي .

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائي سُوءُ عَمَلي وَفِعالي ، وَلا تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي ، وَلا تُعاجِلْني بِالْعُقُوبَةِ عَلىٰ ما عَمِلْتُهُ في خَلَواتي مِنْ سُوءِ فِعْلي وَإِساءَتي ، وَدَوامِ تَفْريطي وَجَهالَتي ، وَكَثْرَةِ شَهَواتي وَغَفْلَتي .

وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لي في كُلِّ الْأَحْوالِ رَؤُفاً ، وَعَلَيَّ في جَميعِ الْأُمُورِ عَطُوفاً ، إِلٰهي وَرَبّي مَنْ لي غَيْرُكَ ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرّي ، وَالنَّظَرَ في أَمْري .

إِلٰهي وَمَوْلايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فيهِ هَوىٰ نَفْسي ، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فيهِ مِنْ

تَزْيِينِ عَدُوّي ، فَغَرَّني بِمٰا أَهْوىٰ وَأَسْعَدَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ الْقَضٰاءُ فَتَجٰاوَزْتُ بِمٰا جَرىٰ عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ ، وَخٰالَفْتُ بَعْضَ أَوٰامِرِكَ .

فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ) عَلَيَّ في جَمِيعِ ذٰلِكَ ، وَلٰا حُجَّةَ لي فيمٰا جَرىٰ عَلَيَّ فيهِ قَضٰاؤُكَ ، وَأَلْزَمَني حُكْمُكَ وَبَلاؤُكَ ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يٰا إِلٰهي بَعْدَ تَقْصيري وَإِسْرٰافي عَلىٰ نَفْسي ، مُعْتَذِراً نٰادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلاً مُسْتَغْفِراً مُنيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً ، لٰا أَجِدُ مَفَرّاً مِمّٰا كٰانَ مِنّي ، وَلٰا مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ في أَمْري غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْري ، وَإِدْخٰالِكَ إِيّٰايَ في سَعَةِ رَحْمَتِكَ .

أَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْري ، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّي ، وَفُكَّني مِنْ شَدِّ وَثٰاقي ، يٰا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَني ، وَرِقَّةَ جِلْدي ، وَدِقَّةَ عَظْمي ، يٰا مَنْ بَدَأَ خَلْقي وَذِكْري وَتَرْبِيَتي وَبِرّي وَتَغْذِيَتي ، هَبْني لِابْتِدٰاءِ كَرَمِكَ وَسٰالِفِ بِرِّكَ بي .

يٰا إِلٰهي وَسَيِّدي وَرَبّي ، أَتُرٰاكَ مُعَذِّبي بِنٰارِكَ بَعْدَ تَوْحيدِكَ ، وَبَعْدَ مٰا انْطَوىٰ عَلَيْهِ قَلْبي مِنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَلَهِجَ بِهِ لِساني مِنْ ذِكْرِكَ ، وَاعْتَقَدَهُ ضَميري مِنْ حُبِّكَ ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرٰافي وَدُعٰائي خٰاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ ، هَيْهٰاتَ ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ .

وَلَيْتَ شِعْري يٰا سَيِّدي وَإِلٰهي وَمَوْلاٰيَ أَتُسَلِّطُ النّٰارَ عَلىٰ وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سٰاجِدَةً ، وَعَلىٰ أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِكَ صٰادِقَةً ، وَبِشُكْرِكَ مٰادِحَةً ، وَعَلىٰ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلٰهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً ، وَعَلىٰ ضَمٰائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّٰى صٰارَتْ خٰاشِعَةً ، وَعَلىٰ جَوٰارِحَ سَعَتْ إِلىٰ أَوْطٰانِ تَعَبُّدِكَ طٰائِعَةً ، وَأَشٰارَتْ بِاسْتِغْفٰارِكَ مُذْعِنَةً .

مٰا هٰكَذَا الظَّنُّ بِكَ ، وَلٰا أُخْبِرْنٰا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يٰا كَرِيمُ يٰا رَبِّ ، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي

عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا وَعُقُوباتِها، وَما يَجْري فيها مِنَ الْمَكارِهِ عَلىٰ أَهْلِها، عَلىٰ أَنَّ ذٰلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَليلٌ مَكْثُهُ، يَسيرٌ بَقاؤُهُ، قَصيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلاءِ الْآخِرَةِ، وَجَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها، وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقامُهُ، وَلايُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لايَكُونُ إِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهٰذا ما لاتَقُومُ لَهُ السَّماواتُ وَالْأَرْضُ، يا سَيِّدي، فَكَيْفَ لي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ.

يا إِلٰهي وَرَبّي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِما مِنْها أَضِجُّ وَأَبْكي، لِأَليمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَئِنْ صَيَّرْتَني لِلْعُقُوباتِ مَعَ أَعْدائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْني وَبَيْنَ أَهْلِ بَلائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْني وَبَيْنَ أَحِبّائِكَ وَأَوْلِيائِكَ.

فَهَبْني يا إِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَرَبّي، صَبَرْتُ عَلىٰ عَذابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلىٰ فِراقِكَ، وَهَبْني صَبَرْتُ عَلىٰ حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلىٰ كَرامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النّارِ وَرَجائي عَفْوُكَ.

فَبِعِزَّتِكَ يا سَيِّدي وَمَوْلايَ أُقْسِمُ صادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَني ناطِقاً، لَأَضِجَّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِها ضَجيجَ الْآمِلينَ، وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكاءَ الْفاقِدينَ، وَلَأُنادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ، يا غايَةَ آمالِ الْعارِفينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا حَبيبَ قُلُوبِ الصّادِقينَ، وَيا إِلٰهَ الْعالَمينَ.

أَفَتُراكَ سُبْحانَكَ يا إِلٰهي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فيها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فيها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِيَتِهِ، وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَريرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنادِيكَ بِلِسانِ أَهْلِ تَوْحيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ.

يا مَوْلايَ ، فَكَيْفَ يَبْقىٰ فِي الْعَذابِ وَهُوَ يَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ ، أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهٰا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرىٰ مَكانَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهٰا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْباقِهٰا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ ، أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِيَتُهٰا وَهُوَ يُنادِيكَ يا رَبَّهْ ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ في عِتْقِهِ مِنْهٰا فَتَتْرُكُهُ فِيهٰا ، هَيْهٰاتَ ، ما ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسانِكَ .

فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلا ما حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جاحِدِيكَ ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلادِ مُعانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّهٰا بَرْداً وَسَلاماً ، وَما كانَ لِأَحَدٍ فِيهٰا مَقَرّاً وَلا مُقاماً ، لٰكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَهٰا مِنَ الْكافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ أَجْمَعِينَ ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعانِدِينَ ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَناؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً ، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَكَرِّماً ، أَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ .

إِلٰهي وَسَيِّدي ، فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي قَدَّرْتَهٰا ، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتي حَتَمْتَهٰا وَحَكَمْتَهٰا ، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرَيْتَهٰا ، أَنْ تَهَبَ لي في هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هٰذِهِ السّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبِينَ ، الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّي ، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحي ، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرائِهِمْ ، وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ ، وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ ، أَوْ إِحْسانٍ فَضَّلْتَهُ ، أَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَإٍ تَسْتُرُهُ .

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، يا إِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقّي ، يا مَنْ بِيَدِهِ

ناصِيَتي ، يا عَليماً بِضُرّي وَمَسْكَنَتي ، يا خَبيراً بِفَقْري وَفاقَتي .

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمِ صِفاتِكَ وَأَسْمائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقاتي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمالي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتّى تَكُونَ أَعْمالي وَأَوْرادي كُلُّها وِرْداً واحِداً ، وَحالي في خِدْمَتِكَ سَرْمَداً .

يا سَيِّدي يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلي ، يا مَنْ إِلَيْهِ شَكَوْتُ أَحْوالي ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، قَوِّ عَلىٰ خِدْمَتِكَ جَوارِحي ، وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحي ، وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ ، وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ في مَيادينِ السّابِقينَ ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِى الْبارِزينَ ، وَأَشْتاقَ إِلىٰ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقينَ ، وَأَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصينَ ، وَأَخافَكَ مَخافَةَ الْمُوقِنينَ ، وَأَجْتَمِعَ في جِوارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنينَ .

أَللّٰهُمَّ وَمَنْ أَرادَني بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ ، وَاجْعَلْني مِنْ أَحْسَنِ عَبيدِكَ نَصيباً عِنْدَكَ ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ ، وَأَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ ، فَإِنَّهُ لا يُنالُ ذٰلِكَ إِلّا بِفَضْلِكَ ، وَجُدْ لي بِجُودِكَ ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ ، وَاحْفَظْني بِرَحْمَتِكَ ، وَاجْعَلْ لِساني بِذِكْرِكَ لَهِجاً ، وَقَلْبي بِحُبِّكَ مُتَيَّماً ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجابَتِكَ ، وَأَقِلْني عَثْرَتي ، وَاغْفِرْ زَلَّتي ، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلىٰ عِبادِكَ بِعِبادَتِكَ ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعائِكَ ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَةَ .

فَإِلَيْكَ يا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهي ، وَإِلَيْكَ يا رَبِّ مَدَدْتُ يَدي ، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لي دُعائي ، وَبَلِّغْني مُنايَ ، وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجائي ، وَاكْفِني شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدائي .

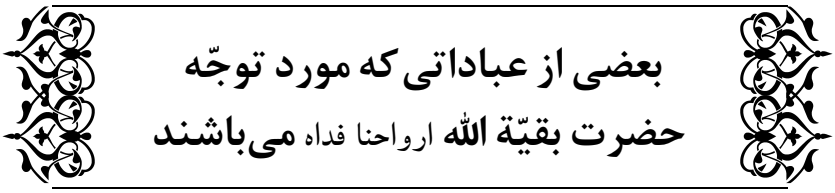
يا سَريعَ الرِّضا ، اِغْفِرْ لِمَنْ لا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعاءَ ، فَإِنَّكَ فَعّالٌ لِما تَشاءُ ، يا مَنِ اسْمُهُ

دَوٰاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفٰاءٌ، وَطٰاعَتُهُ غِنًى، إِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مٰالِهِ الرَّجٰاءُ، وَسِلٰاحُهُ الْبُكٰاءُ، يٰا سٰابِغَ النِّعَمِ، يٰا دٰافِعَ النِّقَمِ، يٰا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يٰا عٰالِماً لٰا يُعَلَّمُ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ الْمَيٰامِينِ مِنْ آلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً.[1]

١. مصباح المتهجّد: ٨٤٤، مفاتيح الجنان: ١٢٦.

خاتمه کتاب
یا ملحقات

خاتمهٔ کتاب یا ملحقات



بعضی از عباداتی که مورد توجّه حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشند

در پایان کتاب بعضی از عباداتی را که مورد توجّه خاصّ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشند و یا به انجام آن‌ها امر فرموده‌اند، ذکر می‌نماییم، این بخش را با جریان سیّد احمد رشتی موسوی ﷺ ـ که متضمّن دستوراتی از سوی آن حضرت است ـ آغاز می‌نماییم.

مرحوم محدّث نوری می‌نویسد: سیّد رشتی ﷺ می‌گوید: در سال ۱۲۸۰ برای حجّ بیت الله الحرام از شهر رشت حرکت کرده و در تبریز در خانهٔ تاجر معروف حاج صفر علی تبریزی مهمان شدم. کاروان حرکت کرده بود، من متحیّر بودم که چگونه سفر کنم؟ در این میان کاروان حاج جبّار جلودار سدهی اصفهانی به طرف «طربوزن» حرکت کرد.

من به تنهایی اسبی از او کرایه کرده و به راه افتادم. چون به اوّلین کاروان سرا رسیدم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر علی بنام‌های حاج ملّا باقر تبریزی، حاج سیّد حسین تاجر تبریزی، و حاج علی به من ملحق شدند.

باهم رفیق شدیم و حرکت نموده تا به «ارضروم» رسیدیم و از آنجا عازم «طربوزن» شدیم، در یکی از کاروان سراهای میان این دو شهر، حاج جبّار به نزد ما آمده و گفت: کاروان سرایی که در پیش داریم ترسناک است، کمی عجله کنید تا همراه

کاروان باشید، چون معمولاً با فاصلهٔ کمی از کاروان حرکت می‌کردیم.

ما تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت پیش از اذان صبح حرکت کردیم، هنوز نصف یا سه ربع فرسخ راه نرفته بودیم که هوا ابری شد و ابرها جلو مهتاب را گرفته و هوا تاریک شد، و بارش برف شروع شد، شدّت بارش برف به قدری بود که رفقا هر کدام سر خود را پوشانده و با سرعت حرکت کردند.

من هر چه سعی کردم تا بتوانم خودم را به آن‌ها برسانم نتوانستم، آن‌ها دور شدند و رفتند و من تنها ماندم.

از اسب پیاده شده و در کنار راه نشستم، خیلی مضطرب بودم. چون برای هزینهٔ سفر تقریباً مبلغ ششصد تومان پول همراهم بود؛ مقداری فکر کردم و تصمیم گرفتم در همان جا بمانم تا هوا روشن شده و به کاروان سرای قبلی برگردم، از آنجا چند نفر محافظ به همراه بردارم، و توسّط آنها به کاروان ملحق شوم.

در این حال بودم که ناگاه در برابرم باغی دیدم، باغبانی در آن بود، و بیلی در دست گرفته و به درختان می‌زد و برف آنها را می‌ریخت، نزد من آمد و با فاصلهٔ کمی ایستاد و فرمود: تو کیستی؟

عرض کردم: رفقایم رفتند، من تنها مانده‌ام، راه را بلد نیستم.

به زبان فارسی فرمود: **نافله بخوان** تا راه را پیدا کنی. من مشغول خواندن نماز شب شدم. نماز را تمام کردم دوباره آمد و فرمود:

چرا نرفتی؟ گفتم: به خدا راه را بلد نیستم.

فرمود: **جامعه بخوان**.

من زیارت جامعه را از حفظ نبودم و تاکنون نیز از حفظ نیستم؛ با آنکه بارها به زیارت عتبات مشرّف شده‌ام، با این حال بلند شدم و زیارت جامعه را بطور کامل از حفظ خواندم. باز آن آقا نمایان شد و فرمود:

نرفتی؟ هستی؟! بی اختیار گریستم و گفتم: هنوز هستم و راه را بلد نیستم.

فرمود: **عاشورا بخوان**.

من زیارت عاشورا را نیز از حفظ نبودم، و تاکنون هم از حفظ نیستم. برخاستم و از حفظ مشغول زیارت عاشورا شدم و زیارت را با همهٔ لعن و سلام و **دعای علقمه** خواندم.

باز آن آقا آمد و فرمود: نرفتی ؟! هستی ؟!

گفتم: نه هنوز نرفتم، تا صبح هستم.

فرمود: من الان تو را به کاروان می رسانم.

سپس رفت و بر الاغی سوار شد، و بیل خود را به دوش گرفت و آمد، فرمود: به ردیف من بر الاغ سوار شو.

من سوار شدم، و افسار اسبم را کشیدم. ولی اسب حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده، من افسار را به او دادم. بیل خود را به دوش چپ گذاشت و افسار اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد. اسب در نهایت تمکین متابعت کرده و حرکت نمود.

سپس دست خود را بر زانوی من زد و فرمود: **چرا شما نافله نمی‌خوانید ؟ نافله ! نافله !** سه مرتبه این را تکرار فرمود.

باز فرمود: **چرا شما عاشورا نمی‌خوانید ؟ عاشورا ! عاشورا ! عاشورا !** و سه مرتبه تکرار فرمود.

بعد فرمود: **چرا شما جامعه نمی‌خوانید ؟ جامعه ! جامعه ! جامعه !**.

ایشان در هنگام پیمودن راه دایره وار حرکت می‌فرمود، ناگاه رو به من کرد و فرمود: «آن است رفقای شما که در کنار چشمهٔ آبی فرود آمده‌اند»، مشغول وضو برای نماز صبح بودند.

من از الاغ پایین آمدم خواستم سوار اسبم شوم ولی نتوانستم. آن بزرگوار پیاده شد، و بیل را در برف فرو کرد، و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانید.

در این حال به این فکر افتادم که: این آقایی که به زبان فارسی حرف می‌زد که بود؟ در صورتی که در آن منطقه همه ترک و مسیحی بودند و ترکی حرف می‌زدند، و چگونه با این سرعت مرا به رفقای خود رسانید؟!

پشت سر خودم نگاه کردم کسی را ندیدم و اثری از او نبود، پس به رفقای خودم ملحق شدم.

نماز شب: مرحوم محدّث نوری می‌نویسد: فضایل و فواید «نماز شب» از حدّ بیان و توصیف خارج است، به جهت دقایق و اسرار آن که اجمالاً در قرآن و روایات بیان شده و به این جهت در چند خبر سه مرتبه به انجام دادن آن تأکید شده است.

شیخ کلینی و مرحوم صدوق و شیخ برقی روایتی از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل کرده‌اند که فرمودند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سفارشاتی را به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام بیان کرده و فرمودند که آنها را انجام دهد و دعا کردند که خداوند آن حضرت را بر انجام آنها یاری نماید؛ از جمله سفارشات این بود که حضرت فرمود:

بر تو باد به نماز شب! بر تو باد به نماز شب! بر تو باد به نماز شب!

گفتنی است که مضمون این روایت در کتاب «فقه الرضا علیه‌السلام» نیز ذکر شده است.

زیارت جامعه: این زیارت به تصریح عدّه‌ای از دانشمندان از بهترین و کامل‌ترین زیارت‌ها است.

علّامهٔ مجلسی رحمه‌الله در کتاب مزار «بحار الأنوار» برخی از فقرات آن را بیشتر از زیارات دیگر شرح داده و در این باره می‌گوید:

در شرح این زیارت اندکی سخن را بسط دادیم، گرچه از ترس طولانی شدن آن، نتوانستیم حقّ سخن را اداء کنیم؛ زیرا که این زیارت، صحیح‌ترین زیارات از جهت سند، و عمومی‌ترین آنها از نظر مورد، و فصیح‌ترین آنها از نظر لفظ، و بلیغ‌ترین آنها از نظر معنی، و بالاترین آنها از نظر شأن و مقام است.

زیارت عاشورا: در فضیلت و شأن زیارت عاشورا همین بس که از زیارات معمولی نیست که انشاء و املای یکی از معصومین علیهم‌السلام باشد، گرچه آنچه از قلوب مطهرهٔ آنان بیرون آید از عالم بالا است، بلکه این زیارت از احادیث قدسی است که به همین ترتیبِ موجود ـ زیارت، لعن، سلام و دعا ـ از حضرت احدیّت جلّت عظمته به جبرئیل امین، و از او به خاتم النبیّین صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیده است.

خواندن این زیارت و مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در برآورده شدن‌حاجات و رسیدن به آرزوها و برطرف شدن شرّ دشمنان، بی‌نظیر است و این به تجربه ثابت شده است.

بهترین نتیجه‌ای که از مواظبت آن به دست می‌آید، فایده‌ای است که در کتاب «دار السلام» ذکر کردم، اینک به صورت خلاصه آن را نقل می‌نمایم:

یکی از بهترین مجاوران نجف اشرف بنام حاج ملّا حسن یزدی که فردی شایسته و پرهیزکار، و همواره مشغول عبادت و زیارت بود از فرد موثّق و امین حاج محمّد علی یزدی که مرد فاضل و صالحی در یزد بود و همیشه به اصلاح امر آخرت خود می‌پرداخت، نقل کرد:

شبها در مقبره‌ای در خارج یزد که در آن عدّه‌ای از شایستگان مدفونند و به مزار معروف است به سر می‌بردم، همسایه‌ای داشتم که از کودکی با هم بزرگ شده و با هم درس می‌خواندیم، او بزرگ شد و به شغل مالیات‌گیری مشغول شد، مدّتی زندگی کرد تا از دنیا رفت و او را در همان مقبره به خاک سپردند.

هنوز یک ماه نگذشته بود او را در حال نیکویی در خواب دیدم. نزد او رفته و گفتم: من اوّل و آخر و ظاهر و باطن کار تو را می‌دانم، و از کسانی نبودی که احتمال خوبی در باطن آنها داده شود تا کارهای زشت آنها به نحو خوب مثل تقیّه یا ضرورت یا کمک به مظلوم حمل شود و شغلی هم که انتخاب کرده بودی تو را به سوی عذاب می‌برد، تو با کدام عمل به این مقام رسیدی؟

گفت: راست گفتی، من از روزی که از دنیا رفتم و مرا به خاک سپردند تا دیروز در شدیدترین عذاب‌ها بودم، دیروز زن استاد اشرف آهنگر فوت کرد، او را در این مکان دفن کردند ـ اشاره نمود به محلّی کـه نـزدیک صـد مـتری او بـود ـ در شب دفـن او حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام سه مرتبه از او دیدن نمود، و در مرتبهٔ سوّم امر فرمود که از این قبرستان عذاب برداشته شود، و حالِ ما خوب شد، و در وسعت و نعمت قرار گرفتیم.

از خواب بیدار شدم و متحیّر بودم، زیرا نه آهنگری می‌شناختم و نه محلّهٔ او را بلد بودم، به بازار آهنگران رفتم و از او جستجو کردم، او را پیدا کردم، پرسیدم: آیا تو زن داشتی؟

گفت: آری؛ زن من دیروز وفات کرد، او را در فلان مکان ـ همان مکان را نام برد ـ دفن کردم.

گفتم: آیا او به زیارت حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام رفته بود؟ گفت: نه!

گفتم: آیا او برای مصائب حضرت روضه‌خوانی می‌کرد؟ گفت: نه!

گفتم: آیا مجلس عزاداری تشکیل می‌داد؟ گفت: نه؟

آهنگر پرسید: چه می‌خواهی و منظورت از این پرسش‌ها چیست؟ من خـواب خود را برای او تعریف کردم.

گفت: آن زن **زیارت عاشورا** می‌خواند و به آن مداومت می‌نمود.

گفتنی است که سیّد احمد رشتی ـ که جریان گذشته را از او نقل کردیم ـ خـود از شایستگان و پرهیزکاران بشمار می‌رفت، او بر طاعات و عـبادات و زیـارات و ادای حقوق و طهارت لباس و بدن از آلودگی‌های شبهه‌ناک مواظبت می‌نمود، و در مـیان مردم شهر به پرهیزکاری و راستی مشهور بود، و در زیارات لطف‌هایی شامل حال او می‌شد که اینجا محل ذکر آن نیست.[1]

---

۱. نجم الثاقب: ۶۰۱.

نماز شب

اکنون کیفیّت نماز شب را بیان کرده، سپس زیارت عاشورا و ... را نقل می‌نماییم:

نماز شب: اوّلِ وقت آن از نیمهٔ شب شروع می‌شود و هر چه به طلوع فجر نزدیک‌تر شود فضیلتش بیشتر است، اگر چهار رکعت آن را بخواند، و صبح شود می‌تواند بقیّهٔ آن را با یک حمد بدون سوره (به قصد اداء) بخواند.

اوّل هشت رکعت به نیّت نماز شب، دو رکعت دو رکعت بخواند و پس از هر دو رکعت سلام دهد، بهتر است که در دو رکعت اوّل بعد از سورهٔ «حمد» شصت مرتبه سورهٔ «توحید» را بخواند که در هر رکعت سی مرتبه می‌شود، اگر به این صورت بخواند پس از تمام کردن نماز میان او و خدای عزّوجل گناهی نمی‌ماند.

یا آنکه در رکعت اوّل سورهٔ «توحید» و در رکعت دوّم ﴿**قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ**﴾ را بخواند، و در شش رکعت دیگر سورهٔ «حمد» و هر سوره‌ای را که می‌خواهد، بخواند، و اگر در هر رکعت سورهٔ «حمد» و ﴿**قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ**﴾ را بخواند، کافی است.

(مستحبّ است بعد از دو رکعت اوّل، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۱۸۶ نقل کردیم بخواند. و بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۱۸۷ نقل کردیم بخواند.)

نماز شب را می‌توان فقط با سورهٔ «حمد» خواند و همان طوری که قنوت در نمازهای واجب مستحبّ است در این نماز نیز مستحبّ است، و اگر سه مرتبه «سبحان الله» بگوید کافی است، و یا آنکه بگوید:

«أَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنٰا وَارْحَمْنٰا وَعٰافِنٰا وَاعْفُ عَنّٰا فِي الدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». و یا آن که بگوید: **«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجٰاوَزْ عَمّٰا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ»**.

روایت شده است: حضرت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام هنگام شب در محراب

عبادت می‌ایستاد، این دعا را می‌خواند: **أَللّٰهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيّاً** ... و این پنجاهمین دعای صحیفهٔ کامله است.

چون هشت رکعت نماز شب را تمام کرد دو رکعت به نیّت نماز شفع و یک رکعت به نیّت نماز وتر بجا آورد، و در این سه رکعت بعد از سورهٔ «حمد» ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ را بخواند که بمنزلهٔ ختم قرآن است، زیرا که سورهٔ توحید یک سوّم قرآن است.

یا در نماز شفع در رکعت اوّل سورهٔ «حمد» و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ**﴾، و در رکعت دوّم سورهٔ «حمد» و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ را بخواند. **(در نماز شفع قنوت وارد نشده و آن را به قصد رجاء می‌تواند بخواند)**.

پس از نماز شفع برخیزد و یک رکعت نماز وتر با سورهٔ «حمد» و سورهٔ «توحید» بخواند، و یا آنکه بعد از سورهٔ «حمد» سه مرتبه ﴿**قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ**﴾ و معوّذتین ـ یعنی ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ**﴾ و ﴿**قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّٰاسِ**﴾ ـ را بخواند، و دست بر قنوت بردارد و برای هر چه می‌خواهد دعا کند.

شیخ طوسی ﷺ می‌گوید: دعاهائی که در قنوت این نماز خوانده می‌شود بی‌شمار است، گرچه هر دعایی وقت معیّنی دارد، ولی در غیر وقت آن نیز می‌شود خواند.

مستحبّ است انسان در قنوت این نماز از ترس خدا و ترس از عذاب خدا گریه کرده یا تباکی نماید، و برای برادران مؤمن دعا کند.

و مستحبّ است که چهل نفر از مؤمنین را نام برده و برای آنها دعا کند، هر کس برای چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود ان شاء الله.

شیخ صدوق ﷺ در کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌گوید: حضرت رسول اکرم ﷺ در قنوت نماز وتر این دعا را می‌خواند:

أَللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعٰافِنِي فِيمَنْ عٰافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبٰارِكْ لِي فِيمٰا أَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مٰا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلٰا يُقْضىٰ عَلَيْكَ، سُبْحٰانَكَ رَبَّ

الْبَيْتِ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ، وَأُؤْمِنُ بِكَ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمُ .

بهتر است در قنوت، هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللهَ (رَبِّي) وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**. و سزاوار است که دست چپ را به دعا بلند کند، و با دست راست استغفار را بشمارد.[1] و مستحبّ است سیصد مرتبه بگوید: «**اَلْعَفْو**».

کسی که چهار رکعت از نماز شب را قبل از اذان صبح خوانده است بقیّهٔ آن را بعد از نماز صبح به نیّت اداء بخواند. کسی که نمی‌تواند نماز شب را بعد از نیمهٔ شب بخواند، می‌تواند آن را قبل از نیمهٔ شب بخواند.

زیارت عاشورا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ ، وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللهِ أَبَداً مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ .

يَا أَبَاعَبْدِاللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللهُ فِيهَا ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ ، بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ .

---

۱. الباقیات الصالحات (حاشیهٔ مفاتیح الجنان): ۲۶۰.

يا أَبا عَبْدِاللهِ ، إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ ، وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ ، وَلَعَنَ اللهُ بَني اُمَيَّةَ قاطِبَةً ، وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ ، وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ ، وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتالِكَ .

بِأَبي أَنْتَ وَاُمّي لَقَدْ عَظُمَ مُصابي بِكَ ، فَأَسْئَلُ اللهَ الَّذي أَكْرَمَ مَقامَكَ ، وَأَكْرَمَني بِكَ أَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثارِكَ مَعَ إِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني عِنْدَكَ وَجيهاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ .

يا أَبا عَبْدِاللهِ ، إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ وَ إِلىٰ رَسُولِهِ وَ إِلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَ إِلىٰ فاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُوالاتِكَ ، وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ قاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ، وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ ، وَأَبْرَءُ إِلَى اللهِ وَ إِلىٰ رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ذٰلِكَ ، وَبَنىٰ عَلَيْهِ بُنْيانَهُ ، وَجَرىٰ في ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَشْياعِكُمْ .

بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّكُمْ ، وَبِالْبَرائَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبينَ لَكُمُ الْحَرْبَ ، وَبِالْبَرائَةِ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ ، إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ ، فَأَسْئَلُ اللهَ الَّذي أَكْرَمَني بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ ، وَرَزَقَني الْبَرائَةَ مِنْ أَعْدائِكُمْ ، أَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ .

وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَاللهِ ، وَأَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثاري مَعَ إِمامٍ مَهْدِيٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَأَسْئَلُ اللهَ بِحَقِّكُمْ ، وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَكُمْ عِنْدَهُ ،

أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابي بِكُمْ أَفْضَلَ ما يُعْطي مُصاباً بِمُصيبَتِهِ مُصيبَةً ما أَعْظَمَها وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي الْإِسْلامِ وَفي جَميعِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ.

أَللّٰهُمَّ اجْعَلْني في مَقامي هٰذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ. أَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. أَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ، وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبادِ اللَّعينُ بْنُ اللَّعينِ عَلىٰ لِسانِكَ وَلِسانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، في كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَبَاسُفْيانَ وَمُعاوِيَةَ وَيَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْآبِدينَ، وَهٰذا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيادٍ وَآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ. أَللّٰهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذابَ الْأَليمَ. أَللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ في هٰذَا الْيَوْمِ، وَفي مَوْقِفي هٰذا وَأَيّامِ حَياتي بِالْبَرائَةِ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَبِالْمُوالاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ.

سپس صد مرتبه می‌گویی: أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلىٰ ذٰلِكَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتي جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ وَتابَعَتْ عَلىٰ قَتْلِهِ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً.

پس از آن صد مرتبه می‌گویی: اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِاللهِ، وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ، عَلَيْكَ مِنّي سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكُمْ، اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَصْحابِ الْحُسَيْنِ.

آنگاه می‌گویی: أَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الْعَنِ

الثّانِيَ وَالثّالِثَ وَالرّابِعَ. أَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزيدَ خامِساً، وَالْعَنْ عُبَيْدَاللهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ أَبي سُفْيانَ وَآلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

سپس سجده می‌نمایی و می‌گویی: **أَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاكِرينَ لَكَ عَلىٰ مُصابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ عَظيمِ رَزِيَّتي. أَللّٰهُمَّ ارْزُقْني شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبِّتْ لي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحابِ الْحُسَيْنِ، اَلَّذينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ.**[1] [2]

آن گاه دو رکعت نماز خوانده و پس از آن دعای علقمه را بخواند.

---

۱. البلد الأمین: ۳۸۲، مفاتیح الجنان: ۹۰۲.

۲. علّامهٔ امینی **رضوان الله علیه** می‌فرماید: علّامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف: ۱۹۹/۲» از اجلّهٔ بزرگان از امام هادی علیه‌السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:
هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: **أَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ**... تا به آخر، و بعد از آن بگوید: **أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً تِسْعاً وَتِسْعينَ مَرَّةً**، و بعد از آن بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَباعَبْدِاللهِ، وَعَلَى الْأَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ** تا به آخر، سپس بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَوْلادِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ أَصْحابِ الْحُسَيْنِ تِسْعاً وَتِسْعينَ مَرَّةً**، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اوّل تا آخر خوانده است. (أدب الزائر: ۶۰)
در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنیم:
۱ ـ پس از آنکه یک مرتبه لعن را کاملاً گفت، یک مرتبه بگوید: **أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً تِسْعاً وَتِسْعينَ مَرَّةً**، و پس از آن، تمام سلام را بخواند و یک مرتبه بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ ... تِسْعاً وَتِسْعينَ مَرَّةً**.
۲ ـ پس از آنکه یک مرتبه لعن را کاملاً گفت نود و نه مرتبه بگوید: **أَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً** و پس از آنکه تمام سلام را ذکر کرد، نود و نه مرتبه بگوید: **اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ ... أَصْحابِ الْحُسَيْنِ**.
احتمال اوّل ظاهرتر است و مانند آن در روایات وارد شده است؛ نظیر جریان حضرت نوح علیه‌السلام، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو: «لا إله إلّا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت، گفت: «لا إله إلّا الله ألف مرّة» و وارد کشتی شد. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۶۲/۱۱

دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) [۱]

يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ، يا كاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبينَ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، وَيا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ، وَيا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ وَبِالْأُفُقِ الْمُبينِ، وَيا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ، وَيا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيا مَنْ لايَخْفىٰ عَلَيْهِ خافِيَةٌ.

يا مَنْ لاتَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْواتُ، وَيا مَنْ لاتُغَلِّطُهُ الْحاجاتُ، وَيا مَنْ لايُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّينَ، يا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيا جامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَيا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَأْنٍ، يا قاضِيَ الْحاجاتِ، يا مُنَفِّسَ الْكُرُباتِ، يا مُعْطِيَ السُّؤُلاتِ، يا وَلِيَّ الرَّغَباتِ، يا كافِيَ الْمُهِمّاتِ، يا مَنْ يَكْفي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلايَكْفي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ.

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَعَلِيٍّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَبِحَقِّ فاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ في مَقامي هٰذا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّأْنِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالْقَدْرِ الَّذي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعالَمينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعالَمينَ، وَبِهِ أَبَنْتَهُمْ، وَأَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعالَمينَ حَتّى فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعالَمينَ جَميعاً.

---

۱. در جریان مرحوم سیّد رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان، زیارت عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه‌اش نبود و این نکته‌ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجّه است.

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنّي غَمّي وَهَمّي وَكَرْبي، وَتَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ اُمُوري، وَتَقْضِيَ عَنّي دَيْني، وَتُجيرَني مِنَ الْفَقْرِ، وَتُجيرَني مِنَ الْفاقَةِ، وَتُغْنِيَني عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقينَ.

وَتَكْفِيَني هَمَّ مَنْ أَخافُ هَمَّهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونَةَ مَنْ أَخافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخافُ مَكْرَهُ، وَبَغْيَ مَنْ أَخافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطانَ مَنْ أَخافُ سُلْطانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ أَخافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدُرَةَ مَنْ أَخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ، وَتَرُدَّ عَنّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ.

أَللّٰهُمَّ مَنْ أَرادَني فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كادَني فَكِدْهُ، وَاصْرِفْ عَنّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمانِيَّهُ، وَامْنَعْهُ عَنّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنّٰى شِئْتَ. أَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنّي بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ، وَبِبَلاءٍ لا تَسْتُرُهُ، وَبِفاقَةٍ لا تَسُدُّها، وَبِسُقْمٍ لا تُعافيهِ، وَذُلٍّ لا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَةٍ لا تَجْبُرُها.

أَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنَيْهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ في مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ في بَدَنِهِ حَتّٰى تَشْغَلَهُ عَنّي بِشُغْلٍ شاغِلٍ لا فَرٰاغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْري كَما أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَميعِ جَوارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ في جَميعِ ذٰلِكَ السُّقْمَ، وَلا تَشْفِهِ حَتّٰى تَجْعَلَ ذٰلِكَ لَهُ شُغْلاً شاغِلاً بِهِ عَنّي وَعَنْ ذِكْري.

وَاكْفِني يا كافِيَ ما لا يَكْفي سِواكَ، فَإِنَّكَ الْكافي لا كافِيَ سِواكَ، وَمُفَرِّجٌ لا مُفَرِّجَ سِواكَ، وَمُغيثٌ لا مُغيثَ سِواكَ، وَجارٌ لا جارَ سِواكَ، خابَ مَنْ كانَ جارُهُ سِواكَ، وَمُغيثُهُ سِواكَ، وَمَفْزَعُهُ إِلىٰ سِواكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلىٰ سِواكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلىٰ غَيْرِكَ، وَمَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقَتي وَرَجائي وَمَفْزَعي وَمَهْرَبي وَمَلْجَاي

وَمَنْجايَ ، فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ ، وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ .

فَأَسْئَلُكَ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ ، فَلَكَ الْحَمْدُ ، وَلَكَ الشُّكْرُ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ ، فَأَسْئَلُكَ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنّي غَمّي وَهَمّي وَكَرْبي في مَقامي هٰذا كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ ، فَاكْشِفْ عَنّي كَما كَشَفْتَ عَنْهُ ، وَفَرِّجْ عَنّي كَما فَرَّجْتَ عَنْهُ ، وَاكْفِني كَما كَفَيْتَهُ ، وَاصْرِفْ عَنّي هَوْلَ ما أَخافُ هَوْلَهُ ، وَمَؤُونَةَ ما أَخافُ مَؤُونَتَهُ ، وَهَمَّ ما أَخافُ هَمَّهُ بِلا مَؤُونَةٍ عَلىٰ نَفْسي مِنْ ذٰلِكَ ، وَاصْرِفْني بِقَضاءِ حَوائِجي ، وَكِفايَةِ ما أَهَمَّني هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتي وَدُنْيايَ .

يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَيا أَبا عَبْدِاللهِ عَلَيْكُما مِنّي سَلامُ اللهِ أَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ ، وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما ، وَلا فَرَّقَ اللهُ بَيْني وَبَيْنَكُما .

أَللّٰهُمَّ أَحْيِني حَيٰوةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ ، وَأَمِتْني مَماتَهُمْ ، وَتَوَفَّني عَلىٰ مِلَّتِهِمْ ، وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ ، وَلا تُفَرِّقْ بَيْني وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ .

يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَيا أَبا عَبْدِاللهِ أَتَيْتُكُما زائِراً وَمُتَوَسِّلاً إِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكُما ، وَمُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ بِكُما ، وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما إِلَى اللهِ تَعالىٰ في حاجَتي هٰذِهِ ، فَاشْفَعا لي ، فَإِنَّ لَكُما عِنْدَاللهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ ، وَالْجاهَ الْوَجيهَ ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفيعَ وَالْوَسيلَةَ ، إِنّي أَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَقَضائِها وَنَجاحِها مِنَ اللهِ بِشَفاعَتِكُما لي إِلَى اللهِ في ذٰلِكَ ، فَلا أَخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً خائِباً خاسِراً بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً راجِحاً راجِياً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِقَضاءِ جَميعِ حَوائِجي ، وَتَشَفَّعا لي إِلَى اللهِ .

اِنْقَلَبْتُ عَلىٰ ما شاءَ اللهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ ، مُفَوِّضاً أَمْري إِلَى اللهِ ، مُلْجِأً

ظَهْري إِلَى اللهِ ، مُتَوَكِّلاً عَلَى اللهِ ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ وَكَفىٰ ، سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعىٰ ، لَيْسَ لي وَرٰاءَ اللهِ وَوَرٰائَكُمْ يٰا سٰادَتي مُنْتَهىٰ ، مٰا شٰاءَ رَبّي كٰانَ ، وَمٰا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ ، وَلٰا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي إِلَيْكُمٰا .

إِنْصَرَفْتُ يٰا سَيِّدي يٰا أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَمَوْلاٰيَ ، وَأَنْتَ يٰا أَبٰاعَبْدِاللهِ يٰا سَيِّدي ، وَسَلامي عَلَيْكُمٰا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهٰارُ ، وٰاصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُمٰا ، غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمٰا سَلامي إِنْ شٰاءَ اللهُ ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمٰا أَنْ يَشٰاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ ، فَإِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ .

اِنْقَلَبْتُ يٰا سَيِّدَيَّ عَنْكُمٰا تٰائِباً حٰامِداً لِلّٰهِ ، شٰاكِراً رٰاجِياً لِلْإِجٰابَةِ ، غَيْرَ آيِسٍ وَلٰا قٰانِطٍ ، آئِباً عٰائِداً رٰاجِعاً إِلىٰ زِيٰارَتِكُمٰا ، غَيْرَ رٰاغِبٍ عَنْكُمٰا ، وَلٰا مِنْ زِيٰارَتِكُمٰا ، بَلْ رٰاجِعٌ عٰائِدٌ إِنْ شٰاءَ اللهُ ، وَلٰا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلّٰا بِاللهِ .

يٰا سٰادَتي رَغِبْتُ إِلَيْكُمٰا وَإِلىٰ زِيٰارَتِكُمٰا بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فيكُمٰا وَفي زِيٰارَتِكُمٰا أَهْلُ الدُّنْيٰا ، فَلا خَيَّبَنِيَ اللهُ مٰا رَجَوْتُ ، وَمٰا أَمَّلْتُ في زِيٰارَتِكُمٰا ، إِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ .[1]

تجلیل حضرت بقیّة الله عجّل الله تعالی فرجه از زیارت جامعه

مرحوم علّامهٔ مجلسیِ اوّل ﷺ پیرامون این زیارت شریف چنین می‌نگارد:

این زیارت در حرم‌های شریفِ همهٔ ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام خوانده می‌شود، و انسان می‌تواند در یکی از حرم‌های مطهّر، همهٔ ائمّه را ـ چه از نزدیک و چه از دور ـ قصد نموده و زیارت کند؛ و اگر در هر مرتبه به ترتیب یکی از آنها را قصد نماید و بقیّه را به تبعیّت زیارت کند، بهتر خواهد بود، چنانکه من چنین زیارت می‌نمایم.

در یک رؤیای صادقه حضرت امام رضا علیه‌السلام را دیدم، حضرت این زیارت را تقریر

۱. مفاتیح الجنان: ۹۰۸.

و تحسین نمودند، و هنگامی که خداوند متعال مرا موفق بـه زیـارت حـضرت امـیر مؤمنان علی علیه‌السلام نمود، در پیرامون روضهٔ مقدّسهٔ حضرتش مشغول به مجاهدهٔ نفس و تزکیه و تهذیب شدم، خداوند به برکت مولای ما علیه‌السلام درهای مکاشفاتی را برایم بـاز کرد که عقل‌های ضعیف از درک و تحمّل آن ناتوانند.

در آن عالم ـ یا بهتر بگویم: در عالم میان خواب و بیداری ـ هنگامی که در رواق «عمران» نشسته بودم، دیدم حرم حضرت امام هادی و امام حسـن عسکـری علیهماالسلام در نهایت بلندی است و به بهترین وجهی زینت داده شـده؛ بـر روی قـبر مـطهّر آن دو بزرگوار لباس سبزی از لباس‌های بهشتی بود؛ زیرا همچو لباسی را در میان لباس‌های دنیا ندیده بودم.

ناگاه مولای ما و مولای همهٔ مردم یعنی حضرت صاحب الزمان صـلوات الله عـلیه را دیدم، ایشان رو به درب و پشت به قبر نشسته بود، چون آن حضرت را مشاهده کردم با صدای بلندی ـ مانند مدّاح‌ها ـ زیارت جـامعه را آغـاز کـردم، وقـتی تـمام کـردم، حضرت فرمود: **چه زیارت خوبی است ؟!**

عرض کردم: مولای من! جانم فدای شما؛ زیارت جدّتان را می‌فرمایید ـ و اشاره به قبر مطهر نمودم ـ؟

فرمود: آری؛ وارد شو. چون وارد روضهٔ مقدّسه شدم نزدیک درب ایستادم.

حضرت فرمود: جلوتر بیا.

عرض کردم: ای مولای من! می‌ترسم به سبب ترک ادب کافر شوم.

فرمود: اگر به اجازهٔ ما جلوتر بیائی، اشکال ندارد.

با ترس و لرز مقدار کمی جلوتر رفتم، فرمود: جلوتر بیا، جلوتر بـیا، تـا ایـنکه نزدیک حضرت رسیدم.

فرمود: بنشین. عرض کردم: مولای من! می‌ترسم.

فرمود: نترس.

چون در محضر والایش مانند غلامی که در محضر مولای بزرگوار خود بنشیند، نشستم؛ حضرت فرمود:

راحت باش، و چهار زانو بنشین، زیرا تو خسته شده‌ای و پیاده راه آمده‌ای.

خلاصه؛ آن بزرگوار مهربانی‌ها و عنایات بزرگی را نسبت به بندهٔ خودش ارزانی داشتند، گفتگوی سرشار از مهر و محبّت و سخنان لطیف آن حضرت بی‌شمار است، البتّه اکثر آن‌ها را فراموش کرده‌ام.

از این رؤیا به خود آمدم، مدّت مدیدی بود راه بسته بود و زیارت سامرّاء ممکن نبود پس از این جریان در همان روز اسباب زیارت فراهم شد و به فضل خدا موانع بزرگی برطرف گردید و با پای پیاده ـ چنانکه حضرت ارواحنا فداه فرموده بود ـ موفّق به زیارت شدم، و شبی در روضهٔ مقدّسه چندین بار با خواندن این زیارت، زیارت می‌نمودم، و در راه و در روضهٔ مقدّسه کرامات عجیب ـ بلکه معجزه‌های شگفت انگیزی ـ برایم آشکار شد که اگر بخواهم تعریف کنم به درازا می‌کشد.

خلاصه این که، تردیدی نیست که زیارت جامعه بنا بر تقریر حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه از حضرت امام هادی علیه‌السلام است، و کامل‌ترین و زیباترین زیارات است، و من پس از این رؤیا غالباً با این زیارت ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام را زیارت می‌نمایم، و در عتبات عالیات به غیر این زیارت، زیارت نمی‌نمایم، و به همین جهت شرح اکثر زیارات را به تأخیر انداختم تا این زیارت را شرح کنم.[1]

۱. دار السلام: ۴۳/۲.

زیارت جامعهٔ کبیره

شیخ صدوق ﷺ در کتاب «من لایحضره الفقیه» و «عیون أخبار الرضا ﷺ» چنین روایت می‌کند: موسی نخعی می‌گوید: به حضرت امام هادی ﷺ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! مرا زیارتی با بلاغت و کامل تعلیم فرما، که هر گاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بخوانم. حضرت فرمود:

هر گاه خواستی یکی از ما را زیارت کنی غسل کن، و چون به آستانهٔ حرم یکی از ائمّهٔ معصومین ﷺ رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

وقتی مشرّف به داخل حرم مطهّر شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ**، اندکی با آرامش روح و جسم قدم بردار، و گام‌ها را نزدیک یکدیگر بگذار، آن گاه بایست و سی مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ** و چون نزدیک قبر مطهّر رسیدی، چهل مرتبه بگو: **اَللهُ أَكْبَرُ** که در مجموع صد تکبیر می‌شود، آن گاه بگو:

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكُمْ يٰا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسٰالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلٰائِكَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزّٰانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولَ الْكَرَمِ، وَقٰادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيٰاءَ النِّعَمِ، وَعَنٰاصِرَ الْأَبْرٰارِ، وَدَعٰائِمَ الْأَخْيٰارِ، وَ سٰاسَةَ الْعِبٰادِ، وَأَرْكٰانَ الْبِلٰادِ، وَأَبْوٰابَ الْإِيمٰانِ، وَأُمَنٰاءَ الرَّحْمٰانِ، وَسُلٰالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكٰاتُهُ.

اَلسَّلٰامُ عَلىٰ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَمَصٰابِيحِ الدُّجىٰ، وَأَعْلٰامِ التُّقىٰ، وَذَوِي النُّهىٰ، وَأُولِي الْحِجىٰ، وَكَهْفِ الْوَرىٰ، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيٰاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلىٰ، وَالدَّعْوَةِ

الْحُسْنىٰ ، وَحُجَجِ اللهِ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ .

اَلسَّلامُ عَلىٰ مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ ، وَمَساكِنِ بَرَكَةِ اللهِ ، وَمَعادِنِ حِكْمَةِ اللهِ ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ ، وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ ، وَأَوْصِياءِ نَبِيِّ اللهِ ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ .

اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ إِلَى اللهِ ، وَالْأَدِلّاءِ عَلىٰ مَرْضاتِ اللهِ ، وَالْمُسْتَقِرّينَ في أَمْرِ اللهِ ، وَالتّامّينَ في مَحَبَّةِ اللهِ ، وَالْمُخْلِصينَ في تَوْحيدِ اللهِ ، وَالْمُظْهِرينَ لِأَمْرِ اللهِ وَنَهْيِهِ ، وَعِبادِهِ الْمُكْرَمينَ ، اَلَّذينَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ .

اَلسَّلامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ ، وَالْقادَةِ الْهُداةِ ، وَالسّادَةِ الْوُلاةِ ، وَالذّادَةِ الْحُماةِ ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ ، وَبَقِيَّةِ اللهِ وَخِيَرَتِهِ ، وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ ، وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ ، وَنُورِهِ وَبُرْهانِهِ ، وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ .

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ ، كَما شَهِدَ اللهُ لِنَفْسِهِ ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ ، لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضىٰ ، أَرْسَلَهُ بِالْهُدىٰ وَدينِ الْحَقِّ ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ .

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ ، اَلْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ ، اَلْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ ، اَلصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ ، اَلْمُطيعُونَ لِلّهِ ، اَلْقَوّامُونَ بِأَمْرِهِ ، اَلْعامِلُونَ بِإِرادَتِهِ ، اَلْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ ، اِصْطَفاكُمْ بِعِلْمِهِ ، وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ ، وَاخْتارَكُمْ لِسِرِّهِ ، وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُداهُ ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهانِهِ ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ) ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفاءَ في أَرْضِهِ ، وَحُجَجاً عَلىٰ بَرِيَّتِهِ ، وَأَنْصاراً لِدينِهِ ، وَحَفَظَةً

لِسِرِّهِ ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ ، وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ ، وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ ، وَأَرْكاناً لِتَوْحيدِهِ ، وَشُهَداءَ عَلىٰ خَلْقِهِ ، وَأَعْلاماً لِعِبادِهِ ، وَمَناراً في بِلادِهِ ، وَأَدِلّاءَ عَلىٰ صِراطِهِ .

عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهيراً ، فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ ، وَوَكَّدْتُمْ ميثاقَهُ ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ ، وَدَعَوْتُمْ إِلىٰ سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ في مَرْضاتِهِ .

وَصَبَرْتُمْ عَلىٰ ما أَصابَكُمْ في جَنْبِهِ ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاةَ ، وَآتَيْتُمُ الزَّكاةَ ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَجاهَدْتُمْ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ ، حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ ، وَبَيَّنْتُمْ فَرائِضَهُ ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ ، وَنَشَرْتُمْ شَرايِعَ أَحْكامِهِ ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ ، وَصِرْتُمْ في ذٰلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضا ، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضىٰ .

فَالرّاغِبُ عَنْكُمْ مارِقٌ ، وَاللّازِمُ لَكُمْ لاحِقٌ ، وَالْمُقَصِّرُ في حَقِّكُمْ زاهِقٌ ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ ، وَميراثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ ، وَإِيابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ ، وَحِسابُهُمْ عَلَيْكُمْ ، وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَكُمْ ، وَآياتُ اللهِ لَدَيْكُمْ ، وَعَزائِمُهُ فيكُمْ ، وَنُورُهُ وَبُرْهانُهُ عِنْدَكُمْ ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ .

مَنْ والاكُمْ فَقَدْ والَى اللهَ ، وَمَنْ عاداكُمْ فَقَدْ عادَ اللهَ ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللهِ ، أَنْتُمُ الصِّراطُ الْأَقْوَمُ ، وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ ، وَشُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ ، وَالْأَمانَةُ الْمَحْفُوظَةُ ، وَالْبابُ الْمُبْتَلىٰ بِهِ النّاسُ .

مَنْ أَتيكُمْ نَجىٰ ، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ ، إِلَى اللهِ تَدْعُونَ ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ ، وَإِلىٰ سَبيلِهِ تُرْشِدُونَ ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ ،

سَعَدَ مَنْ وٰالاٰكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عٰاداٰكُمْ، وَخٰابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فٰارَقَكُمْ، وَفٰازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ.

مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْويٰهُ، وَمَنْ خٰالَفَكُمْ فَالنّٰارُ مَثْويٰهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كٰافِرٌ، وَمَنْ حٰارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هٰذٰا سٰابِقٌ لَكُمْ فيمٰا مَضىٰ، وَجٰارٍ لَكُمْ فيمٰا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوٰاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطينَتَكُمْ وٰاحِدَةٌ، طٰابَتْ وَطَهُرَتْ بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ.

خَلَقَكُمُ اللهُ أَنْوٰاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقينَ، حَتّٰى مَنَّ عَلَيْنٰا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلاٰتَنٰا (صَلَوٰاتِنٰا) عَلَيْكُمْ، وَمٰا خَصَّنٰا بِهِ مِنْ وِلاٰيَتِكُمْ، طيباً لِخَلْقِنٰا، وَطَهٰارَةً لِأَنْفُسِنٰا، وَتَزْكِيَةً لَنٰا، وَكَفّٰارَةً لِذُنُوبِنٰا، فَكُنّٰا عِنْدَهُ مُسَلِّمينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفينَ بِتَصْديقِنٰا إِيّٰاكُمْ.

فَبَلَغَ اللهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ، وَأَعْلىٰ مَنٰازِلِ الْمُقَرَّبينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجٰاتِ الْمُرْسَلينَ، حَيْثُ لاٰ يَلْحَقُهُ لاٰحِقٌ، وَلاٰ يَفُوقُهُ فٰائِقٌ، وَلاٰ يَسْبِقُهُ سٰابِقٌ، وَلاٰ يَطْمَعُ في إِدْرٰاكِهِ طٰامِعٌ، حَتّٰى لاٰ يَبْقىٰ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلاٰ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلاٰ صِدّيقٌ وَلاٰ شَهيدٌ، وَلاٰ عٰالِمٌ وَلاٰ جٰاهِلٌ، وَلاٰ دَنِيٌّ وَلاٰ فٰاضِلٌ، وَلاٰ مُؤْمِنٌ صٰالِحٌ، وَلاٰ فٰاجِرٌ طٰالِحٌ، وَلاٰ جَبّٰارٌ عَنيدٌ، وَلاٰ شَيْطٰانٌ مَريدٌ، وَلاٰ خَلْقٌ فيمٰا بَيْنَ ذٰلِكَ شَهيدٌ إِلّٰا عَرَّفَهُمْ جَلاٰلَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمٰامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ مَقٰاعِدِكُمْ، وَثَبٰاتَ مَقٰامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرٰامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخٰاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَأَهْلي وَمٰالي وَأُسْرَتي، أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمٰا آمَنْتُمْ بِهِ، كٰافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمٰا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلاٰلَةِ مَنْ

خٰالَفَكُمْ، مُوٰالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيٰائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدٰائِكُمْ وَمُعٰادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمٰا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمٰا أَبْطَلْتُمْ، مُطيعٌ لَكُمْ، عٰارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيٰابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ.

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عٰامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجيرٌ بِكُمْ، زٰائِرٌ لَكُمْ، لاٰئِذٌ عٰائِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمُكُمْ أَمٰامَ طَلِبَتي وَحَوٰائِجي، وَإِرٰادَتي في كُلِّ أَحْوٰالي وَأُمُوري.

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلاٰنِيَتِكُمْ، وَشٰاهِدِكُمْ وَغٰائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّٰى يُحْيِيَ اللهُ تَعٰالىٰ دينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ في أَيّٰامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ في أَرْضِهِ.

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لاٰ مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمٰا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدٰائِكُمْ، وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّٰاغُوتِ وَالشَّيٰاطينِ وَحِزْبِهِمُ الظّٰالِمينَ لَكُمْ، اَلْجٰاحِدينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمٰارِقينَ مِنْ وِلاٰيَتِكُمْ، وَالْغٰاصِبينَ لِإِرْثِكُمْ، اَلشّٰاكّينَ فيكُمْ، اَلْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطٰاعٍ سِوٰاكُمْ، وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذينَ يَدْعُونَ إِلَى النّٰارِ.

فَثَبَّتَنِيَ اللهُ أَبَداً مٰا حَييتُ عَلىٰ مُوٰالاٰتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ، وَوَفَّقَني لِطٰاعَتِكُمْ، وَرَزَقَني شَفٰاعَتَكُمْ، وَجَعَلَني مِنْ خِيٰارِ مَوٰاليكُمْ، اَلتّٰابِعينَ لِمٰا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَني مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثٰارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ، وَيَهْتَدي بِهُدٰيكُمْ، وَيُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرَّفُ في عٰافِيَتِكُمْ، وَيُمَكَّنُ في

أَيّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي، مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

مَوالِيَّ لا اُحْصي ثَنائَكُمْ، وَلا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيارِ، وَهُداةُ الْأَبْرارِ، وَحُجَجُ الْجَبّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللهُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ، وَإِلىٰ جَدِّكُمْ ـ و اگر زيارت اميرالمؤمنين عليه السلام باشد بجاى وَإِلىٰ جَدِّكُمْ بگو: وَإِلىٰ أَخيكَ ـ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمينُ.

آتاكُمُ اللهُ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ، طَأْطَأَ كُلُّ شَريفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفازَ الْفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوانِ، وَعَلىٰ مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمانِ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي، ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ، وَأَسْماؤُكُمْ فِي الْأَسْماءِ، وَأَجْسادُكُمْ فِي الْأَجْسادِ، وَأَرْواحُكُمْ فِي الْأَرْواحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَآثارُكُمْ فِي الْآثارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ.

فَما أَحْلىٰ أَسْمائَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفىٰ عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمُ التَّقْوىٰ، وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ، وَعادَتُكُمُ الْإِحْسانُ، وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمُ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ

وَأَصْلَهُ، وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْوِيهُ وَمُنْتَهاهُ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ، وَاُحْصي جَميلَ بَلائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ.

بِأَبي أَنْتُمْ وَاُمّي وَنَفْسي، بِمُوالاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللهُ مَعالِمَ دينِنا، وَأَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا، وَبِمُوالاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَالدَّرَجاتُ الرَّفيعَةُ، وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجاهُ الْعَظيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبيرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

رَبَّنا آمَنّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا، وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ، سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً.

يا وَلِيَّ اللهِ، إِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها إِلّا رِضاكُمْ، فَبِحَقٍّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلىٰ سِرِّهِ، وَاسْتَرْعاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي، وَكُنْتُمْ شُفَعائي، فَإِنّي لَكُمْ مُطيعٌ، مَنْ أَطاعَكُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللهَ، وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللهَ.

أَللّٰهُمَّ إِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيارِ، اَلْأَئِمَّةِ الْأَبْرارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعارِفينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفي زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ،

وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّٰاهِرِينَ، وَسَلَّمَ كَثِيراً، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.[1]

زیارت امین الله و فضیلت آن

به مناسبت سه جهت زیارت امین الله را ذکر می‌نمائیم:

۱ ـ همان گونه که حضرت باقر العلوم علیه السلام فرموده‌اند: هر کس این زیارت را بخواند در نامه‌ای از نور نوشته شده و به محضر حضرت بقیّة الله **ارواحنا فداه** تسلیم می‌گردد.

۲ ـ زیارت امین الله، زیارتی است که حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی له الفرج آن را قرائت نموده‌اند، همانگونه که در جریان تشرّف حاج علی بغدادی به آن تصریح شده است.

۳ ـ آن حضرت این زیارت را افضل زیارات دانسته‌اند که در جریان تشرّف حاج علی بغدادی خدمت آن بزرگوار به آن تصریح فرموده‌اند.

مطلب مهمّی که از جریان مذکور استفاده می‌شود این است که زیارت امین الله از زیارات جامعه است، یعنی در همهٔ حرم‌های مطهّر ائمّهٔ اطهار علیهم السلام قرائت می‌شود، همان گونه که حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه این زیارت را در حرم کاظمین علیهما السلام خواندند.

محدّث بزرگوار مرحوم محدّث قمی می‌گوید:

زیارتی که به «امین الله» معروف شده، زیارت معتبری است که در همهٔ کتاب‌های مزار و مصابیح نقل شده است، علّامهٔ مجلسی رحمه الله در مورد این زیارت می‌گوید: این زیارت بهترین زیارت از جهت متن و سند است، و بایستی که در همهٔ روضه‌های مقدّسه به خواندن این زیارت مواظبت شود.

این زیارت به **سندهای معتبر** از جابر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده است، که

---

۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۷۱، مزار آقا جمال خوانساری: ۶۰.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

امام زین العابدین علیه السلام کنار قبر مطهّر امیر مؤمنان علی علیه السلام ایستاد و گریست و در زیارت آن حضرت چنین گفت:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمينَ اللهِ في أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلىٰ عِبادِهِ، (اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَميرَالْمُؤْمِنينَ)[1]، أَشْهَدُ أَنَّكَ جاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتّٰى دَعاكَ اللهُ إِلىٰ جِوارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْداءَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلىٰ جَميعِ خَلْقِهِ.

أَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ، راضِيَةً بِقَضائِكَ، مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيائِكَ، مَحْبُوبَةً في أَرْضِكَ وَسَمائِكَ، صابِرَةً عَلىٰ نُزُولِ بَلائِكَ، شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِكَ، ذاكِرَةً لِسَوابِغِ آلائِكَ، مُشْتاقَةً إِلىٰ فَرْحَةِ لِقائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوىٰ لِيَوْمِ جَزائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيائِكَ، مُفارِقَةً لِأَخْلاقِ أَعْدائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ.

آن گاه گونهٔ مبارک خود را بر قبر مطهّر نهاد و گفت:

أَللّٰهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ إِلَيْكَ والِهَةٌ، وَسُبُلَ الرّاغِبينَ إِلَيْكَ شارِعَةٌ، وَأَعْلامَ الْقاصِدينَ إِلَيْكَ واضِحَةٌ، وَأَفْئِدَةَ الْعارِفينَ مِنْكَ فازِعَةٌ، وَأَصْواتَ الدّاعينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ، وَأَبْوابَ الْإِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ.

وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكىٰ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ، وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ.

---

۱. این فقره از زیارت؛ در حرم حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام خوانده شود.

وَأَعْمالَ الْعامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزاقَكَ إِلَى الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ واصِلَةٌ، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوائِزَ السّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ، وَعَوائِدَ الْمَزِيدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّماءِ مُتْرَعَةٌ.

أَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائي، وَاقْبَلْ ثَنائي، وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ أَوْلِيائي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمائي، وَمُنْتَهىٰ مُنايَ، وَغايَةُ رَجائي في مُنْقَلَبي وَمَثْواىَ.

در کتاب «کامل الزیارات» بعد از این زیارت، این فقرات را نیز آورده است:

أَنْتَ إِلٰهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيائِنا، وَكُفَّ عَنّا أَعْدائَنا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذانا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلىٰ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود:

هرکس از شیعیان ما، این زیارت و دعا را کنار قبر امیر مؤمنان علی علیه‌السلام یا قبر یکی از ائمّه علیهم‌السلام بخواند خدای متعال آن را در نامه‌ای از نور بالا می‌برد، و مهر حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بر آن می‌زنند، و آن نامه را نگه می‌دارند **تا به قائم آل محمّد علیه‌السلام تسلیم نمایند**، و آن نامه با بشارت و تحیّت و کرامت به استقبال صاحبش می‌آید ان شاء الله تعالی.[1]

۱. مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهجّد: ۷۳۸، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با اندکی تفاوت.

زیارت وارث [۱]

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ نُـوحٍ نَـبِيِّ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ إِبْرٰاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا وٰارِثَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ.

اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فٰاطِمَةَ الزَّهْرٰاءِ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يَابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرىٰ، اَلسَّلٰامُ عَلَيْكَ يٰا ثٰارَ اللهِ وَابْنَ ثٰارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ، وَاٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ حَتّٰى أَتٰاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ.

يٰا مَوْلٰايَ يٰا أَبٰاعَبْدِاللهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلٰابِ الشّٰامِخَةِ وَالْأَرْحٰامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجٰاهِلِيَّةُ بِأَنْجٰاسِهٰا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّٰاتِ ثِيٰابِهٰا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعٰائِمِ الدِّينِ وَأَرْكٰانِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمٰامُ الْـبَرُّ التَّـقِيُّ الرَّضِـيُّ الزَّكِيُّ الْهٰادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَأَعْلٰامُ الْهُدىٰ، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَالْحُجَّةُ عَلىٰ أَهْلِ الدُّنْيٰا.

وَأُشْهِدُ اللهَ وَمَلٰائِكَتَهُ وَأَنْبِيٰائَهُ وَرُسُلَهُ أَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيٰابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرٰايِعِ دِيني، وَخَوٰاتِيمِ عَمَلي، وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ، وَأَمْري لِأَمْـرِكُمْ مُـتَّبِعٌ، صَـلَوٰاتُ اللهِ

۱. در جریان تشرّف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهّر کاظمین علیهما السلام، حضرت امام عصر صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله، زیارت وارث را قرائت نمودند.

عَلَيْكُمْ وَعَلىٰ أَرْوٰاحِكُمْ، وَعَلىٰ أَجْسٰادِكُمْ وَعَلىٰ أَجْسٰامِكُمْ، وَعَلىٰ شٰاهِدِكُمْ وَعَلىٰ غٰائِبِكُمْ، وَعَلىٰ ظٰاهِرِكُمْ وَعَلىٰ بٰاطِنِكُمْ.

آن گاه خود را به روی قبر بیانداز و ببوس آن را و بگو:

بِأَبي أَنْتَ وَاُمّي يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، بِأَبي أَنْتَ وَاُمّي يٰا أَبٰاعَبْدِاللهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ بِكَ عَلَيْنٰا وَعَلىٰ جَميعِ أَهْلِ السَّمٰاوٰاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتٰالِكَ.

يٰا مَوْلاٰيَ يٰا أَبٰاعَبْدِاللهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلىٰ مَشْهَدِكَ، أَسْئَلُ اللهَ بِالشَّأْنِ الَّذي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَني مَعَكُمْ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ.

پس از آن برخیز و در بالاسر دو رکعت نماز بخوان، با هر سوره‌ای که می‌خواهی، و پس از نماز بگو:

أَللّٰهُمَّ إِنّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحْدَكَ لٰا شَريكَ لَكَ، لِأَنَّ الصَّلٰوةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لٰا يَكُونُ إِلّٰا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لٰا إِلٰهَ إِلّٰا أَنْتَ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنّي أَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ.

أَللّٰهُمَّ وَهٰاتٰانِ الرَّكْعَتٰانِ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ مَوْلاٰيَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلٰامُ. أَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْ مِنّي، وَأْجُرْني عَلىٰ ذٰلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلي وَرَجٰائي فيكَ وَفي وَلِيِّكَ، يٰا وَلِيَّ الْمُؤْمِنينَ.

بعد از آن در پائین پای قبر آن حضرت و نزد سر حضرت علیّ بن الحسین علیه‌السلام بایست و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ نَبِيِّ اللهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ

أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّـهَا الشَّـهِيدُ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ ، لَـعَنَ اللهُ أُمَّـةً قَـتَلَتْكَ ، وَلَـعَنَ اللهُ أُمَّـةً ظَلَمَتْكَ ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ .

سپس خود را بر قبر مطهّرش بیفکن و ببوس آن را و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّـةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلىٰ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ ، فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ ، وَأَبْرَءُ إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ .

آن گاه از دری که پائین پای حضرت علیّ بن الحسین علیه‌السلام است بیرون برو و متوجّه شو به سوی شهداء و بگو:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَوْلِياءَ اللهِ وَأَحِبّائَهُ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يـا أَصْـفِياءَ اللهِ وَأَوِدّائَـهُ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ دِينِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ رَسُولِ اللهِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ .

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْـصارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النّاصِحِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَنْصارَ أَبِـي عَـبْدِاللهِ ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَاُمّي ، طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتي فِيها دُفِنْتُمْ ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَـظِيماً ، فَـيا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ .

بعد برگرد به بالاسر حضرت امام حسین علیه‌السلام ، و از برای خود و اهل و اولاد و پدر و مادر و برادران خود بسیار دعا کن ، زیرا که در آن روضهٔ مطهّره ردّ نمی‌شود دعاء دعاکننده و نه سؤال سؤال کننده.[1]

* * * *

۱. مفاتیح الجنان: ۸۴۹.

خدای متعال به برکت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه توفیق تألیف این کتاب را لطف فرمود و با عنایات آن حضرت این مجموعه به پایان رسید.

وأنا العبد الفاني مرتضى، ابن الورع العابد ذي المجد والسداد، السيّد محمّد جواد، المتوفّى في يوم عاشوراء سنة ۱۴۱۵ هـ بعد قرائة زيارة عاشوراء في مجلس العزاء لسيّد الشهداء عليه آلاف التحيّة والثناء، ابن العالم العابد الزاهد السيّد محمّد باقر، ابن العالم الربّاني آية الله العظمى السيّد علي السيستاني أعلى الله مقامه.

منابع و مصادر کتاب

قرآن کریم

«الف»

أبواب الجنّات في آداب الجمعات:

تألیف: آیة الله سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، مؤسّسهٔ الإمام المهدي ـ قم

الإحتجاج:

تألیف: عالم بزرگوار احمد بن علی طبرسی، مکتبهٔ مصطفوی ـ قم

أدب الزائر:

تألیف: مرحوم علّامهٔ امینی، نجف اشرف

أربعة أیّام:

تألیف: عالم نامی مرحوم میرداماد، قم

اصول کافی:

تألیف: محدّث شهیر مرحوم کلینی، دار الکتب الإسلامیّه ـ تهران

إقبال الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسّسۀ مطبوعاتى اعلمى ـ بيروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسّسۀ آل البيت عليهم السلام ـ قم

«ب»

الباقيات الصالحات:

تأليف: مرحوم محدّث قمى، علمى ـ تهران

بحار الأنوار:

تأليف: علّامه محمّد باقر مجلسى رحمه الله، منشورات مكتبۀ اسلاميّه ـ تهران

بشارة الإسلام:

تأليف: عالم بزرگوار سيّد مصطفى كاظمى، منشورات مكتبۀ حيدريّه ـ نجف اشرف

البلد الأمين:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمى، مؤسّسۀ أعلمى ـ بيروت

«ت»

تبصرة الولي:

تأليف: علّامه سيّد هاشم بحرانى، مؤسّسۀ معارف اسلامى ـ قم

التحفة الرضويّة في مجرّبات الإماميّة:

تأليف: دانشمند محترم محمّد رضى رضوى ـ طهران

تحفۀ طوسيّه:

تأليف: مرحوم محدّث قمى، انتشارات فؤاد ـ تهران

التشريف بالمنن المعروف بالملاحم والفتن:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، نشر مؤسسّهٔ صاحب الأمر ـ قم

تكاليف الأنام في غيبة الإمام:

تأليف: عالم محترم علی اکبر همدانی، انتشارات بدر ـ تهران

«ث»

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق ﷺ، منشورات مطبعهٔ حيدريّه ـ نجف اشرف

«ج»

جمال الأسبوع:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسّسهٔ آفاق ـ تهران

جنّات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی، چاپ سنگی ـ تهران

جنّة المأوى:

تأليف: مرحوم محدّث نوری، منشورات مكتبهٔ اسلاميّه ـ تهران

«د»

دار السلام:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ محمود عراقی، منشورات مكتبهٔ اسلاميّه ـ تهران

دار السلام فيما يتعلّق بالرؤيا والمنام:

تأليف: مرحوم محدّث نوری، انتشارات معارف اسلامی ـ قم

الدعوات:

تأليف: عالم شهير قطب الدين راوندی، مؤسّسهٔ الإمام المهدي ـ قم

دلائل الإمامة:

تألیف: محدّث خبیر ابی جعفر محمّد بن جریر بن رستم طبری، مؤسّسهٔ بعثت ـ قم

«ز»

زاد المعاد:

تألیف: علّامهٔ مجلسی، مکتبهٔ اسلامیّه ـ تهران

الزیارة والبشارة:

تألیف: آیة الله سیّد احمد مستنبط، مطبعهٔ جدید الغریّ ـ نجف

«ص»

الصحیفة الصادقیّة:

تألیف: آیة الله شیخ احمد بحرانی قطیفی، تحقیق دار المصطفی ﷺ ـ قم

«ع»

العبقریّ الحسان:

تألیف: آیة الله شیخ علی اکبر نهاوندی، انتشارات دبستانی ـ تهران

عدّة الداعي:

تألیف: عالم ربّانی أحمد بن فهد حلّی، منشورات مکتبهٔ وجدانی ـ قم

العدد القویّة:

تألیف: عالم جلیل القدر علی بن یوسف حلّی، منشورات کتابخانهٔ آیة الله مرعشی ـ قم

عمدة الزائر:

تألیف: آیة الله سیّد حیدر حسنی کاظمی، منشورات دار التعارف ـ بیروت

«غ»

الغدير:

تألیف: علّامهٔ امینی، منشورات کتابخانهٔ عمومی امیرالمؤمنین علیه‌السلام ـ تهران

الغيبة:

تألیف: شیخ الطائفه ابو جعفر محمّد طوسی، منشورات کتابفروشی بصیرتی ـ قم

«ف»

فتح الأبواب:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس، مؤسّسهٔ آل البیت علیهم‌السلام ـ قم

فرحة الغري:

تألیف: عالم بزرگوار عبدالکریم بن طاووس، مطبعهٔ حیدریّه ـ نجف اشرف

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه‌السلام:

تحقیق مؤسّسه آل البیت علیهم‌السلام، کنگرهٔ جهانی امام رضا علیه‌السلام ـ مشهد مقدّس

فلاح السائل:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس، منشورات دار الإسلامیّه ـ بیروت

«ق»

قصص الأنبياء:

تألیف: عالم جلیل القدر قطب الدین راوندی، نشر الهادی ـ قم

«ک»

كامل الزيارات:

تألیف: محدّث خبیر جعفر بن محمّد بن قولویه، نشر الفقاهه ـ قم

الكلم الطيّب:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد على خان مدنى، مكتبۀ نجاح ـ تهران

كمال الدين:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق ﷺ، منشورات دارالكتب اسلاميّه ـ تهران

«م»

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تأليف: محدّث بزرگوار سيّد هبة الله موسوى، وزارت ارشاد ـ تهران

المختار من كلمات الإمام المهدي:

تأليف: آية الله شيخ محمّد غروى ـ قم

المزار الكبير:

تأليف: عالم بزرگوار ابو عبدالله محمّد بن جعفر مشهدى، نشر قيّوم ـ قم

المزار:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، مؤسّسۀ الإمام المهدي ـ قم

المزار:

تأليف: شهيد اوّل، مؤسّسۀ معارف اسلامى ـ قم

مزار:

تأليف: عالم جليل القدر آقا جمال خوانسارى، قم

مستدرك الوسائل:

تأليف: مرحوم محدّث نورى، تحقيق مؤسّسۀ آل البيت عليهم السلام ـ قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملى كفعمى، منشورات مؤسّسۀ أعلمى ـ بيروت

مصباح الزائر:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس، مؤسّسهٔ آل البیت علیهم‌السلام ـ قم

مصباح المتهجّد:

تألیف: شیخ الطائفه ابوجعفر محمّد طوسی، مؤسّسهٔ فقه الشیعه ـ بیروت

معادن الحکمة:

تألیف: محدثّ بزرگوار محمّد بن فیض کاشانی، مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

مفاتح الغیب:

تألیف: علّامهٔ مجلسی، آستان قدس رضوی ـ مشهد مقدّس

مفاتیح الجنان:

تألیف: مرحوم محدّث قمی، مؤسّسهٔ علمی ـ تهران

مفتاح الجنّات:

تألیف: آیة الله سیّد محسن امین، دارالتعارف ـ بیروت

مفتاح الفلاح:

تألیف: عالم بزرگوار بهاء الدین عاملی، مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

المقام الأسنی:

تألیف: عالم بزرگوار شیخ ابراهیم کفعمی، مؤسّسهٔ قائم آل محمّد عجّل الله فرجه ـ قم

مکارم الأخلاق:

تألیف: محدّث نامی شیخ حسن بن فضل طبرسی، منشورات مؤسّسهٔ نشر اسلامی ـ قم

مکیال المکارم في فوائد الدعاء للقائم:

تألیف: آیة الله سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، مؤسّسهٔ الإمام المهدي ـ قم

المنتخب:

تألیف: عالم بزرگوار فخرالدین طریحی، منشورات شریف رضی ـ قم

منهاج العارفین:

تألیف: عالم بزرگوار محمّد حسن سمنانی، مکتبهٔ محمودی ـ تهران

مهج الدعوات:

تألیف: عالم جلیل القدر سیّد بن طاووس، دارالکتب اسلامیّه ـ تهران

«ن»

نجم الثاقب:

تألیف: مرحوم محدّث نوری، انتشارات مسجد مقدّس جمکران ـ قم

نزهة الزاهد:

تألیف: یکی از اعلام قرن ششم، اهل قلم ـ تهران